



فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

شماره ۳۱. بهار ۱۳۹۵

شاپا: ۱۷۳۵-۲۲۴X

صاحب امتیاز: وزارت ورزش و جوانان

مدیرمسئول: محمد رضا فضلی

سردبیر: سید نصراله سجادی

مدیر داخلی و ویراستار: زهرا کمالیان

صفحه آرا: پردیس واهب زاده

چاپ و صحافی: نشر دانشگاه هنر

مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی

بزرگراه آفریقا، خیابان سایه، پلاک ۴، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان

تلفن: ۲۲۶۶۲۳۶۹، دورنگار: ۲۲۶۶۲۲۶۰

رایانامه: strategic.studies@msy.gov.ir

اقتباس و درج مطالب با ذکر ماخذ آزاد است.

فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان دارای

اعتبار علمی - پژوهشی $\frac{۳/۱۸/۸۰۳۳}{۱۳۹۳/۱/۲۵}$ از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است
و در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه می شود.

هیئت تحریریه: (به ترتیب الفبا)

کیومرث اشتریان

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمدجواد پور

استادیار گروه روش ها و برنامه های آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

سید نصراله سجادی

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران و معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای وزارت

ورزش و جوانان

مهدی طالب پور

دانشیار گروه رفتار حرکتی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد

محمدحسین عبدالهی

دانشیار گروه روانشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی

فرزاد غفوری

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی

محمد کشتی دار

دانشیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند

محمود گلزاری

دانشیار گروه روانشناسی بالینی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی و معاون ساماندهی امور

جوانان وزارت ورزش و جوانان

امیر ملکی

دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

حبیب هنری

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی و عضو کمیته علمی - پژوهشی مرکز مطالعات و

پژوهش های راهبردی وزارت ورزش و جوانان

مشاوران علمی این شماره:

امیر حسین واعظی، حسن کلاشلو، سید محسن بنی جمالی، حمیدرضا نیکخواه، شهرام فرج زاده موالو، لطیف سعادت سیدبگلو، مهدی شکرانی، ذبیح اله صدفی، محمد مهدی شمسایی، مجتبی تمدنی، ستار پروین، مجید کاشانی، احمد بخارایی، نادر رازقی، امید قادرزاده، اصغر محمدی فاتح، محمد خبیری، جواد شهلانی، عبدالرضا امیرتاش، لقمان کشاورز، مهدی نادری نسب، حسن قره خانی، محمد رسول خدادادی، سعید صانعی، حسین پورسلطانی، مسعود نادریان، جبار سیف پناهی، محمد جواد پوروقار، احمد ولی پور ده نو، رسول اسلامی، محمدرضا برومند، فرزاد نوبخت، مهدی سلیمی، علی فهیمی نژاد، کیوان شعبانی مقدم، مهدی مومنی، شهلا کاظمی پور، شیرین احمدنیا، منصوره اعظم آزاده، مریم قاضی نژاد، شراره مهدی زاده، مرجان صفاری، شهرزاد نیری، فاطمه عبدوی، پروین شوشی نسب، طاهره موسوی راد، لاله سامع و لیلا میرآقاسی

اهداف فصلنامه:

۱. ارتقای دانش علمی و بررسی نقادانه سیاست ها و برنامه های موجود
۲. کمک به سیاست گذاری و برنامه ریزی در حوزه ورزش و جوانان
۳. بررسی مسائل و چالش های فراروی جوانان و ورزش کشور با ارائه راهکارهای نوین و مفید در این زمینه ها
۴. انعکاس جدیدترین یافته های جوان پژوهی و ورزشی در داخل و خارج کشور

شرایط چاپ مقالات:

۱. مقالات ارسالی نباید برای هیچ نشریه داخلی یا خارجی ارسال یا در آنها چاپ شده باشد.
۲. مقالات ارسالی، به هیچ وجه مسترد نخواهد شد و پس از طی مراحل ارزیابی و تأیید علمی داوران به چاپ خواهد رسید.
۳. فصلنامه در رد یا پذیرش مقالات و ویرایش مطالب و تغییر عناوین، آزاد است.
۴. مسئولیت مطالب، با نویسندگان است.

راهنمای تنظیم مقاله های فصلنامه

۱- مقاله های قابل پذیرش در فصلنامه عبارت اند از گزارش های علمی از مطالعات تحقیقی که شامل چکیده فارسی و انگلیسی، مقدمه، روش، یافته ها، بحث و تفسیر، نتیجه گیری و منابع باشند.

۲- حجم مقاله ها باید بین ۱۵ تا ۲۵ صفحه A۴ (هر صفحه حدود ۴۰۰ واژه) و در فرمت word 2007 به بالا تایپ شده باشد.

۳- ساختار مقاله ها باید شامل اجزای زیر باشد:

صفحه عنوان: ضروری است که عنوان کامل مقاله در کوتاه ترین و زیباترین شکل، نام کامل نویسندگان، بالاترین مدرک، مقطع و رشته تحصیلی، دانشگاه یا سازمان متبوع و رتبه علمی یا پست سازمانی هر یک از نویسندگان (به فارسی و انگلیسی)، نشانی پستی، تلفن ثابت، تلفن همراه، نامبر و نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول درج شود.

چکیده فارسی و انگلیسی: لازم است که چکیده ای سازمان یافته حداکثر در ۲۵۰ واژه، به زبان فارسی و انگلیسی در بر گیرنده بخش های هدف، روش، یافته ها و نتیجه گیری به صورت فشرده و منعکس کننده اهم مطالب مقاله به همراه ۳ تا ۶ کلمه به عنوان واژگان کلیدی (به گونه ای که مقاله بر مبنای آن نمایه سازی شود) ارائه گردد.

مقدمه: شامل طرح مسئله، پیشینه تحقیق، خلاصه ای از تعاریف، اصول، تئوری ها، مجهولات بجا مانده از تحقیقات قبلی چارچوب نظری، فرضیه ها یا پرسش ها، و نتایج، بحث و و منابع به صورت کامل ارائه گردد.

روش: شامل تبیین روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری و ابزارهای پژوهش است.
یافته ها: یافته های حاصل از روش های آماری می تواند به صورت متن، جدول (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودار (شماره و عنوان در زیر آن) ارائه شود- تعداد جدول ها و نمودارها نباید بیشتر از ۶ عدد باشد.
بحث و نتیجه گیری: ضمن مقایسه یافته های حاصل از این تحقیق با تحقیقات قبلی از منظر شباهت ها و تفاوت ها، به درستی یا نادرستی فرضیه ها و هدف تحقیق اشاره گردد.

منابع: تمامی مقاله ها باید دارای منابع مستند، صحیح و مرتبط باشند و از آنجا که بررسی صحت و سقم تمامی منابع برای اعضای هیئت تحریریه و داوران ممکن نیست، مسئولیت این امر بر عهده نویسنده مسئول می باشد. همچنین، لازم است که منابع مورد استفاده، جدید و از سال ۲۰۰۵ به بعد باشند.

۴- ارجاعات به منابع فارسی و انگلیسی باید به شیوه درون متنی (APA) در داخل پراکنش و به شیوه زیر باشد: (نام خانوادگی مولف، سال انتشارمنبع: شماره صفحه یا صفحات)- چنانچه از نویسنده ای در یک سال، بیش از یک اثر منتشر شده باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.
۵- معادل غیر فارسی واژه های تخصصی، اسامی افراد یا مکان ها، کوه نوشته ها و سر واژه ها، در پاورقی هر صفحه با شماره گذاری مستقل ذکر شود.

۶- هر گونه توضیح اضافی ضروری به ترتیب شماره، در پی نوشت انتهای مقاله، پیش از فهرست منابع بیاید.

۷- فهرست منابع (فارسی یا غیر فارسی) در انتهای مقاله به ترتیب الفبایی نام خانوادگی مولف به شکل زیر تنظیم شود:

- الف. کتاب:** نام خانوادگی مولف، نام. (سال انتشار). عنوان کتاب. نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). محل انتشار: ناشر.
- ب. مقاله:** نام خانوادگی مولف، نام. (سال انتشار). "عنوان مقاله". نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). نام مجله. سال یا دوره، شماره.
- ج. مجموعه مقالات:** نام خانوادگی مولف، نام. (سال انتشار). "عنوان مقاله". نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). در (in) نام و نام خانوادگی ویراستار مجموعه. عنوان مجموعه. محل انتشار: ناشر.
- د. رساله تحصیلی:** نام خانوادگی مولف، نام. (سال تدوین). "عنوان رساله". مقطع تحصیلی، دانشکده و دانشگاه محل تحصیل.
- ه. پایگاه اینترنتی:** نام خانوادگی مولف، نام. (آخرین زمان به روز نمودن سایت). "عنوان مقاله". نشانی پایگاه اینترنتی (تاریخ مراجعه به پایگاه).

فهرست

۹.....	بررسی عوامل موثر بر انواع مخاطرات اجتماعی زندگی جوانان شهر تهران افسانه کمالی، مرضیه موسوی خامنه، زینب عباسی
۳۳.....	بهداشت و سلامت جوانان؛ بررسی وضعیت، تحولات و چالش‌ها سید محسن بنی جمالی
۵۵.....	سنخ شناسی اخلاق در گرایش دختران جوان به مدلینگ سهیلا صادقی فسایی، سمیه بلبلی قادیکلائی
۷۵.....	عوامل اجتماعی مرتبط با امید جوانان به آینده (مطالعه دانشجویان دانشگاه‌های شهر یزد) حسین افراسیابی، فهیمه خویباری، شفیعه قدرتی، سعید دشتی زاد
۸۹.....	تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش جوانان به جرم (در کانون اصلاح و تربیت کرج) ذبیح‌اله صدفی، محمد ولیزاده کولیوند
۱۱۳.....	نگرش به خودکشی، اوتانازی و مرگ هراسی بر حسب نوع دینداری (مطالعه موردی دانشجویان ۱۹-۲۷ ساله دانشگاه خوارزمی) مسعود زمانی مقدم، موسی افضلیان سلامی، سید حسین سراج زاده
۱۲۹.....	کاربرد مدل تحلیل مسیر در تبیین شاخص‌های مؤثر بر موفقیت ورزشی تیم‌های ایران در رویدادهای بین‌المللی غلامرضا شعبانی بهار، نصراله عرفانی، محمود گودرزی، علی متصف
۱۴۷.....	ارزیابی موانع رشد اخلاق حرفه‌ای در بازیکنان و مربیان لیگ برتر فوتبال ایران زهره موسوی، مهدی سلیمی
۱۷۱.....	شناسایی کژکارکردهای سیمای جمهوری اسلامی ایران در حوزه ورزش با استفاده از تکنیک دلفی شهرزاد نیری، مرجان صفاری
۱۹۳.....	تشکیل نهاد داوری ملی ورزش در پرتو جایگاه داوری در حل و فصل اختلافات ورزشی امیر ساعد وکیل، امیرارسلان اسکندری
۲۰۷.....	بررسی و مقایسه سلامت جسمانی و سلامت روان سالمندان کوه‌نورد و سالمندان فعال و غیرفعال شهر تهران عسل رجاییان، هادی زاهدی، مهسا مرتضاییان، شهاب پروین پور
۲۱۹.....	تبیین وضعیت نیازهای شهروندان ارومیه‌ای به ورزش همگانی با توجه به فضاهای ورزشی فاطمه عبدوی، اکرم مهدی زاده

بررسی عوامل موثر بر انواع مخاطرات اجتماعی زندگی جوانان شهر تهران

افسانه کمالی^۱

مرضیه موسوی خامنه^۲

زینب عباسی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۲/۴

تحقیق حاضر به انواع مخاطراتی که جوانان در عصر کنونی با آن مواجه هستند، پرداخته است. مخاطره به تصمیماتی که در لحظات سرنوشت ساز گرفته می شود، اطلاق می شود. مخاطرات اجتماعی از منظرهای مختلف مورد بررسی قرار گرفت و از آن میان، دیدگاه آنتونی گیدنز و آلریش بک به عنوان نظریه محوری انتخاب شد. مخاطره اجتماعی، پیامد ناخواسته تصمیمات افراد است که در شرایط آگاهی و یا عدم آگاهی صورت می گیرد. انواع مخاطراتی که جوانان در این دوران با آن رو به رو هستند، عبارت اند از: رفتارهای پرخطر، رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون، مخاطرات اجتماعی و اقتصادی و مخاطرات مثبت. برخی از این مخاطرات، آثار سویی بر زندگی آنان دارند و برخی دیگر می توانند زندگی آنان را متحول کنند. بدین ترتیب، افراد با آگاهی از انواع مخاطرات می توانند واکنش مناسبی از خود نشان دهند. جمعیت نمونه پژوهش، ۳۳۰ نفر از جوانان (۱۸-۳۰ ساله) دو منطقه شهر تهران بودند که اطلاعات لازم با استفاده از فن پیمایش و تکمیل پرسشنامه گردآوری شد و داده ها نیز بوسیله نرم افزار SPSS تحلیل گردیدند. نتایج نشان می دهد متغیرهای بازاندیشی هویت شخصی، جهانی شدن و فردی شدن از عوامل تاثیرگذار بر انواع مخاطرات اجتماعی هستند که تصمیم افراد تحت تاثیر این عوامل ممکن است به پیامدهای نامطلوبی منتهی می گردد. بین متغیر بحران های جهانی و انواع مخاطرات اجتماعی رابطه ای مشاهده نشد. در مقابل مخاطرات منفی، مخاطراتی نیز وجود دارند

۱. استادیار، جامعه شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

۲. استادیار، جامعه شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

۳. کارشناس ارشد، جامعه شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول) E-mail: zeinababbasi85@yahoo.com

که دارای پیامدهای مطلوب بر افراد هستند و می توانند به عنوان موتور پیشرفت و توسعه هر جامعه و کشوری در نظر گرفته شود. نتایج تحقیق بیانگر آن است که رابطه بین مخاطرات مثبت و جهانی شدن معنادار می باشد. همچنین، بین بازاندیشی هویت شخصی با مخاطرات مثبت رابطه معکوس وجود دارد.

واژگان کلیدی: مخاطره اجتماعی، جهانی شدن، فردی شدن، بحران های جهانی و بازاندیشی هویت شخصی

مقدمه

قدمت مخاطره^۱ به تاریخ عمر آدمی برمی گردد. در تاریخ و تقویم عمر بشر، روزهایی تلخ با نام حوادث و فاجعه های طبیعی مانند زلزله، سیل، طوفان و برخی حوادث دست ساخته بشر نظیر جنگ های مصیبت بار و خونین به ثبت رسیده اند. این وقایع که با ویرانگری ها و آسیب های مختلف انسانی، فیزیکی و اجتماعی همراه بوده اند، به انسان یادآوری می کنند که حوادث، جزئی از زندگی وی محسوب می شوند. علل حوادث طبیعی در عقاید خرافی و مذهبی جستجو می شد. به گمان گذشتگان، خدایان و عوامل ماورایی برای آنان تصمیم می گرفتند. خطرات براساس شانس و اراده افراد تعبیر می شد. به دلیل ضعف علم، فقدان ابزارهای اندازه گیری و تفکر ماورای طبیعی، انسان ها قادر به کنترل و محاسبه نبودند و تسلیم محض طبیعت بودند. نیاز عامل استفاده از قابلیت هاست. در واقع، نیازها موجب شده اند که از قابلیت های خود استفاده کنیم و دانش و فنون مختلفی را برای پاسخ مستمر به خواسته هایمان کشف و خلق کنیم. با پیشرفت هایی که حاصل شد، انسان ها توانستند بر طبیعت غلبه کنند و تاحدی آن را به استخدام خود درآورند. در دوران مدرن، پیشرفت در عرصه علم و فناوری به سایر حوزه های زندگی انسان نیز تسری پیدا کرد.

دنیای متجدد کنونی دارای دو روی سکه است. وجهی از آن، نشان از جنبه های مثبت و سازنده مدرنیته دارد؛ پیشرفت، امنیت، رفاه و آزادی از ویژگی های مثبت آن است. چهره منفی مدرنیته، آکنده از تهدیدها و مخاطرات هول انگیز است. (گیدنز، ۱۳۷۹ به نقل از عنبری ۱۳۹۰) گاه مخاطرات در دل آنچه مثبت تلقی می شود، پنهان گشته است. مدرنیته با گسترش فناوری و افزایش سطح رفاه بر دامنه انتخاب ما درحوزه های مختلف افزوده است، اما درعین حال خطرهای احتمالی بی سابقه ای را وارد میدان زندگی ما کرده است که نسل های پیشین به هیچ وجه با آن ها سروکار نداشتند. مخاطرات اجتماعی، پیامد های نامطلوب تصمیماتی است که در لحظات سرنوشت ساز زندگی گرفته می شود. از مشخصه های دوران مدرن، فردی شدن امور است. به دنبال روند رو به رشد فردی شدن، هنجارها و رسوم سنتی که مبنای تصمیم گیری ما بود، از هم فرو پاشیده، ولی ارزش ها و هنجارهای جدیدی ابداع نگشته است. درنتیجه، افراد در شرایط عدم قطعیت ها قرار گرفته اند و ناگزیر به انتخاب هستند که تصمیم گیری آنان ممکن است به نتایج ناخواسته ای منتهی گردد. مخاطرات از تصمیمات ما ناشی می شوند. این تصمیمات، لزوماً در فضای ناآگاهانه گرفته نمی شوند. علم و فناوری چنان بر بخش های مختلف زندگی ما سیطره یافته اند که انسان ها علی رغم آگاهی از آثار سوء آن، میل بر بهره مندی از آن دارند- نمونه هایی از این تصمیم گیری های آگاهانه را در عمل های جراحی زیبایی می توان دید. بنابراین در بسیاری موارد، افراد به عنوان کنشگران آگاهی که مرتکب اشتباه شده اند، مقصر شناخته می شوند و مورد سرزنش قرار می گیرند. در هر صورت، افراد در مقابل عمل خود مسئول هستند. پیوند مدرنیته با جهانی شدن منجر به جهانی شدن مخاطرات شده است، چرا که تصمیماتی که در گذشته با اتکا به داده هایی محدود گرفته می شد، اکنون با گسترش ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی دامنه وسیع تری یافته و افراد گزینه های بیشتری برای انتخاب دارند، اما از طرف دیگر، عدم قطعیت ها مسائل و مشکلاتی را برای آنان ایجاد می کند. بنابراین، در دوران مدرنیته، ما با مخاطرات بزرگتری در فضای متفاوتی رو به رو هستیم. بشر بیش از گذشته ناامنی، اضطراب و ترس را تجربه می کند. انسان امروز با بحران های جهانی نظیر مسائل زیست - محیطی، تروریسم و بحران های اقتصادی رو به روست. بدین ترتیب، پیامدهای نامطلوب تصمیمات اشتباه انسان ها، در سطح خرد و یا سطح کلان (سیاستمداران) ابعاد جهانی پیدا کرده است. اضطراب، همبسته طبیعی هر نوع خطر است. هر نوع تصمیمی در لحظات سرنوشت ساز با ترس و دلهره از پیامدهای آن همراه

است. در عصر تجدد، مخاطرات اجتماعی بیش از هر زمان دیگری زندگی ما را به تسخیر خود درآورده است. برخی از مخاطرات، پیامدهای بد و نامطلوبی در زندگی ما دارند. بنابراین یک گرایش تدافعی نسبت به مخاطره حکمفرما شده است، آنچه فرهنگ ایمنی یا فرهنگ امنیت نامیده می شود، مخاطراتی است که همواره به وسیله اصول پیشگیرانه امنیت که بهتر از تاسف است، شکل داده می شود. این حالت عجیب مخاطره با مسئولیت فردی فزاینده در برابر مخاطره شدت می یابد، (کمشال، ۱۳۹۱) این درحالی است که از اثرات مثبت برخی از مخاطرات نمی توان چشم پوشید و اصل احتیاط گرایی و نظارت و خود مراقبتی رفتار در برخورد با این نوع مخاطرات، عاملی بازدارنده در جهت دستیابی به کمال خود و ترقی جامعه محسوب خواهد شد. در این شرایط افراد مخاطره پذیر می توانند به توانمندی و شکوفایی جامعه کمک کنند. خودانتقادی و نظارت در برخی حوزه ها تقویت کننده است و افراد را در مقابل برخی از مخاطرات حفظ می کند، اما افراد محتاط در هنگام تصمیم گیری های بزرگ و سرنوشت ساز زندگی که نیاز به برخورداری از اعتماد به نفس بالا، خودباوری و توانمندی دارد، توان خطر کردن ندارند. بنابراین در جهت حفظ موقعیت فعلی گام برمی دارند و فرصت های پیشرفت را از دست می دهند. عدم توان رویارویی درست و منطقی و مقابله با مخاطرات متاخر سبب شده که همچون گذشته فال بینی، رمالی و اعتقاد به سحر و جادو در جامعه اشاعه یابد. این علوم کاذب، راه را برای دستیابی به معرفت حقیقی می بندند و تلاش و پشتکار، ایمان و صبر جای خود را به سحر و جادو می دهند. بدین ترتیب، در شرایط فعلی جامعه ما نیاز به بازنگری و اصلاح و تغییر دارد. در غیر این صورت، این شرایط نمی تواند جامعه را به سوی پیشرفت، خودکفایی و توسعه هدایت نماید.

دوران جوانی، حساس ترین و پرمخاطره ترین دوران زندگی انسان است. دوران جوانی، زمان تصمیم گیری های اساسی است که عموماً تأثیر بسزایی بر تمام ابعاد زندگی فردی بر جای می گذارند. در شرایط پر تحول و تغییرات پرشتاب و پر آشوب جامعه ما و عدم وجود دانش قطعی، اغلب تصمیمات جوانان در فضایی سرشار از آشفتگی و سردرگمی صورت می بندد. در چنین نظامی، سرنوشت و تقدیر نقشی برعهده ندارند و جوانان خود مسئول تصمیم گیری ها و پیامدهای ناشی از آن به شمار می آیند. علی رغم اینکه ما با پدیده تورم جوانی جمعیت رو به رو هستیم، اما با پیچیده شدن حیات اجتماعی، جوانان که مهم ترین نقش را در سازندگی و آبادانی این مرز و بوم دارند، به بزرگترین چالش و دغدغه مسئولان و خانواده ها تبدیل گشته اند. آمارهای رسمی و غیررسمی، وجود مخاطراتی که جوانان امروزی با آن رو به رو هستند، تایید می کند. این تحقیق به منظور ارزیابی انواع مخاطرات زندگی جوانان صورت می گیرد و به دلیل پیوند مدرنیته با مخاطرات اجتماعی در پی آنیم که دریابیم آیا مولفه های گره خورده با مدرنیته، مانند جهانی شدن، فردی شدن و بحران های جهانی، در ایجاد مخاطرات اجتماعی نیز تاثیرگذار هستند؟

پیشینه پژوهش

اصطلاح مخاطره اجتماعی، یکی از اصطلاحات جدید در حوزه جامعه شناسی است. به دلیل تازگی و جدید بودن این اصطلاح، تحقیقات چندانی در این حوزه انجام نشده است. در اینجا به برخی از جدیدترین آنها اشاره می شود.

مهدی امیرکافی در مقاله ای با عنوان «بررسی احساس امنیت و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)» در مجله تحقیقات علوم اجتماعی ایران (۱۳۸۷) مخاطره را به عنوان احتمال حوادث نامطلوب و زیانبار تعریف می کند که با درجاتی از اعتماد، پذیرش مسئولیت و تعهد و یا اشتراک در منافع، تشدید و یا تخفیف می یابد. او به این نتیجه دست می یابد که یک چرخه معیوب میان بی نظمی اجتماعی، مخاطره و احساس

نا امنی و ترس وجود دارد که می توانند یکدیگر را تولید و باز تولید نمایند. اما اعتماد به عنوان ابزاری برای مهار مخاطره و مقابله با عدم قطعیت هاست که از سوی کنشگران به کار گرفته می شود.

میکایل سیگریست^۱ و جورج سودکویچ^۲ (۲۰۰۰) در مقاله ای با عنوان "ادراک مخاطره: با تاکید بر نقش اعتماد اجتماعی و دانش" نشان می دهند که اعتماد اجتماعی به کارشناسان (کسانی که مخاطرات را مدیریت می کنند) به طور قوی با قضاوت درباره مخاطره و سودها همبستگی دارد. بررسی مطالعات حاضر در راستای این پرسش می باشد که برای چه این ها مخاطره هستند؟ فرض مسلمی وجود دارد که افراد در هنگام فقدان دانش درباره مخاطره، ناگزیر هستند به کارشناسان اعتماد کنند که آنان در ادراک سودها و مخاطرات نقش تعیین کننده ای خواهند داشت. از طرف دیگر، هنگامی که یک فرد درباره مخاطره دانشی دارد، نیازی به اعتماد بر اقتدار مدیران و کارشناسان ندارد. در ۲۵ زمینه مخاطره آمیز فناوری و فعالیت های بشری، پیوند قوی بین اعتماد اجتماعی، قضاوت سودها و مخاطرات و عدم آگاهی وجود دارد. هیچ رابطه معناداری بین اعتماد اجتماعی و قضاوت سودها و مخاطرات و آگاهی مردم از مخاطرات یافته نشد. در نتیجه، پیشنهاد می شود عامه مردم غیر متخصص که درباره مخاطرات دانشی ندارند، در قضاوت سودها و مخاطرات بر اعتماد اجتماعی تکیه کنند.

ادبیات نظری

تا آنجا که به مخاطره مربوط است، زندگی همیشه امری مخاطره آمیز بوده است. از گذشته های دور تاکنون، دیدگاه های متفاوتی نسبت به مخاطره وجود داشته است. در این بخش، ما تنها به مخاطرات اجتماعی و فرهنگی می پردازیم.

مخاطرات روان شناختی^۳

در این رویکرد، ادراک افراد از محیط پیرامون و این که تا چه اندازه شرایط را نا مطلوب می بینند، بر ارزیابی کارشناسان و غیرمتخصصان تاثیر می گذارد. رویکرد روان شناختی بر روش های علمی در شناسایی و محاسبه مخاطره تکیه دارد. با این روش، مخاطرات به شکل آماری قابل محاسبه هستند. واکنش افراد و گروه های اجتماعی نسبت به مخاطرات واقعی که در هر موقعیتی وجود دارند، براساس قضاوت های شخصی و ذهنی است. مشکل چنین رویکرد هایی آن است که تمایل دارند معانی و رفتار های مرتبط با مخاطره را تا حد ادراک از مخاطره کاهش دهند و ارزیابی ها در سطح فردی است. دوگلاس و بک هر دو ضعف ارزیابی مخاطرات فردی شده را در ناکامی آنان در محاسبه و ارزیابی عینیت های علمی در بستر سیاسی و فرهنگی می دانند. (دنی، ۲۰۰۵: ۱۲)

مخاطرات فرهنگی^۴

ماری دوگلاس، از برجسته ترین چهره های رویکرد فرهنگی است. او و تعدادی از پیروانش نگاه شان به مخاطره از منظر ساختارگرایی کارکردی است. دوگلاس (۱۹۹۶) خودش را از تفاسیر فردی شده جدا می کند. او اصرار دارد که مخاطره، مفهومی عینی و قابل اندازه گیری نیست، اما دارای ساختار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. مخاطره را باید در متن و بستر اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار داد. (لاپتن، ۱۹۹۹: ۳۱)

1. Michael Siegrist
2. George Cvetkovich
3. Psychological risks
4. Culture risks
5. Lupton

مخاطرات اجتماعی^۱

شامل رویکردهای پدیدار شناختی^۲، رویکرد حکومت گرایی^۳ و رویکرد جامعه مخاطره آمیز^۴ است. شارحان پدیدار شناختی یا هرمنوتیک بررسی می کنند که افراد چگونه جهان شان را به عنوان یک واقعیت تفسیری و با استفاده از معانی و دانش عرفی تجربه می کنند. آنان با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق در پی فهم تجربه افراد از مخاطره در جریان زندگی روزمره هستند. ادراک ما از مخاطرات جهان پیرامونی بواسطه کنش متقابل اجتماعی شکل می گیرد. در واقع، ادراک ما به طوراجتماعی ساخت می یابد. آن ها استدلال می کنند که این رویکرد بر شکلی از تحلیل که همان موقعیت های بلاواسطه، جایی که کنش اجتماعی اتفاق می افتد، متمرکز است. (همان، ۱۹۹۹: ۲۷)

نظریه حکومت گرایی، بیان می دارد که دولت ها به طور فزاینده ای نگران آن اند که انجمن های مردمی، پایانی بر تثبیت قدرت های دولتی باشند. دولت ها به حاکمیت بر رفتار افراد تمایل دارند. دولت در پیمایش، بررسی و آموزش افراد نقش دارد تا آن ها را با هنجارهایی مطابقت دهد. دولت ها در رشد و پرورش عادت هایی برای هدایت کنش و عمل نقش دارند و تفکر درباره روش های مخاطره و رفاه (فوکو، ۱۹۷۲) بخش جدایی ناپذیر حکومت گرایی را تشکیل می دهد. به کارگیری این شیوه ها از سوی دولت نوعی همکاری برای حمایت جمعی از مخاطره است. (دنی، ۲۰۰۵: ۳۴)

چارچوب نظری

عدم توفیق رویکردهای فوق در تحلیل مخاطره کاملاً^۵ روشن بود، چرا که در بیشتر موارد نگاهی تک بعدی به مسئله مخاطره داشتند و ابعاد این مسئله را به درستی مورد واکاوی قرار نداده بودند. آنچه مسلم است جامعه مخاطره آمیز یک و گیدنز، بیش از سایر رویکردها، مخاطرات دوران مدرن را تشریح می کنند. یک و گیدنز تلاش کردند تا با نگاهی تاریخی - انتقادی، مخاطرات جامعه مدرنیته را تبیین و تفسیر کنند که در ادامه به اختصار شرح خواهیم داد.

ما برای توصیف جامعه و شرایط حاضر جهانی، مفهوم "عصر بحران های توسعه" را با تاکید بر اصطلاح آلریش یک از جامعه معاصر با عنوان "جامعه مخاطره" یا "جامعه مخاطره آمیز" به کار می بریم؛ یعنی، ما در عصری هستیم که عمده توجه مان به مخاطرات، مسائل و بحران ها ناشی از توسعه و رشد شتابان است. مخاطره عبارت از احتمال خطر یا اثرات زیانبار در یک عمل یا شیء است. مخاطره، منشا درونی و انسانی دارد، اما منشا خطر بیرونی است. گفته می شود که مخاطره، نتیجه آگاهی و انتخاب است، ولی خطر، تحمیل بدون پیش بینی و آگاهی می باشد. آنتونی گیدنز در تعریف مخاطره، آن را با آگاهی و انتخاب همراه می بیند، اما آلریش یک با ظرافتی تحسین آمیز و کاملاً^۶ جامعه شناسانه مخاطره را "پیامد ناخواسته و ناآشنای کنش انسانی" می خواند. از این رو، با بحث انتخاب و آگاهی همراه با مخاطرات عصر جدید چندان موفق نیست. (عنبری، ۱۳۸۷: ۱۵۰-۱۵۱) در این تحقیق، ما برای بررسی مخاطرات اجتماعی هر دو تعریف را مبنای عمل قرار می دهیم.

-
1. Social Risk
 2. Phenomenological approach
 3. Governmentality approach
 4. Risk Society
 5. Denney

بوين^۱ (۲۰۰۳) نشان می دهد که یک نوع مخاطره را تعریف می کند. اول، مخاطرات فیزیکی که می توانند زندگی را نابود کنند و رادیو اکتیو و سموم را شامل می شوند. دوم، مخاطرات اجتماعی و فرهنگی مرتبط با ازدواج و دوران کودکی که علوم با بازاریابی در این دو مورد، هم مشکلات را حل و هم تولید می کنند. (دنی، ۲۰۰۵: ۳۱)

یک استدلال می کند که افراد در جوامع معاصر غربی در دوره ای در حال گذار زندگی می کنند که در آن جامعه صنعتی در حال تبدیل به جامعه ای مخاطره آمیز است. در این دو رهگذار، تولید ثروت، ملازم مخاطرات است؛ مخاطراتی که به منزله پیامد مدرنیزاسیون در حال گسترش اند. بنابراین، مشکل اساسی جوامع غربی تولید و توزیع کالاهایی مانند ثروت و اشتغال در وضعیت های کمیابی - همچنان که در اوایل مدرنیته وجود داشت و هنوز هم در کشورهای در حال توسعه باقیمانده است - نیست، بلکه ممانعت یا به حداقل رساندن زیان ها یا به عبارت دیگر، مخاطرات است. البته جامعه ما تفاوت های عمده ای با جوامع غربی دارد. اگر برای جوامع غربی، فقر و اشتغال پایین مخاطره تلقی نمی گردد و تنها درصدد کاهش زیان های ناشی از تولید ثروت به شمار می آیند، در جامعه ما، نبود امکانات، فقر، بیکاری و... برای افراد به ویژه جوانان مخاطراتی را ایجاد کرده است. جامعه ما به دلیل عدم توسعه یافتگی هنوز وارد فاز دومی که یک در رابطه با مخاطرات مدرنیته متاخر مطرح می کند، نشده است. امروزه، مناقشات و درگیری های مربوط به مخاطره بر عرصه های عمومی و سیاسی و خصوصی در حال سیطره یافتن است. از این رو، افرادی که در این جوامع زندگی می کنند، آگاهی بیشتری از مخاطره پیدا می کنند و مجبور می شوند که در زمینه های روزمره و عادی با مخاطرات رو به رو شوند: "هرکس به نوعی گرفتار پیکارهای تدافعی گوناگون و در انتظار ظهور نوعی خصومت در شوبه زندگی و تغذیه خود است." (بک، ۱۹۹۴: ۴۵ به نقل از رفعت جاه، ۱۳۸۹) علی رغم تفاوت در نوع مخاطراتی که جوامع توسعه یافته و درحال توسعه با آن رو به رو هستند، افراد همه جوامع در زندگی روزمره خود با مخاطرات رو به رو هستند و به دنبال چاره اندیشی برای مقابله و یا کاهش آثار زیان بار آن می باشند.

بک و گیدنز معتقدند که بین مدرنیته اول و دوم فاصله ای وجود دارد. به گفته آنان، مدرنیته اولیه بر پایه جوامع دولت - ملت^۲ است؛ جایی که روابط، شبکه های اجتماعی و اجتماعات به طور ضروری در معنای محله ای و منطقه ای قابل فهم هستند. الگوهای جمعی زندگی، پیشرفت و کنترل پذیری، اشتغال کامل و استعمار طبیعت از ویژگی های مدرنیته اولیه است که حالا با پنج فرایند بهم پیوسته تضعیف شده است: جهانی شدن، فردی شدن، انقلاب جنسیتی، بیکاری و بحران های جهانی. در تئوری واقعی و چالش های سیاسی مدرنیته دوم، این حقیقت مطرح می شود که جامعه باید به طور همزمان به این چالش ها پاسخ دهد. (بک^۳، ۱۹۹۹: ۲) بک در بررسی علل مخاطرات متاخر، فاکتورهایی را مطرح می کند که بنا به بسترهای متفاوت فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و اقتصادی، برخی از این فرایندها قابل تعمیم به جامعه ما نیستند. آنچه مشهود است، جامعه ما نیز تحت تاثیر فرایند جهانی شدن، فردی شدن و بحران های جهانی قرار گرفته است. بدین ترتیب، ما از دیدگاه بک موارد فوق را برای تبیین مخاطرات اجتماعی اتخاذ می کنیم. جهانی شدن فرایندی اجتماعی است که باعث می شود هر روز تعداد بیشتری از مردم در شرایطی زندگی کنند که در آن نهادهای جدید و از جا کنده شده، جنبه های اساسی زندگی روزمره را انتظام می بخشند. ویژگی این نهادهای جدید این است که جریان های بومی را با روابط اجتماعی جهان پیوند می دهند. (گیدنز، ۱۳۸۴: ۳۸-۳۷) فردی شدن مورد نظر بک به معنای تجزیه شدن، انزوا، تنهایی یا پایان هر نوع جامعه

1. Boyne

2. Nation-state Societies

3. Beck

یا ارتباط نیست. از دیدگاه بک، فرایند آزادبخشی از محدودیت ها، تنها رهاکردن افراد درون تلاطم جامعه در معرض مخاطره است. فردی شدن با مخاطرات فردی بیشتری همراه است. فردی شدن به معنی فروپاشی یقین و سنت در جامعه صنعتی و اجبار برای یافتن و ابداع یقین های جدید برای خود است. (جارویس^۱، ۲۰۰۷: ۲۷) بحران های جهانی مورد نظر او بیانگر آن است که خطرات در گرداب مدرنیته تبدیل به فرهنگ محلی در شکل های جدید می شوند. مخاطرات غیر قابل کنترل را نمی توان به عامل و مکان خاصی نسبت دهیم و به سختی در سطح دولت- ملت کنترل می شوند. (بک، ۲۰۰۲: ۶۲) مخاطرات زیست - محیطی، بحران های اقتصادی و تروریسم از جمله مخاطراتی هستند که تمامی جوامع با آنها رو به رو هستند. رخدادهایی از این دست، تمامی جوامع را در هر نقطه از این کره خاکی تهدید می کند و تمامی مردمان از پیامدهای ناگوار این مخاطرات در امان نیستند و در ترس و دلهره به سر می برند. پس مسئله یا فرض مرکزی پنهان در جامعه مخاطره آمیز این است که چگونه می توان مخاطرات در حوزه سیاست، قانون، علم، فناوری، اقتصاد و زندگی روزمره را کنترل کرد، در حالی که غیر قابل کنترل هستند.

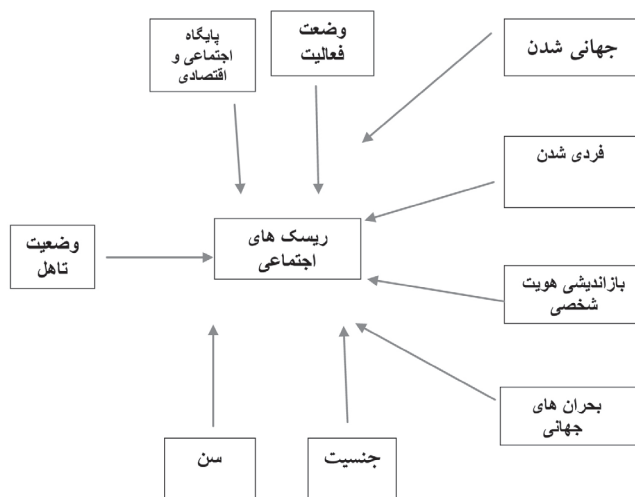
برخلاف مخاطرات شخصی که در اوایل صنعتی شدن ایجاد می شد، حد و مرز چنین تهدیدهایی را، نه به لحاظ فضایی و نه زمانی و نه اجتماعی، نمیتوان معین کرد. عظمت و ماهیت جهانی مخاطرات چنان اند که تعیین کمیت و ممانعت و اجتناب از آنها روز به روز دشوارتر می شود. مخاطرات معاصر، بیشتر رویدادهایی بی انتها هستند تا وقایعی که فرجام آنها قابل پیش بینی باشد. بک درباره اینکه "سطوح بالاتر و بالاتری از مخاطره ها تبدیل به هنجار می شود" سخن می گوید. (بک، ۱۹۹۵: ۱۳) به نقل از رفعت جاه، ۱۳۸۹) مخاطره، از ازیاد و تکثیر حضور همه جانبه فناوری مشتق شده است. در جوامع مخاطره آمیز، افراد در انتظار آخرین فناوری های توسعه یافته هستند تا از این طریق پیامدهای منفی اختراعات قبلی را جبران کنند. به عقیده بک، نهادهای علمی که پیشرفت نمادین دارند، کره زمین را بیشتر به نقطه فاجعه نزدیک کرده اند. از نظر بک، مخاطره و فناوری با هم در ارتباط هستند. (دنی، ۲۰۰۵: ۳۰) مخاطرات در این عصر، در مکان و زمان محبوس نیستند و شکلی جهانی دارند. در نتیجه، مخاطرات این عصر سه خصیصه دارند: محاسبه ناپذیر، کنترل ناپذیر و جبران ناپذیر. آثار مخرب آن ها ممکن است چندین نسل را در بر گیرد، زیرا رشد و پیچیدگی دانش در نهایت، مخاطراتی تولید می کند که به دلیل ورود آن ها در قلمرو الگوها و فرمول های علمی، فیزیکی و شیمیایی هر روزه فراتر از درک و فهم انسان می شوند- در صورتی که در عصر ماقبل مدرن و جامعه صنعتی اولیه، مخاطرات، برتر از فهم آدمی نبودند و به تعبیر خود بک، در معرض درک حواس بودند؛ یعنی، قابل لمس و مشاهده بودند و کمتر در دانش علمی پیچیده جای داشتند. در مدرنیته متاخر، مخاطرات پدیده ای سیاسی، علمی و عمومی (مردمی) شده اند؛ یعنی، سیاستمداران، متخصصان و عامه مردم به آن فکر می کنند، چون راه حل یگانه، قطعی و علمی برای مقابله با آن ها وجود ندارد. (عنبری، ۱۳۹۰)

بک به گونه ای کما بیش ضد و نقیض، مخاطره را به طور همزمان هم تقویت کننده وضعیت های غیرعادلانه و هم عامل دموکراتیزه کردن و خلق نوعی شهروندی جهانی می داند. (بک، ۱۹۹۲: ۳۵) به نقل از رفعت جاه، ۱۳۸۹) برخی از مخاطرات به صورت یکسان همه افراد را در بر می گیرد- مثل آلودگی هوا- و برخی از مخاطرات به گونه ای نابرابر برخی از طبقات را بیشتر متاثر می سازد- مانند این که فقرا بیشتر از سایر گروه های اجتماعی در برابر مخاطرات آسیب پذیر هستند. او با قبول این ایده که مخاطرات واقعی وجود دارند، رویکرد "یعنی گرای علمی - طبیعی" را نگه می دارد، اما با دست زدن به این استدلال که در جوامع غربی در مقایسه با دوره های قبلی مفهوم پردازی و پرداختن به سرشت و علل مخاطرات متفاوت

است، دیدگاه "نسبی گرایی فرهنگی" - یا به عبارتی، موضع ساختارگرایی اجتماعی ضعیف - را وارد نظریه خود می کند. (رفعت جاه، ۱۳۸۹) ما از دیدگاه نسبی گرایی فرهنگی بک برای بررسی متغیرهای زمینه ای و تفاوت های گروهی استفاده کرده ایم.

بک و گیدنز هر دو به بازاندیشی در مدرنیته متاخر معتقدند، اما تفاوت نگرش این دو نظریه پرداز اینجا مشخص می گردد؛ بر اساس نظر گیدنز، مدرنیته دوم بازتاب خواسته ها و باورها و انتخاب های افراد در مدرنیته صنعتی است، اما بک معتقد است بازاندیشی نشان دهنده وضوح ناخواسته ها و فرایند ناآگاهانه انتخاب افراد می باشد. از دیدگاه بک، پیامدهای ناخواسته مدرنیته بیش از آن که ناشی از دانش و آگاهی باشد، بازنمای ناآگاهی جامعه است. بک، تضاد دانش ها را سبب عدم قطعیت ها در جامعه می داند که تصمیم گیری را برای افراد مشکل می کند، در حالی که گیدنز معتقد است در شرایط مخاطره باید به کارشناسان و نظام های انتزاعی اعتماد کرد و بدین وسیله است که انتخاب ها از روی آگاهی صورت خواهد گرفت به خصوص در حوزه بدن و خود. (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۵۶) ما در اینجا در پی آنیم که از این دو نظریه متناقض در تبیین مخاطرات مدرنیته استفاده کنیم. ما دیدگاه بک را در مورد فرایندهایی که موجب تضعیف مدرنیته اولیه و تولید مخاطره در مدرنیته متاخر گشته، می پذیریم. برخی از فرایندها که با شرایط جامعه ما منطبق است، مانند جهانی شدن، فردی شدن و بحران های جهانی به عنوان عوامل موثر بر مخاطره از نظرات بک اتخاذ می شود. این عوامل سبب پیامدهای ناخواسته کنش می شوند، در حالی که گیدنز بازاندیشی هویت شخصی را از عوامل تاثیرگذار بر مخاطرات مدرنیته می داند و معتقد است که خود به منزله تصویری بازتابی از خویشستن است که فرد مسئولیت آن را بر عهده دارد. در مدرنیته متاخر، حقیقت وجود ما همانی نیست که هستیم، بلکه چیزی است که از خویشستن می سازیم. (گیدنز، ۱۳۹۱: ۱۱۱-۱۱۲) بازتابندگی خود تا محدوده بدن ما نیز امتداد می یابد؛ بدن جزئی از یک نظام کنشی است و نه صرفاً یک شی منفعل. بازاندیشی هویت شخصی در جامعه ما نمود فراوان دارد؛ به طوری که آمارهای جهانی نیز گرایش افراد جامعه ما بدین سو را تایید می کنند. بنابراین، ما این عامل را از نظرات گیدنز به عنوان عاملی تاثیرگذار بر مخاطرات مدرنیته لحاظ می کنیم.

مدل تحلیلی



فرضیه های پژوهش

- بین بازانديشی هویت شخصی و میزان مخاطرات اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین جهانی شدن و میزان مخاطرات اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین فردی شدن و میزان مخاطرات اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین بحران های جهانی و میزان مخاطرات اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای زمینه ای (سن، جنسیت، وضعیت تاهل، وضعیت فعالیت و پایگاه اجتماعی و اقتصادی) و میزان مخاطرات اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق

این تحقیق با روش پیمایش انجام شده است و از نوع کاربردی و در سطح خرد می باشد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش، زنان و مردان ۱۸ تا ۳۰ ساله شهر تهران می باشد که نمونه های مورد نظر از دو منطقه ۳ (بالای شهر) و منطقه ۱۷ (پایین شهر) به طور تصادفی انتخاب گردیدند.

روش نمونه گیری

واحد مشاهده و سطح تحلیل در این تحقیق، فرد می باشد. از آنجا که جامعه آماری بسیار وسیع بود، نمونه گیری با استفاده از روش خوشه ای چند مرحله ای انجام شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۳۰ نفر تعیین گردید.

ابزار جمع آوری اطلاعات

داده های این تحقیق از طریق پرسشنامه جمع آوری شد. برای تعیین اعتبار صوری، نظر داوران متخصص در مورد پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. همچنین، برای تعیین روایی، پرسشنامه اولیه در بین ۳۰ نمونه توزیع شد و با حذف برخی سوالات که همبستگی درونی پایینی با کل شاخص مورد نظر داشتند، پرسشنامه نهایی تعیین گردید.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

بعد از جمع آوری پرسشنامه، داده ها از طریق نرم افزار spss مورد تحلیل قرار گرفت. برای توصیف متغیرها از آماره فراوانی استفاده گردید و برای آزمون فرضیات نیز با توجه به سطح سنجش متغیرها، از مقایسه میانگین ها، آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره بهره گیری شد.

تعریف مفاهیم

بازانديشی هویت شخصی

گیدنز معتقد است در نظم پسااستنی، هویت شخصی پروژه ای بازانديشانه می شود. منظور این است که در جامعه مدرن، انسان ها دائماً هویت خود را خلق و تصحیح می کنند و این که که هستند و چگونه این گونه شده اند را مدام مرور می نمایند. البته هویت شخصی نمی تواند به راحتی به طور ارادی تغییر کند و پیوستگی دارد. ولی نکته مهم اینجاست که این پیوستگی ناشی از باورهای بازانديشانه فرد درباره زندگی خود است. (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۵)

برای عملیاتی کردن متغیر بازانديشی هویت شخصی از مولفه هایی چون مدیریت بدن

و مدیریت افکار و عقاید استفاده شد. با استفاده از مولفه مدیریت بدن، نگرش افراد نسبت به جراحی های زیبایی، رژیم غذایی، پوشش و آرایش مورد سنجش قرار گرفت و به واسطه مولفه مدیریت افکار و عقاید، نگرش افراد نسبت به تغییر ذهنیت های گذشته ارزیابی گردید.

فردی شدن

فردی شدن بر بیگانگی یا تنهایی دلالت ندارد، بلکه به معنای این الزام در مدرنیته متاخراست که افراد در غیاب یقین ها و هنجارهای سنتی ثابت و الزام آور و ظهور شیوه های جدید زندگی که به طور مداوم در معرض تغییرند، باید خود زندگینامه شان را خلق کنند. (بک، ۱۹۹۴: ۱۳ به نقل از رفعت جاهد، ۱۳۸۹) بک فردی شدن را فرایند کمک به شکستن الگوهای قبیله ای-خانوادگی و نهادهای اجتماعی و فرهنگی ازدواج و مکانیسم حمایت خانوادگی می داند. (جارویس، ۲۰۰۷: ۲۷) فردی شدن با مولفه هایی همچون آزادی جنسی در قالب سوالاتی حول محور تغییر در الگوهای سنتی ازدواج؛ حقوق مساوی با شاخص های نگرش سنجی درحوزه نقش ها و روابط خانوادگی؛ خودباوری (اعتقاد به توانایی خود) و رقابت با پرسش هایی پیرامون نگرش فرد در مورد مسئولیت فردی در کسب صلاحیت ها مورد سنجش قرار گرفت.

بحران های جهانی

به نظر می رسد که جامعه مخاطره آمیز نه یک فرایند درون زا که فرایندی بیرونی باشد که تصمیم گیری کشورهای دیگر به ویژه کشورهای مرکز در پدید آمدن آن نقش دارد. بدین ترتیب، اصلاحات در سطح ملی تقریباً غیرممکن است. مناطق مختلف جهان تجربیات متفاوتی از بحران های جهانی دارند. آنچه مشترک است که اثرات شان قلمرو زدایی شده اند. (بک، ۲۰۰۲: ۴۳) برای عملیاتی کردن متغیر بحران های جهانی از مولفه های همچون: مسایل زیست - محیطی، تروریسم و بحران های اقتصادی استفاده کردیم و نظرات پاسخگویان را در رابطه با این پدیده های نوظهور مدرنیته مورد بررسی قرار دادیم. دلیل استفاده از این مولفه ها و شاخص ها این است که بحران های مذکور از مسائل مورد مناقشه و چالش برانگیز در سطح جهان هستند و تمامی کشورها درگیر یافتن راهی برای برون رفت از آن می باشند.

جهانی شدن

گیدنز جهانی شدن را فرایندی اجتماعی می داند که باعث می شود هر روز تعداد بیشتری از مردم در شرایطی زندگی کنند که در آن نهادهای جدید و از جا کنده شده، جنبه های اساسی زندگی روزمره را انتظام می بخشند. ویژگی این نهادهای جدید این است که جریان های بومی را با روابط اجتماعی جهانی پیوند می دهند. (گیدنز، ۱۳۸۴: ۳۸) در این تحقیق، جهانی شدن به واسطه مولفه هایی مثل میزان استفاده از وسایل ارتباطی همچون: تلویزیون، ماهواره، اینترنت، کتاب، مجله، کلاس های آموزشی و اعتماد به دانش، مهارت و کارایی کارشناسان مورد سنجش قرار گرفت.

یافته های پژوهش

با توجه به داده های حاصل از پیمایش، یافته های این پژوهش در قالب عناصر استخراج شده الگوهای توصیفی و روابط استنباطی قابل ارائه می باشد.

یافته های توصیفی از متغیرهای زمینه ای

پاسخگویان زن در این طرح تحقیقی، ۵۶/۱ درصد و مردان ۴۳/۹ درصد بوده اند. در متغیر وضعیت تاهل، بیشترین فراوانی متعلق به مجردها (۵۹/۲ درصد) بود و متاهل ها با ۳۷/۹ درصد، بدون همسر بر اثر فوت با ۱/۳ درصد و بدون همسر بر اثر طلاق با ۱/۶ درصد سایر نمونه های آماری را تشکیل می دادند. حدود ۱/۸

درصد از پاسخگویان دارای مدرک زیر دیپلم، ۲/۲۲ درصد مدرک دیپلم، ۱۲/۶ درصد مدرک فوق دیپلم، ۴۰/۳ درصد مدرک لیسانس، ۱۹/۴ درصد فوق لیسانس، ۳/۴ درصد دکتری و ۰/۳ درصد تحصیلات حوزوی بودند. آمارها بیانگر آن است که نمونه مطالعاتی ما را افراد تحصیلکرده تشکیل داده اند. بیشترین افراد شرکت کننده در تحقیق ما شاغلان با ۴۱/۴ درصد بوده اند و بیکاران حدود ۲۳/۹ درصد، افراد خانه دار ۱۲/۱ درصد، محصلان ۱۵/۳ درصد و افراد دارای درآمد بدون کار حدود ۷/۳ درصد از نمونه آماری تحقیق ما را تشکیل می دادند. میانگین سنی نمونه آماری ۲۵ سال بود.

متغیر وابسته: انواع مخاطره

بک و گیدنز از مخاطره اجتماعی به صورت کلی و انتزاعی بحث می کنند. ما با استفاده از تحلیل عاملی توانستیم آنان را به اجزای کوچکتر، قابل سنجش و قابل فهم تقسیم کنیم. حاصل تحلیل عاملی بدین قرار شد:

جدول ۱: تحلیل عاملی متغیر وابسته

متغیرها	kmo	آزمون بارتلت	درجه آزادی	sig
مخاطره های اجتماعی	۰/۸۳۱	۵۲۷/۴۵۷	۹۱	۰/۰۰۰

براساس نتیجه آزمون kmo که مقدار آن برابر با ۰/۸۳۱ است، داده های تحقیق قابل تقلیل به تعدادی عامل های زیربنایی و بنیادی اند. همچنین، نتیجه آزمون بارتلت (۵۲۷/۴۵۷) در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی دار می باشد. بنابراین، تحلیل عاملی از صحت برخوردار است. در مجموع، ۴ عامل با مقادیر ویژه بالاتر از یک توانسته اند ۶۳/۸۳ درصد از واریانس ۱۴ گویه مربوط به مخاطره های اجتماعی را تبیین کنند.

جدول ۲: تحلیل عاملی میزان مخاطرات اجتماعی

گویه	۱	۲	۳	۴
چقدر احتمال می دهید جراحی های زیبایی و یا رژیم های سخت غذایی جان شما را به خطر بیندازد؟	۰/۷۷۹			
چقدر احتمال می دهید بر اثر رفتار پرخطر رانندگان دیگر و یا جاده های نامناسب دچار سانحه شوید؟	۰/۶۸۷			
چقدر احتمال می دهید در اثر رفتارهای پرخطر خود مانند سرعت بالا در سفر دچار مخاطرات رانندگی شوید؟	۰/۶۳۵			
چقدر احتمال می دهید در صورت داشتن رفتار پرخطر به ایدز مبتلا شوید؟	۰/۵۸۴			
چقدر احتمال می دهید در صورت تاهل عدم بلوغ فکری شما منجر به جدایی شود؟	۰/۵۴۴			

		۰/۸۳۳		چقدر احتمال می دهید در آینده دست به عمل مجرمانه بزنید؟
		۰/۷۷۷		چقدر احتمال می دهید دست به اعمال خشونت آمیز (اعم از درگیری های خیابانی، تجاوزجنسی، خشونت خانگی) بزنید؟
		۰/۶۷۷		چقدر احتمال می دهید به اعتیاد روی بیاورید؟
		۰/۶۳۸		چقدر احتمال می دهید با خشونت (اعم از درگیری های خیابانی، تجاوزجنسی، خشونت خانگی) مواجه شوید؟
	۰/۷۲۰			در صورت متاهل بودن، چقدر احتمال می دهید ازدواج شما در آینده به طلاق منتهی شود؟
	۰/۷۰۷			در صورت اشتغال، چقدر احتمال می دهید در آینده شغل خود را از دست بدهید؟
	۰/۷۰۳			در صورت مجرد بودن، چقدر احتمال می دهید ازدواجتان بیش از این به تاخیر بیافتد؟
	۰/۵۶۱			فرض کنید سرمایه گذاری کرده اید. چقدر احتمال می دهید سرمایه گذاری شما در آینده با ورشکستگی مواجه شود؟
۰/۹۰۵				در صورت بیکار بودن، چقدر احتمال می دهید شغل مناسب و دلخواهتان را در آینده بیابید؟
۰/۸۷۰				چقدر احتمال می دهید کسب و کاری را برای خود راه بیندازید و به موفقیت های بزرگی نایل شوید؟

جدول ۳: توزیع فراوانی متغیر وابسته و آماره های آن ها

متغیرهای مستقل	اصلاً	خیلی کم	کم	تا حدی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
رفتارهای پرخطر	۱۶/۳	۲۲/۱	۲۶/۴	۱۸/۲	۱۳/۴	۳/۶	۲/۰۰
رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون	۶۸/۸	۱۵/۵	۹/۱	۳/۳	۲/۷	۰/۶	۰/۵۷
مخاطره اجتماعی و اقتصادی	۲۹/۷	۳۵/۵	۲۰	۱۰/۹	۱/۵	۲/۴	۱/۲۶
مخاطره مثبت	۷/۳	۱۵/۹	۱۵	۲۶/۴	۲۱/۴	۱۴/۱	۲/۸۰

تنها ۳/۶ درصد از پاسخگویان احتمال زیاد می دادند تا دست به رفتارهای پرخطر بزنند و بیشتر پاسخگویان احتمال کمی می دادند که با چنین مخاطراتی رو به رو شوند. پاسخگویان احتمال وقوع این مخاطرات را کم ارزیابی می کردند و تصور می نمودند که در برخورد با این مخاطرات در نقطه ای امن قرار دارند. همچنین، ۶۸/۸ درصد از پاسخگویان احتمال کمتری می دادند که با رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون رو به رو شوند و یا دست به رفتارهای خشونت آمیز و مجرمانه بزنند. بیشتر پاسخگویان احتمال رویارویی با مخاطرات اجتماعی و اقتصادی را ضعیف تلقی می کردند، در حالی که وقوع این نوع مخاطرات در جامعه ما بسیار دور از انتظار نیست. در مقابل، احتمال وقوع مخاطرات مثبت را بیش از سایر مخاطرات ارزیابی می کردند؛ چنان که در جدول مشاهده می کنید، گزینه های تاحدی ۲۶/۴ درصد و گزینه زیاد ۲۱/۴ درصد جهت گیری پاسخگویان را مشخص کرده است. بنابراین، اگر مخاطره را احتمال وقوع رخدادی در آینده بدانیم، با نتایج به دست آمده می توان گفت که جوانان جامعه ما نسبت به آینده امیدوار هستند یا ترجیح می دهند برای کاهش فشارهای روانی، زندگی خود را براساس این شعار «هرچه بادا باد» پیش ببرند. امیدواری به آینده به ویژه برای جوانان هر جامعه ای می تواند آن اجتماع را در مسیر رشد و پیشرفت قرار دهد و این آمارها گویای آن است که جوانان ایرانی، اراده مخاطره کردن و انجام کارهای خارق العاده چون کسب و کارهای خلاق (کارآفرینی) را دارند. این روحیه مخاطره پذیری، موتور تحول و توسعه اقتصاد، فرهنگ و جامعه است. رشد و فراگیری این پدیده می تواند به تحول و دگرگونی اساسی در اقتصاد ملی منجر شود و عدم توجه به استعدادها بالقوه و بالندگی آنها مانعی جدی برای پیشرفت تلقی گردد. بنابراین، مسئولان و سازمان هایی که عهده دار مسئولیت سیاست گذاری در این حوزه ها می باشند باید برای بهره برداری از این استعدادها و بکارگیری روحیه مخاطره پذیری جوانان، بسترها و امکانات لازم را فراهم آورند.

جدول ۴: توزیع فراوانی متغیرهای مستقل و آماره های آن ها

متغیرهای مستقل	اصلاً	خیلی کم	کم	تا حدی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
بازاندیشی هویت شخصی	۲/۳	۲/۶	۲۹/۱	۴۵/۴	۱۷/۳	۳/۳	۴/۹۷
جهانی شدن	۱/۰	۶/۳	۲۱/۳	۴۲/۵	۲۱/۳	۷/۶	۳/۰۰
فردی شدن	۱	۲/۳	۲۳/۲	۵۲/۱	۲۰/۳	۱/۳	۴/۸۶
بحران های جهانی	۰/۶	۵/۴	۱۵	۲۶/۲	۳۶/۱	۱۶/۶	۳/۴۱

از نتایج چنین استنباط می شود که تنها ۲/۳ درصد از پاسخگویان تمایلی به بازاندیشی هویت شخصی نداشتند. بیشتر پاسخگویان علی رغم آگاهی از اثرات زیانبار آن، به سوی تغییر در افکار و بدن خویش گرایش دارند. در رابطه با متغیر جهانی شدن، ۱ درصد از پاسخگویان از وسایل اطلاعاتی و ارتباطی که مرتبط با جهانی شدن است، استفاده نمی کنند و بقیه پاسخگویان تحت تاثیر ابزارها و فناوری های جدید که نمایانگر جهانی شدن است، قرار دارند. در مورد متغیر فردی شدن، نظرات بیش از نیمی از پاسخگویان در میانه قرار گرفته است. در واقع، در برخی حوزه ها موافق و در برخی دیگر با تغییر در سنت ها مخالف اند. همانطور که در جدول مشاهده می شود، ۵۲/۱ درصد (بیشتر پاسخگویان) تاحدی فرایند فردی شدن را پذیرفته اند. این آمار

نمایانگر آن است که در جامعه ما هنوز الگوها و ارزش های سنتی به طور کلی از بین نرفته است. اینک، در برخی از حوزه ها به فردی شدن امور و یا مدرن شدن گرایش داریم و در برخی از حوزه ها ترجیح می دهیم به رسوم گذشته وفادار بمانیم. تنها ۶/۰ درصد از پاسخگویان احتمال رویارویی با مخاطراتی از نوع بحران های جهانی را نمی دادند. بقیه پاسخگویان مخاطرات زیست- محیطی، بحران های اقتصادی و تروریسم جهانی را از بحران های عصر کنونی می دانند و وقوع این بحران ها در هر جای دنیا را تهدیدی برای خویش تلقی می کردند.

جدول ۵: آزمون همبستگی بین متغیرهای مخاطرات اجتماعی و متغیرهای مستقل

متغیر وابسته	متغیر مستقل	r	sig
رفتارهای پرخطر	بازاندیشی هویت شخصی	۰/۱۶۸	۰/۰۰۲
	جهانی شدن	۰/۴۵۱	۰/۰۰۱
	فردی شدن	۰/۳۳۶	۰/۰۱۷
	بحران های جهانی	۰/۰۴۲	۰/۴۷۲
رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون	بازاندیشی هویت شخصی	۰/۱۲۹	۰/۱۲۵
	جهانی شدن	۰/۲۷۰	۰/۰۰۰
	فردی شدن	۰/۲۴۷	۰/۰۰۰
	بحران های جهانی	۰/۲۸۶	۰/۱۳۱
مخاطره اجتماعی و اقتصادی	بازاندیشی هویت شخصی	۰/۳۰۷	۰/۰۰۰
	جهانی شدن	۰/۱۵۱	۰/۰۰۹
	فردی شدن	۰/۴۲۷	۰/۰۰۰
	بحران های جهانی	۰/۱۳۷	۰/۲۱۵
مخاطره مثبت	بازاندیشی هویت شخصی	-۰/۲۶۹	۰/۴۷
	جهانی شدن	۰/۱۳۶	۰/۰۰۶
	فردی شدن	-۰/۰۶۹	۰/۳۰۸
	بحران های جهانی	۰/۰۴۰	۰/۵۶۳

یافته های تحقیق نشان می دهد که بین رفتارهای پرخطر و بازاندیشی هویت شخصی در سطح معناداری ۰/۰۰۲ که کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد، رابطه مستقیم و ضعیفی وجود دارد. در نتیجه، بازاندیشی هویت شخصی می تواند افراد را در معرض مخاطراتی از نوع رفتارهایی پرخطر قرار دهد. بنابر نظر پاسخگویان، می توان این گونه استنباط کرد که بازاندیشی هویت شخصی، پیامدهای نامطلوبی به همراه دارد که افراد را در معرض مخاطرات و یا رفتارهای پرخطر قرار می دهد. با وجود این که افراد جامعه ما می دانند که بازاندیشی هویت شخصی، مخاطراتی را برای آنها به همراه دارد، اما به سوی آن می شتابند. گیدنز معتقد است تصمیمات ما در

فضای آگاهانه ای صورت می گیرد. مردم خطرهای احتمالی شیوه زندگی مورد نظر و آداب و عادات مربوط به آن را در محدوده امور جایز می پذیرند و آن را به عنوان بخشی از مجموعه خطرهای اجتناب ناپذیر در نظر می گیرند. خطر کردن عامدانه و آگاهانه، نوعی تجربه اعتماد است که در نهایت الزام هایی برای هویت شخصی فرد در برخواهد داشت؛ اعتماد به اینکه خطرهایی که عامدانه به استقبال آن ها می رویم همه فتح شدنی و تسلط پذیر خواهند بود. تسلط بر چنین خطرهایی، نوعی ارضا یا اقناع خویشستن است. همینطور متغیر بازانديشی هویت شخصی با سطح معناداری ۰/۱۲۵ که بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد، نمی تواند عاملی تاثیرگذار بر مخاطراتی از نوع رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون باشد. در مقابل، همین متغیر در پدید آمدن مخاطره اجتماعی و اقتصادی تاثیرگذار است. با سطح معناداری کوچکتر از ۰/۱۰ با مخاطره اجتماعی و اقتصادی رابطه متوسط و مستقیم دارد. در جامعه مدرن، انسان ها دائماً هویت خود را خلق و تصحیح می کنند و اینکه که هستند و چگونه این گونه شدند را مداوم مرور می نمایند که این برای افراد احتمالاً "مخاطره اجتماعی و اقتصادی به همراه دارد، چرا که هم هزینه های اقتصادی را به افراد تحمیل می کند و هم زندگی خصوصی و اجتماعی آن را دچار مشکل می نماید. همچنین، متغیر بازانديشی هویت شخصی در سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ با مخاطرات مثبت رابطه معکوس و ضعیفی دارد. در واقع، تغییر مداوم در هویت فردی ناشی از عدم خودباوری و عدم اعتماد به نفس در افراد است. بدین ترتیب، افراد مزبور روحیه مخاطره کردن و مخاطره پذیری نخواهند داشت.

همچنین نتایج حاکی از آن است که انواع مخاطرات (رفتارهای پرخطر، رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون، مخاطره اجتماعی و اقتصادی و مخاطرات مثبت) با متغیر جهانی شدن رابطه مستقیم و معناداری دارند. این نتایج بدین معنی است که جهانی شدن در ظهور مخاطرات مدرنیته عاملی موثر است. آلریش بک هم معتقد است که جامعه مدنی "شهروندان کره" نیز تولید می کند. شهروندان کره، کسانی هستند که از حقوق و رویه های دموکراتیک سوء استفاده می کنند. رشد جامعه مدنی باعث تنوع شهروندان کره می شود. به عنوان مثال، می توان از گروه های راست افراطی که برای رسیدن به اهداف خود از اینترنت استفاده می کنند، یاد کرد. (گیدنز، ۱۳۸۴: ۷۳) براساس آنچه بک بدان معتقد است جهانی شدن برای بشر مخاطراتی را ایجاد کرده است. او به مخاطرات مثبت هیچ اشاره ای نمی کند، اما ما در این طرح تحقیقی بدان پرداختیم. به طور کلی، جهانی شدن هم می تواند فرصت تلقی شود و هم تهدیدی برای افراد جوامع باشد.

نتایج تحقیق بیانگر آن است که رابطه بین انواع مخاطرات (رفتارهای پرخطر، رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون و مخاطره اجتماعی و اقتصادی) با متغیر فردی شدن در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ معنادار می باشد. در عصر حاضر، فرایند فردی شدن می تواند افراد را به سوی مخاطراتی با پیامدهای منفی سوق دهد. همانطور که پیش از این اشاره شد، جامعه ما بین سنت و مدرنیته قرار گرفته است. ارزش های سنتی به خصوص ارزش های دینی هنوز پا برجاست. حقیقت، درستی و اصالت سنت در آیین ها، مناسک، شعائر و تشریفات مذهبی است. گیدنز معتقد است وقتی آیین ها و مناسک مذهبی به شکل جمعی تکرار گردند، موجب قدرت گرفتن سنت می شوند. پابندی بیشتر مردم موجب می گردد که آیین های مذهبی نقش تعیین کننده ای در زندگی افراد ایفا کنند. بنابراین، فردی شدن در برخی حوزه ها که در مقابل آموزه های دینی و مذهب قرار می گیرد، مخاطره آفرین است و در حوزه های دیگر احتمالاً "برای ما رفاه، امنیت و پیشرفت فراهم آورده است. در مقابل، بین مخاطرات مثبت و متغیر فردی شدن، رابطه ای وجود ندارد. پس فردی شدن نمی تواند افراد جوامع مختلف را در جهت مخاطرات مثبت هدایت کند.

رابطه بین انواع مخاطرات (رفتارهای پرخطر، رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون و مخاطره اجتماعی و اقتصادی و مخاطرات مثبت) با متغیر بحران های جهانی در سطح خطای بزرگتر از ۰/۰۵ معنادار نمی باشد و

رابطه ای نیز مشاهده نشد. دلایل متفاوتی برای این عدم ارتباط وجود دارد. با توجه به نظرات بک، این نتیجه غیرعقلانی غیر منطقی قابل توجیه می باشد. بک معتقد است: امروزه بسیاری از مخاطرات مهم از درک و فهم ما می گریزند، زیرا در قلمرو فرمول های فیزیکی و شیمیایی متمرکز شده اند، مانند ترکیبات سمی در مواد غذایی یا تهدید هسته ای. این مخاطرات به جای آن که در تجربیات روزمره وجود داشته باشند، در دانش علمی جای گرفته اند. (بک، ۱۹۹۲: ۲۱ به نقل از رفعت جاه: ۱۳۸۹) محقق در فرایند پرسشگری با چنین مسئله ای رو به رو بود که برخی گویه ها پیرامون بحران های جهانی از حوزه درک پاسخگویان خارج بود.

جدول ۶: آزمون همبستگی بین متغیرهای زمینه ای و انواع مخاطرات اجتماعی

sig	F	T	میانگین	متغیرها	
۰/۸۴۶	۰/۰۳۸	۱/۱۵۵	۴/۲۵۲۹	مرد	جنسیت
			۳/۹۸۲۰	زن	
۰/۸۴۱	۰/۱۷۴		۳/۹۹۲۲	مناطق شمال شهر	پایگاه اجتماعی و اقتصادی
			۴/۰۷۵۸	مناطق مرکز شهر	
			۴/۱۸۸۴	مناطق جنوب شهر	
۰/۷۲۱	۰/۴۴۵		۴/۱۵۵۶	مجرد	وضعیت تأهل
			۴/۰۴۶۱	متأهل	
			۳/۲۲۹۲	بدون همسر بر اثر فوت	
			۴/۷۵۰۰	بدون همسر بر اثر طلاق	
۰/۵۰۱	۰/۸۴۰		۴/۲۲۴۴	شاغل	وضعیت فعالیت
			۴/۱۳۸۹	بیکار	
			۳/۹۹۱۲	خانه دار	
			۳/۶۱۹۸	محصل	
			۳/۸۴۰۶	دارای درآمد بدون کار	
۰/۰۰۵	۸/۱۲۸	۲/۴۱۴	۲/۱۱۷۲	مرد	جنسیت
			۱/۵۹۱۹	زن	
۰/۱۶۵	۱/۸۱۲		۲/۸۱۴۰	مناطق شمال شهر	پایگاه اجتماعی و اقتصادی
			۳/۵۵۶۴	مناطق مرکز شهر	
			۴/۰۵۲۲	مناطق جنوب شهر	

رفتارهای بد نظری

رفتارهای منحرفانه و خلاف قانون

۰/۰۰۸	۳/۹۹۴		۲/۱۰۵۸	مجرد	وضعیت تأهل	رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون	
			۱/۴۰۹۱	متأهل			
			۳/۱۲۵۰	بدون همسر بر اثر فوت			
			۱/۲۰۰۰	بدون همسر بر اثر طلاق			
۰/۱۳۱	۱/۷۹۰		۱/۹۵۰۰	شاغل	وضعیت فعالیت		
			۲/۱۲۶۷	بیکار			
			۱/۲۳۶۸	خانه دار			
			۱/۵۷۲۹	محصل			
			۱/۶۵۲۲	دارای درآمد بدون کار			
۰/۲۲۴	۱/۴۸۳	۰/۹۴۸	۳/۴۱۳۸	مرد	جنسیت	مخاطرات اجتماعی و اقتصادی	
			۳/۲۱۳۵	زن			
۰/۰۰۰	۹/۹۷۹		۴/۸۸۳۷	مناطق شمال شهر	پایگاه اجتماعی و اقتصادی		
			۶/۱۵۰۴	مناطق مرکز شهر			
			۷/۵۲۲۴	مناطق جنوب شهر			
۰/۰۰۰	۱۴/۸۵۳		۳/۸۲۵۴	مجرد	وضعیت تأهل		
			۲/۴۳۸۰	متأهل			
			۳/۸۷۵۰	بدون همسر بر اثر فوت			
			۳/۶۰۰۰	بدون همسر بر اثر طلاق			
۰/۰۰۱	۴/۷۵۰		۳/۳۰۰۰	شاغل	وضعیت فعالیت		
			۳/۷۹۳۳	بیکار			
			۲/۳۱۵۸	خانه دار			
			۳/۳۶۴۶	محصل			
			۲/۶۹۵۷	دارای درآمد بدون کار			
۰/۰۷۰	۰/۳۱۳	-۲/۳۶۷	۵/۰۴۵۵	مرد	جنسیت	مخاطره مثبت	
			۶/۰۰۰۰	زن			

۰/۱۶۷	۱/۸۰۸		۵/۸۸۲۴	مناطق شمال شهر	پایگاه اجتماعی و اقتصادی	وضعیت تأهل و وضعیت فعالیت
			۶/۰۷۲۳	مناطق مرکز شهر		
			۵/۲۶۹۲	مناطق جنوب شهر		
۰/۷۶۷	۰/۳۸۱		۵/۷۷۱۴	مجرد	وضعیت تأهل	
			۵/۳۷۵۰	متاهل		
			۶/۰۰۰۰	بدون همسر بر اثر فوت		
			۴/۶۶۶۷	بدون همسر بر اثر طلاق		
۰/۴۱۴	۰/۹۹۰		۵/۳۶۳۶	شاغل	وضعیت فعالیت	
			۵/۴۰۶۲	بیکار		
			۵/۵۶۱۵	خانه دار		
			۶/۴۷۳۷	محصل		
			۵/۶۰۰۰	دارای درآمد بدون کار		

جدول ۷: آزمون همبستگی بین متغیرهای مخاطرات اجتماعی و متغیرهای مستقل

روابط همبستگی		متغیر مستقل	متغیر وابسته
sig	r		
۰/۰۳۲	-۰/۰۱۶	سن	رفتارهای پرخطر
۰/۰۰۳	-۰/۰۹۶		رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون
۰/۰۴۵	-۰/۱۱۴		مخاطره اجتماعی و اقتصادی
۰/۰۲۱	-۰/۱۰۴		مخاطره مثبت

در این بخش، رابطه متغیرهای زمینه ای مانند جنس، سن، وضعیت تاهل، قومیت، وضعیت فعالیت و پایگاه اقتصادی و اجتماعی با انواع مخاطره مورد بررسی قرار گرفته است. یک در مورد جنبه های زمینه ای، رویکرد نسبی گرایی فرهنگی را به کار می گیرد و خاطرنشان می سازد که آنچه ممکن است در یک دوره تاریخی برای گروهی مخاطره تلقی شود، برای گروهی دیگر هیچ نگرانی را به وجود نیاورد. او معتقد است که فهم افراد از مخاطره متفاوت است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که متغیرهای زمینه ای (جنس، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، وضعیت تاهل و وضعیت فعالیت) تفاوت معناداری با متغیر رفتارهای پرخطر ندارد. در واقع، تمامی گروه ها از منظر جنسیت، پایگاه های اجتماعی و اقتصادی، وضعیت تاهل و وضعیت فعالیت به گونه ای یکسان در موقعیت آسیب پذیری قرار دارند.

در مورد متغیر رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون، مردان بیش از زنان در معرض این نوع مخاطره قرار

دارند- البته این نوع مخاطرات بیشتر با زندگی مردان مرتبط است. دلایل دیگری نیز وجود دارند؛ چنان که ساختار جامعه ما به گونه ای است که آزادی های بیشتری برای مردان قائل است و در مقابل، عرف جامعه محدودیت هایی بر زنان اعمال می دارد. همین امر برای آقایان نیز مشکلاتی را به وجود آورده است. همینطور افرادی که همسر خود را بر اثر فوت از دست داده اند، بیش از بقیه ممکن است دست به رفتارهای خلاف قانون بزنند. بدین دلیل که عمده ترین مشکل آنان عدم تمکن مالی است و حضور آن ها در اجتماع برای برطرف کردن مشکلات مالی با نگاه های آزاردهنده همراه است. علاوه بر این، شرایط نامناسب اجتماعی، مشکلات روحی و تنهایی و فرزندپروری را نیز می توان افزود که باعث می شود آنان نسبت به سایر گروه ها بیشتر در معرض مخاطرات مجرمانه قرار بگیرند.

نتایج نشان می دهد که زنان و مردان احتمالا به طور مساوی با مخاطرات اجتماعی و اقتصادی رو به رو می شوند، اما افرادی که از پایگاه اجتماعی و اقتصادی ضعیف تری برخوردار هستند و نیز افرادی که همسر خود را بر اثر فوت از دست داده اند، بیش از سایر گروه ها در مقابل مخاطرات اجتماعی و اقتصادی آسیب پذیر هستند. بیکاران در میان سایر گروه های فعالیتی در وضعیت نامناسب تری قرار دارند. مخاطراتی همچون: طلاق، تأخیر در ازدواج و مشکلات اقتصادی این گروه را بیش از بقیه تحت فشار قرار می دهد.

افراد در گروه های مختلف جنسیتی، فعالیتی، تاهل و طبقه اجتماعی به طور یکسان در معرض مخاطرات مثبت قرار می گیرند و این تصور که گروه های خاصی به عنوان نمونه مردان در مقایسه با زنان یا طبقات بالادست در مقایسه با فرودستان از موقعیت مناسب تری برای مخاطره پذیری برخوردارند، با این نتایج نقض می شود. سن نیز عاملی موثر بر انواع مخاطرات می باشد؛ به گونه ای که افرادی که در دوران آغازین جوانی قرار دارند، احتمالا "با مخاطرات مختلفی رو به رو خواهند بود و با بالا رفتن سن و قرار گرفتن فرد در مرحله عقلانی، میزان مخاطره پذیری نیز کاهش می یابد.

بدین ترتیب، برای سنجش انواع مخاطرات اجتماعی عوامل مختلفی تأثیر گذار هستند که در قالب مدل رگرسیونی به آن پرداخته ایم.

جدول ۸: مقدار ضریب رگرسیون استاندارد شده تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر رفتارهای پرخطر

Model		Standardized Coefficients		Sig.
	Beta			
۴	(Constant)		۰/۰۰۰	
	جهانی شدن	۰/۱۵۳	۰/۰۱۲	
	سن	-۰/۱۳۷	۰/۰۱۶	
	بازاندیشی هویت شخصی	۰/۱۱۳	۰/۰۴۹	

$$Zy = ۰/۱۵۳ \text{ جهانی شدن} + ۰/۱۳۷ \text{ سن} + ۰/۱۱۳ \text{ بازاندیشی هویت شخصی}$$

با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر جهانی شدن، میزان مخاطره اجتماعی ۰/۱۵۳ انحراف استاندارد افزایش می یابد. همچنین، با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر سن، میزان مخاطره اجتماعی ۰/۱۳۷- انحراف استاندارد کاهش می یابد که در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ معنادار است. متغیر بعدی که در تبیین تغییرات رفتارهای پرخطر سهم دارد، بازاندیشی هویت شخصی می باشد که در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ توانسته

به میزان ۰/۱۱۳ در تبیین تغییرات نقش داشته باشد و با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیربازاندیشی هویت شخصی، میزان مخاطره اجتماعی ۰/۱۱۳ انحراف استاندارد افزایش می یابد.

جدول ۹: مقدار ضریب رگرسیون استاندارد شده تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر رفتارهای مجرمانه خلاف قانون

Model Beta		Standardized Coefficients	Sig.
۵	(Constant)		۰/۰۰۳
	جهانی شدن	۰/۲۷۰	۰/۰۰۲
	فردی شدن	۰/۱۷۷	۰/۰۰۴
	سن	-۰/۱۱۴	۰/۰۴۵

سن ۰/۱۱۴-فردی شدن ۰/۱۷۷+جهانی شدن ۰/۲۷۰ $Zy=$

با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر جهانی شدن، میزان مخاطره اجتماعی ۰/۲۷۰ انحراف استاندارد افزایش می یابد. با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر فردی شدن، میزان مخاطره اجتماعی ۰/۱۷۷ انحراف استاندارد افزایش می یابد. با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر سن، میزان مخاطره اجتماعی ۰/۱۱۴- انحراف استاندارد کاهش می یابد.

جدول ۱۰: مقدار ضریب رگرسیون استاندارد شده تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر رفتارهای مخاطره اجتماعی و اقتصادی

Model Beta		Standardized Coefficients	Sig.
۴	(Constant)		۰/۰۰۰
	بازاندیشی هویت شخصی	۰/۲۰۱	۰/۰۰۰
	فردی شدن	۰/۱۶۰	۰/۰۰۳
	جهانی شدن	۰/۱۲۲	۰/۰۲۲

جهانی شدن ۰/۱۲۲+فردی شدن ۰/۱۶۰+بازاندیشی هویت شخصی ۰/۲۰۱ $Zy=$

با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر بازاندیشی هویت شخصی، میزان مخاطره اجتماعی ۰/۲۰۱ انحراف استاندارد افزایش می یابد. همچنین با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر فردی شدن، میزان مخاطره اجتماعی ۰/۱۶۰ انحراف استاندارد افزایش می یابد که در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنادار است. و با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر جهانی شدن میزان مخاطره اجتماعی ۰/۱۲۲ انحراف استاندارد افزایش می یابد.

جدول ۱۱: مقدار ضریب رگرسیون استاندارد شده تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر رفتارهای مخاطره مثبت

Model Beta	Standardized Coefficients	Sig.
۴	(Constant)	۰/۰۰۴
	جهانی شدن	۰/۰۱۷
	سن	۰/۰۰۳

سن ۰/۲۵۴ - جهانی شدن ۰/۲۷۰ $Zy =$

با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر جهانی شدن، میزان مخاطره اجتماعی مثبت ۰/۲۷۰ انحراف استاندارد افزایش می یابد. همچنین، با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر سن، میزان مخاطره اجتماعی ۰/۲۵۴ - انحراف استاندارد کاهش می یابد که در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنادار است.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش، انواع مخاطرات اجتماعی و عوامل موثر بر آن با استفاده از نظریات آرایش بک و گیدنز مورد بررسی قرار گرفت. همانطور که این دو نظریه پرداز مخاطره بیان کرده اند، این جهان به وسیله مخاطراتی مشخص می شود که بشر خود در ایجاد آن نقش دارد و با خطرات طبیعی در تقابل است. کلمه مخاطره، دربرگیرنده زندگی معاصر است. مخاطره به تصمیماتی که در لحظات سرنوشت ساز زندگی گرفته می شود، اطلاق می گردد. این تصمیمات در برخی موارد از روی آگاهی و با اعتماد به دانش کارشناسان مربوطه گرفته می شود و در بسیاری موارد، از روی ناآگاهی است. انواع مخاطراتی که جوانان جامعه ما با آن رو به رو هستند، عبارت اند از: رفتارهای پرخطر، رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون، مخاطرات اجتماعی و اقتصادی و مخاطرات مثبت. به گفته بک، این مخاطرات ناشی از علم و فناوری جدید می باشند. گسترش فناوری و علوم جدید، انتخاب های فراوانی را پیش روی افراد قرار می دهد. در مقابل، با به وجود آمدن دانش های متضاد و فروپاشی سنت ها، افراد در لحظات سرنوشت ساز زندگی در مسیر سر در گمی و آشفتگی قرار می گیرند. تصمیم گیری های آنان احتمالاً به پیامدهای ناخواسته ای منجر می شود و حوزه وسیعی از حوادث و رفتارهای آینده را که اغلب پیچیده و دور از یکنواختی است، در بر می گیرد. ما در این تحقیق دریافتیم مخاطرات دارای پیامدهای مثبتی نیز هستند که بک بدان اشاره نکرده بود - چراکه نگاه بک به مخاطره کاملاً "منفی" است. البته گیدنز در نقد دولت های رفاه، توجه اندکی به این نوع مخاطره داشته است. او معتقد است عدم حمایت دولت از افراد بیکار و اقشار ضعیف و ... آنان را از تنبلی می رها کند و منجر به توسعه کارآفرینی می شود. با تکیه بر آرا و اندیشه های این دو نظریه پرداز مخاطره دریافتیم که جهانی شدن، فردی شدن و بحران های جهانی از عوامل موثر بر انواع مخاطرات اجتماعی هستند که به افراد جوامع تحمیل می شوند و بازاندیشی هویت شخصی از عوامل موثر بر مخاطراتی است که ما خود به استقبال این نوع مخاطرات می شتابیم و مسایل و مشکلات گوناگونی را برای خود و دیگران ایجاد می کنیم. عوامل فوق بر انواع مخاطرات همچون: رفتارهای پرخطر، رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون، مخاطرات اجتماعی و اقتصادی تاثیر گذار هستند. شناسایی این عوامل به جوانان کمک می کند تا نسبت به مخاطراتی که دارای پیامد منفی هستند، واکنش مناسبی نشان دهند

و رفتارهای محتاطانه ای را اعمال بدارند تا از تاثیرات منفی آن بکاهند. جهانی شدن، عاملی موثر بر مخاطرات مثبت بود که احتمال وقوع مخاطرات مثبت را افزایش می دهد. بنابراین، جهانی شدن هم می تواند به عنوان تهدید و هم فرصت تلقی شود و این به خود افراد هر جامعه ای بستگی دارد که چه نوع بهره ای از ابزارها و وسایل اطلاعاتی و ارتباطی و فناوری دنیای مدرن ببرند. البته فرهنگ سازی و آموزش می تواند آنان را در مسیر درست هدایت کند. پیش از این اشاره کردیم که از عوامل موثر برای مخاطره پذیری، خودباوری و اعتماد به نفس است. بازاندیشی هویت شخصی، تغییر ذهنیت، افکار و بدن می باشد. براساس آنچه گیدنز مطرح می کند، بازاندیشی هویت شخصیتی در راستای بهبودگی شخصیتی روی می دهد. افراد نسبت به صحت ذهنیات خود احساس تردید می کنند. با تغییرات سریع جامعه، افکار و ذهنیت در معرض تجدید نظر قرار می گیرد. اگر به روز کردن افکار در جهت دستیابی به کمال باشد، بسیار راهگشا خواهد بود. آنچه ما در پژوهش حاضر به دنبال آن بودیم، تغییر ذهنیت و افکار برای به روز کردن خود و در جهت اقناع خویشتن است. این دومی همانطور که نتایج جدول نمایش ماتریس نشان می دهد، برای جوانان مخاطراتی را در پی دارد. بدین ترتیب، هر چه افراد در مسیر بازاندیشی هویت شخصی گام بردارند، از مخاطرات مثبت دور می شوند. نتایج ما نشان دهنده امیدواری جوانان به آینده نامعلوم و احتمال وقوع مخاطرات مثبت در آینده است- اما بدون تلاش و فراهم کردن زمینه و بسترهای مناسب چگونه می توان به آینده امیدوار بود. علی رغم آنکه پاسخگویان موفقیت حاصل از کسب و کارهای بدیع را با احتمالات بالا ارزیابی می کردند، اما قراین موجود جامعه ما نشانگر آن است که جوان ایرانی با واژه کارآفرینی بیگانه است. کارآفرینی، موتور توسعه و پیشرفت هر کشور و هر جامعه ای تلقی می شود. قرار گرفتن تولید در جریانهای متلاطم بازار، امکان از دست رفتن سرمایه، پایین بودن حمایت های دولت از جوانان صاحب ایده و کارآفرین باعث کاهش مخاطره پذیری کارجویان در ورود به مشاغل مولد و گرایش شدید آنها به ورود در مشاغل اداری با درآمد تضمینی، شده است. بنابراین باید رویکردی را که گیدنز از آن صحبت می کند، پذیرفت و آن این است که این امیدواری، نوعی ساز و کار روان شناختی برای کاهش فشارهای روانی است و افراد در چنین شرایطی زندگی خود را بر اساس شعار آنچه بادباد پیش می برند. به دلایل دیگری نیز ما می توانیم نظر گیدنز را بپذیریم و آن روی آوری افراد جامعه از جمله جوانان به خرافات و رمالان و.. است. در شرایطی که آنان از روحیه خودباوری و خوداتکایی برخوردار باشند و به توانمندیهای خود تکیه کنند و نیز امکانات و حمایت های لازم از آنان فراهم شود، دیگر آنان زندگی بهتر را در چنین فضاهای نامعقول و نامطلوب جستجو نمی کنند. بنابراین، تمامی نتایج حاکی از به کارگیری نوعی ساز و کار روان شناختی است.

منابع

- امیر کافی، مهدی. (۱۳۸۷). «بررسی احساس امنیت و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)». فصلنامه تحقیقات علوم اجتماعی ایران. دوره ۱، شماره اول.
- حاجی حیدری، حامد. (۱۳۸۸). آنتونی گیدنز، مدرنیته، زمان. فضا. تهران: نشر اختران
- عنبري، موسی. (۱۳۹۰). جامعه شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ. تهران: انتشارات سمت
- عنبري، موسی. (۱۳۸۷). جامعه شناسی فاجعه: کندوکاوی علمی پیرامون حوادث و سوانح ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- کمشال، هیزل. (۱۳۹۱). جامعه شناسی مخاطره: مخاطره، سیاست اجتماعی و رفاه. مهرداد نوابخش، علی روشنایی و امیرالله امانی. تهران: بهمن برنا
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۱). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ناصر موفقیان. تهران: نی
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). چشم اندازهای جهانی. محمدرضا جلائی پور. تهران: طرح نو
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). راه سوم: بازسازی سوسیال دموکراسی. منوچهر صبوری کاشانی. تهران: شیرازه
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۸). پیامدهای مدرنیته. محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز
- لاپتن، دبورا. (۱۳۸۹). «بیم و مدرنیزاسیون تاملی». مریم رفعت جاهد. فصلنامه ارغنون. شماره ۱۸.
- Beck, U. (1999). **World Risk Society**. Cambridge. Polity press
- Beck, u. (2002). **The Terrorist Threat World Risk Society Revisited**. 19,439-455
- Beck, u. (2002). **Beck's Sociology of Risk: A Critical Assessment**. 36- 93
- Denny, D. (2005). **Risk and Society**. London. Ltd
- JARVIS, D. (2007). **Risk, Globalisation and the State**. 23-46
- Lupton, D. (1999). **Risk**. New York. Routledge
- Siegrist, Ms, Cvetkovich, G. (2000). **Perception of Hazards: The Role of Social Trust and Knowledge**. 20,713-719

بهداشت و سلامت جوانان؛ بررسی وضعیت و چالش‌ها

سید محسن بنی‌جمالی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۲/۲

مقاله حاضر با روش فراستنز، مطالعات سلامت و بهداشت جوانان را مورد بررسی قرار داده و ضمن پرداختن به مشکلات مفهومی آن بیان می‌کند که چرا علیرغم اهمیتی که امور بهداشتی در جامعه مدرن یافته است، به سلامت و بهداشت جوانان چندان توجه نمی‌شود. این مقاله ضمن طرح تلاش‌های مفهومی که برای آوردن جوانان به متن سیاست‌های سلامت و بهداشت صورت پذیرفته است، شرح می‌دهد که اساساً بخش مهمی از این مشکل محصول برداشت و تعریف متفاوت سلامت و بهداشت نزد جوانان و بزرگسالان است. مقاله حاضر در بررسی وضعیت سلامت جوانان در ایران و جهان و مقایسه این دو- علیرغم مشکلات بسیاری که در امر جمع‌آوری و مقایسه اطلاعات ایران و جهان است- نشان می‌دهد که چگونه روند کلی سلامت جوانان در جهان به سوی بدتر شدن است. برای این امر از جمع‌بندی مطالعات انجام شده در کشور و مقایسه آن با اطلاعات سلامت نوجوانان در کشورهای اروپا و آمریکای شمالی با عنوان "پیمایش اچ.بی.اس.سی."^۲ سود برده شده است. مطالعات در بررسی علل تمایزات در بهداشت جوانان نشان می‌دهد که همچنان سن، جنس و طبقه مهمترین تعیین‌کننده‌های وضعیت سلامت جوانان است. در این مورد اثر متغیرهای سن، جنس و وضعیت اقتصادی- اجتماعی در طول دوره جوانی و بنابر موقعیت‌های مختلف زمانی و مکانی تغییر یافته و حتی جابجا می‌شود؛ به گونه‌ای که در دوران کودکی اثر وضعیت اقتصادی- اجتماعی در سلامت فرد بیشتر و آشکارتر است، اما پس از بلوغ اثرات متغیر طبقه با تمایزی که در جریان بلوغ دختران و پسران ایجاد می‌شود و نیز در سایه تفاوت‌های ناشی از نقش‌های جنسیتی رنگ می‌بازد و به جای آن اثر متغیر جنس تعیین‌کننده‌تر می‌شود. در همین حال مطالعات نشان می‌دهد که اثر متغیرهای سن، جنس و طبقه بر حوزه‌های مختلف

۱. رئیس گروه و مشاور مطالعات جوانان، مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی، وزارت ورزش و جوانان، تهران، ایران

E-mail: banijamali@ut.ac.ir

2. Health Behavior in School-Aged Children (HBSC) study

سلامت جوانان نیز متفاوت است. در حالی که اثر طبقه و موقعیت اقتصادی-اجتماعی بر تغذیه بیشتر است، اثر متغیرهای دیگر از جمله جنسیت و سن بر تصور از بدن و بهداشت پوست و مو و حتی رفتارهای پرخطر تعیین‌کننده‌تر است. در نهایت، مطالعات نشان داده علیرغم آن که ظاهراً اثر عوامل ساختاری بر سلامت جوانان در حال ضعیف‌تر شدن و در مقابل اثر عاملیت فردی تعیین‌کننده‌تر شده است، اما کماکان متغیرهای تعیین‌کننده سن، جنس و طبقه باقی مانده‌اند. در تفسیرهایی که از این امر می‌شود، دو دیدگاه اثر سبک زندگی و خطای شناخت‌شناسانه مدرنیته متأخر با یکدیگر رقابت می‌کنند.

واژگان کلیدی: جوانان، بهداشت جوانان، سلامت جوانان، مفهوم سلامت، رفتار سلامت، چالش‌های بهداشت و سلامت و سیاست‌های بهداشت و سلامت

مقدمه

موضوع بهداشت و سلامت جوانان، محصول پدیدآمدن دوره جوانی و آن نیز نتیجه مدرنیته و گسترش جامعه جدید شهری است. در این معنا پدید آمدن بحث بهداشت جوانان امری متأخر و همبسته با پدید آمدن دوره جوانی است. در واقع، دوره جوانی جدید است که بهداشت جوانان را به وجود آورده است. آغاز این امر از پدیدآیی رفتارهای مخاطره‌آمیز در فراوانی بسیار است که نگرانی نسبت به رفتارهای بهداشتی جوانان را سبب شد. این نگرانی‌ها که گاهی شکل هراس اخلاقی می‌یافت باعث گردید تا مسئله بهداشت و سلامت جوانان در معرض توجه اجتماعی قرار گیرد. هر چند موضوع سلامت و رفتارهای بهداشتی جوانان در چنین فضایی و با تمرکز بر رفتارهای پرخطر به افکار عمومی راه یافت، اما بعدها تقریباً هر رفتاری که به سلامت مربوط می‌شد جزئی از مبحث عمومی تر بهداشت جوانان شد. با این حال علیرغم این تحولات و ورود بهداشت جوانان به حوزه عمومی (و از آنجا به گستره سیاست‌های اجتماعی) واقعیت زندگی جوانان چندان تغییر نیافت؛ ابهامات در این حیطه و سوء تفاهم‌ها در گستره مسائل بهداشت جوانان کماکان باقی ماند و دستاوردهای اثرگذاری نیز به دست نیامد.

این مشکلات در ایران نیز آشکارا وجود دارد. اگر چه در مباحث اجتماعی مکرر به بحث بهداشت جوانان پرداخته می‌شود، اما توجهات واقعی اندک است و اهتمام به موضوع از حد گفتگو فراتر نمی‌رود. کماکان جوانان جایی در مجموعه سیاست‌های بهداشتی کشور ندارند و از این عرصه کاملاً غایب اند. هیچ طرح مشخصی برای خدمت‌رسانی به ایشان در حوزه سلامت و امور بهداشتی وجود ندارد و هیچ اطلاعات نظام‌مندی نیز در این عرصه تولید نمی‌شود. بعلاوه، گفتگوهای رسانه‌ای در این مورد نیز تنها محدود به ادعاهایی چون سند یا برنامه سلامت جوانان می‌باشد که هیچگاه چیزی از آن حاصل نشده است.

در مجموعه این شرایط مقاله حاضر به دنبال آن است تا ضمن بررسی تحولات حوزه بهداشت و سلامت جوانان نشان دهد که چرا علیرغم بالا رفتن سطح رفاه اجتماعی و پیشرفت‌هایی که در استانداردهای زندگی به دست آمده است، به موضوع بهداشت و سلامت جوانان توجه نمی‌شود. بعلاوه، تحت این شرایط وضعیت سلامت جوانان به ویژه سلامت جسمانی آنها چگونه است و این وضعیت تحت تأثیر چه متغیرها و عوامل زمینه‌ای مثل سن، جنس و طبقه تغییر می‌یابد. در مجموع، مقاله حاضر ضمن شرح دلایلی که باعث غفلت از توجه به سلامت جوانان شده است شمای کلی وضعیت سلامت جوانان و عوامل اثرگذار بر آن را نیز ارائه می‌دهد.

روش شناسی پژوهش

مقاله حاضر، مقاله‌ای مروری است که با بهره‌بردن از روش کیفی فراستنز^۱ تلاش می‌کند تا نتایج تعدادی از مطالعات مختلف، اما مرتبط را در هم ادغام کند و با استفاده از آن نتایج به سؤال‌های مطالعه پاسخ دهد (والش^۲ و داو^۳). روش فراستنز با رویکردی منسجم و نیت‌مند به تحلیل داده‌ها در طول مطالعات مختلف می‌پردازد و محقق را قادر می‌سازد تا در فرآیند آن سؤالات تحقیقاتی را تعریف و سپس شواهد کیفی را برای پاسخ به آن سؤالات جستجو، انتخاب، خلاصه و ترکیب کند. این روش برخلاف روش فراتحلیل بیش از آنکه

1. Meta Synthesis

2. Walsh

3. Downe

نیتی تراکمی^۱ داشته باشد، نیتی تفسیری دارد و فهم عمیق‌تری را از ابعاد متنی اجتماعی ایجاد می‌کند (اروین^۲، برادرسن^۳ و سامرز^۴).

مسئله حاشیه‌ای بودن سلامت و بهداشت جوانان

مطالعات مختلف نشان می‌دهد که واقعیت سلامت جوانان در عرصه سیاست‌های عمومی بهداشتی کشورها، امری حاشیه‌ای است که توجه چندانی بدان نمی‌شود. در پیگیری دلایل امر پیچیدگی ذاتی مباحث مربوط به سلامت جوانان رخ می‌نماید که عموماً بخشی از آن به تعاریفی که از بهداشت جوانان می‌شود، بر می‌گردد و بخش دیگر در عدم اجماع اجتماعی نسبت به همان تعاریف ریشه دارد. در ادامه به طور مفصل به این دو موضوع پرداخته می‌شود.

پایه‌های نظری تعریف سلامت و چالش‌های مرتبط با آن

در تعاریفی که از مقوله سلامت صورت گرفته است، تناقضی مهم به چشم می‌خورد و آن این که معمولاً سلامت^۵ نه بر اساس ظرفیت و آمادگی^۶ برای سلامت، بلکه بر اساس ناخوشی-سلامت^۷ تعریف می‌شود که نوعاً با مرض^۸، ناخوشی^۹ و بیماری^{۱۰} مرتبط است (وست^{۱۱}، ۲۰۰۹، الف، ص. ۳۳۲). در این رویکرد، سلامت نبودن بیماری است (کلمن^{۱۲}، هندری^{۱۳} و کلوپ^{۱۴}، ۲۰۰۷، ص. ۴). این تعریف که مبتنی بر مدل زیست پزشکی^{۱۵} است، به جنبه‌های مثبت سلامت توجه ندارد و عملاً جوانان را از حوزه فعالیت‌ها و مطالعات بهداشتی دور می‌سازد، زیرا جوانان به خاطر موقعیت سنی خاص خود و نیز اینکه در اوج نیروی جسمانی قرار دارند حداقل کمتر ناخوشی علامتی و یا ابرازی مطابق تعاریف کلاسیک دارند. از آن پس تلاش‌های گسترده‌ای صورت گرفته است تا تعاریف بهداشت را به جنبه‌های مثبت گسترش دهد و بهداشت را نبود مرض یا ناخوشی تلقی نکند؛ چرا که حداقل خود مردم وضعیت جسمانی و روانی مثبت مثل تناسب اندام، نیرو و نشاط و رفاه را از مؤلفه‌های سلامت می‌شمارند (بلاکستر^{۱۶} به نقل از وست، ۲۰۰۹، الف، ص. ۳۳۲). در این مورد گوخمان^{۱۷} نگاه وسیعی دارد: در منظر وی رفتارهای بهداشتی شامل ویژگی‌های شخصی مثل اعتقادات، انتظارات، محرک‌ها، ارزش‌ها، ادراکات و سایر عناصر شناختی و نیز ویژگی‌های شخصیتی شامل

1. aggregative
2. Erwin
3. Brotherson
4. Summers
5. health
6. potential
7. ill-health
8. disease
9. illness
10. sickness
11. West
12. Coleman
13. Hendry
14. Kloep
15. biomedical
16. Blaxter
17. Gochman

وضعیت عاطفی و تأثیرپذیری^۱ و الگوهای رفتاری، کنش‌ها و عادات مرتبط با سلامت است (به نقل از اسپرویت-متس^۲، ۱۹۹۹، ص. ۶). این تعریف نزدیک به تعریف سازمان بهداشت جهانی^۳ از بهداشت و سلامت است که در آن داشتن رفاه کامل جسمانی، روانی و اجتماعی، سلامت و بهداشت تلقی می‌شود (به نقل از وست، ۲۰۰۹، الف، ص. ۳۳۲). البته این تعاریف کل‌نگر^۴ خود مشکلاتی دارد، از جمله اینکه عوامل سلامت و خود سلامت را تفکیک نمی‌کند و این خطر را به همراه دارد که همه زندگی اجتماعی و سعادت و خوشبختی انسانی را به عنوان بهداشت و سلامت تعریف کند و باعث خلط عوامل بهداشت و خود بهداشت شود (ن. ک. به اسپرویت-متس، ۱۹۹۹، ص. ۶ و وست، ۲۰۰۹، الف، ص. ۳۳۲). در ارتقای تعریف سلامت و بهداشت و توسعه حوزه آن (فراتر از ناخوشی و مرض) گلاتنس^۵، لویس^۶ و ریمر^۷ با قراردادن فرد در متن اجتماعی، رفتار بهداشتی را به فرآیند و نتایج کنش‌های افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها و به تعیین‌کننده‌ها و عواقب کنش‌ها نسبت می‌دهند که دربرگیرنده تغییر اجتماعی، توسعه وضعیت، به اجرا درآوردن سیاست‌ها، بهبود دادن مهارت‌های انطباقی و افزایش کیفیت زندگی است (به نقل از اسپرویت-متس، ۱۹۹۹، ص. ۶). با توسعه مفهوم سلامت، رویکردهای جدیدتر به جنبه‌های پویای بهداشت و سلامت بیشتر توجه می‌کنند؛ در این باره استون^۸ (۱۹۸۷) مطرح می‌کند که سلامت را نباید به عنوان حالت نوعی ثابت در نظر گرفت، بلکه باید آن را مفهومی پویا که شامل حرکت در مسیر مثبت (یا منفی) است، نگریست (به نقل از کلمن، هندری و کلواپ، ۲۰۰۷، ص. ۸). مطابق این نگاه، یک فرد در موقعیت‌های مختلف زندگی‌اش ممکن است کمتر یا بیشتر سالم باشد. نیز اسپرویت-متس با طرح ضرورت توجه به تمایزات زمانی و حتی تفاوت‌های فردی، با سنتزی از رویکردهای مختلف، رفتار بهداشتی و سلامت را هر رفتار آشکار یا صفت شخصی می‌داند که به بهبود، نگهداری و یا تجدید رفاه اجتماعی، روانی و جسمانی و پیشگیری از بیماری کمک کند (اسپرویت-متس، ص. ۷). در متقابل، وی رفتار خطرناک^۹ را نیز در همان متن وسیعی که رفتار بهداشتی تعریف می‌شود، قرار می‌دهد و بنابراین هر رفتار آشکار یا صفت شخصی را که رفاه اجتماعی، روانی و جسمانی را در معرض خطر و تخریب قرار می‌دهد و یا باعث گسترش بیماری می‌شود، رفتار خطرناک تلقی می‌کند (همان، ص. ۸). کلمن مدل رشدی دوره زندگی^{۱۰} را بر همین اساس (پویایی مفهوم سلامت) نظام تعاملی پویایی از منابعی (متشکل از عناصر مختلف) در نظر می‌گیرد که هر فرد در زمان‌های متفاوت و تعاقبات مختلف در اختیار دارد. از منظر وی این منابع با یکدیگر تعامل دارند و می‌توانند دیگر داشته‌های روانی، اجتماعی و محیطی را تقویت یا تضعیف کنند. بدین ترتیب، کسی که منابع بیشتری را در اختیار دارد، محتملاً سلامت بیشتر نیز دارد. بعضی از این منابع با تولد فرد همراه او هستند، مثل خصوصیات ژنی و یا ویژگی‌های بنیادی فردی. بعضی نیز منابعی هستند که در طول زندگی به دست می‌آیند، مثل تحصیل، تغذیه خوب یا مثل آن. منابع با همدیگر تعامل دارند، مثل اثر سلامت جسمانی بر سلامت روانی و برعکس (کلمن، هندری و کلواپ، ۲۰۰۷، ص. ۹).

1. affective and emotional status

2. Spruijt-Metz

3. WHO

4. holistic

5. Glanz

6. Lewis

7. Rimer

8. Stone

9. risk behaviour

10. developmental lifespan model

وست با جداکردن پایگاه سلامت^۱ که کیفیت یا مشخصه نسبتاً بلندمدت سلامت فرد است و وضع سلامت^۲ که معرف مشخصه کوتاه‌مدت سلامت در زمان خاص است، مدلی را پیشنهاد می‌کند که بر اساس آن هم به جنبه‌های کوتاه‌مدت و ایستا و هم به جنبه‌های بلندمدت و پویای سلامت توجه می‌شود (وست، ۲۰۰۹، الف، ص. ۳۳۲). او با استفاده از این دوگانه پایگاه-وضعیت و نیز مفهوم‌سازی بلاکس‌تر از سلامت، ۴ بعد را مشخص می‌کند: "مرض/ ناتوانی"^۳ و "تندرستی"^۴ که انعکاسی از دو بعد مختلف "پایگاه سلامت" است و "ناخوشی (علامت‌دار)"^۵ و "احساس ناخوشی روانی اجتماعی"^۶ که انعکاسی از دو بعد "وضع سلامت" است (همان، ص. ۳۳۳).

در جمع‌بندی از مفهوم‌سازی‌های متس، وست، گل‌من و سایرین آشکار می‌شود:
 (۱) سلامت ترکیبی از جنبه‌های ایستا و پویاست و بنابراین در هر مفهوم‌سازی از بهداشت جوانان باید هم‌زمان به هر دو جنبه توجه داشت؛
 (۲) منابع در اختیار فرد، تعیین‌کننده‌های سلامت‌اند و بنابراین ریشه‌های جامعه‌شناختی سلامت جوانان باید دیده شود؛

(۳) رفتارهای سلامت نتیجه پایگاه و سنتزی از موقعیت و تفاوت‌های فردی و تمایزات زمانی^۷ است. این مفهوم سازی‌ها کمک می‌کند که جوانان در متن مسائل مربوط به بهداشت و سلامت قرار گیرند؛ اولاً، آنها به خاطر تغییر سریع از حالتی به حالت دیگر بیش از سایر گروه‌های سنی جنبه‌های پویای سلامت را آشکار می‌کنند؛ ثانیاً، به واسطه فقدان معمول منابع در اختیار که خود ناشی از فقدان پایگاه اجتماعی تثبیت‌شده برای آنان است، بسیار نسبت به تغییرات بهداشتی واکنش نشان می‌دهند و در این مورد آسیب‌پذیرتر از بزرگسالان هستند؛ ثالثاً، وضعیت و تمایزات زمانی در سلامت را با توجه به موقعیت‌ها و تفاوت‌های فردی بهتر توضیح می‌دهند.

چالش‌های مرتبط با تعریف سلامت از منظر جوانان و بزرگسالان

هر تعریف جامع و مانعی که از سلامت و بهداشت جوانان در مقام ناظر شود با تعریف خود آنها و حتی تعریفی که از سوی بزرگسالان مرتبط با آنها، از جمله بزرگ‌ترهای خانواده، اولیای مدرسه و سیاست‌گذاران حوزه بهداشت جوانان می‌شود، متفاوت خواهد بود. در حالی که بزرگ‌ترها (اعم از والدین و سیاست‌گذاران) به جنبه‌های منفی سلامت جوانان از جمله رفتارهای خطرناک آنها مثل سوء مصرف مواد، مصرف الکل، مصرف مواد دخانی، روابط جنسی خارج از ضوابط و مواردی از این قبیل توجه دارند و آنها را منشأ تهدید سلامت جوانان می‌انگارند، جوانان نسبت به خطرات تهدیدکننده سلامت در درازمدت چندان حساس نیستند. آنها از منظر «هم اکنون» که مبتنی بر زمان محدود همین حالاست، نسبت به وضع ظاهر، موی سر، پوست، قد و وزن، اندام، تغذیه، ورزش و جنبه‌های مختلف سلامت عاطفی، توانایی‌های ارتباطی و سلامت جنسی نگرانی‌های بیشتری دارند؛ نگرانی‌هایی که البته معمولاً مورد توجه و علاقه بزرگسالان و سیاست‌گذاران نیست (گل‌من، هندری و کلوپ، ۲۰۰۷، ص. ۱۵، و شاک‌اسمیت و هندری، صص. ۱-۱۰ و ص. ۱۲۹). جوانان در مطالعات انجام شده از جمله مطالعه هندری (۱۹۹۸) به بحث با متخصصان سلامت درباره سیگار، الکل و مواد

1. health status
2. health state
3. disease/impairment
4. fitness
5. illness (symptoms)
6. psychosocial malaise
7. chronological

علاقه کمی نشان داده‌اند (کلمن، هندری و کلواپ، ۲۰۰۷، ص. ۶، و شاک‌اسمیت و هندری ص. ۲ و ص. ۱۲۹). در واقع، جوانان سلامت را به عنوان موضوع انتزاعی نمی‌بینند. برای آنها سلامت کاملاً دربارهٔ اینجا و حالا و داشتن اطلاعات و مهارت دربارهٔ موقعیتی است که هم اکنون با آن درگیرند (کلمن، هندری و کلواپ، ۲۰۰۷). آشکار است این عدم انطباق بین علائق جوانان و بزرگسالان در حوزه بهداشت جوانان، عواقبی در سیاست‌گذاری‌ها دارد که خود محتملاً تأثیری منفی بر رشد رفتاری و روانشناختی و نیز اجتماعی جوانان باقی خواهد گذارد - ضمن این که چنین تقابلی حتی گاه به بدگمانی بزرگسالانه درباره جوانان می‌انجامد و فضایی از هراس اخلاقی پدید می‌آورد (جونز، ص. ۳۱، و شاک‌اسمیت و هندری ص. ۲ و ص. ۱۲۹).

وضع سلامت جوانان و تحولات آن در جهان و ایران

در سنت مطالعات سلامت و نیز در سیاست‌گذاری‌های بهداشتی، جوانان به عنوان گروهی خاص کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند که البته این امر درست در مقابل پیشرفت‌هایی است که در عرصهٔ بهداشت کودکان و کهنسالان صورت پذیرفته است. فرلانگ^۱ مطرح می‌کند که در جوامع اروپا و شمال آمریکا علیرغم پیشرفت‌ها در استانداردهای زندگی و تغذیه، از بهداشت و سلامت جوانان غفلت شده است (فرلانگ، ۲۰۰۹، ص. ۳۲۹). وی معتقد است که حتی وضع بهداشت جوانان بدتر شده است و شواهد نیز این امر را تأیید می‌کند (همان). از منظر فرلانگ و کارتمل^۲ عوامل متعددی باعث این وضعیت شده است؛ از جمله این عوامل، فرضی است که بر بسیاری از اقدامات در این حوزه تأثیر گذاشته است و آن این که مشکلات تهدیدکنندهٔ سلامت جوانان همان‌هایی است که در بچگی اثر می‌گذارد و البته در بزرگسالی نیز اثرات آن‌ها ادامه می‌یابد (فرلانگ و کارتمل، ۲۰۰۷، ص. ۶۷). دلیل دیگر آن که از منظر چرخهٔ زندگی، جوانان به عنوان کسانی در نظر گرفته می‌شوند که دورهٔ پرخطر کودکی را پشت سر گذاشته و در اوج سلامتی‌اند. ضمن آنکه از طرف دیگر وارد دورهٔ بزرگسالی که در آن سلامتی کم‌کم تحلیل می‌رود نیز نشده‌اند (فرلانگ، ۲۰۰۹، ص. ۳۲۹). خود عدم توجه نوجوانان و جوانان به جنبه‌های مرتبط با سلامت نیز در این امر مؤثر بوده است. بدین ترتیب، اجمالاً و معمولاً نوجوانی، دورانی از حد نهایی سلامت و زندگی در شرایط مناسب و خوب جسمانی در نظر گرفته می‌شده است (اسپرویت - متس، ۱۹۹۹، ص. ۱۶). این مسئله دلایل نهادی نیز داشته است؛ از جمله این که به دلیل فقدان مطالعات کافی دربارهٔ بهداشت جوانان و نیز نبود توزیع گروه سنی جوانان در آمارهای رسمی، عملاً امکان توجه نهادهای سیاست‌گذار به این حوزه نبوده است (وست، ۲۰۰۹، ب، ص. ۳۶۱). در ضمن نهادهای رسمی و اجرایی عملاً آن چنان درگیر مسئله‌های حاد بهداشتی (مثل بهداشت و سلامت کودکان) بوده‌اند که کمتر فرصت توجه به مسئله بهداشت و سلامت نوجوانان و جوانان را می‌یافته‌اند. نیز در گذشته تجربه‌های اندکی دربارهٔ بهداشت و سلامت کهنسالان وجود داشت تا بتوان رابطهٔ بین بهداشت و سلامت جوانان و بزرگسالان و ریشه‌های نوجوانانه و جوانانهٔ سلامت در کهنسالی را دریافت.

اکنون وضعیت کاملاً تغییر کرده است. در واقع، در ۲۰ سالهٔ اخیر به دلیل تغییر در سبک زندگی جوانان در عرصهٔ رفتارهای پرخطر، تغییر در نوع گسترش حوادث و از همه مهم‌تر تغییرات گسترده در شرایط و چگونگی گذار به بزرگسالی که بیش از هر چیز سلامت روانی نوجوانان و جوانان را در خطر قرار داده است - تحقیقات متعدد این را اثبات کرده - و وضع سلامت جوانان بدتر شده است. داده‌ها افزایش منظم مشکلات افسردگی، خودکشی و جرم را تأیید می‌کند (وست، ۲۰۰۹، ب، ص. ۳۶۱). مجموعهٔ این تغییرات در حدی

1. Furlong

2. Cartmel

است که حتی در کشورهای با عنوان توسعه‌یافته برای اولین بار در یک قرن اخیر امید به زندگی در حال کاهش است. گسترش بیماری‌های آلرژیک نیز روند کاهش سلامت را تأیید می‌کند (همان، ص. ۳۳۰). بدین ترتیب، جوانان به طور جدی وارد حوزه‌های مطالعاتی بهداشت و سلامت شده‌اند و حتی در اولویت‌های توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته‌اند. البته بحث‌هایی جدی وجود دارد که آیا آنچه با عنوان «بدتر شدن وضعیت سلامت جوانان» مطرح می‌شود، امری واقعی است یا تنها «ساخته‌ای اجتماعی»^۱ است که خود می‌تواند انعکاسی از هراس اجتماعی بزرگسالان نسبت به وضعیت جوانان و اینکه آنها نظم اجتماعی موجود را تهدید می‌کنند، حداقل در ایران نگاهی به عناوین تحقیقاتی در حوزه سلامت و بهداشت جوانان، تأیید می‌کند که مهمترین آنها پیرامون جنبه‌های منفی و رفتارهای خطرناک جوانان تعریف شده‌اند. این امر به طور آشکاری منعکس کننده رویکرد بزرگسالانه و هراس اخلاقی پنهان در آن است (ر.ک به ارجاعات فارسی آخر همین مقاله) که به آسانی به فرهنگی از شماتت جوانان و اینکه جوانان درگیر فرهنگ فساد و تباهی‌اند مربوط می‌شود. علیرغم وجود ساخته‌ای اجتماعی از بهداشت و سلامت جوانان که متوجه جنبه‌های منفی سلامت است، داده‌های عینی نشان می‌دهد که سلامت و بهداشت جوانان حداقل در جنبه‌های مثبت سلامت، تنها ساخته‌ای اجتماعی نیست، ضمن آن که به ویژه هنوز هم آن چنان توجهی به سلامت جوانان در مجموعه سیاست‌گذاری‌ها و نیز توسعه نهادی سازمان‌های بهداشتی مربوط به جوانان نمی‌شود.

وضعیت عمومی سلامت جوانان

در مورد وضعیت سلامت جوانان در ایران، متأسفانه اطلاعات طولی مناسبی وجود ندارد. به همین دلیل امکان مطالعه روندها تقریباً غیر ممکن است، اما مطالعات مختلف در حوزه‌های متفاوت بهداشت جوانان، وضعیت سلامت آنها را تا حدودی بازنمایی می‌کند- هر چند اطلاعات قابل تعمیم ملی در این مورد ناچیز است. در مطالعه‌ای در تهران، ۸۵ درصد جوانان، خود ارزیابی عالی یا خوبی از وضع سلامت خود داشته‌اند (احمدنیا، ۱۳۸۰، ص ۵۳). در همین حال ۶ درصد جوانان اظهار داشته‌اند که از بیماری‌های مزمن رنج می‌برند. ۷/۳ درصد اظهار داشته‌اند که وضع تغذیه مناسبی ندارند. وضعیت رفتارهای بهداشتی پایه وضع بدتری دارد؛ چنان که ۳۳ درصد جوانان تحرک بدنی خاصی ندارند و تنها ۴۳ درصد مرتب ورزش می‌کنند. ۷/۵ درصد اصلاً مسواک نمی‌زنند، ۲۷ درصد گاه به گاه مسواک می‌زنند و ۸۸ درصد نیز از نخ دندان استفاده نمی‌کنند. ۳ درصد از جوانان برای چاق شدن یا لاغر شدن دارو استفاده می‌کنند و ۲۵ درصد نیز اظهار داشته‌اند که احساس نگرانی دارند و فکر و خیال می‌کنند (همان، صص ۶۳-۵۴). دانش نوجوانان در خصوص تغذیه به عنوان پایه رفتارهای بهداشتی نیز بسیار ضعیف است؛ چنان که ارزیابی ۸۰ درصد از آنها در مورد نسبت نان و غلات در تغذیه روزانه غلط است (همان، صص ۶۹-۶۷). در مورد تصور از بدن نیز که مشخص‌کننده بسیاری از رفتارهای مربوط به تغذیه و سلامتی است، ۴۹ درصد ارزیابی غیر معمولی از شرایط وزن و هیكل خود داشته‌اند که از این میان ۲۹ درصد اظهار داشته‌اند لاغر یا خیلی لاغر هستند و ۲۰ درصد نیز ارزیابی چاق یا خیلی چاق از بدن خود داشته‌اند. بر این اساس، ۵۰ درصد جوانان به دنبال تغییر وضعیت بدن خود (لاغر شدن یا چاق شدن) بوده‌اند (همان، صص. ۵۴-۵۷). در شهرستان‌ها نیز وضعیت چندان متفاوتی مشهود نیست. در مطالعه کلیشادی و همکاران نشان داده می‌شود اگر چه بیشتر دانش‌آموزان، والدین و مسئولان مدارس آگاهی کافی نسبت به تغذیه سالم دارند، اما عملکرد آنها گویای این امر نیست. نیز اگر چه میانگین مصرف چربی نوجوانان در محدوده مجاز توصیه شده است، اما در بسیاری موارد اختلالات چربی سرم خون وجود دارد مثلاً

میانگین کلسترول دختران گروه سنی ۱۱ تا ۱۴ و ۱۵ تا ۱۸ ساله، به طور معنی داری بالاتر از مقادیر استاندارد است. در مطالعه فوق ارتباط مستقیم بین اختلالات چربی خون در نوجوانان و مصرف غذاهای آماده و میان وعده های غذایی چرب به دست آمد. همچنین، اگر چه نشان داده شد که میزان مصرف پروتئین در حد توصیه شده است، ولی با توجه به مصرف گوشت قرمز، اختلالات چربی خون نیز وجود داشت. (رویا کلیشادی، غلامحسین صدری، مهین هاشمی پور، نضال صراف زادگان، حسن علی خاصی، نصرا... بشردوست، رضوان انصاری، رضوان پشیمی، صدیقه رفیعی طباطبائی، مریم شهاب، ۱۳۸۲) مطالعه ای در شهر بجنورد در سال ۸۷ در مورد رفتار بهداشتی جوانان نشان داده است که ۶۵ درصد جوانان هیچ گاه وضعیت سلامتی خود را چک نمی کنند (سامانیان و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۸۶). تنها ۷/۷ درصد حداقل روزی یک ساعت ورزش می کنند (همان، ص ۸۹). ۶۶ درصد هیچ گاه برای کنترل سلامت چشم خود به چشم پزشک مراجعه نمی کنند (همان، ص ۹۴). ۶۱ درصد در طول سال به دندانپزشک مراجعه نمی کنند (همان، ص ۹۵). ۲۵ درصد جوانان کم یا خیلی کم از سبزیجات و ۸ درصد کم یا خیلی کم از شیر در رژیم غذایی خود استفاده می کنند (همان، ص ۱۰۱). تنها ۲۰ درصد از جوانان اولویتشان در انتخاب یک غذا، ارزش تغذیه ای آن است (همان، ص ۱۰۲). مطالعه صفرعلیزاده و همکاران در سال ۱۳۸۸ نشان داد ۶۶ درصد دختران نوجوان شهر خوی از نظر شاخص توده بدنی در سطح نرمال و ۳ درصد چاق بوده اند (فاطمه صفرعلیزاده، حمیده پرتو اعظم، زینب حبیب پور، ۱۳۸۸). در مطالعه گرمارودی و همکاران، ۱۴/۷ درصد دانش آموزان مقطع متوسطه تهران رژیم غذایی نامناسب و ۳۲/۶ درصد نیز عدم فعالیت جسمانی را گزارش کرده اند (غلامرضا گرمارودی، جلیل مکارم، سیده شهره علوی، زینب عباسی، ۱۳۸۸). مطالعه جلالی نیا و همکاران در این مورد نشان داد که اطلاعات نوجوانان در زمینه مشکلات ناشی از عادات نادرست غذایی چندان رضایتبخش نیست (شیرین جلالی نیا، فهیمه رضایی تهرانی، منیر برادران افتخاری، حسین ملک افضل، نیلوفر پیکری، ۱۳۸۹). مطالعه محمدنژاد و همکاران در سال ۱۳۸۸ در باره دانش آموزان ابتدایی شهر ساوه نیز نشان داد تنها ۴۲ درصد از آنها حداقل یکبار در شبانه روز مسواک می زنند و ۱/۲ درصد از آنها نیاز به درمان فوری دندان دارند (اسمعیل محمدنژاد، اسمعیل شریعت، جمال الدین بیگجانی، قاسم ابوطالبی، ۱۳۹۰).

مطالعه بین المللی اچ.بی.اس.سی. در سطح ۴۱ کشور اروپایی و شمال آمریکا هر چند مقایسه خوبی با داده های حاصل از مطالعه در ایران به دست نمی دهد، اما می تواند حدود تفاوت ها را نشان دهد. در مطالعه سال های ۲۰۰۵-۲۰۰۶ و ۲۰۰۹-۲۰۱۰، ۱۸ درصد از نوجوانان ۱۵ ساله، خودارزیابی "نه چندان خوب" و "بد" از وضع سلامت خود داشته اند (کاری و دیگران، ۲۰۱۰، صص. ۶۰-۶۱ و کاری و دیگران، ۲۰۱۲، صص. ۶۸-۶۹). به ترتیب در سال های فوق ۱۸ و ۱۷ درصد نیز اظهار رضایت کمی از زندگی خود کرده اند (کاری و دیگران، ۲۰۱۰، صص. ۶۵-۶۶ و کاری و دیگران، ۲۰۱۲، صص. ۷۲-۷۳). ۱۴ درصد احساسی از اضافه وزن داشته اند (همان ها، به ترتیب صص. ۷۶-۷۷ و ۹۰-۹۱). ۲۸ درصد احساس می کرده اند که زیادی چاق اند (همان ها، به ترتیب صص. ۸۰-۸۱ و ۹۵). ۴۵ درصد چیزی به عنوان صبحانه نمی خورند (همان ها، به ترتیب صص. ۸۶-۸۷ و ۱۰۸-۱۰۹). ۳۰ و ۳۱ درصد روزانه میوه می خورند (همان ها، به ترتیب صص. ۹۰-۹۱ و ۱۱۳-۱۱۲). ۲۵ درصد روزانه نوشابه های غیرالکلی حاوی شکر مصرف می کنند (همان ها، به ترتیب صص. ۹۴-۹۵ و ۱۱۶-۱۱۷). ۶۴ و ۶۵ درصد بیش از یک بار در روز مسواک می زنند (همان ها، به ترتیب صص. ۹۸-۹۹ و ۱۲۴-۱۲۵). ۱۵ درصد رژیم لاغری دارند (همان ها، به ترتیب صص. ۹۸-۹۹ و ۱۰۲-۱۰۳). به ترتیب ۲۲ و ۱۵ درصد روزانه حداقل یک ساعت فعالیت بدنی متعادل تا شدید دارند (همان ها، به ترتیب صص. ۱۰۶-۱۰۷ و ۱۳۰-۱۳۱).

هر چند مقایسه نتایج مشکل می نماید، اما در بعضی موارد فارغ از اختلافات در پرسش ها و زمان اجرای

پژوهش و یا حتی متن اجتماعی و فرهنگی پرسش‌ها و پاسخ‌ها، تفاوت‌های اساسی در سطح بهداشت جوانان قابل استنتاج است. بر این اساس آشکار است که سطح بهداشت جوانان در ایران، از سطح متوسط ۴۱ کشور مورد بررسی در مطالعه^۱ اچ.بی.اس.سی. نسبتاً پایین‌تر است.

داده‌های طولی از مطالعات مختلف در جهان آشکار می‌کند که علیرغم پیشرفت‌ها در استانداردهای زندگی و تغذیه، پیشرفت در بهداشت جوانان مورد غفلت قرار گرفته است (فرلانگ، ۲۰۰۹، ص. ۳۲۹). افزایش وزن به عنوان روندی کلی نشانه ارتقای سطح کلی بهداشت است، اما این امر در مواردی با سطوحی از چاقی و اضافه وزن شایع^۲ همراه شده است که در نتیجه شیوع عادات بد مصرف مواد غذایی به وجود آمده است؛ چنان که به عنوان مثال، مصرف کربوهیدرات‌ها در ۲۰ ساله اخیر دو برابر شده است (وست، ۲۰۰۹، ب، ص. ۳۶۲). این در حالی است که به علت ریشه‌کن شدن بیماری‌های عفونی، امکان آسیب‌پذیری افراد در مقابل بیماری‌های آلرژیک بیشتر شده است و در مجموع سطح امید به زندگی را در نسل‌های متأخرتر کاهش داده است (وست، ۲۰۰۹، الف، صص. ۳۳۶-۳۳۷). هر چند بیشتر جوانان با اختلالات خورد و خوراک^۳ را در جوانان تأیید می‌کند (فآلکنر^۳، ۲۰۰۷، ص. ۷۹)، اما در مجموع می‌توان گفت که تغذیه جوانان خوب نیست و بدتر نیز می‌شود (وست، ۲۰۰۹، ب، صص. ۳۶۲-۳۶۳). مرگ و معلولیت ناشی از حادثه در جوانان کشورهای توسعه‌یافته در حال کاهش است، هر چند پایگاه سلامت آنها تغییر چندانی نیافته است (وست، ۲۰۰۹، الف، ص. ۳۳۷). این در حالی است که مرگ‌ها و معلولیت‌های ناشی از حادثه در بین جوانان بسیاری از کشورهای جهان سوم حتی در حال افزایش است. البته جنبه‌های مثبت نیز وجود دارد. شواهد تحقیقاتی حاکی از آن است که مشارکت جوانان در ورزش و تحرک جسمانی افزایش یافته است (لوری، کرمر و ترو، ۲۰۰۷، ص. ۳۹).

وضعیت سلامت روانی جوانان

در بررسی سلامت روانی نوجوانان و جوانان در ایران، اطلاعات باز هم محدودتر است - ضمن آن که هیچ اطلاعات طولی قابل استنادی نیز درباره جوانان وجود ندارد. هر چند مطالعه مفصلی در باره وضعیت سلامت روان افراد بالای ۱۵ سال تهرانی در سال ۱۳۸۷ انجام شده، اما داده‌های تفکیکی از وضعیت جوانان در آن مطالعه ارائه نشده است (احمدعلی نوربالا، سیدعباس باقری یزدی، محسن اسدی لاری، محمدرضا واعظ مهدوی، ۱۳۸۹). مطالعه سال ۱۳۸۰ سازمان ملی جوانان نشان داده است که نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله بر اساس شاخص‌های شش‌گانه رشد روانی - اجتماعی اریکسون در مقوله‌های صمیمیت و اعتماد، میانگین پایین‌تری را نسبت به سایر مقوله‌ها ابراز کرده‌اند (احمدنیا، ۱۳۸۰). مطالعه صفرعلی‌زاده و همکاران در سال ۱۳۸۸ نشان داد ۷۹ درصد دختران نوجوان شهر خوی خلُق طبیعی و ۱۷ درصد افسردگی خفیف داشته‌اند (فاطمه صفرعلی‌زاده، حمیده پرتواعظم، زینب حبیب پور، ۱۳۸۸). در بررسی وضعیت سلامت روان دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۳۸۲ شیوع لحظه‌ای علایم اختلال روانی ۷۲ درصد برآورد گردید که از این بین ۷ درصد حداقل در یک بعد دچار اختلال شدید بودند. در این مورد نشان داده شد که علائم مربوط به اختلال افکار پارانوییدی، افسردگی و اختلال وسواسی جبری به ترتیب دارای بالاترین درصدها بودند (صادقعلی تازیکی، سیما بشارت، محمدرضا ربیعی، ۱۳۸۴). در مطالعات مختلف جهانی نیز بهداشت روانی به حوزه جدیدی از نگرانی بدل شده است که با شواهدی از افسردگی گسترده و اضطرابات روانشناختی در میان جوانان تقویت یافته است (فرلانگ، ۲۰۰۹، ص. ۳۲۹). فرلانگ نشان داده که افزایش مشکلات روانی

1. epidemic

2. eating disorders

3. Faulkner

جوانان مقوله‌ای است که در بسیاری از جوامع مشاهده می‌شود و تقریباً امری جهانی است (همان). افزایش منظم اختلالات افسردگی، خودکشی، خشونت، اختلالات سلوک و سوء مصرف مواد که از داده‌های کشورهای مختلف به دست می‌آید (وست، ۲۰۰۹، الف، ص. ۳۳۶) تردیدی باقی نمی‌گذارد که سلامت روانی در بین جوانان در حال کاهش یافتن است. اِکرزلی^۱ مطرح می‌کند که روندهای طولانی مدت بهداشت روانی را به دشواری می‌توان مشخص کرد، اما شواهد به دست آمده از تحقیقات نشان می‌دهد که از هر دو نفر جوان، یک نفر مشکلات کم اهمیت روانشناختی و از هر ۱۰ نفر جوان ۳ نفر مشکلات روانشناختی معنی‌دار مثل سردرد، دل‌درد و بی‌خوابی دارد (۲۰۰۹، صص. ۳۵۳-۳۶۰).

سلامت جوانان و رفتارهای پرخطر مصرف مواد دخانی و سیگار

بر اساس مطالعه یوسفی در سال ۱۳۸۸، ۴۴ درصد جوانان تجربه مصرف مواد دخانی را داشته‌اند. ۷۵ درصد کسانی که تجربه مصرف مواد دخانی داشته‌اند، قلیان و ۵۷ درصد سیگار را تجربه کرده‌اند و ۷ درصد نیز کاملاً سیگاری بوده‌اند (یوسفی، ۱۳۸۸). مطالعه گرمارودی و همکاران در همان سال نشان داد ۵ درصد دانش‌آموزان مقطع متوسطه تجربه مصرف سیگار در ماه منتهی به تحقیق داشته‌اند (غلامرضا گرمارودی، جلیل مکارم، سیده شهره علوی، زینب عباسی، ۱۳۸۸). مطالعه مؤمن نسب و همکاران نیز نشان می‌دهد که به ترتیب ۲۵ و ۳۰ درصد دانشجویان مراکز آموزش عالی شهر خرم آباد در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ سابقه مصرف سیگار و قلیان داشته‌اند (مرضیه مومن نسب، سید سعید نجفی، محمد حسین کاوه، فرناز احمدپور، ۱۳۸۵). در مطالعه یوسفی، ۲۱ درصد جوانان علت مصرف را ابراز هویت و جلب توجه، ۱۸ درصد همراهی با دوستان و ۹ درصد تقلید عنوان کرده‌اند که اگر تمامی اینها عناصر مرتبط با هویت دانسته شود، می‌توان گفت دلایل هویتی از اهم دلایل نزدیکی جوانان در ایران با مواد دخانی است (یوسفی، ۱۳۸۸). در مطالعات دیگر نسبت‌های متفاوتی در خصوص مصرف سیگار و مواد دخانی به دست آمده است، از جمله در مطالعه شاهرخی در سال ۸۳، نسبت جوانان سیگاری ۱۳/۵ درصد به دست آمده است. این در حالی است که در مطالعه سازمان ملی جوانان در سال ۸۰، میزان سیگاری‌های بین ۱۲ تا ۱۸ سال، ۲ درصد گزارش شده است (شاهرخی، ۱۳۸۵). در مطالعه اچ.بی. اس.سی. در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۵ متوسط آنهایی که در هفته حداقل یک بار سیگار می‌کشند، در ۱۱ ساله‌ها ۱ درصد، در ۱۳ ساله‌ها ۶ درصد و در ۱۵ ساله‌ها ۱۹ درصد بوده است (کاری و دیگران، ۲۰۱۰، صص. ۱۲۰-۱۲۱). این نسبت برای سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۹ به ترتیب در ۱۱ ساله‌ها به ۱ درصد، در ۱۳ ساله‌ها به ۶ درصد و در ۱۵ ساله‌ها به ۱۸ درصد رسیده است که نشان از کاهش مصرف سیگار دارد (کاری و دیگران، ۲۰۱۲، صص. ۱۴۴-۱۴۵). مقایسه روندها آشکار می‌کند که مصرف سیگار بین جوانان در بسیاری از کشورهای اروپا و شمال آمریکا در حال کاهش است (فرلانگ، ۲۰۰۹، ص. ۳۲۹).

سوء مصرف مواد و اعتیاد

نسبت قابل توجهی از معناتادان کشور (۴۵ درصد) جوان بوده‌اند (صداقت و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۲۰۴) در مطالعه شاهرخی در شهرهای اصفهان، مشهد و شهرکرد مصرف حشیش در بین جوانان معتاد ۲/۱ درصد و مصرف آمفتامین ۷/۲ درصد به دست آمده است (شاهرخی، ۱۳۸۵). همین مطالعه آشکار کرده است که ۵/۸ درصد جوانان معتاد مورد مطالعه تریاک و ۱۳/۴ درصد هروئین مصرف کرده‌اند. مصرف متادون در این مطالعه ۲/۷ درصد برآورد شده است (همان). مطالعه‌ای دیگر در تهران بین نوجوانان کانون اصلاح و تربیت

نشان داده است که در بین آنها تجربه مصرف اکستازی بیش از سایر مواد صنعتی بوده است (میرزایی، ۱۳۸۷). مطالعه گرواردی و همکاران در سال ۱۳۸۸ نشان داد ۲/۷ درصد دانش‌آموزان مقطع متوسطه تجربه مصرف مواد مخدر داشته‌اند (غلامرضا گرواردی، جلیل مکارم، سیده شهره علوی، زینب عباسی، ۱۳۸۸). مطالعه مؤمن‌نسب و همکاران نیز نشان می‌دهد که به ترتیب ۸/۳ و ۴/۳ درصد دانشجویان مراکز آموزش عالی شهر خرم‌آباد در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ سابقه مصرف مواد مخدر و داروهای غیرمجاز داشته‌اند (مرضیه مومن‌نسب، سید سعید نجفی، محمد حسین کاوه، فرناز احمدپور، ۱۳۸۵). مطالعه سال ۱۳۸۶ علی‌زاده در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان نیز نشان داد که ۴/۷ درصد سابقه مصرف حشیش، ۴/۸ درصد تریاک، ۰/۷ درصد هروئین و ۲/۷ درصد اکستازی داشته‌اند (نرگس شمس‌علیزاده، مرضیه مقدم، بهزاد محسن‌پور، نرگس رستمی‌گوران، ۱۳۸۷). مطالعه اچ.بی.اس.سی. در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۷ نشان می‌دهد که ۱۸ درصد از ۱۵ ساله‌ها در اروپا و شمال آمریکا حداقل یک بار حشیش استفاده کرده‌اند (کاری و دیگران، ۲۰۱۰، ص. ۱۳۶). هر چند آنهایی که در ۳۰ روز منتهی به تحقیق از آن استفاده کرده‌اند، محدود به ۶ درصد از ۱۵ ساله‌ها بوده است (همان، ص. ۱۴۰). مطالعه سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۹ نیز نشان می‌دهد که نسبت ۱۵ ساله‌هایی که حداقل یک بار حشیش استفاده کرده‌اند به ۱۷ درصد (کاری و دیگران، ۲۰۱۲، ص. ۱۶۶) اما آنهایی که در ۳۰ روز منتهی به تحقیق از آن استفاده کرده‌اند، به ۸ درصد رسیده است (همان، ص. ۱۶۷). مطالعات در همان کشورها نشان داده است که هر چند مصرف مواد غیرقانونی از دوره نوجوانی آغاز می‌شود، اما در اکثر موارد مصرف آنها محدود به دوره گذار به بزرگسالی است و معمولاً کنترل می‌شود (فرلانگ، ۲۰۰۹، ص. ۳۳۰).

مصرف الکل

اطلاعات درباره مصرف الکل در بین جوانان ایران محدود است. مطالعه سال ۱۳۸۶ علی‌زاده و همکاران در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان نشان می‌دهد که ۱۷ درصد دانشجویان سابقه یک‌بار یا بیشتر مصرف الکل و ۱/۱ درصد سابقه مصرف مستمر آن را داشته‌اند (نرگس شمس‌علیزاده، مرضیه مقدم، بهزاد محسن‌پور، نرگس رستمی‌گوران، ۱۳۸۷). مطالعه مؤمن‌نسب و همکاران نیز نشان می‌دهد که ۹ درصد دانشجویان مراکز آموزش عالی شهر خرم‌آباد در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ سابقه مصرف الکل داشته‌اند (مرضیه مومن‌نسب، سید سعید نجفی، محمد حسین کاوه، فرناز احمدپور، ۱۳۸۵). مطالعه گرواردی و همکاران در سال ۱۳۸۸ نیز نشان داد ۷/۴ درصد دانش‌آموزان مقطع متوسطه در ماه منتهی به تحقیق تجربه مصرف الکل داشته‌اند (غلامرضا گرواردی، جلیل مکارم، سیده شهره علوی، زینب عباسی، ۱۳۸۸). مطالعه‌ای که در خصوص نگرش‌ها و نظرات جوانان درباره مصرف الکل انجام شده است، نشان می‌دهد که ۱۷ درصد جوانان مصرف کنترل‌شده الکل را خالی از اشکال می‌دانند. ۹ درصد نیز تأیید کرده‌اند که مصرف مشروبات الکلی در جشن‌ها و میهمانی‌ها اشکالی ندارد (گراوند، ۸۸، ص. ۲۲). این امر با توجه به حرمت مشروبات الکلی جای تأمل بسیار دارد، ضمن آن که نگرش‌ها نزدیک به عمل هستند و آمادگی برای رفتار را به وجود می‌آورند. مطالعات در سطح جهان و از جمله مطالعه اچ.بی.اس.سی. در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۷ نشان می‌دهد که ۵ درصد ۱۱ ساله‌ها، ۱۱ درصد ۱۳ ساله‌ها و ۲۶ درصد ۱۵ ساله‌ها حداقل یک بار در هفته مشروب الکلی می‌نوشند (کاری و دیگران، ۲۰۱۰، صص. ۱۲۴-۱۲۵). این نسبت‌ها برای سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۹ به ترتیب ۴، ۸ و ۲۱ درصد بوده است (کاری و دیگران، ۲۰۱۲، صص. ۱۵۴-۱۵۵). برای سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۷ نسبت ۱۵ درصد از ۱۵ ساله‌ها در سن ۱۳ سالگی یا کمتر تجربه مستی داشته‌اند (کاری و دیگران، ۲۰۱۰، صص. ۱۲۸) که این میزان برای سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۹ به ۱۴ درصد رسیده است (کاری و دیگران، ۲۰۱۲، صص. ۱۵۶). نیز ۳ درصد ۱۱ ساله‌ها، ۱۱ درصد ۱۳ ساله‌ها و ۳۳ درصد ۱۵ ساله‌ها بر اساس مطالعه ۲۰۰۶-۲۰۰۷ حداقل دو بار تجربه مستی داشته‌اند (کاری و دیگران، ۲۰۱۰، صص. ۱۳۲-۱۳۳). برای سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۹ این نسبت‌ها

به ترتیب ۲، ۹ و ۳۲ درصد بوده است (کاری و دیگران، ۲۰۱۲، صص. ۱۵۶-۱۵۷).

روابط جنسی

مطالعات درباره روابط جنسی قبل از ازدواج در ایران محدود و در ضمن نیازمند بررسی بیشتر در صحت نتایج است. مطالعه‌ای نشان داده است که تقریباً ۵۵ درصد جوانان به نحوی از انحاء با جنس مخالف رابطه داشته‌اند و ۲۴ درصد افرادی که با جنس مخالف رابطه داشته‌اند، رابطه‌شان به آمیزش جنسی منجر شده است (۱۳/۲ درصد کل). از این میان ۲/۱ درصد از کل نمونه با حاملگی ناخواسته روبرو شده‌اند (روابط جنسی دختران و پسران قبل از ازدواج، ۸۶). مطالعه گرمارودی و همکاران در سال ۱۳۸۸ نیز نشان داد ۵ درصد دانش‌آموزان مقطع متوسطه تجربه رابطه با جنس مخالف داشته‌اند (غلامرضا گرمارودی، جلیل مکارم، سیده شهره علوی، زینب عباسی، ۱۳۸۸). مطالعه مؤمن‌نسب و همکاران نیز نشان می‌دهد که ۳۲ درصد دانشجویان مراکز آموزش عالی شهر خرم‌آباد در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ که سابقه مقاربت جنسی داشته‌اند بیش از دو شریک جنسی داشته و ۴۰ درصد نیز از وسایل محافظتی استفاده نکرده‌اند (مرضیه مؤمن‌نسب، سید سعید نجفی، محمد حسین کاوه، فرناز احمدپور، ۱۳۸۵). نظرسنجی درباره روابط جنسی قبل از ازدواج نشان داده است که علیرغم مخالفت بیشتر جوانان با آن- براساس توزیع پاسخ‌ها به گویه‌ها به شکلی متضاد- نوعی افکار عمومی^۱ در این باره شکل گرفته است: به ترتیب ۴۰ درصد و ۴۹ درصد جوانان تأیید کرده‌اند که داشتن دوست پسر برای دختران و داشتن دوست دختر برای پسران اشکالی ندارد (گراوند، ۱۳۸۷، ص ۲۱). در همین مطالعه، ۵۹ درصد جوانان تأیید کرده‌اند که اجتناب از ارضای تمایلات جنسی تا زمان ازدواج ضرورتی ندارد (همان). از همه مهم‌تر پاسخ‌های متضاد در تأیید یا رد گویه "روابط جنسی قبل از ازدواج، واقعیتی است که بزرگ‌ترها حاضر به پذیرش آن نیستند"، آشکار می‌کند که افکار عمومی در این باره قطبی شده است (همان، ص ۳۱). عواقب آشکار روابط جنسی غیر معمول آن بوده است که در سال ۸۵ حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر جوان ۱۵ تا ۲۹ سال در کشور مبتلای به بیماری‌های آمیزشی بوده‌اند (گزارش سلامت جوانان، ۱۳۸۵، ص ۹۷). در همین حال نزدیک به ۴۵ درصد مبتلایان به اچ.آی.وی جوانان ۱۵ تا ۳۵ سال بوده‌اند (همان، ص ۴۷) که البته بدیهی است تنها بخشی از آن تحت تأثیر رفتارهای پرخطر جنسی است. شایان ذکر است که میزان ارتباطات جنسی خارج از ضوابط در ایران نسبت به سایر کشورها بسیار اندک است. مطالعه اچ.بی.اس.سی. سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۶ نشان داده است که در ۴۱ کشور مورد مطالعه به طور میانگین ۲۷ درصد جوانان ۱۵ ساله آمیزش جنسی را تجربه کرده‌اند (کاری و دیگران، ۲۰۱۰، ص ۱۴۴) که از میان این افراد ۲۱ درصدشان از قرص ضدبارداری و ۷۷ درصد از محافظ لاستیکی در پیشگیری از بارداری ناخواسته استفاده کرده‌اند (کاری و دیگران، ۲۰۱۰، صص. ۱۴۸-۱۵۲). در مطالعه اچ.بی.اس.سی. سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۹ به طور میانگین گزارش شده است که ۲۶ درصد جوانان ۱۵ ساله آمیزش جنسی را تجربه کرده‌اند (کاری و دیگران، ۲۰۱۰، ص ۱۷۴) که از این میان ۲۲ درصد از قرص ضدبارداری و ۷۸ درصد از محافظ لاستیکی در پیشگیری از بارداری ناخواسته استفاده کرده‌اند (کاری و دیگران، ۲۰۱۰، ص ۱۷۹).

حوادث

میزان مرگ و مصدومیت ناشی از حوادث در گروه‌های سنی جوان نسبت به سایر جمعیت به گونه معنی‌داری بالاتر است. در سال ۱۳۸۵ در هر صد هزار جوان ۱۵ تا ۲۴ ساله ۹ نفر بر اثر حوادث فوت کرده و ۱۱ نفر نیز مصدوم شده‌اند (گزارش سلامت، ۱۳۸۵، صص ۱۲۵-۱۱۵). میزان مرگ و مصدومیت ناشی از حوادث در بین گروه‌های سنی با افزایش سن کاهش یافته است. نیز ۵۲ درصد مرگ و میر ناشی از حوادث

خانگی در گروه سنی ۱۵ تا ۳۹ سال اتفاق افتاده است که ۳۱ درصد آن در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال است (همان). مطالعات بین المللی نشان می‌دهد که حداقل در کشورهای توسعه یافته جراحی و مرگ ناشی از حادثه کاملاً کاهش یافته است (فرلانگ، ۲۰۰۹، ص. ۳۲۹).

تفاوت‌ها و تمایزات در سلامت و بهداشت

جنسیت

مشاهدات و مطالعات نشان داده است که سلامت و بهداشت در گروه‌های مختلف به گونه معنی‌داری متفاوت است. جنسیت از متغیرهایی است که بیشترین تفاوت‌ها را آشکار می‌کند. هر چند این تفاوت‌ها در سلامت جسمانی کمتر است، اما در سلامت روانی، دختران مشکلات بیشتری را نشان می‌دهند (کاری و دیگران، ۲۰۰۸، ص. ۱۶۹). تحقیقات در این باره افزایش در علائم مرضی جسمانی و افسردگی روانشناختی را در بین دختران تأیید می‌کند. پدیدارشدن افزایش افسردگی در دختران نوجوان، ممکن است به واسطه انتظارات سنتی از نقش زنانه در ترکیب با افزایش انتظارات آموزشی از دختران جوان - که امری متأخر است - باشد. به علاوه، این افزایش ممکن است با نقش بلوغ در ارتباط باشد، زیرا بلوغ برای مردان، تغییرات جسمانی و بالغ‌شدن را به همراه دارد که عموماً مثبت ارزیابی می‌شود، اما قاعدگی برای بسیاری از زنان، با علائم ناخوشی جسمانی و روانی از جمله افزایش در توده چربی بدن و نارضایتی از وضع اندام همراه می‌شود (سوئیتینگ^۱ و دیگران). در مطالعه اچ.بی.اس.سی. دختران در خودارزیابی از سلامت، احساس رضایت و شکایت از علائم بیماری‌های جسمانی سطوح پایین‌تری را گزارش کرده‌اند. در مقابل، پسران سطح بیشتری از جراحی و زخمی‌شدن را بیان نموده‌اند. بیشتر احتمال می‌رود که پسران اضافه وزن داشته و یا چاق باشند و دختران صبحانه نخورند و در حال رژیم برای لاغرشدن باشند. سرانجام در زمینه رفتارهای خطرناک دختران آشکارا کمتر در معرض این رفتارها هستند و کمتر هم به این رفتارها دست می‌زنند - هر چند حداقل در سیگار کشیدن این تفاوت‌ها در حال کم‌رنگ‌تر شدن است (کاری و دیگران، ۲۰۰۸، صص. ۱۶۸-۱۶۹). بر اساس مطالعه‌ای در اسکاتلند نتیجه‌گیری شده است که احتمالاً زنان در گزارش مشکلات سلامتی اغراق می‌کنند. این امر به نقش‌های جنسیتی یا به امتیازات مردانگی و تبعات زنانگی پس از بلوغ منتسب شده است، زیرا که دومی با مشکلات بیشتری همراه است که البته فرهنگی نیز هست - مردانگی پس از بلوغ، مثبت و زنانگی پس از بلوغ، منفی تلقی می‌شود (وست و دیگران). در مطالعه‌ای طولی، افزایش‌های زمینه‌ای^۲ بیشتری در اختلالات روانی اجتماعی دختران و زنان جوان مشاهده شده است (سوئیتینگ و دیگران). شواهد تحقیقاتی حاکی از آن است که مشارکت دختران نوجوان در فعالیت‌های ورزشی کمتر است، ضمن اینکه این شکاف با افزایش سن بیشتر می‌شود (لوری، کرم و ترو، ۲۰۰۷، ص. ۳۹). فرلانگ و کارتمل در جمع‌بندی اثر جنس به سلامت نتیجه‌گیری می‌کنند در حالی که در کودکی دختران سالم‌ترند، در جوانی این الگو برعکس می‌شود و زنان با احتمال بیشتری در معرض خطر رنج از بیماری‌های مزمن و یا ناخوشی‌های روانی قرار می‌گیرند. در همین حال در عین اینکه دختران بیشتر در معرض بیماری‌ها قرار می‌گیرند، مردان محتمل‌تر است که در این دوره بمیرند (فرلانگ و کارتمل، ۲۰۰۷، ص. ۶۶).

سن

از متغیرهای دیگری که تفاوت‌های بسیار در وضع سلامت پدید می‌آورد، سن است. طبیعی است که با

1. Sweeting

2. background increases

افزایش سن، نوع مشکلات سلامتی نوجوانان و جوانان تغییر یابد. تحقیقات نشان داده است که تقریباً در همه جا جوانان ادرک مثبت‌تری درباره تجربیات مدرسه دارند و با افزایش سن، وضع سلامت خود را در سطح پایین‌تری ارزیابی می‌کنند. این در حالی است که شکایت از ناراحتی‌های جسمانی و عاطفی^۱، احساس چاقی و داشتن اضافه وزن، تحرک بدنی کمتر و مصرف بیشتر غذاهای ناسالم در گروه‌های سنی بالاتر نوجوانان و جوانان شایع‌تر است. ضمن اینکه نگرانی در مورد تصور از بدن^۲ تنها در میان دخترهای جوان با افزایش سن فراوان‌تر می‌شود (کاری و دیگران، ۲۰۰۸، ص. ۱۷۱). در ارزیابی از مطالعات مختلف در جهان نتیجه‌گیری شده است که تقریباً تمام ۱۹ تا ۲۰ ساله‌ها کمتر از میزان توصیه شده پروتئین مصرف کرده‌اند. آنها در بین تمام گروه‌های سنی دیگر، مصرف بیشتری از نمک و شکر را داشته‌اند (وست، ۲۰۰۹، ب، ص. ۳۶۲). درباره رفتارهای پرخطر نشان داده شده است که با افزایش سن به شکل قابل توجهی این رفتارها افزایش می‌یابد (کاری و دیگران، ۲۰۰۸، ص. ۱۷۲). البته این نظر نیز وجود دارد که با افزایش سن، رفتارهای پرخطر توسط خود فرد کنترل شده و کاهش می‌یابد. در واقع بر این اساس رفتارهای پرخطر، رفتارهایی مربوط به دوره گذار به بزرگسالی است و کارکردهایی در هویت بخشی و ایجاد مهارت‌های مورد نیاز برای ورود به دنیای بزرگسالی دارد و در طی دوران گذار محدود می‌شود (فرلانگ، ۲۰۰۹، ص. ۳۲۹). در این مورد حتی کلمن مطرح می‌کند علیرغم آن که مردم، محققان و سیاست‌گذاران بر جنبه‌های منفی مصرف مواد تأکید دارند، اما اگر به معنای عمل جوانان تأکید کنیم و دلایلی که باعث رفتارهای پرخطر می‌شود و نیز معنای رشدی آن رفتارها، به درک دقیق‌تری از جوانان می‌رسیم (انگلس^۳ و فون دن این دن^۴، ۲۰۰۷، ص. ۱۰۹). وست نیز اشاره می‌کند که برای جوانان رفتارهای پرخطری مثل سیگار کشیدن و امثال آن، ابعاد عادی هویتی دارد که ممکن است به اندازه آرایش مو و یا موسیقی مهم باشد (وست، ۲۰۰۹، الف، ص. ۳۳۶).

طبقه

متغیر دیگری که عامل تمایزات بسیار در سلامت است، طبقه است که بسیار مورد توجه نیز بوده است. مطالعه اچ.بی.اس.سی. نشان داده است که افراد با سطح آموزشی پایین‌تر و پایگاه شغلی نازل‌تر و درآمد کمتر، از سطح سلامت پایین‌تر و نرخ مرگ و میر بالاتر برخوردار بوده‌اند (کاری و دیگران، ۲۰۱۰، ص. ۱۷۷ و کاری و دیگران، ۲۰۱۲، ص. ۱۷۷). بیکاری نیز به عنوان تجربه مشترک جوانان طبقه پایین دلیلی بر سطح پایین‌تر سلامت روانی و حتی مشکلاتی مثل خودکشی و خودزنی^۵ در طبقات پایین است (سوئیتینگ و دیگران). مطالعه‌ای دیگر نشان داده است که خورد و خوراک کمتر سالم و هله هوله خوری ناسالم^۶ با فقر بیشتر و کیفیت مادری پایین‌تر^۷ - که خود تحت تأثیر طبقه است - همبسته می‌باشد (سوئیتینگ و دیگران). مطالعه‌ای دیگر نشان می‌دهد که اعتیاد شدید به سیگار^۸ با بیشترین عواقب سلامتی، در میان طبقات پایین‌تر شایع‌تر است (سوئیتینگ و دیگران). در مطالعه‌ای دیگری پیرامون رابطه طبقه و پایگاه اقتصادی و اجتماعی با بیماری‌های قلبی کرونری در کودکان و نوجوانان، رابطه معنی‌داری بین نوع طبقه، تغذیه و بیماری‌های قلبی مشاهده شده

1. emotional
2. body image
3. Engels
4. von den Eijnden
5. Self-harm
6. unhealthy snacking
7. fewer maternal qualification
8. heavy smoking

است (هلمز^۱). علیرغم مطالعاتی که نشانگر رابطه بین طبقه و سلامت است به نظر می‌رسد مسئله بدین سادگی نیست؛ مطالعاتی وجود دارد که در آن نقش نابرابری‌های طبقاتی در سلامت تأیید نمی‌شود (همان). هر چند این امر به تفاوت در ابزارهای اندازه‌گیری نسبت داده می‌شود، اما این تعبیر نیز وجود دارد که اثر تفاوت‌های طبقاتی بر سطح بهداشت و سلامت در دوره جوانی کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، دوره نوجوانی و جوانی، دوره‌ای از برابری در سلامت است که وست از آن تعبیر به برابری نسبی^۲ می‌کند (وست، ۲۰۰۹، الف). وست براساس شواهد مطرح می‌کند که جوانی اولیه^۳ از حیث سلامت و بهداشت از سایر مراحل زندگی متفاوت است. در واقع، تفاوت‌های مرگ و میر در بچگی که از عوامل طبقاتی ناشی می‌شود، در جوانی ناپدید می‌شود و بار دیگر در بزرگسالی اولیه^۴ دوباره ظاهر می‌گردد. این الگو در دیگر شاخصه معرف سلامت یعنی ناخوشی طولانی‌مدت^۵ نیز دیده می‌شود. بعداً همراه با شرایط جدید در ورود به بازار کار و پیشرفت در نقش‌های بزرگسالی است که تفاوت‌های سلامت نیز دوباره پدیدار می‌شود (همان، ص. ۳۳۷). فرلانگ و کارتمل منتقد این نگاه هستند و معتقدند که علیرغم برابری نسبی در این دوره، تفاوت‌های جسمانی و تفاوت‌ها در رفتارهای اثرگذار بر سلامت همچنان قابل مشاهده و تعریف است. به عنوان مثال، همبستگی بین وزن و طبقه همچنان رابطه بین تغذیه و پایگاه سلامت را منعکس می‌کند که البته خود در توزیع بیماری‌ها در بزرگسالی انعکاس خواهد یافت. به علاوه، بخش مهمی از تفاوت‌های سلامت از تجربیات شغلی در بزرگسالی ریشه می‌گیرد که خود ناشی از تفاوت‌های طبقاتی و جنسیت در تاریخ زندگی فرد است و به نوبه خود تفاوت‌های طبقاتی را در آینده زندگی تقویت می‌کند (فرلانگ و کارتمل، ۲۰۰۷، ص. ۶۷). وست این امر را رد نمی‌کند و معتقد است که احتمالاً تعامل ترکیبی محیط اولیه و محیط بزرگسالی با همدیگر و نیز با اثرات رفتار سلامت (به طور مشخص سیگار کشیدن و رژیم غذایی) باعث ادامه تولید تصویر آشنای نابرابری‌های سلامت در بزرگسالی می‌شود (وست، ۲۰۰۹، الف، ص. ۳۳۸). ضمن این که وست در مرور شواهد مرتبط با «فرضیه برابری»^۶ جدایی پایگاه سلامت و وضع سلامت را مفید دانسته و آن را پیشنهاد می‌دهد. او بر این اساس مطرح می‌کند که شواهد فریضه برابری برای مرض/ معلولیت (به ویژه بیماری‌های مزمن و سخت) ضعیف‌تر و برای شاخص‌های سلامت روانی و جسمانی و ابراز علائم مرضی^۷ قوی‌تر است (همان).

اثرات تعاملی جنس و سن و طبقه بر سلامت

اثرات متغیرهای سن، جنس و وضعیت اقتصادی- اجتماعی در طول دوره جوانی و بنابر موقعیت‌های مختلف زمانی و مکانی تغییر یافته و حتی جابجا می‌شود. در حالی که در دوران کودکی اثرات وضعیت اقتصادی- اجتماعی در سلامت فرد بیشتر و آشکارتر است، اثر آن در دوره جوانی کاهش می‌یابد- هرچند هیچگاه کاملاً حذف نمی‌شود. پس از بلوغ، اثرات متغیر طبقه با تمایزی که در جریان بلوغ دختران و پسران ایجاد می‌شود و نیز در سایه تفاوت‌های ناشی از نقش‌های جنسیتی رنگ می‌بازد. درحالی که در این دوره از جوانی اولیه، اثر متغیر جنس آشکارتر است، در مراحل بعدی نقش متغیر سن اثرات خود را بیشتر نمایان می‌سازد. براین اساس می‌توان حوزه‌های مختلف سلامت را عرصه حضور و تعامل متغیرهای مختلف دانست؛ یعنی، در حالی که

1. Helms
2. relative equality
3. early youth
4. early adulthood
5. long-standing illness
6. equalization hypothesis
7. malaise symptoms

اثر طبقه و موقعیت اقتصادی- اجتماعی بر تغذیه بیشتر است، اثرات متغیرهای دیگر از جمله جنسیت و سن بر تصور از بدن و بهداشت پوست و مو و حتی رفتارهای پرخطر تعیین کننده تر است. آنگونه که وست مطرح می کند مجموعه بچگی و جوانی نوعاً با مجموعه ای از مراحل رشدی که اجتماعاً ساخته شده است (ساخته ای اجتماعی است) مشخص می شود. در طی این مراحل در ابتدا فرد درگیر فعالیت های جسمانی می شود و بعدها در معرض متن اجتماعی که درگیر زمینه ها و الگوهای رفتار پرخطر است قرار می گیرد- که به دلیل هنجارهای اجتماعی مرتبط با سن و فرصت های دسترسی همبسته با آن در مراحل سنی متأخرتر دوره جوانی پیش می آید (ن. ک. به وست، ۲۰۰۹، الف و ب). با چنین ملاحظه ای و در نظر گرفتن فرضیه برابری نسبی دوره جوانی در سلامت می توان فراتر از متغیرهای جنس، سن و طبقه به ضعیف شدن اثر عوامل ساختاری در طی این دوره و افزایش عاملیت فرد تاکید کرد. وست مطرح می کند که اثرات ساختاری در طی دوره جوانی تضعیف شده و عاملیت افزایش می یابد. بر این اساس، در اواخر دوره جوانی سبک زندگی (وست، ۲۰۰۹، ب، ص. ۳۶۲) تعیین کننده وضع سلامت می شود- حداقل در حوزه رفتارهایی که با فعالیت های انتخابی همراه است مثل سوء مصرف مواد. فرلانگ و کارتمل در نقد این دیدگاه خطای شناخت شناسانه دوره مدرنیته متأخر^۱ را مطرح می کنند که براساس آن در حالی که افراد تصور می کنند عاملیت آنهاست که زندگی شان را پیش می برد، عوامل ساختاری سنتی مثل طبقه همچنان در خفا زندگی شان را تعیین می بخشد (فرلانگ و کارتمل، ۲۰۰۷، ص. ۱۰۹).

بحث و نتیجه گیری

موضوع بهداشت و سلامت جوانان، کمتر مورد توجه نهادهای علمی و تحقیقاتی و نیز دستگاه های سیاستی و اجرایی قرار گرفته است. فارغ از فقدان داده های مؤثر که تفکیک های سنی لازم را برای توجه به مقوله بهداشت جوانان فراهم کند، رویکردی که دوره نوجوانی و جوانی را حد نهایی سلامت و زندگی مطلوب تلقی می کند و نیز می انگارد که عوامل اثرگذار بر سلامت دوره جوانی همان هایی است که در بچگی و بزرگسالی عمل می کرده است، مانع مهم توسعه این حوزه از تحقیق و سیاست گذاری بوده است. با تغییر شتابان در جامعه جدید، همراه با شکل گیری دوره جوانی که اساساً منحصر به فضای زندگی مدرن است و نیز تغییراتی که در فرایند گذار به بزرگسالی رخ داده است، رفتارهای بهداشتی و سلامت جوانان دچار تغییر شده و در مجموعه مدیریت سلامت جامعه اهمیت بسیار یافته است. داده های موجود جهانی و ایران آشکار می کند که وضع سلامت جوانان علیرغم توفیقاتی که جامعه جدید در گسترش رفاه داشته، در حال بدتر شدن است. در واقع، با گسترش دایره نفوذ مادی گرایی و فردی شدن امور مختلف در زندگی جوانان، هم سلامت جسمانی و هم سلامت روانی جوانان دچار مشکلات ویژه و در حال گسترشی شده است. در حوزه سیاستی، پاسخ به این سؤال که چگونه وضع بهداشت جوانان بهبود می یابد، بستگی به نوع نگاه به مقوله بهداشت جوانان دارد که اساساً از منظر بزرگسالان- که سیاست گذاران عموماً آنها را نمایندگی می کنند- و خود جوانان بسیار متفاوت می نماید؛ در حالی که سیاست گذاران بیشتر بر رفتارهای پرخطر جوانان تأکید می کنند، جوانان به امور عادی و مهارتی در توسعه و ترمیم رفتارهای بهداشتی علاقه مندند؛ اموری که جنبه های معمول زندگی شان مثل قد، وزن، پوست و مو، تناسب اندام و اموری از این قبیل را تحت تأثیر قرار دهد و در ضمن مهارت های مورد نیازشان را در روبروشدن با شرایط پرخطر به آنها بیاموزاند. مطابق تشریح و تحلیل عوامل مؤثر بر رفتارهای بهداشتی و نیز بررسی وضع حوزه های مختلف سلامت جوانان بر اساس داده های موجود نتیجه گرفته می شود که سیاست گذاری در رفتارهای بهداشتی جوانان نیازمند ایجاد ساختارهای مناسب با تکیه بر فعالیت های

داوطلبانۀ خود ایشان است که با در اختیار گذاشتن اطلاعات و خدمات مورد نیاز مطابق آنچه خود جوان‌ها بدان احساس نیاز می‌کنند، تحول در حوزه بهداشت جوانان را سبب شود.

منابع

- احمدنیا، ش. (۱۳۸۰). بهداشت رشد جسمانی و روانی - اجتماعی نوجوانان. سازمان ملی جوانان.
- اسمعیل محمدنژاد، اسمعیل شریعت، جمال‌الدین بیگجانی، قاسم ابوطالبی. (۱۳۹۰). "وضعیت بهداشت دهان و دندان دانش آموزان ابتدایی شهر ساوه در سال ۱۳۸۸". مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی بویه گرگان. ۸(۱)، ۷۴-۸۰.
- بنی‌جمالی، م. (۱۳۸۰). سنجش نگرش مراجعان مراکز خدمات مشاوره‌ای نسبت به مشاوره و خدمات مشاوره‌ای. کتاب اول، مشاوره در نظر مردم، واقعیت‌ها و آرمان‌ها. سازمان ملی جوانان.
- بنی‌جمالی، م. (۱۳۸۰). سنجش نگرش مراجعان مراکز خدمات مشاوره‌ای نسبت به مشاوره و خدمات مشاوره‌ای. کتاب دوم: مشاوره، نگرش، رغبت‌ها و مقاومت‌ها. سازمان ملی جوانان.
- تازیکی، ص.، بشارت، س. و ربیعی، م.ر. (۱۳۸۴). "توزیع فراوانی علائم اختلال روانی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان بر اساس پرسشنامه SCL-۹۰-R". مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان. ۷(۱)، ۷۲-۷۴.
- جلالی‌نیا، ش.، رضائی تهرانی، ف.، برادران افتخاری، م.، ملک افصلی، ح. و پیکری، ن. (۱۳۸۹). "بررسی کیفی دیدگاه نوجوانان در خصوص الگوها و باورهای تغذیه‌ای". مجله علوم پزشکی آزاد اسلامی. ۲۰(۴)، ۲۵۸-۲۶۴.
- جواد‌یگانه، م.ر.، عباسی، م. (۱۳۸۰). بررسی مسائل جنسی جوانان و راهکارهایی برای تخفیف مسائل آن براساس "مدل تغییرات اجتماعی برنامه‌ریزی شده". گزارش فاز اول. سازمان ملی جوانان.
- خراسانی‌زاده، ع. (۱۳۸۸). بررسی میزان آشنایی جوانان با پیامدهای جسمی و روانشناختی مواد روانگردان قدیم و جدید. سازمان ملی جوانان.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۳). دختران جوان و تصویر ذهنی از بدن. سازمان ملی جوانان.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۴). بررسی رفتارهای خطرناک جوانان با تاکید بر روابط جنسی آزاد (مطالعه موردی شهر تهران). سازمان ملی جوانان.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۶). روابط جنسی دختران و پسران قبل از ازدواج. سازمان ملی جوانان.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۷). گزارش ملی جوانان بررسی وضعیت بهداشت طی سال‌های ۷۵ تا ۸۵ (پزشکان). سازمان ملی جوانان.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۷). گزارش ملی جوانان بررسی وضعیت بهداشت طی سال‌های ۷۵ تا ۸۵ (تخت‌ها و موسسات درمانی). سازمان ملی جوانان.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۷). گزارش ملی جوانان بررسی وضعیت بهداشت طی سال‌های ۷۵ تا ۸۵ (فوت‌شدگان). سازمان ملی جوانان.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۷). گزارش موضوعی وضعیت سلامت جوانان جمهوری اسلامی ایران در سال ۸۵. سازمان ملی جوانان.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۷). نظر جوانان نسبت به رفتارهای پرخطر و شیوع آن. سازمان ملی جوانان.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۹). مروری بر پژوهش‌ها و مطالعات اسلامی انجام شده در حوزه‌های مشاوره‌ای و روانشناسی، روانپزشکی و بهداشت روانی از سال ۷۰ تا ۱۳۷۷.
- سامانیان، ایرانلو و فارس، آذرتاش. (۱۳۸۷). بررسی وضعیت سلامت جوانان شهر بجنورد.
- شاهرخی، ش. (۱۳۸۵). بررسی شیوع اعتیاد به ۵ ماده مخدر و شاخص‌های اعتیاد در میان نوجوانان

- و جوانان ۲۵ تا ۲۹ سال در شهرستان‌های اصفهان، مشهد، شهرکرد در سال ۸۳. سازمان ملی جوانان.
- شمس‌علیزاده، ن.، مقدم، م.، محسن‌پور، ب. و رستمی‌گوران، ن. (۱۳۸۷). "شیوع مصرف مواد در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان". مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان. ۱۳، ۱۸-۲۶.
 - صداقت، خیرخواه، سنگی، وطن‌پرست. (۱۳۸۵). گزارش بخشی بهداشت و سلامت جوانان در سال ۱۳۸۳. سازمان ملی جوانان.
 - صداقت، خیرخواه و وطن‌پرست. (۱۳۸۷). شناسایی سازمان‌های مرتبط پاسخ اولویت اول سلامت جوانان و استخراج و تحلیل برنامه‌های این سازمان‌ها. سازمان ملی جوانان.
 - صداقت، خیرخواه و وطن‌پرست. (۱۳۸۳). بررسی وضعیت بهداشت جوانان در سال ۸۱. سازمان ملی جوانان.
 - صفرعلیزاده، ف.، پرتواعظم، ح. و حبیب‌پور، ز. (۱۳۸۸). "همبستگی افسردگی و شاخص توده بدنی در نوجوانان دختر شهر خوی در سال ۱۳۸۸". فصلنامه دانشکده پرستاری مامایی و پیراپزشکی رفسنجان. ۵ (۱ و ۲).
 - کلیشادی، ر.، صدری، غ.، هاشمی‌پور، م.، صراف‌زادگان، ن.، علیخاسی، ح.، بشردوست، ن.، انصاری، ر.، پشمی، ر.، رفیعی طباطبائی، ص. و شهاب، م. (۱۳۸۲). "وضعیت چربی خون و چربی رژیم غذایی نوجوانان: برنامه قلب سالم اصفهان- پروژه ارتقای سلامت قلب از دوران کودکی". مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان. ۴ (۳ و ۴)، ۱۶۷-۱۷۶.
 - گرمارودی، غ.، مکارم، ج.، علوی، س.ش. و عباسی، ز. (۱۳۸۸). "عادات پرخطر بهداشتی در دانش آموزان شهر تهران". فصلنامه پایش. ۹ (۱)، ۱۳-۱۹.
 - مقدم، م. (بدون تاریخ). نقش دینی در پیگیری از بیماری‌های خطرناک جوانان.
 - مومن‌نسب، م.، نجفی، س.س.، کاوه، م.ح. و احمدپور، ف. (۱۳۸۵). "بررسی میزان شیوع رفتارهای مخاطره آمیز بهداشتی در دانشجویان مراکز آموزش عالی شهر خرم آباد در سال ۸۴-۸۳". یافته. ۸ (۲).
 - نوربالا، ا.، باقری‌یزدی، س.ع.، اسدی‌لاری، م.، واعظ‌مهدوی، م. ر. (۱۳۸۹). "وضعیت سلامت روان افراد ۱۵ ساله و بالاتر شهر تهران در سال ۱۳۸۷". مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران. ۱۶ (۴)، ۴۷۹-۴۸۳.
 - یوسفی. (۱۳۸۸). نظر جوانان درخصوص مصرف سیگار و قلیان (با تاکید بر جنسیت). سازمان ملی جوانان.

- Benzeval, M., Der, G., Ellaway, A., Hunt, K., Sweeting, H., & West P. (2009). **Cohort Profile: West of Scotland Twenty-07 Study: Health in the Community.** International Journal of Epidemiology, 38, 1215-1223. doi:10.1093/ije/dyn213
- Coleman, J. C., Hendry, L. B., Kloep M. (2007). **Adolescence and Health.** Wiley.
- Coleman, J., & Hagell, A. (2007). **Adolescence, Risk and Resilience: Against the Odds.** Wiley.
- Currie, C., Gabhainn, S. N., Godeau, E., Roberts, C., Smith, R., Currie, D., Pickett, W., Richter, M., Morgan, A., & Barnekow, V. (2008). **Inequalities in Young Peoples's Health: Health Behavior in School-Aged Children (HBSC) study: HBSC International Report from the 2005/2006 Survey.** World Health Organization 2008.

- Currie, C., Hurrelmann, K., Settertobulte, W., Smith, R., & Todd, J. (2000). **Health and Health Behavior among Young People, WHO Policy Series: Health policy for children and adolescents Issue 1 INTERNATIONAL REPORT.** World Health Organization
- Currie, C., Roberts, C., Morgan, A., Smith, R., Settertobulte, W., Samdal, O., & Rasmussen, V. B. (2004). **Young people's health in context Health Behaviour in School-aged Children (HBSC) study: international report from the 2001/2002 survey.** World Health Organization
- Currie, C., Zanotti, C., Morgan, A., Currie, D., de Looze, M., Roberts, C., Samdal, O., Smith O. R. F., & Barnekow, V. (2004). **Young people's health in context. Health Behaviour in School-aged Children (HBSC) study: international report from the 2001/2002 survey.** WHO Regional Office for Europe.
- Currie, C., Zanotti, C., Morgan, A., Currie, D., de Looze, M., Roberts, C., Samdal, O., Smith O. R. F., & Barnekow, V. (2012). **Social determinants of health and well-being among young people: Health Behavior in School-Aged Children (HBSC) study: international report from the 2009/2010 survey.** WHO Regional Office for Europe
- Eckersley, R. (2009). **Progress, culture and young people's wellbeing.** In A. Furlong, Handbook of youth and young adulthood : new perspectives and agendas (pp. 353-360). Routledge.
- Engels, R. C. M. E., & Eijnden, R. v. d. (2007). **Substance use in Adolescence.** In John C. Coleman, Leo B. Hendry, Marion Kloep, Adolescence and Health (pp. 101-122). Wiley.
- Erwin, E. J., Brotherson, M. J., & Summers, J. A. (2011). **Understanding Qualitative Metasynthesis Issues and Opportunities in Early Childhood Intervention Research.** in Journal of Early Intervention. 33 (3), 186-200. doi:10.1177/1053815111425493
- Faulkner, S. (2007). **Eating disorders, dieting and body image.** In John C. Coleman, Leo B. Hendry, Marion Kloep (eds), Adolescence and Health (pp. 61-82). Wiley.
- Furlong, A. (2009). **Handbook of youth and young adulthood : new perspectives and agendas.** Routledge.
- Furlong, A., & Cartmel F. (2007). **Young people and social change: new perspectives.** McGraw-Hill/Open University Press.
- Glanz, K. Lewis, F.M. & Rimer, B.K. (Eds.). (1997). **Health behavior and health education: Theory, research and practice (2nd ed.).** San Francisco: Jossey-Bass Publishers. Quoted in: Spruijt-Metz, D. (1999). Adolescence, affect and health. Psychology Press.
- Gochman, D. S. (1982). **Labels, systems, and motives: some prespectives for for future research and programs.** Health Education Quarterly(9), 263-270. Quoted in: Spruijt-Metz, D. (1999). **Adolescence, affect and health.** Psychology Press.
- Heaven, P. (1996). **Adolescent Health: The Role of Individual Differences**

(Adolescence and Society Series). Routledge.

- Helms, P. J. (2007). **Being Different: Adolescents, Chronic Illness and Disability**. In J. Coleman, Adolescence and Health (pp. 143-158). Wiley.
- Helms, P. J. (2007). **Being Different: Adolescents, Chronic Illness and Disability**. In J. Coleman, Adolescence and Health (pp. 143-158). Wiley. Quoted in: Spruijt-Metz, D. (1999). **Adolescence, affect and health**. Psychology Press.
- Hendry, L. B., & Kloep, M. (2007). **Understanding Adolescent Health**. In John C. Coleman, Leo B. Hendry, Marion Kloep (eds), Adolescence and Health (pp. 1-18). Wiley.
- Jasiukaitytė, V., & Furlong, A. (2003). **Making a Difference with Minority Youth in Europe: Evaluation and Impact Study of the LTTC Participation and Citizenship on Empowerment of Minority Youth Leaders (1997-2001)**. Council of Europe.
- Jones, J. (2009). **Youth**. Polity Press.
- Lowry, R., Kremer, L. B., & Trew, K. (2007). **Young people: Physical health, exercise and recreation**. In John C. Coleman, Leo B. Hendry, Marion Kloep, Adolescence and Health (pp. 19-40). Wiley.
- Shucksmith, J. L., & Hendry, B. (1998). **Health Issues and Adolescents: Growing Up, Speaking Out**. Routledge.
- Spruijt-Metz, D. (1999). **Adolescence, affect and health**. Psychology Press.
- Stone, G. (1987). **The scope of health psychology**. In G. W. Stone, Health psychology: a discipline and a profession. University of Chicago Press. Quoted in John C. Coleman, Leo B. Hendry, Marion Kloep. (2007). Adolescence and Health. Wiley.
- Sweeting, H., Young, R., & West, P. (2009). **GHQ increases among Scottish 15 year olds 1987–2006**. Soc Psychiatry Psychiatr Epidemiol, 44, 579–586. doi:DOI 10.1007/s00127-008-0462-6
- Walsh, D., & Downe, S. (2005). **Meta-synthesis method for qualitative research: a literature review**.in Journal of Advanced Nursin. 50(2), 204–211. doi:10.1111/j.1365-2648.2005.03380.x
- West, P. (2009). **Health in youth: changing times and changing influences**. In A. Furlong, Handbook of youth and young adulthood : new perspectives and agendas (pp. 331-343). Routledge.
- West, P. (2009). **Health-related behaviours in context**. In A. Furlong, Handbook of youth and young adulthood : new perspectives and agendas (pp. 361-371). Routledge.
- West, P., Sweeting, H. & Young, R. (2010). **Transition matters: pupils' experiences of the primary–secondary school transition in the West of Scotland and consequences for well being and attainment**. Research Papers in Education, 25(1), 21-50. Retrieved from: <http://dx.doi.org/10.1080/02671520802308677>

سنخ شناسی اخلاق در گرایش دختران جوان به مدلینگ

سهیلا صادقی فسایی^۱

سمیه بلبلی قادیکلائی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۳/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۴/۱۳

پژوهش حاضر با هدف مطالعه و بررسی رابطه میان اخلاق و هنجار گریزی مدلینگ در میان دختران جوان و ارائه یک سنخ شناسی اخلاقی از آنان انجام شده است. روش به کار گرفته شده در پژوهش، روش کیفی است و جمع آوری داده ها از طریق مصاحبه های عمیق و نیمه ساختار یافته با ۳۲ نفر از کنشگران فعال حوزه مدلینگ در مرکز مبارزه با جرائم سازمان یافته سایبری استان مازندران انجام شده است. به منظور تحلیل داده ها از روش تحلیل تماتیک در جنبش روش شناختی کیفی بهره گرفته شده است. یافته ها حاکی از وجود سه گونه یا سنخ اخلاقی در میان کنشگران می باشد: سنخ اخلاقی لذت گرایان ترجیح محور، ابزار گرایان و عادت گرایان از خود بیگانه. سنخ اخلاقی لذت گرایان ترجیح محور با سه رویکرد متفاوت - ابرازی، پیامد گرای انگیزه محور و هنر ناب - بروز و ظهور می یابد. برخی از آنان لذت را در شهرت طلبی، برخی در خاص گرایی، برخی در مرئی شدن، عده ای دیگر در آگاهی بخشی به هموعان، گروهی در فرصت سازی برای زنان و جمعی نیز در عدم مدیریت و دستکاری بدن و در نهایت عده ای نیز در کت و اکینگ^۳ به مثابه یک هنر ناب جستجو می کنند؛ اما کنشگران با اخلاق ابزارگرایانه به مدلینگ تنها به عنوان ابزاری برای دست یابی به اهدافی خاص مانند رهایی از خانواده پادگانی و انتقام از ساختار صلب مذهبی خانواده و پدر سالاری می نگرند. دختران جوانی که در گروه عادت گرایان از خودبیگانه قرار می گیرند، در مدلینگ نه هدف خاصی را دنبال می کنند و نه در پی لذت هستند. در این گروه، نوعی از خودبیگانگی شکل گرفته که مدلینگ را به کنشی عادت گون در آنها بدل ساخته است.

واژگان کلیدی: اخلاق، مدلینگ، لذت گرایان ترجیح محور، ابزارگرایان و عادت گرایان از خودبیگانه

۱. دانشیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری، جامعه شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Bolboli.s@ut.ac.ir

3. Cat-walking

مقدمه

با پیدایش فناوری های جدید، فرایندهای توسعه اجتماعی افراد را به بدن هایشان، تأثیرات و نحوه تجربه بدن علاقمند می کنند (ویلیامز^۱، ۱۹۹۷: ۸۹) و مرزهای میان بدن های فیزیکی و فن آوری شده ما با سرعتی هرچه بیشتر فرو می ریزد. در دنیای مدرن، دیگر بدن امر از پیش داده نیست، بلکه امری قابل تغییر، برنامه ریزی و بازاندیشی است که شاهد تغییرات زیادی در طول دوره حیات فرد خواهد بود. به همین جهت است که شیلینگ^۲ (۱۹۹۳) بدن را به مثابه پروژه ناتمامی معرفی می کند که در خلال مشارکت در جامعه تغییر می یابد و امیلی مارتین^۳ (۱۹۹۴) نام کتاب خود را "بدن های منعطف" می گذارد. مرلوپونتی^۴ (۱۹۶۲) نیز در کتاب «پدیدارشناسی احساس» تمام احساسات بشری را جسم مند می داند و می گوید ما نمی توانیم هیچ احساس یا حالت مستقل از بدن خود داشته باشیم (به نقل از نتلتون و واتسون، ۱۹۹۸: ۴).

جامعه ما نیز چند سالی است که دستخوش تغییرات عظیم فناوری بویژه در حوزه ارتباطات شده است. این تغییرات سریع، هنجارگریزی های جدیدی را نیز با خود به دنبال داشته است. یکی از این موارد که بیشتر در فضای مجازی و غیر واقعی و از طریق شبکه های اجتماعی به وقوع می پیوندد، پدیده «مدلینگ غیر مجاز» می باشد که در نقطه مقابل «بهپوشی» یا مدلینگ رسمی و مجاز قرار می گیرد. «مدلینگ» برگرفته از واژه مدل، به کنش فردی و یا به وجه صنعت آن، به کنش سازمان یافته گروهی از افراد به نام مدل یا مانکن اطلاق می شود که بوسیله هنر و ویژگی های خود محصول، کالا، خدمات و یا اطلاعاتی را به بهترین نحو به مخاطب ارائه می کند و سبب ثبت بهتر نام آن محصول در ذهن مخاطب می گردد. به گفته بابانی، سرپرست دادسرای ویژه جرائم رایانه ای، از حدود ۶ سال پیش که شبکه های اجتماعی مجازی در ایران شکل گرفتند تا به امروز ۲۰ درصد فضای شبکه اجتماعی «اینستاگرام» در اختیار چرخه مدلینگ از جمله مدل ها، آتلیه ها، عکاسان و مزون هاست (تابناک، ۱۳۹۵) و معضل مدلینگ غیر مجاز، امنیت فرهنگی جامعه را به خطر انداخته است، زیرا به موجب محدودیت های شرعی و عرفی برای توسعه صنعت مد در کشور و برگزاری نمایش های زنده لباس و آرایش صورت و مو، طراحان به سمت توسعه کار خود به صورت پنهانی رفته اند. بی تردید، این توسعه در لایه های پنهان، آسیب های اجتماعی فراوانی چون: تمایل زنان و دختران جوان به نمایش نامتعارف بدن، دستکاری بدن در قالب جراحی های زیبایی، سوء استفاده از تصاویر برهنه یا نیمه برهنه زنان و دختران جوان - که طبق آمارهای رسمی، اغلب ۱۸ تا ۲۸ ساله می باشند (تابناک، ۱۳۹۴) - و کلاهبرداری و اخاذی از آنان در پی دارد و چالش بزرگی برای جامعه محسوب می شود.

از طرفی، به اعتقاد جونز^۵ (۱۹۸۴) شیوه های نوظهور هنجارگریزی اجتماعی که ناشی از ماهیت همواره در حال تغییر و دائماً در حال توسعه کنش انسان می باشد، بر روی آینده جهانی وی تأثیر می گذارد و موضوعات اخلاقی نوینی را پیش می کشد. از این رو، تاملی دیگر بر روی اصول اخلاقی مورد نیاز است. جامعه شناسان از مدت ها پیش اعتقاد داشتند که باورهای اخلاقی، اثر نیرومندی بر روی رفتار انسان دارند، با این حال تنها در سال های اخیر است که اخلاق به عنوان یک متغیر علی اصلی در نظریات هنجارگریزی مطرح شده است (ویکستروم و تربیر، ۲۰۰۷: ۲۳۸).

1. Williams
2. Shilling
3. Emily Martin
4. Merleu-Ponty
5. Nettleton & Watson
6. Jones

در منابع داخلی و خارجی تقریباً هیچ پژوهشی در مورد رابطه میان اخلاق و هنجارگریزی مدلینگ در ایران انجام نشده است. مدلینگ نیز حوزه ای نو ظهور در جامعه ایران به شمار می آید که به جز پاره ای یادداشت های ژورنالیستی، به لحاظ علمی، به خصوص با نگاه جامعه شناختی چندان مورد توجه قرار نگرفته است؛ اما پیرامون اخلاق، تحقیقات متعددی در رشته های مختلف انجام شده که در ادامه به چند نمونه از آنها اشاره خواهد شد:

کچوئیان و عیوضی (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «نظام اخلاقی نخبگان علمی و عوامل جامعه شناختی موثر بر آن» ضمن بررسی توزیع نظام های اخلاقی قدسی و دنیوی در میان نخبگان علمی کشور، آن را بیانگر نقش علم تجربی در بازتولید جهان های دینی و دنیوی دانسته اند. به اعتقاد آنان نخبگان علمی، بیشتر در میانه طیف نظام های اخلاقی قدسی - دنیوی قرار می گیرند و پایبندی عملی آنان به ارزش های اخلاقی، پایین ارزیابی می شود و متغیرهایی چون تعلق خانوادگی و جهان شناسی دینی همراه آن در اجتماعی شدن اولیه و تعلق صنفی - تخصصی و جهان شناسی علمی همراه آن در اجتماعی شدن ثانویه، نظام اخلاقی آنها را توضیح می دهد.

در پژوهشی دیگر با عنوان «اخلاق و روابط اجتماعی» که توسط چلبی و ملکی (۱۳۷۱) انجام شده است، اخلاق مجموعه ای از عناصر در ارتباط با یکدیگر تعریف شده که روابط اجتماعی انسان ها را در جامعه تنظیم می کند. آنها حق و تکلیف را از مهم ترین عناصر یک نظام اخلاقی می دانند که تشخیص و رعایت حقوق دیگران و احساس تکلیف در موقعیت ها سبب می شود که نظام اخلاقی و نظم اجتماعی پایدار بماند. به اعتقاد چلبی و ملکی، معیارهای ارزشگذاری قابلیت تغییر دارند. تغییر معیارها سبب می شود که فضائل و رذائل در ارزشگذاری های مجدد، رتبه های قبلی را در نزد افراد به دست نیاورند و در نتیجه گرایش به آنها نیز تغییر کند. در شرایطی که تغییر معیارها مداوم و مستمر باشد، نوعی بی ثباتی در تضمین های اجتماعی بوجود می آید که سبب کاهش اعتماد اجتماعی می گردد. در چنین حالتی اعضای جامعه آمادگی دارند که نظام اخلاقی را فاقد کارایی تصور کنند و امیدی به نظم بخشی آن نداشته باشند. در این وضعیت است که پایه های نظام اخلاقی سست می شود و در نظر افراد مشروعیتش را از دست می دهد.

بررسی انجام شده در ایران (محسنی، ۱۳۷۹ الف: ۸ - ۲۸۴) گویای این واقعیت است که کسانی که مردم ایران را کمتر پایبند اخلاق می دانند، عبارت اند از: جوانان، باسوادترها، افراد وابسته به طبقات بالاتر جامعه و کسانی که در خانوار آنها سطح درآمد بالاتر است. نهایت اینکه در اغلب موارد وقتی موقعیت ها ارتقا می یابد، افراد پیوستگی ضعیف تری را با اخلاق اعلام می کنند. از سوی دیگر، جنسیت افراد (به رغم پاره ای تفاوت ها) ارتباط معنا داری را با عقیده آنان در این مورد نشان نمی دهد و رابطه وضع تأهل نیز هر چند که معنا دار است، اما چندان قوی نیست. عواملی که در مراتب اول از پیوند قرار می گیرند به ترتیب عبارت اند از: میزان سواد، طبقه اجتماعی، درآمد (سه عامل مرتبط با هم) و در نهایت گروه های سنی - هر چند این عوامل، فاصله بسیار زیادی را هم با یکدیگر نشان نمی دهند.

بررسی دیگری که در تهران (۱۳۷۵) در زمینه ارزش های اخلاقی دانش آموزان مدارس (دبیرستان) انجام شد نشان داد که در میان دختران ارزش های اخلاقی «صداقت» بالاترین و «خیرخواهی» پایین ترین میزان فراوانی را دارند. پسران بالاترین اهمیت را به مؤمن و نمازخوان بودن داده بودند و در مقابل ارزش اخلاقی «عزت نفس» برای آنان اهمیت کمتری داشته است. بر اساس این بررسی، در حالی که تفاوتی میان نگرش های دختران و پسران به ارزش های اخلاقی در شمال و مرکز تهران مشاهده نشده است، اما میان شمال و جنوب و نیز مرکز و جنوب تهران تفاوت معنا داری مشهود است (حمزه بیگی، ۱۳۷۵).

تقریباً تمامی پژوهش های انجام شده در این حوزه در دل خود نوعی قضاوت ارزشی مثبت در مورد مفهوم اخلاق، امر اخلاقی و انسان اخلاقی دارند. از این رو، در پژوهش حاضر تلاش می شود تا ضمن ارائه یک

تقسیم بندی دوگانه از اخلاق که جلوتر به تفصیل مورد بحث قرار خواهد گرفت، نوعی طبقه بندی از مفهوم اخلاق به عنوان دستمایه کار قرار گیرد که قابلیت تیپ سازی یا سنخ شناسی را داشته باشد و گونه های اخلاقی افراد و گروه های اجتماعی فارغ از هرگونه ارزش گذاری مثبت یا منفی استخراج شوند.

گفتنی است که برقراری ارتباط میان اخلاق و کنش هایی که افراد و گروه های اجتماعی انجام می دهند مسئله مهمی است که تحقیق حاضر تلاش می کند تا در حد ظرفیت های خود به واکاوی این ارتباط میان کنشگران حوزه مدلینگ - که عموماً دختران جوان هستند- و گونه ها و سنخ های اخلاقی که از آن تبعیت می کنند، پردازد. به عبارت دیگر، در پی آنیم تا بدانیم:

- افراد از چه سنخ های اخلاقی به کنش مدلینگ گرایش پیدا می کنند؟
- چه بسترهای اجتماعی موجب شکل گیری این گونه های اخلاقی شده است؟

ملاحظات و مفاهیم حساس نظری

یکی از وجوه تمایز تحقیقات کمی و کیفی در شیوه بکارگیری و استفاده آنها از مفاهیم نظری است؛ بدین معنا که تحقیقات کمی بیشتر بر پایه آزمون فرضیات مستخرج شده از چارچوب نظری هدایت می شوند، اما در جنبش روش شناختی کیفی، توجه به نظریات به مثابه سکوی پرتاب تحقیق کاری عبث و بی معناست. با این حال ذکر این نکته ضروری است که کار کیفی در خلاء نظری صورت نمی پذیرد و به بیان صادقی و میرحسینی (۱۳۹۳) در تمام مراحل تحقیق، از جمع آوری داده ها تا زمان تجزیه و تحلیل اطلاعات و یافته های تحقیق و در نهایت ارائه گزارش، تحت تأثیر مفاهیم موجود و حساس بوده و در واقع، به نظریات و تئوری های مختلف حوزه های مربوطه، ارجاع و استناد می نماید.

استراوس و کوربین (۱۳۸۵) نیز معتقدند تحقیقات کیفی، پژوهش هایی اکتشافی هستند. بنابراین محقق از همه مقولات مناسب و مربوط به نظریه اش آگاهی قبلی نخواهد داشت و عموماً بعد از اینکه مقوله ای آشکار شد ممکن است بخواهد به متون تخصصی مراجعه نماید و ببیند آیا این مقوله در آنجا یافت می شود یا نه و اگر وجود دارد، سایر محققان درباره اش چه نظری دارند.

در پژوهش حاضر نیز برخی نظریات و مفاهیم نظری قابلیت ارجاع و استناد دارند که در ادامه، به آنها پرداخته می شود:

لذت گرایی، یکی از نظریاتی است که می توان در این پژوهش به آن استناد نمود. این نظریه از زیرمجموعه های نظریه خویش کامی^۱ می باشد. جرمی بنتام^۲ (۱۹۷۰) مشهورترین مدافع لذت گرایی بوده است. وی معتقد است لذت چیزی است که برای انسان ها خوب است و الم چیزی است که برای انسان ها بد است. بنتام در «مقدمه ای بر اصول اخلاق و قانون گذاری» می گوید که لذات، احساسات همگون اند. اینکه زندگی آدمی چگونه به خوبی سر می شود، به کمیت لذت بستگی دارد- لذت هرچه بیشتر، بهتر.

یک اشکال اساسی بر این دیدگاه آن است که احساس مشخصی به عنوان فصل مشترک، در میان تجاربی که انسان ها، آنها را لذت بخش می یابند وجود ندارد. برای مثال، ال. دابلیو سامر^۳ (۱۹۸۶) از ما می خواهد که تفاوت میان لذت قدم زدن در میان جنگل و لذت تمام کردن یک کار دشوار را تصور کنیم. هر دو لذت اند، ولی هیچ احساس مشخصی به عنوان فصل مشترک میان آنها وجود ندارد.

1. self- interest
2. Bentham
3. L.W.Summer

لذت گرایی در تقریر هنری سیجویک^۱، یعنی «لذت گرایی ترجیح محور»^۲ در معرض این اشکال قرار نمی گیرد. سیجویک در کتاب روش های اخلاق معتقد است که «ظاهراً تنها فصل مشترک در میان لذات، ارتباط با تمایل و اراده است و این ارتباط از طریق اصطلاح کلی "مطلوب" بیان می شود» (۱۹۰۷: ۱۲۷). سیجویک می گوید که احکام آن فرد که احساسات نسبت به وی مطلوب است، باید احکام نهایی تلقی شوند. بنابراین بر طبق این دیدگاه، لذات آن احوال نفسانی اند که مطلوب فرد هستند. برخی گفته اند که در این تعریف، توسعه ای در معنای لذت ایجاد می شود تا بتوان همه آن احوال نفسانی را که مورد تمایل ماست، به نام لذت، موسوم ساخت. یک مثال آن جیمز گرiffin^۳ (۱۹۸۶) است که استناد می کند به فروید که تمایل داشت در واپسین روزهای زندگی اش از آگاهی نفسانی، ولی در حالت درد هولناک برخوردار باشد، به جای اینکه از مخدرها برای تسکین درد سرطان خویش استفاده کند. یک نقطه قوت لذت گرایی ترجیح محور، این است که در تعیین اینکه کدام تجارب زندگی فرد را بهتر می سازد، احترام مرجعیت خود وی را نگه می دارد. بارت^۴ نیز از صاحب نظران مطرحی است که در زمینه لذت به بحث پرداخته و تمایز محسوسی را میان لذت های جسمی و لذات روحانی قائل شده است. لذت جسمی که به سرخوشی، از خودفراموشی، لذت جنسی یا شور و هیجان نیز ترجمه شده است، لذت بردن از بدن است و هنگامی رخ می دهد که فرد قواعد طبیعت را به نفع فرهنگ می شکند (فیسک^۵، ۱۹۹۸: ۵۱). اما تفکر باختین که در مقایسه با تفکر بارت اجتماعی تر است، جسم را امری طبیعی و از پیش حاضر نمی داند، بلکه به اعتقاد وی، جسم نیازمند نگاه دیگران است. از نظر او جسم را نمی توان واحدی خودکفا دانست، زیرا نیازمند غیر، تصدیق او و فعالیت شکل دهنده وی است (تودوروف^۶، ۱۳۷۷: ۱۸۲).

ترنر نیز معتقد است که دنیای مدرن با تأکید بر مصرف گرایی موجب توجه بیشتر به لذت و خوشی و در نتیجه، دگرگونی در ادراک از بدن شده است (ترنر^۷، ۱۹۹۶). به طور کلی، نظریات حوزه مدیریت بدن و بحث های زیبای مرلپونت^۸ (۱۹۶۲) در «پدیدارشناسی احساس» که تمام احساسات بشری را جسم مند می داند (نتلتون و واتسون، ۱۹۹۸: ۹) می تواند از دیگر نظریات قابل ارجاع در این پژوهش باشد.

پیامدگرایی^۹ نامی برای یک نظریه اخلاقی یا برای طبقه ای از نظریات اخلاقی که اعمال را بر مبنای ارزش پیامدهای اعمال ارزیابی می کنند، می باشد. این واژه را الیزابت آنسکوم^{۱۰} (۱۹۵۸) مصطلح ساخت. وی معتقد است که تفاوت اندکی میان نظریات اکیدا پیامدگرایانه و دیگر نظریات اخلاقی از سیجویک به این طرف، وجود دارد که به موجب این تفاوت جوازی فراهم می شود برای اینکه اعمال ممنوع، تحت الشعاع ملاحظات پیامدگرایانه قرار گیرند. دیدگاه های پیامد گرا به سه دسته کلی تقسیم می شوند: پیامدگرایی عمل محور یا کنش نگر، پیامدگرایی قاعده محور و پیامدگرایی انگیزه محور. بر اساس دیدگاه پیامدگرایی کنش نگر، درست و نادرست بودن یک کنش بر مبنای پیامدها و نتایج هر کنش جزئی مورد به مورد تعیین می شود. اما پیامدگرایی قاعده محور، کنشی را صحیح می داند که با قواعد اجتماعی بهینه مطابق باشد. منظور قواعدی است که رویه

1. Sidgwick
2. Preference hedonism
3. James Griffin
4. Bart
5. Fisk
6. Todorov
7. Turner
8. Consequentialism
9. Anscombe

کلی آن نتایج خوبی (نتایجی بهتر از هر قاعده جایگزین ممکن) در پی خواهد داشت و در نهایت پیامدگرایی انگیزه محور است که کنش ها را اگر ناشی از انگیزه ای باشند که عموماً پیامدهای خوب دارد، کنش های درست می داند و در غیر اینصورت، کنش های نادرست.

نظریه دیگری که در این مقاله قابل ارجاع می باشد، نظریه از خودبیگانگی است که به معنی از هم گسیختگی پیوند فرد با دیگران می باشد و نیز مترادف است با بیزاری در احساس و دورافتادگی یا جدایی فرد از دیگر افراد، از کار، یا از خدا (بودون^۱، ۱۹۸۱: ۳۰).

جامعه شناسان، از خودبیگانگی را شامل همه مظاهری می دانند که جامعه صنعتی کنونی بر انسان تحمیل کرده و شخصیت فردی او را از وی گرفته است.

فرد از خود بیگانه دارای نوعی احساس پوچی و بیهودگی است. به عبارتی، در باورها و عقاید خود دچار ابهام شده و نمی داند به چه چیز می باید اعتقاد داشته باشد. چنین فردی انتظار چندانی از رضایت بخش بودن پیش بینی های رفتاری خود در آینده ندارد.

از دیگر احساساتی که فرد از خودبیگانه تجربه می کند، انزوایی و جامعه گریزی است. در چنین حالتی فرد احساس می کند با ارزش ها و هنجارهای جامعه بیگانه شده است؛ یعنی، شخص احساس تفرد می نماید و می خواهد از دیگران کناره گیری کند. فردی که از جامعه می گریزد، بدین معناست که اعتقادی به شیوه های کارکردی جامعه ندارد و چون نمی تواند این روابط و هدف ها را نفی کند، با گوشه نشینی و جامعه گریزی، خود را از گزند دیگران به حاشیه می کشاند و کناره گیری اختیار می کند. احساس بی قدرتی و ناتوانی نیز از دیگر احساسات درونی فرد از خودبیگانه است. در این حالت فرد، خود را ناتوان از تحت تاثیر قرار دادن محیط اجتماعی خود می داند (شیخاوندی، ۱۳۷۳: ۱۲۲).

تنقیح مفهومی اخلاق

در علوم اجتماعی، دو رویکرد متفاوت به مفهوم اخلاق وجود دارد. بر اساس نخستین معنا امر اخلاقی، امری است که با استانداردهای عام و جهانشمولی که در مورد درستی و نادرستی مباحث مرتبط با حوزه عدالت، انصاف، بی طرفی، آزار و اذیت و آسیب رساندن به دیگران وجود دارد، انطباق و سازگاری داشته باشد (توریل^۲، ۲۰۰۲). از این منظر، انسان های اخلاقی (یا کنش های اجتماعی اخلاقی) رویه ای عادلانه و منصفانه دارند و از آسیب رساندن به دیگران اجتناب می ورزند و حتی ممکن است فعالانه و به طرز کارآمدی رفاه و آسایش دیگران را نیز ارتقا بخشند. در اینجا صفت «اخلاقی» مترادف است با خوب، دوستدار اجتماع، یا حتی دگرخواه و مخالف آن صفت «بی اخلاق یا ضد اخلاقی»^۳ است. وقتی که کلمه اخلاقی در این معنا مورد استفاده قرار می گیرد، ما یک تعریف قیاسی از اخلاق را بر می گزینیم و سپس افراد، گروه ها و سازمان های اجتماعی را در امتداد این بعد که چقدر اخلاقی هستند، منظم و صف بندی می کنیم (استتس و کارتر^۴، ۲۰۱۲؛ سایر^۵، ۲۰۱۱؛ کهلبرگ^۶، ۱۹۸۱). در حقیقت از این منظر با ایضاح مفهومی که در مورد اخلاقی بودن انجام شده است می توان مجوز اطلاق لفظ اخلاقی بر انسانی و لفظ ضد اخلاق یا بی اخلاق بر انسانی دیگر را صادر نمود. معنای دوم اخلاق، معنایی رسمی است، نه قائم به ذات (تاوری^۷، ۲۰۱۱). این معنا به برداشت های متغیر

1. Boudon
2. Turiel
3. immoral
4. Stets&Carter
5. Sayer
6. Kohlberg
7. Tavoriy

و گوناگون افراد و گروه های اجتماعی از مفاهیم خوب و بد، درست و نادرست، شایسته و ناشایست یا با ارزش و بی ارزش اشاره دارد. در اینجا اخلاق، چیزی بیش از کمک کردن یا آسیب رساندن به دیگران است. این معنا دربردارنده هر شیوه ای است که افراد یا گروه های اجتماعی درک می کنند که چه رفتاری بهتر از بقیه است، کدام اهداف با ارزش تر و شایسته ترند و افراد چه چیزی را باید باور کنند، احساس کنند و عمل نمایند (اسمیت^۱، ۲۰۰۳). به تعبیر مصباح (۱۳۶۷: ۹) نیز کلمه اخلاق در لغت به معنای یک صفت نفسانی است، یک هیئت راسخه، یک حالتی که در نفس رسوخ داشته باشد و موجب این شود که افعالی که متناسب با آن صفت هست، بدون احتیاج به تروی (فکر کردن و سنجیدن) از انسان صادر شود. هنگامی که اخلاق در این معنا مورد استفاده قرار می گیرد، مخالف اخلاق، بی اخلاقی نیست بلکه غیر اخلاقی^۲ یا به لحاظ اخلاقی بی ربط یا امر بی ارتباط با اخلاق^۳ می باشد. در معنای رسمی از کلمه اخلاق، اخلاق هر آن چیزی است که یک فرد یا گروه تعبیر می کند که باشد. از آنجایی که جامعه شناسان اصولاً به تغییرپذیری تاریخی و اجتماعی توجه دارند، لذا عموماً بر تعاریف رسمی از اخلاق تکیه و تاکید می نمایند (سیدلر^۴، ۱۹۸۶: ۲۷۶).

در نگاه اول به مقوله اخلاق، از آنجایی که بی اخلاقی یا ضد اخلاق را در نقطه مقابل اخلاق قرار می دهند می توان چنین نتیجه گرفت که به اخلاق همچون یک دارایی خوب، ارزشمند و مثبت نگاه می شود که بر سر خیر بودن آنها اتفاق نظر عام وجود دارد و برخی از آن برخوردار، یا بیشتر برخوردار و برخی دیگر از آن غیر برخوردار یا کمتر برخوردارند. در ضمن، در این نگاه از برخی استانداردهای عام و جهانشمول مانند عدالت، انصاف، صداقت، برابری، نوع دوستی، دگرخواهی و ... در حوزه اخلاق سخن به میان می آید که گویی اموری زمان مند و مکان مند نبوده، بلکه ریشه در فطرت بشر دارند. هریک از مفاهیم مذکور ممکن است از یک بستر اجتماعی به بستر اجتماعی دیگر یا از یک زمان به زمان دیگر تغییر یابد، ولی در خیر بودن آن همگی اتفاق نظر دارند. شاید اینجا چنین شبهه ای ایجاد شود که امر مثبت و خوب یا مترادف لغوی که برای اخلاق وجود دارد و آن خوبی^۵ و درستی^۶ می باشد نیز امری نسبی و وابسته به زمان و مکان می باشد. در پاسخ به این شبهه باید گفت که در این نگاه به اخلاق همان طور که پیش تر ذکر شد یکسری استانداردهای عام و جهانشمول برای اخلاق وجود دارد، نه یکسری کدهای رفتاری متناسب با فرهنگ، مذهب و یا فلسفه ای خاص. این جهانشمول بودن چیزی نمی تواند باشد به جز امری ریشه دوانده در فطرت نوع بشر که تحت تاثیر هیچ مکتب، فرهنگ و مرام خاصی نیست. پس هر آنچه که در مقابل آن قرار می گیرد می تواند نوعی بی اخلاقی یا ضد اخلاق تصور شود.

لازم به ذکر است رویکرد مورد استفاده در پژوهش حاضر، رویکرد رسمی به اخلاق می باشد که به تعبیر هیتلین و وایزی^۷ (۲۰۱۳) دارای پتانسیل شناسایی گونه های اخلاقی میان افراد و گروه های اجتماعی است.

روش شناسی پژوهش

مقاله حاضر در قالب روش کیفی به مصاحبه عمیق نیمه ساخت یافته با کنشگران فعال در حوزه مدلینگ

1. Smith
2. nonmoral
3. morally irrelevant
4. Swidler
5. goodness
6. rightness
7. Hitlin & Vaisey

می پردازد و از تکنیک تحلیل تماتیک یا تحلیل مضمون^۱ به منظور مقوله سازی، سنخ شناسی و تحلیل داده ها بهره می جوید.

مضمون یا تم، مبین اطلاعات مهمی درباره داده ها و سؤالات تحقیق است و تا حدی، معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه ای از داده ها را نشان می دهد (براون و کلارک^۲، ۲۰۰۶). به تعبیر بویاتزیس^۳ مضمون، الگویی است که در داده ها یافت می شود و حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه هایی از پدیده می پردازد.

تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده های کیفی است. این روش فرایندی برای تحلیل داده های متنی است و داده های پراکنده و متنوع را به داده های غنی و تفصیلی تبدیل می کند (براون و کلارک^۴، ۲۰۰۶). در واقع، تحلیل مضمون اولین روش تحلیل کیفی است که پژوهشگران باید یاد بگیرند؛ چراکه مهارت های اساسی مورد نیاز برای بسیاری از تحلیل های کیفی را فراهم می آورد (هالووی و تودرس^۵، ۲۰۰۳). عامیت این روش در تحلیل های کیفی موجب شده است تا بویاتزیس (۱۹۹۸: ۴) آن را نه روشی خاص، بلکه ابزاری مناسب برای روش های مختلف معرفی می کند. ریان و برنارد^۶ (۲۰۰۰) نیز کدگذاری مضامین را فرایند پیش نیاز تحلیل های اصلی و رایج کیفی، معرفی می کنند تا روشی منحصر به فرد و خاص. اما به عقیده براون و کلارک (۲۰۰۶)، تحلیل مضمون را باید روش ویژه ای در نظر گرفت که یکی از مزایای آن انعطاف پذیری است. برن^۱ (۲۰۱۲: ۱۹۳-۱۹۷) آن را یکی از زیر مجموعه های انعطاف پذیر تحلیل های برنامه ریزی شده می داند که معمولاً زمانی به کار می آید که یا تحلیل های پیشینی مرتبط با موضوع وجود ندارد و یا بسیار اندک است و متعاقباً طبقات و مقولات شاخه های مذکور از متن استخراج می شوند. بنابراین، تحلیل مضمون، به چارچوبی نظری- که از قبل وجود داشته باشد- وابسته نیست و از آن می توان در چارچوب های نظری متفاوت و برای امور مختلف استفاده کرد. همچنین، تحلیل مضمون، روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می رود (براون و کلارک^۲، ۲۰۰۶). به اعتقاد براون و کلارک (۲۰۰۶) از آنجا که تحلیل مضمون، تحلیلی کیفی است، لذا پاسخ روشن و صریحی برای این مسئله وجود ندارد که مقدار داده های مناسب و مورد نیاز- که دلالت بر وجود مضمون یا اطلاق آن کند - چقدر است. بنابراین مضمون لزوماً به معیارهای کمی بستگی ندارد، بلکه به این بستگی دارد که چقدر به نکته مهمی در مورد سؤالات تحقیق می پردازد.

گفتنی است به منظور افزایش اعتبار و روایی پژوهش از معیاری با عنوان "معیار اعتماد پذیری" استفاده شده است. اعتمادپذیری شامل چهار معیار باورپذیری، اطمینان پذیری، تأییدپذیری و انتقال پذیری است که اگرچه از هم جدا می باشند، ولی با هم مرتبط اند. در خصوص معیار باورپذیری در پژوهش حاضر، محقق نه تنها ضمن مصاحبه با اتخاذ رویکرد امیک، غوطه وری و درون نگری همدلانه به پاسخگو و خود فرصت تعامل و تفهیم کافی داد، بلکه در برخی موارد پس از انجام مصاحبه با برقراری ارتباط مجدد با سوژه ها به رفع ابهام و یا طرح پرسش های جدید مبادرت ورزید. به منظور اطمینان پذیری تحقیق نیز از روش کنترل عضو یا اعتبار پاسخگو استفاده شده است. در راستای تأییدپذیری تحقیق محقق، دائماً به سخنان پاسخگویان در هنگام ارائه تحلیل یافته ها مراجعه نموده است. در نهایت، به منظور رعایت انتقال پذیری تحقیق سعی شده تا تنوع ابعاد

1. Thematic Analysis
2. Braun & Clarke
3. Boyatzis
4. Holloway & Todres
5. Ryan & Bernard
6. Brennan

نمونه به لحاظ ویژگی های جمعیت شناختی مدل ها نظیر سن، طبقه، تحصیلات، نوع مدلینگ (پوشاک، آرایش، کیف و کفش، ساعت، عروس و...) در حال تکوین در نظر گرفته شود. از این رو، اگرچه این تحقیق ادعای تعمیم پذیری ندارد، ولی سعی شده تا معیارهای تأییدپذیری در تحقیقات کیفی در آن لحاظ شود. در این تحقیق ویژگی های دختران جوان مصاحبه شونده به لحاظ سن، تحصیلات خودشان، تحصیلات والدینشان، دانشگاه محل تحصیل، وضعیت تأهل و اشتغال مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۱: توزیع فراوانی سن، تحصیلات فرد، تحصیلات والدین، دانشگاه محل تحصیل، تأهل و اشتغال

فراوانی				
-	زیر ۱۹ سال	بازه سنی		
۱۹	۱۹-۲۵ سال			
۱۳	۲۵-۲۸ سال			
۵	زیر دیپلم	تحصیلات فرد		
۲۶	دیپلم و لیسانس			
۱	فوق لیسانس و بالاتر			
۷	آزاد	دانشگاه محل تحصیل		
۸	پیام نور			دولتی
۱۷	غیر انتفاعی			
-	سایر			
-	زیر لیسانس	تحصیلات حداقل یکی از والدین		
۲۶	لیسانس و فوق لیسانس			
۶	دکتری تخصصی			
۳	متاهل	وضعیت تأهل		
۲۹	مجرد			
۷	شاغل	وضعیت اشتغال		
۲۵	بیکار			

یافته های تحلیلی

در تحقیقات کیفی، جمع آوری داده ها و تحلیل آنها به صورت همزمان صورت می گیرد. بازخوانی و

مرور مصاحبه ها، زمینه گمانه زنی نظری را فراهم می سازد و این امکان را به وجود می آورد تا داده ها حول محورهای خاصی به نظم کشیده شوند. در ادامه سعی می شود تا با توجه به سوالات تحقیق و محورهایی که در طول پژوهش ظاهر شدند، موضوع تحقیق توضیح داده شود. با توجه به داده های تحقیق، یافته های تحلیل شامل سه گونه یا سنخ اخلاقی از کنشگران مدلینگ می باشد: سنخ اخلاقی لذت گرایان ترجیح محور، سنخ اخلاقی ابزار گرایان و سنخ اخلاقی عادت گرایان از خود بیگانه.

سنخ اخلاقی لذت گرایان ترجیح محور

در مصاحبه های عمیقی که با دختران جوان انجام شد، عده ای از آنان با تعبیری از کنش مدلینگ یاد می کردند که آنان را بیشتر به اخلاق لذت گرایانه ترجیح محور پیوند می دهد. همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، این تیپ اخلاقی بیانگر آن احوال نفسانی است که مطلوب فرد باشند. لذا نمی توان از برخی لذات به عنوان لذات خوب و اخلاقی و از لذاتی دیگر با تعبیر بد یا غیر اخلاقی یاد کرد. علت قرار دادن این گروه در طبقه لذت گرایان ترجیح محور، اهمیت میل و اراده در انتخاب نوع لذت از سوی این اشخاص می باشد. دختران جوانی که ذیل این گونه اخلاقی طبقه بندی می شوند، با میل قلبی و انتخاب خود، مدل گری را بر دیگر کنش ها، به عنوان کنش مطلوب و تأمین کننده لذت، ترجیح می دهند. یافته ها حاکی از آن است که این تیپ اخلاقی در قالب سه رویکرد متفاوت به پدیده مدلینگ بروز و ظهور می یابد: رویکرد ابرازی، رویکرد پیامد گرای انگیزه محور و رویکرد هنر ناب. تمامی مدل هایی که ذیل این سه رویکرد طبقه بندی می شوند، به نوعی در مدلینگ به دنبال کسب لذت می باشند؛ برخی از آنان لذت را در شهرت طلبی، برخی در خاص گرایی و برخی نیز در مرئی شدن جستجو می کنند که هر سه گروه ذیل رویکرد ابرازی طبقه بندی می شوند. عده ای دیگر آگاهی بخشی به هموعان و گروهی نیز فرصت سازی برای زنان را مسیرهای مطلوب کسب لذت می دانند. این گروه ذیل رویکرد پیامدگرایان انگیزه محور دسته بندی می شوند. گروهی نیز مدلینگ را هنری ناب می دانند که آن را در شیوه راه رفتن و یا عدم مدیریت و دستکاری بدن جستجو می کنند. در واقع، کسب لذت برای این گروه فارغ از نگاه ارزشی و هنجاری جامعه، امری مطلوب است.

رویکرد ابرازی^۱

مصاحبه ها نشان داد که برخی از دختران جوانی که ذیل تیپ اخلاقی لذت گرای ترجیح محور طبقه بندی می شوند، رویکردی ابرازی به پدیده مدلینگ دارند؛ یعنی ابراز وجود، هدف عمده و لذت مطلوب این گروه از دختران می باشد، اما این ابراز وجود را از مسیرهایی متفاوت و در قالب بسترهای اجتماعی گوناگون دنبال می کنند که در ادامه بدانها پرداخته می شود:

• شهرت طلبی^۲

برخی از دختران فعال در حوزه مدلینگ، لذت را در کسب شهرت جستجو می کنند. این عده به سینما و بازیگری بشدت علاقمند بوده اند، اما به دلیل ممانعت خانواده مدلینگ را انتخاب نموده اند. آنها پس از فعالیت در این حوزه، مدلینگ را در مقایسه با سینما مسیری سریع تر و سهل الوصول تر به سوی کسب شهرت یافتند؛ چراکه به اعتقاد آنها در جامعه امروز ما، تعداد کاربران اینترنت و مدت زمان حضور افراد در فضای مجازی بسیار بیشتر از طرفداران فیلم و سینما و حضور آنها در پای تلویزیون یا سالن های سینماست. لذا امکان مشهور شدن برایشان بیشتر است.

آیناز، ۲۴ ساله، مجرد، دیپلم معماری (مدارس فنی و حرفه ای)، رتبه اول در میان داف های فیس بوکی سال

1. Expressive

2. Fame-seeking

۹۱ کشور، پدر پزشک متخصص پوست و مادر پزشک عمومی:

"... من هیچوقت درسو دوست نداشتم. یعنی برخلاف بقیه خواهر برادران من اصلاً درسو دوست نداشتم. عوضش بازیگری رو خیلی دوست داشتم. یه بازیگر یه جا میره همه می شناسنش. دلم می خواست مثلاً تو یه جمع می رم بگن آیناز متولی؟ بگم آآره ه ه. من هر رستورانی که می رفتم، شیش تو اینستاگرام بهم مسیج می دادن. می گفتن خانم متولی شما فلان جا بودی؟ خیلی می چسبید. یعنی کلاً چیزی که بخوام معروف بشم، منو بشناسن رو خیلی دوست داشتم. ولی خوب بابام هیچوقت اجازه نمی داد من رشته بازیگری برم. می گفت محیط خوبی نیست. منم نرفتم دیگه. ولی خوب همیشه دوست داشتم معروف باشم. یعنی مثلاً اسمم رو میارن بشناسنم. بخاطر همین مدلینگ هم خوب بود. یعنی یه شغل خیلی با کلاسی بود تو دوستا و اینا، سرعت مشهور شدن آدم هم خیلی بیشتره، یه عکس میذاری، ۲ ساعت بعد ۱۰۰۰ نفر فالوش کردن..."

• خاص گرای

یافته های تحقیق بیانگر آن است که برخی از این دختران جوان از خاص بودن لذت می برند و دوست دارند به این طریق ابراز وجود کنند. خاص بودن از نظر آنها الزاماً به معنای مشهور بودن نیست. آنها خاص بودن را حتی در تنهایی خود نیز بر می گیرند. این گروه معمولاً پوشش ها و یا ژست هایی را برای گرفتن عکس و قرار دادن آن در فضای مجازی انتخاب می کنند که به تعبیر خودشان خاص و متفاوت باشند. ملیکا، ۱۹ ساله، مجرد، دانشجوی کاردانی معماری دانشگاه غیر انتفاعی، پدر و مادر متارکه نموده، پدر صاحب بنگاه معاملات ملکی، همچنین صاحب زمین ها و املاک بسیار و مادر دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد حقوق:

"... تو اوج خستگی باشم، مثلاً از دانشگاه اوامده باشم، دوستانم بگن بیا بریم بیرون قبول نمی کنم، ولی اگه بگن بیا بریم پاساژ لباس ببینیم می رم. لباس خیلی دوس دارم. مخصوصاً لباسای عجیب غریب. عاشق اینم که یه جا می رم لباسام با همه فرق بکنه. حتی وقتی تو خونه هستم هم یه چیزایی می پوشم که خیلیا نمی پوشن. تو عکس گرفتم همینم. بیشتر دوس دارم یه عکسای خاص بگیرم. اگه برید تو پیجم می بینید. مثلاً یه جا موهامو شکل عینک درست کردم دور چشمم گذاشتم عکس گرفتم. یا تو یه عکس دیگه موهامو عین طناب دار درست کردم دور گردنم یه جوری پیچیدم، انگار ازش آویزونم. تو ایران کم ازین ژستا دیدم. پیج همه مدلا رو می بینم. اینجوری ندیدم تا حالا.

• مرئی شدن^۱

این افراد نوعی فاصله میان بدن واقعی و بدن مجازی خود قائل هستند. از این رو، برهنگی در فضای مجازی را به دلیل غیر واقعی بودن آن و اینکه از نزدیک مورد رویت قرار نمی گیرند، مخالف با هنجارهای اجتماعی نمی دانند. تاکید آنها بر لذت بردن از فرصت جوانی و دیده شدن و لذت بردن از زیبایی بدن که به تعبیر باختین امری طبیعی و از پیش حاضر نبوده، بلکه نیازمند نگاه دیگران است، می باشد.

روشنک ۲۴ ساله، مجرد، دانشجوی مدیریت دانشگاه پیام نور، پدر صاحب یک سوپر مارکت بزرگ و مادر صاحب یک سالن آرایش بزرگ و معروف:

"... الان که دیگه همه دخترا وقتی میان خیابون تا فرق سرشون معلومه. از پشتم که نصف موهاشونو می ریزن بیرون. خیلی هاشون اکستنشنه ها. یعنی یه کف دست شال بیشتر روسرشون نیس. من که موهای خودمه، اکستنشن هم نیست چرا بپوشونمش؟ به این قشنگی (می خندد). تازه مردم دارن از توی گوشی و لپ تاپشون منو می بینن. چه اشکالی داره؟ یعنی این همه فیلمای خارجی که زنا حجاب ندارن پخش می شه، پس نباید

بشه دیگه، گناهه. به نظر من کلاً هرچی زنا بیشتر خودشونو بیوشون، مردا بیشتر حریص میشن ببینشون. کشورای دیگرو ببین، هیشکی با هیشکی کار نداره، حالا ایران.... من بیشتر اوقات تو رانندگی شالم رو شونمه، وولوم پخش رو هم میدم بالا. اون دفعه ۱۲۰ تا تو هراز که می دونی چجوریه می رفتم، لایی هم می کشیدم. آدم حس پرواز بهش دست می ده. خیلیا برام دست تکون می دادن.... الان که جوونیم باید لذت ببریم دیگه..."

رویکرد پیامدگرایی انگیزه محور^۱

در این رویکرد، کنش‌ها بر اساس ارزش پیامدهایشان ارزیابی می‌شوند. اگر کنش‌ها ناشی از انگیزه‌ای باشند که عموماً پیامدهای خوب به دنبال داشته باشد- کنش درست و در غیر اینصورت کنش نادرست خوانده می‌شود. طی مصاحبه‌های انجام شده، برخی از دختران از وجود انگیزه‌های خاصی در درونشان که نتایج خوب به بار می‌آوردن سخن می‌گویند. آگاهی بخشی و فرصت‌سازی برای زنان دو انگیزه مهم است که توسط جمعی از مصاحبه‌شوندگان به عنوان انگیزه کنش مطرح شده است. استقبال زنان چاق از دستور تهیه غذاهای سالم و رژیمی و همچنین ورزش‌های مناسب برای کاهش وزن موثر و ایجاد حس اعتماد به نفس در آنها، همچنین ایجاد شغل برای زنان سرپرست خانوار از جمله پیامدهای مطلوب کنش مدلینگ است که این گروه از دختران جوان بدان اشاره داشته‌اند:

• آگاهی بخشی

مهرآسا، ۲۸ ساله، متاهل، فوق لیسانس شیمی از دانشگاه آزاد، مدل تبلیغ مواد غذایی سالم و رژیمی با استفاده از تصاویر برهنه و اندامی، پدر مهندس معمار، مادر دندانپزشک، همسر دانشجوی دکتری مشغول به تحصیل در آمریکا:

"... از وقتی تونستم ۴۵ کیلو وزن کم کنم همش به این فکر می‌کردم که چطور می‌تونم به خانمای مثل خودم کمک کنم. بهشون اعتماد به نفس بدم. خانوما حق دارن زیبا باشن. اندام خوبی داشته باشن. قیلاً که خودم ۱۰۰ کیلو بودم خیلی عذاب می‌کشیدم. به خاطر همین می‌خوام به بقیه آگاهی بدم که چطور غذا بخورن؟ چه ورزشایی بکنن؟ چه طور همه چیز بخورن، اما بتونن اندام خوبی داشته باشن. هیچکس باورش نمیشه من هروقت دلم بخواد کیک و شیرینی می‌خورم، اما چاق نمی‌شم. خودم می‌پزم. دستور تمام کیک و شیرینی‌ها و غذاهامو تو پیجم میذارم که بقیه هم یاد بگیرن".

• فرصت‌سازی برای زنان

سارا، ۲۸ ساله، دیپلم تجربی، طراح، خیاط و مدلینگ لباس، پدر فوت شده (پزشک)، مادر هیئت علمی دانشگاه:

"... به نظرم خانما تو جامعه ما خیلی مظلومن. مخصوصاً آگه به نوعی شوهراشونو از دست داده باشن و مجبور باشن خودشون خرج خونواده رو بدن. اینایی که پیش من کار می‌کنن، بعضیاشون ۴ تا بچه دارن. خوب هر کس که توان مالی داره یا کاری از دستش بر میاد باید کمکشون کنه... با این کار حس خوبی دارم... من طراحی لباس بلدم. مجوزش رو هم گرفتم که ایشا... یه تولیدی بزنم، خانمای نیازمند بیشتری رو بیارم پیش خودم. فعلاً که گوشه حیاط خونه یه اتاقی زدییم کار می‌کنیم. برای تبلیغات و فروش لباس، خودم می‌پوشمشون و عکس می‌گیرم میذارم تو اینستا. همین جوری کلی مشتری از تهران و مشهد و اصفهان دارم. درآمدمون خوبه خدا را شکر. چون بیشتر کارمون دست دوزیه. من که به پولش خیلی نیاز ندارم. بیشتر می‌گم یه کمکی به این خانما کرده باشم. هر کس یه جوری فکر می‌کنه.... پدرم که زنده بود می‌گفت زمان جنگ سه سال برای درمان مجروحای جنگی و رزمنده‌ها رفته بود ایلام. همش می‌خواست یه جوری به مردم کمک

کنه. منم این کارو بلد. به نظر شما ایرادی داره؟"

رویکرد هنر ناب^۱

جالب است که در میان مصاحبه شوندگان، برخی به مدلینگ به مثابه یک هنر ناب می نگریستند. این دختران جوان به دستکاری بدن اعم از انواع جراحی های زیبایی، استفاده از لنز های رنگی و حتی آرایش زیاد که در میان دیگر مدل ها امری رایج است، علاقه ای نداشته و با وجود نقائص ظاهری که در چهره شان به چشم می خورد- مانند وجود شکستگی در بینی، بزرگ بودن بینی، پلک افتاده، عدم انطباق لب و برش صورت و گونه با معیارهای خاص مدلینگ در ایران و ...- هیچ گونه دست کاری بر روی بدن خود انجام نمی دهند. آنها خود را همان گونه که هستند قبول دارند. این افراد از مدیریت بدن تنها به تناسب اندام، آن هم از طریق ورزش های هوازی و پیاده روی می پردازند.

• عدم مدیریت و دستکاری بدن

مهتاب، ۲۵ ساله دانشجوی گرافیک دانشگاه غیر انتفاعی، مجرد، مدل مو و صورت، پدر مدیر یک شرکت ساختمانی، مادر سر پرستار و مدرس دانشگاه:

"به ابرو هام نگاه کنید چقدر پاچه بازایه، بینی ام وقتی بچه بودم خوردم زمین شکست. اینجاش غوز داره (اشاره به بینی)، هرچی دیگران بهم میگن تو آرایشگری زشته که ابروهاتو برنمی داری، بینی تو عمل کن عکسات خیلی خوشگل تر میشه، ولی من زیر بار نمی رم. میگم زیبایی مدلینگ به اینه که خودت باشی و هنرت، نه اینکه عروسکی بشی که مردم دوست داشته باشن. ...عکسام هم بیشتر عکسای فیس هم هست، مثلاً عکس موهای بافته شده ام شکل قلب. یا مثلاً عکس از نصف صورتم، یه ور دیگه صورتمو یه جوری نور تابونده بودم که تیره بشه. همچنین چیزایی که توش فقط هنر بیینی، عکاسی، آرایشگری، مدلینگ."

• کت واکینگ^۲

نازی ۲۴ ساله، مجرد، لیسانس حسابداری، شاغل رسمی مدلینگ در هندوستان و مدل افتخاری برخی فشن شوهای پوشاک زنانه در ایران:

"... ما که مدلینگ واقعی نداریم، چون نمی دارن. ولی اون کشورایی که دارن مثل هند که خودم هستم، شاید اگه به صورت فشن هاشون نگاه کنی، خیلی خوشش نیاد. بگی این دیگه چه جور آرایشیه. مثلاً یه طرف صورتتو میک آپ آرتیست آبی می کنه، ولی همون برای خودش یه هنره. همون کت واکینگ شون یه هنره محضه. خیلی هم سخته. این تویی که به لباس روح می دی. وقتی شکمتو میدی تو، شونه هاتو میدی عقب. روی دو تا خط موازی با عرض خیلی کم حرکت می کنی، به هیچ حرکت تماشاجی واکنش نشون نمی دی، انگار که تو خلسه ای، یعنی توی هنرت غرق شدی و داری به لباس جان میدی تا با تماشاجیا حرف بزنه. همه چیزش به کنار، کت واکینگش به کنار. هنر سخته. براش حتی مسابقه هم میدارن که کی بهتر راه میره."

سنخ اخلاقی ابزار گرایان^۳

در میان دختران جوان که به مدل گری می پردازند، عده ای ذیل تیپ اخلاقی ابزار گرایان طبقه بندی می شوند. این گروه به مدلینگ تنها به عنوان ابزاری برای دست یابی به یکسری مقاصد خاص می نگرند. برخی از آنها مدلینگ را تنها ابزار رهایی از ساختار خانواده پادگانی می دانند و گروهی دیگر با توجه به ضد ارزش بودن این کنش در خانواده و جامعه، از آن به عنوان ابزاری جهت انتقام از ساختار صلب مذهبی خانواده و پدر سالاری استفاده می کنند. امر و نهی های پشت سر هم و نظارت شدید خانواده بر عملکرد این گروه، همچنین رویکرد

1. Pure art

۲. به سان گربه گام برداشتن

3. Instrumentalists

پدر سالارانه در آموزش مستقیم ارزش های دینی و کنترل شدید و فارغ از توجه به اقتضای سنی، جهت حسن اجرای این ارزش ها موجب شکل گیری نوعی دلزدگی دینی- ارزشی در کنشگر شده است. این مسئله حس انتقام را در فرد تحریک نموده و او را دقیقاً در نقطه مقابل پیشینه دینی- ارزشی خود و خانواده قرار می دهد. لازم به ذکر است این عده حتی از کنشی که انجام می دهند، احساس لذت نمی کنند و رضایت قلبی ندارند.

• فرار از خانواده پادگانی

شیما، ۱۹ ساله، مجرد، لیسانس طراحی فرش، بیکار، پدر سرهنگ بازنشسته، مادر خانه دار، برادر بزرگتر افسر نیروی انتظامی:

“... من فقط می خوام از ایران برم، جز مدلینگ هیچ راه دیگه ای هم ندارم. یه سری برند ها، مدلای خوبو از همه جای دنیا جذب می کنن. حقوق خوب هم میدن. عکسامو براشون فرستادم. قدم که خوب بلند، چهره هم گفتن تو گروه نایس میذارن. در کل خوششون اومد. واسه همین میخوام برم. تو این مملکت همه باهات کار دارن. سر هیچکی تو لاک خودش نیست. از پدر و مادرت گرفته تا همسایه و نمی دونم همه دیگه. پدر و مادرم یه لحظه راحت نمی ذارن، اینو بخور، اونو نخور، این کارو بکن، اون کارو نکن. با این حرف بز، با اون حرف زن. انگار پادگانه. هر روز ساعت ۶ بیدار باش میدن. حتی رشته تحصیلی ام رو هم پدرم و داداشم برام انتخاب کردن. میخوام برم راحت شم. واسه خودم باشم.”

محبوبه، ۲۱ ساله، مجرد، دانشجوی ادبیات فارسی، پدر کارمند بانک، مادر مامور بدرقه متهمان زندان:

“... مادرم، ما بیچاره ها رو با زندانی هاش اشتباه گرفته. خونه هم میاد مثل زندان بان ها رفتار میکنه. بدون اجازه اش نفس هم نمی تونیم بکشیم. یه قوانینی میذاره که آدم اشکش در میاد. یه چند وقت رفتم پیش مادر بزرگم گرگان، ولی اونجا هم از دستش راحت نبودم. گفتم از کشور برم. دخترعموم اتریشه. مامانم روحشم خبر نداره، درخواست دادم برای یکی از آموزشگاه های مدلینگ اونجا. اگه کارمون خوب باشه، بورس هم می کنن.”

• اعتراض به ساختار صلب مذهبی

محبوبه ۲۳ ساله، دانشجوی فیزیک دانشگاه آزاد، متاهل، از خانواده ای بسیار مذهبی، حافظ ده جز از قرآن، قاری قرآن در دوران مدرسه، مادرش معلم قرآن مدرسه، پدر و همسرش (نامزد) هر دو شاغل در یکی از ارگان های دستگاه امنیتی:

“... شوهرم از نیروهای پدرم هست. به اصرار پدرم باهش ازدواج کردم. میگه دوست نداره بعد از تموم شدن درس سر کار برم، مخصوصاً اگه مردا هم باشن. میگه دلم نمی خواد زنم وسط یه گله مرد کار کنه. پدرم هم همینطوره. ولی من اصلاً طرز فکرشون رو قبول ندارم. خیلی بسته ان... از ۷ سالگی مجبور بودم چادر بذارم. یه بار چادر سرم بود، رفت عقب چند تا خال از موهام پیدا شد، مامانم تا یه هفته باهام قهر بود. تو هیچ عروسی ای که بز و برقص باشه نمی رفتیم. نه من و نه داداشام هیچکدوم حق گوش دادن به موسیقی های به قول خودشون غیر مجاز رو نداشتیم. ماهواره هم که نداریم. خوب یه وقتی آدم دلش می خواد دیگه. اصلاً پیش دوستامون خجالت می کشیدیم که هیچی نشنیده بودیم. این همه خشک بودن خوبه؟ حالم از هر چی دین ا دیگه بهم میخوره. زدم به سیم آخر، مدل شدم که دق دلی همه این سال ها رو در بیارم.”

سنخ اخلاقی عادت گرایان از خود بیگانه

از خودبیگانگی بدین معناست که شخص احساس تفرد نماید و بخواهد از دیگران کناره گیری کند. فردی که از جامعه می گریزد، در واقع اعتقادی به شیوه های کارکردی جامعه ندارد و چون نمی تواند این روابط و هدف ها را نفی کند با گوشه نشینی و جامعه گریزی، خود را از گزند دیگران به حاشیه می کشاند و کناره گیری اختیار می کند.

دختران جوانی که در این تیپ اخلاقی طبقه بندی می شوند، بود یا نبودشان را برای دیگران با اهمیت نمی دانند و یا تمایلی به رفت و آمد و ارتباط با اقوام و آشنایان ندارند و تنهایی را ترجیح می دهند. این افراد تنها کاری را که نه از روی لذت و علاقمندی، بلکه از روی عادت و یا پر کردن وقت انجام می دهند، مدلینگ است. این گروه خودشان از خودشان عکس می گیرند. دوستانشان از آنها عکس می گیرند. به آتلیه می روند و عکس می گیرند و تمامی این عکس ها را در فضای مجازی منتشر می کنند. حتی برخی از آنها به آتلیه جهت گرفتن عکس هایشان هزینه نیز پرداخت می کنند. لازم به ذکر است که این عده به لحاظ ظاهری در مقایسه با تیپ های اخلاقی دیگر، از بهترین و زیباترین چهره ها و اندام ها برخوردارند. به گونه ای که به نظر می رسد نیاز به هیچ گونه مدیریت و دستکاری بدن، اعم از جراحی های زیبایی یا آرایش های خاص ندارند. آنها حتی برای تناسب اندام ورزش هم نمی کنند، اما از اندام زیبایی برخوردارند. بی انگیزگی و بی هدفی در آنها موج می زند و حتی علاقه ای به غذا خوردن هم ندارند. این تیپ اخلاقی در قالب دو رویکرد بروز و ظهور می یابد:

• احساس پوچی و بیهودگی

لیلا، ۲۵ ساله، مجرد، دانشجوی مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه آزاد، بیکار، پدر صاحب نمایشگاه سنگ های ساختمانی، مادر شاغل در محل کار پدر:

"... تا ۲ سال پیش حالم خوب بود. با اینکه رشته مو دوس نداشتم، ولی سر کلاسام می رفتم. اصلاً به عشق اون دوس پسر نامردم می رفتم دانشگاه. همکلاسی هستیم. از همون موقع که قالم گذاشت و رفت با یکی از سال بالایی هامون، دیگه چند خط در میون کلاس می رم. برام هم اصلاً مهم نیس هی تند تند واحدام می افتم. همین روزاس که اخراجم کنن. به جهنم..... دیگه حوصله هیچی رو ندارم. پدر و مادرم که دو تاشون صبح میرن، شب میان. منم و گوشیم. یه لحظه از خودم جداش نمی کنم. موقع خواب هم زیر بالشتمه. بیشتر وقتا خوابم. به محض اینکه بیدار می شم، اتومات دستم میره زیر بالشتم. بهش عادت کردم. دست خودم نیس که. میرم تو اینستا، تلگرام، این ور، اون ور. عکس می بینم، عکس می ذارم. وقتمو پر می کنم دیگه. بیشترشون سلفیه. آتلیه هم میرم، هروقت حالش باشه چند تا از لباسمو برمیدارم و میرم. حتی ناهارم درس نمی کنم واسه خودم. زنگ می زنم میارن. مامانم از بچگی بهم اینجوری یاد داده. واسه اینکه خودشو راحت کنه. بود و نبودم که واسه هیشکی مهم نیس."

پیوند عاطفی ضعیف میان لیلا و پدر و مادرش که ناشی از مشغله زیاد و عدم حضور کمی و کیفی مثبت والدین می باشد، نوعی احساس بی اهمیت بودن در او بوجود آورده است.

• انزوگزینی و جامعه گریزی

بهناز، ۲۱ ساله، مجرد، پشت کنکوری، فرزند طلاق، پدر صاحب یکی از دفاتر نمایندگی بیمه، مادر وکیل دادگستری:

"..... با اینکه مامانم خودش وکیل، همش دادگاه میره و کلی پرونده طلاق داره، ولی طلاق تو کل فامیل ما چیز خیلی بدیه. همه یه جوری به آدم نگاه می کنن. به ما بچه ها که از سر دلسوزیه ولی من خوشم نیما. ...منم زیاد تو مهمونی های فامیلی همراه مامانم و خواهرم نمی رم. می مونم خونه بیشتر. خواهرم ولی میره، چون کوچیکه. ... من همش سرم تو لاک خودمه. صبح تا شب تو اتاقم هستم. خیلی کم بیرون میام. حوصله درس خوندن که ندارم. آهنگ گوش می دم. بیشتر با گوشی و لپ تاپم سرگرمم. تنها جایی که میرم آتلیه هست اونم برای عکس گرفتنه. یه جورایی عادت کردم به این کار....حتی پولم نمی گیرم که بگم واسه پولشه، تازه یه وقتایی که میخوام عکسامو برام رو شاسی بزنه، اگه قطعش بزرگ باشه پول هم باید بدم."

در حقیقت بهناز اعتقادی به کارکرد مثبت دلسوزی های اقوام و آشنایان و نگاه جامعه نسبت به شرایطی

که در آن قرار گرفته، ندارد و احساس تفرد می‌کند؛ اما از آنجایی که توانایی لازم را برای نفی این روابط در خود نمی‌یابد، لاجرم برای مصون ماندن از گزند دیگران، انزوا و گوشه نشینی را برمی‌گزیند. وی از فضای واقعی گریخته و به فضای مجازی که عاری از نگاه مستقیم جامعه است، پناه برده است. این دختر جوان برای پر نمودن اوقات تنهایی خود به مدلینگ روی می‌آورد که تکرار زیاد، آن را به امری عادت گون در وی بدل ساخته است.

بحث و نتیجه گیری

در تحقیق حاضر با ۳۲ نفر از دختران جوان فعال در حوزه مدلینگ که در بازه سنی ۱۹ تا ۲۸ سال قرار دارند، مصاحبه‌های عمیق انجام شده است. از اطلاعات زمینه‌ای مصاحبه‌شوندگان می‌توان به تعلق آنها به طبقه اجتماعی متوسط به بالا، عدم اشاره به مدلینگ به عنوان منبع درآمد برغم بیکاری (به جز یک مورد که در خارج از کشور به صورت حرفه‌ای به شغل مدلینگ مشغول است)، برخوردار از والدینی با سطح تحصیلات نسبتاً خوب و حتی تکمیلی و تخصصی دانشگاهی، موفقیت تحصیلی بسیار پایین و بی‌علاقگی به تحصیل، اشاره نمود. نتایج تحقیق حاکی از آن است که می‌توان مصاحبه‌شوندگان را در قالب سه گونه یا سنخ اخلاقی متفاوت طبقه‌بندی نمود: سنخ اخلاقی لذت‌گرایان ترجیح‌محور، ابزارگرایان و عادت‌گرایان از خود بیگانه. سنخ اخلاقی لذت‌گرایان ترجیح‌محور با سه رویکرد متفاوت - ابرازی، پیامد‌گرای انگیزه‌محور و هنر ناب - بروز و ظهور می‌یابد. تمامی مدل‌هایی که ذیل این سه رویکرد طبقه‌بندی می‌شوند، فارغ از نگاه ارزشی و هنجاری جامعه به نوعی در مدلینگ به دنبال کسب لذت به مثابه امری مطلوب هستند. در رویکرد ابرازی، مدلینگ امکان ابراز وجود را برای کنشگران فراهم می‌آورد. دیده نشدن در فضای خانواده، تمایل به دیده شدن در فضای مجازی و محیط بیرون از خانه را برای این گروه ایجاد می‌کند. در مورد همه این دختران که در خانواده‌هایی با سطح رفاه نسبتاً خوب نیز زندگی می‌کنند، ازهم‌گسیختگی خانوادگی مانند متراکه والدین یا مشغله زیاد والدین و عدم اختصاص زمان کافی برای نظارت و رسیدگی به فرزندان، نوعی حس دیده نشدن و نیاز به ابراز وجود در فرزندان ایجاد می‌کند. دیده نشدن و مهیا نبودن مسیرهای مشروع ابراز وجود، راه را برای هنجارشکنی از نوع مدلینگ در کنشگران باز می‌کند. در گروهی که به دنبال شهرت هستند، نیاز به ابراز وجود با علاقمند شدن به سینما، بازیگری و ستاره شدن، خود را نشان می‌دهد، اما به دلیل عدم توجه خانواده به علاقه و توانمندی تحصیلی فرزندان و ممانعت از ورود به سینما، مدلینگ را مناسب‌ترین گزینه برای دیده شدن و مشهور شدن می‌یابند. در مورد دخترانی که به دنبال خاص‌گرایی هستند، میل به دیده شدن با انجام آرایش‌های خاص، گرفتن عکس‌هایی با ژست‌های خاص در آتلیه و خریدهای غیر ضروری پوشاک خاص و متفاوت که از آنها مشتریانی تفریحی^۱ (بلنگر و همکارانش، ۱۹۷۷) می‌سازد، خود را نشان می‌دهد. به تعبیر بوردیو، آنها با این کار به دنبال ایجاد تمایز میان خود و دیگران هستند.

مرئی شدن یکی دیگر از مسیرهای ابراز وجود است که تیپ اخلاقی لذت‌گرایان ترجیح‌محور آن را دنبال می‌کنند. این گروه بشدت نیازمند نگاه دیگران و دیده شدن هستند؛ به گونه‌ای که برای کسب لذت از این نوع، اقدام به هنجارگریزی‌هایی مانند حرکات نمایشی در خیابان، برهنگی در فضای مجازی، برداشتن حجاب در خودرو شخصی و... می‌نمایند. لازم به ذکر است این عده قائل به وجود فاصله میان بدن حقیقی و مجازی خود بوده و با این استدلال، دیده شدن عکس برهنه خود را در فضای مجازی بلا مانع می‌دانند.

۱. Recreational منظور افرادی است که بدون ضرورت به خرید می‌روند و هدفشان از خرید، کسب لذت و رضایت از عمل خرید است:

رویکرد دیگری که ذیل تیپ اخلاقی لذت گرایان ترجیح محور طبقه بندی می شود، رویکرد پیامد گرایی انگیزه محور است. دختران جوانی که ذیل این رویکرد قرار می گیرند، از دو انگیزه مهم آگاهی بخشی و فرصت سازی برای زنان سخن می گویند که پیامد های مطلوب کنش مدلینگ از نظر آنان هستند. برخلاف رویکرد ابرازی، مصاحبه شوندگان از عدم توجه والدین و دیده نشدن در خانواده شکایت ندارند. این افراد در بستر خانوادگی ای پرورش یافته اند که دگرخواهی و کمک به هم نوع، یک فضیلت اخلاقی به شمار می آید، اما ضعف این گروه در برخی از ابعاد دین داری مانند بعد اعتقادی (باورهایی که انتظار می رود مومنان به آنها اعتقاد داشته باشند مانند خدا، پیامبر، محرمات و ...) و بعد مناسکی (شامل اعمال دینی مشخصی مانند عبادت، نماز و روزه که انتظار می رود پیروان یک دین آنها را به جای آورند) موجب عدم هدایت اخلاق دگرخواهانه و نوع دوستانه در مسیر دینی می شود. آنها از میان حلال و حرام های دینی بر رعایت حقوق دیگران، رساندن نفع به آنها و بی تفاوت نبودن نسبت به هم نوع تأکید دارند و مقوله حجاب و عدم رعایت آن از نظر آنها امری حرام و مخالف دین نیست. لذا در مورد این گروه، الزاماً اخلاق با دین گره نمی خورد و آنها برای آگاهی بخشی و کمک به هم نوع از پوشش نامناسب و برهنگی در فضای مجازی ابائی ندارند.

سومین رویکرد از تیپ اخلاقی لذت گرایان ترجیح محور، رویکرد هنر ناب می باشد. این گروه به مدلینگ به مثابه یک هنر ناب می نگرند. اغلب افرادی که ذیل این رویکرد طبقه بندی می شوند، در یکی از رشته های هنر، گرافیک یا معماری تحصیل کرده اند. علاقه به هنرهای تجسمی و آرایشگری در این گروه مشهود است. گروهی که ذیل رویکرد عدم مدیریت و دستکاری بدن طبقه بندی می شوند، از مدلینگ بیشتر بر روی تناسب اندام، ژست ایستادن (اعم از اسپرت، عروس، شب و و آرایش متناسب با هر نوع لباس تأکید دارند. این گروه از دختران اغلب خود، آرایشگر خود هستند تا هنر آرایش خود را به تصویر بکشند. همانطور که یک هنرمند نقاش، تمام خلاقیت و ذوق هنری خود را بر روی یک بوم سفید به تصویر می کشد، این تیپ اخلاقی نیز به بدنشان همچون یک بوم نقاشی برای نمایش هنر و استعداد خود می نگرند. از این تیپ اخلاقی، گروهی که در قالب رویکرد کت واکینگ طبقه بندی می شوند، برخلاف دیگر مدل ها بیشتر از آنکه در فضاهای مجازی و یا آتلیه های عکاسی فعال باشند، در فشن شوهای غیر مجاز زیرزمینی و خانگی به کار مدلینگ می پردازند. اغلب دختران طبقه بندی شده ذیل دو رویکرد مذکور، با وجود نقائص ظاهری در چهره چندان تمایلی به جراحی های زیبایی ندارند. آنها به مدلینگ به مثابه یک هنر می نگرند و خود را یک هنرمند می دانند که هنرشان نیاز به دیده شدن دارد، نه خودشان. بنابراین طبق یافته های پژوهش، الزاماً برخورداری از چهره زیبا شرط ورود و فعالیت در حوزه مدلینگ نمی باشد.

براساس یافته های تحقیق، دومین گونه اخلاقی مدل های جوان، گونه اخلاقی ابرارگرایان است. این گروه از دختران در خانواده هایی با ساختار نظارتی شدید- اعم از نظارت شدید بر رفت و آمد و نشست و برخاست کنشگر و نیز نظارت شدید بر رعایت شئونات مذهبی به گونه ای که منجر به نوعی دزدگی دینی شده است- زندگی می کنند. پدر سالاری نیز یکی دیگر از وجوه ساختاری چنین خانواده هایی است. لازم به ذکر است اغلب این گروه در خانواده هایی زندگی می کنند که حداقل یکی از والدین در سیستم نظامی- امنیتی شاغل است؛ به گونه ای که نظامی گری تا حدود زیادی به درون خانه و ارتباط با فرزندان کشیده شده است. این عده از روابط سرد عاطفی با والدین خود شکایت دارند و به مدلینگ به عنوان ابزاری برای رهایی یا اعتراض نسبت به چنین ساختارهایی می نگرند. ابرارگرایان برخلاف لذت گرایان ترجیح محور، نه تنها به مدلینگ به عنوان یک کنش لذت بخش نمی نگرند، بلکه حتی در مواردی از انجام آن اکراه دارند. معمولاً افرادی که در این سنخ اخلاقی قرار می گیرند، از زیبایی چهره و اندام ذاتی برخوردارند و نیازی به جراحی های زیبایی ندارند. قابل ذکر است که ساختار خانوادگی این عده نیز به گونه ای است که معمولاً اجازه چنین دستکاری هایی بر روی

بدن خود به آنها داده نمی‌شود. در این گروه نیز همچون گروه‌های پیشین، پیوندهای افتراقی و نقش‌دوستان و گروه‌های همالان در گرایش به سوی مدلینگ بسیار پررنگ است. این گروه بر خلاف گروه‌های پیشین نه تنها مشکل دیده شدن ندارند، بلکه مشکل آنها زندگی زیر ذره بین نظارت شدید و ساختار پدرسالارانه خانواده است. لذا آن گروه از دختران که ذیل رویکرد فرار از خانواده پادگانی طبقه بندی می‌شوند، در واقع به دنبال پذیرش سازمانی از بدن خود در مدلینگ می‌باشند. در گروه دیگر که رویکرد اعتراضی به ساختار صلب مذهبی خانواده دارند، شاهد نوعی دین‌گریزی در اعضا هستیم. آنها دین را مسبب سلب آزادی از خود می‌دانند. علیرغم تعلق این گروه به خانواده‌های به شدت مذهبی، مدارک و مستندات حاکی از آن است که برهنه‌ترین و مستهجن‌ترین عکس‌ها مربوط به این افراد می‌باشد. در حقیقت، دین‌گرایی پدرسالارانه و دیکتاتورمآبانه موجب شکل‌گیری نوعی دین‌گریزی اعتراض‌گونه در این گروه شده است.

در برخی از خانواده‌ها نیز سردی روابط عاطفی میان والدین و پدیده طلاق، همچنین سردی روابط عاطفی میان والدین و فرزندان موجب شکل‌گیری نوعی گسیختگی خانوادگی شده است. از بین رفتن روابط همگن درون خانوادگی، فرآیند شکل‌گیری هویت را در فرزندان دچار اختلال نموده و با ایجاد نوعی احساس از خود بیگانگی، انزوای اجتماعی، جامعه‌گریزی، پوچی و بیهودگی، دختران جوان را به نوعی مدلینگ عادت‌گون کشانده است. قابل ذکر است، اگرچه این گروه از روی عادت به کنش مدل‌گری می‌پردازند، ولی مدلینگ برای آنها فرصتی برای بازتولید هویت از دست رفته است. در حقیقت شکل‌گیری هویت در این گروه همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، به تعبیر زیمل فرآیندی فردی است. در این خانواده‌ها والدین حضور کیفی و کمی بسیار کم در کنار فرزندان دارند. از این رو، نظارت خانواده به دلیل مشغله زیاد والدین بسیار ضعیف می‌باشد؛ به گونه‌ایکه والدین از فعالیت فرزندان به عنوان مدل در شبکه‌های اجتماعی مجازی بی‌اطلاع هستند. این مسئله در مورد خانواده‌های با سطح نظارت بسیار شدید و سخت نیز صدق می‌کند. در این مورد عدم آشنایی خانواده با فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و تلاش فرزندان در پنهان نمودن فعالیت خود، علت اصلی عدم اطلاع خانواده می‌باشد.

بدین ترتیب، بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، اگر عامل نظارت و کنترل خانواده را بر روی یک طیف فرضی قرار دهیم، قرار گرفتن خانواده در هر یک از دو سر طیف - کنترل بسیار شدید یا کنترل بسیار ضعیف ناشی از گسیختگی خانواده - در کنار همنشینی‌های افتراقی می‌تواند در گرایش فرزندان به مدلینگ موثر باشد. همچنین برخلاف انتظار، برغم درآمدزا بودن مدلینگ تقریباً هیچگونه انگیزه مالی در میان کنشگران از گرایش به این کنش مشاهده نشده است و طبقات اجتماعی نسبتاً مرفه درگیر این مسئله می‌باشند که خود بیانگر تأثیر هر چه پررنگ‌تر عامل نظارت و کنترل خانواده است.

منابع

- استراوس، انسلم و کربین، جولیت. (۱۳۸۵). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای. ابراهیم افشار. چاپ اول، تهران: نشر نی
- حمزه بیگی، طیبه. (۱۳۷۵). "شناسایی و مقایسه ارزش های اخلاقی دانش آموزان دختر و پسر". تهران: مرکز پژوهش های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- خبرگزاری تابناک (۱۳۹۴). کد خبر: ۵۰۴۹۶۶
- ----- (۱۳۹۵). کد خبر: ۵۹۰۷۸۲
- شارون، جوئل. (۱۳۸۰). ده پرسش از دیدگاه جامعه شناسی. منوچهر صبوری. چاپ دوم، تهران: نشر نی
- شیخاوندی، داور. (۱۳۷۳). جامعه شناسی انحرافات. چاپ سوم، تهران: انتشارات مرنديز
- صادقی فسایی، سهیلا و میرحسینی، زهرا. (۱۳۹۳). "تحلیل جامعه شناختی روایت زنان از زندان، پس از آزادی". مجله زن در توسعه و سیاست. دوره ۱۲، شماره ۳، صص ۳۴۲-۳۶۲.
- عیوضی، لطیف و کچوئیان، حسین. (۱۳۹۳). "نظام اخلاقی نخبگان علمی و عوامل جامعه شناختی موثر بر آن". معرفت فرهنگی اجتماعی. سال پنجم، شماره اول، پیاپی ۱۷، صص ۹۷-۱۲۸.
- تودوروف، تزوتان. (۱۳۷۷). منطق گفتگویی میخائیل باختین. داریوش کریمی. تهران: نشر مرکز
- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۹). بررسی آگاهی ها، نگرش ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در تهران. تهران: زهد
- محمودیان، محمد رفیع. (۱۳۸۰). اخلاق و عدالت. تهران: طرح نو
- مصباح، آیت ا. محمد تقی. (۱۳۶۷). دروس فلسفه اخلاق. تهران: انتشارات اطلاعات
- ملکی، خسرو. (۱۳۷۱). "اخلاق و روابط اجتماعی". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- Anscombe, G.E.M. (1985). "Modern Moral Philosophy". Philosophy 33, 1-19.
- Bellenger, Danny N., Robertson, Dan H. and Greenberg, Barnett A. (1977). "Shopping Centre Patronage Motives". Journal of Retailing, 53(2):29-38.
- Bentham, Jermy. (1970). An introduction to the Principles of Morals and Legislation. edited by J.H. Burns and H.L., A.Hart. London: Athlone Press.
- Boyatzis, R. E. (1998). Transforming qualitative information: thematic analysis and code development, Sage.
- Boudon, Raymond. (1981). The Logic of Social Action: an introduction to sociological analysis. Taylor & Francis.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). "Using thematic analysis in psychology". Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.
- Brennen, Bonnie S. (2012). Qualitative research methods for media studies. London: Routledge.
- Rhonda M. Shaw. (2015). Ethics, Moral Life and The Body, Sociological Perspectives. Palgrave Macmillan Press.
- Fiske, John. (1998). Understanding Popular Culture. London & New york, Routledge.

- Grassian, V. (1981). **Moral Reasoning: Ethical Theory and Some Contemporary Moral Problems**. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Griffin, James. (1986). **Well-Being: Its Meaning, Measurement, and Moral Importance**. Oxford: Clarendon Press.
- Hitlin, Steven & Vaisey, Stephen. (2013). **The New Sociology of Morality**. Annual Review of Sociology. 39:51–68
- Holloway, I. & Todres, L. (2003) “**The Status of Method: Flexibility, Consistency and Coherence**”. Qualitative Research, Vol.3, No.3, Pp 345-357.
- Jonas, H. (1984). **The Imperative of Responsibility: In Search of an Ethics for the Technological age**. Chicago: University of Chicago Press.
- Kohlberg L. (1981). **The Philosophy of Moral Development: Moral Stages and the Idea of Justice**. San Francisco: Harper & Row.
- Nagel, Thomas. (1991). **Moral Philosophy**. Cambridge University Press.
- Nettleton, Sarah; Watson, Jonathan. (1998). **The Body in Everyday Life**. London and New York, Routledge.
- Ryan, G. W. & Bernard, H. R. (2000). “**Data Management and Analysis Methods**”. In Denzin, N. K. & Lincoln, Y. S. (Eds.), Handbook of qualitative research (Pp. 769-802.), Thousand Oaks, CA: Sage.
- Sayer, A. (2011). **Why Things Matter to People: Social Science, Values and Ethical Life**. Cambridge, UK: Cambridge Univ. Press
- Sidgwick, Henry. (1907). **The Methods of Ethics**. 7th ed. London: Macmillan.
- Smith C. (2003). **Moral, Believing Animals: Human Personhood and Culture**. New York: Oxford Univ. Press
- Stets JE, Carter MJ. (2012). **A theory of the self for the sociology of morality**. Am. Socio l. Rev. 77(1):120–40
- Summer, L.W. (1986). **Welfare, Happiness and Ethics**. Oxford: Clarendon press.
- Swidler, A. (1986). **Culture in action: symbols and strategies**. Am. Sociol. Rev. 51(2):273–86
- Tavory, I. (2011). **The question of moral action: a formalist position**. Sociol. Theory 29(4):272–93
- Turiel, E. (2002). **The Culture of Morality: Social Development, Context, and Conflict**. New York: Cambridge Univ. Press
- Turner, Bryan.s. (1996). **Body and Society**. London, Sage.
- Wikstrom, P.O.H & K.Treiber. (2007). “**The Role of Self Control in Crime Causation: Beyond Gottfredson and Hirschi s General Theory of Crime**”. European Journal of Criminology, 4:237-264.

عوامل اجتماعی مرتبط با امید جوانان به آینده (مطالعه دانشجویان دانشگاه‌های شهر یزد)

حسین افراسیابی^۱
 فهیمه خوییاری^۲
 شفیقه قدرتی^۳
 سعید دشتی زاد^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۳/۴

تحقیق حاضر با هدف مطالعه امید به آینده و عوامل مرتبط با آن در میان جوانان انجام شد. روش این تحقیق پیمایشی بود و برای گردآوری داده‌های آن از پرسشنامه محقق ساخته امید به آینده استفاده شد. در این تحقیق ۴۵۰ نفر از اعضای جامعه آماری ۴۱۶۰۰ نفری دانشجویان در حال تحصیل دانشگاه‌های شهر یزد (دانشگاه سراسری، دانشگاه آزاد، دانشگاه پیام نور و دانشگاه علمی کاربردی) در سال ۱۳۹۳-۱۳۹۲ با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. یافته‌های تحقیق، میانگین امید به آینده این افراد را در سطح بالاتر از متوسط مقیاس نشان می‌دهد که بر اساس متغیرهای جنسیت، مقطع و رشته تحصیلی، درآمد خانواده و هویت حرفه‌ای تبیین شده است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که محدودیت‌های اجتماعی، نابرابری‌های جنسیتی و سرخوردگی‌های ایجاد شده از سوی جامعه برای دانشجویان مقاطع تحصیلی بالاتر باعث کاهش سطح امید به زندگی شده است. از سوی دیگر، بهره‌مندی از سرمایه‌های اقتصادی و هویت حرفه‌ای، رابطه مثبت و معناداری را با سطح امید به زندگی در این افراد نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: امید جوانان به آینده، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، چشم‌انداز شغلی و هویت حرفه‌ای

E-mail: hafrasiabi@yazd.ac.ir

۱. استادیار، جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

۲. کارشناس ارشد، جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

۳. استادیار، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، خراسان رضوی، ایران

۴. کارشناس ارشد، جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

مقدمه

انسان به امید زنده است. با این حال، با مشاهده افراد می‌توان دریافت باورهای مختلفی در مورد آینده خود دارند. برخی آینده را روشن و همراه با موفقیت می‌دانند و برخی نیز آینده را تاریک و نگران‌کننده تصور می‌کنند. امیدواری به آینده، یکی از متغیرهای بسیار مهم و پرکاربرد در روان‌شناسی مثبت و روان‌شناسی سلامت است. وضعیت امید به آینده، پیامدهای مختلفی برای افراد و جوامع دارد که در بالاترین سطح، آثار خود را در قالب پیشرفت یا رکود و توقف جامعه نشان می‌دهد. امید، نوعی توانایی برای باورمندی به آینده‌ای بهتر است و بر تعاملات و روابط بین افراد تأثیر می‌گذارد. امید، با جلوگیری از انفعال اعضای جامعه، به زندگی آنان جهت می‌بخشد و موجب پویایی فرد و جامعه می‌گردد.

امید به آینده در اواخر سال ۱۹۶۰، در چارچوب علمی در رابطه با احساسات، سازگاری و بقا مطرح شده است (علیزاده اقدم ۱۳۹۱: ۱۹۰). در جامعه ما نیز بتازگی توجه به مسئله امید افزایش یافته است. دین اسلام نیز به اهمیت مسئله امید اشاره دارد؛ چنان که برخی از ارزش‌های نهفته در فرهنگ توحیدی و جهان‌بینی الهی - اسلامی عبارت است از: انگیزه داشتن و امیدوار بودن به رحمت حق و مثبت اندیشیدن (ملک عباسی، ۱۳۸۵: ۳۰). انسان موجودی هدفمند، جوایز نشاط، خوشبختی و سعادت است و تازمانی که به آنچه می‌خواهد دست نیابد، احساس خوشبختی، شادی، نشاط و سعادت نمی‌کند. شاید به جرات بتوان گفت همه تلاش‌های هر انسانی در جهت شادی و خوشبختی در آینده است (هزارجریبی، ۱۳۸۸: ۱۲۲). در واقع، امید عاملی برانگیزاننده است که افراد را قادر می‌سازد مسیری را انتخاب کنند که به نتیجه‌ای مثبت می‌انجامد. بنابراین می‌توان اذعان نمود که افراد امیدوار، هدفمند عمل می‌کنند (نادی، ۱۳۹۰: ۵۷).

اسنایدر و همکاران، امید را مجموعه‌ای شناختی مبتنی بر احساس موفقیت ناشی از منابع گوناگون و مسیرها می‌دانند. (اسنایدر، ۲۰۰۲: ۲۵۹) امید در مفهوم روزانه‌اش، یک انتظار خوب برای آینده است که در دهه‌های اخیر به موضوع جذابی برای محققان علاقه‌مند به دریافت رابطه امید با رفاه تبدیل شده است (وال، ۲۰۰۶: ۳۹۲). شواهد نشان می‌دهد که بین بالا بودن میزان امید افراد به آینده و موفقیت آنها در فعالیت‌های گوناگون، از جمله: پیشرفت علمی، موفقیت‌های ورزشی و سلامت جسمی و روانی بهتر، ارتباط زیادی وجود دارد (اسنایدر، ۲۰۰۲: ۲۵۶). همچنین، امید با سلامت روانی و اجتماعی که با انواع مقیاس‌ها مانند پاسخ مثبت به مداخله پزشکی، سلامت ذهنی، نشاط و شادکامی در امور زندگی و مساله‌گشایی همبستگی مثبت دارد، پیش‌بینی می‌شود (وحیدا و کلانتری، ۱۳۸۴).

با توجه به اهمیت امید به آینده در میان اقشار مختلف جامعه به خصوص جوانان و نقش مؤثر آن در جهت‌دهی و پویایی جامعه، پژوهش حاضر به دنبال ارایه تبیینی جامعه‌شناختی از عوامل مرتبط با امید جوانان به آینده بر پایه اطلاعات به دست آمده از دانشجویان دانشگاه‌های شهر یزد است.

پیشینه پژوهش

امید، از جمله مفاهیمی است که در حوزه‌های مختلف معرفتی، از جمله: ادبیات، اخلاق، فلسفه، روانشناسی و جامعه‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است. با وجود این، مطالعات تجربی و پیمایشی محدودی پیرامون این موضوع یافت می‌شود. در ادامه به برخی از پژوهش‌های مرتبط اشاره شده است.

علیزاده اقدم (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر به امید به آینده پرداخت. نتایج نشان داد که بین سن، عملکرد تحصیلی، سرمایه فرهنگی و دینداری دانشجویان و میزان امید به آینده افراد رابطه معناداری وجود دارد

و امید به آینده در مقاطع تحصیلی مختلف با هم متفاوت است. عبداللهی (۱۳۸۹) در بررسی امید به آینده دانش آموزان، به این نتیجه رسید که پایگاه اقتصادی-اجتماعی، بیشترین ارتباط را با امید به آینده آنان دارد و امید به آینده در میان دانش آموزان رشته های مختلف متفاوت است. بهروزی و محمدی (۱۳۸۷) در نتایج پژوهش خود نشان دادند بین امید به آینده زنان و مردان تفاوت وجود دارد. همچنین امید به آینده رشته های تحصیلی مختلف با یکدیگر متفاوت است. هزارجریبی (۱۳۸۸) در تحقیقی به این نتیجه دست یافت که هرچه میزان امید به آینده بیشتر باشد، احساس اعتماد و در نهایت، رضایت از زندگی بیشتر می شود و در مقابل، افرادی که امید به آینده و جامعه ندارند، رضایت کمتری از زندگی دارند. در عین حال، امید به آینده فردی بر امید به آینده اجتماعی تاثیرگذار است و از آن نیز تاثیر می پذیرد. پورغزین (۱۳۷۹) در پژوهشی پیرامون منابع امیدبخش بیماران مبتلا به سرطان دریافت که رفاه مادی، حمایت اجتماعی و خانواده از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر امید به آینده این بیماران است. عسگری (۱۳۸۹) در نتایج پژوهش خود نشان داد بین حمایت اجتماعی، اضطراب اجتماعی، امیدواری و بهزیستی رابطه معناداری وجود دارد و حمایت اجتماعی و امیدواری مهمترین تبیین کننده های احساس بهزیستی در میان افراد مورد مطالعه است. علی پور (۱۳۹۰) در تحقیقی در مورد رضایت شغلی معلمان، نشان داد بین شادکامی و امیدواری معلمان و رضایت شغلی آنان رابطه معناداری وجود دارد؛ به گونه ای که افراد بهره مند از شادکامی و امیدواری بالاتر، از رضایت شغلی بیشتری نیز برخوردارند. گیتی قریشی (۱۳۸۸) در پژوهش خویش به بررسی تفاوت سطح امیدواری دانشجویان سال اول و آخر رشته روانشناسی پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد که تفاوت معناداری بین این دو گروه از نظر میزان امیدواری آنان به آینده وجود ندارد. روستون (۲۰۱۰) به این نتیجه رسید که امید بین استرس روانی و کیفیت زندگی، نقش میانجی دارد و افرادی که امید به آینده بالاتری دارند، از کیفیت زندگی بالاتری هم برخوردار بوده اند. برونک (۲۰۰۹) در مطالعه ای رابطه بین هدف، امیدواری و رضایت از زندگی را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد مشخص کردن هدف در زندگی، رضایت از زندگی و امیدواری را افزایش می دهد. شروین (۲۰۰۶) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسید که با افزایش امید به آینده، عزت نفس و شادکامی افزایش می یابد و اضطراب و افسردگی تا حد زیادی کاهش پیدا می کند. رودریگز (۲۰۰۶) طی تحقیقی نشان داد سبک تبیین و رضایت از زندگی، شادی و امید با هم رابطه دارند؛ کسانی که سبک تبیین مثبت دارند در مجموع شادی و امید و رضایت بیشتری از زندگی دارند. در نتیجه، بین امید و رضایت از زندگی رابطه مثبت وجود دارد. گومز و فیشر (۲۰۰۳) در نتایج تحقیق خود نشان دادند بین هویت یکپارچه، رضایت، شادی نگرش های مثبت و امید و هدفدار شدن زندگی ارتباط وجود دارد. پین کورات (۲۰۰۱) به این نتیجه دست یافت که تفکرات منفی با افزایش سن زیادتر می شود. در واقع، تفکرات مثبت جای خود را به تفکرات منفی می دهد و امید به آینده کاهش می یابد.

مبانی نظری

از نظر اسنایدر، امید یک هیجان انفعالی نیست که تنها در لحظات تاریک زندگی پدیدار شود، بلکه فرآیندی شناختی است که افراد به وسیله آن، فعالانه اهداف خویش را فراهم می کنند. وی معتقد است می توان امیدواری

1. Rustoen
2. Bronk
3. Sherwin
4. Rodriguze
5. Gomez, R. & Fisher
6. Pinquart

را به دو مفهوم مهم "تعیین جهت‌گیری هدفمند موفق" و "برنامه‌ریزی موفقیت‌آمیز" که دسترسی به اهداف را امکان‌پذیر می‌کند، تقسیم کرد (بهروزی و محمدی: ۱۳۸۷). از طرفی اسنایدر، امید را که بسیار نزدیک به خوش‌بینی است، به عنوان سازه‌ای شامل دو مولفه مفهوم‌سازی کرده است:

۱- توانایی طراحی گذرگاه‌هایی به سوی اهداف مطلوب به رغم موانع موجود؛

۲- کارگزار انگیزش برای استفاده از این گذرگاه‌ها.

طبق این تعریف، امید هنگامی نیرومند است که اهداف ارزشمندی را دربرگیرد و با وجود موانع چالش‌برانگیز اما برطرف‌شدنی، دستیابی به آنها در میان مدت ممکن باشد. جایی که ما برای رسیدن به هدف اطمینان داریم، امید غیر ضروری است. جایی که مطمئن هستیم به هدف نخواهیم رسید، در این صورت ناامید می‌شویم. طبق این مفهوم‌بندی، هیجان‌های مثبت و منفی، محصول جنبی تفکر هدفمند امید و ناامیدی هستند (قاسمی، ۱۳۸۸: ۲۶). ریمان (۱۹۷۷) تعیین هدف، نیروی راهیابی و نیروی اراده را سه جزء اصلی امید تعریف می‌کند. امیدواری بر کیفیت روابط با دیگران تاثیر می‌گذارد؛ به طوری که افراد ناامید به ندرت می‌توانند ارتباط رضایت‌بخشی برقرار نمایند. پس همواره احساس تنهایی می‌کنند، در انتظار شکست به سر می‌برند و وقایع کوچک را خیلی بد تعبیر می‌کنند (علی پور، ۱۳۹۰: ۷۳). مندلر (۱۹۷۲) معتقد است که فرد در ابتدا دچار ناامیدی و متعاقب آن دچار افسردگی می‌شود. این وضعیت با این ادراک شروع می‌شود که مدام اتفاقات منفی رخ می‌دهند یا اینکه اتفاقات مثبت رخ نمی‌دهند. حوادث منفی به عنوان موقعیت‌های شروع‌کننده‌ای عمل می‌کنند که افراد را دچار احساس ناامیدی می‌نمایند. فرد بر اثر ناامیدی به شدت غیرفعال می‌شود و نمی‌تواند موقعیت‌های مختلف خود را بسنجد و تصمیم بگیرد. ناامیدی شخص را به سرعت درهم می‌شکند و او را در برابر عوامل فشارزا، بی‌دفاع و گرفتار می‌کند. با گذشت زمان، شخص تمام امید خود را از دست می‌دهد و به جای آن افسردگی عمیق را جایگزین می‌کند. به مرور زمان، این افسردگی بر ارتباط فرد با محیط اجتماعی‌اش تاثیر می‌گذارد. بنابراین امید یا ناامیدی هرچند در زمره مشکلات فردی به نظر می‌آیند، ولی دارای دلایل و پیامدهای اجتماعی نیز هستند. میزان امید یا ناامیدی افراد می‌تواند بر تعاملات بین آنها تاثیر بگذارد- که این تعاملات در قالب سرمایه اجتماعی افراد مشخص می‌شود (به نقل از علیزاده اقدم، ۱۳۹۰: ۱۹۳)- و هم می‌تواند از چنین عواملی تاثیر بپذیرد. جیمز کلمن سرمایه اجتماعی را منابع و انرژی‌های نهفته در جامعه می‌داند که سبب فعال‌شدن ارتباطات در میان مردم می‌شود. وی این منابع را اعتماد، همدلی، تفاهم و ارزش‌های مشترکی می‌داند که شبکه انسانی اجتماعی را به هم متصل می‌کند و امکان کارهای دسته‌جمعی را فراهم می‌آورد. از نظر کلمن سرمایه اجتماعی منبعی است که می‌تواند سطح روابط فردی را به سطح روابط اجتماعی ارتقا دهد و دو عنصر اساسی دارد: یکی ساخت اجتماعی و دیگری کنش‌های کنشگران. او از اعتماد، اختیار، تعهدات، انتظارات و هنجارها به عنوان عناصر سرمایه اجتماعی یاد می‌کند و بر نقش گروه‌های نخستین مانند، خانواده، دوستان، همسایگان و محله در تولید سرمایه اجتماعی تاکید دارد (وحید، ۱۳۸۲: ۶۲).

برخورداری از سرمایه فرهنگی مناسب مانند مهارت‌ها و مدارک، زمینه‌ای برای تقویت امید هستند. عامل دیگری که در این میان موثر است، هویت به‌ویژه هویت حرفه‌ای و مرتبط با نقش اجتماعی فرد است. اغلب افراد دارای هویت قوی‌تر و با درجه دلبستگی بیشتر به نقش اجتماعی و حرفه‌ای خود از امیدواری بالاتری برخوردارند. پیتز بورک^۲ بر این باور است که افراد در تمام موقعیت‌ها حامل دیدگاهی کلی یا همان خود آرمانی در مورد خودشان هستند. بورک قصد بررسی برجستگی هویت فرد را ندارد، بلکه درصدد آن است تا پویایی درونی خود را هنگامی که افراد در پی اثبات هویت مرتبط با نقش خویش هستند بررسی

1. Colman

2. Burke

کند. در مجموع، بورک معتقد است وقتی هویت نقشی افراد متحقق نمی‌شود، افراد دچار کاهش اعتماد به نفس، اضطراب، پریشانی، از بین رفتن خوش‌بینی و احساس‌های منفی دیگر می‌شوند و در نقطه مقابل، اگر هویت نقشی افراد به طور مداوم در کنش متقابل با دیگران متحقق شود، افراد تعهداتشان را نسبت به دیگران گسترش خواهند داد، پیوندهای عاطفی عمیقی را با دیگران برقرار خواهند کرد و در نهایت نگرش مثبت‌تری به آینده خواهند داشت (بورک، ۲۰۰۶: ۸۷). استرایکر نیز معتقد است عدم تثبیت هویت موجب می‌شود فرد احساس ناامیدی، خجالت‌زدگی، گناه، عصبانیت و سایر احساس‌های منفی را تجربه کند که این امر موجب می‌شود فرد به هویت خاص خود در آینده تعهدی نداشته باشد یا از میزان تعهد خود بکاهد و در پی هویت جدیدی برآید (استس، ۲۰۰۷: ۱۱۵). از نظر گلاسِر نیز افرادی که در طول زندگی خود هویتی موفق دارند، احساس نشاط، امیدواری، سرزندگی و اعتماد به نفس دارند و در رابطه با سایر افراد از تعاملی سازنده و پویا برخوردارند (اسکندری فرد، ۱۳۹۰: ۴۵).

رایبسون^۱ معتقد است امید در تمام زندگی عنصری ضروری است. امید با نیروی نافذ خود سامانه فعالیتی را تحریک می‌کند تا بتواند تجربه‌های نو کسب نماید و نیروهای تازه‌ای را در انسان ایجاد کند. به طور کلی زمانی که شخص در دشواری‌ها و بحران‌های زندگی قرار می‌گیرد، احساس امیدواری در فرد امیدوار زنده می‌شود و این امید است که پس از بحران‌ها آرامش را به فرد باز می‌گرداند (رایبسون، ۱۹۸۳).

یکی از زمینه‌های اصلی و مهم در بوجود آمدن احساس نشاط و شادی، وجود امید نسبت به خود، زندگی و آینده است. احساس اضطراب و نگرانی با عدم امید به آینده رابطه مستقیم دارد. امید به آینده دست یافتن به هدف یا انتظار دستیابی به هدف است؛ به گونه‌ای که "شو" تئوری امید را تئوری انگیزش نامیده است (کمپل، ۱۹۸۱). یو، فرلنگ^۲ معتقدند امیدواری پیوندی است میان رفتارهای مرتبط با هدف و باورهای فرد برای رسیدن به این اهداف. میزان امیدواری بالا با بهزیستی بیشتر همراه است. امیدواری از طریق تجارب موفقیت‌آمیز زندگی افزایش می‌یابد و به واسطه‌ی تجارب شکست تقلیل می‌یابد (یو، فرلنگ، ۲۰۰۸).

با توجه به تعاریف و دیدگاه‌های موجود در مورد امید، می‌توان گفت میزان امیدواری فرد تحت تأثیر عوامل مختلف فردی، تعاملی و اجتماعی قرار دارد. به عبارت دیگر، امید به آینده به عنوان یک جهت‌گیری ذهنی، با شرایط و زمینه اجتماعی کنشگران در ارتباط است. عواملی همچون رشته و وضعیت تحصیلی و ویژگی‌های فردی همچون جنسیت در این زمینه مهم به نظر می‌رسند. از سوی دیگر، منابع در اختیار کنشگران همچون سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی در امید یا ناامیدی نقش برجسته‌ای دارد؛ چنان‌که نظریه‌پردازان مختلف سرمایه اجتماعی (پاتنام، ۲۰۰۲؛ کلمن، ۱۹۹۸) معتقدند افراد دارای شبکه اجتماعی قوی که به نوعی با اجتماع خود پیوند خورده‌اند و می‌توانند در موقعیت‌های مختلف از حمایت اجتماع و روابط خود بهره‌مند شوند، از امیدواری بیشتری برخوردارند. به عنوان مثال، از نظر اوسلانر اعتماد به افراد دیگر به عنوان بعدی مهم از سرمایه اجتماعی، با نگرش‌های خوش‌بینانه ارتباط دارد. افرادی که معتقدند آینده روشن است و آنها نیز می‌توانند به این روشنایی کمک کنند، بیشتر به دیگران اعتماد می‌کنند (اوسلانر و بادسکو، ۲۰۰۲: ۷). به نظر او اعتماد بر دو ویژگی بنیادین شخصیتی استوار است: یکی، خوش‌بینی و دیگری، توانایی کنترل جهان یا حداقل توانایی کنترل زندگی خود. به نظر او خوش‌بینی با اعتماد تعمیم‌یافته ارتباط دارد. همچنین او استدلال می‌کند که سنجه‌های ذهنی آسایش و رفاه، بیشتر از سنجه‌های عینی همچون شرایط اقتصادی، با اعتماد رابطه دارد. گیدنز اعتماد را یکی از مهمترین ضرورت‌های عصر شهرنشینی و مدرنیته به شمار می‌آورد. به نظر وی افراد در بسیاری از محیط‌های شهری، دائماً با کسانی تعامل دارند که آنها را خوب نمی‌شناسند یا قبلاً هرگز ندیده‌اند

1. Robinson

2. You, Furlong

و این تعامل به صورت تماس‌های نسبتاً موقت و گذرا انجام می‌شود. از نگاه گیدنز، نقطه مقابل اعتماد حالتی ذهنی است که همان ناامیدی، نگرانی و هراس وجودی است. او اعتماد را در شرایط مدرنیته، با مخاطره مرتبط می‌داند و معتقد است که هر دو به زمان و مکان مربوطند و آینده را سامان می‌بخشند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۷۴).

فرضیه‌های پژوهش

۱. بین میزان امید جوانان به آینده از لحاظ متغیرهای زمینه‌ای (زنان و مردان، گروه‌های سنی، مقاطع تحصیلی، رشته‌های تحصیلی، ترم‌های تحصیلی، تحصیلات والدین و درآمد والدین) تفاوت معناداری وجود دارد.
۲. بین سرمایه اجتماعی و میزان امید جوانان به آینده، رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین سرمایه فرهنگی و میزان امید جوانان به آینده، رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین چشم‌انداز شغلی و میزان امید جوانان به آینده، رابطه معناداری وجود دارد.
۵. بین هویت حرفه‌ای و میزان امید جوانان به آینده، رابطه معناداری وجود دارد.

۸۰

روش شناسی پژوهش

با توجه به طرح تحقیق، از رویکرد کمی و راهبرد پیمایش برای انجام این پژوهش استفاده شده است. گردآوری داده‌ها به کمک پرسشنامه به عنوان رایج‌ترین تکنیک تحقیقات پیمایشی انجام شد. روایی محتوایی پرسشنامه به روش صوری و سازه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفت. در روایی صوری مقیاس‌ها و گویه‌ها توسط استادان جامعه‌شناسی و روان‌شناسی ارزیابی شد. از تکنیک تحلیل عامل نیز برای اطمینان از روایی سازه‌ای استفاده شد. برای دستیابی به پایایی، ضریب آلفای کرونباخ، همسازی درونی گویه‌ها و مقیاس‌های پرسشنامه بررسی شد که این ضریب برای تمام مقیاس‌ها بالای ۰/۷ به دست آمد.

جامعه آماری تحقیق شامل دانشجویان در حال تحصیل دانشگاه‌های یزد در سال ۱۳۹۳-۱۳۹۲ (دانشگاه سراسری، دانشگاه آزاد، دانشگاه پیام نور و دانشگاه علمی کاربردی) برابر ۴۱۶۰۰ نفر است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و حداکثر واریانس ۰/۲۵ تعداد ۴۵۰ نفر در نظر گرفته شد. روش نمونه‌گیری این تحقیق طبقه‌ای است. ابتدا با توجه به نسبت دانشجویان هر دانشگاه تعداد نمونه مورد بررسی هر دانشگاه مشخص شد. سپس دانشجویان به پنج گروه تحصیلی شامل فنی - مهندسی، علوم انسانی، علوم پایه، منابع طبیعی و هنر تقسیم شدند و نمونه از میان آنان انتخاب شد.

تعریف مفاهیم و متغیرها

امید به آینده

امید، یک انتظار خوب برای آینده است. همچنین تمایلی که با انتظار وقوع مثبت همراه است یا به عبارت دیگر، ارزیابی مثبت از آنچه فرد متمایل است و می‌خواهد که به وقوع بپیوندد (هزارجریبی، ۱۳۸۸: ۱۲۲). برای سنجش متغیر امید به آینده، بخشی از مقیاس گرایش به امیدواری بزرگسالان اسنایدر استفاده شد.

سرمایه اجتماعی

شبکه‌ای از روابط فردی و گروهی که هر فردی در اختیار دارد و آن شامل همه منابع واقعی و بالقوه‌ای است که در اثر عضویت در شبکه کنشگران با سازمان‌ها به دست می‌آید. این سرمایه شامل تکالیف و الزامات اجتماعی و روابط اجتماعی یا پیوندهاست (قادرزاده، ۱۳۹۰: ۴۴). برای سنجش سرمایه اجتماعی از پرسشنامه استاندارد پیرامون سه بعد سرمایه اجتماعی شامل اعتماد، مشارکت و هنجار اجتماعی استفاده است.

سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی، مجموعه‌ای از داشته‌های نمادین است که از یک سو به معلومات کسب شده بر می‌گردد و از سوی دیگر، به صورت موفقیت‌های مادی، سرمایه به حالت عینیت یافته، میراث فرهنگی به شکل اموال جلوه می‌کند و سرانجام سرمایه فرهنگی می‌تواند به حالت نهادینه در جامعه به صورت عناوین، مدارک تحصیلی، و.... که به استعداد های فرد عینیت می‌بخشد جلوه‌گر شود (شویره و فونتن، ۱۳۸۵: ۹۶). سرمایه فرهنگی در قالب پرسشنامه‌ای اندازه‌گیری شد. این پرسشنامه شامل سه بخش است و هر بخش یکی از ابعاد سرمایه فرهنگی (تجسم یافته، عینیت یافته، و نهادینه شده) را سنجیدند.

چشم انداز شغلی

چشم‌انداز به معنای مقصد و آرمان است و هدف آن محتمل ساختن آینده‌های مطلوب است (مومن ۱۳۹۱: ۲). چشم‌انداز شغلی مربوط به نگاه و دید مثبتی که فرد نسبت به آینده شغلی خود در جامعه دارد، است. برای سنجش متغیر چشم‌انداز شغلی از پرسشنامه محقق ساخته در قالب طیف لیکرت پنج گزینه ای استفاده شد.

هویت حرفه ای

هویت است که در نتیجه بر عهده گرفتن نقش های اجتماعی در یک گروه رسمی شکل می‌گیرد. در دنیای معاصر که با تقسیم کار و تخصصی شدن بازشناخته می‌شود، در اینجا به معنای میزان تعلق خاطر و بازشناسی خویشتن به نقش دانشجویی تعریف شده است. متغیر هویت حرفه‌ای با استفاده از پرسشنامه در طیف لیکرت پنج گزینه‌ای مورد سنجش قرار گرفت.

یافته های پژوهش

نمونه این پژوهش شامل ۴۵۰ دانشجو در شهر یزد است که ۳۸/۴ درصد آنها در دانشگاه سراسری، ۲۴/۹ درصد دانشگاه آزاد، ۱۸/۹ درصد پیام نور و ۱۷/۸ درصد در دانشگاه علمی کاربردی در حال تحصیل هستند. از بین این نمونه ۲۳۰ نفر زن و ۲۲۰ نفر مرد، سن آنها بین ۱۸ تا ۳۷ سال و میانگین سنی آنها ۲۲/۵ سال است. ۳۲/۲ درصد پاسخگویان در رشته های فنی مهندسی، ۲۴/۲ درصد در علوم انسانی، ۲۵/۳ درصد در علوم پایه، ۹/۳ درصد در منابع طبیعی و ۸/۹ درصد در رشته هنر تحصیل می‌کنند. از نظر مقطع تحصیلی، کاردانی ۴۳ نفر (۹/۶ درصد)، ۲۹۵ نفر (۶۵/۶ درصد) دانشجویان در مقطع کارشناسی، ۸۳ نفر (۱۸/۴ درصد) در مقطع کارشناسی ارشد و ۲۹ نفر (۶/۴ درصد) در مقطع دکترا هستند. در مورد میزان امید به آینده دانشجویان که در جدول شماره ۱ آمده است، اکثریت دانشجویان شامل ۲۳۱ نفر (۴۸/۷ درصد) میزان امید به آینده بالایی را گزارش کرده‌اند. همچنین ۱۳۸ نفر (۷/۳۰ درصد) پاسخگویان امید به آینده متوسطی و تنها ۸۱ نفر از پاسخگویان معادل ۱۸ درصد امید به آینده پایینی را گزارش کرده‌اند. همچنین میانگین امید به آینده پاسخگویان ۱۷/۵ است.

جدول ۱: توزیع فراوانی دانشجویان بر حسب امید به آینده

متغیر	میزان	درصد	میانگین
امید به آینده	کم	۱۸	۱۷/۵
	متوسط	۳۰/۷	
	زیاد	۴۸/۷	

آزمون فرضیه ها

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول همانطور که در جدول ۲ آمده است، نشان داد میان امید به آینده زنان و مردان تفاوت وجود دارد و با توجه به سطح معناداری، این فرضیه مورد تایید قرار گرفت. مردان نسبت به زنان از امید به آینده بالاتری برخوردارند.

جدول ۳ نتایج بررسی تفاوت میانگین امید به آینده را به تفکیک مقاطع تحصیلی نشان می دهد. میانگین نمرات نشان می دهد که بیشترین امید به آینده مربوط به دانشجویان دوره دکترا (۱۸/۶۹) و کمترین آن مربوط به دانشجویان دوره کارشناسی ارشد (۱۴/۶۲) می باشد. همچنین با توجه به سطح معناداری، فرض تفاوت بین میانگین امید به آینده مقاطع مختلف تایید می شود.

مقایسه میانگین نمرات دانشجویان رشته های مختلف مورد بررسی نشان می دهد (جدول ۴) که بیشترین میزان امید به آینده مربوط به دانشجویان رشته علوم پایه (۱۹/۲۲) و کمترین آن مربوط به دانشجویان منابع طبیعی (۱۳/۱۷) می باشد. همچنین سطح معناداری این آزمون کمتر از ۰/۰۵ می باشد در نتیجه فرض تفاوت بین میانگین امید به آینده رشته های مختلف تایید می شود.

جدول ۲: امید به آینده بر حسب جنسیت

جنسیت	میانگین	T	سطح معناداری
زن	۱۷/۰۵	-۱/۹۰۳	۰/۰۳۱
مرد	۱۸/۰۶		

جدول ۳: آزمون تفاوت امید به آینده بر حسب مقطع تحصیلی

مقطع تحصیلی	فراوانی	میانگین	F	سطح معناداری
کاردانی	۴۳	۱۷/۴۲	۹/۷۸۸	۰/۰۰۰
کارشناسی	۲۹۵	۱۸/۲۷		
کارشناسی ارشد	۸۳	۱۴/۶۲		
دکترا	۲۹	۱۸/۶۹		
کل	۴۵۰	۱۷/۵۴		

جدول ۴: آزمون تفاوت میزان امید به آینده بر حسب رشته تحصیلی

رشته تحصیلی	فراوانی	میانگین	F	سطح معناداری
فنی مهندسی	۱۴۵	۱۸/۶۲	۱۴/۵۵۰	۰/۰۰۰
علوم انسانی	۱۰۹	۱۷/۱۶		
علوم پایه	۱۱۴	۱۹/۲۲		
منابع طبیعی	۴۲	۱۳/۱۷		
هنر	۴۰	۱۴/۵۳		
کل	۴۵۰	۱۷/۵۴		

بر اساس آمار جدول ۳ بین ترم تحصیلی دانشجویان و امید به آینده آنان رابطه وجود دارد. در نتیجه، با بالا رفتن ترم تحصیلی امید به آینده دانشجویان نیز افزایش می یابد و فرضیه مورد تایید قرار می گیرد. بر این اساس می توان گفت با افزایش زمان سپری شده در دانشگاه، بر امید به آینده دانشجویان افزوده می شود. نتایج حاصل از همبستگی بین دو متغیر نشان داد، بین تحصیلات پدر و امید به آینده رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به گونه ای که افرادی که تحصیلات پدرانیشان بالاتر است، نسبت به آینده خوشبین تر بوده و از امید به آینده بیشتری برخوردارند.

نتایج حاصل از همبستگی پیرسون بین دو متغیر هویت حرفه ای و امید به آینده نشان می دهد رابطه مثبت و معناداری بین این دو متغیر وجود دارد؛ به گونه ای که افرادی که هویت حرفه ای قوی تری دارند، از امید به آینده بالاتری نیز برخوردارند.

فرضیه دیگر این پژوهش در مورد رابطه سرمایه اجتماعی و امید به آینده است. نتایج همبستگی بین این دو متغیر نشان می دهد رابطه مثبت و معناداری بین این دو متغیر وجود دارد. به عبارت دیگر، دانشجویانی که سرمایه اجتماعی بالاتری دارند، امید به آینده بالاتری نیز گزارش کرده اند.

بین سرمایه فرهنگی و امید به آینده رابطه وجود دارد. طبق نتایج بدست آمده (جدول ۶) بین سرمایه فرهنگی و امید به آینده دانشجویان رابطه معناداری دیده می شود. بر اساس ضریب پیرسون این رابطه مثبت می باشد و افرادی که از سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردارند، امید به آینده بالاتری نیز دارند. در نتیجه این فرضیه نیز تایید می شود.

نتایج حاصل از همبستگی بین چشم انداز شغلی و امید به آینده نشان داد بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد. در نتیجه، دانشجویانی که از چشم انداز شغلی مثبت تری برخوردارند، امید بیشتری به آینده گزارش کرده اند. در نتیجه این فرضیه مورد تایید قرار می گیرد.

جدول ۵: ماتریس همبستگی بین متغیرهای فاصله ای

متغیرها	امید به آینده	تحصیلات پدر	ترم تحصیلی	هویت حرفه ای	سرمایه اجتماعی	سرمایه فرهنگی
تحصیلات پدر	۰/۱۲۳**					
ترم تحصیلی	۰/۲۷۲**	۰/۱۱۲*				
هویت حرفه ای	۰/۱۹۷**	۰/۰۰۴	۰/۰۳۳			
سرمایه اجتماعی	۰/۱۰۸*	۰/۰۳۵	۰/۰۸۷	۰/۳۸۱**		
سرمایه فرهنگی	۰/۰۹۷*	۰/۲۱۸**	۰/۱۷۱**	۰/۲۰۰**	۰/۲۵۴**	
چشم انداز شغلی	۰/۱۸۷**	۰/۰۵۷	۰/۰۲۶	۰/۴۳۱**	۰/۳۱۰**	۰/۱۸۲**

** رابطه در سطح ۹۹ درصد معنادار است. * رابطه در سطح ۹۵ درصد معنادار است.

به منظور بررسی همزمان رابطه مجموعه عوامل مرتبط با امید به آینده، از رگرسیون چندمتغیره به روش گام به گام استفاده شد. براساس نتایج این آزمون، متغیرهای ترم تحصیلی، هویت حرفه ای، درآمد خانواده، سن و جنسیت وارد مدل رگرسیون شد. مجموع این پنج متغیر، میزان ناچیزی (۱۴ درصد) از تغییرات امید به آینده

را تبیین کردند.

جدول ۷: خلاصه مدل رگرسیون امید به آینده

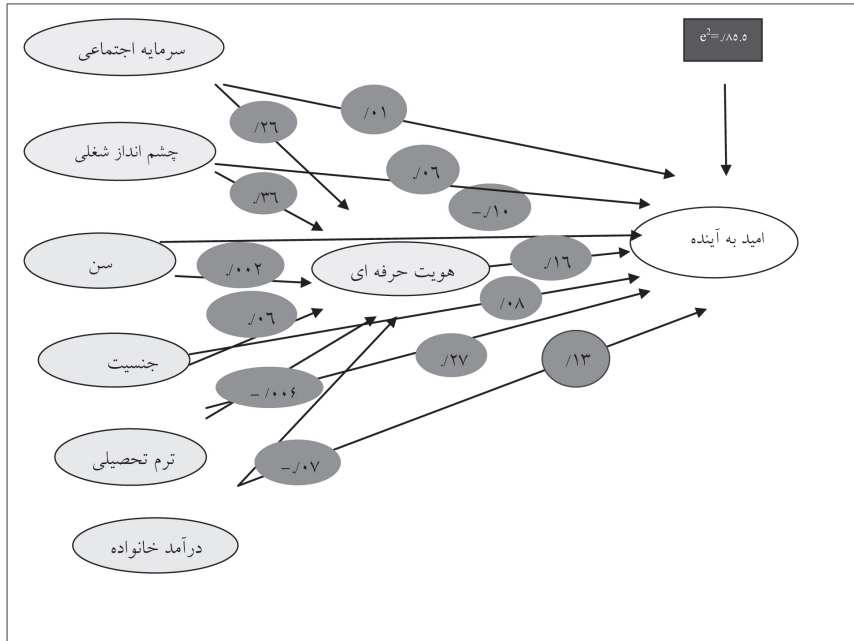
S.E	R ^۲	R
۵/۲۵	۰/۱۴۵	۰/۳۹۳

نام متغیر	Beta	T	Sig
مقدار ثابت	-	۳/۷۴۶	۰/۰۰۰
ترم تحصیلی	۰/۲۷۳	۶/۲۲۳	۰/۰۰۰
هویت حرفه ای	۰/۱۹۲	۴/۳۹۴	۰/۰۰۰
درآمد خانواده	۰/۱۴۲	۳/۲۴۱	۰/۰۰۱
سن	-۰/۱۱۶	-۲/۶۰۳	۰/۰۱۰
جنسیت	۰/۰۹۳	۲/۰۹۷	۰/۰۳۷

روابط بین متغیرهای تحقیق در قالب مدل تحلیل مسیر نیز مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۸). متغیر ترم تحصیلی با ۰/۲۶ درصد اثرگذاری کل، دارای بیشترین تأثیر مثبت بر متغیر امید به آینده می باشد. متغیر هویت حرفه ای با ۰/۱۶ درصد اثرگذاری کل، رتبه دوم را دارد. همچنین متغیر درآمد خانواده با ۰/۱۲ درصد اثرگذاری کل رتبه سوم را دارد. پس از آن متغیر چشم انداز شغلی با ۰/۱۱ درصد اثرگذاری کل رتبه چهارم را دارد. متغیر سن با ۰/۰۹- اثرگذاری و بعد از آن جنسیت با ۰/۰۸ درصد اثرگذاری دارای رتبه پنجم و ششم و متغیر سرمایه اجتماعی ۰/۰۵ کمترین تأثیر را بر امید به آینده داشته است.

جدول ۸: اثر متغیرها بر امید به آینده

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	کل
هویت حرفه ای	۰/۱۶	--	۰/۱۶
ترم تحصیلی	۰/۲۷	-۰/۰۰۰۶	۰/۲۶
جنسیت	۰/۰۸	۰/۰۰۹	۰/۰۸
سن	-۰/۱۰	۰/۰۰۰۳	-۰/۰۹
درآمد خانواده	۰/۱۳	-۰/۰۱	۰/۱۲
سرمایه اجتماعی	۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۰۵
چشم انداز شغلی	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۱۱



نمودار ۱: تحلیل مسیر متغیرهای تحقیق

بحث و نتیجه گیری

با وجود اینکه امید به آینده بیشتر به عنوان یک متغیر روان‌شناختی در نظر گرفته می‌شود، اما تا حدود زیادی اجتماعی است؛ به این معنا که تأثیر زیادی در روابط و زندگی اجتماعی افراد دارد و از طرفی تحت تأثیر عوامل اجتماعی مختلف است. این پژوهش با هدف بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با امید به آینده انجام شد. اهمیت امید به آینده در مورد جوانان به خصوص دانشجویان به عنوان آینده‌سازان جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نتایج نشان داد میزان امید به آینده در میان دانشجویان در سطح متوسط رو به بالایی قرار دارد که همسو با نتایج تحقیق علیزاده اقدام (۱۳۹۰) است.

نتایج نشان داد مردان نسبت به زنان میزان امید به آینده بالاتری دارند که همسو با نتایج پژوهش بهروزی و محمدی (۱۳۸۷) است. شاید بتوان گفت محدودیت‌های اجتماعی و نابرابری جنسیتی، خوش‌بینی یا امید زنان به آینده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب کاهش آن می‌شود. مقایسه امید به آینده بین دانشگاه‌های مختلف نیز نشان داد، بین امید به آینده دانشجویان دانشگاه‌های مختلف تفاوت وجود دارد و دانشجویان دانشگاه آزاد بالاترین میزان امید به آینده را دارند. به نظر می‌رسد بهرماندی بیشتر از سرمایه‌های اقتصادی موجب شده این افراد احتمال موفقیت و رسیدن به اهداف خود را محتمل‌تر بدانند و به آینده امید بیشتری داشته باشند. از نظر مقاطع تحصیلی، دانشجویان دوره دکتری بیشترین و دانشجویان دوره کارشناسی ارشد کمترین میزان امید به آینده را داشتند که همسو با تحقیق علیزاده اقدام (۱۳۹۰) است. بین ترم تحصیلی دانشجویان و امید به آینده

رابطه معناداری وجود دارد. در نتیجه با بالا رفتن ترم تحصیلی، امید به آینده دانشجویان نیز افزایش می‌یابد. بر این اساس می‌توان گفت با افزایش زمان سپری‌شده در دانشگاه، بر امید به آینده دانشجویان افزوده می‌شود. یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش نشان داد بین رشته‌های مختلف تحصیلی و امید به آینده دانشجویان تفاوت وجود دارد که همسو با نتایج پژوهش عبداللّهی (۱۳۸۹) و بهروزی و محمدی (۱۳۸۷) است.

پاسخگویانی که پدران‌شان از تحصیلات بالاتری برخوردارند، امید به آینده بالاتری داشته‌اند. امید یعنی داشتن برنامه برای زندگی که معمولاً افراد تحصیل‌کرده هدفمند عمل می‌کنند و برای آینده خویش برنامه‌ریزی دارند. این عامل نگرش فرزندان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و امید آنها را به آینده فزونی می‌بخشد.

نتایج حاصل از بررسی رابطه بین دو متغیر هویت حرفه‌ای و امید به آینده نشان داد، افرادی که هویت حرفه‌ای بالاتری دارند از امید به آینده قوی‌تری نیز برخوردارند - همسو با نتایج پژوهش گومز و فیشر (۲۰۰۳) استرایکر، بورک و گلاسز در این مورد که وجود هویت با ثبات با امید به آینده بالا ارتباط معناداری دارد.

همچنین سرمایه‌های زندگی انسان به آنها امید می‌دهد و موجب هدفدار شدن زندگی می‌شود در نتیجه در این پژوهش به بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و اجتماعی و امید به آینده پرداخته شد. نتایج نشان داد که رابطه معنادار و مثبتی بین این متغیرها وجود دارد که همسو با نتایج تحقیق علیزاده اقدام (۱۳۹۰) و از طرفی همسو با نظریه ریمان (۱۹۷۷) و مندلر (۱۹۷۲) در رابطه با شبکه روابط و سرمایه اجتماعی با امید به آینده افراد است، زیرا ارتباط با افراد و محیط اجتماعی موجب کاهش افسردگی و افزایش امید به آینده می‌شود.

براساس یافته‌های استنباطی، دانشجویانی که چشم انداز شغلی مثبت‌تری داشته‌اند از میزان امید به آینده بالاتری نیز برخوردارند و نسبت به آینده خوش‌بین‌تر هستند. نتایج حاصل از بررسی رگرسیون نیز نشان داد متغیرهای ترم تحصیلی، هویت حرفه‌ای، درآمد خانواده، سن و جنسیت مهمترین متغیرهای تبیین‌کننده امید به آینده هستند. افزایش برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در رابطه با افزایش سرمایه‌های زندگی افراد از جمله سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌تواند موجب افزایش امید به آینده در بین افراد شود. همچنین دانشگاه‌ها می‌توانند با شناخت توانمندی‌های دانشجویان و کمک به آنها در جهت شکوفا کردن این استعدادها میزان امید به آینده آنان را افزایش دهند و زمینه موفقیت آنان را در زندگی تحصیل و اشتغال فراهم آورند.

منابع

- اسکندری فرد، حسین. (۱۳۹۱). "بررسی رابطه بین میزان فعالیت‌های پرورشی مدارس و ابعاد هویتی دانش‌آموزان". فصلنامه روان‌شناسی تربیتی. شماره بیست و پنجم، سال هشتم: ۱۳۶-۱۱۴.
- بهروزی، نوروژ و محمدی، نوراله. (۱۳۸۷). "بررسی رابطه معنای زندگی و امیدواری در دانشجویان دانشگاه شیراز". مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی.
- شویره، کریستی ین و فونتین، اولیویه. (۱۳۸۵). واژگان بوردیو. مرتضی کتبی. تهران: نشر نی
- عبدالحی، مهرناز. (۱۳۸۹). "تبیین جامعه‌شناختی امید به آینده". رشد آموزش اجتماعی. شماره دوم: ۴۱-۳۴.
- عسگری، پرویز و شرف الدین، هدی. (۱۳۸۹). "رابطه اضطراب اجتماعی، امیدواری و حمایت اجتماعی با احساس ذهنی بهزیستی در دانشجویان". فصلنامه یافته‌های نو در روانشناسی. دوره ۳، شماره ۹: ۳۶-۲۵.
- عزیززاده اقدم، محمد باقر. (۱۳۹۱). "بررسی میزان امید به آینده در بین دانشجویان و عوامل موثر بر آن". جامعه‌شناسی کاربردی. سال ۲۳، شماره چهارم: ۱۸۹-۲۰۶.
- قادر زاده، امید. (۱۳۹۰). "تأثیر اشکال مختلف سرمایه بر هویت جمعی زنان". زن در توسعه و سیاست. سال نهم، شماره سوم: ۳۵-۶۵.
- قاسمی، افشان و عابدی، احمد. (۱۳۸۸). "اثربخشی آموزش گروهی مبتنی بر نظریه امید اسنایدر بر میزان شادکامی سالمندان". دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی. شماره چهل و یک: ۴۰-۱۷.
- گیتی قریشی، اشرف السادات. (۱۳۸۸). "سطح امیدواری در دانشجویان سال اول و سال آخر رشته روان‌شناسی". اندیشه و رفتار. دوره سوم، شماره دوازدهم: ۵۶-۴۵.
- ملک عباسی. (۱۳۸۵). "چگونگی شکل‌گیری هویت دینی". ماهنامه رشد آموزش راهنمایی تحصیلی. دوره دوازدهم، شماره بیست و پنجم: ۵۶-۳۶.
- نادری، محمدعلی و سجادیان، ایلناز. (۱۳۹۰). "تحلیل روابط بین معنای معنوی با بهزیستی معنوی، شادی ذهنی، رضایت از زندگی، شکوفایی روان‌شناختی، امید به آینده و هدفمندی در زندگی دانشجویان". طلوع بهداشت. سال دهم، شماره سوم: ۵۴-۶۸.
- وحید، فریدون و کلانتری، صمد. (۱۳۸۲). "رابطه سرمایه اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان: مطالعه موردی یازده دانشگاه دولتی شهر تهران". مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان. سال هفدهم، شماره دوم: ۹۲-۵۹.
- هزارجریبی، جعفر و پروانه آستین افشان. (۱۳۸۸). "بررسی عوامل موثر بر نشاط اجتماعی (با تأکید بر استان تهران)". جامعه‌شناسی کاربردی. سال بیستم، شماره اول: ۱۱۹-۱۴۶.
- هزارجریبی، جعفر و رضا صفری شالی. (۱۳۸۸). "بررسی رضایت از زندگی و جایگاه و احساس امنیت در آن: مطالعه در بین شهروندان تهرانی". فصلنامه انتظام اجتماعی. سال اول، شماره سوم: ۲۸-۷.
- Bronk, k. c., Hill, P.L, Lapsley, D.k., Talib, T.L.&Finch, H. (2009). "Purpose, hope, and Life Satisfaction in three age groups". Journal of positive psychology, Vol. 4: 500- 510.
- Burke; P. (2006). "Identity change". Social Psychology Quarterly, Vol. 69; 81-96.

- Gomez, R. & Fisher, J. W. (2003). **“Domains of spiritual Well-being and Development and Validation of the Spiritual Well-being Questionnaire”**. Personality and Individual Difference, 35:1975-1991.
- Pinquart, M. (2001). **“Age differences in perceived positive Affect, negative affect and affect balance in middle and old age”**. Journal of Happiness Studies, Vol. 2: 375- 405.
- Robinson, L. (1983). **Psychiatric Nursing: Human Experience**. New York: Saunders Company
- Rodriguze, D. (2006). **“Colombian happiness, hope on interdisciplinary look at the correlation between explanatory style, cultural and satisfaction”**. Journal of Personality and Social Psychology, Vol. 52: 1260 – 1284.
- Rustoen, T., Cooper B. A., Miaskowski, C. H. (2010). **“The Importance of Hope as a Mediator of Psychological Distress and Life Satisfaction in a Community Sample of Cancer Patients”**. Cancer Nursing. Vol.33 (4):258-67.
- Sherwin, E.D., Elliott, T.R., Rybarczyk, B.D., Frank, R.G., Hanson, S. & Hoffman, J. (2006). **“Negotiating the reality of care giving: hope, burnout and nursing”**. Journal of Social and Clinical Psychology, 11: 129-139.
- Snyder C. R, Harris C., Anderson J. R. (1991). **“The will and the ways: development and validation of an individual-differences measure of hope”**. Journal of Personality and Social Psychology, 60: 570-585.
- Snyder C. R., Rand K. L., Siigmon D. R. (2002). **“Hope theory: A member of positive psychology family”**. In C. R. Snyder & Lopez. Handbook of positive psychology. New York: Oxford University Press: 257-256.
- Steger M. F., Kawabata Y., Shimai S. (2008). **“The meaningful life in Japan and the United States: Levels and correlates of meaning in life”**. Journal of Research in Personality, 42: 660–678.
- Stets, J. E. (2007). **“Identity Theory and Emotion”**. In Handbook of the Sociology of Emotions, by Jan E. Stets and Jonathan H. Turner (Eds.) United States of America: Springer.
- Valle. M.f. (2006). **“An analysis of hope as a psychological strength”**. Journal of School Psychology. 44: 393-406.
- You, S., Furlong, M. J., Felix, E., Sharkey, J. D., & Tanigawa, D. (2008). **“Relations among school connectedness, hope, life satisfaction, and bully victimization”**. Psychology in the Schools, 45: 5-25.



تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش جوانان به جرم (در کانون اصلاح و تربیت کرج)

ذبیح‌اله صدفی^۱

محمد ولیزاده کولیوند^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۲/۳

هدف از این مقاله، تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش جوانان به جرم بر مبنای نظریه آیسک آیزن و مارتین فیشباین می‌باشد. بر مبنای روش‌شناسی تحقیق با تکیه بر روش تحقیق پیمایشی و با استناد بر تکنیک مصاحبه کتبی (پرسشنامه محقق ساخته بر مبنای طیف رنسیس لیکرت) سعی گردید با مراجعه به کانون اصلاح و تربیت استان البرز (به روش نمونه‌گیری متناسب با محیط تحقیق و برآورد حجم نمونه به کمک جدول مورگان)، از تعداد ۸۳ نفر جوانان (پسر) بزهکار با ۷۳ نفر مصاحبه شود. براساس تحلیل رگرسیون چندگانه و معادله مجذور رگرسیون، ۵۵ درصد تغییر در نگرش به جرم، با تأثیر بهم پیوسته معاشرت‌های ترجیحی، محل جرم و انگیزه مهاجرت، قابل تبیین است. لذا ۳۰ درصد این مقدار مربوط به سهم (مثبت/افزایش) معاشرت‌های ترجیحی، ۱۷ درصد مربوط به سهم (مثبت/همین شهر) محل جرم، و ۷ درصد مربوط به سهم (مثبت/جمع) انگیزه مهاجرت است. بنابراین با تأکید بر مکانیزم‌های جامعه‌پذیری (خانواده، مدرسه، گروه دوستان، سازمان‌ها و رسانه‌ها) و با ایجاد سرانه ورزشی، مکان‌های تفریحی، کتابخانه‌ها، فرهنگسراها، هویت‌های مذهبی و آموزش‌های مناسب تبلیغاتی از طریق بیلبوردها، مراکز خرید، پاساژها، و نظایر آن می‌توان به فرآیند پیشگیری از جرم پرداخت.

واژگان کلیدی: نگرش به جرم، معاشرت‌های ترجیحی، ازهم گسیختگی اجتماعی، محل جرم و انگیزه مهاجرت

۱. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، زنجان، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: zsadafi@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد، رشته حقوق، گرایش جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، زنجان، ایران

طرح و بیان مسئله تحقیق

دنیای امروز را برخی دنیای در حرکت نام نهاده‌اند. خاستگاه جغرافیایی انسان‌ها در بیشتر موارد، جغرافیای اقامت آنان نیست. بسیاری در خلال زندگی چندین بار تغییر مکان می‌دهند. این جابجایی‌های مستمر بر همه ارکان حیات اجتماعی تأثیر می‌گذارد؛ از آن جمله است جرم و جنایت. مهاجرت از جهات گوناگون بر جرائم تأثیرگذار است:

۱. از جهتی جابجایی‌های مستمر موجب می‌شود روابط انسان‌ها بعد سطحی و فضایی یابد و از ابعاد طولی و تاریخی آن کاسته شود. بدینسان زمانی که انسان‌ها در یک منطقه تولد می‌یابند و همانجا حیات می‌گذرانند، روابط آنان عمیق‌تر، دقیق‌تر و وسیع‌تر است.

۲. انسان‌ها در درون شهرهای بزرگ، همواره در پیرامون خود میلیون‌ها انسان را می‌بینند، حال آنکه خود تنها از همه انسان‌ها در خلال تاریخ هستند (انبوه تنها). لذا هر قدر به حلقه‌های مرکزی شهر نزدیک می‌شویم، به همان نسبت توده‌های انسانی گسترده‌ترند و به همان نسبت نیز این مراکز پناهگاه مناسب بزهکاران است. بنابراین، با بروز کاستی در ابعاد روابط انسانی مهاجرت، زمینه‌های جرم پیدا می‌شود و انسان ناشناخته، فاقد هویت، گمنام و با روابطی سطحی و زودگذر بیشتر و سوسه ارتکاب جرم را خواهد داشت.

۳. مهاجرت‌های وسیع جغرافیایی، بخصوص زمانی که یکباره و به طور دسته جمعی بروز می‌کند موجبات سرگردانی انسان‌ها را در شهرهای بزرگ فراهم می‌کند. از آن جا که امکان جذب درست همه مهاجران در مشاغل نیست، لذا بسیاری از روی استیصال و ناخواسته، راه جنایت را در پیش می‌گیرند.

۴. مهاجرت در بیشتر موارد، موجبات بروز انتظارات تازه را فراهم می‌سازد. یک مهاجر در خاستگاه خود زندگی ساده‌ای دارد و از امکانات محدود رفاهی نیز برخوردار است، اما چون در پیرامون خود کمتر امکان یا وسیله دیگری می‌بیند، به همان رضایت می‌دهد. حال آنکه همان مهاجر، زمانی که به شهری بزرگ راه می‌یابد و در آن محل اقامت می‌افکند و با شرایط زندگی جدیدی آشنا می‌شود، به همان نسبت نیز آستانه انتظار در او، بالا می‌گیرد و از نظر روانی به نوعی احساس حرمان^۱ دچار می‌شود.

۵. در مهاجرت و جابجایی مستمر انسان‌ها بخصوص آنگاه که برد فرهنگی مهاجرت بالاست و فرد از فرهنگی به فرهنگ دیگری مهاجرت می‌کند، کار انطباق آسان نیست. گاه فرآیند انطباق بسیار طولانی و گاه اصلاً امکان‌پذیر نیست. در چنین شرایطی، فرد دچار نوعی بحران هویت می‌شود. از جانی از روستای اولیه دور مانده، از جانب دیگر با زندگی جدید احساس تنهایی می‌کند. همین امر بر پیدایش شخصیت دوگانه^۲ و بطور کلی آسیب‌های شخصیت اثرگذار خواهد بود و به نوعی انسان بی‌ریشه برمی‌خوریم که امکان همانندگردی^۳ یا فرهنگ‌پذیری^۴ را نیافته و در نوعی خلاء روانی به سر می‌برد. تمامی این فراگردها بر بسط جرم و رفتار آسیبی و انحرافی اثرگذار خواهد بود.

۶. در مهاجرت فرد بر اثر نوعی لرزه روانی ناشی از جابجایی فرهنگی و متعاقب جابجایی جغرافیایی و به ویژه قرار گرفتن در گروه وسیع مهاجران، دچار بحران ذهنی و تزلزل میانی وجدان اخلاقی می‌شود. از این رو، به هنگام بی‌چیزی و احساس نیاز، راه‌های انحرافی او را سخت‌تر و سوسه‌تر قرار می‌دهد. بنابراین به نظر می‌رسد مهاجرت در بسط جرایم چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی آثاری عمیق بر جای می‌نهد و همین

1. The lonely crowd

2. Frustration

3. Dual personality

4. Assimilation

5. Acculturation

تأثیر و شناخت آن ضرورت چنین تحقیقی را مشخص می‌دارد.

استان البرز با مرکزیت کلانشهر کرج، از ابعاد خاص اجتماعی و فرهنگی برخوردار است و مهاجرپذیر بودن و نزدیکی آن با پایتخت موجب شده خرده فرهنگ‌های متفاوت در آن رشد یابد. وجود حاشیه نشینی و تراکم جمعیت باعث رشد نسبی جرائم فردی و انحرافات در این کلانشهر شده است. مطابق آمارهای رسمی، تعداد کل افراد ساکن در شهرستان کرج که کمتر از ۲۰ سال سن داشته‌اند، ۲۷/۲ درصد از کل جمعیت واجد مسئولیت کیفری را تشکیل می‌دهند. لذا بررسی طبقات پنجگانه جرایم ارتكابی این گروه (گروه سنی کمتر از ۲۰ سال شهرستان کرج) نشان می‌دهد که جرایم علیه اخلاق و عفت عمومی با داشتن حدود نیمی از کل جرایم آنان دارای میزان حداکثری می‌باشد.^۱ ارل رایبینگتن و مارتین واینبرگ^۲ در اثرشان با عنوان "رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی"، معتقدند که رویکردهای تئوریک جامعه‌شناختی^۳ عمدتاً شامل ایده راهبر اصلی است که مفهوم سازی و تجزیه و تحلیل مسائل اجتماعی، از این دیدگاه‌ها پیروی می‌کنند. در عین حال منعکس‌کننده مجموعه خاصی از ایده‌ها و فرضیه‌های مربوط به طبیعت مخاطبان و جامعه یا نظام اجتماعی نیز می‌باشند. درواقع، از این منظر همواره دو سؤال اساسی نزد جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان به ویژه متقدمان در بررسی مسائل اجتماعی مطرح بوده است: اولاً، در خصوص یگانگی و نظم اجتماعی^۴ چه چیزی مخاطبان را به عنوان اعضای نظام اجتماعی به هم پیوند می‌زند و جامعه را به کار می‌اندازد؟ ثانیاً، نظام اجتماعی در خصوص فرآیند توسعه و تغییر اجتماعی^۵ به کدام سو می‌رود و جامعه چگونه حرکت می‌کند؟ در جمع‌بندی دیدگاه‌های تئوریک در بررسی مسائل اجتماعی، جهت پاسخ‌گویی به دو سؤال اساسی یعنی نظم و تغییر، در جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی در قالب تعاریف، علت‌ها، شرائط، پیامدها، راه‌حل‌ها، می‌توان به رویکردهای هفتگانه ذیل اشاره نمود (رایبینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۲: ۲۱-۱۵ و ۲۷۷):

۱. در رویکرد آسیب شناسی اجتماعی^۶، بر مخاطبان تأکید می‌شود. لذا در این رویکرد، مخاطبان با اتکا بر قانون به واکنش‌های اجتماعی می‌پردازند.
۲. در رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی^۷، بر قوانین و مقررات اجتماعی تأکید می‌شود. لذا در این رویکرد، تولید کننده اصلی نقش‌های اجتماعی مخاطبان، قوانین و مقررات اجتماعی هستند.
۳. در رویکرد کجرفتاری^۸، بر نقش‌ها و موقعیت‌های اجتماعی تأکید می‌شود. لذا در این رویکرد، اصولاً نقش‌های کجروانه و قانون شکنانه مخاطبان موجب تسریع واکنش‌های اجتماعی می‌شوند.
۴. در رویکرد انگ‌زنی^۹، تنها بر واکنش‌های اجتماعی تأکید می‌شود. لذا در این رویکرد، معمولاً نقش‌های کجروانه و قانون شکنانه مخاطبان پیامد اصلی واکنش‌های اجتماعی محسوب می‌گردند.
۵. در رویکرد تضاد ارزش‌ها^{۱۰}، بر ارزش‌ها و منافع اجتماعی تأکید می‌شود. لذا در این رویکرد، تولید کننده قانونی نقش‌های اجتماعی مخاطبان، ارزش‌ها و منافع اجتماعی می‌باشند.

1. www.sci.org.ir

2. E. Rubington & M. Weinberg, 1999

3. Sociological Approach

4. Social Order & Integration

5. Social Change & Development

6. Social Pathology

7. Social Disorganization

8. Deviant Behavior

9. Labeling

10. Value Conflict

۶. در رویکرد انتقادی^۱، بر روابط طبقاتی موجود در نظام اجتماعی تأکید می‌شود. لذا در این رویکرد، نقش‌های اجتماعی مخاطبان، تولید کننده قانونی ارزش‌ها و منافع اجتماعی می‌باشند.

۷. در رویکرد برساختگرایی اجتماعی یا سازه‌ای^۲، بر فرآیند اقامه دعوی تأکید می‌شود. لذا در این رویکرد، واکنش‌های اجتماعی مخاطبان، تولید کننده قانونی ارزش‌ها و منافع اجتماعی در نظام اجتماعی می‌باشند. بدین ترتیب طبق رویکرد آسیب‌شناسی، بی‌سازمانی و کج‌رفتاری، مسائل اجتماعی انعکاس تخلف از انتظارات و مقررات بهنجارانند. وقتی در جامعه‌ای امکانات موجود تکافوی تأمین نیازهای افراد را ندهد و یا افراد جامعه برای ادامه زندگیشان در جامعه از امنیت نسبی برخوردار نباشند، برای برآورده ساختن نیازهای اولیه شان راهکاری‌های مختلفی را برمی‌گزینند. یکی از این راهکارها، مهاجرت است. آمدن افراد مهاجر از جامعه مبدأ به جامعه مقصد برای افراد جامعه مهاجرپذیر قطعاً مانند هر پدیده دیگر پیامدهای مثبت و حتی منفی را در پی خواهد داشت. به راستی سهم مهاجرت در تأثیرگذاری بر فرهنگ جوامع مقصد و جرم‌زایی در آنجا چقدر است؟ برای بررسی این موضوع و تلاقی جرم‌شناسی با جامعه‌شناسی درباره پدیده چند وجهی مهاجرت و اثراتش بر جامعه مقصد برآنیم ببینیم که علی‌رغم انتخاب این راهکار، مهاجرت چه تأثیر مهمی در افزایش نرخ جرایم از جانب فرزندان (جوانان) مهاجرین در جامعه میزبان داشته است؟

پیشینه پژوهش

مطالعات و تحقیقات انجام شده داخلی:

- عادل سجودی (۱۳۹۲) "بررسی عوامل مؤثر بر سرقت از اماکن". پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. دوره ۸، شماره ۴ (۳۲).
- عادل سجودی (۱۳۹۲) "بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر نگرش به سرقت (مطالعه موردی در شهر رشت)". فصلنامه علمی ترویجی کارآگاه. شماره ۲۲.
- سعید گرشاسبی فخر (۱۳۹۰) "ارتباط بین بیکاری و سرقت در ایران". رفاه اجتماعی. دوره ۱۱، شماره ۴۰.
- مهدی رحیمی و افسانه ادریسی (۱۳۸۹) "بررسی عوامل مؤثر بر سرقت". مطالعات امنیت اجتماعی. دوره ۷، شماره ۲۵.
- منصور عطاشنه و مهدی امیری (۱۳۸۹) "علل و عوامل جرم سرقت در شهر اهواز (سال‌های ۷۵-۸۵)". فصلنامه علوم اجتماعی. دوره ۴، شماره ۱۱.
- علیرضا محسنی تبریزیو ستار پروین (۱۳۸۸) "بررسی عوامل مؤثر بر سرقت نوجوانان (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)". جامعه‌شناسی کاربردی. مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره ۲۰، شماره ۳ (پیاپی ۳۵).
- مسعود مرشدی (۱۳۸۸) "بررسی عوامل مؤثر در انتخاب مکان سرقت (مطالعه موردی سرقت منازل در شهرستان خوی در سال ۱۳۸۶)". فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم. سال چهارم، شماره سیزدهم.
- توحید عبدی، خلعتبری، عبدالحسین و بخشعلی صالح کامرانی (۱۳۸۷) "عوامل مؤثر بر وقوع سرقت‌های به عنف در شهرستان کرج". پژوهش‌های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی). دوره ۳، شماره ۱.
- عبدالحسین خلعتبری (۱۳۸۶) "مهاجرین و سرقت‌های مسلحانه". فصلنامه دانش انتظامی. دوره ۹، شماره ۱.
- مهناز چنگیزی (۱۳۷۷) "بررسی آسیب‌شناسی اجتماعی سرقت در جوانان شهرستان شیراز". پایان‌نامه

1. Critical

2. Social Constructionist

کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

مطالعات و تحقیقات انجام شده خارجی

• پژوهش هیلر و سهباز (۲۰۱۰)^۱ که الگوهای جرایم سرقت را در شبکه خیابان های شهر لندن بررسی کرده اند. نتایج حاکی از آن است که سرقت از منزل ها و مغازه های خیابان های اصلی شهر بیشتر از سایر نقاط شهری اتفاق می دهد.

• گاندی^۲ (۲۰۰۷) در تحقیقی با عنوان "جنسیت، دلبستگی والدین و بزهکاری" نشان می دهد که پیوندهای مورد نظر هرشی توان پیش بینی کنندگی بزهکاری جدی و غیر جدی را دارند؛ چنان که در هر دو جنس هنگامی که دلبستگی و تعهد به والدین و مدرسه افزایش یابد، بزهکاری کاهش می یابد، بر عکس نظر هرشی، افزایش در دلبستگی و تعهد به گروه همسالان بزهکار، افزایش بزهکاری را به همراه دارد.

• بورگونیون (۲۰۰۲)^۳ نشان داد که مجرمان در کلمبیا در میان افرادی یافت می شوند که در خانواده های دارای زیر ۸۰ درصد درآمد متوسط جامعه زندگی می کنند.

• سچاللر (۱۹۹۶)^۴ با استفاده از داده های سری زمانی سوییس، تأییدی را برای ارتباط مثبت بین بیکاری و جرم به دست می آورد. از طرف دیگر، مطالعات بر روی افراد، اغلب بر روی جوانان تأکید می کنند، چرا که افراد جوان تر به ویژه مردان جوان، بر اساس گزارشات مختلف تمایل بیشتری به جرم داشته اند.

• وایت و توچن (۱۹۹۴)^۵ داده های مقطعی مربوط به مردان جوان آمریکایی را مورد استفاده قرار دادند و دریافتند که افرادی که استخدام می شوند نسبت به اشخاصی که بیکار هستند، گرایش کمتری به ارتکاب جرایم دارند.

چارچوب نظری پژوهش (با تأکید بر تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق)

• **تئوری های تبیین کننده متغیر وابسته:** نگرش به جرم (آیسک آیزن و مارتین فیشباین)^۶: از این دیدگاه نگرش^۷ یا نگرش به سوی آن رفتار، یک متغیر فردی و شخصی است و طی آن کنشگران انجام یک رفتار یا یک پدیده را از نظر نگرش یا طرزتلقی موجود، مورد ارزیابی و یا تقلید قرار می دهند که آیا رفتار یا پدیده مذکور خوب است یا بد؟ لذا نگرش بر این اساس به نوبه خود تابع دو بُعد می باشد (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۱۶-۱۷):

۱. انتظار فایده^۸: یعنی کنشگران (بزهکاران) تا چه حد از یک رفتار یا پدیده خاص (جرم) در آینده دور یا نزدیک، در ارضای نیازهای شخصی یا جمعی از لحاظ شاخص های ذهنی نگرش^۹ (میزان انتظار فایده از نگرش به جرم) انتظار فایده خواهند داشت؟

1. Hillier, Bill and Ozlem Sahbaz

2. Gundy

3. Bourguignon, F

4. Schuller, B.-J.

5. Witte, A. D. & Tauchen, H

6. I. Ajzen & M. Fishbein, 1980

7. Attitude

8. Expectation of Outcome

9. Subjective

۲. ارزیابی فایده^۱: یعنی آیا آن رفتار یا پدیده خاص (جرم) درحال حاضر نسبت به گذشته، در ارضای نیازهای شخصی یا جمعی، از لحاظ شاخص‌های عینی نگرش^۲ (میزان ارزیابی فایده از نگرش به جرم) برای کنشگران (بزهکاران) احساس فایده به وجود می‌آورند یا نه؟

ابعاد دوگانه متغیر نگرش: ۱. بُعد انتظار فایده: گویه‌های ۱ الی ۵. ۲. بُعد ارزیابی فایده: گویه‌های ۶ الی ۱۰.

جدول ابعاد و مؤلفه های نگرش به جرم (آیسک آیزن و مارتین فیشباین)

ابعاد نظری		آدم وقتی دست به یک کار غیر درست (ناپه‌نجار، نامتعارف، غیر معمول) می‌زنه، فکر می‌کنه با این کار:.....، آنوقت نظر شما چیه؟
ارزیابی فایده	۱	تمامی نیازها و انتظاراتش برآورده می‌شه.
	۲	در حال حاضر چقدر کار لذتبخشی انجام داده.
	۳	بیشتر مورد پذیرش دوستان و همسن و سال‌ها قرار می‌گیره.
	۴	چه راه خوبی برای نشان دادن بلوغ در بین دوستانش انتخاب کرده.
	۵	هیچکس (حتی نیروی انتظامی) توانایی کنترل این کار را نداره.
انتظار فایده	۶	اصلاً ارزشش را نداره؛ چون آدم احساس گناه می‌کنه.
	۷	نه تنها وقت تلف کردنه؛ حتی آدم از طرف خانواده‌اش هم مورد سرزنش قرار می‌گیره.
	۸	نکته جالبش اینکه آدم از طرف گروه همسن و سال‌ها مورد تحسین قرار می‌گیره.
	۹	اگه مجبور به انجامش باشه، بهتر از اینکه آن را انجام نده.
	۱۰	هیچی نباشه، لااقل خودش از اینکارش، احساس رضایت خاطر می‌کنه.

• **تئوری های تبیین کننده عوامل مؤثر دروندادی:** ازهم گسیختگی اجتماعی (امیل دورکیم^۳): از این دیدگاه، جامعه به دو دسته مکانیکی و ارگانیکی تقسیم می‌گردد (مهاجرین، ۱۳۸۳: ۳۹۱). در جوامع نوع اول همبستگی و ناعدوستی ناشی از نیرو و یا قدرت وجدان جمعی است و همین نیرو باعث می‌شود الزامات و فشارهای بیرونی، نقشی بسیار قوی در حفظ انسجام جامعه داشته باشد و جرم در این جامعه عملی است که این همبستگی را می‌خواهد نقض کند. اما در جوامع ارگانیکی که مشاغل تنوع می‌یابند و فنی و تخصصی می‌شوند و تقسیم کار به عنوان یکی از مهمترین خصیصه های این جوامع است، جرم بر اثر تعارض منافع پیش می‌آید. لذا تنوع مشاغل در این جامعه باعث شده که این انسجام از بین برود و قبل از اینکه افراد خود را سهیم در قانون و وجدان گروهی بدانند، خود را وابسته و عضو ارزش های یک گروه یا صنف ببینند و برای

1. Evaluation of Outcome

2. Objective

3. Durkeime

موضع آن وجدان گروهی خاص که در آن عضویت دارند، در مقابل وجدان جمعی ایستاده و حتی آن را زیر پا بگذارند. هر چقدر ارزش های این اصناف با معیارهای اصلی جامعه در تناقض باشد، شاهد شکاف بیشتر میان رفتارهای مورد قبول جامعه با رفتارهای توجیه شده هر فرد خواهیم برد. بنابراین چنین جامعه ای بیمار است و این حاصل یک تقسیم کار اجباری است که از یک قرارداد اجتماعی ناعادلانه نشأت می گیرد. ابعاد دوگانه متغیر اژه گسیختگی اجتماعی: ۱. بُعد جوامع مکانیکی: گویه های ۱۱ الی ۱۵. ۲. بُعد جوامع ارگانیکی: گویه های ۱۶ الی ۲۰.

• **بی سازمانی اجتماعی (توماس و زنانسکی ۱):** از این دیدگاه مسائل اجتماعی محصول درهم ریختگی سازمان اجتماعی و فرهنگی است. اژه گسیختگی جامعه بهنجار در این راستا دم می زند و مفروض می گیرد که اشکال گوناگون نابهنجاری، نتیجه دگرگونی و گسیختگی قوانین نظام بخش و سازمان دهنده ای هستند که قبلاً وجود داشتند، ولی به واسطه تغییرات نابهنجار اجتماعی واژگون و موجد انحراف شدند- این یعنی انهدام و نابودی نفوذ قوانینی که توسط کل جامعه تعیین و مستقر شده و حاکم بر افراد بوده اند. لذا برای رفع این مسائل باید حوادث و پدیده های سازمان زدا را از نظام جامعه حذف کرد تا عناصر طبیعی را به زندگی باز گرداند (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۲۵). ابعاد دوگانه متغیر بی سازمانی اجتماعی: ۱. بُعد گسیختگی قواعد اجتماعی: گویه های ۲۱ الی ۲۵. ۲. بُعد گسیختگی ارزش های حاکم بر زندگی روزمره: گویه های ۲۶ الی ۳۰.

جدول ابعاد و مؤلفه های عوامل دروندادی: متغیر اژه گسیختگی اجتماعی (امیل دورکیم)

ابعاد نظری	یک کار غیردرست (نابهنجار، نامتعارف، غیرمعمول) زمانی اتفاق می افتد که آدم در یک محی ط:.....، آنوقت نظر شما چیه؟
روابط اجتماعی	۱۱ کوچک (مثل یک روستا یا شهر کوچک)، کمتر با دیگران صمیمیت داشته باشد.
	۱۲ کوچک (مثل یک روستا یا شهر کوچک)، بیشتر علاقمند به اینجور کارها داشته باشد.
	۱۳ کوچک (مثل یک روستا یا شهر کوچک)، با برخورد جدی دیگران روبرو نشه.
	۱۴ کوچک (مثل یک روستا یا شهر کوچک)، انگیزه لازم برای اینکارها را داشته باشد.
	۱۵ کوچک (مثل یک روستا یا شهر کوچک)، شرایط کافی برای اینکارها را داشته باشد.
روابط اجتماعی	۱۶ بزرگ (مثل شهرهای بزرگ: مثلاً کرج)، کمتر با دیگران صمیمیت داشته باشد.
	۱۷ بزرگ (مثل شهرهای بزرگ: مثلاً کرج)، بیشتر علاقمند به اینجور کارها داشته باشد.
	۱۸ بزرگ (مثل شهرهای بزرگ: مثلاً کرج)، با برخورد جدی دیگران روبرو نشه.
	۱۹ بزرگ (مثل شهرهای بزرگ: مثلاً کرج)، انگیزه لازم برای اینکارها را داشته باشد.
	۲۰ بزرگ (مثل شهرهای بزرگ: مثلاً کرج)، شرایط کافی برای اینکارها را داشته باشد.

جدول ابعاد و مؤلفه های عوامل دروندادی: متغیر بی سازمانی اجتماعی (توماس و زاناسکی)

ابعاد نظری	معمولاً در شهرهای بزرگ (مثلاً کرج) یک کار غیردرست (ناهنجار، نامتعارف، غیرمعمول)، بخاطر این اتفاق می‌افتد که:.....، آنوقت نظر شما چیه؟
گسیختگی قواعد اجتماعی	۲۱ خودش محل مناسبی برای اینجور کارها محسوب می‌شه.
	۲۲ انگار هیچکس کنترل مناسبی روی رفتار یکدیگه و همدیگه نداره.
	۲۳ والدین هم در خانواده ها، نظارت کافی روی رفتار بچه‌هاشون ندارن.
	۲۴ اولیای مدرسه ها هم کنترل بموقعی روی رفتار دانش آموزان ندارن.
	۲۵ قوانین و مقررات هم در جای جای شهر به درستی اجرا نمی‌شن.
گسیختگی ارزش‌های زندگی روزمره	۲۶ طبقات و قشرهای گوناگونی از اقوام، زبان‌ها، تحصیلات و مشاغل، کنارهم جمع شدن.
	۲۷ تفاوت‌ها و تمایزات ارزشی دامنهداری همه گروه‌های اجتماعی را دربرگرفته.
	۲۸ خود جامعه بیماره، نه اینکه آدم‌های آن شهر مشکل داشته باشن.
	۲۹ اختلافات و تمایزات ارزشی در زندگی آدم‌ها، ریشه دوانده.
	۳۰ یک تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی ارزشمند برای جلوگیری از اینجور کارها وجود نداره.

• **تئوری های تبیین کننده عوامل مؤثر بروندادی:** سبک زندگی مناطق شهری (کلیفورد شاو^۱ و هنری مک‌کی^۲): از این دیدگاه در مناطقی که نرخ بزهکاری بالاست، رفتار بزهکارانه کم و بیش به صورت جنبه های سنتی زندگی اجتماعی درآمده است و این سنت های بزهکاری از راه برخوردهای فردی و گروهی منتقل می شود؛ به طوری که از نظر آنها مهمترین عامل انتقال بزهکاری، گروه های همسالان و عامل اصلی دیگر دوام بزهکاری و از هم پاشیدگی نظارت اجتماعی است. از این دیدگاه (مکتب شیکاگو، بوم‌شناسی جنایی) علل وقوع جرم عبارت اند از: ۱- عدم عمران و آبادانی اجتماعی در برخی محلات و به تبع آن عدم تعلق افراد به آن مناطق و نداشتن احساسات تعلق خاطر و وابستگی؛ ۲- فقدان کنترل رسمی اجتماعی در این محله ها و ضعیف شدن کنترل و پیشگیری محلی؛ ۳- جامعه پذیری با درون مایه های مجرمانه و درونی شدن ارزش های ضداجتماعی نزد جوانان؛ ۴- تحرک جمعیت و تراکم بیش از حد جمعیت که مانعی برای سازگاری با محیط است (معظمی، ۱۳۸۹: ۱۶۸). ابعاد دوگانه متغیر سبک زندگی مناطق: ۱. بُعد گروه های همسالان: گویه‌های ۳۱ الی ۳۵. ۲. بُعد از هم پاشیدگی نظارت اجتماعی: گویه‌های ۳۶ الی ۴۰.

• **فشار اجتماعی (رابرت مرتن^۳):** از این دیدگاه احساس فشار هنگامی رخ می دهد که بین آرزوها و آرمان های فرهنگی نظیر موفقیت مالی، از یک سو و فرصت های ساختاری نظیر آموزش و استخدام، از سوی دیگر تنش و برخورد وجود دارد که در نتیجه آن تنها برخی اشخاص می توانند عملاً به چنین موفقیت هایی دست

1. Shaw

2. Henry Mc kay

3. Robert K.Merton

پیدا کنند. نابرابری های ساختاری بر روی بسیاری از اشخاص به ویژه اعضای طبقه پایین جامعه فشار وارد می کند و افراد که فرصت های کمتری برای بدست آوردن اهداف خود دارند، به علت ناتوانی در دستیابی به اهداف اجتماعی، احساس خشم، نفرت و پرخاشگری خود را به صورت استفاده از شیوه های غیرقانونی و رفتار منحرفانه آشکار می سازند (معظمی، ۱۳۸۹: ۱۷۰). ابعاد دوگانه متغیر فشار اجتماعی: ۱. بُعد آرزوها و آرمان های فرهنگی: گویه های ۴۱ الی ۴۵. ۲. بُعد فرصت های ساختاری: گویه های ۴۶ الی ۵۰.

جدول ابعاد و مؤلفه های عوامل بروندادی: متغیر سبک زندگی مناطق (شاه و هنری مک کی)

ابعاد نظری	در شهرهای بزرگ (مثلاً کرج) وقتی آدم با یک عده از آدم های نادرست (نابهنجار، نامتعارف، غیرمعمول) دوست می شه:.....، آنوقت نظر شما چیه؟
گروه های همسالان	۳۱ بطور مُسلم، رغبت و تمایلش به اینجور کارها بیشتر و بیشتر می شه.
	۳۲ در آینده هم حتماً به اینجور کارهای حرفه ای تر دست می زنه.
	۳۳ کم کم اینجور کارها در بین سایر گروه های همسن و سالش هم عادی می شه.
	۳۴ بتدریج علاقه خاصی به اینجور کارها و اینطور گروه ها پیدا می کنه.
	۳۵ احساس می کنه نه تنها دوستانش، بکه اکثر مردم هم با آنها کاری ندارن.
از هم پاشیدگی نظارت اجتماعی	۳۶ احساس می کنه هیچ نظارت و کنترلی از سوی نیروهای انتظامی وجود نداره.
	۳۷ احساس می کنه نیروهای انتظامی هم در برخی مواقع خودشون این کاره اند.
	۳۸ متوجه می شه محله های فقرنشین و حاشیه نشین، از نظارت و کنترل دور هستن.
	۳۹ خودش نشانه ای از این که نیروهای انتظامی نظارت کافی روی این آدم ها ندارن.
	۴۰ متوجه وخامت شرایط اقتصادی و اجتماعی آدم ها با ارزش های فرهنگی جامعه می شه.

جدول ابعاد و مؤلفه های عوامل بروندادی: متغیر فشار اجتماعی (رابرت مرتون)

ابعاد نظری	معمولاً در شهرهای بزرگ (مثلاً کرج) یک کار غیردرست (نابهنجار، نامتعارف، غیرمعمول)، بخاطر این اتفاق می افته که:.....، آنوقت نظر شما چیه؟
آرمان ها و آرزوها	۴۱ آدم ها براحتی و بموقع نمی توانند به اهداف واقعی شون برسن.
	۴۲ آدم های پولدار و مرفه، راحت تر می توانند به اهداف واقعی شون برسن.
	۴۳ محله های فقیرنشین، محل خوبی برای موفقیت جوان ها در اینجور کارها هستن.
	۴۴ هر آدمی براحتی می تواند عملاً موفق به انجام این اینجور کارها بشه.
	۴۵ آدم ها در رسیدن به آرمان ها و آرزوهاشون بازمی مونن.

فرصت‌های ساختاری	۴۶	انصافاً خود ساختار جامعه، دستِ آدم را برای اینجور کارها باز می‌کند.
	۴۷	آدم‌های پولدار و مرفه، امکانات بیشتری برای دسترسی به اینجور کارها دارن.
	۴۸	اصلاً امکانات رفاهی بین طبقات و اقشار گوناگون جامعه، عادلانه تقسیم نشدن.
	۴۹	بین طبقات و اقشار گوناگون جامعه، فرصت‌های برابر، عادلانه تقسیم نشدن.
	۵۰	عدهٔ زیادی از آدم‌ها فرصت‌های کمتری برای رسیدن به اهدافشون دارن.

• **تئوری‌های تبیین‌کننده عوامل مؤثر کارکردی:** فرصت‌های اجتماعی (ریچارد کلوارد^۱ و لئود اوهلین^۲): از این دیدگاه مکانیزم‌های شکل‌گیری بزهکاری عبارت‌اند از: ۱- فعالیت روزمره: این نگرش بر این فرض استوار است که باید سه عنصر "بزهکار، هدف مجرمانه مناسب و نبود یک نگهبان توانا" در زمان و مکان یکدیگر منطبق شوند تا بزهکاری به وقوع بپیوندد. ۲- الگوی بزهکاری: مشخص می‌کند که چگونه افراد در ارتباط متقابل با محیط سبب ایجاد فرصت‌های کمتر یا بیشتر برای بزهکاری می‌شوند. ۳- انتخاب منطقی: که بر تصمیم‌گیری فرد بزهکار استوار است. پایه و اساس این رویکرد انتخاب منطقی روش مورد استفاده بزهکار در انتخاب عمل مجرمانه است (معظمی، ۱۳۸۹: ۱۷۷). ابعاد دوگانهٔ متغیر فرصت‌های اجتماعی: ۱. بُعد زمان: گویه‌های ۵۱ الی ۵۵. ۲. بُعد مکان: گویه‌های ۵۶ الی ۶۰.

• **معاشرت‌های ترجیحی (ادوین ساترلند):** از این دیدگاه: ۱- رفتار مجرمانه آموخته می‌شود؛ ۲- بخش عمده یادگیری رفتار مجرمانه در درون گروه‌های خودی صورت می‌گیرد؛ ۳- شخص بدان دلیل بزهکار می‌شود که تعریف‌های مطلوب از نقض قانون بر تعریف‌های نامطلوب از آن قانون غلبه می‌یابد. این، بنیاد (نظریه) معاشرت ترجیحی است؛ ۴- معاشرت‌های ترجیحی ممکن است در فراوانی، مدت، اولویت و شدت با هم تفاوت داشته باشند. این، بدان معناست که معاشرت با افراد دارای رفتارهای مجرمانه و معاشرت با افراد دارای رفتارهای نامجرمانه در وجاهت‌های شأن با هم متفاوت‌اند؛ ۵- فرآیند یادگیری رفتار مجرمانه از طریق معاشرت با الگوهای مجرمانه و نامجرمانه مستلزم تمامی ساز و کارهایی است که در هر نوع دیگر یادگیری وجود دارد (ساترلند، ۱۹۹۳: ۷). ابعاد دوگانهٔ متغیر معاشرت‌های ترجیحی: ۱. بُعد محتوا: گویه‌های ۶۱ الی ۶۵. ۲. بُعد فرآیند: گویه‌های ۶۶ الی ۷۰.

جدول ابعاد و مؤلفه‌های عوامل کارکردی: متغیر فرصت‌های اجتماعی (کلوارد و اوهلین)

ابعاد نظری		چرا آدم در شهرهای بزرگ (مثلاً کرج)، دست به کارهای غیردرست (ناهنجار، نامتعارف، غیرمعمول) می‌زنه، چون:.....، آنوقت نظر شما چیه؟
رویکرد فعالیت روزمره	۵۱	اگه فرصت برای اینجور کارها نباشه، هرگز کسی مرتکب آن نمی شه.
	۵۲	فرصت دست زدن به اینجور کارها، بیشتر از جاهای دیگه وجود داره.
	۵۳	به محض ایجاد فرصت مناسب، اینجور کارها به منصهٔ ظهور می‌رسه.

1. Richard Cloward

2. Lioyd Ohlin

رویکرد الگوی پژوهشی	۵۴	با ورود به اینجور کارها، آدم به سادگی به انواع اینجور کارها نیز کشیده می شه.
	۵۵	چه فرصت باشه یا نباشه، اینجور آدمها، اینجور کارها را انجام می دهند.
	۵۶	اینجور شهرها، معمولاً از قانونهای اصلی بروز اینجور کارها محسوب می شه.
	۵۷	با گسترش مناطق فقیرنشین در این شهرها، اینجور آدمها هم تحسین می شوند.
رویکرد انتقادی-منطقی	۵۸	اینجور آدمها با فراگیری فنون لازم در این کارها، گروه های بزرگتری را شکل می دهند.
	۵۹	اقدامات لازم برای کاهش بروز اینجور کارها را (مثلاً توسط پلیس) کمتر می بینه.
	۶۰	منافع حاصل از اینجور کارها، بیشتر از هزینه دست زدن به اینجور کارهاست.

جدول ابعاد و مؤلفه های عوامل کارکردی: متغیر معاشرت های ترجیحی (ادوین ساترلند)

چرا در شهرهای بزرگ (مثلاً کرج)، آدم‌ها دست به کارهای غیردرست (ناهنجار، نامتعارف، غیرمعمول) می‌زنن، چون:..... آنوقت نظر شما چیه؟		ابعاد نظری
یادگیری محتوای رفتار مجرمانه	۶۱	اینجور آدم‌ها، شیوه های دست زدن به اینجور کارها را از همدیگه یاد می گیرن.
	۶۲	معاشرت با اینجور آدم‌ها، انگیزه دست زدن به اینجور کارها را بیشتر می کنه.
	۶۳	دست زدن به اینجور کارها در بین اینجور آدم‌ها، یک رفتار عادی محسوب میشه.
	۶۴	شگردهای ویژه دست زدن به اینجور کارها، عمدتاً در همین معاشرت‌ها منتقل می شه.
	۶۵	اینجور آدم‌ها، هیچ آگاهی قبلی در دست نزدن به اینجور کارها را ندارن.
یادگیری فرآیند رفتار مجرمانه	۶۶	اینجور آدم‌ها، هیچ اطلاعی راجع به نقض قانون در اعمال اینجور کارها را ندارن.
	۶۷	هیچ کنترلی برای پیشگیری از اینجور کارها در معاشرت اینجور آدم‌ها وجود نداره.
	۶۸	کیفیت معاشرت اینجور آدم‌ها، طوری است که به اعمال اینجور کارها تشویق میشن.
	۶۹	اینجور آدم‌ها در معاشرتشان با دیگران، میخوان همه را از اینجور کارها آگاه کنن.
	۷۰	معاشرت با اینجور آدم‌ها، همشکلی شان را در اعمال اینجور کارها توجیه می کنه.

• **تئوری های تبیین کننده عوامل مؤثر ساختاری:** خرده فرهنگ شهری (کلود فیشر)^۱: از این دیدگاه انحراف فرهنگی نتیجه نابسامانی اجتماعی و احساس فشار و شکل گیری خرده فرهنگ های مستقل است که ارزش های آنان متضاد با ارزش های جامعه اصلی است. نظریه های انحراف فرهنگی با خرده فرهنگی بر این اعتقاد است که جرایم جوانان نتیجه تمایل افراد به پیروی از ارزش های فرهنگی محیط پیرامونشان است که با

ارزش‌های جامعه بزرگتر در تضاد است. پیروی از قوانین، ارزش‌ها و هنجارهای گروه‌های غیر متعارف که جوان با آنها ارتباط نزدیک دارد، به نقض قوانین جامعه متعارف منتهی می‌شود. نظریه‌های انحراف فرهنگی بیان می‌کند که جوانان زاغه‌نشین به این علت قانون را نقض می‌کنند که آنها به نظام ارزشی مستقل و منحصر به فرد موجود در طبقه پایین متکی هستند. ارزش‌های طبقه پایین شامل خشن بودن، عدم ابراز ترس، زندگی برای امروز و عدم احترام به منابع قدرت است. در مناطق فقیرنشین دارای نابسامانی اجتماعی، ارزش‌های متعارف نظیر «صداقت»، «اطاعت»، «سخت‌کوشی» برای جوانانی که تنها الگوی بزرگسال موفق آنها قاچاقچی اسلحه، سوداگر مواد مخدر یا دلال جنسی است که از طریق ارتکاب جرم و رفتارهای منحرفانه امرار معاش می‌کند، معنا و مفهومی ندارد (معظمی، ۱۳۸۹: ۲۴۷). ابعاد دوگانه متغیر خرده‌فرهنگ شهری: ۱. بُعد ارزشها: گویه‌های ۷۱ الی ۷۵. ۲. بُعد موقعیت: گویه‌های ۷۶ الی ۸۰.

• **خرده فرهنگ بزهکاری (آلبرت کوهن ۱):** از این دیدگاه رفتار بزهکارانه اغلب در میان پایین جامعه دیده می‌شود و بزهکاری ولگردان، رایج‌ترین شکل آن به حساب می‌آید. او همچنین دریافت که خرده فرهنگ‌های ولگردان از طریق رفتاری که «غیرسوداگرانه»، «بدخواه» و «منفی‌گرا» است، مشخص می‌شود. به بیان دیگر، در خرده فرهنگ بزهکاری، عقلانیتی دیده نمی‌شود، بلکه این رفتار برای آزار دیگران و درواقع، اعتراضی علیه هنجارها و ارزش‌های طبقه متوسط است (معظمی، ۱۳۸۹: ۲۴۷). ابعاد دوگانه متغیر خرده فرهنگ بزهکاری: ۱. بُعد ارزش‌ها: گویه‌های ۸۱ الی ۸۵. ۲. بُعد موقعیت: گویه‌های ۸۶ الی ۹۰.

جدول ابعاد و مؤلفه‌های عوامل ساختاری (متغیر خرده‌فرهنگ شهری: کلود فیشر)

ابعاد نظری	چرا آدم‌ها در شهرهای بزرگ (مثلاً کرج)، دست به کارهای غیردرست (ناهنجار، نامتعارف، غیرمعمول) می‌زنن، چون:.....، آنوقت نظر شما چیه؟
ارزشهای رفتاری منحرفانه	۷۱ اینجور آدم‌ها به یک نظام ارزشی مستقل در طبقه پایین (فقیرنشین) متکی هستن.
	۷۲ اینجور آدم‌ها به ارزش‌های خاصی (خشونت، عدم ترس، زندگی روزمره....) پایبندن.
	۷۳ دربین این آدم‌ها، ارزش‌های متعارف (صداقت، اطاعت، سختکوشی) مفهومی نداره.
	۷۴ دربین اینجور آدم‌ها، تنها اینجور کارها (قاچاق اسلحه، مواد مخدر)، الگوی موفقیتیه.
	۷۵ موقعیتِ فرودستی اینجور آدم‌ها، ارزش‌های مخالف رفتار ایده‌آل را بوجود می‌آره.
موقعیت رفتاری منحرفانه	۷۶ در سبک زندگی اینجور آدم‌ها، امکانات لازم برای نیل به اهداف متعارف جامعه نیست.
	۷۷ با طرد اینجور آدم‌ها، اعتبارشان در محله‌های خاص (فقیرنشین) بیشتر می‌شه.
	۷۸ موقعیتِ فرودستی اینجور آدم‌ها، انتقاد و اعتراض از وضع موجود را تشدید می‌کنه.
	۷۹ اینجور آدم‌ها در طبقه پایین (فقیرنشین)، از حمایت و پشتیبانی برخوردار می‌شن.
	۸۰ اینجور آدم‌ها در طبقه پایین، از احساس محرومیت و هنجارشکنی بالایی برخوردارن.

جدول ابعاد و مؤلفه های عوامل ساختاری (متغیر خرده فرهنگ بزهکاری: آلبرت کوهن)

ابعاد نظری		چرا در شهرهای بزرگ (مثلاً کرج)، آدم‌ها دست به کارهای غیردرست (ناهنجار، نامتعارف، غیرمعمول) می‌زنن، چون:..... آنوقت نظر شما چیه؟
۱. بزهکاری	۸۱	اینجور آدم‌ها به خانواده‌های خاصی در طبقه پایین (فقرنشین) متکی هستن.
	۸۲	این آدم‌ها به ارزش‌های خاص خانوادگی (تعصب، پرخاشگری، تندخویی،...) پایبندن.
	۸۳	دربین این آدم‌ها، ارزش‌های متعارف خانوادگی (صمیمیت، نظم، تلاش،...) بی معنیه.
	۸۴	دربین اینجور آدم‌ها، ناهنجاری‌های خانوادگی (طلاق، خودکشی،...)، الگوی موفقیتیه.
	۸۵	موقعیت فرودستی این آدم‌ها، ارزش‌های مخالف خانواده‌های ایده‌آل را بوجود می‌آره.
۲. بزهکاری	۸۶	در سبک زندگی این آدم‌ها، امکانات لازم برای نیل به اهداف متعارف خانوادگی نیست.
	۸۷	با طرد اینجور آدم‌ها، اعتبارشان در بین خانواده‌های خاص (فقرنشین) بیشتر می‌شه.
	۸۸	موقعیت فرودستی اینجور آدم‌ها، ازهم گسیختگی خانواده‌ها را تشدید می‌کنه.
	۸۹	اینجور آدم‌ها در خانواده‌های خاص (فقرنشین)، از حمایت و پشتیبانی برخوردارن.
	۹۰	این آدم‌ها در خانواده‌هاشون (طبقه پایین)، احساس محرومیت و هنجارشکنی میکنن.

• **تئوری های تبیین کننده متغیرهای مستقل زمینه‌ای^۱:** از دیدگاه پیتیر رُسی^۲ و رابرت چین^۳، سؤال بر سر آن است که چگونه می‌توان به نسبت مطمئن و بدون قدم زدن در تاریکی، متغیرهای زمینه‌ای را به طور سیستماتیک جستجو و آنها را در تحقیقات بررسی نمود. این متغیرها عبارت اند از: ۱. صفات فردی (سن، جنسیت، سواد، وضعیت اقتصادی، تأهل، قومیت، آگاهی و نوع شغل) ۲. صفات خانوار (برنامه زندگی، تعداد اعضا و تعداد بچه‌ها، درآمد خانوار، اموال، مشاغل، وضعیت مسکن و قومیت) ۳. صفات واحد سازمانی (اندازه، سطوح دستوردهی و تصمیم‌گیری، تعداد واحدها، تعداد نقش‌ها و فعالیت‌ها، نوع صفت، نرخ رشد و میزان بودجه) ۴. صفات مجتمع‌ها براساس تقسیمات کشوری (مانند روستاها و شهرها، ساخت اقتصادی، ساخت سیاسی، وضعیت جغرافیایی، جمعیت، نرخ رشد و تراکم جمعیت) (رفیع‌پور، ۱۳۷۲: ۲۵-۲۲). لذا سئوالات ۹۱ الی ۱۱۰ در پرسشنامه شامل جنسیت، سن، مقطع تحصیلی، انسجام خانواده، زمینه فعالیت، مالکیت منزل، بُعد خانوار، نوع شغل، شغل قبلی، شغل قبل از دستگیری، شغل بعد از مهاجرت، درآمد یا پول توجیبی، وضع مهاجرت، مبداء مهاجرت، انگیزه مهاجرت، فصل مهاجرت، فصل جُرم، محل جُرم، انگیزه جُرم، مدت زندانی، متغیرهای زمینه‌ای هستند.

1. Context Independent Variables

۲. پیتیر رُسی (P. Rossi, 1988)، در اثرش ارزیابی برنامه‌ها

۳. رابرت چین (R. Chin, 1974)، در اثرش مدل‌های توسعه

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های دومتغیره

۱. میزان احساس ازهم گسیختگی اجتماعی بر نگرش جوانان به جرم، تأثیر معناداری دارد.
۲. میزان احساس بی‌سازمانی اجتماعی بر نگرش جوانان به جرم، تأثیر معناداری دارد.
۳. میزان احساس فشار اجتماعی بر نگرش جوانان به جرم، تأثیر معناداری دارد.
۴. میزان برخورداری از معاشرت‌های ترجیحی بر نگرش جوانان به جرم، تأثیر معناداری دارد.
۵. میزان برخورداری از فرصت‌های اجتماعی بر نگرش جوانان به جرم، تأثیر معناداری دارد.
۶. میزان برخورداری از سبک زندگی مناطق بر نگرش جوانان به جرم، تأثیر معناداری دارد.
۷. میزان برخورداری از خرده‌فرهنگ شهری بر نگرش جوانان به جرم، تأثیر معناداری دارد.
۸. میزان برخورداری از خرده‌فرهنگ بزهکاری بر نگرش جوانان به جرم، تأثیر معناداری دارد.
۹. جنسیت جوانان، سن، مقطع تحصیلی، انسجام خانواده، زمینه فعالیت، مالکیت منزل، بُعد خانوار، نوع شغل، شغل قبلی، شغل قبل از دستگیری، شغل بعد از مهاجرت، درآمد یا پول توجیبی، وضع مهاجرت، مبداء مهاجرت، انگیزه مهاجرت، فصل مهاجرت، فصل جرم، محل جرم، انگیزه جرم، و مدت زمان زندانی، با نگرش جوانان به جرم، رابطه معناداری دارد.

فرضیه چند متغیره

- در یک معادله رگرسیون، جنسیت جوانان، سن، مقطع تحصیلی، انسجام خانواده، زمینه فعالیت، مالکیت منزل، بُعد خانوار، نوع شغل، شغل قبلی، شغل قبل از دستگیری، شغل بعد از مهاجرت، پول توجیبی، وضع مهاجرت، مبداء مهاجرت، انگیزه مهاجرت، فصل مهاجرت، فصل جرم، محل جرم، انگیزه جرم، مدت زندانی، همراه با میزان احساس ازهم گسیختگی اجتماعی، میزان احساس بی‌سازمانی اجتماعی، میزان احساس فشار اجتماعی، میزان برخورداری از معاشرت‌های ترجیحی، میزان برخورداری از فرصت‌های اجتماعی، میزان برخورداری از سبک زندگی مناطق، میزان برخورداری از خرده‌فرهنگ شهری، و میزان برخورداری از خرده‌فرهنگ بزهکاری، بر نگرش جوانان به جرم تأثیر معناداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، برای بررسی میزان تغییرات در یک یا چند عامل که در اثر تغییرات یک یا چند عامل دیگر بوجود آمده، از روش همبستگی یا همخوانی^۱ مبتنی بر روش تحقیق پیمایشی^۲ استفاده شد؛ به طوری که با در دست داشتن اطلاعات و داده‌های لازم از جامعه آماری و نیز محاسبه ضرایب همبستگی بین متغیرها به روابط مبتنی بر فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد (صدفی و بابائی، ۱۳۸۲: ۲۰-۱۹). از این رو، به قول دیوید دواس^۳، مزیت پیمایش نسبت به سایر روش‌ها در این‌گونه تحقیقات، اولاً در کارآمدی و قدرت توصیف مناسب ویژگی‌های واحدهای تحلیل و مقایسه دقیق خصوصیات آن‌ها به کمک استنباطات علی است. ثانیاً به‌عنوان مجموعه منظمی از داده‌ها یا ماتریس متغیرها بر حسب داده‌های موردی، توانایی خاصی در گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل دستاوردهای تحقیق دارد (دواس، ۱۳۷۶: ۱۴-۱۳/ محسنی تبریزی، ۱۳۸۸: ۱۶۱-۱۶۰). جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه جوانان و نوجوانان مرتکب جرم در استان البرز می‌باشند که دوران

1. Correlation

2. Survey

3. D. DeVaus, 1991

محکومیت را در کانون اصلاح و تربیت استان سپری می نمایند. براساس آمار اخذ شده از معاونت پیشگیری از وقوع جرم استان البرز، تعداد این افراد ۸۳ نفر گزارش شده است. زمانی که محقق نه از واریانس جامعه و نه از احتمال موفقیت یا عدم موفقیت متغیر اطلاع دارد و نمی توان از فرمول های آماری جهت برآورد حجم نمونه استفاده کرد، برای برآورد نسبت ها و به دست آوردن حجم نمونه می توان از فرمول و جدول رابرت کرجسی و داریل مورگان^۱ استفاده نمود. لذا محقق با داشتن جامعه آماری (N=۸۳)، بر مبنای جدول کرجسی و مورگان^۲، حجم نمونه لازم (S=۷۳) در کانون اصلاح و تربیت استان البرز را تعیین [شامل جرایم مواد مخدر (۱۰ نفر)، جرایم جنسی (۳ نفر)، جرایم علیه اموال (۱ نفر) و سایر جرایم (۵۹ نفر)] و مورد مصاحبه قرار داده است. در نمونه گیری احتمالی^۳، انتخاب افراد براساس ضابطه کنترل شده ای نیست و متکی به اصل مُشت، نمونه خروار است می باشد. در این نوع نمونه گیری از قوانین احتمالات برای نمونه گیری استفاده می شود؛ بدین صورت که به هر یک از اعضای جامعه، شانس معین برای حضور در نمونه داده می شود. برای انجام نمونه گیری ابتدا از فرمول تعیین حجم نمونه استفاده می گردد و پس از تعیین حجم نمونه و چهارچوب نمونه گیری (فهرست اسامی اعضای جامعه) با یکی از روش های زیر مجموعه آن (نمونه گیری تصادفی ساده^۴، سیستماتیک یا منظم^۵، طبقه ای یا طبقه بندی شده^۶ و خوشه ای چند مرحله ای^۷) اقدام به نمونه گیری می شود (سرائی، ۱۳۷۲: ۱۳۳-۱۳۲). با توجه به توزیع جمعیت نمونه (جوانان و نوجوانان مرتکب جرم در استان البرز که دوران محکومیت را در کانون اصلاح و تربیت استان سپری می نمایند) بر مبنای متغیرهای زمینه ای به تفکیک ویژگی های شخصی سعی شده پاسخگویان از اهم ویژگی های شخصی یا متغیرهای زمینه ای برخوردار باشند. لذا با توجه به عدم گستردگی جامعه آماری و اعتبار بیشتر تحقیق، بیشتر نوجوانان جامعه آماری جزو جمعیت نمونه هستند. طبق مدل نظری و فرضیه های تحقیق، به عنوان مهم ترین تکنیک در روش جمع آوری اطلاعات و داده ها، تکنیک مصاحبه کتبی یا پرسشنامه^۸ بر مبنای طیف رنسیس لیکرت^۹، در قالب روش میدانی^{۱۰} یعنی مشاهده مستقیم پنهانگر^{۱۱} مدنظر محقق قرار گرفته است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۸: ۱۶۱-۱۶۰؛ صدفی و بابائی، ۱۳۸۲: ۱۹).

یافته های پژوهش

آمار توصیفی^{۱۲} متغیرهای اصلی تحقیق

طبق جدول ۱، نگرش مثبت (خیلی زیاد، زیاد) و نگرش منفی (خیلی کم، کم) محسوسی نسبت به متغیرهای اصلی تحقیق مشاهده نمی گردد، بلکه دامنه تغییر نمرات^{۱۳} کلیه متغیرهای اصلی تحقیق در سطح بینابین (تاحدودی، فرقی نمی کند) قرار دارد که این مهم، نشان دهنده وضعیت بحرانی در پیش روی مدیران و

1. Robert V. Krejcie & Daryle W. Morgan
2. Kerjcie & Morgan, 1970: 607-610
3. Probability Sampling
4. Random
5. Systematic
6. Stratified
7. Multistage Cluster
8. Questionnaire
9. R. Likert, 1938
10. Field
11. Direct Extensive Observation
12. Descriptive Statistics
13. Range

برنامه‌ریزان امور فرهنگی جوانان در جامعه می‌باشد.

جدول ۱: ترسیم نیم‌رخ^۱ و دامنه تغییر نمرات^۲ متغیرهای اصلی تحقیق

متغیرهای اصلی تحقیق		شماره گویه‌ها ۴	میانگین ۳	نگرش مثبت		تاحدی	نگرش منفی
				۲	۱	۰	
متغیر وابسته	Y	۰۱-۱۰	۲/۴۷	۰/۰	۲۹/۲۰	۴۵/۸۰	۲۳/۶۰
متغیرهای مستقل	V۱	۱۱-۲۰	۲/۶۶	۰/۰	۳۱/۹۰	۵۱/۴۰	۱۵/۳۰
	V۲	۲۱-۳۰	۲/۶۵	۰/۰	۳۷/۵۰	۴۴/۴۰	۱۸/۱۰
	V۳	۳۱-۴۰	۲/۷۲	۰/۰	۴۰/۳۰	۴۷/۲۰	۹/۷۰
	V۴	۴۱-۵۰	۲/۷۵	۰/۰	۴۵/۸۰	۴۰/۳۰	۱۱/۱۰
	V۵	۵۱-۶۰	۲/۷۴	۰/۰	۱/۴۰	۳۷/۵۰	۴۸/۶۰
	V۶	۶۱-۷۰	۲/۷۸	۰/۰	۳۷/۵۰	۵۶/۹۰	۵/۶۰
	V۷	۷۱-۸۰	۲/۷۳	۰/۰	۳۴/۷۰	۵۸/۳۰	۶/۹۰
	V۸	۸۱-۹۰	۲/۶۷	۰/۰	۳۳/۳۰	۵۱/۴۰	۱۳/۹۰

• نیکوئی سنجش^۳ متغیرهای اصلی تحقیق (طبق جدول ۲):

۱. بر مبنای ضریب روایی آلفا کرونباخ^۴ (تحلیل روایی، پایایی^۵ یا اعتماد^۶)، آلفای کلیه گویه‌های مربوط به متغیرهای اصلی تحقیق از قابلیت اعتماد و پایایی مطلوبی^۷ در استفاده از گویه‌های مورد نظر در پرسشنامه تحقیق برخوردار می‌باشند.

۲. بر مبنای آزمون کفایت نمونه‌برداری کیزر-مایر-الکین^۸ (تحلیل عاملی اعتباری^۹ یا تکنیک تعمیم داده‌ها^{۱۰})، کلیه متغیرهای اصلی تحقیق از برازندگی کافی و اعتبار وافی در استفاده از گویه‌های مورد نظر و همچنین کفایت نمونه‌برداری محتوایی، برخوردار می‌باشند.

1. Profile
2. Range
3. Goodness of Measures
4. Cronbach's Alpha Coefficient
5. Reliability
4. Trust
7. Alpha ≥ 0.70
8. KMO
7. Validity
10. Data Generalization

۳. بر مبنای آزمون کُرویت بارتلت^۱ (تحلیل عاملی تأییدی^۲ یا تکنیک تلخیص داده‌ها^۳)، کلیه متغیرهای اصلی تحقیق که بر مبنای مقدار تقریبی مجذور کای یا کای اسکوتر^۴ در سطح معناداری قابل قبول^۵ قرار گرفته‌اند، از کفایت لازم در ماتریس همبستگی گویه‌های مربوطه و احراز اعتبار سازه‌ای پرسشنامه تحقیق در جامعه آماری، برخوردار می‌باشند.

۴. بر مبنای آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف یک نمونه‌ای^۶ (تحلیل توزیع نرمال^۷ متغیرهای اصلی تحقیق)، با توجه به مقدار پارامتر ضریب معناداری^۸ یا معیار تصمیم^۹، می‌توان گفت کلیه متغیرهای اصلی تحقیق از همقواری و توزیع نرمال برخوردار هستند^{۱۰}.

جدول ۲: تحلیل روایی (پایایی) و تحلیل عاملی (اعتبار) و تحلیل توزیع نرمال متغیرهای اصلی تحقیق

متغیرهای اصلی تحقیق	سطح معناداری آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف ^۱	آلفای کرونباخ ^۲	آزمون کفایت نمونه‌برداری کیزر، مایر، الکین ^۳ مجذور کای ^۵	آزمون کروییت بارتلت ^۴	
				درجه آزادی ^۶	سطح معناداری ^۷
Y نگرش به جرم	۰/۹۳	۰/۷۹	۰/۷۲	۲۲۶,۶۸۷	۴۵
V۱ میزان احساس از هم‌گسختگی اجتماعی	۰/۶۹	۰/۷۳	۰/۷۱	۱۴۸,۲۶۹	۴۵
V۲ میزان احساس بی‌سازمانی اجتماعی	۰/۷۵	۰/۷۳	۰/۷۱	۱۱۶,۵۶۳	۴۵
V۳ میزان برخورداری از سبک زندگی مناطق	۰/۵۹	۰/۷۷	۰/۷۸	۱۵۲,۰۲۰	۴۵
V۴ میزان احساس فشار اجتماعی	۰/۴۷	۰/۸۰	۰/۷۰	۲۰۹,۴۰۶	۴۵
V۵ میزان برخورداری از فرصت‌های اجتماعی	۰/۸۴	۰/۷۳	۰/۷۰	۱۳۸,۵۴۲	۴۵
V۶ میزان برخورداری از معاشرت‌های ترجیحی	۰/۳۹	۰/۷۶	۰/۷۱	۱۴۷,۰۵۰	۴۵
V۷ میزان برخورداری از خرده‌فرهنگ شهری	۰/۰۷	۰/۷۸	۰/۷۲	۱۸۹,۱۸۹	۴۵
V۸ میزان برخورداری از خرده‌فرهنگ بزهکاری	۰/۵۸	۰/۸۰	۰/۷۱	۱۹۷,۶۶۴	۴۵

1. BTS
2. Confirmatory Factor Analysis
3. Data Summarization
4. Approx. Chi-Square= χ^2
5. Sig=0.000
6. One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test
7. Distribution Analysis
8. Asymp. Sig. (2-tailed)
9. P-Value
10. Test distribution is Normal

• آمار استنباطی^۱ تحقیق (آزمون فرضیه‌ها)الف) طبق جدول (۴ و ۵) بر مبنای آزمون ضریب همبستگی پیرسون^۲ (فرضیه‌های دومتغیره)

- بین میزان احساس از هم گسیختگی اجتماعی و نگرش جوانان به جرم، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان احساس بی‌سازمانی اجتماعی و نگرش جوانان به جرم، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان احساس فشار اجتماعی و نگرش جوانان به جرم، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان برخورداری از معاشرت‌های ترجیحی و نگرش جوانان به جرم، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان برخورداری از فرصت‌های اجتماعی و نگرش جوانان به جرم، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان برخورداری از سبک زندگی مناطق و نگرش جوانان به جرم، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان برخورداری از خرده‌فرهنگ شهری و نگرش جوانان به جرم، رابطه معناداری وجود دارد.
- از بین متغیرهای مستقل زمینه‌ای (جنسیت جوانان، سن، مقطع تحصیلی، انسجام خانواده، زمینه فعالیت، مالکیت منزل، بُعد خانوار، نوع شغل، شغل قبلی، شغل بعد از دستگیری، شغل بعد از مهاجرت، درآمد یا پول توجیبی، وضع مهاجرت، مبداء مهاجرت، انگیزه مهاجرت، فصل مهاجرت، فصل جرم، محل جرم، انگیزه جرم و مدت زمان زندانی)، تنها انگیزه مهاجرت، فصل جرم و مکان جرم با نگرش به جرم، رابطه معناداری دارند.

جدول ۴: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل اصلی و متغیر وابسته

ضریب همبستگی پیرسون	میزان احساس از هم گسیختگی اجتماعی	میزان احساس بی‌سازمانی اجتماعی	میزان برخورداری از سبک زندگی مناطق	میزان احساس فشار اجتماعی	میزان برخورداری از فرصت‌های اجتماعی	میزان برخورداری از معاشرت‌های ترجیحی	میزان برخورداری از خرده‌فرهنگ شهری	میزان برخورداری از بزهکاری
نگرش به جرم	۰/۵۸۷	۰/۴۵۱	۰/۵۱۰	۰/۴۵۵	۰/۵۲۱	۰/۶۱۷	۰/۵۳۵	۰/۶۰۹

جدول ۵: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل زمینه‌ای و متغیر وابسته

ضریب همبستگی پیرسون	انسجام خانواده	وضع مهاجرت	زمینه فعالیت	نوع شغل	مالکیت منزل	مقطع تحصیلی	بُعد خانوار	سن	فصل مهاجرت	انگیزه مهاجرت	شغل قبلی	شغل بعد از مهاجرت	میزان پول توجیبی	مبداء مهاجرت	شغل قبل از دستگیری	فصل دچار جرم شدن	مکان دستگیری	مدت زندانی بودن	انگیزه در اقدام جرم
نگرش به جرم	-۰/۰۹۳	-۰/۰۵۱	-۰/۱۸۲	-۰/۰۷۰	۰/۰۴۵	-۰/۱۵۵	۰/۰۹۳	-۰/۱۱۵	-۰/۰۶۶	-۰/۳۳۰	۰/۰۵۰	-۰/۰۹۹	۰/۰۴۰	-۰/۱۹۹	-۰/۲۰۲	-۰/۳۱۳	-۰/۵۲۹	۰/۱۱۴	-۰/۱۵۰

1. Presumption Statistics

2. Pearson Correlation= r

ب) طبق کادر ۱ بر مبنای آزمون رگرسیون چندگانه (فرضیه چند متغیره):

بر مبنای معادله مجذور رگرسیون، با تأثیر بهم پیوسته معاشرت‌های ترجیحی، محل جرم و انگیزه مهاجرت، ۵۵ درصد تغییر در نگرش به جرم، قابل تبیین است. لذا از این مقدار، ۳۰ درصد آن مربوط به سهم (مثبت/افزایش) معاشرت‌های ترجیحی، ۱۷ درصد آن مربوط به سهم (مثبت/همین شهر) محل جرم، و ۷ درصد آن مربوط به سهم (مثبت/جمعیتی) انگیزه مهاجرت است.

کادر ۱: معادله مجذور رگرسیون عوامل مؤثر (V_i/X_i) بر متغیر وابسته (Y)

$$ryx_p \beta_p + r_{yx_v} \beta_v + r_{yx_x} \beta_x = \beta_1 r_{yx_1} = \beta_1 R^2$$

$$0.547 = 0.071 + 0.174 + 0.302 = (-0.330)(-0.215) + (-0.529)(-0.329) + (0.617)(0.490) =$$

نگرش به جرم ۳۰٪ سهم (مثبت/افزایش) معاشرت‌های ترجیحی + ۱۷٪ سهم (مثبت/همین شهر) محل جرم + ۷٪ سهم (مثبت/جمعیتی) انگیزه مهاجرت

۱۰۷



بحث و نتیجه گیری

وقتی فرد در معاشرت با دیگران بویژه به هنگام تغییر موقعیت اجتماعی (به قول ادوین ساترلند)، تمایز و تفاوتی بین ارزش و یا ضد ارزش بودن رفتار و اعمالش قائل نیست، متعاقب آن در یک فرآیند ناهماهنگی شناختی (به قول لئون فستینگر) دچار نوعی پارادوکس رفتاری و یا احساس آنومی اجتماعی در جامعه مورد نظر می‌گردد. بنابراین به نظر می‌رسد با آگاه سازی جوانان نسبت به بروز و عوارض رفتارهای مجرمانه و نیز اطلاع‌رسانی رسانه‌ای نسبت به قبیح بودن الگوها و اعمال نابهنجار، می‌توان از بسیاری از اعمال ناشایست که خواسته و ناخواسته جوانان را به خود مشغول داشته، جلوگیری کرد. از لحاظ معاشرت‌های ترجیحی (تئوری ادوین ساترلند)، این نظریه دو عنصر اصلی دارد: محتوای آنچه آموخته می‌شود که عبارت است از شگردهای ویژه‌ای برای ارتکاب جرم؛ یعنی انگیزه‌های متناسب، رانش‌ها، منطقی‌گری‌ها و نگرش‌ها و کلی‌تر از آن تعریف‌های موافق نقض قانون. افزون بر آن فرآیندی که یادگیری مستلزم معاشرت با اشخاص دیگر در گروه‌های شخصی خودی است. لذا از این دیدگاه، عامل اساسی در تعیین این که آیا جوانان قانون را نقض می‌کنند یا خیر، معنایی است که آنان به شرایط اجتماعی که تجربه می‌کنند و نه خود آن شرایط می‌دهند. لذا در تأیید تحقیق حاضر می‌توان گفت گروه‌های متفاوت در یک جامعه (مثلاً کلاشهر کرج)، ایده‌های متفاوتی درباره شیوه‌های مناسب رفتار به جوانان ارائه می‌دهند که در نهایت، جوانان در برخورد با این رفتارهای متفاوت (و گاهی متضاد و متناقض)، به دنبال نیل به اهداف شخصی یا جمعی از آسان‌ترین راه آن می‌باشند تا در

تطابق با آن (به قول سالمون آش) بیشتر احساس هم‌رنگی و هم‌شکلی با جماعات و رفتارهای جمعی در این شرایط اجتماعی (با تضاد فرهنگی) داشته باشند. بنابراین وقتی الگوهای رفتاری بزهکارانه در مناطق پایین شهر (به قول کلوارد و اوهلین^۱)، به عنوان تنها فرصت‌های اجتماعی باقیمانده، به راحتی بتوانند بر رفتار اجتماعی جوانان تأثیرگذار باشند، بطور مسلم نه تنها این فرصت‌های به اصطلاح طلایی (به قول ادوین لیمرت)، جوانان را در آینده به یک مجرم حرفه‌ای تبدیل خواهد کرد، بلکه همین جوانان متعاقب آن بهترین گزینه و مناسب‌ترین گروه مرجع برای ترک تحصیل، ترک خانواده، ترک شغل بهنجار، و برعکس الگوی اعمال نابهنجار در بین سایر گروه‌های جوان خواهند بود. لذا به سختی می‌توان گروه‌های جوان را در بستر علقه‌های اجتماعی (به قول دیوید متزا^۲)، از میل و استقبال به جرم و رفتار بزهکارانه دور کرد. از لحاظ فرصت‌های اجتماعی (تئوری کلوارد و اوهلین)، این دیدگاه بر مبنای فعالیت روزمره (مجرم، هدف مجرمانه مناسب، فقدان نگاهبان توانا)، الگوی جرم (ایجاد فرصت‌های کمتر یا بیشتر در ارتباط متقابل با محیط مجرمانه) و انتخاب منطقی (تصمیم‌گیری مجرم در انتخاب روش و عمل مجرمانه) رفتار مجرمانه شکل می‌گیرد. لذا در تأیید تحقیق حاضر می‌توان به چگونگی ایفای نقش عامل فرصت طی رفتار مجرمانه اشاره نمود: نقش فرصت در وقوع تمامی جرایم؛ تمرکز فرصت‌های مجرمانه در زمان و مکان؛ تأثیر وقوع جرم در ایجاد فرصت برای ارتکاب جرایم دیگر؛ تأثیر کاهش فرصت‌ها در کاهش نرخ بیکاری؛ بی‌تأثیر بودن کاهش فرصت‌ها در جابجایی جرم. بدین ترتیب طبق نظریه خرده فرهنگ (به قول آلبرت کوهن^۳)، رفتار بزهکارانه به وسیله افرادی رخ می‌دهد که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند. لذا ساخت نظام اجتماعی و فرهنگ و سازمان اجتماعی آن برای افرادی که هر یک موقعیت‌های خاصی را در نظام اجتماعی اشغال کرده‌اند مسائلی از نظر هم‌سازی با شرایط اجتماعی بوجود می‌آورد و آنان را به طور مؤثر یا غیرمؤثر به وسایلی مجهز می‌کند تا مشکلات هم‌سازی با محیط را حل کنند. وقتی بر مبنای قانون بازی (به قول رابرت مرتن^۴)، برای برخی از این افراد وسایل هم‌سازی با محیط براساس معیارهای پذیرفته شده اجتماعی کافی نباشد، این افراد جنبه‌هایی از فرهنگ جامعه که مشکلات هم‌سازی با محیط را برای آنان فراهم کرده‌اند را نفی می‌کنند و خرده فرهنگ‌هایی را که زندگی را برایشان آسان‌تر می‌سازد، جایگزین این جنبه‌های نفی شده فرهنگ جامعه می‌نمایند. بنابراین آنان دارودسته‌های بزهکار را شکل می‌دهند، زیرا اگر به تنهایی مرتکب رفتار انحرافی شوند، از دیگران جدا افتاده و موفق نخواهند شد. در ادامه، این رفتارهای بزهکارانه در دارودسته‌های بزهکار، مجموعه جدیدی از هنجارها را برای اعضای این باندها فراهم می‌کند و آنان با ارتکاب انواع بزهکاری می‌توانند علیه مظاهر فرهنگ طبقه متوسط برای خود منزلت اجتماعی کسب کنند. بنابراین اینگونه افراد (به قول والتر میلر^۵) تنها با زندگی در میان طبقات اجتماعی فرودست و تأثیرپذیری از خرده فرهنگ آنان، به طرف اعمال غیرقانونی و رفتارهای انحرافی کشیده می‌شوند. پس بر مبنای ابعاد چهارگانه مدل سوات^۶ (قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها) می‌توان به اولویت‌بندی‌های زیر اشاره نمود:

۱. الویت‌بندی قوت‌ها (S): سرزنش از طرف خانواده و احساس گناه در هنگام ارتکاب جرم، عدم شرایط مساعد برای انجام جرم و برخورد جدی بهنگام ارتکاب جرم، کنترل خانواده‌ها بر جوانان، کنترل مناسب و قاطع نیروی انتظامی، نامساعد کردن بسترهای جرم خیز در حاشیه شهر، هزینه بیشتر متحمل شدن در هنگام

1. Cloward & Ohlin-1960
2. D. Matza-1964
3. Albert Cohen-1955
4. Walter.B. Miler-1958
5. SWOT
6. strength

ارتکاب جرم، آگاه‌سازی در معاشرت و ارتباط با دیگران، پایبند بودن به ارزش‌های جامعه و الگو قرار ندادن خانواده‌های نا بهنجار.

۲. الویت‌بندی ضعف‌ها (W):^۱ عدم توانایی کنترل در خانواده‌ها، شرایط مساعد در محله‌های پایین جهت انجام جرم، عدم اجرای مناسب قوانین، کنترل نامناسب بر رفتار، عدم نظارت نیروهای انتظامی بر پایین شهر و حاشیه نشینان، عدم تقسیم عادلانه امکانات، اقدامات کمتر پلیس در پیشگیری، جهل حکمی از قانون و جرم، مفهوم نداشتن ارزش‌های متعارف و عدم وجود امکانات لازم جهت رسیدن به اهداف.

۳. الویت‌بندی فرصت‌ها (O):^۲ مورد پذیرش قرار گرفتن بین دوستان و همسن و سالان، ایجاد شرایط مساعد برای رشد و شکوفایی جوان، کنترل مناسب و ارزش قرار دادن رفتارهای متعارف با عرف جامعه، نظارت بر محله‌های پایین شهر ایجاد انگیزه جهت کار به هنجار، تقسیم عادلانه امکانات، ایجاد فرصت مساوی با منصف ظهور، آگاه‌سازی در معاشرت با دیگران و پیشگیری از جرم، جلوگیری از ارزش شدن جرم، ایجاد امکانات در شهر مبدأ، جلوگیری از گسترش حاشیه نشینی و ایجاد انگیزه لازم و تشویق به ماندن در مبدأ مهاجرت.

۴. الویت‌بندی تهدیدها (T):^۳ احساس لذت بخشی از جرم، علاقمندی به کار نامتعارف، محل مناسب برای انجام کار نابهنجار، حرفه‌ای‌تر شدن جوانان، عادی شدن جرم، وخامت شرایط اقتصادی، بازماندن در رسیدن به آرمان‌ها، مناطق پایین شهر بستر مناسب جهت کشش سریع به سوی جرم، انتقال شیوه‌های جدید در معاشرت بزهکاران با مجرمین، طرد از جامعه مساوی با اعتبار بیشتر و طرد از جامعه مساوی با بیشتر شدن اعتبار.

پیشنهادهای

تمام انسان‌ها از هر قوم و قبیله، نژاد و مذهب و دین و عقیده ای اتفاق نظر دارند که یکی از محوری‌ترین اعمال فردی و اجتماعی، تربیت و هدایت درست جوانان برای آینده است. مهاجرت به کلانشهرها پیامدهای گسترده و متنوعی برای مناطق مهاجرفرست و مهاجرپذیر دارد، چون جوانان سرمایه‌های معنوی جامعه می‌باشند و سلامت روح و جسم آنان تضمین کننده سلامت جامعه در آینده است. برخی پیامدهای مهاجرت باعث بروز تغییراتی در زندگی مهاجران می‌شود و خانواده‌های آنان را نیز دستخوش دگرگونی می‌کند و نگرش آنان را به جنبه‌های مختلف زندگی تغییر می‌دهد. با توجه به افزایش مهاجرت‌های فردی و جمعی، بهترین راه برای جلوگیری از مهاجرت جوانان، استقرار صنعت در روستاها و شهرهای اقماری و ایجاد اشتغال برای جوانان خواهد بود؛ به طوری که هم از مهاجرت جوانان جلوگیری شود و هم درآمد روستاییان بهبود و بیکاری کاهش یابد. از طرف دیگر، می‌توان لذت بخش بودن جرم را نیز در بین جوانان و خانواده‌ها کاهش داد و به کمک دستگاه‌های نظارتی از بروز رفتارهای نابهنجار بویژه در مراکز حاشیه‌نشینی جلوگیری کرد. نکته حائز اهمیت این است که معاشرت جوانان بزهکار در مراکز هم‌چون کانون اصلاح و تربیت با هم‌بندان، خود بستر تبادل اطلاعات در راستای حرفه‌ای شدن می‌شود که لازم است توجه وافی به عملکرد این مراکز به عنوان مکانی جهت بازپروری جوانان اصلاح شده مبذول گردد. البته آزادی از این مراکز نیز معضلی است که باید قانون در نظر داشته باشد و حتی بعد از آزادی نیز نظارت بر جوانان بزه‌دیده انجام شود تا آنجا که رفت و آمد آنان با اشخاص یا اماکن خاص کنترل گردد. از همه مهمتر اینکه در انگیزه مهاجرت نباید تفاوت در امکانات شهرهای بزرگ و کوچک به گونه ای باشد که جوانان از دور به لذت‌های غیرواقعی دل ببندند. بنابراین

1. weakness
2. opportunity
3. threats

مدیران و برنامه‌ریزان شهری باید ترتیبی اتخاذ کنند که با بسترسازی مناسب، امکان شکوفایی استعداد های جوانان در روستاها و شهرهای اقماری فراهم آید و جوانان به جای هجرت به کلانشهرها و مادرشهرها، تمایل به کسب رفاه بیشتر و زندگی بهتر در همین روستاها و شهرهای اقماری داشته باشند. بنابراین به نظر می‌رسد مناسب‌ترین اقدام در قبال این مسئله، اتخاذ روش‌هایی است که با تأکید بر مکانیزم‌های جامعه‌پذیری (خانواده، مدرسه، گروه دوستان، سازمان‌ها و رسانه‌ها) با ایجاد سرانه ورزشی، مکان‌های تفریحی، کتابخانه‌ها، فرهنگسراها، هیئت‌های مذهبی و آموزش‌های مناسب تبلیغاتی از طریق بیلبوردها، مراکز خرید، پاساژها و نظایر آن، به فرآیند پیشگیری از جرم پرداخت، زیرا اگر این امکانات و تسهیلات نادیده انگاشته شوند، آنگاه نوجوانانی که هیچ فضایی برای پُر کردن تفکر خلاق، شکوفایی استعدادها و بهره‌وری نیروی کار خود ندارند و همزمان مکان‌های نامناسب و نامتعارف - مثل قهوه‌خانه‌ها، سفره‌خانه‌ها و ... - بیشترین جاذبه را برای آنان به ارمغان می‌آورند، خود به خود زمینه‌ساز جرم و آموزشگاهی مفید در مسیر انحرافات اجتماعی و نابهنجار شدن جامعه (استان البرز) خواهد بود. بنابراین بر مبنای ابعاد چهارگانه مدل سوات^۱ (قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها) می‌توان به راهبردهای زیر اشاره نمود:

۱. راهبردهای تهاجمی (SO): تأکید به توسعه شهرهای مبدأ، زمینه‌سازی و مساعد کردن بستر سرمایه‌گذاری دولت در بخش‌های محروم از خدمات و امکانات رفاهی و تشکیل NGOهایی جهت اشتغال‌زایی؛
 ۲. راهبردهای تنوع (ST): تبلیغات تلویزیونی و دادن خوراک فرهنگی به جوانان، ایجاد فرصت‌های شغلی در شهرهای محروم و مهاجر فرصت، ایجاد فرهنگ کتاب‌خوانی و آگاهی به قوانین و تنوع بخشی به امکانات رفاهی؛

۳. راهبرد های بازنگری (WO): بازنگری در قوانین مربوط به اطفال، بازنگری در شیوه انجام کار در کانون اصلاح و تربیت و بازنگری در مورد روش‌های برخورد با اطفال بزهکار؛

۴. راهبردهای تدافعی (WT): تدوین مقررات ویژه اطفال، توسعه خدمات و امکانات در زمینه‌های گوناگون رفاهی در مکان‌های مهاجر فرصت، ایجاد بستر مناسب جهت شکوفایی و نیل به اهداف متعارف و آموزش مناسب بویژه آموزش مربیان کانون جهت باز پروری جوانان.

منابع

- آراسته خو، محمد. (۱۳۶۹). نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی اجتماعی. تهران: گستره
- باتومور، تام. (۱۳۵۷). جامعه‌شناسی. حسن منصوروو حسن حسینی کلجاهی. تهران: کتاب های جیبی
- بریس، نیکلا؛ کمپ، ریچارد و سنلگار، رُزمی. (۱۳۸۳). تحلیل داده‌های روانشناسی با برنامه SPSS. خدیجه علی‌آبادی و علی صمدی. تهران: دوران
- بیرو، آلن. (۱۳۶۷). فرهنگ علوم اجتماعی. باقر ساروخانی. تهران: کیهان
- توکل، محمد. (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی علم. موسسه فرهنگی تهران: نص
- دواس، دیوید. (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. هوشنگ نائی. تهران: نی
- دواس، دیوید. (۱۳۷۶). روش پیمایشی در تحقیق اجتماعی. مریم رفعت جاه و رخساره کاظم. تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب
- رایبنگتن، ارل و واینبرگ، مارتین. (۱۳۸۲). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی. رحمت اله صدیق سروستانی. تهران: دانشگاه تهران
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۶). توسعه و تضاد (کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران). تهران: دانشگاه شهید بهشتی
- روشه، گی. (۱۳۷۵). سازمان اجتماعی (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی). هما زنجانی زاده. تهران: سمت
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. جلد ۳. تهران: دیدار
- سرمد، زهره؛ حجازی، الهه و بازرگان، عباس. (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه
- صدفی، ذبیح‌اله. (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی تحلیلی تبلیغات و پیام‌های رسانه‌ای. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی
- صدفی، ذبیح‌اله. (۱۳۹۴). روش‌های تحلیل آماری پیشرفته (جلد اول). تهران: دانشگاه آزاد اسلامی
- صدفی، ذبیح‌اله. (۱۳۹۴). روش‌های تحلیل آماری پیشرفته (جلد دوم). تهران: دانشگاه آزاد اسلامی
- صدفی، ذبیح‌اله و بابائی، سکینه. (۱۳۸۲). تکنیک‌های خاص تحقیق (با تکیه بر برنامه‌آماري SPSS). تهران: ورجاوند
- صدفی، ذبیح‌اله و بابائی، سکینه. (۱۳۸۳). مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. زنجان: مهدیس
- صدیق سروستانی، رحمت اله. (۱۳۸۳). رویکردی جامعه‌شناختی به دختران امروز. تهران: وزارت آموزش و پرورش
- کرلینجر، فرد. (۱۳۷۴). مبانی پژوهش در علوم رفتاری. حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند. جلد ۱، تهران: آوای نور
- کرلینجر، فرد و پدهازور، الازار. (۱۳۶۶). رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری. حسن سرائی. جلد ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- کلاین، پُل. (۱۳۸۰). راهنمای آسان تحلیل عاملی. جلال صدرالسادات و اصغر مینائی. تهران: سمت
- کنیگ، ساموئل. (۱۳۵۵). جامعه‌شناسی. مشفق همدانی. تهران: سیمرخ
- گسن، ریموند. (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی. مهدی کی‌نیا. تهران: نشر مترجم
- گوریچ، ژرژ. (۱۳۵۲). درآمدی به جامعه‌شناسی حقوقی. حسن حبیبی. تهران: دانشگاه تهران
- محسنی تبریزی، علیرضا و شیرعلی، اسماعیل. (۱۳۸۸). "عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی". فصلنامه

پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۲.

- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۰). "پیگانگی". نامه علوم اجتماعی. جلد ۲، شماره ۲. دانشگاه تهران
- محمدی اصل، عباس. (۱۳۸۵). بزهکاری نوجوان و نظریه‌های انحراف اجتماعی. تهران: نشر علم
- معظمی، شهلا. (۱۳۸۹). بزهکاری کودکان و نوجوانان. تهران: نشر دادگستر
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). نظریه‌ها و دیدگاه‌های انحرافات اجتماعی. تهران: شرکت سهامی انتشار
- مهاجرین، رضا. (۱۳۸۳). "تأثیر حاشیه‌نشینی بر میزان بزهکاری در کلانشهرها". پایان نامه کارشناسی ارشد.
- مهدوی، محمدصادق و صدفی، ذبیح‌اله. (۱۳۷۴). "بررسی عوامل مؤثر در انحرافات اجتماعی". پژوهشنامه علوم انسانی. شماره ۱۷. دانشگاه شهید بهشتی.
- میرزائی، محمد. (۱۳۸۰). "طرحی از مسائل اجتماعی با تکیه بر مسئله طلاق و روند تغییرات آن در ایران". نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران. شماره ۴.
- نقسون، مارکوس و کلارک، رونالد. (۱۳۸۸). فرصت و بزهکاری. محسن کلانتری و حمید قزلباش. تهران: دانش
- ویمر، راجر و دومینیک، جوزف. (۱۳۸۴). تحقیق در رسانه‌های جمعی. کاوس سید امامی. تهران: سروش



نگرش به خودکشی، اوتانازی و مرگ هراسی بر حسب نوع دین داری (مطالعه موردی: دانشجویان ۱۹-۲۷ ساله دانشگاه خوارزمی)

مسعود زمانی مقدم^۱
موسی افضلیان سلامی^۲
سید حسین سراج زاده^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۲/۲

امروزه جوانان به‌ویژه دانشجویان ایرانی تحت تأثیر ویژگی‌ها و عناصر دنیای مدرن قرار گرفته‌اند. از این رو، نگرش آن‌ها نسبت به خودکشی، اوتانازی و مرگ هراسی نیز دستخوش تغییر شده است. این مقاله، نگرش آن‌ها پیرامون پدیده‌های مذکور را با توجه به وضعیت دین‌داری‌شان مطالعه می‌کند. مقاله حاضر در پارادایم تفسیرگرایی و با استراتژی استقهامی و روش کیفی صورت گرفته است. داده‌های پژوهش با نمونه‌گیری هدفمند و نظری و از طریق مصاحبه‌باز و عمیق با هفده دانشجوی ۱۹-۲۷ ساله در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی گردآوری شده است و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده، از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. مطابق با یافته‌های پژوهش، مقولات «دین داری»، «خانواده» و «نگرش به جهان پس از مرگ» به ترتیب به‌عنوان شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر در مقولات پیامدی «خودکشی»، «اوتانازی» و «مرگ هراسی» تأثیرگذارند. برآیند و نتایج تحقیق نشان‌دهنده محوری بودن نوع دین داری دانشجویان در نگرش آن‌ها پیرامون مقولات پیامدی مذکور است. از این رو، مقوله کانونی، «نگرش دینی/عرفی پیرامون خودکشی، اوتانازی و مرگ هراسی» است. با توجه به تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های اعتقادی و دینی دانشجویان در سال‌های اخیر، لازم است که وضعیت نگرش آن‌ها نسبت به خودکشی، اوتانازی و مرگ

۱ دانشجوی دکتری، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: masoudzmp@yahoo.com

۲ دانشجوی دکتری، جامعه‌شناسی توسعه، دانشگاه یزد، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، خواف، خراسان رضوی، ایران

۳ دانشیار، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

هراسی با توجه به نوع دین داری آن ها بیشتر مورد مطالعه قرار بگیرد. همچنین، باید در نظر داشت که فهم مسائل مرگ در جامعه ایران با مسائل حوزه دین درآمیخته است که بدون توجه به آن، فهمی کافی و مناسب به دست نمی آید.

واژگان کلیدی: دین داری، خودکشی، اوتانازی، مرگ هراسی و نظریه زمینه ای

مقدمه

مردن و مرگ، مقولات مهمی از تجربه بشری هستند که به گونه ای فرهنگی تعیین می شوند. تحقیقات مستند علوم اجتماعی این واقعیت را نشان می دهند که افراد مردن را به عنوان یک فرآیند اجتماعی تعریف می کنند (Schulz et al, ۲۰۰۶: ۲۸۰). از سوی دیگر، در دوران جدید، رشته های متفاوت و متنوعی سعی کرده اند با نگاهی دقیق تر و منظم تر به مقوله مرگ و حواشی آن بپردازند. در واقع، مرگ شناسی به عنوان یک حوزه تحقیقاتی، در قرن بیستم از نظر علمی رشد قابل توجهی یافته است. البته گفتنی است که رشته جامعه شناسی در مقام علمی مدرن، دیرتر از دیگر رشته ها وارد این حوزه تحقیقاتی شد- هرچند که نگاه اجتماعی به تبیین و بررسی مرگ و مسائل مربوط به آن سابقه طولانی تری دارد. «نگرش به مرگ و مسائل پیرامون آن می تواند نه تنها در بین جوامع، بلکه درون یک جامعه در یک دوره زمانی نیز متفاوت باشد. در جوامع چند فرهنگی و از لحاظ اجتماعی متنوع، مرگ، مردن و سوگ، به شیوه های متفاوت در گروه های اجتماعی و قومی متفاوت تجربه می شوند» (Clarke, ۲۰۱۰: ۲۲۷).

افزون بر این، دین افراد در چگونگی نگرش آن ها به زندگی و مرگ، نقش تعیین کننده و مهمی را بر عهده دارد، زیرا ادیان همواره به مسئله مرگ و زندگی به طور جدی و مبسوط پرداخته اند. درواقع، نظام های فکری و اعتقادی و ارزشی متفاوت همواره نوعی موضع خاص نسبت به مرگ و زندگی داشته و دارند و از آنجا که مذاهب مختلف به ویژه ادیان ابراهیمی به جهان پس از مرگ باور دارند، مسائل مرگ را به نحوی خاص تفسیر می کنند که بی شک، این نگاه بر مؤمنان این ادیان تأثیر فراوان دارد. به عبارت دیگر، دین به مثابه یک نهاد اجتماعی تأثیرگذار می تواند رابطه مستقیمی با نگرش دانشجویان نسبت به خودکشی، اوتانازی و مرگ هراسی داشته باشد. از این رو، مرگ همواره برای انسان یک مسئله مهم بوده است و از این جهت، ادیان به عنوان نظام هایی ارزشی و فرهنگی که چارچوب معنایی خاص خود را در مورد هستی دارا هستند، نقش مهمی در پاسخ دادن به این مسئله بر عهده داشته اند. براینات می نویسد: «کیش مرگ، قهرمانان اسطوره ای، پرستش نیاکان و توتیمیس، همه اشکالی از دین هستند که ترکیبی از سازمان اجتماعی زندگی با تلاش هایی جهت روابط مؤثر با مرگ را نشان می دهند و به عنوان مدخلی بر یک نوع میل جاودانگی و فنا ناپذیری عمل می کنند» (Brayant, ۲۰۰۳: ۵).

از نظر پیتر برگر، کار دین تنها مشروع و درک پذیر کردن نظم اجتماعی نیست، بلکه تجاربی را که ممکن است موجب اژه هم گسیختگی اجتماعی شود، معقول می کند. دین، پدیده ها و تجارب حاشیه ای مانند مرگ را که خارج از تجربه روزمره ی آدمی می باشد را نیز مشروع و توجیه می سازد (همیلتون، ۱۳۸۷: ۲۷۳). در واقع، دین را می توان یک نظام و قلمروی نمادین در نظر گرفت و همان طور که برگر و لاکمن مدعی هستند، یکی از وظایف استراتژیک این قلمروی نمادین، فراهم آوردن توجیه برای تاریخچه زندگی فردی یا همانا «تشخیص» مرگ است. پس اثبات حقانیت یا توجیه مرگ، یکی از نتایج مهم قلمروهای نمادین است. همچنین، همه توجیه گری ها درباره مرگ باید وظیفه ای اساسی را انجام دهند و آن این است که فرد را قادر سازند که پس از مرگ نزدیکانش و نیز با پیش بینی مرگ خویش، با وحشت کمتری به زیستن در جامعه ادامه دهد و در انجام دادن امور معمولی روزمره خود دچار مشکل نشود (برگر و لوکمان، ۱۳۸۷: ۱۴۰). از سوی دیگر، هستی های انسانی در نظر ماکس وبر، اساساً یابنده معنا یا به بیان دقیق تر، هستی های جستجوگر معنا هستند و این امر انسان ها را به مقابله با فهم امر به ظاهر بی معنای مرگ فرا می خواند (کرایب، ۱۳۸۸: ۳۸۸). به هر حال، همان طور که آمی هوی می (Amy Hui-Mei, ۲۰۰۳) می گوید رابطه بین نگرش به مرگ و دین داری قابل توجه و مهم است. با وجود این، این رابطه بسیار پیچیده و بی نتیجه باقی مانده است. از این رو،

لازم است که این موضوع به صورت تجربی و جدی تر مورد بررسی قرار گیرد. در واقع، کم بودن تحقیقاتی اینچنین در ایران، ضرورت پرداختن به این موضوع را پر رنگ تر می کند. این پژوهش قصد دارد که با رویکردی جامعه شناختی، نگرش دانشجویان ۱۹-۲۷ ساله دانشگاه خوارزمی پیرامون خودکشی، اوتانازی و مرگ هراسی را مطالعه کند. بدین منظور پرسش های زیر مورد توجه و بررسی قرار گرفت:

۱. شرایط علی، زمینه ای و مداخله گر در شکل گیری نگرش دانشجویان نسبت به خودکشی، اوتانازی و مرگ هراسی چیست؟

۲. مرگ هراسی دانشجویان مورد مطالعه چگونه است؟

۳. نگرش دانشجویان نسبت به خودکشی و اوتانازی چیست؟

۴. نگرش دانشجویان نسبت به مرگ، چه پدیده کانونی را نشان می دهد؟

تعریف مفاهیم

خودکشی^۱ کنشی ارادی است که موجب مرگ فرد به دست خویش شود. قریشی و موسوی نسب (۱۳۸۷) مروری سیستماتیک بر بررسی های انجام شده در زمینه خودکشی و اقدام به خودکشی در ایران داشته اند. شیوع خودکشی در ایران ۴/۹ در ۱۰۰ هزار به دست آمد. شیوع خودکشی در ایران نسبت به آمار جهانی پایین تر و مهم ترین روش برای اقدام به خودکشی مسمومیت با داروها بوده است. زنان دو برابر مردان اقدام به خودکشی می کنند و روش شایع تر خودکشی در مردان حلق آویز کردن و در زنان خودسوزی است.

اوتانازی^۲ واژه ای یونانی و به معنای مرگ خوب^۳ است. اوتانازی یعنی پایان دادن به زندگی بیماران لاعلاج با رضایت خود آن ها و یا رضایت خانواده شان. هدف از اوتانازی، اتمام درد و رنج بیماران و خانواده آن هاست. می توان از دو نوع اوتانازی فعال و منفعل نام برد. در نوع اول، بیمار لاعلاج و رنجوری که امیدی به بهبودی اش نیست را می کشیم، اما در نوع دوم می گذاریم که بمیرد (آقابابی، ۱۳۹۰: ۱۳۷).

مرگ هراسی^۴ یا ترس از مرگ به معنای هراس انسان از مردن است که در موارد بیمارگونه، فرد را به فویبای مرگ^۵ می کشاند. معمولاً چنین هراسی منجر به اضطراب های درونی فرد می شود. از این رو، مرگ هراسی با اضطراب مرگ^۶ نیز در ارتباط است.

پیشینه پژوهش

در مورد خودکشی تحقیقاتی در حوزه های روان شناسی و جامعه شناسی صورت گرفته است که می توان برخی از آن ها را نام برد. محمدخانی (۱۳۸۳) به همبودی نشانگان افسردگی و آشفتگی های روان شناختی با افکار خودکشی و اقدام به خودکشی در دختران مناطق پرخطر پرداخته است. نتایج نشان داد که افراد انتحاری (دارای افکار خودکشی و سابقه اقدام به خودکشی) در مقایسه با افراد غیرانتحاری (بدون افکار خودکشی یا افکار کم و بدون سابقه اقدام به خودکشی) به طور معناداری نشانگان افسردگی بیش تری داشتند. ارجایی (۱۳۹۰)، الگوهای بالینی شخصیت در افراد اقدام کننده به خودکشی و بهنجار را با هم مقایسه کرده است.

1. suicide
2. euthanasia
3. good death
4. fear of death
5. thanatophobia
6. death anxiety

یافته‌ها نشان می‌دهند که بیشترین تفاوت معنادار بین گروه‌ها، مربوط به الگوی بالینی افسرده است. افراد اقدام کننده به خودکشی بیش از افراد گروه گواه دارای الگوهای بالینی شخصیت نابهنجار هستند. شریفی پور و دیگران (۱۳۹۱) نقش افسردگی، استرس، شادکامی و حمایت اجتماعی در شناسایی افکار خودکشی دانشجویان را بررسی کرده‌اند. سازه‌های شادکامی، افسردگی، استرس و حمایت اجتماعی توانستند ۷۶ درصد تغییرات افکار خودکشی دانشجویان را تبیین کنند. افسردگی بیشترین مقدار رابطه و قدرت پیش بینی کنندگی را در مورد افکار خودکشی داشت. قادرزاده و پیری (۱۳۹۳) به مطالعه پدیدارشناختی اقدام به خودکشی در شهر آبدانان ایلام پرداخته‌اند. یافته‌های به‌دست‌آمده از تجربه زیسته اقدام کنندگان به خودکشی، نشان از درک خودکشی به مثابه تسهیل‌گری، سنت‌گریزی و واقعیت‌گریزی دارد. به همین جهت، احساس و درک متفاوتی نسبت به این اقدام در افراد مورد بررسی شکل گرفته است که دامنه آن از پذیرش تا طرد خودکشی در نوسان است. علیوردی و یوسفی (۱۳۹۳) تمایل به خودکشی در میان دانشجویان را بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فشار منزلی، فشار رابطه‌ای و حذف محرک مثبت با متغیر وابسته (تمایل به خودکشی) رابطه مستقیم و معناداری داشته‌اند.

در باب اوتانازی پژوهش‌های کمی در ایران انجام شده است که بیشتر نیز در حوزه اخلاق و فقه قرار می‌گیرند. بسامی (۱۳۸۶) اوتانازی را از دیدگاه اخلاق و ادیان مطالعه کرده است. دباغ (۱۳۸۶) به بررسی اوتانازی داوطلبانه غیرفعال از منظر اخلاق راس پرداخته است. همتی مقدم (۱۳۸۶) اوتانازی تقاضای بیمار و خودمختاری را موضوع بررسی خود قرار داده است. آقابابایی (۱۳۹۰) به تبیین موضوع و تحلیل اخلاقی اوتانازی می‌پردازد. اغلب ادیان با اوتانازی فعال مخالف‌اند، اما درباره برخی دیگر از انواع آن، موضع منعطف‌تری دارند. موافقان اوتانازی بیش از همه بر مفهوم خودمختاری تکیه دارند، اما مخالفان، دامنه گسترده‌ای از استدلال‌های اخلاقی و دینی تا نگرانی‌های کاربردی را مطرح می‌کنند. آقابابایی (۱۳۹۱) نقش رضایت مجنی علیه در مجازات اوتانازی را در رویکرد فقهی به این موضوع مطالعه کرده است.

پژوهش‌های انجام شده درباره مرگ هراسی و ترس از مرگ نیز بیشتر در حوزه روان‌شناسی بوده‌اند. سید حسین علیان‌سب در تحقیقی که به منظور بررسی رابطه دل‌بستگی به خدا و میزان اضطراب مرگ در بین طلاب حوزه علمیه قم و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم انجام شد، نتیجه گرفت: «اضطراب مرگ با دل‌بستگی ایمن به خدا رابطه منفی معنادار داشت و با افزایش میزان دل‌بستگی ایمن به خدا، سطح اضطراب از مرگ کاهش یافت و برعکس آن، بین دل‌بستگی نوع اجتنابی و دوسوگرا به خدا و اضطراب از مرگ رابطه مثبت معنادار دیده شد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که دل‌بستگی ایمن به خدا، در کنترل برخی مشکلات روانی از جمله اضطراب مرگ و بیماری‌هایی که به هر نحو با آن رابطه دارند، مؤثر است» (علیان‌سب، ۱۳۸۹: ۵۵). صدیقی (۱۳۹۲) به بررسی کودک، داستان کودک، و مواجهه با مفهوم مرگ تحلیل داستان «ساداکو و هزار درنای کاغذی» بر پایه نظریه کوبلر راس پرداخته است. در این پژوهش، داستانی واقع‌گرا از دختری دوازده‌ساله که به علت سرطان در آستانه مرگ قرار دارد، انتخاب و بر پایه نظریه «الیزابت کوبلر راس» تحلیل و تفسیر شده است. در این نظریه برای مواجهه با مرگ پنج مرحله انکار، خشم، چانه زدن، افسردگی، و پذیرش مطرح می‌شود. ساداکو مراحل اول و دوم روان‌شناسی سوگ یعنی انکار و خشم را به سرعت از سر می‌گذراند، اما در مرحله سوم، زندگی ساداکو و نیز خط روایت به سطح و موقعیتی متفاوت منتقل می‌شود. ساداکو با اسطوره، بازی و قصه بر این ترس غلبه می‌کند. از این منظر، سه‌گانه بازی، آیین و مرگ پیوند می‌یابند؛ به‌طوری‌که سرانجام این بازی - اسطوره یا بازی - قصه در سطح اول، ساداکو و اطرافیان او و در سطح دوم، همه مخاطبان داستان را به مرحله پذیرش و غلبه بر ترس از مرگ می‌رساند. نوحی و همکاران (۱۳۹۲) ترس از مرگ در سالمندان ساکن منازل را با سالمندان ساکن سرای سالمندان شهر اصفهان مقایسه می‌کنند. نتایج مطالعه نشان

داد که ترس از مرگ در سالمندان ساکن در منازل شهر اصفهان بیشتر از سالمندان ساکن در سرای سالمندان است.

مرور پیشینه تحقیق نشان دهنده این است که در ایران مطالعات جامعه شناختی اندکی درباره موضوع مرگ انجام شده است. افزون بر این، بیشتر این پژوهش ها با روش کمی و آماری انجام شده است. در نتیجه، مطالعه شکل گیری نگرش خودکشی، اوتانازی و مرگ هراسی افراد به طور کیفی و عمیق و با توجه به وضعیت دین داری آن ها، موضوع تازه ای است. به علاوه، در این موضوع خاص، هیچ مطالعه ای با روش نظریه زمینه ای، یعنی روش مقاله حاضر، انجام نشده است.

روش شناسی پژوهش

با توجه به موضوع و اهداف پژوهش، از نظریه زمینه ای که امروزه در بین چهارچوب های کیفی و تفسیری در علوم اجتماعی بیشترین کاربرد را دارد (Denzin, 1994: 508) استفاده شده است. کشف بدون پیش داوری های نظری عناصر معنایی و ذهنیت های زیرینی که به رفتارهای انسان جهت می دهند، عمده ترین هدف تحقیق کیفی است (محمد پور، ۱۳۹۲ الف). افزون بر این، دورانی بودن نیز یکی از نقاط قوت نظریه زمینه ای است، زیرا پژوهشگر را وامی دارد در پرتو سایر مراحل تحقیق، درباره کل فرایند تحقیق و تک تک مراحل آن به تأمل و بازاندیشی بپردازد (فلیک، ۱۳۹۱: ۱۱۰). درواقع، نحوه اندیشیدن مفهوم سازانه یکی از ویژگی های اصلی کار در نظریه زمینه ای است (Corbin, 2004).

در روش تحقیق کیفی بیشتر از نوعی روش نمونه گیری به نام روش نمونه گیری هدفمند استفاده می نمایند. در این پژوهش از نمونه گیری هدفمند ترکیبی استفاده شد. در این نوع نمونه گیری، پژوهشگر به ترکیب و استفاده از چند راهبرد نمونه گیری می پردازد. راهبردهای نمونه گیری هدفمندی که در این پژوهش استفاده شده اند، عبارت اند از: نمونه گیری شدت، نمونه گیری گلوله برفی، نمونه گیری ظهوریابنده و نمونه گیری نظری (محمدپور، ۱۳۹۲ ب). با توجه به مسئله تحقیق و از آنجا که هدف این پژوهش به نوعی بررسی باورهای دینی دانشجویان دانشگاه خوارزمی نیز می باشد، تصمیم گرفته شد در گام نخست، از دو سر طیف دین داری -دین داری و بی دینی- نمونه انتخاب شود و با دانشجویان در دو سر این طیف مصاحبه به عمل آید. این راهبرد نمونه گیری، نمونه گیری شدت نامیده می شود. همچنین، به دلیل فرهنگ عمدتاً مذهبی جامعه ایران، افراد بی دین از یک سو، شمار بسیار کمتری نسبت به افراد دین دار دارند و از سوی دیگر، معمولاً تمایل چندانی نیز ندارند که بی اعتقادی خود را در بین عموم بروز دهند، زیرا از واکنش جامعه و قانون حاکم بر آن هراس دارند. از این رو، شناسایی چنین افرادی برای مصاحبه دشوار است. برای حل این مشکل از روش نمونه گیری زنجیره ای گلوله برفی استفاده شد. علاوه بر این دو نوع نمونه گیری، نمونه گیری ظهوریابنده نیز در حین گردآوری و تحلیل داده ها مورد استفاده قرار گرفت؛ به طوری که روند تحقیق استفاده از این نمونه گیری را جهت شکل گیری نهایی سنخ بندی دین داری ضروری کرد. در آخر، برای تعیین تعداد افراد مصاحبه شونده از منطق اشباع نظری در نمونه گیری نظری استفاده شد. نمونه گیری نظری، نوعی گردآوری داده است که بر اساس مفاهیم در حال تکوین انجام می شود. در واقع، نمونه گیری نظری در نظریه برخاسته از داده ها از طریق روش تحلیل مقایسه ای ثابت صورت می گیرد. در این نوع نمونه گیری، اشباع داده ها وقتی به دست می آید که محقق احساس کند داده های جدید، اطلاعات تازه ای به تحقیق اضافه نمی کنند (استروس و کوربین، ۱۳۹۱). بنابراین، اشباع نظری با هفده مصاحبه حاصل شد که از این تعداد، یازده نفر مرد و شش نفر زن بودند که در بازه سنی نوزده تا سی سال قرار داشتند و در دو مقطع تحصیلی کارشناسی (هشت نفر)

و کارشناسی ارشد (نه نفر) مشغول به تحصیل بودند.

داده ها از طریق مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته گردآوری شد. البته در حین گردآوری داده ها، حساسیت نظری نیز مدنظر قرار گرفته شد؛ حساسیت نظری به معنای توانایی و توجه محقق به تغییرات و نکات ظریف در داده ها و واکنش نشان دادن به آن هاست (استروس و کوربین، ۱۳۹۱: ۵۷). سپس، مرحله کدگذاری صورت گرفت. به طور کلی می توان گفت که سطوحی از مفاهیم، مقولات و قضایای طی سه مرحله کدگذاری های باز، محوری و گزینشی حاصل می شوند. تحلیل و مقایسه مستمر و رمزگذاری منظم مفاهیم و مقولات کمک می کند که کار پژوهشگر انسجام لازم را داشته باشد. درواقع، پژوهشگر در مرحله کدگذاری باز بیشتر با مفاهیم سروکار دارد. همان گونه که کانون اصلی کدگذاری محوری، مقولات است و در آخر، قضایا در مرحله کدگذاری گزینشی وضوح کافی پیدا می کند (فراستخواه، ۱۳۸۷).

در مورد اعتبار یابی پژوهش باید گفت، گزینه های متفاوتی پیرامون معیارهای ارزیابی روش و نتایج تحقیق کیفی مطرح شده است. باوجوداین، گوبا و لینکلن (Guba and Lincoln, 1989) شش راهبرد برای اطمینان از اعتبار پژوهش ارائه کرده اند. پژوهش حاضر از چهار راهبرد آن جهت اعتباریابی نتایج استفاده کرده است:

- تعامل طولانی مدت با میدان مورد مطالعه و درک قابل قبول آن؛
- مشاهده مداوم به منظور مطالعه عمیق و توجه به جزئیات؛
- پرس و جو از همالان و گفتگو با کسانی که به طور مستقیم درگیر فرآیند پژوهش نیستند؛
- کنترل داده ها توسط اعضا و همخوانی تفسیر شرکت کنندگان از گزارش پژوهش با یافته ها و نتایج پژوهش.

یافته های پژوهش

پس از گردآوری داده های مصاحبه ای و متنی، تحلیل و کدگذاری در امتداد با نمونه گیری نظری آغاز شد. فرآیند انجام کدگذاری در نظریه زمینه ای مبتنی بر روش مقایسه های ثابت است. روش مقایسه های ثابت به تحلیل تطبیقی بخش های متفاوت داده ها برحسب شباهت ها و تفاوت ها اطلاق می شود (محمدپور، ۱۳۹۲ الف: ۳۲۶). بنابراین، ابتدا در مرحله کدگذاری باز شصت و نه مفهوم از مصاحبه های ثبت شده برداشت شد. سپس در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم به دست آمده به لحاظ محتوایی در شش مقوله عمده دسته بندی شدند و به پیوند منطقی شش مقوله اصلی پرداخته شد. در نهایت، کدگذاری گزینشی انجام شد. در این مرحله، پژوهشگر با مقولات به دست آمده به تدوین نظریه پرداخت. سپس مقوله کانونی را مشخص کرد. در واقع، این مقوله از نظر مفهومی، دربرگیرنده دیگر مقوله ها نیز می باشد. افزون بر این، مقولات اصلی در قالب ابعاد شریاطی و پیامدی مشخص شده و در پاسخ به چهار پرسش مذکور صورت بندی شده اند.

پرسش نخست: شرایط علی، زمینه ای و مداخله گر شکل گیری نگرش دانشجویان نسبت به خودکشی، اوتانازی و مرگ هراسی چیست؟

همان طور که در بخش روش تحقیق اشاره شد، در قسمت نمونه گیری، مصاحبه با دانشجویان مشارکت کننده در پژوهش با توجه به وضعیت دین داری آن ها انجام گرفت و بر همین اساس، افراد مورد مطالعه به لحاظ وضعیت دین داری در طیف چهارگانه (دین داری فعال، دین داری منفعل، ندانم گرایی و خداناباوری) قرار گرفتند. به عبارت دیگر، در فرآیند گردآوری داده ها و مصاحبه با اشخاص مورد نظر مشاهده شد که هرگاه بحث از مقولات خودکشی، اوتانازی و مرگ هراسی می شود، بحث از نوع دین داری نیز به میان می آید. دانشجویان دسته بندی شده در دو مورد نخست خداباور و دین دار و افراد دسته بندی شده در دو مورد بعدی

خداناباوری یا بی دین در نظر گرفته شده‌اند. البته باید گفت که انواع به‌دست‌آمده در مفهوم وبری آن هستند و همچون وسیله‌ای برای شناخت بهتر در این پژوهش به کار می‌آیند. به بیان دیگر، در واقعیت نمی‌توان به‌طور کامل افراد را در این چهار نوع آرمانی جای داد، چراکه دین و دین داری مفاهیمی پیچیده‌اند. باوجوداین، سنخ‌بندی مذکور کمک می‌کند که واقعیت بهتر شناخته شود و درکی منطقی و عقلانی‌تر از واقعیت پراکنده حاصل شود.

دین داری فعال: منظور از دین داری فعال در این مقاله، اعتقاد کامل به خدا و رعایت آداب و مناسک مذهبی است. چنین افرادی هیچ گونه شکّی در موجودیت خدا نمی‌کنند و به اصول و فروع دین معتقد و پایبند هستند و به جهان پس از مرگ باور راسخ دارند. ازاین‌رو، دین داری آن‌ها فعال نامیده می‌شود، چرا که دین داری آن‌ها نقشی فعال و مهم در زندگی شان بازی می‌کند.

دین داری منفعل: دین داری منفعل به آن دسته از افراد اشاره دارد که به خدا، دین و جهان پس از مرگ اعتقاد دارند، ولی گاهی اوقات نیز تردیدهایی در ذهن آن‌ها به وجود می‌آید. آن‌ها ممکن است چندان پایبند مناسک مذهبی نباشند و آنچه دین - به‌ویژه احکام عملی و اجتماعی دین - به آن‌ها حکم کرده است را کاملاً نپذیرند یا انجام ندهند. باوجوداین، چنین افرادی ایمان دینی دارند و دین دار محسوب می‌شوند. دین داری آن‌ها دین داری منفعل نامیده می‌شود، چون دین حضور گسترده و فعالی در زندگی این افراد ندارد.

ندانم گرایی^۱: ندانم گرایی به افرادی اشاره دارد که به موجودیت خدا شک دارند. درواقع، آن‌ها موضعی ندانم گرایانه نسبت به بحث اثبات یا رد وجود خدا دارند. از لحاظ دینی هم پایبند به دین و اصول نیستند. چنین افرادی ایمان مذهبی ندارند. ازاین‌رو، جزو بی دین ها در نظر گرفته می‌شوند.

خداناباوری^۲: خداناباوری نگرش افرادی را نشان می‌دهد که نه‌تنها اعتقادی به خدا ندارند، بلکه وجود آن را نیز رد می‌کنند. خداناباوران، به‌هیچ‌وجه به دین و اصول آن اعتقاد ندارند و نگاهی ماده‌گرایانه به جهان دارند. با توجه به توضیحات فوق می‌توان «وضعیت دین داری» دانشجویان را به‌عنوان شرایط علی در شکل‌گیری نگرش آن‌ها به مرگ در نظر گرفت. در واقع، این شرایط علی به وقوع پدیده مورد نظر منجر می‌شود (استراس و کوربین، ۱۳۸۷).

یک انسان کودکی اش را در خانواده می‌گذرانند و اجتماعی شدن اولیه او در این محیط صورت می‌پذیرد. ازاین‌رو، خانواده هم در نگرش به هستی پس از مرگ تأثیر دارد و هم نگرش دینی افراد را متأثر می‌کند. در نتیجه، بی‌دلیل نیست که وقتی در مورد نگرش به مرگ تحقیق می‌شود، نقش و تأثیر خانواده هم به میان می‌آید. نفوذ خانواده بر نگرش افراد به مسائل و ارزش‌ها با بزرگ‌تر شدن آن‌ها و جدایی آن‌ها از خانواده به‌ویژه با ورودشان به دانشگاه رو به کاهش می‌نهد. از آنجا که جامعه ایران بیشتر جامعه‌ای مذهبی است، بیشتر خانواده‌های افراد مورد مطالعه - حتی آن‌هایی که در حال حاضر بی دین و خداناباور هستند - نیز مذهبی بودند. با بررسی‌ای که در این مورد صورت گرفت، این نتیجه حاصل شد از آنجا که خانواده بستر اولیه برای پذیرش اعتقادات دینی را فراهم می‌کند، تأثیر فراوانی بر نگرش به مرگ و مسائل پیرامون مرگ در بین افراد دارد. باوجوداین، نگرش و جهان‌بینی افراد با تعاملی که با دوستانشان و با محیط خارج از خانواده - اجتماعی شدن ثانویه - پیدا می‌کنند، دستخوش تغییر می‌شود.

نمونه‌ای از پاسخ‌های دانشجویان در پاسخ به این‌که «فضای خانواده چه تأثیری بر اعتقادات دینی شما داشته است؟»:

• «بیشتر خودم در موردش فکر کردم، ولی شاید عملکرد دیگران به‌طور ناخودآگاه بر من تأثیر داشته،

1. agnosticism

2. atheism

عملکردی که نشان دهنده این است که خدا وجود ندارد. تجارب و فکر و عقل خودم و چیزهایی که دیده ام و خوانده ام بیشتر باعث شده چنین نگرشی پیدا کنم. تا ۱۹ سالگی به طور متناوب نماز می خواندم و در سنین کودکی زیاد می خواندم. دلیلش هم این است که در سن کودکی، لوح درون بشر پاک است و برای همین، چیزی را که به او می دهند زودتر فرا می گیرد» (خداناباور، مرد، دانشجوی کارشناسی ادبیات، ۲۷ ساله)

• «من اعتقاد به روح و جن و مابعدالطبیعه را کاملاً کنار نگذاشته ام. این را می دانم که اگر کسی بمیرد، بدنش تجزیه می شود و در نهایت به خاک تبدیل می شود. ولی باز هم مطمئن نیستم که روح نباشد. چون وقتی که بچه بوم، پدرم من را از روح و جن و ... می ترساند» (ندانم گرا، مرد، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی، ۲۵ ساله)

• «من در یک بستر دینی و خانواده دینی بوده ام. نسبت به خیلی ها، خانواده من خیلی مذهبی تر بودند، فضایی هم که در آن بزرگ شدم خیلی مذهبی بود. پدرم خیلی مواقع، آخرت را به من گوشزد می کرد» (دین دار فعال، دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی، ۲۴ ساله)

• «خانواده مذهبی دارم ولی نه شدید، نسبتاً عادی مثل بقیه، بعضی از افراد خانواده ام نماز و روزه را به جا نمی آورند. ولی همه معتقد هستند و ندیده ام تا حالا یکی از آن ها اعتقادات دینی را رد کند، هرچند زیاد هم در این باره با آن ها حرف نزده ام» (دین دار منفعل، زن، دانشجوی کارشناسی عمران، ۲۲ ساله)

محیط خانواده، زمینه را برای شکل گیری نظام ارزشی و اعتقادی افراد در کودکی فراهم می کند. در واقع، در خانواده و با اجتماعی شدن اولیه است که نگرش دینی یا غیر دینی و همین طور نگرش اولیه نسبت به مرگ ظهور می یابد. از این رو، خانواده را می توان به عنوان شرایط زمینه ای شکل گیری نگرش به خودکشی، اوتانازی و مرگ هراسی در بین دانشجویان مورد مطالعه تلقی کرد.

نگرشی که دانشجویان به هستی پس از مرگ دارند، در این مقاله به عنوان شرایط مداخله گر در شکل گیری نگرش به مرگ دانشجویان در نظر گرفته شده است. به علاوه، مسئله مرگ، به نوعی مسئله دنیای پس از مرگ را نیز مطرح می کند. با بررسی به دست آمده درباره این موضوع، مشخص شد که انواع نگرش به دین، مهم ترین تأثیر را در نگرش افراد به هستی پس از مرگ دارد. همان طور که مشاهده می شود، هم دین دار فعال و هم دین دار منفعل به هستی پس از مرگ اعتقاد - البته نه به شدتی یکسان - دارند، زیرا باور دینی آن ها، باور به دنیای پس از مرگ را بر ای شان بدیهی و حتمی جلوه داده است. با وجود این، معمولاً دین داران فعال، تصور روشن تر و یقینی تری از هستی پس از مرگ دارند، در حالی که دین داران منفعل، با این که به جهان پس از مرگ باور دارند ولی درباره چگونگی آن مطمئن نیستند و تصور مبهم تری از آن دارند. یک ندانم گرا در تردید کامل نسبت به وجود هستی پس از مرگ به سر می برد. با وجود این، این تردید چندان برای او مسئله ساز نیست، زیرا او دست کم از لحاظ باور دینی، به ندانم گرایی اش باور پیدا کرده است و همین امر موجب شده که نه دغدغه دین را داشته باشد و نه دغدغه هستی پس از مرگی را که دین وعده داده است. یک خداناباور، برداشت دینی از جهان پس از مرگ را کاملاً رد می کند.

پرسش دوم: مرگ هراسی دانشجویان چگونه است؟

بدون شک وقتی بحث از مرگ به میان می آید، هراس از مرگ نیز مطرح می شود. در این مقاله موضوع ترس از مرگ مورد توجه واقع شد و نتایج زیر حاصل شد:

یک دین دار فعال بیش از این که از خود مرگ بترسد، از دنیای پس از مرگ می ترسد:

• «از این می ترسم که بعد از مرگ چه می شود، چه وضعیتی پیدا می کنم و چه بلایی سرم می آید. آدم اگر کارهای خوبی انجام بدهد، وجدان راحت تری دارد و کمتر از مرگ می ترسد»

یک دین دار منفعل هرچند اضطراب دنیای پس از مرگ را دارد، ولی بیشتر نگاهی این دنیایی اتخاذ می کند:

• «از مرگ می ترسم. از این می ترسم که این دنیا را از دست بدهم. زندگی را دوست دارم، البته آدم اگر کارهای خوبی انجام بدهد، وجدان راحت تری دارد و کمتر از مرگ می ترسد.» (زن، دانشجوی کارشناسی ارشد تربیت بدنی، ۲۷ ساله)

یک ندانم گرا جواب می دهد:

• «از مرگ نمی ترسم. یک روزی می میرم، همه یک روزی می میرند، امری طبیعی است... باوجوداین، به نوعی هم از مرگ می ترسم، ولی نه ترس از این که در آن دنیا چه می شود، بلکه ترس از اینکه با مرگم کارهایی را که می توانم در این دنیا انجام بدهم، فرصت نکنم و نتوانم انجام بدهم.» (مرد، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی، ۲۵ ساله)

پاسخ خداناباوران این گونه است:

• «از مرگ نمی ترسم، یک مسئله ساده است. مرگ یک واقعیت طبیعی است. شاید منفی ترین وجه مرگ این باشد که مادرم از مرگم ناراحت می شود، وگرنه خودم شخصاً مشکلی با آن ندارم. اصلاً نگرانی برای پس از مرگ ندارم. حتی یک درصد هم نگران این نیستم که بعد از مرگم چه می شود. تقریباً پرونده آن را بسته ام و کنار گذاشته ام.» (مرد، دانشجوی کارشناسی پژوهشگری اجتماعی، ۲۱ ساله)

با توجه به یافته های تحقیق می توان گفت که ترس از مرگ رابطه مستقیمی با نگرش به هستی پس از مرگ دارد. به عبارت دیگر، وضعیت دین داری افراد تأثیر مهمی بر چگونگی ترس از مرگ آنها دارد. به نظر می رسد دین داران به دلیل اعتقادی که به جهان پس از مرگ دارند، بیشتر از مرگ و مردن می ترسند. در واقع، ترس آنها از جهان پس از مرگ، ترسشان از مرگ و مردن را تشدید می کند - هرچند دین داران نیز از این می ترسند که با مردن، زندگی شان را از دست بدهند. در طرف دیگر، خداناباوران ترسی از جهان پس از مرگ و آنچه ادیان وعده داده اند ندارند، بلکه اگر ترسی هم دارند ناشی از دست دادن زندگی کنونی شان است. باوجوداین، خداناباوران نیز از آنجاکه معمولاً با دیده تردید به هستی پس از مرگ می نگرند، در ابهامی نسبت به مرگ به سر می برند که می تواند دلیلی بر ترس احتمالی شان باشد. علاوه بر این، به نظر می رسد خداناباوران ترس کمتری نسبت به مرگ از خود بروز می دهند، زیرا مرگ را به عنوان واقعیتی طبیعی و همچون پایان راه می پندارند و نه به عنوان واقعیتی الهی و دریچه ای به جهانی دیگر.

پرسش سوم: نگرش دانشجویان نسبت به خودکشی و اوتانازی چیست؟

خودکشی و اوتانازی، دو مقوله ای هستند که به لحاظ چگونگی مردن، نگرش نسبت به مرگ را با توجه به وضعیت دین داری نشان می دهند، زیرا حکایت از نگرش به انواع مرگ آگاهانه دارند. به طور کلی، پیوند معناداری بین وضعیت دین داری و خودکشی و اوتانازی وجود دارد. به عبارت دیگر، افراد دین دار با توجه به اینکه دین آنها خودکشی و اوتانازی را ممنوع و محکوم کرده است، مخالف این نوع مردن هستند. به نظر آنها، خدا به انسان زندگی داده است و خدا هم باید زندگی را از انسان بگیرد. خودکشی و اوتانازی از نظر این افراد گناه محسوب می شود:

• «اوتانازی کار درستی نیست و دین هم آن را منع کرده است. مرگ دست خداست. خدا خودش به انسان جان داده و آن را هم خودش از انسان می گیرد. دخالت در کار خدا، گناه بزرگی است.» (دین دار فعال)

• «به نظرم کسی که خدا را فراموش کرده است می تواند با اوتانازی موافق باشد. خدا می تواند بیماران را شفا بدهد. انسان این حق را ندارد که به این خودکشی دست بزند.» (دین دار منفعل)

علاوه بر این، افراد دین دار برای مخالف با خودکشی دلایل دیگری هم دارند:

• «خودکشی به نظرم کار اشتباهی است، چون هم گناه است و هم نشانه ضعف شخصیتی است.»

اما نگاه بی دین ها نسبت به خودکشی و اوتانازی با دین داران متفاوت است:

• «خوشبختانه تا حالا به خودکشی فکر نکردم، به نظرم خودکشی به شرایط بستگی دارد و در بعضی مواقع خودکشی امری اخلاقی است. مثلاً وقتی یک نفر را بگیرند و بگویند که یا باید دوستش را لو بدهد یا کشته بشود، به نظرم اخلاقی تر این است که خودش را بکشد. یا وقتی فرد می داند که نمی تواند عضو مفیدی برای جامعه باشد و برای جامعه مخرب است، به نظرم خودکشی خیلی بهتر است.» (خداناباور)

• «خودکشی کار درستی نیست. چون نشانه کم آوردن است. تا حالا اصلاً به خودکشی فکر نکردم.» (خداناباور)

• «من شخصاً خیلی به خودکشی فکر می کنم، ولی راستش احساس می کنم که خودکشی چیزی را حل نمی کند و نمی خواهم با خودکشی ام اطرافیانم را ناراحت کنم. البته در مواردی هم باید به کسانی که خودکشی می کنند حق داد، چرا که در وضعیت بدی قرار می گیرند.» (ندانم گرا)

• «من اصلاً با اوتانازی مخالف نیستم، حتی به نظرم در مواردی کار درستی است. وقتی یک نفر امیدی به بهبودش نیست و علم پزشکی نمی تواند برای او کاری بکند و در حال رنج کشیدن است، اوتانازی بهترین راه حل ممکن است، چون هم خودش راحت می شود و هم نزدیکان راحت می شوند. آدم با شرافت بمیرد، بهتر از این است که با ذلت زندگی کند.» (خداناباور)

همان طور که مشاهده می کنیم، بی دین ها اگر هم مخالف خودکشی و اوتانازی هستند نه به دلیل باورهای دینی بلکه به دلایل شخصی تر است. در واقع، در موارد بسیاری، بی دین ها با اوتانازی موافق اند، زیرا آن را مثبت ارزیابی می کنند. این افراد رویکردی نسبی گرایانه در برابر خودکشی دارند. به طور کلی می توان گفت که نگاه بی دین ها به این مقوله، انسان محور است، درحالی که نگاه دین داران بیشتر خدا محور می باشد. البته گفتنی است که نوعی از خودکشی در راه ارزش ها وجود دارد که در ادبیات دین داران، «شهادت» نامیده می شود و از آنجا که دین داران شهادت را خودکشی به معنای مصطلح آن تلقی نمی کنند، در این پژوهش نیز، شهادت زیر مبحث خودکشی قرار نگرفته است.

پرسش چهارم: نگرش دانشجویان نسبت به مرگ، چه پدیده ی کانونی را نشان می دهد؟

با توجه به مباحث مطرح شده و تفسیرهایی که از این مقوله ها به عمل آمد، می توان مقوله کانونی را «نگرش دینی/عرفی پیرامون خودکشی، اوتانازی و مرگ هراسی» نامید. مقوله کانونی از نظر مفهومی دربرگیرنده همه مقوله های عمده است. این مقوله همچنین از بالاترین سطح انتزاع برخوردار است. درواقع، باید گفت نگرش دانشجویان جوان دانشگاه خوارزمی نسبت به خودکشی، اوتانازی و مرگ هراسی بیش از هر چیز نشان دهنده جهان بینی دینی/عرفی آن هاست. به عبارت دیگر، این جهان بینی دینی و یا غیر دینی دانشجویان است که نگرش به مرگ و مسائل پیرامون آن را نزد آن ها شکل می دهد. کشف این مقوله در مقاله حاضر به این معناست که در بررسی مقولات مذکور، باید به جهان بینی دینی و یا عرفی افراد بسیار توجه داشت. در جدول ۱ مقایسه مقولات به دست آمده با توجه به نگرش دینی/عرفی نسبت به سه پدیده خودکشی، اوتانازی و مرگ هراسی ارائه شده است.

جدول ۱: مقایسه مقولات نگرش دانشجویان نسبت به خودکشی، اوتانازی و مرگ هراسی با توجه به جهان بینی آن ها

ردیف	جهان بینی دینی (دینداری فعال و منفعل)	جهان بینی عرفی (ندانم گرایی و خداناباوری)
خودکشی	مخالف گناه پنداشتن خودکشی نشان ضعف تلقی کردن خودکشی	عمدتاً مخالف نشان ضعف تلقی کردن خودکشی بیهوده بودن خودکشی

اوتانازی	مخالف گناه پنداشتن	در مواردی موافق
مرگ هراسی	ترس از عاقبت دنیای پس از مرگ	ترس از تمام شدن دنیای قبل از مرگ

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با رویکردی اکتشافی به مطالعه نگرش دانشجویان ۱۹-۲۷ ساله دانشگاه خوارزمی پیرامون خودکشی، اوتانازی و مرگ هراسی پرداخت. در واقع، هدف این مقاله بیش از توصیف و تبیین، اکتشاف است. از طریق نظریه برخاسته از داده ها سعی می شود که نظریه ای نظام مند و اکتشافی برای توضیح یک پدیده فراهم شود. پس، کار پژوهشگر در نظریه برخاسته از داده ها، کشف مقولات و فهم روابط بین آن هاست. در این روش، محقق در ضمن گردآوری داده ها و با پشتوانه ای از حساسیت نظری، مقوله اصلی و پدیده قانونی تحقیق خود را اکتشاف می کند، به مفاهیم و مقولات پیرامون آن دست می یابد و در فهم روابط آن و تنظیم و صورت بندی نظری آن ها می کوشد (فراسخو، ۱۳۸۷). از این رو، نخستین مبحثی که این مقاله به آن پرداخت، کشف موضوع ها و مقولات مهمی است که پیرامون نگرش به مرگ مطرح می شوند. نتایج مطالعه نشان می دهد شرایطی که در شکل گیری نگرش دانشجویان مشارکت کننده در تحقیق نسبت به مرگ مؤثرند، عبارت اند از: وضعیت دین داری (شرایط علی)، خانواده (شرایط زمینه ای) و نگرش به هستی پس از مرگ (شرایط مداخله گر). افزون بر این، شرایط مذکور بر مقولات خودکشی، اوتانازی و مرگ هراسی تاثیر گذارند. برآیند این مطالعه حاکی از این است که جهان بینی دینی/عرفی دانشجویان مورد مطالعه، مقوله اصلی در جهت گیری و شکل گیری نگرش آن ها پیرامون خودکشی، اوتانازی و مرگ هراسی می باشد. در واقع، دانشجویان دین دار با جهان بینی دینی به مرگ می نگرند و دانشجویان بی دین با جهان بینی عرفی. این پیوند میان دین باوری و مرگ اندیشی، تأییدکننده تحقیقاتی است که به این موضوع پرداخته اند (Amy Hui-Mei, ۲۰۰۳؛ راستگوسی سخت، ۱۳۸۸؛ تابعی و یوسفی، ۱۳۹۰؛ یزدانی، ۱۳۹۱). البته جهان بینی دانشجویان در محیط خانواده و با فرایند اجتماعی شدن اولیه شکل می گیرد- هر چند نقش خانواده در جهان بینی دانشجویان مورد مطالعه با ورود آن ها به دانشگاه کم رنگ تر می شود. از سوی دیگر، جهان بینی دانشجویان مشارکت کننده در تحقیق شامل نگرش آن ها نسبت به هستی پس از مرگ هم می شود.

در مورد وضعیت دین داری و هراس از مرگ تحقیقاتی انجام شده که همگی به این نتیجه رسیده اند افرادی که اعتقاد و دلبستگی قوی به دین دارند و به وجود جهان پس از مرگ یقین دارند، کمتر از مرگ می ترسند و نگرانی کمتری نسبت به مردن دارند (Amy Hui-Mei, ۲۰۰۳: ۶). با وجود این، نتایج پژوهش حاضر خلاف تحقیقات مذکور است؛ یعنی درحالی که دین داران ممکن است به دلیل نگرانی از کارنامه عملشان برای آن جهان نسبت به آنچه بعد از مرگشان با آن مواجه می شوند نگران باشند، بی دین ها با تلقی مرگ به عنوان تمام شدن همه چیز برای آن ها، از مرگ و آنچه بعد از آن با آن رو به رو می شوند، نگرانی و ترسی ندارند. این نتایج، تأییدکننده آن است که از نظر ساختار شخصی، افراد مرگ را به عنوان یک دگرگونی بنیادین در نظر می گیرند. از این رو، افرادی که اعتقادات مذهبی قوی تری دارند و به واسطه آن به جهان پس از مرگ باور دارند، مرگ را کمتر یک تهدید برای موجودیت خود تلقی می کنند (Amy Hui-Mei, ۲۰۰۳). می توان به پژوهش فیفل در سال ۱۹۵۹ در راستای همخوانی آن با نتیجه این پژوهش اشاره کرد؛ فیفل نشان داد که افراد مذهبی،

اضطراب و نگرانی بیشتری از مرگ دارند (Dezutter et al, ۲۰۰۹: ۷۵).

دین داران، مخالف خودکشی و اوتانازی هستند و آن را گناه می دانند، در حالی که مخالفت بی دین ها با خودکشی نه به دلیل گناه بودن آن بلکه به دلیل بیهوده بودن آن است. بی دین ها، نسبت به اوتانازی نگاه مثبت تری دارند و در مواقعی آن را به زندگی رنج بار ترجیح می دهند. در آخر باید گفت که برای قرن ها، مردم تلاش کرده اند تا نگرانی شان نسبت به مرگ را از طریق اشکال مختلف دین به حداقل برسانند و یا از بین ببرند (Amy Hui-Mei, ۲۰۰۳). این مقاله نیز تلاشی در جهت فهم پیوند دین داری و نگرش دانشجویان مورد مطالعه نسبت به خودکشی، اوتانازی و مرگ هراسی به شمار می آید. از آن جا که هیچ پژوهشی نمی تواند مدعی شود که یک پدیده را به گونه ای جامع و کامل بررسی و مطالعه کرده است، مقاله حاضر نیز می تواند به عنوان یک تلاش اکتشافی در مرگ پژوهی تلقی شود که علی رغم نقایص آن، مبنایی برای تحقیقات آتی قرار گیرد. از سوی دیگر، با توجه به تغییر نگرش ها و ارزش های اعتقادی و دینی دانشجویان در سال های اخیر، لازم است که وضعیت تکثر و تغییر اعتقادی آن ها بیشتر مورد مطالعه قرار بگیرد. همچنین، باید در نظر داشت که فهم مسائل مرگ در جامعه ایران با مسائل حوزه دین درآمیخته است که بدون توجه به آن، فهمی کافی و مناسب به دست نمی آید.

منابع

- آقابابایی، اسماعیل. (۱۳۹۱). "نقش رضایت مجنی علیه در مجازات قتل از روی ترحم (اتانازی)". فقه. ۷۲، ۳۳-۶۱.
- آقابابایی، ناصر. (۱۳۹۰). "تبیین موضوع و تحلیل اخلاقی اتانازی. معرفت اخلاقی"، فقه. ۹، ۱۳۷-۱۵۲.
- ارجایی، زینب؛ نصیری، فرزاد و علیلو، مجید محمود. (۱۳۹۴). "مقایسه الگوهای بالینی شخصیت در افراد اقدام کننده به خودکشی و بهنجار". تحقیقات علوم رفتاری. ۴۰، ۱۵۵-۱۶۳.
- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۸۷). اصول روش تحقیق کیفی نظریه مبنایی: رویه ها و شیوه ها. بیوک محمدی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- استراس، آنسلمو کوربین، جولیت. (۱۳۹۱). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای. ابراهیم افشار. تهران: نشر نی
- برگر، پتر و لوکمان، تامس. (۱۳۸۷). ساخت اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه شناسی شناخت. فریبرز مجیدی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- بسامی، مسعود. (۱۳۸۶). "اتانازی از دیدگاه اخلاق و ادیان". اخلاق پزشکی. ۲، ۱۶۹-۱۹۶.
- پورشریفی، حمید؛ حبیبی، مجتبی؛ زرانی، فریبا؛ عاشوری، احمد؛ حفاظی، میترا؛ حاجبی، احمد و بوالهری، جعفر. (۱۳۹۱). "نقش افسردگی، استرس، شادکامی و حمایت اجتماعی در شناسایی افکار خودکشی دانشجویان". روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران. ۶۹، ۹۹-۱۰۷.
- دباغ، سروش. (۱۳۸۶). "بررسی اتانازی داوطلبانه غیر فعال از منظر اخلاق راس". اخلاق پزشکی. ۱، ۴۵-۶۲.
- صدیقی، مصطفی. (۱۳۹۲). "کودک، داستان کودک و مواجهه با مفهوم مرگ تحلیل داستان «ساداکو و هزار درنای کاغذی» بر پایه نظریه کوبلر راس". تفکر و کودک. ۸، ۵۳-۷۳.
- علیانسنب، سیدحسین. (۱۳۸۹). "بررسی رابطه دین‌داری و اضطراب مرگ در بین دانشجویان و طلاب شهر قم". روان شناسی دین. ۱، ۵۵-۶۸.
- غلیوردی نیا، اکبر و یوسفی، ندا. (۱۳۹۳). "تمایل به خودکشی در میان دانشجویان: آزمون تجربی نظریه فشار عمومی اگنیو". جامعه شناسی کاربردی. ۵۴، ۶۱-۷۹.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۷). "آینده اندیشی درباره کیفیت آموزش عالی ایران؛ مدلی برآمده از نظریه مبنایی (TG)". پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. ۵۰، ۶۷-۹۵.
- فلیک، اووه. (۱۳۹۱). درآمدی بر تحقیق کیفی. هادی جلیلی. تهران: نشر نی
- قادرزاده، امید و پیری، کامیار. (۱۳۹۳). "مطالعه پدیدارشناختی اقدام به خودکشی در شهر آبدانان ایلام". مجله جامعه شناسی ایران. ۴۴، ۳-۲۹.
- قریشی، سیدابوالفضل و موسوی نسب، نورالدین. (۱۳۸۷). "مرور سیستماتیک بررسی های انجام شده در زمینه خودکشی و اقدام به خودکشی در ایران". روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران. ۵۳، ۱۱۵-۱۲۱.
- کرایب، یان. (۱۳۸۸). نظریه اجتماعی کلاسیک: مقدمه‌ای بر اندیشه مارکس، وبر، دورکیم، زیمل. شهناز مسمی پرست. تهران: آگه
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). الف. روش تحقیق کیفی ضد روش ۱: منطق و طرح در روش شناسی کیفی. تهران: جامعه شناسان

- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). ب. روش تحقیق کیفی ضد روش ۲: مراحل و رویه های علمی در روش شناسی کیفی. تهران: جامعه شناسان
- محمدخانی، پروانه. (۱۳۸۳). "همبودی نشانگان افسردگی و اشفتهای روان شناختی با افکار خودکشی و اقدام به خودکشی در دختران مناطق پرخطر". رفاه اجتماعی. ۱۲، ۳۰۹-۳۲۴.
- نوحی، عصمت؛ کریمی، طیبهو ایران منش، صدیقه. (۱۳۹۲). "مقایسه ترس از مرگ در سالمندان ساکن منازل با سالمندان ساکن سرای سالمندان شهر اصفهان". سالمند. ۳۱، ۲۴-۳۱.
- همتی مقدم، احمدرضا. (۱۳۸۶). "اتانازی تقاضای بیمار و خود مختاری". اخلاق پزشکی. ۱، ۱۶۳-۱۷۶.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۸۷). جامعه شناسی دین. محسن ثلاثی. تهران: ثالث

- Amy Hui-Mei, H. L. (2003). "Factors Related to Attitudes Toward Death Among American and Chinese Older Adults". Journal of Death and Dying, 47 (1): 3-23.
- Brayant, C. et al. (2003). **A Handbook of Death and Dying**. London: Sage Publication
- Clarke, A. (2010). **The Sociology of Healthcare**. Harlow: Longman
- Corbin, J. (2004). "To Learn to Think Conceptually". In Conversation with Cesar A. Cisneros-Puebla: Qualitative Social Research [on-line Journal].
- Denzin, N. K. (1994). "The art and politics of interpretation". In Denzin, N. K. and Lincoln, Y.S (Eds). Handbook of Qualitative Research. Thousand Oaks: Sage, pp. 500-515.
- Dezutter, J. et al. (2009). "The role of religion in death attitudes: distinguishing between religious belief and style of processing religious contents". Death Study, 33 (1): 73-92.
- Guba, E. G. and Lincoln, Y. S. (1989). **Fourth Generation Evaluation**. Newbury Park, CA: Sage Publications.
- Schulz, R. et al. (2006). **The Encyclopedia of Aging**. Vol. I. New York: Springer Publishing Co. Inc.



کاربرد مدل تحلیل مسیر در تبیین شاخص های مؤثر بر موفقیت ورزشی تیم های ایران در رویدادهای بین المللی

غلامرضا شعبانی بهار^۱

نصراله عرفانی^۲

محمود گودرزی^۳

علی منصف^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱/۲۶

هدف از این پژوهش، تبیین شاخص های مؤثر بر موفقیت ورزشی تیم های ایران در رویدادهای بین المللی بود. جامعه آماری پژوهش، شامل مربیان، ورزشکاران و مدیران اجرایی چهار فدراسیون منتخب و همچنین مدیران کمیته ملی المپیک و وزارت ورزش و جوانان بود که به طور غیر تصادفی هدفدار انتخاب شدند. با استفاده از جدول مورگان ۱۵۳ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه استاندارد بررسی جو ورزش نخبگان (دی بوسچر و همکاران، ۲۰۱۱) شامل ۹۵ سوال بود. روایی محتوایی آن توسط متخصصان این حیطه مورد ارزیابی قرار گرفت و پایایی پرسشنامه نیز از طریق مطالعه مقدماتی با ۳۰ نفر و آزمون آلفای کرونباخ (۰/۹۳) به دست آمد. عوامل مؤثر بر موفقیت ورزشی تیم ها با استفاده از مدل تحلیل مسیر مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از بررسی نشان داد که دو عامل بیرونی حمایت مالی و عامل محیط قهرمانی با اثرکل به ترتیب $(P < 0/01)$ و $(P < 0/05)$ بر موفقیت ورزشی اثر معنی داری دارد. همچنین، متغیر سیستم مربیگری با ضریب استاندارد ۰/۳۴۸ بیشترین اثر و متغیرهای مشارکت

۱. دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۲. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، همدان، ایران

۳. استاد، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴. دانشجوی دکتری، مدیریت ورزشی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

ورزشی با ضریب استاندارد ۰/۰۳۵ و حمایت شغلی- ورزشی با ضریب استاندارد ۰/۱۳۴ کمترین اثر مستقیم را بر موفقیت ورزشی دارند. بدین ترتیب، مدیران و سیاست گذاران ورزشی می توانند با شناخت عوامل موفقیت، سرمایه گذاری و تمرکز مناسبی بر این عوامل داشته باشند.

واژگان کلیدی: موفقیت ورزشی، محیط قهرمانی، جو ورزش نخبگان، تحلیل مسیر و مربیان

مقدمه

با افزایش چشمگیر نقش ورزش در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی کشورها، پیشرفت در زمینه ورزش به یکی از اولویت های راهبردی برنامه ریزان در کشورهای مختلف دنیا تبدیل شده است (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴۶-۲۳۱). شرکت در مسابقات بین المللی برای ورزشکاران و مربیان با اهمیت بوده و انگیزه قوی در بین آن ها برای شرکت در این مسابقات به وجود می آورد (آرمند، ۱۳۷۴: ۸۱-۷۷). کسب عنوان در رویدادهای ورزشی بزرگ و بین المللی که درکانون توجه بسیاری از کشورها قرار دارد می تواند شرایط اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی یک جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو، بسیاری از کشورها در تلاش اند با برنامه ریزی، ورزشکارانی را آماده و روانه مسابقات کنند که موفقیت آنها را در رویدادهای بزرگ تضمین کنند (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴۶-۲۳۱). یکی از ابعاد ورزش که می تواند انگیزه های مناسبی برای ورزش کردن در افراد جامعه به ویژه جوانان ایجاد کند، ورزش قهرمانی است. پیروزی های بین المللی و به ویژه موفقیت در رقابت های المپیک در عرصه ورزش، به طور فزاینده ای موجب رشد و توسعه در بسیاری از کشورها شده است. این برتری و موفقیت ورزشکاران نخبه در عرصه بین المللی هویت و شخصیت ویژه ای به آن کشور می دهد. بر همین اساس، دولت ها تمایل بیشتری دارند با سرمایه گذاری مالی زیاد، موفقیت ورزشکاران نخبه خود را در عرصه بین المللی فراهم کنند که این مسئله به بسط و توسعه سازمان ها و سیستم های مرتبط با پرورش و توسعه ورزشکاران نخبه در بُعد ورزش قهرمانی منجر شده است (دی بوسچر^۱، ۲۰۰۹: ۲۱۵-۱۸۵). آنچه که در نظام ورزش بارز و هویداست، علاقه شدید به موفقیت و تمایل محققان و سیاست گذاران برای بررسی و تشریح این موفقیت ها به خصوص در رویدادهایی مانند رقابت های المپیک و جهانی است. با توجه به این نکته، مطالعات فراوانی از پایان قرن بیستم در مورد سیاست های کشورهای مختلف در قبال ورزش به انجام رسیده است. با توجه به اینکه تشریح موفقیت ورزشی و یافتن دلایل موفقیت خود پیش نیاز و زمینه ساز موفقیت های آتی است، اهمیت نگاه به این مسأله کاملاً ملموس است (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴۶-۲۳۱). از آنجایی که همه تلاش های وزارت ورزش و فدراسیون های ورزشی در هر کشور متمرکز بر تیم های ملی می باشد، لذا تیم ملی هر رشته ورزشی را می توان جلوه گاه تلاش ها و کوشش های ورزشی انجام شده در آن کشور دانست. در سال های اخیر موفقیت ها و ناکامی های ملی پوشان ورزش کشور در مسابقات بین المللی، حساسیت های زیادی را در بین مردم و مسئولان به وجود آورده است؛ به طوری که به نظر می رسد انتظارات مردم و مسئولان ورزشی و غیر ورزشی فزونی یافته و همه خواستار موفقیت های بیشتر و ارزشمندتر در میادین بین المللی نظیر مسابقات جهانی و المپیک می باشند. امروزه تلاش برای کسب مدال های بیشتر مستلزم کسب دانش بیشتر در مورد عواملی است که منجر به موفقیت ورزشی می شوند. در این زمینه تلاش های بسیاری صورت گرفته تا مشخص کنند چرا بعضی کشورها در صحنه رقابت های بین المللی موفق تر از دیگر کشورها هستند، اما به دلیل تفاوت های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، توسعه یک الگوی جامع که در آن همه عوامل اثرگذار بر موفقیت ورزشی در سطح بین المللی لحاظ شده باشد امکان پذیر نیست. بر اساس تحقیقات، عوامل زیادی می تواند بر موفقیت ورزش قهرمانی تأثیر گذار باشد که از شاخص ترین آنها می توان به عوامل اقتصادی، جمعیت، شرایط آب و هوایی، منابع انسانی، رقابت های ملی و بین المللی، سیستم استعدادیابی، تسهیلات و امکانات ورزشی، تحقیقات علمی و پیشرفت های پزشکی اشاره کرد. در کشور ایران علی رغم سرمایه گذاری هایی که دولت در ورزش داشته، به دلیل نامشخص بودن وضعیت ورزش قهرمانی از این نظر که کدام نهاد یا سازمان (کمیته ملی المپیک یا وزارت ورزش) متولی ورزش

قهرمانی هستند، عملاً حرکت های موازی صورت می گیرد و استفاده بهینه از منابع سرمایه ای کشور به عمل نیامده است. هر چند در طرح جامع ورزش کشور و در بخش ورزش قهرمانی تلاش هایی صورت گرفته و به مواردی از قبیل استعدادیابی، مربیگری و فرصت های رقابتی اشاره شده است، باوجود این باید اذعان کرد که متأسفانه اولویت بندی دقیقی در ورزش قهرمانی کشور وجود ندارد و به همین دلیل سالانه بخش قابل توجهی از منابع مادی و معنوی به هدر می رود (قره خانیلو، ۱۳۸۷: ۶۳-۵۷).

رویداد بزرگی نظیر بازی های المپیک، مهم ترین رویداد بین المللی برای ورزش ایران و همه کشورهای حاضر در پهنای قاره جهان محسوب می شود. بدون شک، این رویداد به مثابه ویتترین و آینه تمام نمای عملکرد ورزشی تک تک کشورهای طی گذشت ۴ سال از آخرین حضورشان در این رویداد تاریخی است که می تواند با اتکا به نتایج حاصله موفقیت خود را در مقایسه با سایر کشورها مورد سنجش و ارزیابی قرار دهند (قاسمی، ۱۳۸۴: ۶۶-۲۸). پس از افزایش رقابت های بین المللی در اواخر قرن نوزدهم، سیستم های ورزشی در کشورهای مختلف جهان به سمت حرفه ای شدن گرایش پیدا کردند (ون بوتنبرگ، ۲۰۰۹: ۱۲۹-۱۱۱). از طرفی، جهانی شدن ورزش و ایجاد استانداردهای بین المللی در این صنعت، باعث رشد اقتصادی ورزش و تلاش گسترده برخی کشورها برای تمرکز و توسعه هویت ملی از طریق ورزش گردید (مورتون، ۲۰۰۲: ۱۵۵-۱۴۷). همچنین، رشد اقتصادی ورزش باعث توسعه سریع این حوزه و تأکید بر ورزش قهرمانی و موقعیت حرفه ای آن شد (روسلت، ۲۰۰۸: ۲). به عنوان مثال، روند رو به رشد بازاریابی رسانه های ورزشی در جهان (شامل افزایش درآمدزایی از تلویزیون، اینترنت و شرکت های رسانه ای) باعث تأثیرات مهمی بر مخاطبان و گرایش به سمت تماشای مسابقات ورزشی گردید؛ به طوری که نزدیک ۲ میلیارد نفر در سراسر جهان به تماشای فینال مسابقات جام جهانی فوتبال ۱۹۹۸ پرداختند (شیبلی، ۲۰۰۸: ۲۱-۱). علاوه بر این، اشاعه و محبوبیت ورزش قهرمانی موجب افزایش رقابت برای تعیین ورزشکاران شایسته مرد و زن در رشته های ورزشی و از طرف دیگر، رقابت بین کشورها در عرصه جهانی ورزش برای کسب جایگاه برجسته شده است (اوکلی، ۲۰۰۷: ۱۰۵-۸۳). علاوه بر آن که کسب مدال و عناوین قهرمانی در مجامع بین المللی موجب افتخار، مباحثات و سربلندی ملت هاست. در جدول رده بندی مسابقات رسمی نظیر رقابت های جهانی و المپیک، جایگاه هر کشور زمانی ارتقا می یابد که ورزشکاران تیم ملی آن کشور در رشته های مختلف ورزشی مدال های متعدد و کثیری نصیب کاروان ورزشی خود نمایند.

حمایت های اقتصادی و پوشش رسانه ای حول محور ورزش قهرمانی عواملی هستند که موجب تأکید زیاد بر کسب موفقیت در رشته های ورزشی شده است. رویه های اخیر در ورزش، از افزایش حمایت دولت ها از ورزشکاران نخبه برای کسب مدال و ثبت رکوردهای جدید حکایت دارد. از طرف دیگر پیشنهاد شده است که روند رو به رشد حمایت های مالی و ارائه پاداش در قبال عملکرد ورزشکاران در رقابت های مهم ورزشی به مثابه یک شاخص مهم در انتقال ورزش از شکل آماتور به حرفه ای است. (ون بوتنبرگ، ۲۰۰۹: ۱۲۹-۱۱۱) بررسی سیستم های حرفه ای ورزش، به ویژه در دهه گذشته نشان دهنده آن است که مزایای برنامه های موفق ورزش قهرمانی شامل منافع اقتصادی و سیاسی برای کشورها از طریق فراهم کردن فرصت های شغلی تمام وقت مرتبط با ورزش، فروش کالا و خدمات ورزشی، مشارکت در رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) و

1. Van Bottenburg
2. Morton
3. Rosselet
4. Shibli
5. Oakley

افزایش گردشگری ورزشی به دنبال میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی برای کشورها بوده است (اوکلی، ۲۰۰۷: ۱۰۵-۸۳). بنابراین، امروزه رویکردهای منطقی و متمرکز در توسعه ورزش قهرمانی یا نخبه در بسیاری از کشورهای غربی در حال شکل گیری یا انجام گرفته است. علاوه بر این، شاخص های سیستم های موفق توسعه ورزش نخبه و نقش های سازمان های ورزشی در رابطه با این سطح از ورزش شناسایی و دسته بندی شده است (دی بوسچر و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۱۹-۱۰۴).

بدیهی است که تکرار هر موفقیتی تنها در سایه سرمایه گذاری، برنامه ریزی های کلان و فراهم کردن زمینه های مناسب به منظور رشد و تعالی ورزش قهرمانی امکان پذیر است. برای تدوین برنامه و موفقیت باید عوامل مؤثر بر موفقیت شناسایی و میزان تأثیر گذاری هر کدام نیز مشخص شود. جهت موفقیت در رویدادهای بین المللی عوامل متعددی دخیل هستند که طبقه بندی آن ها کاری سخت و پیچیده است. عوامل محیطی اثرگذار در موفقیت رویدادهای بین المللی را می توان در ۳ حیطه طبقه بندی کرد:

۱- متغیرهای سطح کلان؛ ۲- متغیرهای سطح متوسط؛ ۳- متغیرهای سطح خرد.

در طول چند سال گذشته، مجموعه ادبیاتی از سیاست های مرتبط با پرورش و توسعه ورزشکاران نخبه، در ملل مختلف پدید آمده است (برگسگارد^۱، ۲۰۰۷: ۱۵۱-۱۳۹). اگر چه همه این مطالعات به طور قابل توجهی به درک ما از سیاست های ورزش نخبه می افزایند، ولی ملاحظات روش شناختی، اغلب مانعی برای بررسی تعامل بین سیاست ها، موفقیت ورزش قهرمانی و فرایندهایی که پشت سیاست هاست، می باشد. ادبیات رقابت ها به این اشاره دارد که به جای تلاش برای توضیح رقابت ها در سطح ملی، ما باید ابتدا عوامل تعیین کننده یا مؤثر بر بهره وری را درک کنیم (پورتر^۲، ۱۹۹۰: ۸۷). این تحقیق به طور ویژه بر آن دسته از عوامل تعیین کننده بهره وری (عوامل سطح میانی) متمرکز شده است که می تواند توسط سیاست های ورزش شکل گیرد.

این عوامل تعیین کننده بهره وری در مطالعه دی بوسچر و همکاران موسوم به (spliss)^۳ در نه عامل که ممکن است موفقیت ورزشی قهرمانی را تحت تأثیر قرار دهد دسته بندی شده اند. این مدل آزمایش شده در کشورها، به عنوان یک پایه و چارچوب تحلیلی (باتوجه به فرهنگ و سیاست های داخلی کشورمان) برای اهداف این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. تحقیقات و مطالعات متعددی در زمینه بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت های ورزشکاران در رشته های مختلف ورزش قهرمانی صورت گرفته است که این پژوهش ها می تواند به شناسایی مهمترین عوامل مؤثر بر موفقیت ورزشی تیم های شرکت کننده در رقابت های بین المللی کمک شایانی کند. سجادی طی پژوهشی به بررسی علل ناکامی تیم های ملی فوتبال جوانان جمهوری اسلامی ایران در مسابقات قهرمانی جوانان آسیا طی ۲۰ سال (۱۹۷۸-۱۹۹۸) پرداخته است. (سجادی، ۱۳۸۶: ۷۴-۵۳) نتایج نشان داد که برگزاری اردوهای ناکافی و به روش سنتی، تدارکات در حد متوسط، عدم امنیت شغلی در نزد مربیان، عدم بهره گیری از مشاوران علمی و کادر پزشکی لازم در کنار تیم، وجود اشکال در برنامه ریزی سازماندهی تدارکات فدراسیون فوتبال وجود مشکلات فنی از مهم ترین عوامل ناکامی شناخته شدند (قاسمی، ۱۳۸۴: ۴۶-۲۸). همچنین، سجادی در پژوهشی مهم ترین علل ناکامی اردوهای تدارکاتی تیم ملی شمشیر بازی جهت حضور در بازی های آسیایی ۲۰۰۲ را برگزاری نامنظم اردو در طی سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، اعزام های بدون هدف، دخالت های مکرر فدراسیون در کار مربیان خارجی و تغییر دائم برنامه های مصوب دانست که منجر به عدم اعزام تیم ملی شمشیر بازی به بازی های آسیایی ۲۰۰۲ پوسان شد (سجادی، ۱۳۸۲: ۶۵-۴۴). اکبری آرمند (۱۳۷۴) کمبود امکانات و تأسیسات رشته تئیس و بودجه و همچنین

1. Bergsgard

2. Porter

3. Sports Policy Factors Leading to International Sporting Success

کافی نبودن منابع انسانی متخصص را از مهم ترین علل رکود و عدم پیشرفت ورزش تنیس در کشور دانست (اکبری آرمند، ۱۳۷۴: ۸۱-۷۷). سجادی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی دیگر استعداد یابی و آموزش و پرورش ورزشکاران در رشته جودو، برنامه ریزی و راه کارهای مدیریتی و تجهیزات مناسب را از مهم ترین عوامل در پیشرفت این رشته ورزشی دانسته اند (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴۶-۲۳۱). سیدعامری و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی دو عامل رسانه های جمعی- که از مؤلفه های محیط قهرمانی است- و ساختار سازمان های ورزشی را از عوامل مؤثر بر گرایش مردم به ورزش قهرمانی دانستند (سیدعامری و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۲-۶۱). بیکر (۲۰۰۷) هفت عامل اساسی و عمده را در موفقیت یک تیم یا سازمان ورزشی، حیاتی می داند که عبارت اند از: رهبری، انگیزش افراد گروه، امکانات مالی، اهداف، خلاقیت، ساختار و مهارت (بیکر، ۲۰۰۷: ۵۱۷-۵۱۵). اوکلی و گرین (۲۰۰۷) بیان کردند که موفقیت های ورزشی در عرصه جهانی و بین المللی علاوه بر رونق اقتصادی، می تواند موجب سربلندی هر کشور شود. به همین منظور تلاش های زیادی برای دستیابی به راه کارها و پرورش استعدادهای نخبه صورت می گیرد تا یک کشور بتواند در رقابت های المپیک موفق شود (اوکلی، ۲۰۰۷: ۱۰۵-۸۳). نتایج تحقیقات هایدی و همکاران (۲۰۰۹) نشان داد که زمان بندی صحیح اردوهای کریکت و برگزاری آن در اقامتگاه هایی با آب و هوای مساعد و شرایط مناسب، استفاده از کمیته های پژوهش هایی در این زمینه و تخصیص بودجه بیشتر به این رشته از مهم ترین عوامل تأثیر گذار بر موفقیت کریکت هستند (هایدی^۱، ۲۰۰۹: ۱۳۶-۱۱۳). دی بوسچر و همکاران (۲۰۰۹) در بررسی سیاست ها و برنامه های آموزش و پرورش ورزشکاران نخبه در شش کشور، به این نتیجه رسیدند که از میان ۹ عامل در نظر گرفته شده در این پرسشنامه (حمایت مالی، ساختار و سیاستگذاری ورزش، مشارکت ورزشی، سیستم استعدادیابی، حمایت شغلی- ورزشی، اماکن و تسهیلات تمرینی، سیستم مربیگری، رقابت های ملی و بین المللی و تحقیقات علمی) حمایت مالی، حمایت شغلی- ورزشی، اماکن و تسهیلات تمرینی و سیستم مربیگری از عوامل اصلی در توسعه ورزشکاران نخبه است (دی بوسچر، ۲۰۰۹: ۱۸۵-۲۱۵). سوتریادو و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی روی ۳۵ سازمان مرتبط با ورزش در استرالیا در مورد چگونگی پرورش ورزشکاران نخبه، دریافتند که نقش اقتصادی، عوامل فرهنگی (در سطح کلان) و روش های علمی می تواند در تربیت ورزشکاران نخبه مؤثر باشد. همچنین طی مطالعه ای در چهار سال قبل و بعد از المپیک سیدنی به این نتیجه رسیدند که کشف افراد علاقه مند و با استعداد، تدوین راهبردهای بلند مدت برای دستیابی به موفقیت، جذب کمک های مالی و کسب منزلت اجتماعی، از راه های جذب افراد به ورزش و در نهایت تربیت ورزشکاران نخبه است (سوتریادو^۲، ۲۰۰۹: ۱۴۸-۱۳۷). دی بوسچر و همکاران (۲۰۱۱) طی پژوهشی حمایت مالی، افزایش میزان شرکت ورزشکاران در رقابت های ملی و بین المللی، رشد پژوهش های علمی در رشته های ورزشی و حمایت و تضمین شغلی قهرمانان را از مهم ترین عوامل موفقیت ورزش های بین المللی دانستند (دی بوسچر، ۲۰۱۱: ۲۱۵-۱۸۵). ویکر^۳ و همکاران (۲۰۱۲) در بررسی عوامل موفقیت در المپیک، رویکردهای یکپارچه در ورزش، سیستم منسجم استعدادیابی، منابع مالی، استفاده از مربیان و روان شناسان و اماکن و تسهیلات تمرینی را مهمترین عوامل موفقیت کشورها در بازی های المپیک ذکر کردند (ویکر و همکاران، ۲۰۱۲: ۳۵۵-۳۳۷). کالیوپی^۴ (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان "توسعه ورزش استرالیا"، استعدادیابی، تسهیلات کافی، مربیان مجرب و ساختار رقابت های ملی و فرصت شرکت در رقابت های بین المللی را عوامل اصلی

1. Hyde
2. Sotiriadou
3. Wicker
4. Kalliopi

موفقیت بیان کرده است (کالیوپی، ۲۰۰۹: ۲۲۳-۲۱۷). گرین^۱ و همکاران (۲۰۰۸) در مطالعه ای با عنوان "سیاست و مسیرهای وابسته به سیاست در توسعه ورزش نخبگی استرالیا و فنلاند" گزارش کردند که تدوین برنامه های ویژه برای افزایش مشارکت ورزشی گروه های هدف (دانش آموزان، زنان و استرالیایی های بومی) از جمله سیاست های اثر بخش در زمینه توسعه و موفقیت ورزش نخبگی این کشور بوده است (گرین، ۲۰۰۸: ۲۵۱-۲۲۵).

یانگ^۲ (۱۹۹۰) اعتماد به تحقیقات علمی و اطلاعات دقیق و به روز، وحدت و همکاری بین ورزشکاران و مسئولان و وجود کارشناسان تغذیه و روانشناس در کنار تیم را از مهم ترین عوامل موفقیت تیم ژیمناستیک چین در بیست و پنجمین دوره این بازی ها دانستند (یانگ، ۱۹۹۰: ۱-۶). همفریز^۳ و همکاران (۲۰۱۲) در بررسی و مقایسه رقابت های بین المللی بین کشورها، عوامل سیاسی ورزش، مشارکت ورزشی و عوامل نهادی و ساختاری ورزش را از جمله مهمترین عوامل موفقیت کشورها در رقابت های بین المللی بیان کردند (همفریز و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۳۷-۲۲۲). همچنین نتایج پژوهش های دیگر که به تشریح موفقیت ورزشی در سطوح بین المللی پرداختند نشان داد که مهمترین عوامل در موفقیت بین المللی ورزشکاران کشف افراد مستعد (دی بوسچر، ۲۰۱۰ و سوتریادو و شیلپوری، ۲۰۰۹)، داشتن برنامه صحیح توسط مدیران ارشد فدراسیون ها (سوتریادو و همکاران، ۲۰۰۹) و تخصیص بودجه و حمایت مالی (گیبونز، ۲۰۰۳ و دی بوسچر، ۲۰۰۹) می باشد. پرینز^۴ و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان "برآورد شاخص های موفقیت ورزش ملی"، منابع مالی، تسهیلات تمرینی، عامل مربیگری، رقابت های ملی و بین المللی، تحقیقات علمی و محیط قهرمانی را از شاخص های اثر گذار بر موفقیت ورزش ملی بیان کردند (پرینز و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۱۰-۲۰۰). همچنین، قاسمی (۱۳۸۴) در پژوهش خود در زمینه توسعه ورزش قهرمانی ژیمناستیک به این نتیجه رسید که تجهیز کامل سالن ها به امکانات تخصصی، حمایت سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک، استفاده از روانشناس، افزایش بودجه فدراسیون، راه اندازی کمیته تحقیقات، ارتقای سطح دانش علمی و فنی مربیان و استعدادیابی به روش علمی مهم ترین عوامل در پیشرفت بعد ورزش قهرمانی ورزش ژیمناستیک کشور است (قاسمی، ۱۳۸۴: ۴۶-۲۸). همچنین، محمدتقی پور طهرانی (۱۳۸۶) در پژوهشی دیگر در زمینه توسعه ورزش قهرمانی تکواندو زنان کشور به این نتیجه رسید که آمادگی روانی تکواندو کاران عضو تیم ملی زنان کشور برای حضور در اردوها و رقابت ها، استفاده از مربی بدنساز برای ورزشکاران تیم ملی، حضور بیشتر در رقابت های برون مرزی، استفاده از مربی خارجی و ارتقای سطح دانش علمی و فنی مربیان، از جمله مهمترین عوامل توسعه این رشته ورزشی محسوب می شود (محمدتقی پور طهرانی، ۱۳۸۶: ۶۳-۴۲). با توجه به اینکه متخصصان و نخبگان هر رشته، معتبرترین و قابل اعتمادترین گروهی هستند که می توان از آنها برای ترسیم سیاست ها و راهبردهای مربوط به همان رشته کمک گرفت (غفوری و همکاران، ۱۳۸۲: ۶۳-۵۷) لذا ورزشکاران، مربیان و مدیران اجرایی در سطح قهرمانی به عنوان هسته اصلی ورزش قهرمانی نقش اساسی در روند پیشرفت و توسعه سیاست های اثر بخش در بعد ورزش قهرمانی دارند (دی بوسچر، ۲۰۱۱: ۶۰۰-۵۶۷). بنابراین هر اندازه با استفاده و بهره گیری مطلوب از تجربیات، نظرات و پیشنهادات این افراد و مطالعه به صورت علمی و دقیق حرکت شود، بی شک نتیجه مناسب تری به دست خواهد آمد. شناخت نقش عوامل مؤثر در قالب ده عامل اصلی از جمله حمایت مالی، ساختار و سیاستگذاری ورزش، مشارکت ورزشی، سیستم استعدادیابی، حمایت

1. Mick Green

2. Yang

3. Humphreys

4. Prinz

شغلی- ورزشی، اماکن و تسهیلات تمرینی، سیستم مربیگری، رقابت های ملی و بین المللی، تحقیقات علمی و محیط قهرمانی سبب می شود که برنامه ریزان و سیاست گذاران ورزشی، نظیر وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک و فدراسیون های ورزشی که سازمان های ذینفع این تحقیق را هم تشکیل می دهند، با آگاهی از آن ها و اتخاذ تدابیر و برنامه ریزی های اصولی و دست یابی به اهداف ورزش کشور، در توسعه هر چه بیشتر بعد قهرمانی گام بردارند. گفتنی است که هر چند در طرح جامع ورزش کشور و در بخش ورزش قهرمانی تلاش هایی صورت گرفته و به مواردی از قبیل استعدادیابی، مربیگری و فرصت های رقابتی اشاره شده است، باوجود این باید اذعان کرد که در این زمینه تحقیق جامعی تا کنون به انجام نرسیده است. بنابراین، علاوه بر نو بودن، اهمیت دیگر این تحقیق در آن است که برای مدیران و برنامه ریزان این امکان فراهم می شود تا برای توسعه ورزش و کسب کرسی های بین المللی با توجه به امکانات و منابع بالقوه کشور و مقایسه با کشورهای دیگر سیاست های مناسبی اتخاذ کنند؛ به گونه ای که هدف های بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت خود را بر اساس عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تعیین نمایند.

روش شناسی پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی و از نوع مطالعات همبستگی است. جامعه آماری پژوهش، شامل مربیان، ورزشکاران و مدیران اجرایی چهار فدراسیون منتخب و همچنین مدیران کمیته ملی المپیک و وزارت ورزش و جوانان بود که به طور غیر تصادفی هدفدار انتخاب شدند. با استفاده از جدول مورگان، ۱۵۳ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. به همین منظور ۲۵۰ پرسشنامه در بین جامعه آماری توزیع گردید که ۱۷۲ پرسشنامه برگشت داده شد و با حذف پرسشنامه های مخدوش و غیر قابل استفاده، در مجموع داده های ۱۵۳ پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه بررسی جو ورزش نخبگان^۱ (دی بوسچر و همکاران، ۲۰۱۱) می باشد. به منظور اندازه گیری روایی صوری و محتوایی، پرسشنامه مذکور پس از ترجمه و اعمال تغییراتی مختصر در اختیار اساتید مدیریت ورزشی قرار گرفت و از نظرات و پیشنهادات آنها به منظور تدوین پرسشنامه نهایی استفاده شد. به منظور تعیین پایایی، پرسشنامه طراحی شده بین ۳۰ نفر از نمونه تحقیق توزیع شد. پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ (Cronbach's Alpha=۰.۹۳) این پرسشنامه در قالب مقیاس لیکرت تدوین و به هریک از شاخص ها ارزش عددی ۱ تا ۵ (خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد=۵) اختصاص داده شده است. برای اندازه گیری موفقیت ورزشی از روش موفقیت مطلق^۲ استفاده گردید. به موجب این روش، مدال های کسب شده توسط تیم ها، تبدیل به امتیاز شده است (طلا=۳، نقره=۲، برنز=۱) و مجموع امتیازات به دست آمده، به عنوان امتیاز کل (موفقیت ورزشی) بیان می شود (دی بوسچر، ۲۰۱۱: ۶۰۰-۵۶۷).

برای تجزیه و تحلیل داده ها، از بسته نرم افزاری spss۱۹ و برای ارائه آمار توصیفی، از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام استفاده شد.

یافته های پژوهش

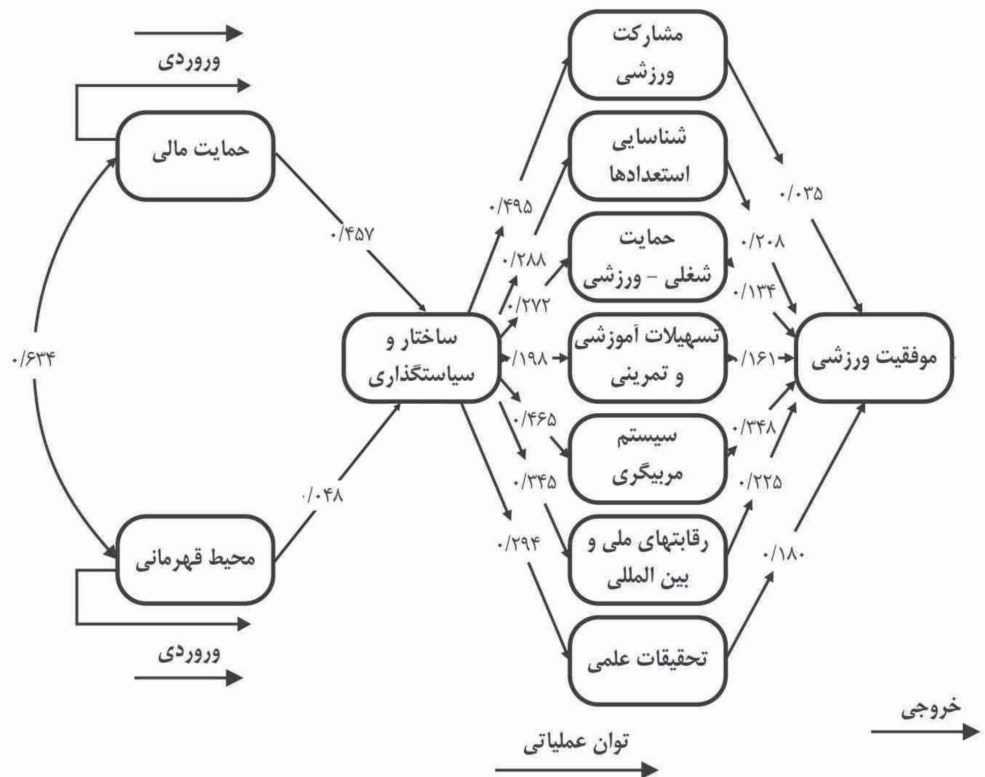
یافته های توصیفی مربوط به نمونه آماری نشان داد که میانگین و انحراف استاندارد سن آزمودنی ها ۳۶/۳۳±۱۱/۸۷ می باشد. این موضوع نشان می دهد که اغلب آزمودنی های تحقیق جوان بودند. از لحاظ تحصیلات ۸/۵ درصد دیپلم و ۸۷/۶ درصد لیسانس و فوق لیسانس و ۳/۹ درصد دارای مدرک دکتری

1. Elite sport climate survey questionnaire

2. Absolute success

بودند. بنابراین بیشتر آزمودنی ها دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. همچنین، ۲/۲۴ درصد افراد گروه نمونه مربی، ۰/۱۹ درصد مدیر و ۸/۵۶ درصد ورزشکار بودند. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین شاخص های اثرگذار و موفقیت ورزشی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. به منظور تحلیل اطلاعات، ابتدا مدل رگرسیون چندگانه با استفاده از روش گام به گام^۱ اجرا شد و به دنبال آن با استفاده از تحلیل مسیر آثارمستقیم و غیرمستقیم متغیرهای برونزا بر متغیرهای درونزا بررسی گردید. شکل ۱ و جداول ۱ تا ۳ نتایج مربوط به مدل تحلیل مسیر را نشان می دهد.

شکل ۱: مدل تحلیل مسیر شاخص های اثرگذار بر موفقیت ورزشی



همان گونه که در شکل ۱ مشخص است، بین دو متغیر برونزای حمایت مالی و محیط قهرمانی همبستگی معنی داری مشاهده می شود (۰/۲/۶۳۴=) و نیز با ضرایب اثر به ترتیب ۰/۴۵۷ و ۰/۰۴۸ بر ساختار و سیاست گذاری به طور غیرمستقیم بر موفقیت ورزشی اثرگذار می باشند. علاوه بر این، متغیر سیستم مربیگری با ضریب اثر ۰/۳۴۸ بیشترین تأثیر و متغیرهای مشارکت ورزشی با ضریب استاندارد ۰/۰۳۵ و حمایت شغلی - ورزشی با ضریب اثر ۰/۱۳۴ کمترین تأثیر را به طور مستقیم بر موفقیت ورزشی دارند.

جدول ۱: مقادیر ضریب اثر غیر مستقیم متغیرهایی که بر موفقیت ورزشی تاثیر گذار می باشند

اثر متغیرها در مدل	مقدار برآورد	مقدار استاندارد شده	خطای استاندارد	t	P
حمایت مالی بر روی ساختار و سیاستگذاری	۰/۲۹۴	۰/۴۵۷	۰/۰۶۱	۴/۷۸	$P < ۰/۰۱$
محیط فهرمانی بر روی ساختار و سیاستگذاری	۰/۰۴۴	۰/۰۴۸	۰/۰۸۷	۰/۵۰۸	$P < ۰/۰۵$

جدول ۲: مقادیر ضریب اثر مستقیم ساختار و سیاستگذاری بر روی هر یک از شاخص های موفقیت ورزشی

اثر متغیرها در مدل	مقدار برآورد	مقدار استاندارد شده	خطای استاندارد	t	P
ساختار و سیاستگذاری بر روی مشارکت ورزشی	۰/۷۸۲	۰/۴۹۵	۰/۱۱۲	۶/۹۹	$P < ۰/۰۱$
ساختار و سیاستگذاری بر روی سیستم استعدادیابی	۰/۳۴۷	۰/۲۸۸	۰/۰۹۴	۳/۶۹	$P < ۰/۰۱$
ساختار و سیاستگذاری بر روی حمایت شغلی-ورزشی	۰/۳۹۹	۰/۲۷۲	۰/۱۱۵	۳/۴۷	$P < ۰/۰۵$
ساختار و سیاستگذاری بر روی اماکن و تسهیلات آموزشی	۰/۲۴۵	۰/۱۹۸	۰/۰۹۹	۲/۴۷	$P < ۰/۰۵$
ساختار و سیاستگذاری بر روی توسعه مربیگری	۰/۹۲۸	۰/۴۶۵	۰/۱۴۴	۶/۴۶	$P < ۰/۰۱$
ساختار و سیاستگذاری بر روی رقابت ملی و بین المللی	۰/۳۵۰	۰/۳۴۵	۰/۰۷۷	۴/۵۲	$P < ۰/۰۱$
ساختار و سیاستگذاری بر روی تحقیقات علمی	۰/۳۹۳	۰/۲۹۴	۰/۱۰۴	۳/۷۷	$P < ۰/۰۱$

جدول ۳: مقادیر ضریب اثر مستقیم هریک از شاخص ها بر روی موفقیت ورزشی

اثر متغیرها در مدل	مقدار برآورد	مقدار استاندارد شده	خطای استاندارد	t	P
مشارکت ورزشی بر روی موفقیت ورزشی	۰/۵۹۳	۰/۰۳۵	۱/۲۶	۰/۴۷۰	$P > ۰/۰۵$
سیستم استعدادیابی بر روی موفقیت ورزشی	۴/۶۲	۰/۲۰۸	۱/۶۶	۲/۷۸	$P < ۰/۰۵$
حمایت شغلی-ورزشی بر روی موفقیت ورزشی	۲/۴۴	۰/۱۳۴	۱/۲۹	۱/۹۸	$P < ۰/۰۵$
اماکن و تسهیلات آموزشی بر روی موفقیت ورزشی	۳/۴۸	۰/۱۶۱	۱/۴۵	۲/۳۹	$P < ۰/۰۵$
سیستم مربیگری بر روی موفقیت ورزشی	۴/۶۷	۰/۳۴۸	۰/۷۶۵	۶/۱۰	$P < ۰/۰۱$
رقابت های ملی و بین المللی بر روی موفقیت ورزشی	۵/۹۵	۰/۲۲۵	۱/۷۹۵	۳/۳۱	$P < ۰/۰۵$
تحقیقات علمی بر روی موفقیت ورزشی	۳/۶۱	۰/۱۸۰	۱/۵۱۷	۲/۳۸	$P < ۰/۰۵$

بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش نشان داد که از دیدگاه ورزشکاران، مربیان و مدیران اجرایی رشته های منتخب، عامل محیط قهرمانی با اثرکل (۰/۱۹۹) اثر مثبت و معنی داری بر موفقیت ورزشی تیم ها دارد. گرین و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان "توسعه ورزش در استرالیا و فنلاند"، مداخله دولت، نقش اسپانسرها و سرمایه گذاری وسیع و کنترل دوپینگ را از عوامل توسعه ورزش قهرمانی در استرالیا بیان کردند. دی بوسچر و همکاران (۲۰۱۱) در بررسی سیستم های ورزش قهرمانی شش کشور، عامل محیط نخبگی را به عنوان یک عامل اثر گذار بر موفقیت ورزشی کشورها دانستند که این یافته ها نیز با نتایج پژوهش حاضر همسو می باشد. مظفری و همکاران (۱۳۸۸) و غفوری (۱۳۸۸) گسترش رسانه ها و توسعه پخش تلویزیونی رشته های ورزشی غیر فوتبال را- که یکی از مؤلفه های محیط نخبگی است- در توسعه ورزش قهرمانی آن رشته با اهمیت یافته اند. سجادی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیق خود اهمیت نقش حمایت رسانه های ورزشی را در موفقیت ورزشی تیم ها بیان کرده اند. پریز و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان "برآورد شاخص های موفقیت

ورزش ملی"، محیط قهرمانی را از شاخص های اثر گذار بر موفقیت ورزش ملی دانستند که این یافته ها با نتایج تحقیق حاضر همخوانی دارد. در کشور ما در سال های اخیر به دلیل علاقه مندی زیاد جامعه به حمایت از ورزش قهرمانی و رشته های مدال آور، وجود سازمانی برای پاسخگویی به استراتژی های ضد دوپینگ در کشور و همچنین کاهش تعداد ورزشکارانی که در کشور از دوپینگ استفاده می کنند، این محیط نخبگی و قهرمانی از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است.

برپایه یافته های این پژوهش، ورزشکاران، مربیان و مدیران اجرایی رشته های منتخب در تعیین اثر هر یک از شاخص ها بر موفقیت ورزشی، حمایت مالی را با اثر کل (۰/۱۸۹) دارای اثر مثبت و معنی دار بر موفقیت ورزشی تیم ها دانسته اند. نتایج پژوهش سجادی و همکاران (۱۳۹۰) متغیر بودجه و امور مالی را در درجه آخر اهمیت برای توسعه ورزش قهرمانی جودو کشور از دیدگاه صاحب نظران نشان داده است که با یافته پژوهش حاضر غیر همسوست. در این راستا بیکر (۲۰۰۷) هایدی و همکاران (۲۰۰۹) و دی بوسچر و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهش های خود به این نتیجه رسیدند که حمایت مالی و فراهم بودن بودجه مالی لازم یکی از عوامل موفقیت و توسعه ورزش قهرمانی است. همچنین سوتریادو و شیلپوری (۲۰۰۹) یکی از راه های جذب افراد مستعد به ورزش قهرمانی را اعطای کمک مالی به آنان ذکر کرده اند. اوکلی و گرین (۲۰۰۷) به این نتیجه رسیدند که موفقیت های ورزشی در عرصه بین المللی می تواند موجب رونق اقتصادی کشور شود. ویکر و همکاران (۲۰۱۲) در بررسی عوامل موفقیت در المپیک، منابع مالی را از مهمترین عوامل موفقیت کشورها در بازی های المپیک بیان کردند. پریز و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیق خود با عنوان "برآورد شاخص های موفقیت ورزش ملی"، منابع مالی را از شاخص های اثر گذار بر موفقیت ورزش ملی یافتند. گودرزی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقات خود مبنی بر تدوین راهبرد توسعه ورزش قهرمانی استان ها حمایت مالی از ورزشکاران نخبه را عاملی مهم در توسعه ورزش قهرمانی بیان کردند که این یافته ها با نتایج پژوهش حاضر همسو می باشد. از دلایل احتمالی اهمیت این عامل در بین نمونه های تحقیق می توان گفت که حمایت مالی کافی از فدراسیون های ورزشی برای پیشبرد اهداف و همچنین تأمین مالی ورزشکاران نخبه و مدال آور بسیار مهم و تأثیر گذار است، زیرا ورزشکاران بیشتر رشته های مختلف ورزشی در کشور (به غیر از فوتبال) شرایط اقتصادی مناسبی ندارند و اهمیت عامل اقتصادی مانند کمک های مالی و پاداش های نقدی برای نخبگان ورزشی می تواند به افزایش تمرکز آنها بر اهداف ورزش و ایجاد انگیزه مضاعف در بین آنان گردد.

براساس یافته های پژوهش، عامل ساختار و سیاستگذاری ورزشی با اثر کل (۰/۲۷۱) بیشترین اثر را از دیدگاه ورزشکاران، مربیان و مدیران اجرایی رشته های منتخب بر موفقیت ورزشی تیم ها اثر دارد. سجادی و همکاران (۱۳۹۰) مدیریت و برنامه ریزی را عاملی مهم در توسعه ورزش قهرمانی جودو بیان کردند. مظفری و الهی (۱۳۸۸) و سوتریادو و شیلپوری (۲۰۰۹) تقویت برنامه های توسعه ورزش در سطح پایه را یکی از عوامل تأثیر گذار در ورزش قهرمانی دانسته اند. سجادی (۱۳۸۶) اشکال در برنامه ریزی و سازماندهی را از دلایل ناکامی تیم فوتبال جوانان یافته است. دی بوسچر (۲۰۰۷) بر این باور است کشورهایی که شانس واقعی موفقیت در ورزش قهرمانی را دارند باید سازماندهی مناسبی در ورزش داشته باشند. در واقع ساختار همسان و منسجم، یک پیش شرط اساسی برای استفاده مؤثر از منابع است. همفری و همکاران (۲۰۱۲) هماهنگی عوامل نهادی و ساختاری ورزش را از جمله مهمترین عوامل موفقیت کشورها در رقابت های بین المللی دانسته اند. کلامپنر (۱۹۹۴) خاطر نشان می سازد که سرمایه گذاری وسیع در ورزش قهرمانی تنها در صورتی می تواند باعث موفقیت شود که از طریق سیاست گذاری و تعیین خط مشی مناسب و برخورداری از ساختار سازمانی قوی در جهت رسیدن به هدف هدایت شود. ویکر و همکاران (۲۰۱۲) در بررسی عوامل موفقیت در المپیک، رویکردهای یکپارچه در ورزش را از مهمترین عوامل موفقیت کشورها در بازی های المپیک بیان

کردند. با این حال این یافته ها با نتایج تحقیق حاضر همخوانی دارد. کولینز و همکاران (۲۰۰۸) در مطالعه عوامل ساختاری ورزش نخبگان در نیوزیلند، ارتباط معنی داری بین این عامل و موفقیت ورزشی نشان ندادند که نتیجه این مطالعه با نتیجه تحقیق حاضر همسو نبود. در کشور ایران علی رغم سرمایه گذاری هایی که دولت در ورزش داشته، به دلیل نامشخص بودن وضعیت ورزش قهرمانی از این نظر که کدام نهاد یا سازمان (کمیته ملی المپیک یا وزارت ورزش) متولی ورزش قهرمانی هستند، در عمل حرکت های موازی صورت می گیرد و استفاده بهینه از منابع سرمایه ای کشور به عمل نمی آید که این می تواند مورد بررسی دقیق تر از سوی سیاست گذاران ورزشی قرار گیرد.

طبق یافته های پژوهش، مشارکت ورزشی با ضریب اثر (۰/۳۵) اثر مثبت و معنی داری بر موفقیت ورزشی تیم ها دارد. شیلوری و همکاران (۲۰۰۸) توسعه ورزش همگانی را زمینه ای برای رشد ورزش قهرمانی می دانند و لزوم توسعه ورزش همگانی را بیش از ورزش قهرمانی متذکر می شوند. برنارد و بوش (۲۰۰۴) مشارکت در ورزش همگانی را زیربنایی برای ورزش قهرمانی می دانند و معتقدند که جمعیت ورزش قهرمانی و مشارکت مستقیم در ورزش های سازمان یافته تأثیر بسیار بیشتری در توسعه ورزش قهرمانی دارد. دی بوسچر و همکاران (۲۰۰۹) مشارکت ورزشی را زمینه ای برای بروز استعداد های ورزشی بیشتر دانستند. مول و همکاران (۱۹۹۲) در مدل طراحی شده خود پیوندی میان ورزش همگانی و قهرمانی ایجاد کردند که شامل یک پایه در قاعده (ورزش همگانی) و رأس، ورزش قهرمانی است که ورزش همگانی را بستر توسعه ورزش قهرمانی دانستند. همفری و همکاران (۲۰۱۲) مشارکت ورزشی را زمینه ای برای پرورش ورزشکاران نخبه و قهرمان بیان کردند. بنابراین نتایج این پژوهش ها با یافته پژوهش حاضر همسو می باشد. با توجه به یافته های پژوهش شناسایی استعدادهای با ضریب اثر (۰/۲۰۸) اثر مثبت و معنی داری بر موفقیت ورزشی تیم ها دارد. قاسمی (۱۳۸۴) استعدادیابی نوآموزان به روش های علمی را از مهمترین عوامل مؤثر در توسعه ورزش قهرمانی ژیمناستیک دانست. سجادی و همکاران (۱۳۹۰) استعدادیابی، آموزش و پرورش ورزشکاران جودو را از با اهمیت ترین عوامل پیشرفت ورزش قهرمانی جودو کشور معرفی کردند. غفوری (۱۳۸۸) نیز، در شناسایی عوامل اثر گذار بر توسعه ورزش قهرمانی به این نتیجه رسید که استعدادیابی یکی از شاخص های مهم در توسعه ورزش قهرمانی است. سوتریادو و شیلوری (۲۰۰۹)، کشف افراد علاقه مند و با استعداد را از مهمترین عوامل مؤثر در توسعه ورزش قهرمانی استرالیا دانست. دی بوسچر (۲۰۱۱) بیان کرد که به طور کلی همه سازمان های ملی ورزشی اذعان دارند که استعدادیابی نقش بسیار مهمی در تضمین آینده ورزشی آن ها جهت جایگزینی ورزشکاران قهرمان بازنشسته دارد. لذا نتایج پژوهش های فوق با یافته پژوهش حاضر همخوانی دارند.

با توجه به نتایج به دست آمده، حمایت شغلی - ورزشی با ضریب اثر (۰/۱۳۴) اثر مثبت و معنی داری بر موفقیت ورزشی تیم ها دارد. رابینسون (۲۰۰۹) نشان داد که یک مرکز مربوط به ورزشکاران المپیک در کانادا، به ورزشکاران نخبه این کشور کمک می کند تا برای دوره بازنشستگی آماده شوند. دی بوسچر و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهش خود یکی از عوامل مهم در پرورش افراد نخبه را حمایت از ورزشکاران در دوران قبل و بعد از قهرمانی در زمینه های مختلف بیان کرد تا ورزشکاران بتوانند در دوره ورزش خود بدون هیچ دغدغه ای به ورزش قهرمانی بپردازند. سجادی (۱۳۹۰) حمایت از منابع انسانی از جمله تأمین آتیه ورزشکاران را از مهمترین عوامل توسعه ورزش قهرمانی جودو معرفی کرد که با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد. خدمات حمایتی سهم مؤثری بر عملکرد ورزشکاران نخبه دارد و محیطی که ورزشکاران را از جنبه های

مختلف حمایت می کند احتمال موفقیت بین المللی آن ها را افزایش می دهد. بنابراین با توجه به اینکه در ایران نیز طبق آیین نامه، قهرمانان رقابت های جهانی و المپیک، از تسهیلاتی مانند تسهیلات تحصیلی و غیره می توانند استفاده کنند، باید فدراسیون ها با کمک وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک از طریق تدوین راهکارهای مناسب به این مهم جامه عمل بپوشانند تا عملکرد و بهره وری ورزشکاران نخبه ارتقا یابد. طبق یافته های پژوهش، اماکن و تسهیلات آموزشی و تمرینی با ضریب اثر (۰/۱۶۱) اثر مثبت و معنی داری بر موفقیت ورزشی تیم ها دارد. اکبری آرمند (۱۳۷۴) و قاسمی (۱۳۸۴) داشتن سالن ها و تأسیسات اختصاصی را در موفقیت رشته ورزشی تأثیرگذار دانسته اند. غفوری (۱۳۸۸) اشاره می کند که در زمینه عوامل بنیادی توسعه ورزش قهرمانی ایجاد مراکز مخصوص ورزش حرفه ای، از عوامل تأثیرگذار بر توسعه ورزش قهرمانی است. سجادی و همکاران (۱۳۸۲) دسترسی به باشگاه های تخصصی و مکان های مجهز را از عوامل موفقیت کاروان ورزشی می دانند. سوتریادو و شیلپوری (۲۰۰۹) فراهم آوردن شرایط تمرینی مناسب را از مهمترین عوامل پیشرفت و موفقیت ورزشکاران نخبه عنوان کردند. ویکر و همکاران (۲۰۱۲) در بررسی عوامل موفقیت در المپیک، اماکن و تسهیلات تمرینی را مهمترین عوامل موفقیت کشورها در بازی های المپیک بیان کردند. پرینز و همکاران (۲۰۱۳) تسهیلات تمرینی را از شاخص های اثرگذار بر موفقیت ورزش ملی دانسته اند که با نتایج تحقیق حاضر همسو می باشد. بنابراین در صورت وجود اماکن و تسهیلات آموزشی کافی در کشور، تعداد زیادی از علاقه مندان می توانند در برنامه های ورزشی شرکت کنند و از بین این افراد ورزشکاران نخبه برای حضور در عرصه های قهرمانی انتخاب شوند. بر پایه یافته های پژوهش، متغیر سیستم مربیگری با ضریب اثر (۰/۳۴۸) اثر مثبت و معنی داری بر موفقیت ورزشی تیم ها دارد. قاسمی (۱۳۸۴)، محمدتقی پورطهرانی (۱۳۸۶) و دی بوسچر (۲۰۰۹) افزایش و ارتقای سطح دانش مربیان را از عوامل توسعه ورزش قهرمانی برشمردند. مظفری (۱۳۸۸) ایجاد نظام مربیگری نوین را از راه کارهای افزایش پیشرفت نظام توسعه ورزش قهرمانی در کشور می داند. گولد و همکاران (۱۹۹۹) در تحقیق خود با عنوان "ارزیابی استراتژی های اثرگذار بر عملکرد ورزشکاران" دریافتند که مربیان یکی از مهم ترین عوامل موفقیت می باشند. سوتریادو (۲۰۰۹) بیان می کند که مربیان قلب و روح ورزش قهرمانی هستند. ویکر و همکاران (۲۰۱۲) استفاده از مربیان و روان شناسان در کنار تیم ها را مهمترین عوامل موفقیت کشورها در بازی های المپیک معرفی کردند. همچنین پرینز و همکاران (۲۰۱۳) عامل مربیگری را از شاخص های اثرگذار بر موفقیت ورزش ملی بیان کردند. یافته پژوهش حاضر همسو با یافته های پژوهش های یاد شده می باشد. از آن جا که این عامل در این پژوهش از دید صاحب نظران بیشترین اثر را بر موفقیت ورزشی دارد، لذا استفاده از مربیان ورزشی نخبه در این سطح و همچنین ارزیابی عملکرد مربیان و طبقه بندی آنها جهت ایجاد انگیزه بیش از پیش احساس می گردد. بر اساس یافته های پژوهش، متغیر رقابت های ملی و بین المللی با ضریب اثر (۰/۲۲۵) اثر مثبت و معنی داری بر موفقیت ورزشی تیم ها دارد. بیکر و لوگان (۲۰۰۷) رقابت ها و رویدادهای ورزشی را به عنوان سنگ پایه موفقیت های بین المللی بیان کرده اند. هایدی و همکاران (۲۰۰۹) نشان دادند برگزاری اردوهای تدارکاتی کریکت در موفقیت این تیم نقش اساسی داشته است. دی بوسچر و همکاران (۲۰۱۱) افزایش شرکت ورزشکاران در رقابت های بین المللی را از عوامل مهم پیشرفت و موفقیت در ورزش دانسته اند. پرینز و همکاران (۲۰۱۳) شرکت ورزشکاران در رقابت های ملی و بین المللی را عاملی جهت بهبود مهارت ورزشکاران بیان کردند. سجادی و همکاران (۱۳۹۰) برگزاری اردوهای بلند مدت و مسابقات درون مرزی را از عوامل پیشرفت ورزش قهرمانی جو دوی کشور دانستند. این یافته پژوهش نیز با یافته های فوق همخوانی دارد.

با توجه به اینکه یکی از عوامل موفقیت ورزشکاران در رویدادهای بزرگ، تدارک اردوها و مسابقات دوستانه متعدد است و نیز در کشورهای توسعه یافته، بعد از اتمام مسابقاتی نظیر المپیک، ورزشکار به حال خود رها نمی شود و فدراسیون برای مسابقات پیش روی خود برنامه های مدونی دارد، بنابراین برگزاری لیگ های منسجم و منظم در رشته های انفرادی نیز در کشور ما احساس می شود. درانتها نتایج نشان داد متغیر تحقیقات علمی باضریب اثر (۰/۱۸۰) اثر مثبت و معنی داری بر موفقیت ورزشی تیم ها دارد. یانگ- مینگ لینگ (۱۹۹۰) دسترسی به اطلاعات جدید و پژوهش های علمی را به عنوان یک عامل مهم برای موفقیت ورزش های قهرمانی قلمداد نمودند. پریز و همکاران (۲۰۱۳) تحقیقات علمی را از شاخص های اثر گذار بر موفقیت ورزش ملی بیان کردند. دی بوسچر و همکاران (۲۰۱۱) رشد پژوهش های علمی در رشته های ورزشی را عامل موفقیت ورزش های قهرمانی دانستند. هایدی و همکاران (۲۰۰۹) و قاسمی (۱۳۸۴) به تأثیر کمیته های تحقیقاتی بر موفقیت در رشته های ورزشی اشاره دارند. سجادی (۱۳۹۰) نیز به تأثیر کارگاه ها و برنامه های علمی- آموزشی و راه اندازی کمیته تحقیقات و انجام پژوهش در پیشرفت ورزش قهرمانی جودوی کشور اشاره داشته است. از این رو، می توان نتایج پژوهش حاضر را با این یافته ها همسو دانست. پس ارتباط متقابل و دوسویه بین بخش های پژوهشی- علمی و اجرایی در ورزش کشور به خصوص در سطح ورزش قهرمانی می تواند موجب ارتقای سطح عملکرد و اثربخشی شود.

به طور کلی نتایج پژوهش نشان داد که همه شاخص ها به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر موفقیت ورزشی تیم ها اثر مثبت و معنی دار دارند. همچنین، تمامی متغیرهای مدل توانسته اند همسویی خود را با قریب به اتفاق اسناد ادبیات تحقیق به اثبات برساند. همچنین، نزدیکی نتایج با مدل مفهومی *spliss* که توسط دی بوسچر و همکاران (۲۰۱۱) پیشنهاد شده است، قابل توجه بود. در نهایت، با توجه به اثر گذار بودن شاخص های فوق بر موفقیت ورزشی تیم ها، سیاست گذاران ورزشی می توانند با استفاده از تحلیل انجام گرفته و با تدوین برنامه های راهبردی به توسعه ورزش نخبگان کمک کنند. همچنین، پیشنهاد می گردد که برای مدیران و برنامه ریزان این امکان فراهم آوده شود که برای توسعه ورزش و کسب کرسی های بین المللی با توجه به امکانات و منابع بالقوه کشور و مقایسه با کشورهای دیگر سیاست های مناسبی اتخاذ نمایند؛ به گونه ای که هدف های بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت خود را بر اساس عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تعیین نمایند.

منابع

- اکبری آرمند، علی. (۱۳۷۴). "توصیف وضعیت ورزش تنیس روی میز مردان کشور". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران. ص. ۷۷-۸۱.
- محمد تقی پورطهرانی، پروانه. (۱۳۸۶). "مقایسه دیدگاه ورزشکاران، مربیان و صاحب نظران در مورد راهکارهای پیشرفت ورزش تکواندو زنان کشور". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران. ص. ۶۳-۴۲.
- مظفری، امیراحمد؛ الهی، علیرضا و قره، محمدعلی. (۱۳۸۸). "نظام جامع توسعه ورزش قهرمانی". طرح پژوهشی، پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران.
- سید عامری، میر حسن و جامعی، فاطمه. (۱۳۹۳). "تبیین عوامل مؤثر در گرایش مردم به ورزش های همگانی و قهرمانی با تأکید بر نقش رسانه های جمعی از دیدگاه کارشناسان تربیت بدنی استان کردستان". نشریه پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی. شماره ۱، تابستان ۱۳۹۳، ص. ۶۱-۷۲.
- حیدرعلی، هومن. (۱۳۸۸). مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل. چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت
- سجادی، سید نصرالله. (۱۳۸۶). "بررسی علل ناکامی تیم های ملی فوتبال جوانان در مسابقات آسیایی ۱۹۷۸-۱۹۹۸". طرح پژوهشی، پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی. ص. ۷۴-۵۳
- سجادی، سید نصرالله. (۱۳۸۲). "بررسی نحوه اجرای برنامه های تمرینی تیم ملی دو میدانی و شمشیربازی به منظور شرکت در بازی های آسیایی ۲۰۰۲ پوسان". طرح پژوهشی، پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران. ص. ۶۵-۴۴
- سجادی، سید نصرالله؛ محمودی، احمد؛ ساعت چیان، وحید و حاجی آخوند زاده، مسعود. (۱۳۹۰). "بررسی اولویت و راهکارهای پیشرفت ورزش قهرمانی جودوی کشور از دیدگاه صاحب نظران". نشریه مدیریت ورزشی. دوره ۶، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳، ص. ۲۳۱-۲۴۶
- عیدی، حسین و رضائی نژاد، رحیم. (۱۳۸۸). "تحلیل فرآیند مدیریت ورزشکاران نخبه". سومین کنگره ملی مدیریت منابع انسانی در ورزش. شهرکرد، ۱۹-۲۰ آبان. ص. ۱۱-۷.
- غفوری، فرزاد. (۱۳۸۲). "تعیین عوامل مؤثر برگرایش به ورزش همگانی و قهرمانی برای تعیین راهبردهای ورزش ژیمناستیک کشور". رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس. تهران. ص. ۶۳-۵۷.
- قاسمی، محمدهادی. (۱۳۸۴). "مقایسه دیدگاه ورزشکاران، مربیان و صاحب نظران در مورد راهکارهای پیشرفت ورزش ژیمناستیک کشور". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم. ص. ۴۶-۲۸.
- قراخانو، رضا و قراخانلو، احسان. (۱۳۸۷). سیاست گذاری و اولویت بندی در توسعه ورزش قهرمانی. تهران: کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران
- گودرزی، محمود؛ سیف پناهی شعبانی، جبار؛ حمیدی، مهرداد و خطیبی، امین. (۱۳۹۰). "طراحی و تدوین راهبرد توسعه ورزش قهرمانی استان کردستان". نشریه مدیریت ورزشی. بهار ۱۳۹۰، شماره ۸، ص. ۷۳-۵۷
- هادوی، فریده. (۱۳۷۸). "تحلیل منتخبی از روش های استعدادیابی برای دوهای سرعت و استقامتی در پسران جوان". رساله دکتری، دانشگاه تهران. ص. ۶۲-۴۸.
- Bernard, A.B & Busse, M. R. (2000). "Who wins the Olympic games: Economies and medal totals". Review of Economics and Statistics. 86(1), 413-417.

- Baker, J., & Logan, A. J. (2007). **“Developmental contexts and sporting success: Birth date and birthplace effects in national hockey league draftees 2000-2005”**. British Journal of Sports Medicine, 41, 515-517.
- Bergsgard, N.A., Houlihan, B., Mangset, P., Nodland, S.I. & Rommetveldt, H. (2007). **Sport policy. A comparative analysis of stability and change**. London: Elsevier, 139-151
- Clumpner, R.A. (1994). **21st century success in international competition**. In R. Wilcox (Ed.), Sport in the global village (pp.298-303). Morgantown, WV: FIT.
- Collins, S. New Zealand. In B. Houlihan & M. Green. (2008). **Comparative elite sport development**. (pp.27-52). London: Elsevier.
- De Bosscher, V., De Knop, P., Van Bottenburg, M. (2007). **“Sports Policy Factors Leading to International Sporting Success”**. Ph.D dissertation, University of Brussels, Be: Vubress, 104-119
- De Bosscher, V., De Knop, P., Van Bottenburg, M., Shibli, S., Bingham, J. (2009). **“Explaining international sporting success: An International comparison of elite sport systems and policies in six countries”**. Sport Management Review, 6, 2, 185-215.
- De Bosscher, V., De Knop, P., van Bottenburg, M., Shibli, S., & Bingham, J. (2011). **“Developing a Method for Comparing the Elite Sport Systems and Policies of Nations: A Mixed Research Methods Approach”**. Journal of Sport Management, Vol. 24 P.567-600.
- Humphreys, B., Maresova, K., & Ruseski, J. (2012). **Institutional factors, sport policy, and individual sport participation: An international comparison**. (Working Paper No. 2012-01). pp.222-237.
- Kalliopi, Popi, Christine, Green, David, Shilbury. (2009). **“Sport Development. Systems, Policies and Pathways: An Introduction to the Special Issue”**. Sport Management Review, Volume 11, Issue 3, November 2009, Pages 217-223
- Gibbons, T., McConnel, A., Forster, T., Riewald, S.T., & Peterson, K. (2003). **“Reflections on success: US Olympians describe the success factors and obstacles that most influenced their Olympic development”**. Report phase II, United States Olympic Committee. USOC.
- Gould, D., Guinan, D., Greenleaf, C., Medbery, R. & Peterson, K. (1999). **“Factors influencing Olympic performance: perception of athletes and coaches from more and less successful teams”**. The Sport Psychologist. 13, 371-394
- Green, M. and Collins, S. (2008). **“Policy, Politics and Path Dependency: Sport Development in Australia and Finland”**. Sport Management Review. 11, 225-251.
- Hyde, K. & Pritchard, A. (2009). **“Twenty cricket: An examination of the critical success factors in the development of the competition”**. International Journal of Sports Marketing & Sponsorship, p. 113-136.
- Morton, R.H. (2002). **“Who won the Sydney 2000 Olympics? An allometric approach”**. The Statistician, 51, 147-155.

- Oakley, B., & Green, M. (2007). **"The production of Olympic champions: International perspectives on elite sport development system"**. European Journal for Sport Management, Vol. 8, P.83–105.
- Prinz, J., & von Hanau, T. (2013). **"Estimating the indicators of national sporting success"**. Sport Management Review, 15(2),pp. 200–210.
- Porter, M.E. (1990). **The competitive advantage of nations**. London: the Macmillan Press LTD, 78-96
- Rosselet, S. (2008). **Methodology and principles of analysis**. IMD World Competitiveness yearbook. Retrieved August 2nd, 2008 from the IMD
- Robinson, L. and Bo'hlke, N. (2009). **"Benchmarking of elite sport Systems"**. Management Decision. Vol. 47, No. 1. Pp. 67-84.
- Sotiriadou, K., and Shilbury, D. (2009). **"Australian Elite Athlete Development: An Organizational Perspective"**. Sport Management Review. Vol: 12. P. 137–148.
- Shibli, S., Bingham, J. (2008). **"A forecast for the performance of China in the Olympic Games 2008 and the underlying performance management issues"**. Managing Leisure, 13, 1-21.
- Van Bottenburg, M. (2009). **Het topsportklimaat in Nederland [The elite sports climate in the Netherlands]**. Hertogenbosch, the Netherlands: Diopter-Janssens and van Bottenburg bv, 111-129
- Wicker, P., Hallmann, K., Breuer, C., & Feiler, S. (2012). **"The value of Olympic success and the intangible effects of sport events—A contingent valuation approach in Germany"**. European Sport Management Quarterly, 12(4),pp.337–355.
- Yang, Mingling .(1990). **"Summary of Chinese men Gymnastics team in the 25th Gymnastics championship"**. Chinese Sports Science and Technology. Vol.5. P. 1-6



ارزیابی موانع رشد اخلاق حرفه ای در بازیکنان و مربیان لیگ برتر فوتبال ایران

زهره موسوی^۱

مهدی سلیمی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۵/۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۲۵

هدف از پژوهش حاضر، ارزیابی و اولویت بندی موانع رشد اخلاق حرفه ای در بازیکنان و مربیان لیگ برتر فوتبال ایران بود. جامعه آماری پژوهش، کلیه مدیران، مربیان و بازیکنان لیگ برتر فوتبال و مدیران ارشد فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران بود. بر همین اساس نمونه آماری پژوهش، تعداد ۳۲ مدیر (۱۹ مدیر عامل و معاونین در باشگاه های مذکور و ۱۳ مدیر ارشد فدراسیون فوتبال)، ۱۸ مربی (سر مربی و مربی) و ۱۰۰ بازیکن در نظر گرفته شد که از مجموع ۱۵۰ پرسشنامه توزیع شده، تعداد ۱۳۲ پرسشنامه ارجاع و مورد قبول واقع گردیدند. پرسشنامه پژوهش که موانع رشد اخلاق حرفه ای در بازیکنان و مربیان لیگ برتر فوتبال ایران را مورد سنجش قرار می داد، با استفاده از مطالعات کتابخانه ای و مصاحبه با اساتید برجسته تربیت بدنی در قالب ۳۲ سوال طراحی و در اختیار افراد نمونه قرار گرفت. جهت تحلیل داده ها از آزمون های بارتلت، تحلیل عاملی اکتشافی، کلموگروف اسمیرنوف، تی تک متغیره، کروسکال والیس و فریدمن استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که موانع رشد اخلاق حرفه ای در بازیکنان لیگ برتر فوتبال به ۴ گروه موانع مدیریتی و سازمانی، فرهنگی و اجتماعی، مرتبط با نیروی انسانی و اقتصادی قابل تقسیم بندی هستند. در میان موانع مدیریتی و سازمانی، فقدان نظام جامع و اخلاقی نظارت بر عملکرد بازیکنان و عدم وجود رفتار حرفه ای در کل بدنه ورزش قهرمانی؛ در میان موانع فرهنگی و اجتماعی، جایگزینی اهداف ثانویه ورزش به جای اهداف اولیه و موانع فیزیکی و روانی محیط مسابقه؛ در میان موانع مرتبط با نیروی انسانی فقدان نگرش راهبردی به اخلاق حرفه ای از سوی مدیران و فقدان انگیزش در بازیکنان جهت رعایت اصول اخلاق حرفه ای و در میان موانع اقتصادی، وجود سرمایه های مالی سرگردان و هنگفت در ورزش در اولویت قرار داشتند.

۱. استادیار، روانشناسی صنعتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) E-mail: Zohreh.moosavi@gmail.com

۲. استادیار، مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

واژگان کلیدی: اخلاق حرفه ای، موانع مدیریتی و سازمانی، موانع فرهنگی و اجتماعی، موانع نیروی انسانی، موانع اقتصادی و لیگ برتر فوتبال ایران

مقدمه

ورزش حرفه ای به عنوان یکی از حیطه های متنوع و گوناگون ورزش امروزی، نقش بسزایی در پیشبرد صنعت ورزش داشته است؛ به طوری که عنایت به ورزش حرفه ای کمک شایان و قابل توجهی را به اقتصاد بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مبدول داشته است (الهی، ۱۳۸۳). در عصر حاضر ورزش حرفه ای به عنوان یک ابزار کارآمد و قدرتمند، مورد توجه غالب کشورهای دنیا در جهت رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (نایمو^۱، ۲۰۱۴) قرار گرفته که جهت بقا و رشد خود نیازمند توجه به مسائل متعددی در حیطه های گوناگون است. در عصر حاضر رقابت در محیط های ورزشی به طور فزاینده ای افزایش یافته و موفقیت سازمان های ورزشی به مقدار زیادی دارای اهمیت شده است؛ به طوری که موفقیت تیم های ورزشی در مسابقات و پیروزی بر حریفان آرزوی همیشگی ورزشکاران، مربیان، مدیران و هواداران باشگاه ها به شمار می آید. لزوم دستیابی به این موفقیت ها موجب بروز فشارهای روانی برای ارکان گوناگون سازمان های ورزشی به خصوص برای بازیکنان و مربیان شده است (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۱) که به واسطه این موضوع بروز رفتارهای غیر اخلاقی در ورزش حرفه ای به ویژه فوتبال به وضوح نمایان می باشد (قاسمی، ذوالاکتاف و علی وند، ۱۳۸۸).

در این میان، ورزش فوتبال به تعبیری پدیده اجتماعی سده اخیر و پرطرفدارترین رشته ورزشی در سراسر جهان است. در سال ۲۰۰۳ برآورد گردید که حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون بازیکن فوتبال فعال در سراسر دنیا وجود دارند (حلبچی و همکاران، ۱۳۹۱؛ کاستاگنا، آبت و دی اتاویو^۲، ۲۰۰۷). با گذشت زمان و راهی شدن سرمایه های کلان به فوتبال، راه فوتبال آماتور از حرفه ای جدا شد. بدین واسطه تمامی بخش های این ورزش در کشورهای صاحب فوتبال دنیا، حرفه ای رفتار کردن را آموختند و آن را روز به روز گسترش دادند و بدان پایبند می باشند که همین موضوع موجب فاصله گرفتن هرچه بیشتر آنها از کشورهای دیگر شده است. اخلاق از دیدگاه های گوناگون دارای تعاریف مختلفی است. اخلاق، مجموعه ای از صفات انسان هاست که به صورت رفتاری که از خلیقات درونی انسان ناشی می شود بروز می یابد (شاه علی و همکاران، ۱۳۹۴). پیر ژانه^۳ فیلسوف بزرگ فرانسوی که آثار قابل استنادی در زمینه اخلاق را ارائه داده است، علم اخلاق را این گونه تعریف می کند: "علم اخلاق عبارت است از آگاهی و اطلاع از عادات و آداب و سجایای بشری و مقصود از این کلمات، مجموعه اعمال انسان و اندیشه ها و عقایدی است که راجع به اعمال خود دارد" (ژانه، ۱۳۷۳). اخلاق حرفه ای نیز به مجموعه استانداردها و قواعدی گویند که بر نحوه رفتار تمام اعضای یک حرفه اعمال می گردد (آیراکسینن^۴، ۱۹۹۸). رعایت اصول اخلاق حرفه ای به معنای در نظر گرفتن منافع سازمان و همچنین رعایت اصول رقابت سالم با دیگر سازمان های فعال است که منجر به ایجاد منافع بلند مدت برای سازمان و حوزه کاری می گردد (شیرمحمدی و اصغری زاده، ۱۳۸۹).

اخلاق حرفه ای یکی از مسائل اساسی همه جوامع بشری است و رویکرد دنیای امروز را می توان بازگشت به عقلانیت و اخلاق در کار دانست (نیازآذری و همکاران، ۱۳۹۳). در حال حاضر، متأسفانه در جامعه ما و در محیط های کاری کمتر به اخلاق حرفه ای توجه می شود. در حالی که در غرب سکولار، در دانش های مربوط به مدیریت و سازمان، شاخه ای با عنوان اخلاق حرفه ای وجود دارد، ولی در جامعه دینی ما در مدیریت، به اخلاق توجه کافی نشده است (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۳). جامعه ما نیازمند آن است تا ویژگی های اخلاق

1. Naimo

2. Castagna, Abt, D'Ottavio

3. Pierre Jeune

4. Airaksinen

حرفه ای مانند دل‌بستگی به کار، روحیه مشارکت و اعتماد و ایجاد تعامل با یکدیگر، تعریف و برای تحقق آن فرهنگ سازی شود. امروزه بسیاری از کشورها در جهان صنعتی به این بلوغ رسیده اند که بی اعتنائی به مسائل اخلاقی و فرار از مسئولیت ها و تعهدات اجتماعی، به از بین رفتن مشاغل و یا عدم کارایی آنها می انجامد. به همین دلیل، بسیاری از سازمان های موفق برای تدوین استراتژی اخلاقی احساس نیاز کرده و به این باور رسیده اند که باید در سازمان یک فرهنگ مبتنی بر اخلاق رسوخ کند. از این رو کوشیده اند به تحقیقات درباره اخلاق حرفه ای جایگاه ویژه ای بدهند. وقتی از حوزه فردی و شخصی به حوزه کسب و کار نگاه می شود، پای اخلاق کار و یا اخلاق شغلی به میان می آید، مانند اخلاق پزشکی، اخلاق معلمی و اخلاق مهندسی (امیری، همتی و مبینی، ۱۳۸۹).

اگر ورزش به عنوان یک پیشه و حرفه در نظر گرفته شود، اخلاق ورزشی گونه‌ای از اخلاق حرفه‌ای است. به تعبیر دیگر، همان طور که در پزشکی، مهندسی، تجارت و اقتصاد نیاز به پیروی از هنجارهایی است، ضرورت پیروی از هنجارها در ورزش هم امری ضروری است (بانک اطلاعات هنرهای رزمی، ۱۳۹۲). در اینجا این سؤال مطرح است که آیا اخلاق در ورزش متمایز از اخلاقی است که در تجارت، حقوق یا پزشکی وجود دارد؟ به طور کلی، هر فردی که ناچار از تصمیم گیری است باید تصمیم خود را بر مبنای اصول راهنمای مشخصی استوار نماید. حال چگونه باید یک تصمیم منطبق بر اخلاق گرفت و چه اصولی به عنوان راهنما باید به کار برده شوند؟ آیا هر فرد فقط آنچه را که درست می پندارد، باید انجام دهد؟ آیا در یک تصمیم گیری تنها جنبه های قانونی را باید در نظر داشت و سایر اصول را فراموش نمود؟ به عبارتی دیگر، آیا رفتاری می تواند قانونی، اما غیر اخلاقی باشد؟ معیارهای عمومی اخلاقی نظیر بازی جوانمردانه، صداقت و درستکاری مبنایی برای اخلاق در ورزش هستند و ورزش مانند هر رویداد دیگری تاکید زیادی بر رعایت قواعد و مقررات دارد. اخلاق شعبه ای از فلسفه است، زیرا بر آنچه درست و غلط است تمرکز دارد اما موضوع مهم یافتن معیاری است که تعیین نماید که از لحاظ اخلاقی چه چیزی صحیح یا غلط می باشد. یک جنبه از اخلاق در ورزش به آن می پردازد که چگونه افراد و تیم ها در هنگام مسابقه یا حضور در رقابت های ورزشی باید رفتار کنند. در این مورد، موضوع عمده رقابت نمودن با حریف اما در مسیری درست است. در مسابقات در سطح جوانان، هدف توسعه شخصیت از راه سخت کوشی، احترام، کار تیمی، شهامت و نظم است، در حالی که در ورزش حرفه ای هدف بردن حریف از راه تلاش بیشتر و مهارت است نه بردن به هر طریقی و از راه نیرنگ و فریب. هر چند که این یک انتخاب شخصی است، اما سایر افراد نظیر مربیان، هم تیمی ها، تماشاگران و مدیران نیز در این تصمیم گیری مؤثر هستند (محمدی، ۱۳۹۲).

مسئله توسعه و رسوخ اخلاق مربوط به هر حرفه، می تواند از عوامل شکوفایی آن حرفه باشد. از آنجا که روح ورزش آمیخته با اخلاق و اخلاق گرایی است- به ویژه آنکه ورزش در تمدن کهن و فرهنگ اسلامی کشور ما، بدون اخلاق جایگاهی نداشته و ندارد- تزریق هرچه بیشتر اخلاق گرایی در ورزش حرفه ای به عنوان یک بخش حیاتی از جامعه ورزش، می تواند نقشی بزرگ در بالندگی این حرفه و متعاقب آن کل ورزش کشور داشته باشد. از طرفی واقعیت این است که مدیرانی که دغدغه اخلاقی دارند، در روند اخلاقی سازی با معضلات گوناگونی روبه رو می شوند که برخی از آنها از نوع عوامل بازدارنده می باشند (فرامرز قراملکی و نوچه فلاح، ۱۳۸۶). مطالعه و بررسی دقیق معضلات و موانع از گام هایی است که می تواند موجب کاهش این عوامل بازدارنده گردد.

برخی از دلایل ارائه رفتار غیر اخلاقی توسط ورزشکاران، مدیران باشگاه ها و مربیان عبارت اند از:

۱. تأکید بیش از اندازه بر پیروزی که موجب بروز مفهوم "پیروزی به هر قیمتی" شده است؛ ۲. کسب شهرت و منافع اقتصادی در ورزش؛ ۳. فشار از سوی تماشاگران، مدیران و اقوام برای رسیدن به سطوح کیفی بالاتر؛

۴. عدم تأکید بر روحیه ورزشکاری و اهمیت کار تیمی در سطح آماتوری؛ ۵. تجاری شدن ورزش و ۶. تأکید بیش از اندازه بر اهمیت نقش ورزش در سطح جامعه به طور کلی که دستیابی به موفقیت را به هر قیمت توجیه می سازد (محمدی، ۱۳۹۲).

برای بیش از هشت دهه، فوتبال در کشور ما افراد بسیاری را از قشر های مختلف جامعه و از رده های سنی مختلف به عنوان تماشاچی به خود جلب کرده است. ورزش بخشی از جامعه امروز است و روز به روز دارای اهمیت بیشتری می شود. در این بین، ورزش فوتبال بی شک پر طرفدارترین، جذاب ترین، پر بیننده ترین و هیجان انگیزترین رشته ورزشی محسوب می شود. فوتبال ورزش نخست بیش از ۸۰ کشور دنیا است و تماشاگران، رکن اصلی و دارای بیشترین اهمیت در این ورزش می باشند. تماشاچییانی که برای تماشای مسابقات ورزشی در ورزشگاه ها حضور می یابند، از اهمیت خاصی برای هر لیگ ورزشی برخوردارند و به عنوان یکی از مهم ترین سرمایه های اصلی هر باشگاه حرفه ای، به لیگ های ورزشی هویت می دهند. از طرف دیگر، حضور تماشاچیان در ورزشگاه ها برای تماشای مسابقات ورزشی یکی از شیوه های سالم و مفید گذران اوقات فراغت است که باعث تخلیه انرژی و هیجان تماشاچیان می شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳). بر اساس نظر استفان مورو^۱ بدون وجود تماشاچیان، فوتبال محصولی بدون جذابیت است و بخش زیادی از جذابیت فوتبال- حتی بخشی از جذابیت فوتبال در تلویزیون- ناشی از فضایی است که در ورزشگاه ها به وسیله تماشاچیان ایجاد می شود (بختیاری، ۱۳۸۸). با این حال و با توجه به تمامی مزایای متصور برای فوتبال حرفه ای و تماشاگران آن، بی اخلاقی های موجود در آن می تواند از طریق الگوپذیری توسط تماشاگران چه در داخل استادیوم های ورزشی و چه در پای رسانه های دیداری و شنیداری به طور مستقیم به جامعه نفوذ کند. تحقیق محمدي و همکاران (۱۳۹۰) نیز مؤید این موضوع می باشد، چرا که در نتایج آن بیان شده است که رعایت اصول اخلاقی توسط بازیکنان و مسئولان باشگاه ها می تواند به عنوان مهمترین عامل بر اخلاق گرایي در بین تماشاچیان تاثیر گذار باشد.

بااین حال، امروزه بروز رفتارهای خلاف عرف و گاه شرع در استادیوم های ورزشی به ویژه برای فوتبال توسط مربیان و بازیکنان که در بسیاری مواقع به سکوها و حتی بیرون ورزشگاه کشیده می شود، به یک معزل بزرگ و اساسی برای فوتبال تبدیل شده است. با رواج تب فوتبال در جوامع مختلف، حساسیت های کاذبی نسبت به این رشته شکل گرفته است؛ به طوری که به برخی از بی اخلاقی و بد اخلاقی ها در تماشاگران، ورزشکاران و مربیان انجامیده است (قاسمی، ذوالاکتاف و علی وند، ۱۳۸۸). امروزه در مسابقات فوتبال می توان شاهد رفتارهای غیراخلاقی بازیکنان در برابر یکدیگر، داور و همچنین رفتارهای مشابه در تماشاگران نسبت به بازیکنان، داور، اماکن و تجهیزات بود؛ به گونه ای که رفتارهای ناشایست ورزشکاران، تیم ها و تماشاچیان به تیر اصلی اغلب برنامه ها و خبرهای ورزشی در بسیاری از کشورها تبدیل شده است (پاپاس و مک کندری^۲، ۲۰۰۴).

براساس ماده ۷۳ قانون جدید انضباطی فیفا، "کمیته اخلاق" به نهادهای قضایی فیفا که شامل کمیته انضباطی و کمیته تجدید نظر بود اضافه گردید و کمیته اجرایی فیفا این مقررات را در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۲ در ۸۸ ماده به تصویب رساند. این مجموعه مقررات، بر رفتاری که به تمامیت و اعتبار فوتبال لطمه وارد می کند و به طور خاص بر رفتارهای غیر قانونی، غیر اخلاقی و غیر اصولی اعمال خواهد شد (محمدي، ۱۳۹۲). فیفا یازده اصل اساسی برای عمل و رفتار تعیین نموده است:

۱. صداقت و رفتار اخلاقی؛ ۲. احترام به دیگران؛ ۳. عدم تحمل تبعیض و آزار و اذیت؛ ۴. بازی جوانمردانه؛

1. Steafan Moro

2. Pappas, McKendry

۵. تبعیت از قانون، قواعد و مقررات؛ ۶. جلوگیری از تعارض منافع؛ ۷. شفافیت و اطاعت؛ ۸. مسئولیت های اجتماعی و زیست- محیطی؛ ۹. مبارزه علیه مواد مخدر و دوپینگ؛ ۱۰. عدم تحمل رشوه و فساد؛ ۱۱. ممنوعیت شرط بندی و دستکاری نتایج (محمدی، ۱۳۹۲).

با این حال و نظر به اهمیت موضوعی اخلاق و اخلاق حرفه ای در فوتبال و مسائل پیرامون آن که در حال حاضر به یکی از معضلات عمده این ورزش تبدیل شده است، جامعه دانشگاهی و پژوهشگران نیز توجه ویژه ای به آن ننموده اند؛ چرا که نمی توان به تحقیقات چندانی پیرامون این موضوع دست یافت. ندایی و علوی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان "اخلاق در ورزش با رویکرد بازی منصفانه" بیان داشتند که ورزش مقوله ای است که در یک جامعه می تواند مسائل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را تحت الشعاع خود قرار دهد، ولی در این میان آنچه از همه بیشتر مورد بی مهری واقع شده است، بحث اخلاقی در ورزش است. شاید به جرات بتوان گفت که در یک رویداد ورزشی خواه کوچک یا بزرگ، آنچه به آن زیبایی می بخشد، نمایش ارزش های اخلاقی است. با این وجود در زمینه اخلاق و ابعاد گوناگون آن تحقیقات متعدد قابل توجهی در ورزش صورت نپذیرفته است. از جمله این محدود پژوهش ها می توان به تحقیق طالبیان نیا، مظفری و مرتضایی (۱۳۸۷) اشاره کرد که نتایج آن بیانگر این بود که وضعیت رفتار اخلاقی در ورزش قهرمانی کشور در حد متوسط است، با این حال گروه آزمودنی شامل قهرمانان، مربیان، مدیران ورزشی و مدرسان خواستار رسیدن به وضع مطلوب بودند.

رسانه ها و فعالیت های رسانه ای در ورزش به ویژه فوتبال نیز از مواردی است که رعایت یا عدم رعایت اصول اخلاقی در آن به وضوح موجب گسترش یا ضعف اخلاق در بطن جامعه ورزش می گردد (قاسمی، ۱۳۸۶) و به نظر می رسد که بیش از سایر ابعاد اخلاق در ورزش مورد توجه محققان واقع شده است. سلیمی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود به رتبه بندی موانع رشد اخلاق حرفه ای در رسانه های ورزشی پرداختند که بر اساس سطوح مختلف درخت سلسله مراتبی طراحی شده آنان، موانع سازمانی، موانع مرتبط با کارکنان، فقدان تحصیلات و تخصص کافی در زمینه ورزش و رسانه در بین مدیران رسانه های ورزشی، و جابه جا شدن و رنگ عوض کردن ارزش ها، در اولویت قرار داشتند. قاسمی (۱۳۸۶) در پژوهشی با هدف بررسی نقش رسانه های گروهی ورزشی در توسعه ورزش کشور به این نتیجه دست یافت که بین وضع موجود اخلاق در رسانه های ورزشی با وضع مطلوب آن تفاوت معنی داری وجود دارد. سانگیگ^۱ (۲۰۰۹) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که تاکتیک های متخصصان روابط عمومی سازمان ها و باشگاه های ورزشی از جمله اهدای هدیه به روزنامه نگاران، دعوت به نهار و نوشیدنی بر نوشته های گزارشگران ورزشی تا اندازه ای تاثیر می گذارد. از طرفی پژوهش هایی نیز هستند که وجود اخلاق در بدنه رسانه های ورزشی را نشان می دهند که از آن جمله می توان به پژوهش ببران و حضرتی (۱۳۹۱) اشاره نمود که بیان می دارد که در برنامه ۹۰، اصول اخلاق رسانه ای در قالب معیارهایی همچون: عینیت، بی طرفی و عدم تحریف در تهیه محتوای برنامه و پخش قسمت های گوناگون رعایت می شود.

سلیمی، سلطان حسینی و موسوی (۱۳۹۲) در نتایج پژوهش خود بیان می دارند، اگر چه در زمان فعلی فدراسیون های ملی و بین المللی ورزشی خطر گسترش و توسعه بی اخلاقی در ابعاد مختلف را در ورزش حرفه ای کاملاً درک کرده اند و با جدیت از طریق تبلیغات گسترده در زمینه هایی همچون بازی جوانمردانه و یا جریمه های سنگین مالی و غیر مالی برای اعمال غیر اخلاقی مثل دوپینگ، رفتارهای نژاد پرستانه و ... سعی در جلوگیری از آن دارند، ولی به نظر نمی رسد که در اهداف خود چندان توفیقی کسب کرده باشند. کشور ما

نیز از این قاعده مستثنی نیست و بروز بی اخلاقی ها در مقولات مختلف ورزش حرفه ای از جمله فوتبال به امری طبیعی و کاملاً عادی تبدیل شده است که از آن جمله می توان به عدم رعایت بازی جوانمردانه، دوپینگ و استفاده از مواد نیروزا، ورود غیر مجاز دلال ها در حوزه خرید و فروش بازیکنان و مربیان، بروز رفتارهای ناشایست و همچنین عدم رعایت حجب و حیا توسط بازیکنان، مربیان و تماشاگران و ... اشاره نمود. اگرچه وجود سرمایه های مالی و تجهیزاتی چشمگیر در ورزش حرفه ای آن را به طور قابل توجهی از ورزش همگانی و آماتور جدا ساخته، ولی این موضوع نباید باعث گردد که اهداف اولیه ورزش دچار کم رنگی و انحطاط گردند. نابودی ریشه های اخلاقی که از حیاتی ترین بنیان های ورزش به شمار می روند، به خصوص در یک جامعه اسلامی می تواند موجب بروز ناهنجاری های اجتماعی فراوانی گردند، چرا که اغلب رویدادها و مسابقات ورزشی دارای بینندگان فراوانی از اقشار مختلف مردم هستند که بروز کوچکترین بی اخلاقی می تواند به انتشار و الگوبرداری مسری در جامعه منجر شود.

با توجه به مطالب فوق می توان گفت از نگاهی خاص، توجه به اخلاق حرفه ای در ورزش فوتبال اهمیت بالاتری نسبت به سایر ابعاد گوناگون ورزش دارد، زیرا در بسیاری از جهات مورد توجه جامعه به ویژه جوانان می باشد و افراد زیادی، از ورزشکاران در سطوح قهرمانی و حرفه ای الگوپذیری اخلاقی دارند. از این رو، در این پژوهش سعی بر آن است تا با بررسی موانع توسعه اخلاق حرفه ای در بازیکنان و مربیان لیگ برتر فوتبال ایران، گامی مؤثر در جهت جلوگیری از بروز رفتارهای ناشایست و غیر اخلاقی در ورزش حرفه ای کشور برداشته شود.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، یک تحقیق توصیفی است که به لحاظ هدف، کاربردی می باشد و جمع آوری اطلاعات آن به صورت میدانی صورت پذیرفته است. جامعه آماری پژوهش، کلیه مدیران، مربیان و بازیکنان لیگ برتر فوتبال و مدیران ارشد فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران می باشد که در این میان مدیران، مربیان و بازیکنان چهار تیم سپاهان، ذوب آهن، پرسپولیس و استقلال به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شدند. لذا نمونه آماری پژوهش تعداد ۳۲ مدیر (۱۹ مدیر عامل و معاونین در باشگاه های مذکور و ۱۳ مدیر ارشد فدراسیون فوتبال)، ۱۸ مربی (سر مربی و مربی) و ۱۰۰ بازیکن چهار تیم سپاهان، ذوب آهن، پرسپولیس و استقلال (در مجموع ۱۵۰ نفر) بودند. ملاک انتخاب تیم های مذکور عبارت اند از:

- حضور کامل تیم ها در ادوار لیگ برتر فوتبال ایران به طوری که کلیه مجموعه تیم (باشگاه) با مسائل حرفه ای فوتبال آشنایی کامل داشته باشند.
- حضور در بیش از دو دوره جام باشگاه های آسیا (لیگ قهرمانان) که بدین واسطه مجموعه تیم (باشگاه) الزام بیشتری به رعایت اصول حرفه ای داشته باشند.

برای جمع آوری اطلاعات اولیه و مبانی نظری از مطالعات کتابخانه ای استفاده گردید. بدین منظور جهت تعیین موانع رشد اخلاق حرفه ای در بازیکنان و مربیان لیگ برتر فوتبال ایران، به مطالعه و جستجو در منابع علمی از جمله مقالات و کتاب های معتبر و همچنین گفتگو و مصاحبه با اساتید برجسته مدیریت ورزشی و برخی از بازیکنان و مدیران مطرح ورزشی کشور پرداخته شد. از آنجا که منابع موجود در زمینه موضوع پژوهش بسیار محدود بود، نقش مصاحبه در این زمینه بسیار پر رنگتر می نمود. در نهایت پرسشنامه پژوهش که موانع رشد اخلاق حرفه ای در بازیکنان و مربیان لیگ برتر فوتبال ایران را مورد سنجش قرار می داد، با ۳۲ گویه و در قالب طیف لیکرت (بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم، و بسیار کم) طراحی و در اختیار افراد نمونه

قرار گرفت. از مجموع ۱۵۰ پرسشنامه توزیع شده، تعداد ۱۳۲ پرسشنامه ارجاع و مورد قبول واقع شدند (نرخ بازگشتی: ۸۸ درصد). جدول ۱ بیانگر وضعیت نمونه آماری بر اساس پرسشنامه های بازگشتی می باشد:

جدول ۱: وضعیت آماری پرسشنامه های بازگشتی

تیم	مدیران	مربیان	بازیکنان	فراوانی	درصد
سپاهان	۵	۵	۲۵	۳۵	۲۶/۵۱
ذوب آهن	۴	۴	۲۴	۳۲	۲۴/۲۴
پرسپولیس	۲	۳	۱۹	۲۴	۱۸/۱۹
استقلال	۳	۲	۲۳	۲۸	۲۱/۲۱
فدراسیون فوتبال	۱۳	-	-	۱۳	۹/۸۵
مجموع	۲۷	۱۴	۹۱	۱۳۲	۱۰۰

در پژوهش حاضر با توجه به اهمیت حصول اطمینان از روایی پرسشنامه، از روایی صوری، محتوایی و سازه استفاده شد. جهت تایید روایی صوری و محتوایی سعی گردید از نظرات ۹ تن از اساتید برجسته مدیریت ورزشی استفاده گردد. بدین واسطه در استخراج موانع به منابع معتبر علمی و مصاحبه ها، ارائه یک چارچوب مفهومی و صوری مناسب برای پرسشنامه و ادبیات موانع (گویه ها) توجه و اصلاحات لازم صورت پذیرفت. روایی سازه پرسشنامه نیز با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی^۱ مورد تایید قرار گرفت. به واسطه نتایج تحلیل عاملی اکتشافی، پرسشنامه تحقیق در قالب چهار مولفه فرهنگی و اجتماعی (۷ گویه)، نیروی انسانی (۵ گویه)، اقتصادی (۲ گویه)، و مدیریتی و سازمانی (۱۰ گویه) نهایی گردید.

همچنین ضریب آلفای کرونباخ عددی معادل ۰/۸۱ برای مولفه فرهنگی و اجتماعی؛ ۰/۸۳ برای مولفه نیروی انسانی، ۰/۹۳ برای مولفه اقتصادی؛ و ۰/۸۸ برای مولفه مدیریتی و سازمانی؛ نشانگر پایایی مطلوب پرسشنامه طراحی شده بود. جهت تجزیه و تحلیل داده های حاصل از پرسشنامه های جمع آوری شده نیز از کلموگروف اسمیرنوف^۲، t تک نمونه^۳، فریدمن^۴، و کروسکال والیس^۵ استفاده گردید. سطح معناداری در کلیه آزمون ها ۰/۰۵ می باشد.

1. Exploratory Factor Analysis
2. One- Sample Kolmogorov-Smirnov Test
3. One Sample t Test
4. Friedman Test
5. Kruskal-Wallis Test

یافته های پژوهش

شکل ۱ نشانگر موانع شناسایی شده رشد اخلاق حرفه ای در بازیکنان و مربیان لیگ برتر فوتبال ایران است:

شکل ۱: موانع رشد اخلاق حرفه ای در بازیکنان و مربیان لیگ برتر فوتبال ایران



جهت سازه بندی موانع از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده گردید. جدول ۲ بیانگر شاخص کیسر، میر و الکین^۱ و آزمون بارتلت است.

جدول ۲: آزمون بارتلت و شاخص کیسر، میر، و الکین

جهت کفایت نمونه گیری KMO شاخص	۰/۷۴۳
شاخص خی دو	۱۴۴۹
درجه آزادی	۴۹۶
سطح معناداری	۰/۰۰۱

بر این اساس شاخص معیار کیسر، میر و الکین جهت کفایت نمونه گیری عددی برابر با ۰/۷۴۳ را نشان داد و با توجه به سطح معناداری آزمون بارتلت که کوچکتر از ۰/۰۵ (مومنی و فعال قیومی، ۱۳۹۰) بود، مشخص گردید که تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار و مدل عاملی، مناسب است و فرض شناخته بودن ماتریس همبستگی، رد می گردد.

جدول ۳، به ترتیب اشتراک اولیه و اشتراک استخراجی را نشان می دهد. در این جدول ردیف هر گویه برابر با ردیف آن گویه در پرسشنامه پژوهش و همچنین شکل ۱ می باشد.

جدول ۳: ستاده مربوط به اشتراک اولیه و اشتراک استخراجی

عامل	اشتراک اولیه	اشتراک استخراجی	عامل	اشتراک اولیه	اشتراک استخراجی
۱	۱/۰۰۰	۰/۵۴۱	۱۷	۱/۰۰۰	۰/۶۷۱
۲	۱/۰۰۰	۰/۶۷۸	۱۸	۱/۰۰۰	۰/۰۰۳
۳	۱/۰۰۰	۰/۱۲۹	۱۹	۱/۰۰۰	۰/۲۳۸
۴	۱/۰۰۰	۰/۰۱۹	۲۰	۱/۰۰۰	۰/۶۱۳
۵	۱/۰۰۰	۰/۴۰۲	۲۱	۱/۰۰۰	۰/۷۰۱
۶	۱/۰۰۰	۰/۵۹۳	۲۲	۱/۰۰۰	۰/۵۳۴
۷	۱/۰۰۰	۰/۴۵۵	۲۳	۱/۰۰۰	۰/۴۱۴
۸	۱/۰۰۰	۰/۶۰۱	۲۴	۱/۰۰۰	۰/۳۸۳
۹	۱/۰۰۰	۰/۵۱۴	۲۵	۱/۰۰۰	۰/۶۰۰
۱۰	۱/۰۰۰	۰/۴۳۲	۲۶	۱/۰۰۰	۰/۵۲۱
۱۱	۱/۰۰۰	۰/۵۴۳	۲۷	۱/۰۰۰	۰/۴۶۳
۱۲	۱/۰۰۰	۰/۴۷۱	۲۸	۱/۰۰۰	۰/۶۲۰
۱۳	۱/۰۰۰	۰/۵۰۰	۲۹	۱/۰۰۰	۰/۵۰۴

۱۴	۱/۰۰۰	۰/۶۵۹	۳۰	۱/۰۰۰	۰/۲۱۲
۱۵	۱/۰۰۰	۰/۲۲۶	۳۱	۱/۰۰۰	۰/۷۵۲
۱۶	۱/۰۰۰	۰/۵۸۷	۳۲	۱/۰۰۰	۰/۴۳۱

هر چه مقدار اشتراک استخراجی بزرگتر باشد، عامل های استخراج شده، متغیرها را بهتر نشان می دهند. اگر هر یک از مقادیر استخراجی بسیار کوچک باشند، ممکن است استخراج عامل دیگری الزامی شود. بر این اساس عامل هایی که اشتراک استخراجی آنها کمتر از ۰/۴ می باشند، حذف می گردند- در برخی منابع از جمله مومنی و فعال قیومی (۱۳۹۰) نظر به حذف عامل هایی با استخراج اشتراکی کوچکتر از ۰/۵ می دهند، با این حال پژوهشگر را با توجه به پیشینه پژوهش تا اندازه ای آزاد می گذارند. لذا در پژوهش حاضر با توجه به اجماع نظر گروه تحقیق بر اساس پیشینه پژوهش این عدد ۰/۴ در نظر گرفته شد. بر این اساس عامل های شماره ۳، ۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۴ و ۳۰، حذف می گردند.

جدول ۴ بیانگر بار عاملی است که آن عامل را در ماتریس چرخش یافته اجزا به عامل کلی نسبت می دهد. در این جدول هر متغیر با توجه به بزرگ بودن همبستگی، به آن عامل وصل می شود. چرخش عامل ها به منظور به حداکثر رساندن رابطه متغیرها و عامل ها انجام می پذیرد. در این مرحله با توجه به ادبیات و پیشینه پژوهش و همچنین اجماع نظر گروه تحقیق، ۴ مانع کلی (اصلی) نیروی انسانی، مدیریتی و سازمانی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفته شد.

جدول ۴: بار عاملی غالب در ماتریس چرخش یافته اجزا

فرهنگی و اجتماعی	منابع گویه	اقتصادی	منابع گویه	سازمانی و مدیریتی	منابع گویه	نیروی انسانی	منابع گویه
۰/۴۲۴	۱۰	۰/۳۷۹	۱۴	۰/۴۷۵	۸	۰/۵۹۰	۱
۰/۴۷۶	۱۷	۰/۴۷۴	۱۶	۰/۵۳۴	۹	۰/۶۰۴	۲
۰/۳۷۸	۲۱	-	-	۰/۵۴۸	۱۱	۰/۵۲۴	۵
۰/۵۴۸	۲۵	-	-	۰/۶۰۹	۱۲	۰/۶۲۲	۶
۰/۵۲۶	۲۶	-	-	۰/۶۸۵	۱۳	۰/۴۵۰	۷
۰/۴۳۳	۲۷	-	-	۰/۳۹۴	۲۲	-	-
۰/۴۹۸	۲۸	-	-	۰/۵۶۹	۲۳	-	-
-	-	-	-	۰/۵۴۰	۲۹	-	-
-	-	-	-	۰/۳۱۲	۳۱	-	-
-	-	-	-	۰/۴۷۹	۳۲	-	-

بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی اعمال شده، جدول ۵ طبقه بندی موانع مورد مطالعه را نشان می دهد.

جدول ۵: طبقه بندی موانع رشد اخلاق حرفه ای در مربیان و بازیکنان لیگ برتر فوتبال ایران

موانع	نماد	توصیف
فرهنگی و اجتماعی	A۱	موانع فیزیکی و روانی محیط مسابقه
	A۲	اولویت قرار گرفتن مسائل اقتصادی نسبت به ملاحظات اخلاقی
	A۳	کمرنگ شدن هنجارها در ورزش قهرمانی و جایگزینی ناهنجاری ها
	A۴	فهم نادرست از مذهب در جامعه
	A۵	جا به جا شدن و رنگ عوض کردن ارزش ها در جامعه
	A۶	شیوع مقطع گرایی در جامعه
	A۷	جایگزینی اهداف ثانویه ورزش به جای اهداف اولیه
موانع مرتبط با نیروی انسانی	B۱	فقدان تحصیلات و تخصص کافی در بین بازیکنان
	B۲	فقدان انگیزش در بازیکنان جهت رعایت اصول اخلاق حرفه ای
	B۳	فقدان تحصیلات و تخصص کافی در بین مدیران باشگاه ها
	B۴	فقدان نگرش راهبردی به اخلاق حرفه ای از سوی مدیران
	B۵	تحويل نگرى مدیران
موانع اقتصادی	C۱	وجود سرمایه های مالی سرگردان و هنگفت در ورزش
	C۲	وجود فاصله به لحاظ اقتصادی بین بازیکنان با دیگر اقشار جامعه
موانع مدیریتی و سازمانی	D۱	موانع آموزشی در باشگاه ها و فدراسیون
	D۲	فقدان منشور اخلاقی چند وجهی در باشگاه ها و فدراسیون
	D۳	فقدان نظام جامع و اخلاقی نظارت بر عملکرد بازیکنان
	D۴	عدم حرفه ای گرایی جامعه ورزش حرفه ای در برخورد با بازیکنان و مربیان متخلف
	D۵	وابستگی ورزش به دولت و عدم خصوصی سازی باشگاه های حرفه ای
	D۶	عدم قاطعیت در برخورد با متخلفین به هنگام نقض قوانین
	D۷	پوشش بسیاری از تخلفات اخلاقی به وسیله قوانین موجود
	D۸	عدم وجود رفتار حرفه ای در کل بدنه ورزش قهرمانی
	D۹	بی توجهی مدیران ارشد فدراسیون و باشگاه ها به بروز رفتارهای خلاف اخلاق
	D۱۰	درآمد بیش از کارآیی و استعدادهای موجود در بازیکنان

پس از طبقه بندی عوامل در جدول ۵، به تحلیل داده ها در هر طبقه پرداخته می شود. به عنوان نمونه به تحلیل داده ها در گروه موانع مدیریتی و سازمانی پرداخته می شود و در مورد سایر طبقه ها به گزارش نتیجه نهایی پرداخته می شود.

جدول ۶ نتایج آزمون t تک نمونه را جهت مقایسه میانگین هر یک از موانع مدیریتی و سازمانی با سطح متوسط "۳" نشان می دهد:

جدول ۶: نتایج آزمون t تک نمونه برای هر یک از موانع مدیریتی و سازمانی با سطح متوسط "۳"

ردیف	موانع مدیریتی و سازمانی	میانگین فرضی	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای استاندارد	اختلاف میانگین	t	Sig
D۱	موانع آموزشی در باشگاه ها و فدراسیون	۳	۳/۱۷	۱/۰۸	۰/۰۹	۰/۱۷	۱/۸۴	۰/۰۳۴*
D۲	فقدان منشور اخلاقی چند وجهی در باشگاه ها ...	۳	۳/۴۰	۱/۲۸	۰/۱۱	۰/۴۰	۳/۶۴	۰/۰۰۱*
D۳	فقدان نظام جامع و اخلاقی نظارت بر عملکرد ...	۳	۳/۷۷	۰/۹۷	۰/۰۸	۰/۷۷	۹/۰۸	۰/۰۰۱*
D۴	عدم حرفه ای گرایی جامعه ورزش حرفه ای در ...	۳	۳/۵۵	۰/۹۵	۰/۰۸	۰/۵۵	۶/۶۲	۰/۰۰۱*
D۵	وابستگی ورزش به دولت و عدم خصوصی سازی...	۳	۳/۴۸	۰/۹۹	۰/۰۸	۰/۴۸	۵/۶۱	۰/۰۰۱*
D۶	عدم قاطعیت در برخورد با متخلفین به هنگام نقض.	۳	۳/۴۶	۱/۱۶	۰/۱۰	۰/۴۶	۴/۵۴	۰/۰۰۱*
D۷	پوشش بسیاری از تخلفات اخلاقی به وسیله ...	۳	۳/۴۲	۱/۲۴	۰/۱۰	۰/۴۲	۳/۹۰	۰/۰۰۱*
D۸	عدم وجود رفتار حرفه ای در کل بدنه ورزش ...	۳	۳/۷۶	۰/۹۷	۰/۰۸	۰/۷۶	۸/۹۷	۰/۰۰۱*
D۹	بی توجهی مدیران فدراسیون و باشگاه ها به ...	۳	۳/۶۹	۱/۲۴	۰/۱۰	۰/۶۹	۶/۴۱	۰/۰۰۱*
D۱۰	درآمد بیش از کارایی و استعداد های موجود در ...	۳	۳/۵۶	۱/۱۸	۰/۱۰	۰/۵۶	۵/۵۰	۰/۰۰۱*

نتایج جدول ۶ نشان می دهد که میانگین نظرات پاسخگویان در تمامی موانع مدیریتی و سازمانی به طور معناداری از سطح متوسط ۳ بزرگتر می باشند ($P \leq 0.05$).

جدول ۷ بیانگر نتیجه آزمون کروسکال والیس جهت مقایسه میانگین موانع مدیریتی و سازمانی بر اساس

متغیر شغل می باشد. این آزمون هنگامی مورد استفاده قرار می گیرد که متغیر مورد استفاده کمی و تعداد نمونه ها کم و یا توزیع غیرنرمال باشد.

جدول ۷: آزمون کروسکال والیس جهت مقایسه میانگین موانع مدیریتی و سازمانی بر اساس متغیر شغل

دسته متغیر	شغل	میانگین	N	کای دو	df	Sig.
D۱	مدیر	۶۳/۷۰	۲۷	۲/۷۱	۲	۰/۲۵۷
	مربی	۸۱/۷۹	۱۴			
	بازیکن	۶۴/۹۸	۹۱			
D۲	مدیر	۶۹/۲۰	۲۷	۲/۳۴	۲	۰/۳۱۰
	مربی	۷۹/۳۲	۱۴			
	بازیکن	۶۳/۷۳	۹۱			
D۳	مدیر	۵۳/۶۷	۲۷	۸/۶۸	۲	۰/۰۱۳*
	مربی	۸۸/۹۶	۱۴			
	بازیکن	۶۶/۸۵	۹۱			
D۴	مدیر	۶۱/۱۵	۲۷	۶/۲۲	۲	۰/۰۴۴*
	مربی	۸۹/۰۷	۱۴			
	بازیکن	۶۴/۶۴	۹۱			
D۵	مدیر	۴۸/۱۳	۲۷	۸/۷۰	۲	۰/۰۱۳*
	مربی	۷۲/۲۹	۱۴			
	بازیکن	۷۱/۰۶	۹۱			
D۶	مدیر	۶۸/۲۰	۲۷	۰/۹۷	۲	۰/۶۱۴
	مربی	۷۴/۸۲	۱۴			
	بازیکن	۶۴/۷۱	۹۱			
D۷	مدیر	۷۱/۵۰	۲۷	۰/۷۵	۲	۰/۶۸۷
	مربی	۶۱/۷۹	۱۴			
	بازیکن	۶۵/۷۴	۹۱			
D۸	مدیر	۵۳/۴۱	۲۷	۶/۴۷	۲	۰/۰۳۹*
	مربی	۸۳/۰۷	۱۴			
	بازیکن	۶۷/۸۴	۹۱			

D۹	مدیر	۴۹/۵۲	۲۷	۷/۲۰	۲	*۰/۰۲۷
	مریی	۷۲/۷۱	۱۴			
	بازیکن	۷۰/۸۹	۹۱			
D۱۰	مدیر	۶۳/۰۹	۲۷	۰/۲۹	۲	۰/۸۶۴
	مریی	۶۶/۶۱	۱۴			
	بازیکن	۶۷/۴۹	۹۱			

بر اساس نتایج حاصل از جدول ۷ در میانگین نظرات پاسخ دهندگان بر اساس متغیر شغل در موانع فقدان نظام جامع و اخلاقی نظارت بر عملکرد بازیکنان، عدم حرفه ای گرای جامعه ورزش حرفه ای در برخورد با بازیکنان و رفتارهای آنها، وابستگی ورزش به دولت و عدم خصوصی سازی باشگاه های حرفه ای، عدم وجود رفتار حرفه ای در کل بدنه ورزش قهرمانی و بی توجهی مدیران ارشد فدراسیون و باشگاه ها به بروز مکرر رفتارهای خلاف اخلاق حرفه ای اختلاف معنادار دیده می شود ($P \leq 0.05$). بر همین اساس در دیگر موانع، این اختلاف معنادار وجود ندارد.

همانطور که در جدول ۷ و ستون میانگین رتبه موانع مشاهده می گردد، در مورد موانع فقدان نظام جامع و اخلاقی نظارت بر عملکرد بازیکنان، عدم حرفه ای گرای جامعه ورزش حرفه ای در برخورد با بازیکنان و رفتارهای آنها و عدم وجود رفتار حرفه ای در کل بدنه ورزش قهرمانی، میانگین نظرات مربیان بالاتر از مدیران و بازیکنان می باشد. این در حالی است که برای موانع وابستگی ورزش به دولت و عدم خصوصی سازی باشگاه های حرفه ای و بی توجهی مدیران ارشد فدراسیون و باشگاه ها به بروز مکرر رفتارهای خلاف اخلاق حرفه ای میانگین نظرات مربیان و بازیکنان، بالاتر از مدیران می باشد.

همچنین جدول ۸ نتایج آزمون فریدمن را برای موانع مدیریتی و سازمانی نشان می دهد.

جدول ۸: نتیجه آزمون فریدمن برای موانع مدیریتی و سازمانی

رتبه	متوسط رتبه	موانع مدیریتی و سازمانی	رتبه
D۱	۴/۴۷	موانع آموزشی در باشگاه ها و فدراسیون	۱۰
D۲	۵/۱۵	فقدان منشور اخلاقی چند وجهی در باشگاه ها و فدراسیون	۹
D۳	۶/۲۱	فقدان نظام جامع و اخلاقی نظارت بر عملکرد بازیکنان	۱
D۴	۵/۵۱	عدم حرفه ای گرای جامعه ورزش حرفه ای در برخورد با بازیکنان و رفتارهای آنها	۵
D۵	۵/۴۱	وابستگی ورزش به دولت و عدم خصوصی سازی باشگاه های حرفه ای	۶
D۶	۵/۲۶	عدم قاطعیت در برخورد با متخلفین به هنگام نقض قوانین	۸
D۷	۵/۳۴	پوشش بسیاری از تخلفات اخلاقی به وسیله قوانین موجود	۷

۲	۶/۰۶	عدم وجود رفتار حرفه ای در کل بدنه ورزش قهرمانی	D۸
۳	۶/۰۱	بی توجهی مدیران ارشد فدراسیون و باشگاه ها به بروز مکرر رفتارهای خلاف ...	D۹
۴	۵/۵۹	درآمد بیش از کارآیی و استعدادهای موجود در بازیکنان	D۱۰
آماره آزمون			
۱۳۲	N		
۴۰/۳۷۱	کای اسکوار		
۹	درجه آزادی		
۰/۰۰۱	سطح معناداری		

همانطور که در جدول ۸ ملاحظه می گردد، با توجه به کای اسکوار و سطح معناداری به دست آمده، فرض یکسان بودن ۱۰ مانع تعریف شده رد می شود و مشخص می گردد که این موانع تاثیر متفاوتی بر رشد اخلاق حرفه ای در بازیکنان لیگ برتر فوتبال ایران دارند. بر همین اساس در میان موانع مدیریتی و سازمانی، موانع فقدان نظام جامع و اخلاقی نظارت بر عملکرد بازیکنان، عدم وجود رفتار حرفه ای در کل بدنه ورزش قهرمانی، بی توجهی مدیران ارشد فدراسیون و باشگاه ها به بروز مکرر رفتارهای خلاف اخلاق حرفه ای، درآمد بیش از کارآیی و استعدادهای موجود در بازیکنان، و عدم حرفه ای گرایی جامعه ورزش حرفه ای در برخورد با بازیکنان و رفتارهای آنها، به ترتیب در اولویت و سایر موانع مورد مطالعه در رتبه های بعدی قرار می گیرند. بر همین اساس جدول ۹، نتیجه نهایی مربوط به سایر عوامل را نشان می دهد:

جدول ۹: نتیجه نهایی مربوط به موانع فرهنگی اجتماعی، نیروی انسانی و اقتصادی

$\hat{\chi}^2$	کای دو	FR ^۱	t	$\hat{\chi}^2$	کای دو	FR	t
A۱	۷/۴۶*	۲	۷/۰۰	B۱	۴/۴۸	۱	۷/۳۴
A۲	۳/۳۴	۴	۵/۱۱	B۲	۸/۰۱*	۲	۷/۱۲
A۳	۰/۱۴	۳	۵/۶۲	B۳	۳/۸۲	۳	۸/۶۱
A۴	۷/۰۰*	-	-۳/۹۹	B۴	۰/۱۱	۴	۲/۹۴
A۵	۱۰/۱۸*	۵	۲/۹۴	B۵	۷/۶۷*	-	۰/۵۸
A۶	۲/۸۰	-	-۰/۲۸	C۱	۳/۷۰۶	۱	۵/۴۷
A۷	۴/۵۷	۱	۱۰/۴۱	C۲	۰/۸۱۰	-	-۴/۸۴

در جدول ۹، عواملی که به طور خاص مشخص شده اند، عواملی می باشند که با توجه به نتیجه آزمون t یکی از دو شرط لازم (یا هر دو شرط) یعنی اختلاف میانگین مثبت نسبت به سطح متوسط و اختلاف معنادار را دارا نمی باشند، بنابراین از نتایج تحلیل ها کنار گذاشته شده و در اولویت بندی ها لحاظ نمی گردند.

بحث و نتیجه گیری

در حال حاضر، متأسفانه در جامعه ما و در محیط کار کمتر به اخلاق حرفه ای توجه می شود. در حالی که در غرب سکولار، در دانش های مربوط به مدیریت و سازمان، شاخه ای با عنوان اخلاق حرفه ای وجود دارد، در جامعه دینی ما در مدیریت، به اخلاق توجه کافی نمی شود (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۳). لذا در کشور ما یکی از عمده ترین دغدغه های مدیران کارآمد در سطوح مختلف، چگونگی ایجاد بسترهای مناسب برای عوامل انسانی شاغل در تمام حرفه هاست تا آنها با حس مسئولیت و تعهد کامل به مسائل جامعه و حرفه خود بپردازند و اصول اخلاقی حاکم بر شغل و حرفه خود را رعایت کنند (امیری، همتی، و مبینی، ۱۳۸۹).

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی در پژوهش حاضر نشان داد که موانع رشد اخلاق حرفه ای در مربیان و بازیکنان لیگ برتر فوتبال ایران در چهار دسته مانع کلی نیروی انسانی، مدیریتی و سازمانی، اقتصادی، و فرهنگی و اجتماعی قابل تقسیم بندی هستند که این تقسیم بندی منطبق بر نتایج پژوهش های پنیو^۱ (۲۰۰۸) و همچنین سلیمی و همکاران (۱۳۹۲) می باشد، چرا که پنیو (۲۰۰۸) عوامل تأثیرگذار بر اخلاق حرفه ای را بر سه جنبه فردی، سازمانی، و محیطی قابل تقسیم بندی می داند و سلیمی و همکاران (۱۳۹۲) نیز در مطالعه خود با هدف اولویت بندی موانع رشد اخلاق حرفه ای در رسانه های ورزشی، موانع موجود را در سه دسته موانع مرتبط با نیروی انسانی، موانع مدیریتی و سازمانی و موانع محیطی تقسیم بندی نمودند که نتایج این تحقیق از این بعد با نتایج پژوهش حاضر همسویی کامل دارد.

بدون شک، یکی از مهمترین عوامل رشد اخلاق حرفه ای در هر حرفه و پایداری آن، دیدگاه و عملکرد مدیران می باشد. نتایج پژوهش نشان داد که بی توجهی مدیران ارشد فدراسیون و باشگاه ها به بروز مکرر رفتارهای خلاف اخلاق حرفه ای از جمله موانع مهم مدیریتی و سازمانی است، حال آنکه از دیدگاه گانز و گانز^۲ (۲۰۰۶)، پنیو (۲۰۰۸) و امیری، همتی و مبینی (۱۳۸۹) نیز رفتار مدیران از مهمترین ارکان توسعه اخلاق حرفه ای به شمار می آیند. پنیو (۲۰۰۸) اعتقاد دارد که اخلاق حرفه ای رشته ای از دانش اخلاق است که ضمن مطالعه ارتباط شغل ها، به بیان مسئولیت های اخلاقی، تشخیص و حل مسائل اخلاقی در حرفه های گوناگون می پردازد. وی وظایف مدیران را در اخلاقی کردن حرفه این گونه برمی شمارد:

الف) ارزشیابی عملکرد های اخلاقی؛ ب) اخلاقی کردن هدف ها؛ ج) اشاعه ارزش ها و مسائل اخلاقی؛ د) اخلاق ورزی در زندگی شخصی؛ ه) اهمیت دادن به اخلاق حرفه ای در شغل؛ و) برخورد عقلانی و روشمند در مواجهه با مشکلات اخلاقی پیش آمده و اقدام برای برطرف کردن آنها؛ ز) عنایت خاص به آموزش اخلاق حرفه ای؛ ح) تهیه و تدوین منشور اخلاقی مربوط به سازمان با مشارکت همه افراد و اعضا.

در نتایج پژوهش حاضر، مهمترین عامل مدیریتی و سازمانی شناسایی شده در جهت رشد اخلاق حرفه ای در لیگ برتر فوتبال ایران، مانع فقدان نظام جامع و اخلاقی نظارت بر عملکرد بازیکنان می باشد. این مانع در پژوهش سلیمی و همکاران (۱۳۹۲) نیز به عنوان مهمترین عامل سازمانی رشد اخلاق حرفه ای در رسانه های ورزشی معرفی گردید. سبحانی (۱۳۸۵) نیز یکی از موانع شناسایی شده در رشد اخلاق در عرصه مطبوعات را نداشتن

1. Pennino

2. Gunz, Gunz

یک سیستم اجرایی کنترل کننده می داند. آنچه که مسلم است در دایره عملکرد و وظایف مدیریت، ارزیابی به عنوان یکی از عملکردها و وظایف مهم مدیریت نوین حتی مدیریت کلاسیک مطرح بوده و هست و زمانی برنامه ریزی و طراحی های انجام شده در مورد سازمان متمرکز خواهد بود که بر مبنای یک نظام ارزیابی سنجیده شود (سلطانی، ۱۳۸۶). آنچه که در لیگ برتر فوتبال ایران قابل مشاهده است آن است که یا تخلفات اخلاقی بازیکنان و مربیان مورد توجه قرار نمی گیرند و یا با اغماض از آنها گذر می شود. به هر حال آنچه که مسلم است ارزش های مذهبی، ملاک های مثبت شخصیتی، عوامل خانوادگی، و باورها و اعتقادات از جمله عوامل فردی می باشند که موجب بروز رفتارهای منطبق بر اخلاق از سوی بازیکنان می گردند، با این حال در صورت مشاهده رفتارهای خلاف موازین اخلاقی، وجود نظارت دقیق و مجازات های منصفانه می تواند نقشی بازدارنده ایفا نمایند.

درآمد بیش از کارایی و استعدادهای موجود در بازیکنان نیز از جمله موانع مهم شناسایی شده در این بخش می باشد. هر چه از آغاز لیگ حرفه ای فوتبال گذشته، اگر بر کیفیت آن افزوده نشده، بر دستمزد بازیکنانش به شدت افزوده شده است. این موضوع اکنون به جایی رسیده که موجب اعتراض بسیاری از صاحب نظران شده است. پرداخت های ملیاردهای به بازیکنان به حدی رسیده که کنترل این موضوع را از دست مدیران نیز خارج کرده و به معضلی جدی تبدیل گردیده است. در این بین، نشست های متعددی برگزار شده تا این بحران فوتبال مهار شود، اما تاکنون نتیجه ای در پی نداشته است. البته، کم نیستند آگاهانی که ریشه این مشکل را در مدیریت فوتبال می دانند؛ مدیریتی فرسوده و ناتوان که بر مبنای هزینه شکل گرفته و این روزها اسیر باندها و دلال ها نیز شده که خود بر دامنه مشکلات افزوده است. عدم نظارت دقیق بر عملکرد مدیران سبب قدرت نمایی بیش از حد دلالان شده است. رفتار و نوع برخورد مدیران با دلال ها منجر به دخالت غیر قانونی و خارج از ضابطه آنها در امر جا به جایی بازیکنان شده است. افراد دلال آنچنان قدرتمند شده اند که با پول کم نیز راضی نمی شوند و خواهان جذب و درآمد زیاد از عرصه بی نظارت فوتبال هستند. فوتبال ایران دچار مدیرانی شده که عموماً فاقد تخصص در این زمینه هستند. تراز مالی باشگاه های لیگ برتر می تواند سندی برای این مدعی باشد. تاکنون هیچ باشگاهی تراز مالی خود را دقیق اعلام نکرده است تا بتوان تحلیلی از عملکرد یک مدیر داشت. همین عدم تخصص موجب می شود تا دلال ها به منفعت طلبی روی آورند و مدیران را به ابزار خود تبدیل کنند. این دست های پشت پرده که با حمایت برخی جریان های دیگر نیز همراه می شوند، موجب گردیده اند تا عملاً دستمزدها به شکل عجیبی افزایش پیدا کند. در این بین، نبود نهادهای نظارتی قدرتمند موجب می شود تا نه تنها دامنه این دست فعالیت ها کاهش پیدا نکند، بلکه افزایش چشمگیری داشته باشد (مشرق نیوز، ۱۳۹۲).

مهمترین مانع فرهنگی و اجتماعی رشد اخلاق حرفه ای در بازیکنان لیگ برتر فوتبال ایران، جایگزینی اهداف ثانویه ورزش به جای اهداف اولیه معرفی گردید. همچنین، موانع کمرنگ شدن هنجارها در ورزش قهرمانی و جایگزینی ناهنجاری ها، در اولویت قرار گرفتن مسائل اقتصادی نسبت به ملاحظات اخلاقی و جا به جا شدن و رنگ عوض کردن ارزش ها در جامعه، در این میان از اهمیتی بالایی برخوردار می باشند که با نتایج پژوهش های سلیمی و همکاران (۱۳۹۱) و پانابادی (۱۳۷۶) همسو می باشد. ارزش هایی که افراد به آنها اعتقاد دارند بر بسیاری از تصمیماتی که می گیرند تأثیر بسزایی دارد. گاه این ارزش ها به نادرست و با توجیهات غیر منطقی رنگ می بازند. در فوتبال حرفه ای از عوامل مهمی که این تغییر ارزش ها را موجب می شوند، فشار روانی حاکم بر باشگاه ها، مدیران، مربیان و بازیکنان؛ توجه بیش از حد و افراطی رسانه ها، مسئولین و مردم و سرمایه های مالی هنگفت و بدون حساب و کتاب می باشند. اما نکته ای که موجب تسهیل روند این موارد می گردد، نگرش سنتی ما به اخلاق است. ما در نگرش سنتی خود به معضلات اخلاقی تنها فضیلت محور یا ارزش مدار هستیم نه مسئله محور؛ جهت گیری ما فضیلت گرایانه است، نه کارآمدی. ورود ما به معضل اخلاقی، تنها موعظه ای، تبشیری و اندازی است. در حالی که برخورد صحیح و مؤثر با معضلات اخلاقی به تخصص و

مهارت نیاز دارد (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵). رویکرد فضیلت گرایانه مدیر را وا می دارد تا در مواقع رویارویی با معضلات اخلاقی، صرفاً احکام و فضیلت های اخلاقی را یادآوری کند و بر آن اصرار نماید. در چنین مواقعی، تا می تواند از احساسات و عواطف خود خراج می کند، اما برای حل معضل، ذره ای مهارت به خرج نمی دهد. فضیلت گرایی، یک رویکرد نیست، بلکه یک نوع موضع گیری و در نهایت، یک نوع نگرش^۱ است. رویکرد^۲، غیرشخصی و روشمند و ناظر به درک درست مسئله و در نهایت، حل معضل است. همچنین رویکرد مبتنی بر توصیف علی^۳ موضوع است و در مسیر خود از معیارها و ابزارهای علمی و سنجش گر سود می برد، اما نگرش، موضع گیری شخصی است و اساساً ناظر به حل مسئله نیست. با جهت گیری مسئله محور، ذهن بی آنکه به بیراهه برود، فقط همان را می یابد و همان قدر و همان گونه می یابد که به کار حل مسئله^۴ می آید (امیری، همتی و مبینی، ۱۳۸۹). بنابراین در مدیریت میانی فوتبال نیاز به مدیرانی متخصص و رویکرد محور است، نه مدیرانی که مبتنی بر نگرش شخصی خود عمل می نمایند.

نتایج پژوهش پیرامون موانع مرتبط با نیروی انسانی رشد اخلاق حرفه ای در بازیکنان لیگ برتر فوتبال ایران نشان می دهد که فقدان نگرش راهبردی به اخلاق حرفه ای از سوی مدیران، فقدان انگیزش در بازیکنان جهت رعایت اصول اخلاق حرفه ای، فقدان تحصیلات و تخصص کافی در بین مدیران باشگاه ها، فقدان تحصیلات و تخصص کافی در بین بازیکنان، و تحویل نگرانی مدیران (اخلاق را در سایه مسائل حرفه ای قرار دادن) به ترتیب در اولویت قرار دارند. موانع مرتبط با نیروی انسانی در دو سطح مدیران و بازیکنان تعریف گردیده است که با توجه به نتایج نقش مدیران پررنگتر می نماید. تصمیمات مدیریت تأثیراتی غیر ارادی بر سایرین دارد و از این رو در هنگام تصمیم گیری های کلان اخلاقی باید به طور خاص مورد توجه قرار گیرند. لذا به نظر می رسد اولین گام در جهت رشد اخلاق حرفه ای در فوتبال حرفه ای حذف و یا تعدیل موانع مرتبط با مدیران باشد. مهمترین مانع شناسایی شده در این حیطه فقدان نگرش راهبردی به اخلاق حرفه ای از سوی مدیران بود که با نتایج پژوهش ترکیان (۱۳۸۹) نیز همسو می باشد. یکی از اقدام های موثر در این راه می تواند جایگزینی مدیران استراتژیک به جای مدیران اجرایی باشد. بی شک تصمیماتی که در سطح استراتژیک گرفته می شود باید بازتری نسبت به مسائل اخلاقی می نگرد و ممکن است بتواند بسیاری از مشکلات موجود را برطرف نماید. نویسنده کتاب معروف "مدیریت استراتژیک" به درستی، بیان می دارد که روز به روز اعتقاد سازمان ها در این مورد راسخ تر می شود که ترویج اصول اخلاقی و تقویت فرهنگ معنوی، موجب ایجاد مزیت های استراتژیک خواهد شد؛ به گونه ای که اصول اخلاقی و رقابت تفکیک ناپذیر می شوند (دیوید، ۱۳۸۸).

نتایج پژوهش پیرامون موانع اقتصادی رشد اخلاق حرفه ای در بازیکنان لیگ برتر فوتبال ایران نشان می دهد که مهمترین عامل اقتصادی وجود سرمایه های مالی سرگردان و هنگفت در ورزش می باشد که نتیجه حاصله با نتیجه پژوهش ترکیان (۱۳۸۹) همسویی دارد. بدون تردید مهم ترین و حساس ترین مسئله در مدیریت ایجاد تعادل و توازن بین عملکرد اقتصادی و عملکرد اجتماعی است (مرال تی، ۱۳۸۲). تصمیمات اقتصادی اغلب پی آمدهای اخلاقی دارند (بین و پریسلی^۵، ۲۰۱۳) و پی آمدهای تصمیمات و اقدامات مدیریتی در اولین سطح پس آمدها باقی نمی مانند، بلکه این ثمرات در سراسر اجتماع گسترش می یابد و همین گسترش است که جوهره مباحث اخلاقی را تشکیل می دهد. وجود سرمایه های مالی سرگردان، معزل و خطر بسیار بزرگی برای فوتبال به

1. Attitude
2. Approach
3. Causal Description
4. Problem Solving
5. Payne, Pressley

شمار می آید که تنها راه حل آن نگاه حرفه ای، استراتژیک و منطقی به این ورزش است. در جمع بندی مطالب می توان بیان داشت، در مدل امروزی فوتبال که به صنعت فوتبال تبدیل شده است، اصالت بر مکتب منفعت و سود بیشتر است. با توجه بر حاکم بودن فلسفه برد (برد به معنای همه چیز) و یا ایده آل افلاطونی که در آن ورزشکار و تیم برنده ستایش می شود، غایت در این مدل، قهرمان شدن است نه چیز دیگر و اصالت با ورزشکار و یا تیم برنده است. در این راه همانند سیاست ماکیاولی هنگامی که هدف وسیله را توجیه می کند، در صورت بی توجهی به اخلاق حرفه ای همه چیز از جمله خود اخلاق قربانی فلسفه برد و اصالت منفعت خواهد شد (گلزاری، ۱۳۹۱). اگر چه جهت جلوگیری از ناهنجاری ها تلاش های نمادینی توسط باشگاه ها، فدراسیون و رسانه های ورزشی صورت پذیرفته و می پذیرد، با این حال شواهد بیانگر ادامه و تشدید آنها می باشد (گودرزی، ۱۳۹۲).

پیشنهادهای

- اینک، با توجه به نتایج حاصل از پژوهش و بحث و نتیجه گیری های صورت پذیرفته، می توان پیشنهادهای زیر را ارائه نمود:
- آرام سازی فضای استادیوم های ورزشی کشور و جلوگیری از هیجانات کاذب به خصوص در بخش تماشاگران؛
 - برگزاری کلاس های آموزشی پیرامون مسائل اخلاقی و اخلاق حرفه ای توسط فدراسیون فوتبال برای مدیران باشگاه ها، مربیان و بازیکنان - آموزش می تواند نگرش بازیکنان، مربیان و مدیران را به اخلاق حرفه ای در ورزش بهبود ببخشد؛
 - استفاده از مدیران متخصص، با دانش و استراتژیک در سطوح عالی و میانی فدراسیون فوتبال و باشگاه های ورزشی کشور؛
 - ایجاد فضای مناسب توسط وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون فوتبال جهت رشد مربیان تحصیل کرده، دانشگاهی و متخصص و ایجاد انگیزش در آنها جهت کسب مدارج عالی مربیگری؛
 - ایجاد سازوکارهای منطقی و علمی جهت تعیین میزان مبلغ دریافتی توسط مربیان و بازیکنان؛
 - ایجاد یک سیستم نظارتی بر میزان قرارداد بازیکنان و جلوگیری از ارتباطات غیر قانونی و فاسد در زمینه جذب بازیکنان ناکارآمد؛
 - به کارگیری افراد متخصص و کارا در مراجع قضایی فدراسیون؛
 - قاطعیت در برخورد با متخلفان و عدم بروز رفتار متفاوت و متناقض فدراسیون و مراجع قضایی با رفتارهای خلاف اخلاق حرفه ای؛
 - تاکید بر اهداف اولیه ورزش و تقویت روحیه جوانمردی و پهلوانی در ورزشکاران حرفه ای؛
 - داشتن یک منشور اخلاقی واقع بینانه و مؤثر که قابلیت اجرا داشته باشد و تنها مجموعه ای از کدهای اخلاقی با جنبه تشریفاتی، نباشد.
 - عدم رفتار کدخدا منشی و چشم پوشی در مقابل رفتارهای غیر اخلاقی توسط مدیران و برخورد قاطع و جدی بر اساس قوانین از پیش تعیین شده؛
 - تسریع در جهت خصوصی سازی باشگاه های ورزشی کشور و حمایت دولت از بخش خصوصی در این مقوله.

منابع

- الهی، علیرضا. (۱۳۸۳). "بررسی عملکرد سازمان لیگ حرفه ای فوتبال جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با سازمان لیگ ژاپن". پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران.
- امیری، علی نقی؛ همتی، محمد و مبینی، مهدی. (۱۳۸۹). "اخلاق حرفه ای؛ ضرورتی برای سازمان". فصلنامه معرفت اخلاقی. (۴). ۱۳۷ - ۱۵۹.
- بانک اطلاعات هنرهای رزمی. (۱۳۹۲). "جایگاه اخلاق در ورزش".
- ببران، صدیقه و حضرتی، افسون. (۱۳۹۱). "بررسی میزان رعایت معیارها و اصول اخلاق رسانه ای حرفه ای در برنامه ۹۰ از دیدگاه روزنامه نگاران ورزشی و متخصصان ورزش و رسانه". فرهنگ اطلاعات. ۲ (۸). ۸۹ - ۱۱۲.
- بختیاری، محمد. (۱۳۸۸). "بررسی میزان رضایتمندی تماشاچیان لیگ برتر فوتبال از ارائه خدمات گوناگون". پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی. دانشگاه تهران.
- پانابادی، اعظم. (۱۳۷۶). "اصول اخلاقی رسانه های خبری". فصلنامه پژوهش و سنجش. سال چهارم. ۱۲. ۶۳ - ۷۲.
- ترکیان، سمانه. (۱۳۸۹). "تحلیل موانع اخلاق در رسانه های ورزشی". پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی. دانشگاه اصفهان.
- تقی، محمد. (۱۳۷۵). "موانع حضور اخلاق در صحنه مطبوعات". مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها: مجموعه مقالات. ۵۸ - ۶۴.
- حلبچی، فرزین؛ مظاهری، رضا؛ منصورنیا، محمدعلی و سیف برقی، توحید. (۱۳۹۱). "بررسی سلامت داوران لیگ برتر فوتبال ایران". پژوهنده (نشریه پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی). (۸۸). ۲۱۵ - ۲۲۰.
- دیوید، فرد آر. (۱۳۸۸). مدیریت استراتژیک. علی پارسائیان و سید محمد اعرابی. چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی
- ژانه، پیر. (۱۳۷۳). اخلاق. بدرالدین کتابی. اصفهان: اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان
- سلطانی، ایرج. (۱۳۸۶). مدیریت عملکرد بستر ساز پرورش منابع انسانی. تهران: انتشارات ارکان
- سلیمی، مهدی؛ سلطان حسینی، محمد؛ قاسمی، حمید و ترکیان، نفیسه. (۱۳۹۱). «رتبه بندی موانع توسعه اخلاق حرفه ای در رسانه های ورزشی». فصلنامه پژوهش های ارتباطی. ۴. ۹ - ۲۹.
- سلیمی، مهدی؛ سلطان حسینی، محمد؛ قاسمی، حمید و ترکیان، نفیسه. (۱۳۹۲). "بکارگیری روش تحلیل سلسله مراتبی در اولویت بندی موانع رشد اخلاق حرفه ای در رسانه های ورزشی". نشریه مدیریت ورزشی. ۵ (۳). ۱۳۷ - ۱۵۹.
- سلیمی، مهدی؛ سلطان حسینی، محمد و موسوی، زهره. (۱۳۹۲). "تربیت بدنی و ورزش از منظر قرآن، با تاکید بر آسیب شناسی محیط ورزش قهرمانی کشور بر اساس آموزه های قرآنی". نشریه مطالعات فرهنگی در ورزش. (۱). ۱ - ۲۱.
- شاه علی، مهرزاد؛ رشیدپور، علی؛ کاوسی، اسماعیل و اعتباریان، علی اکبر. (۱۳۹۴). "الگوی پیاده سازی اخلاق حرفه ای در سازمان های ایران". مدیریت شهری. (۳۹). ۳۹۳ - ۴۰۶.
- شیر محمدی، مهدی و اصغری زاده، عزت اله. (۱۳۸۹). "آسیب شناسی اخلاق حرفه ای در

- شرکت های مشاور". فصل نامه اخلاق در علوم و فن آوری. ۵ (۲۰۱). ۷۴ - ۸۳.
- طالبیان نیا، حسین؛ مظفری، سید امیر احمد و مرتضایی، بهزاد. (۱۳۸۷). "بررسی وضعیت توسعه رفتار اخلاقی در ورزش قهرمانی کشور و ارایه راهکار". حرکت. (۳۷). ۱۷۱ - ۱۹۱.
 - فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۳). "روش شناسی مسئولیت پذیری در سازمان". اندیشه حوزه. (۴۹) و ۵۰، ۳۹-۵۱.
 - فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۵). اخلاق حرفه ای. چاپ سوم، تهران: نشر مجنون
 - فرامرز قراملکی، احد و نوچه فلاح، رستم. (۱۳۸۶). موانع رشد اخلاق حرفه ای در سازمان ها. تهران: موسسه فرهنگی دین پژوهی بشرا
 - قاسمی، حمید. (۱۳۸۶). "نقش رسانه های گروهی در توسعه ورزش کشور". رساله دکتری، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی. دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.
 - قاسمی، وحید؛ ذوالاکتاف، وحید و نور علی وند، علی. (۱۳۸۸). "توصیف جامعه شناختی عوامل موثر بر وندالیسم و اوباشگری در ورزش فوتبال". فصلنامه المپیک. ۱۷ (۱). ۷۰ - ۷۹.
 - گلزاری، علیرضا. (۱۳۹۱). اخلاق در ورزش.
 - گودرزی، محمود. (۱۳۹۲). "نبود کد اخلاقی و سیستم نظارت باعث اتفاقات غیر اخلاقی می شود". مشروح نشست اخلاق در ورزش و رسانه های ورزشی.
 - محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). وندالیسم، مروری بر یافته های یک تحقیق. تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
 - محمدی، زرگار؛ براری، مجتبی؛ هنری، حبیب و شجاعی، سهیلا. (۱۳۹۰). "بررسی تاثیر اخلاق حرفه ای ورزشکاران و مربیان روی اعتماد تعهد هواداران نسبت به باشگاه (مطالعه موردی باشگاه سپاهان)". همایش ملی دانشجویان تربیت بدنی و علوم ورزشی ایران. ۱ - ۱۲.
 - محمدی، عزیز الله. (۱۳۹۲). اخلاق حرفه ای در ورزش. گروه ورزشی باشگاه خبرنگاران جوان.
 - مرال، تی. هس. (۱۳۸۲). اخلاق در مدیریت. سید محمد اعرابی و داود ایزدی. چاپ دوم، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی
 - مشرق نیوز. (۱۳۹۲). "چرا فوتبالیست ها به قراردادهای میلیاردی رسیدند؟".
 - مومنی، محمد و فعال قیومی، علی. (۱۳۹۰). تحلیل های آماری با استفاده از SPSS. تهران: دانشگاه تهران
 - ندایی، طاهره و علوی، خلیل. (۱۳۸۷). اخلاق در ورزش با رویکرد بازی منصفانه. پژوهش های فلسفی کلامی. ۲ (۳۸). ۱۸۷ - ۲۲۰.
 - نیاز آذری، کیومرث؛ عنایتی، ترانه؛ بهنام فر، رضا و کهرودی، زهرا. (۱۳۹۳). "رابطه اخلاق حرفه ای و تعهد سازمانی". نشریه پرستاری ایران. (۸۷). ۳۴ - ۴۲.
 - Airaksinen, T. (1998). "Professional Ethics". Encyclopedia of Applied Ethics. 3. 671-681.
 - Castagna, C., Abt, G., D'Ottavio, S. (2007). "Physiological aspects of soccer refereeing performance and training". Sports Med. 37(7): 625-46.
 - Gunz, H. P., Gunz, S. P. (2006). "Professional Ethics in Formal Organizations". Book Series: Research in the Sociology of Organizations. Volume. 24: Professional

Service Firms.

- Naimo, J. (2014). **"Ethics and the Art of Sport Governance"**. Howard Harris (ed.) Achieving Ethical Excellence (Research in Ethical Issues in Organizations, Volume 12) Emerald Group Publishing Limited: 91-112.
- Pappas, N. T., McKendry, P. C. (2004). **"Athlete aggression on the rink and off the ice, Athlete Violence and aggression in hockey and interpersonal relationship"**. Man and Masculinist. 6: 291-312.
- Payne, D., Pressley, M. (2013). **"A transcendent code of ethics for marketing professionals"**. International Journal of Law and Management. 55 (1): 55-73.
- Pennino, C. M. (2008). **"Managers and professional ethics"**. Journal of Business Ethics. 41: 337- 347.
- Sungick, M. (2009). **"An analysis of sport reporters' perceptions of the effectiveness of sport public relations practitioners' influence practices in South Korea"**. PhD Thesis. University of Northern Colorado. AAT 3374861.

شناسایی کژکارکردهای سیمای جمهوری اسلامی ایران در حوزه ورزش با استفاده از تکنیک دلفی

شهرزاد نیری^۱
مرجان صفاری^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۳/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۸/۱۰

هدف پژوهش حاضر، شناسایی کژکارکردهای سیمای جمهوری اسلامی ایران در حوزه ورزش بود و از راهبرد پژوهش کیفی و تکنیک دلفی استفاده گردید. گردآوری داده‌ها در دو مرحله انجام شد: در مرحله اول، فهرستی از گزاره‌های مربوط به کژکاردهای رسانه از طریق جست و جو در منابع کتابخانه‌ای و بررسی نظریه‌های بیان‌شده در حوزه ارتباطات جمعی استخراج شد؛ سپس در مرحله دوم گزاره‌های استخراج‌شده به عنوان مبنایی برای تهیه یک پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته مورد استفاده قرار گرفتند و با استفاده از تکنیک دلفی تلاش شد تا آرای خبرگان و صاحب‌نظران در مورد این گزاره‌ها کسب شود. در راند اول، ۲۰ نفر از خبرگان و در راند دوم، ۱۷ نفر مشارکت داشتند. اعضای گروه خبرگان مشتمل بودند بر صاحب‌نظران دانشگاهی در حوزه‌های مدیریت ورزشی، مدیریت رسانه، مدیریت دولتی و ارتباطات و افرادی که دارای بیش از پانزده سال سابقه کار اجرایی در حوزه رسانه و ورزش بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در مجموع دو راند ۱۸ گزاره به عنوان کژکارکردهای رسانه تلویزیون در حوزه ورزش مورد توافق حداقل ۶۰ درصد از خبرگان قرار گرفت و ۶ گزاره نیز حداقل اجماع را به دست نیاورد. هشت مورد از گزاره‌های مورد توافق صاحب‌نظران با مفروضات نظریه برجسته‌سازی، سه گزاره با مفروضات نظریه استفاده و رضایتمندی و باقی گزاره‌ها نیز با مفروضات نظریه‌های چارچوب‌سازی، وابستگی مخاطبان، هویت اجتماعی، هژمونیک و نظریه مبتنی بر تمایلات منطبق هستند. یافته‌های این پژوهش آشکار می‌سازد رسانه تلویزیون، تنها یک پدیده اثرگذار مثبت در ورزش نیست، بلکه در کنار انبوهی از کارکردهای مثبت، کارکردهای نامطلوبی دارد که تا به حال

کمتر به آنها پرداخته شده است. نادیده گرفتن این انحرافات کارکردی می‌تواند حتی کارکردهای مطلوب این رسانه را در برابر کژکارکردهای متنوع آن در ورزش کم‌رنگ و بی‌رسمق سازد.

واژگان کلیدی: رسانه، تلویزیون، ورزش، کژکارکرد، کارکردگرایی و تکنیک دلفی

مقدمه

چارچوب‌های و رویکردهای متعددی در حوزه علوم اجتماعی وجود دارند که بر نظریه رسانه و ارتباطات جمعی تاثیرگذار هستند؛ چارچوب‌ها و مفاهیمی مانند نظریه جامعه انبوه، کارکردگرایی، مارکسیسم، حوزه عمومی و آزادی مطبوعات. در طول توسعه تاریخی نظریه رسانه‌ها، تاثیر هر یک از این دیدگاه‌ها تغییر کرده است و البته در مورد میزان نفوذ آنها نیز اختلاف نظر وجود دارد (Williams, 2003: 22). بسیاری از صاحب‌نظران اعتقاد دارند که تحقیقات ارتباطات جمعی توسط دو نظریه به هم مرتبط کارکردگرایی^۱ و کثرت‌گرایی^۲ هدایت می‌شوند. در دیدگاه متقدمینی مانند پارسونز، این نظریه‌ها که ریشه‌هایشان معطوف به نگرش‌های پس از جنگ در آمریکا است، تاکیدشان بر یک رویکرد غیرانتقادی از جامعه و حکومت قرار دارد. از این منظر، کارکردگرایی و مظهر سیاسی آن - کثرت‌گرایی - نقش نهادهای مختلف جامعه را به عنوان جزئی از فرایند ابلاغ ارزش‌هایی که جامعه خوب را حفظ می‌کند مفهوم‌سازی می‌کنند (Williams, 2003, p: 46-47). اما این نوع نگاه نسبت به نظریه کارکردگرایی در گذر زمان متحول شده است؛ به طوری که صاحب‌نظران متأخری مانند مرتون پیش‌فرض‌های مطرح شده توسط متقدمین را مورد نقد قرار داده‌اند. ابداع مفاهیمی نظیر کارکردهای مثبت و منفی، آشکارا دیدگاه کارکردی پارسونز را که بر مثبت بودن کارکردها تاکید داشت، نقد کرده است (ریترز، ۱۳۸۲: ۱۴۶). به عقیده مرتن^۳ همچنان که ساختارها یا نهادها می‌توانند به حفظ بخش‌های دیگر نظام اجتماعی کمک کنند، می‌توانند برای آن‌ها پیامدهای منفی نیز داشته باشند. بر این اساس، نقش‌ها و کارکردهای این نهادها باید مورد تجدید نظر قرار گیرند و در بعد منفی (کژکارکردها^۴) نیز مفهوم‌سازی شوند. این پژوهش با هدف شناسایی این ابعاد منفی و کژکارکردها در حوزه رسانه‌های جمعی صورت گرفته است. البته به دلیل گستردگی حیطه رسانه‌های جمعی و بنا بر اصل تحدید موضوعی، تنها به سیمای جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است، زیرا این رسانه به دلیل برخورداری از تصویر در انتقال معنای مورد نظر خود به مخاطب بسیار قدرتمند است (خجسته، ۱۳۹۱) تا حدی که از منظر برخی صاحب‌نظران، این رسانه یک فن‌آوری صرف نیست، بلکه فرآیندی است که در آن وجود انسان شکل می‌گیرد (فهیمی‌فر، ۱۳۸۶). پیش‌فرض اساسی این پژوهش این است که رسانه تلویزیون، صرفاً یک پدیده مثبت ناب نیست تا بتوان از آن فقط نتایج مثبت انتظار داشت. تلویزیون، رسانه‌ای است که در کنار انبوهی از کارکردهای مثبت، کارکردهای نامطلوبی دارد که برخلاف خواست گردانندگان آن است و به صورت نامقصود به وقوع می‌پیوندد (زکی، ۱۳۸۶). این کژکارکردها در حوزه‌های مختلفی امکان وقوع دارد که در این پژوهش بر حوزه ورزش تمرکز شده است. ورزش یکی از مسائلی است که به طور فراوان در این رسانه منتشر شده و مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، پخش رویدادهای ورزشی به یکی از موضوعات روزمره تلویزیون تبدیل شده است، اما متأسفانه شاهدیم که این رسانه علاوه بر کارکرد انعکاس اخبار میداین حرفه‌ای ورزشی، با دامن زدن به جنجال‌ها و مسائل پشت پرده، هر روزه هزاران بیننده در سراسر جهان را سرگرم می‌کند. این مسائل سبب می‌شود که این سؤال اساسی به ذهن متبادر شود که "رسانه تلویزیون چه کژکارکردهایی در ورزش ایفا می‌کند؟"

اگر چه مطالعات پراکنده‌ای پیرامون این سؤال صورت گرفته است، اما این مطالعات دارای انسجام لازم نبوده و نتوانسته است این کژکارکردها را از زوایای مختلف مورد توجه قرار دهد. در این پژوهش که با هدف شناسایی این کژکارکردها در حوزه ورزش صورت گرفته، تلاش شده است تا این کژکارکردها با استفاده از

1. Functionalism
2. Pluralism
3. Merton
4. Dysfunction

تکنیک دلفی و با مراجعه به آرای صاحب‌نظران و خبرگان استخراج شوند.

کارکردگرایی در حوزه رسانه

کارکردگرایی به عنوان یک رویکرد نظری برای مطالعه جامعه، بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت. اگر چه رابرت مرتون (۱۹۴۹) پارادایمی که آن را تحلیل کارکردی می‌نامید پیشنهاد داد، اما ریشه‌های کارکردگرایی به کارهای امیل دورکheim^۱ باز می‌گردد. از نظر دورکheim، جوامع به موجودات بیولوژیک شبیه هستند. بر این اساس، جامعه مانند بدن انسان نیازمند نیازهای ویژه‌ای است که باید برآورده شوند و تحلیل کارکردی درگیر شناسایی ابزاری است که آن نیازها را برآورده می‌کند. اصل اساسی کارکردگرایی این است که جامعه یک سیستم بسیار پیچیده از فعالیت‌های به هم مرتبط است که به منظور رسیدن به موازنه با هم کار می‌کنند و تضمین‌کننده حفظ نظم هستند. این نظریه اجتماعی، مفاهیمی که قسمت‌های مختلف جامعه را با عنوان خوب و بد متمایز می‌کند، رد می‌نماید و در عوض اعتقاد دارد که می‌توان شیوه‌ها را در قالب کارکرد و کژکارکرد شناسایی کرد (Williams, 2003: 47).

رویکرد کارکردگرایی از اوایل دهه ۶۰ در تحقیقات ارتباطات جمعی یک موقعیت برجسته یافت. دورکheim بر اهمیت ارتباطات در روند حفظ و تبدیل جامعه و نقشی که این ارتباط در تولید و بازتولید اجماع و توافق در مورد مسائل و حفظ تعادل در جامعه ایفا می‌کند، اشاره دارد. تحلیل کارکردی ارتباطات جمعی بر نقش رسانه در حفظ نظم اجتماعی و ساختار جامعه تاکید دارد و بررسی می‌کند که چگونه آنها وظایف خاصی را برای حفظ تعادل جامعه ایفا می‌کنند و یا از انجام آن سرباز می‌زنند (Williams, 2003: 47). کارکردگرایی در حوزه رسانه‌ها از منظر کوین ویلیامز^۲ دارای مشخصه‌های زیر است:

کارکردگرایی به جامعه به عنوان سیستمی از عناصر به هم پیوسته و سازمانی از فعالیت‌های مرتبط به هم و مداوم می‌نگرد؛

چنین جامعه‌ای به سمت حالت تعادل پویا تمایل دارد و اگر ناهماهنگی در آن رخ دهد، نیروهایی برای استقرار دوباره ثبات اقدام می‌کنند؛

تمامی فعالیت‌های مرتبط به هم و مداوم در جامعه، در حفظ تعادل نقش ایفا می‌کنند؛

بعضی از فعالیت‌های مداوم در جامعه، برای بقای آن ضروری و حتمی هستند؛

رسانه‌های جمعی و فرایند ارتباطات جمعی یکی از فعالیت‌های از پیش تعیین شده و مداومی هستند که در حفظ ثبات در جامعه نقش دارند؛

ارتباطات جمعی یکی از عناصر ضروری ساختار جامعه است که جامعه بدون آن نمی‌تواند ادامه داشته باشد؛

وسایل ارتباط جمعی در صورت خلق ناهماهنگی - به عنوان مثال، در ایجاد اشکالی از رفتار انحرافی -

کژکارکردی می‌شوند (Williams, 2003: 48).

محققان در دهه‌های پس از جنگ جهانی، شروع به شناسایی کارکردهای رسانه کردند. به عنوان مثال، هارولد لاسول^۳ (۱۹۴۸) اشاره می‌کند که رسانه سه کارکرد اساسی دارد: «نظارت»، «همبستگی» و «انتقال» (Williams, 2003: 49). از طریق کارکرد نظارت، رسانه این امکان را برای افراد و جامعه فراهم می‌کند که تغییراتی را که در اطرافشان رخ می‌دهد را رصد کرده و تهدیدات و فرصت‌ها را شناسایی کنند. کارکرد همبستگی افراد و گروه‌های مختلف جامعه را برای پاسخ به فرصت‌ها و تهدیدات از طریق فرایند توضیح و تفسیر رویدادها گرد هم می‌آورد. کارکرد انتقال اجازه می‌دهد تا میراث فرهنگی و اجتماعی از یک نسل به نسل دیگر منتقل شود.

1. Emile Durkheim

2. Kevin Williams

3. Harold Lasswell

بنابراین رسانه می‌تواند به عنوان یک عامل اجتماعی کردن شناخته شود. در حوزه کارکردها، رایت^۱ (۱۹۶۰) کارکرد سرگرمی را که برای افراد آرامش، لذت و رهایی به همراه می‌آورد و انطباق آنان با زندگی را ساده‌تر می‌سازد، مطرح کرد. لازارسفلد^۲ و مرتون (۱۹۴۸) نیز کارکردهای رسانه‌ها را در اجرای هنجارهای اجتماعی مورد توجه قرار دادند. مک کویل^۳ (۲۰۰۰) نیز توجه خود را به کارکرد رسانه‌های جمعی در بسیج مردم جهت مشارکت در توسعه و تغییر اجتماعی معطوف ساخت. این تمایزات حاصل نگرش‌های جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه‌ای است که پیش از این بر رسانه و سیستم اجتماعی و بتازگی بر کارکرد رسانه در زندگی روزمره انسان‌ها تمرکز دارد (Williams, 2003: 49). در مورد موضوع کارکردهای رسانه در ورزش نیز مطالعات پراکنده‌ای صورت گرفته است. از منظر برخی صاحب‌نظران، کارکرد اصلی رسانه در ورزش عبارت است از انتقال پیام از سازمان‌های ورزشی و یا از حوزه ورزش به مخاطبان (Tavakolli and etc, 2013: 49).

یکی از پژوهش‌هایی که با هدف شناسایی کارکردهای رسانه ملی در حوزه ورزش تفریحی صورت گرفته است، به ارائه نه کارکرد و نه راهبرد متناسب با آن به شرح زیر پرداخته است: کارکرد آموزش و راهبرد آموزش مستمر و همگانی ورزش‌های تفریحی، کارکرد اطلاع‌رسانی و راهبرد اطلاع‌رسانی همگانی، دقیق و بهنگام رویدادهای ورزش تفریحی، کارکرد آگاهی‌بخشی و راهبرد توسعه آگاهی همگانی نسبت به ورزش‌های تفریحی، کارکرد انسجام اجتماعی و راهبرد انسجام افکار و اندیشه‌ها در ورزش‌های تفریحی، کارکرد نهادهای سازی و راهبرد نهادهای سازی ورزش‌های تفریحی با محوریت فرهنگ اسلامی- ایرانی، کارکرد برجسته‌سازی و راهبرد ورزش‌های تفریحی، گزینه اول و برتر، کارکرد بازاریابی اجتماعی و راهبرد شبکه‌سازی در ورزش‌های تفریحی، کارکرد نوگرایی و راهبرد تمرکز بر الگوهای سنتی و نوین ورزش‌های تفریحی، کارکرد نظارت محیطی و راهبرد پایش مستمر تحولات محیطی در حوزه ورزش‌های تفریحی (قره و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱-۱۰).

نتایج پژوهش دیگری که به تبیین نقش رسانه‌های جمعی در نهادهای کردن ورزش تفریحی در کشور پرداخته است، نشان می‌دهد که رسانه‌ها بر نهادهای شدن ورزش‌های تفریحی (۳۷ درصد) اثر معنی‌داری دارند. به عبارت دیگر، ۳۷ درصد تغییرات در نهادهای شدن ورزش‌های تفریحی در ایران مربوط به رسانه‌ها و ۶۳ درصد بقیه به عوامل دیگر مربوط می‌شود (روشندل، ۱۳۸۶). در یک پژوهش دیگر نشان داده شده است که اگر چه رسانه‌های جمعی اثر معنی‌داری در تغییر نگرش و رفتار مردم برای ورزش کردن دارند، اما متأسفانه این اثر با نیازهای جامعه هماهنگ نیست و این رسانه‌ها به دلیل سود اقتصادی ترجیح می‌دهند که به ترویج و نشر ورزش قهرمانی بپردازند (غفوری و همکاران، ۱۳۸۲). در پژوهشی که توسط هنری و همکاران صورت گرفته است، چهار کارکرد اطلاع‌رسانی، مشارکت اجتماعی، آموزش و فرهنگ‌سازی به عنوان کارکردهای رسانه‌های همگانی در حوزه ورزش قهرمانی مورد توجه قرار گرفته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عوامل پوشش خبری مطلوب در اجرای مسابقات و رویدادهای ورزشی، افزایش حضور ورزشکاران در مسابقات ورزشی داخلی، ایجاد انگیزه برای افزایش سطح مهارت و بهبود عملکرد ورزش و داشتن نگاه ملی و پرهیز از مسائل مغایر با منافع ملی ورزش کشور به ترتیب در حوزه‌های کارکردی اطلاع‌رسانی، مشارکت اجتماعی، آموزش و فرهنگ‌سازی دارای بالاترین میانگین رتبه هستند (هنری و همکاران، ۱۳۹۱). یافته‌های پژوهش دیگری نشان می‌دهد که رسانه‌های گروهی نقش زیادی در توسعه مولفه‌های ورزش بانوان یعنی متغیرهای مولفه‌های ورزش، بهبود عملکرد، مدیریت و برنامه‌ریزی، منابع مالی و منابع خبری دارند، اما متأسفانه این نقش بنا به

1. Charles Wright

2. Paul Lazarsfeld

3. Denis Mcquail

دلایلی به درستی ایفا نمی‌شود (مهدویان مشهدی و همکاران، ۱۳۹۱). نتایج پژوهش دیگری نشان می‌دهد که بین نقش‌های چهارگانه رسانه‌های ورزشی شامل اطلاع‌رسانی، مشارکت اجتماعی، آموزش و فرهنگ‌سازی با توسعه فرهنگ ورزش همگانی ارتباط معناداری وجود دارد و شدت این ارتباط به ترتیب عبارت است از: نقش اطلاع‌رسانی (۰/۶۳۲)، نقش مشارکت اجتماعی (۰/۵۴۳)، آموزشی (۰/۴۲۳) و فرهنگ‌سازی (۰/۳۸۷) (مرادی و همکاران، ۱۳۹۰). پژوهشی که توسط ظریفی و همکاران صورت گرفته است نشان می‌دهد که بین رسانه ملی و توسعه ورزش همگانی در هر سه عامل مولفه‌های ورزشی، منابع مالی و منابع انسانی تفاوت معناداری وجود دارد و این رسانه بیشتر به بعد قهرمانی و حرفه‌ای ورزش توجه و کمتر به بعد همگانی و تفریحی آن تمایل دارد (ظریفی و همکاران، ۱۳۹۱). پژوهش افروزه و همکاران نشان می‌دهد که بیشتر داوطلبان برای ارتباط با ورزش از تلویزیون استفاده می‌کنند، اما متأسفانه بیشترین توجه رسانه‌ها به ورزش قهرمانی و سپس ورزش همگانی است (افروزه و همکاران، ۱۳۹۱). در پژوهش دیگری با عنوان نقش رسانه‌های جمعی در توسعه ورزش، به بررسی نقش رسانه‌های جمعی در گسترش و توسعه ورزش در جامعه پرداخته شده است. در این پژوهش نشان داده شده است که رسانه‌های جمعی نقش مهمی در فرایند اطلاع‌رسانی، گفت‌وگو، آموزش، مشارکت اجتماعی و فرهنگ‌سازی ورزشی در جامعه و اعتلای ورزش کشور و توسعه و فراگیر نمودن آن بر عهده دارند (خالدیان و همکاران، ۱۳۹۲).

با مراجعه به ادبیات حوزه مدیریت ورزشی و رسانه مشاهده شد که اگر چه مطالعات پراکنده و متعددی در حوزه کارکردهای رسانه در ورزش و مدیریت ورزش صورت گرفته است، اما مطالعه چندانی درباره کژکارکرد رسانه‌ها در مدیریت ورزشی انجام نشده است. از این رو، این پژوهش با هدف شناسایی کژکارکردهای رسانه در حوزه ورزش و البته با محوریت رسانه سیمای جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است، زیرا این وسیله ارتباطی از جنبه‌های گوناگون خبری، تفریحی، فرهنگی، آموزشی و تبلیغاتی برخوردار است و به دلیل جاذبه‌هایش از همه رسانه‌ها خواستنی‌تر است.

کژکارکردهای رسانه در حوزه ورزش

به عقیده مرتن، همچنان که ساختارها یا نهادها می‌توانند به حفظ بخش‌های دیگر نظام اجتماعی کمک کنند، می‌توانند برای آن‌ها پیامدهای منفی نیز داشته باشند. این پیامدهای منفی یا کژکارکردها، به جنبه‌هایی از فعالیت اجتماعی اطلاق می‌شوند که به هم پیوستگی اجتماعی را تهدید می‌کنند (ریتز، ۱۳۸۲). گیدنز اصلی‌ترین ساحت تبلور مدرنیته را اوقات فراغت می‌داند (آزاد ارمکی و اکبری، ۱۳۹۱: ص ۱). اگر نظرات نظریه‌پردازان اجتماعی، پیرامون فراغتی شدن تمدن کنونی بشر را بپذیریم و قبول کنیم که دوران مدرنیته اخیر (به تعبیر گیدنز) با امر فراغت آغشته شده است، پس خواهیم پذیرفت که بخش عمده‌ای از این فراغت با ورزش خواهد گذشت. در این بین موضوعی که برای کارشناسان اجتماعی ورزش شایان توجه بسیار است آن است که کارکردهای نهاد رسانه در حوزه ورزش در دنیای کنونی به طور چشم‌گیری با کژکارکردهای اجتماعی همراه شده است و پتانسیل این نهاد از برقراری امنیت اجتماعی و ایجاد فضایی سالم و دوستانه دور مانده است (آقاپور، ۱۳۹۱: ص ۱۶۷).

تحقیقات نشان می‌دهند که میزان بهره‌گیری افراد از رسانه‌های مختلف در جهت دنبال نمودن اخبار و گزارشات ورزشی به ترتیب شدت عبارت است از: تلویزیون (۷۰ درصد)، رادیو و اینترنت (۲۰ درصد) و مطبوعات ورزشی (۱۰ درصد) (آقاپور، ۱۳۹۱: ص ۱۸۰). امروزه میزان تماشای مسابقات ورزشی از تلویزیون بهترین شاهد این مدعاست. میزان مراجعه مخاطبان به رسانه تلویزیون بسیار بالا است، زیرا این رسانه میل به تماشای پدیده واقعی را برای مخاطب محقق می‌کند. اگرچه یک مسابقه فوتبال ممکن است در میلان رخ دهد و بازی تنیس در مسکو، اما رسانه‌ها بازی تنیس و مسابقه فوتبال را بدون نیاز به جابه‌جایی برای خرید بلیت

به طور مستقیم برای اتاق نشیمن شما به ارمغان می آورند. چیزی که می توان آن را یک میانجی بین رویداد ورزشی در جایی که اتفاق می افتد و بین بینندگان بیان کرد (Hein, 2015). اعداد و ارقام و شواهدی از این دست نشان دهنده تأثیر بالقوه بسیار بالایی است که رسانه تلویزیون چه در قالب مثبت کارکردها و چه در قالب منفی کارکردها می تواند ایفا نماید. کارکردهای مختلفی برای این نهاد به صورت کلی ذکر شده است. مواردی مانند کاهش ارتباط اعضای خانواده، از بین بردن وقت های مفید افراد، ایجاد کم تحرکی در افراد، ایجاد نیازهای کاذب در مخاطبان و تهدید و بی حس ساختن مخاطبان نسبت به رویدادها در زمره این موارد هستند (زکی، ۱۳۸۶). اما به راستی این رسانه در حوزه ورزش چه کارکردهایی را ایفا می کند؟ یک پاسخ احتمالی بسیار ساده و اولیه این است که تلویزیون با موفقیت تمام به سوء استفاده از نیازهای عمومی مردم به سرگرمی می پردازد (Hein, 2015). در بخش واکاوی نظریه های ارتباطی در حوزه مطالعات ورزشی تلاش خواهیم کرد تا با مراجعه به مبانی نظری و تحلیل محتوای آنها پاسخ های اولیه ای را برای این سوال بیابیم.

روش شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، گردآوری داده ها در دو مرحله انجام شده است: در مرحله اول، جست و جو در منابع کتابخانه ای و نظریه های بیان شده در حوزه ارتباطات صورت گرفت و گزاره های مرتبط با متغیر کارکردهای رسانه ها در حوزه ورزش شناسایی و فهرست اولیه ای تهیه شد. گزاره های اولیه بسیار متعدد بودند. بنابراین پس از بازخوانی های مکرر تلاش شد تا ایده های شبیه با هم ترکیب شوند. نتایج حاصل از این گام، ۱۲ گزاره بود که در جدول شماره ۱ ذکر شده اند. از آنجایی که پرسشنامه استاندارد پیرامون موضوع پژوهش وجود نداشت، گزاره های استخراج شده به عنوان مبنایی برای تهیه یک پرسشنامه نیمه ساختاریافته مورد استفاده قرار گرفتند.

در مرحله دوم پژوهش، با استفاده از تکنیک دلفی تلاش شد تا آرای خبرگان و صاحب نظران در مورد این گزاره ها کسب شود. تکنیک دلفی این قابلیت را دارد که هم داده های کمی و هم داده های کیفی را جمع آوری کند (Sinead Keeney, 2011: 10-11). بر این اساس در راند اول این تکنیک علاوه بر مورد سوال قرار دادن دوازده گزاره اولیه، تلاش شد تا نظرات این صاحب نظران در مورد سایر کارکردها هم در قالب سوال "از منظر شما چه کارکردهای دیگری را می توان برای سیمای جمهوری اسلامی ایران در حوزه ورزش بیان کرد؟" پرسیده شود.

از آنجایی که تکنیک دلفی مبتنی بر دیدگاه متخصصان است، بنابراین اعتبار روش دلفی نه به تعداد شرکت کنندگان، بلکه به اعتبار علمی متخصصان شرکت کننده در پژوهش است (نقیب السادات و جواد، ۱۳۹۰). به عبارت دیگر، متخصصانی که در دلفی مورد پرسش قرار می گیرند، باید آگاه ترین افراد در حوزه و موضوع مورد بررسی باشند (Ayyub, 2001: 116). در این روش هر پاسخ دهنده، یک خبره و متخصص در حوزه مورد بررسی است (Sinead Keeney, 2011: 7-8). شواهد تجربی کمی وجود دارد که نشان دهد در تکنیک دلفی، تعداد پاسخ دهندگان بر روایی و پایایی تحقیق تأثیری داشته باشد. حتی برخی مطالعات نشان داده اند که افزایش پاسخ دهندگان می تواند منجر به اخلاص در امر پژوهش شود؛ به نحوی که دیگر نمی توان چنین پانلی را مدیریت کرد (Sinead Keeney, 2011: 22). بنابراین از منظر برخی صاحب نظران به جای طرح این سوال که چه تعداد خبره باید مورد سوال قرار گیرند، مساله این است که دامنه حوزه های تخصصی مورد سوال چه باید باشند (Sinead Keeney, 2011: 22). در این پژوهش جهت انتخاب اعضای پانل دلفی از افرادی که واجد یک یا چند ویژگی زیر بودند دعوت به عمل آمد: اعضای هیات علمی در حوزه های مدیریت

ورزشی، مدیریت رسانه، مدیریت دولتی و ارتباطات و افرادی که دارای بیش از پانزده سال تجربه در حوزه رسانه و ورزش بودند. روش نمونه‌گیری در تکنیک دلفی به هیچ وجه یک روش تصادفی نیست، بلکه یک روش مبتنی بر هدف است (احمدی، ۱۳۸۷). در این پژوهش نیز اعضای پانل به روش نمونه‌گیری غیرتصادفی و هدف‌مند برگزیده شدند. تعداد اعضای پانل در راند اول ۲۰ نفر و در راند دوم ۱۷ نفر بود و سه نفر از اعضای پانل دلفی در راند دوم پژوهش مشارکت نکردند.

روش دلفی، توالی راندهایی است که صورت می‌گیرد تا پیرامون یک موضوع اجماع حاصل شود (Sinead Keeney, 2011: 10-11). تحقیق در مطالعات دلفی نشان می‌دهد که در این نوع مطالعه معیار مشخصی برای نمایاندن دستیابی به وفاق و همگرایی وجود ندارد و معیاری که معمولاً مورد توجه است، این است که حداقل ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگان موافق یک موضوع باشند (بنیاد توسعه فردا، ۱۳۸۴: ۶۲). گمنامی و ناشناس بودن افراد و بازخورد، دو عنصر غیر قابل حذف از روش دلفی است. بر این مبنا اعضای گروه زمانی که به دلایل قانع‌کننده‌ای برای رد نظرات خود رسیدند، بدون از دست دادن وجهه و اعتبارشان می‌توانند در آرای خود تجدید نظر کنند (بنیاد توسعه فردا، ۱۳۸۴: ۵۳). هر کدام از افراد شرکت‌کننده در پانل دلفی ممکن است که واقعیت‌های مختلفی را مد نظر داشته باشند، اما در یک پانل دلفی تعداد این واقعیت‌های مختلف به هیچ وجه مهم نیست. آنچه مهم است این است که محصول هر پانل دلفی واقعی است که از طریق تعامل حاصل شده است (Scheele, 2002: 35). به عبارت دیگر، دلفی فرایند ساختاردهی به ارتباطات انسانی است (Lin-stone and Turoff, 2002: 15).

روایی و پایایی روش دلفی را نباید بر اساس معیارهای رویکردهای پوزیتیویستی مورد قضاوت قرار داد. در دهه ۱۹۸۰، «گوبا» و «لینکلن» مفهوم قابلیت اعتماد^۱ را به عنوان معیاری برای جایگزینی روایی و پایایی در حوزه پژوهش‌های کیفی مطرح کردند. مفهوم قابلیت اعتماد از چهار عنصر قابلیت انتقال^۲، قابلیت اعتبار^۳، قابلیت اتکا^۴ و قابلیت تأیید^۵ (Jackson, Drummond & Camara, 2007: 26) تشکیل شده است. در این پژوهش تلاش شده است تا از طریق اجرای مکانیزم‌های زیر از قابلیت اعتماد این پژوهش (روایی و پایایی) اطمینان حاصل شود: با توجه به گستره سوابق علمی، پژوهشی و تجربی صاحب‌نظرانی که در راندهای اول و دوم در پژوهش مشارکت داشتند، می‌توان از قابلیت انتقال یافته‌های پژوهش اطمینان حاصل نمود. به منظور رعایت مولفه اعتبار در پژوهش حاضر از نظرات صاحب‌نظران و خبرگان حوزه مدیریت رسانه، مدیریت ورزشی و مدیریت دولتی استفاده شد و آنها معقول بودن و درستی یافته‌ها را تأیید کردند. یافته‌های پژوهش حاضر با توجه به تطبیق با نظریه‌های مرتبط و بررسی ریشه هر گزاره در میان نظریه‌های حوزه ارتباطات، از قابلیت اتکا (دقت، ثبات و هماهنگی) برخوردار است و به منظور بررسی قابلیت تأیید، شرح کامل روش اجرای پژوهش، ریشه هر گزاره و نظرات صاحب‌نظران به تفصیل در پژوهش بیان شده است.

واکاوی نظریه‌های ارتباطی در حوزه مطالعات ورزشی

به منظور شناسایی کژکاردهای رسانه تلویزیون، نظریه‌های ارتباطات رسانه‌ای مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. در خصوص نظریه‌های استفاده شده در تحقیقات ارتباطات رسانه‌ای، بریانت و میرون (Bryant & Miron, 2004: 663-666) تلاش‌های وسیعی به عمل آوردند تا مشخص کنند کدام نظریه‌ها بیشتر مورد

1. Trustworthiness
2. Transferability
3. Credibility
4. Dependability
5. Confirmability

استفاده قرار گرفته‌اند. آنها ۱۸۰۶ مقاله را از سه مجله برتر علمی در فاصله سال‌های ۱۹۵۶ تا ۲۰۰۰ مورد بررسی قرار دادند. بنا به یافته‌های آنها، در تحقیقات ارتباطات رسانه‌ای اغلب به ۲۶ نظریه استناد شده بود که نظریه برجسته‌سازی^۱، نظریه استفاده و رضایت‌مندی^۲ و نظریه کاشت^۳ در زمره پراستنادترین نظریه‌ها بودند. مطالعه دیگری پیرامون نظریه‌های ارتباطی استفاده شده در شش مجله معتبر علمی در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ نشان می‌دهد که نظریه چارچوب‌سازی^۴ و به دنبال آن نظریه‌های برجسته‌سازی، کاشت، استفاده و رضایت‌مندی، شناخت و یادگیری اجتماعی قرار گرفته‌اند. مطابق با تحلیل‌های کامهاوی و ویور (۲۰۰۳) نیز مشخص شد که نظریه‌های برجسته‌سازی، استفاده و رضایت‌مندی، کاشت و اشاعه نوآوری‌ها بیشتر از سایر نظریه‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند (Keon Yoo and ets, 2015: 9-10). در بخش زیر اشاره‌ای کوتاه به برخی از این نظریه‌های پراستناد و برداشت‌های صورت گرفته از آنها که پایه طراحی گزاره‌های مندرج در جدول ۱ جهت سنجش آرای خبرگان بوده شده است.

نظریه برجسته‌سازی بر این ایده استوار است که رسانه‌ها قدرت دارند تا مباحث مربوط به وقایع عمومی را تعریف کنند و به آنها شکل بدهند (وردی‌نژاد و بهرامی، ۱۳۸۸: ۷۲). در این معنا یکی از کارکردهای رسانه، تعیین‌کننده بودن آنهاست. رسانه‌ها مشخص می‌کنند که کدام روایت از پدیده‌های اجتماعی باید برجسته شود و کدام باید نادیده گرفته شود (دیباجی و رئیس میرزایی، ۱۳۹۰: ۵۳). متناسب با این نظریه گزاره‌های اول، دهم و یازدهم جدول ۱ استخراج شده‌اند.

نظریه استفاده و رضایت‌مندی بر پیام ارائه شده توسط رسانه‌ها تمرکز نمی‌کند، بلکه بر کاربر رسانه‌ها تمرکز می‌کند. از نقطه نظر این تئوری، افراد فعالانه از رسانه‌ها استفاده می‌کنند تا به اهداف آنی (نیاز به داشتن اطلاعات در زندگی روزمره) و آتی (آموزش درازمدت) خود دست پیدا کنند (Dwyer & Kim, 2011: 70). متناسب با این نظریه گزاره‌های شماره سه و چهار جدول ۱ استخراج شده‌اند.

نظریه کاشت، نتیجه قرار گرفتن جمعی و طولانی مدت در معرض پیام‌ها به صورت تکراری است، نه قرار گرفتن در معرض یک زمینه و محتوای خاص. این نظریه بر تأثیر تلویزیون بر ساخت باورهای ما درباره واقعیت تمرکز می‌کند (امیرپور و بهرامیان، ۱۳۹۲: ۱۳۲). متناسب با این نظریه گزاره‌های شماره پنج و شش جدول ۱ استخراج شده‌اند. نظریه چارچوب‌سازی به روند فعال درگیر در انتخاب جنبه‌های اصلی هر کار به وسیله رسانه‌ها و تأثیرات آن بر درک پیام توسط مصرف‌کنندگان رسانه‌ها اشاره دارد. انتمان^۵ (۱۹۹۳) بیان می‌کند که روند چارچوب‌سازی، عوامل اصلی یک حقیقت درک شده را انتخاب می‌کند و آنها را هر چه بیشتر با برخی از شکل‌های ارتباطات مرتبط می‌نماید (Entman, 1993: 53). متناسب با این نظریه گزاره شماره دو جدول ۱ استخراج شده است.

نظریه مبتنی بر تمایلات^۶ بررسی می‌کند که چرا مردم از برنامه‌های مختلف رسانه‌ای لذت می‌برند. چارچوب نظری این نظریه فرض را بر این می‌گذارد که لذت بردن از یک محتوای رسانه‌ای، تابعی از تمایلات موثر و انفعالی تماشاگران به شخصیت‌های رسانه‌ای و پیشامدهایی است که شخصیت‌ها با آن روبرو می‌شوند (Zillmann and Cantor, 1976: 160). متناسب با این نظریه گزاره شماره هفت جدول ۱ استخراج شده است.

1. Agenda setting
2. Use & Gratification
3. Cultivation Theory
4. Framing Theory
5. Entman
6. Disposition based theory

نظریه هویت اجتماعی^۱ نشان می‌دهد که افراد، خودشان و سایرین را در دسته‌های مختلف دسته‌بندی می‌کنند تا مفهوم دنیای اجتماعی را درک و موقعیت خود را در این دنیا مشخص کنند (Sartore and Cunningham, 2009: 290). متناسب با این نظریه گزاره شماره نه جدول ۱ استخراج شده است.

نظریه هژمونیک^۲ و به‌خصوص برتری جنس مرد (Kian and etc, 2009: 480) ادعا می‌کند که هنجارهای فرهنگی، برتری موقعیتی جنس مذکر را بر جنس مؤنث در جامعه تضمین و خصوصياتی مانند جاه‌طلبی، اعتماد به نفس و قدرت را در مردان ترغیب می‌کند- در حالی که در جنس زن همین خصوصيات را نهی می‌کند (Keon Yoo and ets; 2015: 13). متناسب با این نظریه گزاره شماره هشت جدول ۱ استخراج شده است.

نظریه وابستگی مخاطبان^۳ بر وابستگی‌های مخاطبان به رسانه‌ها تاکید دارد. این نظریه با اشاره به نیازهای مخاطب از جمله نیاز به داشتن اطلاعات از رویدادهای پیرامون، از یک سو و نیز نیاز به ندانستن و گریز از واقعیات از سوی دیگر، مخاطب را عنصری منفعل و وابسته به رسانه‌ها فرض می‌کند (امیرپور و بهرامیان، ۱۳۹۲: ۴۰۷). متناسب با این نظریه گزاره شماره دوازده جدول ۱ استخراج شده است.

یافته‌های پژوهش

همانگونه که ملاحظه شد در مرحله اول، جست و جو در منابع کتابخانه‌ای و نظریه‌های بیان‌شده در حوزه ارتباطات صورت گرفت و گزاره‌های مرتبط با متغیر کژکارکردهای رسانه‌ها در حوزه ورزش شناسایی و فهرست اولیه‌ای تهیه شد. نتایج حاصل از این گام دوازده گزاره بود. از آنجایی که پرسشنامه استاندارد پیرامون موضوع پژوهش وجود نداشت، گزاره‌های استخراج‌شده به عنوان مبنایی برای تهیه یک پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته مورد استفاده قرار گرفتند و سپس پرسشنامه در اختیار گروه خبرگان (اعضای نمونه آماری پژوهش) گذاشته شد. ۲۵ درصد از اعضای گروه خبرگان را زنان و ۷۵ درصد را مردان تشکیل می‌دادند. ۷۰ درصد از این افراد، دانش‌آموخته رشته مدیریت ورزشی و سایرین دانش‌آموختگان رشته‌های مدیریت رسانه، ارتباطات و مدیریت دولتی بودند. ۷۵ درصد افراد گروه خبرگان دارای مدرک تحصیلی دکتری تخصصی و ۴۰ درصد از نمونه‌ها دارای سابقه اجرایی بیش از پانزده سال در حوزه رسانه بودند. در راند اول برای تعیین موافقت یا مخالفت اعضا با گزاره‌های مذکور از یک طیف سه گزینه‌ای (۱. موافق، ۲. ممتنع، ۳. مخالف) استفاده شده است. داده‌های حاصل از این راند وارد بسته نرم‌افزاری SPSS شدند تا فراوانی‌ها و اینکه چه تعداد ایده به اجماع مورد نظر رسیده‌اند استخراج شود. نتایج حاصل از این تحلیل و ریشه نظری هر گزاره را می‌توان در قالب جدول ۱ مشاهده کرد.

1. Social identity theory
2. Hegemonic theory
3. Dependency Theory

جدول ۱: میزان اجماع بر روی گزینه‌های راند اول

شماره گزاره	ریشه گزاره	گزاره	فرضیه	تأیید
۱	نظریه برجسته‌سازی	تلویزیون با عدم پوشش برخی رشته‌های ورزشی موجب نادیده گرفتن شدن آنها می‌شود.	۰	%۹۵
۲	نظریه چارچوب‌سازی	تلویزیون با به کار گرفتن چارچوب‌های کلیشه‌ای مبتنی بر جنس، نژاد و ملیت، این چارچوب‌های ارزشی را در بین عامه رواج می‌دهد.	%۲۰	%۱۵
۳	نظریه استفاده و رضایت‌مندی	تلویزیون بیشتر نیازهای آنی بینندگان (مانند نیاز به تفریح در دیدن یک رویداد ورزشی) را برطرف می‌نماید.	%۱۷	%۱۱
۴	نظریه استفاده و رضایت‌مندی	تلویزیون کمتر نیازهای آتی بینندگان (مانند آموزش درازمدت فعالیت‌های ورزشی) را برطرف می‌نماید.	۰	%۸۵
۵	نظریه کاشت	تلویزیون با پخش تصاویر خشن در برخی رشته‌ها سبب می‌شود تا بینندگان خشونت را به عنوان یکی از واقعیات جهان پیرامون تلقی کنند.	%۳۵	%۴۰
۶	نظریه کاشت	تلویزیون با پخش رویدادهای خشن در ورزش (مانند درگیری هواداران) سبب می‌شود تا بینندگان خشونت را به عنوان یکی از واقعیات جهان پیرامون تلقی کنند.	%۲۰	%۴۰
۷	نظریه مبتنی بر تمایلات	پخش رویدادهای ورزشی (ملی و جهانی) از تلویزیون سبب ایجاد تمایل انفعالی در بینندگان نسبت به قهرمانان ورزشی و پیشامدهای فراروی آنان می‌شود.	%۳۵	%۴۰
۸	نظریه هژمونیک	تلویزیون تمام شمول نبوده و برخی اقشار در حاشیه مانند زنان، کودکان، معلولین و سالمندان را نادیده می‌گیرد.	۰	%۸۵

۹	نظریه هویت اجتماعی	تلویزیون با ایجاد و تقویت حس هویت اجتماعی در بین طرفداران تیم‌ها منجر به ایجاد و افزایش التهاب و برافروختگی طرفداران تیم‌های ورزشی می‌شود.	۶۰٪	۲۰٪	۲۰٪
۱۰	نظریه برجسته‌سازی	تلویزیون با پوشش تقریباً حداکثری ورزش قهرمانی و حرفه‌ای و نادیده گرفتن ورزش آموزشی و تفریحی باعث ایجاد تصویری غیرواقعی و نامتوازن از ورزش در مردم می‌شود.	۸۵٪	۱۰٪	۵٪
۱۱	نظریه برجسته‌سازی	تلویزیون با تمرکز بر پوشش ورزش قهرمانی و حرفه‌ای موجب ایجاد سوگیری و عدم توجه به ورزش آموزشی و تفریحی در مسئولان اجرایی و محققین حوزه ورزش می‌شود.	۸۵٪	۱۰٪	۵٪
۱۲	نظریه وابستگی مخاطبان	تلویزیون با ترویج تماشای رویدادهای ورزشی، گذراندن اوقات فراغت غیرفعال را گسترش می‌دهد.	۶۵٪	۱۵٪	۲۰٪

تحلیل نتایج راند اول نشان می‌دهد که نه گزاره (۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲) حداقل توافق ۶۰٪ پاسخ‌دهندگان را کسب کرده‌اند. بنابراین تعداد نه گزاره از پرسشنامه راند دوم حذف شدند و سه گزاره ۶، ۷ و ۱۲ در راند دوم دوباره مورد سوال قرار گرفتند. پس از تحلیل کمی داده‌های راند اول، ایده‌های ارائه‌شده توسط خبرگان در پاسخ به سوال «از منظر شما چه کژکارکردهای دیگری را می‌توان برای سیمای جمهوری اسلامی ایران در حوزه ورزش بیان کرد؟» فهرست شدند و مورد تحلیل محتوا قرار گرفتند. سپس ایده‌های مشابه دسته‌بندی شدند- به طوری که ایده‌ها تکراری نباشند. در نهایت این ایده‌ها در قالب ۱۲ گزاره دیگر به پرسشنامه اولیه افزوده شدند و در کنار سه گزاره به اجماع نرسیده مرحله قبل در قالب یک پرسشنامه ۱۵ سوالی در راند دوم مورد پرسش قرار گرفتند. راند دوم دلفی با ایده‌های رتبه‌بندی‌شده راند اول سروکار دارد و به ایده‌هایی اختصاص دارد که هنوز اجماعی بر روی آنها صورت نگرفته است. در این راند نظر گروه در مورد موضوع خاص و نظر اولیه خود فرد به اطلاع فرد رسید و نظر اصلاحی فرد دوباره بر اساس طیف سه گزینه‌ای (۱. موافق، ۲. ممتنع، ۳. مخالف) مورد سوال قرار گرفت (Sinead Keeney, 2011: 78-79). داده‌های حاصل از این راند نیز وارد بسته نرم‌افزاری SPSS شدند تا فراوانی‌ها و اینکه چه تعداد ایده به اجماع مورد نظر رسیده‌اند استخراج شود. نتایج حاصل از تحلیل راند دوم را می‌توان در قالب جدول زیر مشاهده کرد.

جدول ۲: میزان اجماع بر روی گزینه‌های راند دوم

شماره گزاره	ریشه گزاره	گزاره	فرد	زوج	کلی
۵	نظریه کاشت	تلویزیون با پخش تصاویر خشن در برخی رشته‌ها سبب می‌شود تا بینندگان خشنوت را به عنوان یکی از واقعیات جهان پیرامون تلقی کنند.	۱۷%	۴۱%	۴۲%
۶	نظریه کاشت	تلویزیون با پخش رویدادهای خشن در ورزش (مانند درگیری هواداران) سبب می‌شود تا بینندگان خشنوت را به عنوان یکی از واقعیات جهان پیرامون تلقی کنند.	۲۹%	۳۵%	۳۵%
۷	نظریه مبتنی بر تمایلات	پخش رویدادهای ورزشی (ملی و جهانی) از تلویزیون سبب ایجاد تمایل انفعالی در بینندگان نسبت به قهرمانان ورزشی و پیشامدهای فراوی آنان می‌شود.	۶۲%	۲۵%	۱۳%
۱۳	نظریه استفاده و رضایت‌مندی	تلویزیون از ایجاد انگیزه در عامه مردم جهت پرداختن به ورزش غفلت می‌کند.	۶۱%	۲۵%	۱۴%
۱۴	نظریه برجسته‌سازی	تلویزیون با پرداختن بیش از حد به حواشی؛ ذهن مسئولان را از امور ضروری و اصلی ورزش منحرف می‌سازد.	۷۱%	۷%	۲۲%
۱۵	نظریه برجسته‌سازی	تلویزیون با تمرکز بر پوشش رویدادهای ورزشی پایتخت، باعث کم‌توجهی مردم و مسئولان به رویدادهای ورزشی شهرستان‌ها می‌شود.	۴۶%	۲۴%	۳۰%
۱۶	نظریه برجسته‌سازی	تلویزیون با پرداختن بیش از حد به مسائل فنی ورزش و عدم توجه به مسائل معنوی، اخلاقی و ارزشی تصویر غیرواقعی و تک‌بعدی از ورزش ایجاد می‌کند.	۴۳%	۲۸%	۲۹%
۱۷	نظریه برجسته‌سازی	تلویزیون با تاکید بیش از حد بر برد و باخت سبب ایجاد سطحی‌نگری در ورزش می‌شود.	۷۱%	۰	۲۹%
۱۸	نظریه چارچوب‌سازی	تلویزیون با به کار گرفتن چارچوب‌های کلیشه‌ای مبتنی بر انجام ورزش صبحگاهی در پارک‌ها؛ سبب نادیده گرفته شدن استفاده از سایر موقعیت‌های ورزش همگانی می‌شود.	۶۹%	۷%	۲۴%
۱۹	نظریه چارچوب‌سازی	تلویزیون با تخریب افراد سبب ترویج فرهنگ بی‌اخلاقی در جامعه می‌شود.	۳۸%	۴۸%	۱۴%

۲۰	نظریه برجسته‌سازی	تلویزیون با عدم پوشش ورزش‌های دانش‌آموزی و دانشگاهی ورزشی موجب نادیده گرفتن ورزش تربیتی می‌شود.	۶۴٪	۱۴٪	۲۲٪
۲۱	نظریه برجسته‌سازی	تلویزیون منجر به بزرگ‌نمایی ورزشکاران می‌شود.	۷۷٪	۲۳٪	۰
۲۲	نظریه برجسته‌سازی	تلویزیون با تقدس‌دهی به ورزش قهرمانی و حرفه‌ای؛ تفکر «ورزش یک هدف است» را ترویج می‌دهد.	۷۱٪	۱۴٪	۱۴٪
۲۳	نظریه مارپیچ سکوت	تلویزیون به دلیل جلب رضایت عامه مردم، از به چالش کشیدن افکار عمومی پرهیز می‌کند.	۵۰٪	۷٪	۴۳٪
۲۴	نظریه وابستگی مخاطبان	تلویزیون نیاز هیجان‌خواهی مخاطبان به را صورت ایستا و غیرفعال برآورده می‌کند.	۷۱٪	۱۴٪	۱۵٪

تحلیل نتایج راند دوم نشان می‌دهد که گزاره‌های ۷، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۲ و ۲۴ (نه گزاره)، حداقل توافق ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگان را کسب کرده‌اند و گزاره‌های ۵، ۶، ۱۵، ۱۶، ۱۹ و ۲۳ اجماع لازم را از نظر خبرگان کسب نکرده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

رویکرد کارکردگرایی به جامعه به عنوان سیستمی از عناصر به هم پیوسته و سازمانی از فعالیت‌های مرتبط به هم و مداوم می‌نگرد. از منظر این رویکرد، جامعه به سمت حالت تعادل پویا تمایل دارد و اگر ناهماهنگی در آن رخ دهد، نیروهایی برای استقرار دوباره ثبات اقدام می‌کنند. رسانه‌های جمعی یکی از عناصر ضروری ساختار جامعه هستند که به حفظ این ثبات در جامعه کمک می‌کنند، اما این وسائل ارتباط جمعی گاهی دچار انحراف در رفتار می‌گردند و منجر به خلق ناهماهنگی می‌شوند (Williams, 2003: 48).

این پژوهش با هدف شناسایی چنین انحرافات در رسانه جمعی تلویزیون صورت گرفته است؛ البته حوزه مورد مطالعه نیز تنها محدود به حوزه ورزش است. در این پژوهش به مدد مرور مبانی نظری، ۲۴ گزاره اولیه به عنوان کژکارکردهای رسانه تلویزیون در حوزه ورزش معرفی شدند که از این میان ۱۸ گزاره به عنوان کژکارکردهای رسانه تلویزیون در حوزه ورزش توانستند اجماع صاحب‌نظران را کسب کنند.

هشت مورد از گزاره‌های مورد توافق صاحب‌نظران (۱، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۲۰، ۲۱ و ۲۲) بر اساس نظریه برجسته‌سازی است. تلویزیون با تمرکز و توجه ویژه به ورزش‌های حرفه‌ای و قهرمانی، برد و باخت، حواشی بی‌پایان برخی رشته‌ها از جمله فوتبال، تمرکز بر نکات فنی در برابر بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی، اسلامی و انسانی، بزرگ‌نمایی بیش از حد برخی بازیکنان و حتی مربیان، تمرکز و ذهنیت مخاطبان را به سمت مقوله‌های ذکر شده معطوف می‌سازد؛ درحالی‌که از ورزش آموزشی و ورزش تفریحی به عنوان قاعده هرم ورزش و پایه‌گذاری سایر حوزه‌های ورزش غافل است و از بین گستره وسیع رشته‌ها و فعالیت‌های ورزشی فقط به چند رشته محدود از جمله فوتبال می‌پردازد و از این طریق نگرش و رفتار جامعه را حتی برخلاف فلسفه ورزش شکل می‌دهد. در زمینه تحقیقات انجام شده در مورد ارتباطات ورزشی، تئوری برجسته‌سازی برای توضیح نحوه تأثیرگذاری دستور کار رسانه‌ها بر رفتار و نگرش عموم جامعه مورد استفاده قرار گرفته و آنها را تبدیل

به ورزش‌دوستانی برای ورزش‌های خاص کرده است (Fortunato, 2008: 45). مک کامبز (۲۰۰۵) مدعی است که دستور کار رسانه‌های ورزشی در اخبار ورزشی و برنامه‌های تلویزیونی ورزشی تعریف شده است. سازمان‌های ورزشی به رسانه‌ها نیاز دارند تا به عنوان یک محصول ورزشی رشد یافته و توسعه پیدا کنند و تمامی رشته‌های ورزشی با یکدیگر رقابت می‌کنند تا توجه رسانه‌ها را به خود جلب کنند. عدم توجه رسانه‌ها می‌تواند منجر به عدم قرار گرفتن رشته‌های ورزشی در معرض دید شود. درک عموم مردم از سازمان‌های ورزشی بر مبنای این است که رسانه‌ها تا چه حد سازمان‌های ورزشی را تحت پوشش قرار می‌دهند و نحوه نمایش آنها توسط رسانه‌ها تا چه حد جذاب است (Keon Yoo and ets; 2015: 11). نتایج پژوهشی داخلی نیز موید این موضوع است که رسانه‌های جمعی اثر معنی‌داری در تغییر نگرش و رفتار مردم برای ورزش کردن دارند؛ به طوری که رسانه‌های جمعی رفتار و نگرش عموم جامعه را شکل می‌دهند، ولی در ایران این اثر با نیازهای جامعه هماهنگ نیست و رسانه‌ها به دلایل متعددی ترجیح می‌دهند که به ترویج و نشر ورزش قهرمانی بپردازند (غفوری و همکاران، ۱۳۸۲).

سه گزاره مورد توافق از نظر صاحب‌نظران (۳، ۴ و ۱۳) براساس نظریه استفاده و رضایتمندی است. تلویزیون جمهوری اسلامی ایران بر نیازهای آنی مخاطبان همچون سرگرمی و لذت در اوقات فراغت تاکید دارد؛ به‌ویژه سرگرمی‌های غیرفعال! و کمتر به نیاز آتی آنان می‌پردازد. به عنوان مثال، آموزش‌های همگانی و ترغیب و تشویق افراد به فعالیت‌های ورزشی، کمتر در برنامه‌ها دیده می‌شود. نظریه استفاده و رضایتمندی برای مطالعه درباره گستره وسیعی از موضوعات در روابط ورزشی مورد استفاده قرار گرفته است؛ از جمله تماشای برنامه‌های ورزشی در تلویزیون و انجام ورزش‌های فانتزی (Dwyer & Kim, 2011: 70). به عنوان مثال، راهلی و هاردین (۲۰۱۱) در بررسی انگیزه طرفداران ورزش‌های فانتزی عنوان کردند که طرفداری، رقابت و ورزش‌های اجتماعی سه انگیزه اصلی برای مشارکت این افراد در ورزش‌های فانتزی هستند (Ruibley and Hardin, 2011: 323). فارکوهار و میدز (۲۰۰۷) همچنین تلاش کردند تا انواع کاربران ورزش‌های فانتزی آنلاین را دسته‌بندی و انگیزه‌های آنها را تعیین کنند. به نظر می‌رسد که ورزشکاران غیرحرفه‌ای، ورزشکاران ماهر و هیجان‌طلبان سه گروه رایج کاربران ورزش‌های فانتزی آنلاین هستند و برانگیختگی و نظارت هم دو انگیزه عمده آنها محسوب می‌شود (Keon Yoo and ets; 2015). کژکارکردهایی همچون ایجاد کم‌تحرکی در افراد و ایجاد نیازهای کاذب که در مطالعه زکی نیز ذکر شده است، بر یافته‌های پژوهش حاضر تاکید دارد (زکی، ۱۳۸۶).

دو گزاره (۲ و ۱۸) نیز ریشه در نظریه چارچوب‌سازی دارند. تلویزیون ایران با به کار گرفتن چارچوب‌های کلیشه‌ای مبتنی بر نوع ورزش، مکان و نحوه اجرا مانند ورزش صبحگاهی در پارک‌ها، یا همایش‌های پیاده‌روی صبح جمعه نمایش تصویری ناقص و ضعیفی از ورزش همگانی را در میان مردم رواج داده است. ترویج چنین کلیشه‌هایی مبتنی بر جنس، نژاد و ملیت نیز دیده می‌شود. ایگلن^۱ از تئوری چارچوب‌سازی برای کشف اختلافات موجود در قالب‌های رسانه‌ای استفاده می‌کند که برای توصیف ورزشکاران لیگ برتر بیسبال^۲ بر مبنای نژاد و ملیت متفاوت آنها به کار گرفته می‌شد (Eagleman, 2011: 160). ایگلن در تحلیل‌های خود در نشریه «ورزش‌های مشهور»^۳ چارچوب‌هایی کلیشه‌ای و رسانه‌ای بر اساس نژاد و ملیت را ارائه کرد و چارچوب‌هایی را ترسیم کرد که ورزشکاران از یک نژاد را به صورت متمایز و بر اساس ملیت‌های مختلف آنها نشان می‌داد (Keon Yoo and ets; 2015: 12). یافته‌های مطالعه روش‌شناسی نشان دهنده نقش موثر رسانه‌های

1. Eagleman

2. Major League Baseball

3. Sports Illustrated

جمعی در نهادهای ورزش در ایران است. تلویزیون با بکارگیری چارچوب‌های کلیشه‌ای محدود و خاص مانند نمایش مکرر ورزش صبحگاهی در پارک‌ها و همایش‌های پیاده‌روی موجب شده است که گستره بسیار متنوع ورزش‌های تفریحی در ذهن مخاطبان در ابعادی بسیار کوچک، محدود و کسل‌کننده شکل گیرد که با آنچه در دنیای ورزش و اوقات فراغت وجود دارد، بسیار متفاوت است (روشندل، ۱۳۸۶).

گزاره‌های ۱۲ و ۲۴ نیز ریشه در نظریه وابستگی مخاطبان دارند. تلویزیون با ترویج تماشای رویدادهای ورزشی، گذراندن اوقات فراغت غیرفعال را گسترش می‌دهد و همچنین هیجان‌خواهی مخاطبان به صورت ایستا و غیرفعال برآورده می‌کند. نتایج یافته‌های متعدد پژوهشی در سال‌های اخیر نشان داده‌اند که قالب اوقات فراغت جامعه ایرانی صرف امور غیرفعال از جمله تماشای رویدادهای فعال (ورزشی) می‌شود که حاکی از نقش وابسته بودن مخاطبان به منابع اطلاعاتی رسانه‌های جمعی در جهت‌گیری نسبت به رویدادهای اجتماعی است (امیرپور و بهرامیان، ۱۳۹۲: ۴۰۷). همچنین نشان داده شده است که تلویزیون می‌تواند موجب کاهش ارتباط اعضای خانواده و از بین بردن وقت‌های مفید افراد شود (زکی، ۱۳۸۶). نتایج پژوهش ظریفی و همکاران و افروزه و همکاران هم نشان داده‌اند که این رسانه بیشتر به بعد قهرمانی و حرفه‌ای ورزش و نمایش رویدادهای ورزشی در سطح قهرمانی و حرفه‌ای تمایل دارد تا ترغیب و تشویق مردم به فعالیت جسمانی (ظریفی و همکاران، ۱۳۹۱؛ افروزه و همکاران، ۱۳۹۱).

گزاره شماره ۹ ریشه در فرضیات نظریه هویت اجتماعی دارد؛ تلویزیون با ایجاد و تقویت حس هویت اجتماعی در بین طرفداران تیم‌ها منجر به ایجاد و افزایش التهاب و برافروختگی طرفداران تیم‌های ورزشی می‌شود. تحقیقات ورزشی که بر این نظریه تمرکز دارند، پدیده‌هایی با عنوان ملت‌ها و برافروخته شدن^۱ و رهایی از عدم موفقیت^۲ را به عنوان راه‌هایی متفاوت مطرح می‌کنند که طرفداران رشته‌های ورزشی از طریق این پدیده‌ها خود را در موفقیت و شکست تیم‌ها سهیم می‌دانند (Ware and Kowalski, 2012: 225).

گزاره مورد توافق بعدی (شماره ۸) در خصوص تمام شمول نبودن تلویزیون و نادیده گرفتن برخی اقشار در حاشیه مانند زنان، کودکان، معلولان و سالمندان، به‌ویژه نادیده گرفتن ورزش زنان و سالمندان است که در نمایش رسانه‌ای سیمای ایران با کمی اغماض هیچ جایگاهی ندارند (نظریه هژمونیک). در مورد نظریه هژمونیک مطالعاتی انجام شده است که حاکی از برتری جنس مرد در برخی تحقیقات است تا تفاوت‌های اعمال شده بین جنس زن و مرد را در برنامه‌های رسانه‌ای توضیح بدهند (Gee and Leberman, 2011: 330). چشم‌پوشی مداوم از ورزشکاران زن در رسانه‌ها و به حاشیه راندن آنها از ایده برتری جنس مرد طرفداری می‌کند و منجر به خلق این خیال باطل می‌شود که زن‌ها در جهان ورزش وجود ندارند (Whisenant, Peder- sen and etc, 2010: 110). یافته‌های پژوهش مهدویان مشهدی و همکاران نیز بیان کرده است که رسانه‌های گروهی نقش زیادی در توسعه ورزش بانوان دارند اما متأسفانه این نقش بنا به دلایلی در ایران به درستی ایفا نمی‌شود و در واقع نمایش ورزش ایران در رسانه‌های جمعی یک نمایش منحصرأ مردانه است (مهدویان مشهدی و همکاران، ۱۳۹۱) و حتی در زمان خلق افتخارات ارزشمند مانند کسب سهمیه ورودی المپیک توسط بانوی معلول ایرانی، زهرا نعمتی نیز نمایش تلویزیونی درخور و شایسته این بانوی قهرمان که افتخار ملی محسوب می‌شود، صورت نگرفت.

بر اساس گزاره ۷، اکثر صاحب‌نظران موافق هستند که پخش رویدادهای ورزشی (ملی و جهانی) از تلویزیون سبب ایجاد تمایل انفعالی در بینندگان نسبت به قهرمانان ورزشی و پیشامدهای فراروی آنان می‌شود. این گزاره با نظریه مبتنی بر تمایلات قابل توجه است. این نظریه، در حوزه‌های مختلف رسانه‌ای از جمله

1. Birging
2. Corfing

حوزه ورزش مورد استفاده قرار گرفته است تا بررسی کند که علت لذت مردم از برنامه‌های مختلف رسانه‌ای چیست. چارچوب نظری این نظریه فرض را بر این می‌گذارد که لذت بردن از یک محتوای رسانه‌ای تابعی از تمایلات موثر و انفعالی تماشاگران به شخصیت‌های رسانه‌ای و پیشامدهایی است که شخصیت‌ها با آن روبرو می‌شوند (Zillmann and Cantor, 1976: 160).

ارزش روش دلفی به ایده‌هایی است که تولید می‌کند، چه ایده‌های همگرا و چه واگرا (بنیاد توسعه فردا، ۱۳۸۴: ۵۶). بنابراین آگاهی از عبارت‌هایی که نتوانستند اجماع لازم را کسب کنند نیز مهم است (Sinead Keeney, 2011: 90). در این پژوهش، شش گزاره نتوانستند در راندهای دلفی اجماع مطلوب را از منظر صاحب‌نظران کسب کنند.

دو گزاره ۵ و ۶ که نتوانستند اجماع لازم را کسب کنند، ریشه در نظریه کاشت دارند. بر اساس این دو گزاره، تلویزیون با پخش تصاویر خشن در برخی رشته‌ها (۱۷ درصد اجماع) و با پخش رویدادهای خشن در ورزش (۲۹ درصد اجماع) سبب می‌شود تا بینندگان خشونت را به عنوان یکی از واقعیات جهان پیرامون تلقی کنند. بر اساس فرضیات تئوری کاشت، بسیاری از تماشاگران، پخش محتوای خشن از تلویزیون را به عنوان یک واقعیت عملی مشاهده و درک می‌کنند (Westerman & Tamborini, 2010: 323). به نظر می‌رسد علت عدم کسب اجماع این دو گزینه این باشد که پخش چنین محتواهایی (تصاویر خشن و رویدادهای خشن) در سیمای جمهوری اسلامی ایران مصداقی ندارد.

دو گزاره ۱۵ و ۱۶ بر نظریه برجسته‌سازی استوار هستند. بر اساس این دو گزینه، تلویزیون با تمرکز بر پوشش رویدادهای ورزشی پایتخت، باعث کم‌توجهی مردم و مسئولان به رویدادهای ورزشی شهرستان‌ها شده (۴۶ درصد اجماع) و با پرداختن بیش از حد به مسائل فنی ورزش و عدم توجه به مسائل معنوی، اخلاقی و ارزشی، تصویر غیرواقعی و تک‌بعدی از ورزش ایجاد کرده است (۴۳ درصد اجماع). این دو گزاره که بر نظریه برجسته‌سازی استوار هستند، بر این ایده قرار دارند که رسانه‌ها تعیین‌کننده هستند؛ به نحوی که مشخص می‌کنند که کدام روایت از پدیده‌های اجتماعی برجسته شده و کدام نادیده گرفته شود (دیباچی و رئیس میرزایی، ۱۳۹۰: ۵۳). این دو گزاره اجماع لازم را از نظر صاحب‌نظران کسب نکرده‌اند که علت آن می‌تواند وجود شبکه‌های استانی که به ورزش هر استان می‌پردازد و برنامه‌هایی باشد که عدم وجود مسائل اخلاقی و ارزشی در ورزش را به نقد می‌کشند.

صاحب‌نظران با گزاره ۱۹ نیز به عنوان یک کژکارکرد تلویزیون موافقت نکرده‌اند. این گزاره که مبتنی بر مفروضات نظریه چارچوب‌سازی است تنها ۳۸ درصد اجماع کسب کرده است. این مساله نشان می‌دهد که صاحب‌نظران با این موضوع که تلویزیون با تخریب افراد سبب ترویج فرهنگ بی‌اخلاقی در جامعه می‌شود چندان موافق نیستند. این مساله می‌تواند به دلیل نقش بسیار کم و ناچیز تلویزیون در این زمینه در مقایسه با نقش سایر رسانه‌ها باشد.

گزاره ۲۳، گزاره دیگری است که نتوانسته اجماع لازم را کسب کند. این گزاره بیان می‌کند که تلویزیون از به چالش کشیدن افکار عمومی پرهیز می‌کند (۵۰ درصد اجماع). ریشه‌های این گزاره را می‌توان در نظریه مارپیچ سکوت سکوت یافت. بر اساس نظریه مارپیچ سکوت رسانه‌ها قادر هستند تا به ما بگویند که کدام ایده‌ها طرفدار داشته و در اکثریت هستند. در این حالت اگر افراد با این ایده‌ها همسو نباشند، سکوت می‌کنند تا در انزوای اجتماعی قرار نگیرند. این امر در لایه‌های مختلف جریان پیدا می‌کند و سایرین را نیز وادار به سکوت می‌نماید. در نتیجه مارپیچی از سکوت درباره آن ایده یا موضع خاص شکل می‌گیرد (Neumann, 2014: 373). عدم رای خبرگان به این گزاره می‌تواند به دلیل وجود برنامه‌هایی مانند برنامه ۹۰ در تلویزیون باشد که برخلاف این نظریه عمل می‌کند و افکار عمومی را به چالش می‌کشد.

آنچه در این تحقیق به دنبال آن بودیم، شناسایی کژکارکردهای رسانه ملی در حوزه ورزش بود. بیشتر مطالعات، کارکردهای رسانه‌های جمعی را در توسعه ورزش مورد بحث قرار داده‌اند و جنبه منفی و انحرافات و ناهماهنگی‌های رسانه آن هم رسانه ملی که از نقش غیرقابل انکاری در نظام اطلاع‌رسانی در میان مردم برخوردار است، کمتر مورد توجه بوده است. همان‌طور که اشاره شد، کژکارکردهای رسانه تلویزیون در ورزش ایران متعدد و قابل توجه است. در حال حاضر تلویزیون با تأکید بیش از حد بر برد و باخت، چند رشته ورزشی خاص و حواشی آن در سطح قهرمانی و حرفه‌ای و پرداختن انحصای به ورزش مردان سبب ایجاد تصویری محدود، ناخوشایند و تک‌بعدی از ورزش شده است. از این رو، به مسئولان شورای سیاست‌گذاری صدا و سیما و اعضای شورای راهبردی شبکه ورزش توصیه می‌شود ضمن بازنگری در سیاست‌های رسانه ملی در حوزه ورزش، اهدافی را برای رسانه ملی در حوزه ورزش ترسیم نمایند که ضمن حفظ توازن در نمایش رسانه‌ای بین ورزش‌های تفریحی، پرورشی، قهرمانی و حرفه‌ای و رعایت عدالت بین زنان و مردان و رشته‌های ورزشی، تصویری جامع و شایسته از ورزش متناسب با ارزش‌های ایرانی و اسلامی ارائه دهند.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی و اکبری، حامد. (۱۳۹۱). "فهم ماهیت جامعه ایرانی بر اساس الگوی گذران اوقات فراغت نسل جوان". فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. ش ۲. صص. ۲۲-۱.
- آقاپور، مهدی. (۱۳۹۱). "فرا تحلیل مطالعات ورزش و رسانه: ارزیابی ده مقاله و پایان نامه". مجله جهانی رسانه. شماره ۱۳. صص ۱۹۰-۱۶۳.
- احمدی، فضل اله و همکاران. (۱۳۸۷). "تکنیک دلفی: ابزاری در تحقیق". آموزش در علوم پزشکی. شماره ۸. صص ۱۸۵-۱۷۵.
- افروزه، محمدصادق و همکاران. (۱۳۹۱). "شناسایی دیدگاه اعضای انجمن های ورزشی دانشگاه ها در خصوص رویکرد رسانه ها به ورزش". پژوهش های ارتباطی. شماره ۶۹. صص ۷۰-۵۵.
- امیرپور، مهناز و بهرامیان، شفیع. (۱۳۹۲). مبانی کلی نظریه های ارتباط جمعی. تهران: جامعه شناسان
- بنیاد توسعه فردا. (۱۳۸۴). روش های آینده نگاری تکنولوژی. مهسان عطاردی. تهران: بنیاد توسعه فردا
- خالدیان و همکاران. (۱۳۹۲). "نقش رسانه های جمعی در توسعه ورزش". مدیریت ارتباطات در رسانه های ورزشی. شماره ۲. ۵۵-۴۸.
- خجسته، حسن. (۱۳۹۱). "قابلیت های رسانه های سنتی و مدرن در جهت ترویج ارزش ها".
- دیباجی، سیدمحمدعلی و رئیس میرزایی، زهرا. (۱۳۹۰). "پرداختن به فلسفه رسانه". مطالعات میان رشته ای در رسانه و فرهنگ. ش ۲. صص. ۶۵-۴۹.
- روشندل اربطانی، طاهر. (۱۳۸۶). "تبیین جایگاه رسانه های همگانی در نهادهای ورزش همگانی در کشور". نشریه حرکت. شماره ۳۳. صص ۱۷۸-۱۶۵.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۲). نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی. چاپ هفتم، تهران: انتشارات علمی
- زکی، محمد باقر. (۱۳۸۶). "نقش تلویزیون در عرفی شدن فرهنگ". مجموعه مقالات همایش سراسری رسانه تلویزیون و سکولاریسم. تهران: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
- ظریفی، مجتبی و همکاران. (۱۳۹۱). "رسانه ملی و توسعه ورزش همگانی". فصلنامه پژوهش های ارتباطی. شماره ۶۹. صص ۱۳۴-۱۱۹.
- غفوری، فرزاد و همکاران. (۱۳۸۲). "مطالعه و بررسی نگرش متخصصان تربیت بدنی به نقش رسانه های جمعی (رادیو، تلویزیون و نشریات) در گرایش مردم به ورزش قهرمانی و همگانی". مجله حرکت. شماره ۱۶. صص ۷۸-۵۷.
- فهمی فر، علی اصغر. (۱۳۸۶). "ماهیت زیبایی شناسی رسانه تلویزیون". مجموعه مقالات همایش سراسری رسانه تلویزیون و سکولاریسم. تهران: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
- قره، محمدعلی؛ صفاری، مرجان و نیری، شهرزاد. (پذیرش ۱۳۹۳، در دست چاپ). "بازپردازی کارکردهای رسانه ملی جهت توسعه ورزش های تفریحی: ارائه راهبردها و راهکارها". دو فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی.
- مهدویان مشهدی، مریم و همکاران. (۱۳۹۱). "مقایسه وضعیت موجود و مطلوب نقش رادیو، تلویزیون و مطبوعات در ورزش بانوان از دیدگاه صاحب نظران". فصلنامه پژوهش های ارتباطی. شماره ۶۹. صص ۵۳-۳۹.
- مرادی، مهدی و همکاران. (۱۳۹۰). "بررسی نقش چهارگانه رسانه های ورزشی در توسعه فرهنگ ورزش همگانی". مدیریت ورزشی. شماره ۹. صص. ۱۸۰-۱۶۷.

- نقیب‌السادات، سیدرضا و جوادی، محمد عباس. (۱۳۹۰). "روش دلفی". کتاب ماه علوم اجتماعی. شماره ۳۷. صص ۷۷-۷۰.
- وردی‌نژاد، فریدون و بهرامی رشتیانی، شهلا. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی خبر. تهران: انتشارات ثانیه
- هنری، حبیب و همکاران. (۱۳۹۱). "بررسی عوامل موثر نقش‌های اطلاع‌رسانی، مشارکت اجتماعی، آموزش و فرهنگ‌سازی رسانه‌های ورزشی در توسعه ورزش قهرمانی". مدیریت ورزشی. شماره ۱۲. صص ۱۴۵-۱۲۷.
- Ayyub, Bilal M. (2001). **Elicitation of Expert Opinions for Uncertainty and Risks**. United States of America: CRC Press.
- Bryant, J., and Miron, D. (2004). **"Theory and research in mass communication"**. Journal of Communication. 54 (4). pp 662-704.
- Dwyer, B., and Kim, Y. (2011). **"For love or money: Developing and validating a motivational scale for fantasy football participation"**. Journal of Sport Management. 25 (1). pp 70-83.
- Eagleman, A. N. (2011). **"Stereotypes of race and nationality: A qualitative analysis of sport magazine coverage of MLB players"**. Journal of Sport Management. Vol 25. pp 156-68.
- Entman, R. M. (1993). **"Framing: Towards clarification of a fractured paradigm"**. Journal of Communication. Vol 43. pp 51-58.
- Fortunato, J. A. (2008). **"The NFL programming schedule: A study of agenda-setting, Journal of Sports Media"**. Vol 3 (1). pp 27-49.
- Gee, B. L., and Leberman, S. I. (2011). **"Sports media decision making in France: How they choose what we get to see and read"**. International Journal of Sport Communication. 4. pp 321-343.
- Hein, Marica. (2015). **"The Role of Media in Sport"**.
- Keon Yoo, Sang; Smith, Lauren Reichart; Kim, Daekyung. (2015). **"COMMUNICATION THEORIES AND SPORT STUDIES"**. In Pedersen, Paul M. (Eds). Routledge Handbook of Sport Communication. Routledge.
- Kian, E.T.M., Mondello, M. and Vincent, J. (2009). **"ESPN-The women's sport network? A content analysis of internet coverage of March Madness"**. Journal of Broadcasting and Electronic Media. Vol 53 (3). pp 477-95.
- Linstone, Harold A.; Turoff, Murray. (2002). **Introduction**. In Linstone, Harold. A; Turoff, Murray (Eds). Pp 3-12. The Delphi Method: Techniques and Applications.
- Neumann, Elisabeth. (2014). **"The Spiral of Silence"**. In Griffin, Em. A First Look at Communication Theory. Pp 372-382. McGraw-Hill.
- Ruihley, B. J., and Hardin, R. L. (2011). **"Beyond touchdowns, homeruns, and three-pointers: An examination of fantasy sport participation motivation"**. International Journal of Sport Management and Marketing. 10 (3/4). pp 232-56.
- Sartore, M. L., and Cunningham, G. B. (2009). **"The lesbian stigma in the sport context: Implications for women of every sexual orientation"**. Quest. 61. pp 289-305.

- Scheele, Sam .(2002). **Reality Construction as a Product of Delphi**. In Linstone, Harold. A; Turoff, Murray (Eds). Pp 35-69. The Delphi Method: Techniques and Applications.
- Tavakolli, Mona; Najafi, Alireza; Nobakht Ramezani, Zahra .(2013). **“Studying role of mass media in sport development”**. Advances in applied science research. Vol 4(4). pp 49-54.
- Ware, A., and Kowalski, G.S. (2012). **“Sex identification and the love of sports: BIRGing and CORFing among sport fans”**. Journal of Sport Behavior. 35 (2). Pp 223-37.
- Westerman, D., and Tamborini, R. (2010). **“Scriptedness and televised sports: Violent consumption and viewer enjoyment”**. Journal of Language and Social Psychology. 29 (3). pp 321-37.
- Williams, Kevin .(2003). **Understanding Media Theory**. London: Arnold.
- Whisenant, W. A., Pedersen, P. M., and Clavio, G. (2010). **“Analyzing ethics in the administration of interscholastic sports: Three key gender-related ethical dilemmas faced by educational leaders”**. Educational Management Administration and Leadership. 38 (1). pp 107-18.
- Zillmann, D., and Cantor, J. (1976). **“Affective responses to the emotions of a protagonist”**. Journal of Experimental Social Psychology. 13. pp 155-65.



تشکیل نهاد داوری ملی ورزش در پرتو جایگاه داوری در حل و فصل اختلافات ورزشی

امیر ساعد وکیل^۱
امیر اسلان اسکندری^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۲۸

جنبه های گوناگون اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی ذی مدخل در عرصه صنعت ورزش، از یک سو غیر قابل تردید است و زمینه های روزافزون سرمایه گذاری در این بخش، از سوی دیگر سیاستگذاران را بر این می دارد که نسبت به تأمین امنیت خاطر نقش آفرینان جامعه ورزش مشتمل بر دولت ها، ورزشکاران و تجار دغدغه بیشتری داشته باشند. همین امر موجب می گردد که ایده تأسیس نهاد ملی داوری ورزش به عنوان نهادی که زمینه حل و فصل اختلافات ورزشی را مطابق با خصوصیات و مقتضیات این اختلافات فراهم می سازد، بیش از پیش خودنمایی کند. در این مقاله، پس از بررسی اوصاف و مزایای دادگاه داوری ورزش به عنوان دیوان عالی بین المللی اختلافات ناظر بر روابط ورزشی، اشاره ای به مناسبات متقابل دادگاه های داخلی و دادگاه داوری ورزش در توسعه حقوق ورزشی خواهیم داشت. رویه برخی دولت ها همچون: ایتالیا، کانادا، انگلستان، آلمان، فرانسه، مالت و غیره در ایجاد نهاد ملی داوری ورزش و مزایایی که در این زمینه قابل تصور است - مانند رسیدگی سریعتر، ارزان تر، تخصصی تر و حل و فصل اختلاف به شکلی مسالمت آمیزتر، به همراه پاره ای ملاحظات حقوقی که بر اساس الزامات نظام حقوقی ایران قابل توجه می باشد - مورد اشاره اجمالی قرار خواهد گرفت. به این ترتیب، هر چند واضح است که اغلب دادگاه های مدنی و کیفری ملی از شایستگی لازم برای رسیدگی به دعوی ورزشی برخوردار نیستند، اما در پاسخ به این سؤال که تا چه اندازه تشکیل نهاد ملی داوری ورزش در کشور ما عملی خواهد بود، موانع پیش رو و تدابیر لازم برای پیشگیری از برخی موانع مورد توجه قرار گرفته که از آن جمله به ملاحظات ناظر بر مقررات داوری در حقوق ایران،

۱. دکترای حقوق بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، وکیل دادگستری، تهران، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق بین الملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) E-mail: amirsaedvakil@yahoo.com

الزامات قانون آیین دادرسی مدنی در صدور حکم و موانع مبتنی بر اصل ۱۳۹ قانون اساسی در اختلافات ناظر بر اموال عمومی و دولتی به داوری و مصالحه می توان اشاره کرد.

واژگان کلیدی: اختلافات ورزشی، دادگاه داوری ورزش و نهاد ملی داوری ورزش

مقدمه

با افزایش ابعاد مالی فعالیت های مختلف در صنعت ورزش نظیر دستمزدها و پرداخت هایی که به ورزشکاران و مربیان صورت می گیرد، سرمایه گذاری هایی که حامیان مالی باشگاه های ورزشی در جریان مسابقات انجام می دهند، مبالغی که با عنوان حق پخش مسابقات بین رسانه ها و مجریان برگزاری مسابقات رد و بدل می شود و همکاری های تجاری که در ارتباط با حق شهرت ستارگان ورزشی ترتیب داده می شود، گزافه نیست اگر ادعا کنیم که در حال شکل گیری شاخه جدید از اختلافات حقوقی هستیم. با روندی که در سال های اخیر پشت سر گذاشته شده است، دور از ذهن نیست که تصور کنیم پول های بیشتری راه خود را به سوی صنعت ورزش خواهند یافت و در اینجاست که ورزشکاران، باشگاه ها و فدراسیون ها ناگزیر به تحولات سریعی برای تطبیق خود با مقتضیات این فضای جدید و رو به رشد خواهند بود. در این راستا باید به دنبال راهکارهای حقوقی شفاف، کارآمد و عادلانه ای برای حل و فصل اختلافات احتمالی جهان ورزش بود تا منافع کلیه شرکای این صنعت مورد صیانت قرار گیرد و درجه اطمینان مناسبی برای جذب بیش از پیش سرمایه ها فراهم سازد.

در ادبیات فارسی، پژوهش مدون و مکتوبی درباره نهاد داوری ملی ورزش به طبع نرسیده و کتاب "حقوق بین الملل ورزش و فوتبال" که به تألیف دکتر امیر ساعد وکیل منتشر شده است، نخستین منبع فارسی در حوزه حقوق بین الملل ورزش است که در ایران چاپ شده و معدود کتاب ها و مقالات مرتبط با حوزه حقوق ورزشی، عمدتاً به مسایل ناظر بر حقوق داخلی و ورزش می پردازند.

در این مقاله برآنیم ضمن معرفی اجمالی دادگاه داوری ورزش، خصوصیات ساختاری و فرایند رسیدگی آن که به عنوان مزیت های نسبی این نهاد در مقایسه با نهادهای قضایی و داوری غیر تخصصی ملی می باشد، با توجه به تجربه هایی که از نهادهای داوری ملی ورزش در سایر کشورها در دست است، ملاحظات حقوقی بنیادین ناظر بر تأسیس نهاد داوری ملی ورزش در کشورمان را مد نظر قرار دهیم. این مقاله، به طور مشخص به این سؤال اصلی پاسخ می دهد که چه موانع حقوقی در برابر تشکیل نهاد داوری ملی ورزش در ایران وجود دارد.

فرضیه این مقاله این است که موازین حقوقی حاکم در ایران از چند جهت، مانع از تشکیل نهاد داوری ملی ورزش خواهد بود و لازم است راهکارهایی حقوقی در این زمینه بازجست. روش اتخاذ شده در ارایه این مقاله، مطالعه کتابخانه ای و مطالعه توصیفی - تحلیلی است. بدین ترتیب، ابزار اصلی تحقیق در این کار، استفاده از منابع کتابخانه ای شامل کتب و مقالات می باشد. شایان ذکر است چون در این زمینه هیچ منبع مشابه در زبان فارسی یافت نشد، لذا امکان مقایسه یافته های این پژوهش با موارد قبلی وجود ندارد.

دادگاه داوری ورزش

دادگاه داوری ورزش به مثابه دیوان عالی ورزش در سطح بین المللی است. به نظر می رسد هیچ نهاد دیگری به عنوان جایگزین دادگاه داوری ورزش وجود ندارد که با سرعت و هزینه اندک بتواند اختلافات بین المللی ورزشی را مورد حل و فصل قرار دهد. در واقع، هدف از تأسیس این دادگاه، بیرون آوردن اختلافات ورزشی بین المللی از دست دادگاه های داخلی و ایجاد عرصه ای تخصصی برای رسیدگی سریع، ارزان و انعطاف پذیر این قبیل اختلافات است. این نهاد اکنون اعتماد جامعه ورزش بین المللی را کسب کرده و آخرین مرحله رسیدگی قضایی برای افراد درگیر در اختلافات ورزشی - مانند اختلافات مربوط به ورزش های المپیک و

غیر آن، اختلافات مربوط به فوتبال، انحرافات مربوط به دوپینگ و قراردادهای تجاری بین المللی - بهشمار می آید.

صلاحیت دادگاه داوری ورزش

مجموعه قوانین دادگاه داوری ورزش، چهار وظیفه مهم را برای این دادگاه بر می شمارد: **حکمت های عادی:** این رویه به اختلافات در مرحله بدوی رسیدگی می کند. موضوعات غالب در این رویه، مسائل کلاسیک داوری تجاری مانند قراردادهای حمایت مالی، مجوزها، حق پخش مسابقات و حقوق مطبوعات است.

حکمت های استیناف: در این رویه به مسئله تجدید نظرخواهی از آرای نهادهای ورزشی از جمله: مسائل نقل و انتقالات و غرامت و اختلافات مرتبط با مسائل انضباطی در فوتبال و همچنین مقررات ضد دوپینگ پرداخته می شود. حدود ۹۰ درصد پرونده های مطروحه در این دادگاه، تحت همین رویه مطرح شده اند. جلسه استیناف توسط یک داور و یا هیات سه نفره داوری که از فهرست ۲۶۴ نفره داوران دادگاه داوری ورزش انتخاب شده اند، (Reilly, 2012: 32) اداره خواهد شد.

شعبه های موقت: در حین برگزاری مسابقات المپیک و سایر رخدادهای مهم ورزشی، دادگاه داوری ورزش شعبه های موقت داوری در محل مسابقات ایجاد می کند؛ بدین صورت که هیاتی از قضات موظف هستند که به درخواست های تجدید نظر از آرای صادره رسیدگی کنند و تصمیماتی را در مدت ۲۴ ساعت اتخاذ نمایند. براساس اعلام سایت رسمی دادگاه داوری ورزش، یک شعبه موقتی برای مسابقات المپیک ۲۰۱۶ ریو تشکیل خواهد شد. بر اساس پیش بینی های شورای بین المللی داوری در ورزش، ۴۶ درصد شرکت کننده ها در مسابقات ریو خانم ها خواهند بود و احتمال دارد این درصد تا المپیک ۲۰۲۰ توکیو به ۵۰ درصد برسد. از این رو، دادگاه تصمیم دارد که در ترکیب هیات داوران شعبه موقت، برابری جنسیتی را رعایت کند.

روش میانجیگری: این روش غیرالزام آور و غیر رسمی است و براساس یک توافق نامه بنا شده که طبق آن یک ورزشکار باید با حسن نیت با طرف مقابل مذاکره کند. نقش میانجی در این روش، تعریف اختلافات مطروحه، تسهیل انجام مذاکره بین دو طرف و ارائه پیشنهادهایی برای حل اختلاف می باشد. این روش رایج نیست، اما به همه اعضا پیشنهاد می شود که قبل از استفاده از داوری بدوی از این روش استفاده کنند.

لازم به ذکر است طبق آیین دادرسی دادگاه، امکان الحاق ثالث^۱ و یا ورود ثالث^۲ وجود دارد و اگر خواننده ای قصد داشته باشد شخص ثالثی را در حکمت مشارکت دهد، آنگاه باید این موضوع را به همراه دلایل آن در دفاع خود ابراز نماید و رونوشتی از آن را ارائه کند. همچنین برای ورود ثالث، اگر شخصی تمایل داشته باشد تا به عنوان یکی از طرفین در حکمت شرکت کند، آنگاه باید درخواستی را در این خصوص به همراه دلایل آن ظرف ۱۰ روز پس از مشخص شدن حکمت برای ورود ثالث به دفتر دادگاه ارائه دهد. علاوه بر آن که که زبان های رسمی دادگاه فرانسوی و انگلیسی می باشد. در صورت نبود توافق بین طرفین رئیس هیات مربوطه و در صورت عدم انتصاب او، رئیس شعبه مربوطه می تواند یکی از این دو زبان را به عنوان زبان حاکم بر پرونده انتخاب کند. طرفین ممکن است زبانی غیر از زبان های فرانسه و یا انگلیسی را برای پرونده خود انتخاب کنند. این درخواست به شرط قبولی هیات داوران و دفتر دادگاه ورزش قابل پذیرش است. در این صورت ممکن است دادگاه تصمیم بگیرد تمام هزینه های مرتبط با ترجمه و تفسیر توسط طرفین پرداخت

۱. شق دوم ماده ۴۱ دادگاه داوری ورزش

۲. شق سوم ماده ۴۱ دادگاه داوری ورزش

شود. در صورت اختلاف درباره متن، زبان فرانسوی اولویت خواهد داشت. همانند انواع دیگر داوری، رضایت شرط رجوع به این دادگاه است؛ چنان که طبق مقررات این دادگاه^۱، استیناف علیه تصمیم یک فدراسیون، انجمن یا نهاد ورزشی را می توان به دادگاه داوری ورزش ارائه داد، البته در صورتی که در قوانین و مقررات نهاد مذکور اینگونه قید شده باشد یا در صورتی که طرفین به توافق بر مبنای داوری رسیده باشند؛ اما چنانچه استیناف دهنده قبل از درخواست استیناف و بر اساس قوانین و مقررات آن نهاد به کلیه مسیرهای قانونی مراجعه کرده باشد، رسیدگی به این مورد در صورت تطابق با اساسنامه و یا مقررات سازمان مربوطه انجام خواهد شد. همچنین، باید توجه داشت که در اغلب رخدادهای ورزشی، شرایطی برای حضور ورزشکار در مسابقه وجود دارد که باید در طی آن سندی را امضا کند و صلاحیت دادگاه داوری ورزش را بپذیرد. این که این نوع رضایت به لحاظ حقوقی صحیح است یا خیر محل مناقشه می باشد، چرا که ورزشکار فقط یک راه دارد و آن هم پذیرفتن صلاحیت دادگاه است و در غیر این صورت از جریان مسابقات حذف خواهد شد. در این مورد، دیوان فدرال سوئیس بارها اعلام کرده که نیاز به یک سیستم حل و فصل اختلاف سریع و واحد نباید باعث تضییع حقوق ورزشکاران در انتخاب محل داوری شود.

در حال حاضر، همه فدراسیون های بین المللی المپیک و تعداد زیادی از فدراسیون های غیرالمپیکی، دادگاه داوری ورزش را مقصد پایانی اختلافات بین المللی در زمینه ورزش می دانند. دادگاه داوری ورزش می تواند به اختلافاتی رسیدگی کند که به طور مستقیم یا غیر مستقیم با ورزش در ارتباط هستند. همان طور که تصمیمات قبلی دادگاه آشکارا نشان می دهد، این دادگاه به درون زمین وارد نمی شود. به عنوان مثال، در پرونده مندی علیه فدراسیون بین المللی بوکس آماتور، (McLaren, 2001: 47) شعبه موقتی تشکیل شده در بازی های تابستانی آتلانتا (سال ۱۹۹۶) درخواست تجدید نظر بوکسر را در مورد این که رقیبش حق نداشته به پایین کمر بند مشت بزند رد کرد. در آن پرونده دادگاه اعلام کرد که تصمیم داور صرفاً فنی بوده و بوکسر نیز هیچ مدرکی دال بر وجود خطای حقوقی ارائه نداده است. اما در شرایط استثنایی اگر چنین مقرراتی با اجرای بدون حسن نیت همراه شود و مدارک صریح و مستقیمی دال بر این عدم حسن نیت موجود باشد، دادگاه داوری ورزش این موضوع را رسیدگی خواهد کرد. این استثنا در بازی های المپیک زمستانی سال ۲۰۰۲ در مسابقات اسکیت دو نفره رخ داد. در آن پرونده، قاضی فرانسوی اذعان کرد که از طرف فدراسیون ملی کشور خود تحت فشار بوده و در نتیجه، امتیاز مربوط به اسکیت باز کانادایی را تنزل داده تا مدال طلا به شرکت کنندگان روسیه ای برسد. با آن که تصمیم داور توسط کانادایی ها تحت درخواست تجدید نظر قرار گرفت، اما کمیته بین المللی المپیک بر اساس پیشنهاد اتحادیه جهانی اسکیت تصمیم گرفت که مدال طلای دومی را به ورزشکاران کانادایی اعطا کند. همچنین، اتحادیه جهانی اسکیت، وضعیت این قاضی را به حالت تعلیق درآورد. اگر چه تمامی اختلافات مرتبط با بازی های المپیک در حیطه صلاحیت دادگاه داوری ورزش می باشد، اما سیاست دادگاه داوری ورزش این است که در تصمیمات مرتبط با درون زمین دخالتی نداشته باشد؛ بدین علت که اعتقاد دارد داوران در جایگاه بهتری برای تصمیم گیری در این زمینه هستند. قانون نوشته ای در این زمینه وجود ندارد و این موضوع از رویه و تصمیمات قبلی دادگاه قابل برداشت است. مشکل اینجاست که گاهی تشخیص نوع موضوع به دشواری صورت می گیرد که آیا تصمیم مورد اختلاف تصمیمی صرفاً مرتبط با اختلافات درون زمین است یا نقض های قانونی و یا حقوقی هم رخ داده است. به طور کلی، دادگاه اعتقاد دارد که گشوده شدن باب دخالت نهادهای حقوقی و قضایی در نتایج ورزشی سبب می شود که ورزشکاران به جای به کارگیری قدرت و استقامت، از ابزارهای حقوقی برای رسیدن به قهرمانی استفاده کنند. بنابراین

۱. ماده ۴۷ دادگاه داوری ورزش

قهرمانان، نه ورزشکاران ماهر و قدرتمند، بلکه وکلای خبره و زبردستی خواهند بود که قادر به تغییر نتیجه رقابت هستند. (شعبانی مقدم، ۱۳۹۴، ص ۲۴)

استقلال دادگاه داوری ورزش

پایه گذاری و تشکیل این دادگاه در سال ۱۹۸۴ توسط خوان آنتونیو سامارانچ صورت گرفت. اگر چه دادگاه به عنوان نهادی مستقل تشکیل شد، اما در اوایل دهه نود میلادی نگرانی هایی در مورد واقعیت این استقلال به وجود آمد. علت اصلی این تردیدها در این بود که روابط متقابل سازمانی و مالی بین این دادگاه و کمیته بین المللی المپیک وجود داشت. این نگرانی ها در رای دیوان فدرال سوئیس در مورد دعوی یک اسب سوار آلمانی و فدراسیون بین المللی اسب سواری آشکار شد. (Swiss Supreme Court, 1993: 11) در این رای، دیوان فدرال سوئیس استقلال دادگاه داوری ورزش را به رسمیت شناخت و در واقع، مهر تاییدی بر صلاحیت این دادگاه زد.

دادگاه داوری ورزش در اقدامی مهم، ساختار سازمانی و مدیریتی خود را در سال ۱۹۹۴ به شورای بین المللی داوری در ورزش واگذار کرد. استقلال این دادگاه از کمیته بین المللی المپیک در سال ۲۰۰۳ توسط دیوان فدرال سوئیس مورد تاکید قرار گرفت؛ بدین صورت که در پرونده دو شخص با تابعیت روسی علیه کمیته بین المللی المپیک، رای دادگاه مورد چالش قرار گرفت، اما دیوان فدرال سوئیس اعلام کرد که دادگاه داوری ورزش در واقع دادگاه عالی در ورزش بوده و شورای بین المللی داوری ورزش، تضمین کننده استقلال و بی طرفی این دادگاه می باشد، چنان که آرای این دادگاه نظیر احکام دادگاه های ملی خواهد بود. (Swiss Supreme Court, 2004: 91) همین اعتبار بین المللی باعث شده که در حال حاضر سالانه حدود ۴۰۰ پرونده به این دادگاه ارجاع می شود.

هدف اصلی این شورا، تسهیل حل اختلافات مرتبط با ورزش از طریق داوری و میانجیگری و همچنین تضمین استقلال و بیطرفی دادگاه داوری ورزش می باشد. یکی از وظایف این شورا، انتصاب داوران دادگاه داوری ورزش است و در واقع طرفین رجوع کننده به این دادگاه ملزم هستند که داوران مورد نظرشان را از فهرست تعیین شده انتخاب کنند. هیات داوری معمولاً متشکل از یک یا سه نفر داور می باشد. فهرست داوران باید بدین ترتیب کامل گردد: ۱- یک پنجم داوران از افراد پیشنهادی کمیته بین المللی المپیک؛ ۲- یک پنجم داوران از افراد پیشنهادی فدراسیون های بین المللی؛ ۳- یک پنجم داوران از افراد پیشنهادی کمیته های ملی المپیک؛ ۴- یک پنجم داوران پس از مشورت، از افراد حامی منافع ورزشکاران؛ ۵- یک پنجم داوران، افرادی مستقل از نهادهای پیشنهاد کننده داوران در موارد قبلی. (Yi, 2006: 86)

قانون حاکم در دادگاه داوری ورزش

محل تمام رسیدگی های دادگاه داوری ورزش در شهر لوزان سوئیس است. با این وجود در شرایطی خاص پس از مشورت با طرفین، رئیس هیات داوری و اگر رئیس هیات داوری انتخاب نشده باشد رئیس شعبه مربوطه می تواند جلسه رسیدگی را در محل دیگری تشکیل دهد. اگر در زمان انعقاد قرارداد داوری، حداقل یکی از طرفین اقامتگاه و یا محل زندگی عادی در سوئیس باشد، قانون حاکم بر پرونده فصل ۱۲ قانون حقوق بین الملل خصوصی سوئیس خواهد بود. اعمال قانون حقوق بین الملل خصوصی سوئیس هماهنگی و پیش بینی پذیری روند دادگاه را تضمین خواهد کرد.

مهم ترین قانون ماهوی حاکم بر دعوا، قوانین و مقررات سازمان ورزشی است که رای مربوط را صادر کرده است. بنابراین بسیار حائز اهمیت می باشد که داوران و طرفین نسبت به مقررات مربوطه شامل اسناد،

اساسنامه ها، مقررات انضباطی، قواعد صدور مجوز و قوانین ضد دوپینگ تسلط کافی داشته باشند. در زمانی که مقررات غیر واضح، ناکامل و مبهم است، هیات داوران از قانون کشوری که فدراسیون آن پرونده مورد بحث را صادر کرده، استفاده خواهد کرد. با توجه به این که تعداد زیادی از فدراسیون ها در سوئیس واقع شده اند، بیشتر قانون سوئیس به عنوان قانون ماهوی مکمل مورد استفاده قرار گرفته است.

تقریباً ۴۵ درصد پرونده هایی که در دادگاه دآوری ورزش مورد بررسی قرار گرفته به درخواست تجدید نظر از آرای صادر شده توسط فیفا مربوط می شود. از سال ۲۰۰۲ یعنی زمان پیوستن فیفا به دادگاه دآوری ورزش، اختلافات زیادی در زمینه تفسیر قواعد نقل و انتقالات فیفا، قواعد تعیین غرامت مربوط به تحصیل و تمرین بازیکنان نزد این دادگاه مطرح شده است. مرکز حل و فصل اختلاف فیفا، صلاحیت رسیدگی به اختلافات مرتبط با به کارگیری بازیکنان و اختلافات باشگاه ها با یکدیگر را دارد. این مرکز یک نهاد دآوری به معنای واقعی نمی باشد و در واقع آرای صادر شده توسط این مرکز، آرای دآوری بین المللی نیستند و قدرت الزام آور ندارند. آرای این مرکز فقط از طریق قواعد و مقررات فیفا و در چارچوب جامعه فوتبال الزام آور می باشد. ترکیب این نهاد بر اساس تساوی بین نمایندگان باشگاه های ورزشی و نمایندگان بازیکنان چیده شده است. میزان پول مورد بحث در پرونده های فوتبالی دارای طیف بسیار وسیعی است که بستگی به باشگاه و بازیکن مربوطه دارد. بیش از ۳۰ درصد رسیدگی ها مربوط به تخلفات دوپینگ است. تأسیس سازمان جهانی ضد دوپینگ در سال ۱۹۹۹ و متعاقب آن، ایجاد قوانین ضد دوپینگ در سال ۲۰۰۴ قدم های بزرگی در جهت هماهنگ سازی سیاست های ضد دوپینگ در تمام ورزش ها بود. این قوانین ضد دوپینگ دارای اثر گذاری مستقیم توسط فدراسیون های بین المللی نیستند، ولی این فدراسیون ها ملزم شده اند که قوانین ضد دوپینگ خود را در تطابق با قوانین سازمان جهانی ضد دوپینگ ایجاد کنند. در عمل این بدین معنا است که اگر فدراسیون های بین المللی درخواست شناسایی و کمک های مالی از کمیته بین المللی المپیک داشته باشند، باید قوانینی منطبق با قوانین سازمان جهانی ضد دوپینگ وضع کنند که برای فدراسیون های ملی، ورزشکاران و حامیان ورزشی الزام آور باشد. ۲۵ درصد باقی مانده شامل ۱۵ درصد دیگر پرونده های مرتبط با ورزش مانند مشروعیت انتخابات یا اعطای میزبانی است و ۱۰ درصد پرونده های تجاری بین المللی هستند.

فرایند رسیدگی سریع در دادگاه دآوری ورزش

لزوم رسیدگی سریع، یکی از ضروریات در زمینه اختلافات ورزشی است. همان طور که پیش از این اشاره شد، هیات دآوری مقدماتی که در حین بازی های المپیک به دآوری می پردازند، ملزم هستند ظرف ۴۲ ساعت پس از درخواست تجدید نظر، به موضوع رسیدگی و حکم صادر کنند. در واقع، تقاضای تجدید نظر از آرا در حین بازی ها، داوران را وارد یک فرآیند ۴۲ ساعته بسیار فشرده خواهد کرد که طی آن، درخواست خواهان برای خوانده ارسال شده و افراد ذینفع از پرونده آگاه خواهند شد. سپس طرفین ذینفع برای رسیدگی احضار و در پایان، رای صادر می شود. واضح است برای ورزشکار شرکت کننده در مسابقات المپیک، صدور رای در زمان طولانی بی فایده خواهد بود. سرعت صدور رای در این شعبه های موقت، تضمین کننده ادامه روند صحیح مسابقات و انجام درست برنامه از پیش تعیین شده خواهد بود. همچنین، برای پرونده هایی که توسط قسمت استیناف دادگاه دآوری ورزش رسیدگی می شود، زمان بسیار حائز اهمیت است و مجموعه قوانین دادگاه دآوری ورزش محدودیت های زمانی کوتاهی برای ارائه درخواست ها و مراحل رسیدگی در نظر گرفته است. طبق مقررات، خواهان از روز دریافت حکم به مدت ۱۲ روز فرصت دارد تا درخواست تجدید نظر کند. ۱ همچنین ۰۱ روز دیگر برای ارائه خلاصه درخواست تجدید نظر که در برگزیده وقایع و نکات حقوقی پرونده می باشد به

او مهلت داده خواهد شد. خواننده از زمان دریافت این خلاصه تجدید نظر، ۲۰ روز وقت دارد که دفاعیات خود را ارائه دهد. محدودیت های زمانی تعیین شده چنان که طرفین به این امر رضایت دهند توسط دادگاه داوری ورزش می تواند کمتر شود. به علاوه، در راستای نیاز به تسریع در رسیدگی ها، دادگاه می تواند اقدام به صدور قرار موقت کند. براساس قواعد شکلی دادگاه، تا قبل از این که تمام راه های قانونی داخلی تصریح شده در مقررات فدراسیون یا نهاد ورزشی مربوطه مورد استفاده قرار نگرفته باشد، هیچ یک از طرفین نمی تواند برای اقدامات موقتی درخواست بدهد. مطابق رویه معمول داوری های تجاری بین المللی، مبانی صدور قرار موقت از این قرارند:

آیا صدور قرار موقت برای جلوگیری از ضرر غیرقابل جبران ضروری است؛
احتمال کلی کسب موفقیت در دعوی؛
آیا منافع خواهان بر طرف دیگر غلبه دارد.

صدور قرار موقت زمانی حائز اهمیت است که در عین حفظ ممنوعیت ورزشکار، وی می تواند در مسابقات مربوطه شرکت کند.

دادرسی ارزان در دادگاه داوری ورزش

یکی از اهداف دادگاه داوری ورزش، فراهم کردن شرایط دسترسی به عدالت برای ورزشکارانی است که ممکن است شرایط مالی برای درخواست دادرسی را ندارند. علی رغم این که مطبوعات اغلب گزارش هایی در مورد قراردادهای میلیاردری بازیکنان ارائه می دهند، واقعیت این است که تعداد زیادی از ورزشکاران درآمد بسیار پایینی دارند. با در نظر گرفتن این موضوع، شورای بین المللی داوری ورزش می تواند تصمیم بگیرد تا کمک مالی و قانونی به اشخاص حقیقی با تمکن مالی پایین صورت بگیرد که این کمک شامل تمام هزینه های داوری و یا حتی قسمتی از حق الزحمه ها می شود. معافیت از هزینه های دادرسی بر اساس تقاضای منطقی هر فرد حقیقی و با ارائه مستندات لازم انجام می شود مشروط بر اینکه درآمد و دارایی او امکان پوشش هزینه های دادرسی را فراهم نیاورند و آن بخش از دارایی برای حمایت از او و خانواده اش ضروری باشد. در صورتی که درخواست متقاضی به طور مشخص از مبنای قانونی برخوردار نباشد، تقاضای معافیت از هزینه های دادرسی رد می شود. افزون بر این در صورتی که درخواست متقاضی به طور واضح بی معنی یا آشفته باشد، رد خواهد شد.

طبق مقررات دادگاه داوری ورزش^۱، دفتر دادگاه داوری ورزش باید فهرستی از وکلای داوطلب (مشاور رایگان) که از صلاحیت لازم در داوری بین المللی و حقوق ورزش برخوردارند و می توانند به زبان های رسمی دادگاه فعالیت کنند را تهیه نماید- در صورتی که دفتر دادگاه تشخیص دهد می تواند این فهرست را منتشر کند. این فهرست به فرد ذیحق معافیت از هزینه های دادرسی ارائه می شود و او می تواند آزادانه مشاور مورد نظرش را انتخاب کند. فرد ذی حق معافیت از هزینه های دادرسی می تواند رابطه خود با مشاور رایگان را در هر زمان که بخواهد قطع کند.

برای مطرح کردن هر پرونده در دادگاه داوری ورزش، ابتدا باید ۰۰۰۱ فرانک سوئیس پرداخته شود. علاوه بر این، هزینه های رسیدگی بر اساس طبیعت و پیچیدگی دعوی مطروحه نزد دادگاه تعیین خواهد شد. برای رسیدگی های داوری مقدماتی، طرفین به طور مشترک هزینه ها را می پردازند. برای داوری های استینافی که در واقع تجدید نظر از تصمیماتی است که منحصراً طبیعت انضباطی دارند و آن تصمیماتی که توسط

۱. ماده ۱۸ دستورالعمل های معافیت از هزینه های قانونی نزد دیوان حکمیت ورزش (اجرای از اول سپتامبر ۲۰۱۳)

فدراسیون های بین المللی و نهادهای ورزشی صادر می شوند، جز مبلغ ۱۰۰۰ فرانک اولیه هزینه ای دریافت نخواهد شد و در واقع، هزینه ها توسط دادگاه داورى ورزش پرداخت می شود. برای سایر رسیدگی های استینافی، هیات داورى باید تعیین کند چه کسی متحمل پرداخت هزینه است و یا چه سهمی از هزینه را باید پرداخت کند. به عنوان یک قاعده عمومی، هیات داوران صلاحیت دارد که سهمی را بر اساس هزینه های قانونی و سایر هزینه های مرتبط با رسیدگی و به ویژه هزینه شهود و مفسران بر محکوم له تحمیل کند. هیات داوران باید در هنگام تعیین سهم ها، نتیجه رسیدگی ها و همچنین منابع مالی طرفین را لحاظ کند.^۱ در عمل، هزینه داورى توسط طرف مغلوب پرداخت می شود و تمام پرداخت های پیشین به طرف غالب بازپرداخت خواهد شد.

ایده تأسیس نهاد داورى ملی ورزش

تنها مبنایی که طبق آن، هر پرونده مرتبط با اختلافات ورزشی ممکن است در دادگاه مورد استماع قرار گیرد، موارد مربوط به حقوق قراردادهاست. داشتن یک دیوان داورى ورزشی ملی، مزایایی را در کنار هم قرار می دهد. رسیدگی در این دیوان سریعتر از دادگاه ها و ارزان تر خواهد بود. بعلاوه، نهاد داورى بیشتر تمایل دارد تا طرف های اختلاف را به یک راهکار دوستانه ترغیب کند تا اینکه به دنبال صدور یک حکم قضایی باشد، چرا که چنین نهادی واجد مقررات انعطاف پذیرتری در مقایسه با آیین دادرسی مدنی و کیفری خواهد بود. بی شک، ترکیب دیوان داورى ملی ورزشی از قضات و داورانی تشکیل می شود که دارای تخصص در ورزش هستند.

تشکیل نهاد داورى ملی در کشورهای دیگر بی سابقه نیست. برای نمونه، کلیه سازمان های ورزشی در ایتالیا و اعضای کمیته المپیک ایتالیا می توانند اختلافات خود را به دیوان داورى ملی ورزش به عنوان دیوان داورى برای اختلافات قراردادی مربوط به ورزش در ایتالیا و به عنوان دادگاه نهایی تجدید نظر در پرونده های انتظامی ارجاع دهند. فارغ از اختلافات داخلی، از منظر بین المللی باید به محبوبیت دیوان داورى بین المللی ورزش اشاره کرد که یک مرحله رسیدگی نهایی برای اختلافات ورزشی بین المللی محسوب می شود. نمونه دیگری که اشاره به آن خالی از لطف نیست تجربه دولت مالت در تأسیس نهاد داورى ملی است. بخش هشتم قانون ورزش مالت مصوب ۲۰۰۲ به حل و فصل اختلافات ورزشی می پردازد. در این بخش، شورای ورزش مالت وظیفه دارد ورزشکاران و سازمان های ورزشی را برای رسیدن به راهکاری دوستانه در اختلافات از طریق میانجیگری یا با کمک مرکز داورى مالت مساعدت کند. طبق این قانون از هیئت تجدید نظر ورزش هم صحبت شده که به عنوان مرجع تجدید نظر از تصمیمات شورای ورزش مالت عمل می کند و اعضای آن توسط دولت تعیین خواهند شد. به دشواری می توان باور کرد که ورزشکاری به شورای ورزش مالت برای حل و فصل اختلافات خود اعتماد کند، چون این یک سازمان دولتی است که فدراسیون های ورزشی مالت بودجه آن را تأمین می کنند. در نتیجه، اختلافات بیشتر در مالت در ساختارهای گوناگون اتحادیه های ملی مختلف مورد رسیدگی قرار می گیرند.

براساس اعلام سایت سایت رسمی دادگاه داورى ورزش در حال حاضر در کشورهای کانادا، فرانسه، آلمان، نیوزیلند و انگلستان نهادهای ملی ورزش که به لحاظ سازمانی و شخصیت حقوقی در ارتباط با دادگاه داورى ورزش قلمداد نمی شوند، تشکیل شده است. به عنوان مثال، نهاد ملی ورزش در کانادا که به موجب قانون ارتقای فعالیت جسمانی و ورزش مارچ ۲۰۰۳ تشکیل و به طور رسمی از سال ۲۰۰۴ به عنوان یک

۱. ماده ۶۴ قانون دادگاه داورى ورزش

گزینه ملی برای حل و فصل اختلافات ورزشی و حتی پیشگیری از بروز این اختلافات آغاز به کار کرده است، بویژه پرونده های مربوط به دوپینگ در کانادا را مورد رسیدگی قرار می دهد. اهداف اصلی دیوان ملی ورزش کانادا، تضمین انصاف، هزینه پایین رسیدگی، شفافیت و استقلال مرجع رسیدگی برای جامعه ورزش ملی کانادا به عنوان یک راهکار جایگزین حل و فصل قضایی اختلافات ورزشی است. همچنین، نهاد حل و فصل اختلافات ورزشی انگلستان هم در سال ۱۹۹۷ زیر چتر نه رکن ورزش در این کشور مشتمل بر کمیسیون ورزشکاران انگلیس، اتحادیه المپیک انگلیس، اتحادیه پارالمپیک انگلیس، اتحادیه اروپایی حمایت مالی، مرکز ورزش ایرلند شمالی، فدراسیون بازیکنان حرفه ای، سازمان وحدت ورزش و سرگرمی، اتحادیه ورزش اسکاتلند و اتحادیه ورزش ولز تشکیل شد و در سال ۱۹۹۹ شروع به کار کرد. نکته حایز توجه این است که این نهاد در انگلیس خود را به عنوان یک نهاد غیرانتفاعی معرفی می کند که در کنار ارائه خدمات حل و فصل اختلافات ورزشی برای همگان در انگلستان و پیشگیری از بروز اختلافات ورزشی از طریق آموزش و اطلاع رسانی، قصد دارد به عنوان یک مرکز عالی برای مدیریت اختلافات ورزشی ایفای نقش نماید.

بحث و نتیجه گیری

آیا دادگاه های مدنی و کیفری همواره برای حل و فصل اختلافات مرتبط با مسایلی که منحصراً دارای جنبه های ورزشی هستند مناسب اند؟ صحنه بین المللی به حکم تجربه به ما ثابت کرده که پاسخ به این سؤال منفی است؛ اولاً، دعوایی که در یک دادگاه مدنی اقامه می شود ممکن است سال ها طول بکشد تا منتهی به صدور رأی گردد، در حالی که عمر مفید فعالیت حرفه ای یک ورزشکار به طور متوسط حدود ۱۰ تا ۱۵ سال بیشتر نیست. منطقی نیست برای یک تخلف انضباطی یا نقض قرارداد، بخش قابل توجهی از حیات حرفه ای او صرف پیگیری از دادگاه ها شود. همین طور، یک فدراسیون ورزشی هم نمی تواند مدت طولانی برای تخلف انتظامی یکی از اعضای خود منتظر بماند. ثانیاً، باید خیلی خوش شانس بود که قاضی رسیدگی کننده به پرونده، دارای دانشی در یک رشته ورزشی خاص باشد. علاوه بر آن که مبنای حقوقی دادگاه های عادی که می توانند در مورد پرونده های ورزشی رسیدگی کنند چندان صریح نیست. تصمیمات فدراسیون های ورزشی، مشمول امکان تجدید نظر قضایی معمول در نظام های قضایی داخلی دولت ها نیستند، چرا که فدراسیون ها به عنوان نهادهای عمومی شناخته نمی شوند و حکم سازمان های خصوصی را دارند.

اکنون با توجه به مراتب فوق، می توان تصویر واقع بینانه تری از این نکته داشت که تشکیل یک نهاد داوری ملی در عرصه ورزش کشور به رغم فواید بسیار، با چه دغدغه ها و موانعی رو به روست که کارایی آن را زیر سؤال می برد. هر چند ارزیابی دقیق و جزئی ملاحظات حقوقی و قانونی ناظر بر تأسیس نهاد ملی داوری ورزش در ایران با عنایت به استانداردهای تثبیت شده در حقوق داوری ملی و بین المللی مستلزم مطالعه مستقلى است که در حوصله این مطلب نمی گنجد، با این حال، نگرانی های زیر فاقد محمل به نظر نمی رسند:

الف) ضرورت تأسیس مکانیسم داوری ملی ورزش و درج صلاحیت آن در قراردادهای ورزشی: به عنوان یک اصل قطعی حقوقی، طرفین اختلاف نمی توانند داور دعوی خویش باشند. از این رو، وجود ساز و کار معینی برای نصب داور، آیین رسیدگی، قانون حاکم و حدود اختیارات داوران ضروری است - متن عمده قراردادهای ورزشی کنونی از چنین نکاتی محروم هستند.

ب) موارد کأن لم یکن شدن یا ابطال داوری در حقوق ایران: چنانچه مبنای ارجاع اختلاف به داوری، تصمیم دادگاه باشد و طرفین مطابق ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی اقدام به تعیین داوران به تعداد زوج نمایند و اکثریت داوران در مورد حکم نهایی حاصل نشود، نهاد داوری از بین رفته و دادگاهی صالح به رسیدگی خواهد

پرداخت. پس ضروری است تدابیر لازم برای جلوگیری از اتلاف وقت و هزینه و بی اثر شدن داوری در موارد احتمالی پیش بینی گردد. بر اساس حکم کلی در حقوق ایران، وقتی قانون حاکم بر قرارداد داوری، قانون ایران باشد، امکان ابطال رأی داور در محاکم وجود دارد و این خدشه بزرگی به قطعیت فرایند رسیدگی داوری در اختلافات ورزشی که زمان، نقش مهمی در آن بازی می کند، وارد خواهد کرد. اگر یک طرف قرارداد ورزشی، پیمانکار مشمول شرایط عمومی پیمان شورای عالی فنی باشد، مطابق ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان، شرط داوری در قرارداد اختیاری خواهد بود و الزامی برای طرفین در ارجاع اختلاف خود به داوری ایجاد نمی شود.

ج) تدوین مقررات داوری در ورزش: در صورت سکوت قواعد داوری، نمی توان به مقررات قانون آیین دادرسی مدنی مراجعه کرد، چون این روش خیلی وقت گیر و موجب ناکارآمدی نهاد داوری بویژه در حوزه اختلافات ورزشی خواهد شد. لذا تنظیم مقررات جامع داوری برای نهاد ملی داوری ورزش ضروری است. هر چند کلیه نهادهای داوری ملی ورزش در کشورهای دیگر برای خود اختیار میانجیگری را نیز برشمرده اند، اما مطابق مقررات کنونی ایران، داور ملزم به صدور حکم داوری است و اجازه تنظیم گزارش اصلاحی ندارد که چنین محدودیتی با طبیعت اختلافات ورزشی سازگار نیست و زنجیر بزرگی به دست های نهاد ملی داوری خواهد زد. با توجه به تخصصی بودن اختلافات ورزشی و لزوم بهره گیری از مفسران در صدور احکام داوری باید این موضوع روشن شود که آیا متخصصان ورزشی در این نهاد داوری، تابع مقررات مشابه کارشناسان رسمی دادگستری در دادگاه ها یا به عبارت دیگر، مشمول قانون آیین دادرسی مدنی هستند یا نه. لازم است که با توجه به ماهیت اختلافات ورزشی بویژه در حین مسابقات، تصریح گردد که آیا نهاد داوری ملی، مجاز به صدور قرار است یا صرفاً بنا به تصریح لفظی قانونگذار ملزم به صدور حکم می باشد. با توجه به اینکه مفاد قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی در ارتباط با احکام دادگاه هاست و داوری واجد چنین ماهیتی نیست، باید معلوم گردد که آیا تصمیمات نهاد داوری ملی می تواند از ظرفیت های قانون مذکور بهره برد یا خیر. البته که پاسخ مثبت به این سؤال در توسعه نهاد داوری، نقش زیادی را ایفا خواهد کرد. بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی، داور نیز مانند قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدون بیابد و اگر نیافت به استناد منابع معتبر اسلامی و یا فتوای معتبر، حکم قضیه را صادر کند. حال این سؤال پیش می آید که به عنوان مثال، آیا مقرراتی که در فیفا حاکم است و فدراسیون های ورزشی ملزم به رعایت آن هستند، به مثابه قانون مد نظر این اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود. به عبارت دیگر، منظور از قانون، صرفاً مصوبات مجلس شورای اسلامی است یا کلیه قواعد ماهوی قابل اعمال در نظام حقوقی ایران را در برمی گیرد. همچنین در موارد سکوت قانون و تعارض مبانی فقهی و عرف های بین المللی در حوزه اختلافات ورزشی چاره چیست. بر اساس قانون بورس اوراق بهادار، مرجعی برای رسیدگی به اختلافات مربوطه در نظر گرفته شده که به لحاظ وابستگی به قوه مجریه نباید آن را به عنوان یک نهاد دارای ماهیت داوری دانست، بلکه یک مرجع شبه قضایی شمرده می شود. آیا قرار است نهاد ملی داوری ورزش در ایران، همین شرایط را داشته باشد و مسیری را طی کند که کشور مالت رفته است یا تأکید بر ماهیت داوری نهاد مزبور خواهد بود.

د) رفع موانع ارجاع اختلافات ورزشی به داوری: با توجه به محتوای اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی، وضعیت ارجاع اختلافات به نهاد ملی داوری ورزش در شرایطی که یکی از طرفین منتسب به شخصیت حقوقی دولت شناخته شود و اموال عمومی یا دولتی موضوع دعوا باشد، چیست. این حالت، در مورد باشگاه هایی که هنوز به بخش خصوصی سپرده نشده اند مانند پرسپولیس و استقلال که ممکن است در جریان اختلافات خود با سایر باشگاه ها یا افراد، ناچار به پرداخت مبالغی گردند، به وفور رخ می دهد. اگر حوزه صلاحیت نهاد داوری ملی ورزش به اختلافات بین المللی هم تسری داده شود، اجرای مفاد ماده ۴۷۸ قانون آیین دادرسی مدنی مبنی بر توقف جریان داوری تا صدور حکم محکمه کیفری در

موقعی که موضوع اختلاف دارای ابعاد کیفی است به ویژه چون در قانون داوری تجاری بین المللی ایران این مقررہ ذکر نشده بلا وجه است. با توجه به جایگاه بین المللی دادگاه داوری ورزش و تأسیس شعب آن در لوزان، سوئیس، سیدنی، استرالیا، نیویورک و بتازگی در سال ۲۰۱۲ در ابوظبی تا چه اندازه می توان امیدوار بود که افراد ذینفع در مواردی که صلاحیت دادگاه داوری ورزش اجازه می دهد نهاد ملی داوری ورزش را بر نهادهای بین المللی ترجیح دهند.

موارد فوق تنها گوشه ای از ملاحظات دقیق حقوقی ناظر بر تأسیس نهاد ملی داوری ورزش در ایران است که امیدواریم دست اندرکاران با استفاده از دیدگاه های تخصصی برای تصمیم گیری در مورد تشکیل نهاد مزبور و کم و کیف فعالیت آن، منافع و اعتبار نظام حقوقی کشور را مراعات نمایند و همچون خیلی از معضلات کنونی جامعه ورزش ایران، توسل به معاذیر بی پایه ای چون این موضوع که مسایل حوزه ورزش صرفاً باید توسط افرادی که به خانواده ورزش تعلق دارند واگذار شود، موجب نادیده گرفتن سایر تخصص ها و کنار گذاشته شدن ظرفیت های ارزشمند موجود در کشور در زمینه های مختلف مرتبط با امر تأسیس نهاد ملی داوری ورزش نگردد.

منابع

- شعبانی مقدم، کیوان. (۱۳۹۴). دیوان بین المللی حکمیت در ورزش. تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش
- وکیل، امیرساعد. (۱۳۹۴). حقوق بین الملل ورزش و فوتبال. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد
- McLaren, H.(2001). **“The Court of Arbitration for Sport: An Independent Arena for the World’s Sports Disputes”**. Valparaiso University Law Review,35(2),379-405.
- Reilly,L.(2012). **“Introduction to the Court of Arbitration for Sport(CAS) & the Role of National Courts in International Sports Disputes”**. An Symposium,1-20
- Yi.H.(2006). **“Turning Medals into Metal: Evaluating the Court of Arbitration for Sport as an International Tribunal”**. Yale Law School Student Scholarship. World Anti-Doping Agency & Union Cycliste Internationale v. Alejandro Valverde & Real Federacion Espanola de Ciclismo, CAS 2007/A/1396 & 1402 (May 31, 2010). Dwain Chambers v. British Olympic Assn, (2008) EWHC (QB) 2028, 40
- United States Olympic Comm. (2011). **Int’l Olympic Comm.** CAS 2011/O/2422, Oct. 4

بررسی و مقایسه سلامت جسمانی و سلامت روان سالمندان کوه نورد و سالمندان فعال و غیرفعال شهر تهران

عسل رجاییان^۱
هادی زاهدی^۲
مهسا مرتضاییان^۳
شهاب پروین پور^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۹/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱/۱۵

هدف پژوهش حاضر، بررسی و مقایسه آمادگی جسمانی و سلامت روان کوه نوردان سالمند و سالمندان فعال و غیرفعال مناطق مختلف شهر تهران بود. بدین منظور سالمندان در بوستان ها و مناطق مرتفع شهر تهران به طور تصادفی انتخاب شدند. آزمودنی ها بر اساس فعال بودن و نوع فعالیت، در سه گروه کوه پیما (n=15)، فعال غیر کوه پیما (n=14) و غیر فعال (n=14)، قرار گرفتند. پس از تکمیل پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ-28)، عوامل مختلف آمادگی قلبی- تنفسی، جسمانی و حرکتی شامل درصد چربی بدن، فشارخون، ضربان قلب، BMI و آزمون اصلاح شده بالک روی نوارگردان، مورد ارزیابی قرار گرفت. از روش آماری آنوای یک طرفه برای تجزیه و تحلیل داده های فیزیولوژیکی و از روش تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) برای تحلیل اطلاعات پرسشنامه سلامت عمومی استفاده شد. یافته های پژوهش نشان داد بین میانگین ظرفیت هوازی سه گروه تفاوت معنی داری ($P \geq 0.01$) وجود داشت و گروه کوه پیما ظرفیت هوازی بهتری داشت. همچنین، تفاوت معناداری در مولفه های نشانگان جسمانی، اضطراب، اختلال در کارکرد اجتماعی، افسردگی و نمره کلی سلامت عموم ($P \geq 0.05$) سه گروه وجود داشت. به عبارت دیگر، نمره کلی سلامت عمومی در گروه

۱. کارشناس ارشد، دانشگاه پیام نور، مدرس گروه تربیت بدنی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: rajaeian2@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، فیزیولوژی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکز، تهران، ایران

۳. کارشناس ارشد، مدیریت ورزشی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

۴. استادیار، گروه رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

کوهپیما بهتر از گروه های دیگر بود. با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می شود که سالمندان برای افزایش طول عمر و بهبود سلامت روانی، به طور منظم در فعالیت های بدنی شرکت کنند.

واژگان کلیدی: آمادگی جسمانی، سلامت روان، سالمند و کوه نورد

مقدمه

افزایش سن، امری طبیعی است که بر تمامی جنبه های زیستی و روانی انسان تاثیر می گذارد. (Denning, T, Alisoun, M. 2009:40-55) در ایران بررسی ها و شاخص های آماری حاکی از رشد سالمندی است؛ به طوری که پیش بینی می شود در سال ۱۴۱۰ در کشور ما انفجار سالمندی رخ دهد. بنابراین سالمندی و شرایط ویژه افراد سالمند و تامین بهداشت روانی و جسمانی آن ها از جمله مسایلی است که توجه ویژه ای را می طلبد. مطالعات نشان داده اند که ارتباط دو سویه ای بین سلامت جسمانی و سلامت روان وجود دارد. منظور از سلامت روان، سلامت ابعاد خاصی از انسان مثل ذهن و فکر است. پژوهش ها نشان داده اند که فعالیت بدنی مداوم، مزایای سلامتی بالقوه ای را از قبیل توسعه آمادگی جسمانی و آمادگی قلبی - تنفسی در پی دارد. همچنین باعث بهبود خلق و خو، ثبات هیجانی، تصویر بدنی و اجتماعی مثبت، تامین نیاز های دوستی، احساس رضایت از زندگی، کسب فرصت هایی برای تعاملات اجتماعی و اعتماد به نفس خواهد شد.

دیانگی و همکاران^۱ (۲۰۰۹) تاثیر یک برنامه تمرینی استقامتی را بر بهزیستی و آمادگی جسمانی و روانی سالمندان بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که شرکت در فعالیت های جسمانی به آمادگی قلبی - تنفسی منجر می شود و تاثیر قابل توجهی در بهبود بهزیستی افراد دارد. مک کونوریل (۲۰۰۸) ۹ عامل را در ایجاد سلامت روانی مهم دانسته که یکی از آن ها پرداختن به ورزش و فعالیت های بدنی است. اهمیت فعالیت جسمانی به عنوان ابزاری برای تداوم استقلال در افراد سالمند از طریق بسیاری از مطالعات در طول بیش از ۲۰ سال گذشته مطرح شده است. با فعالیت بدنی نمی توان فرایند پیری را متوقف کرد، اما می توان ظرفیت و توان کاری هر فرد را در هر سنی گسترش داد؛ به طوری که ارزیابی اثرات ورزش و فعالیت بدنی روی عوامل آمادگی جسمانی در افراد سالمند حاکی از اثرات مطلوبی مانند افت کمتر Vo2max در اثر افزایش سن، بهبود ظرفیت سوخت و ساز و کاهش چربی شکمی، بهبود قدرت و ظرفیت هوازی و کاهش آتروفی، ضعف و خستگی عضلانی، بهبود وضعیت چربی های خونی، بهبود انعطاف پذیری و کاهش خطر شکستگی و دیگر عوامل آمادگی جسمانی است. در میان فعالیت های بدنی مختلف، کوه پیمایی و گذراندن اوقات فراغت در کوه دارای جایگاه ویژه ای است، چرا که با توجه به افزایش آلودگی هوای شهرها و همچنین کاهش محیط های سالم برای انجام فعالیت های بدنی سالمندان، کوه پیمایی به عنوان فعالیتی مناسب در محیطی پاک محسوب می شود. به هنگام قرار گرفتن در ارتفاع، عملکردهای فیزیولوژیکی بدن دچار تغییر می شود. تکرار قرار گیری در این شرایط باعث ایجاد سازگاری های بلند مدت، بهبود عملکرد قلبی - ریوی، ساختار عضلانی و ظرفیت های سوخت و سازی چه در مدت زمان استراحت و چه در زمان فعالیت می شود. از طرفی، پژوهش های زیادی ارتباط معنی داری بین ورزش های هوازی و سلامت جسمانی و روانی را تایید کرده اند. با توجه به اینکه سالمندان از نظر عاطفی، اجتماعی و جسمانی نیازمند حمایت هستند، به نظر می رسد توانمند کردن آن ها در فعالیت های بدنی، موجب افزایش انگیزه، حس خود ارزشی و آمادگی افراد برای ورود به مراحل مختلف سالخوردگی و کاهش مشکلات روانی، خستگی های جسمی و روحی و بهبود حس اجتماعی و شرکت در فعالیت های گروهی می شود. بنابراین با توجه به نبود اطلاعات کافی در مورد اثرات روانی ورزش کوه پیمایی بر سالمندان و اهمیت این ورزش به عنوان یک فعالیت مفرح و کم هزینه و با توجه به اینکه این رشته ورزشی در مقایسه با دیگر رشته های ورزشی براحتی می تواند در بحث ورزش همگانی و شهروندی مطرح شده و مورد استفاده قرار گیرد، پژوهش حاضر با هدف مقایسه اثرات عوامل آمادگی جسمانی بر سلامت جسمانی و روانی کوه پیمایان سالمند و سالمندان ورزشکار و غیرورزشکار مناطق مختلف شهر تهران صورت گرفت.

1. Dionigi, R.

روش شناسی پژوهش

ایتدا برای شناسایی آزمودنی های سالمند مرد و زن، پرسشنامه ای حاوی اطلاعات عمومی مربوط به وضعیت سلامتی و ورزشی آنان در بوستان های مناطق مختلف شهر تهران به صورت تصادفی بین افراد توزیع و جمع آوری شد. سپس پرسشنامه هایی که فاقد شرایط لازم (ابتلا به بیماری هایی مانند فشار خون بالا) بودند حذف و از بین پرسشنامه های باقیمانده در نهایت ۴۳ سالمند مرد و زن که متقاضی شرکت در پژوهش بودند، انتخاب و بر اساس سطح و نوع فعالیت به سه دسته تقسیم شدند:

گروه اول: ۱۵ نفر از افرادی که سابقه کوه پیمایی به صورت منظم را داشتند.

گروه دوم: ۱۴ نفر که سابقه ورزش منظم بدون کوه پیمایی منظم را داشتند.

گروه سوم: ۱۴ نفر که سابقه ورزش منظم را نداشتند و به عنوان گروه غیر فعال در نظر گرفته شدند.

گفتنی است که دو گروه فعال و کوه پیمای در این تحقیق، از نظر میزان فعالیت در یک سطح قرار داشتند، اما نوع فعالیت ورزشی آن ها متفاوت بود.

پرسش نامه سلامتی عمومی: برای سنجش سلامت عمومی از مقیاس سنجش سلامت عمومی گلدبرگ (۱۹۷۹) استفاده شد. قربانی و همکاران (۱۳۸۸) ثبات درونی پرسش نامه را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آوردند. پاشا و همکاران (۱۳۸۶) ثبات درونی و پایایی آن را با استفاده از دو روش آلفای کرونباخ و تصنیف به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۸۹ گزارش کرده اند. این پرسش نامه از ۴ خرده مقیاس تشکیل شده که هر کدام از آن ها دارای ۷ سؤال می باشد. خرده مقیاس ها شامل نشانه های جسمانی، اضطراب، اختلال در عملکرد اجتماعی و افسردگی بود.

اندازه گیری ها شامل موارد زیر بود:

آزمون بالک اصلاح شده: پس از آشنایی مقدماتی آزمودنی با نوارگردان، کمربند مخصوص برای کنترل دقیق ضربان قلب هنگام کار بر روی سینه آزمودنی بسته می شد. حداکثر ضربان قلب آنان با استفاده از فرمول^۱ محاسبه شده و ۷۵ درصد آن به دست آمد. سرعت ابتدای نوارگردان بر اساس وضعیت آمادگی جسمانی آزمودنی تعیین می شد؛ به طوری که برای افراد تمرین نکرده بین ۳ تا ۳/۵ کیلومتر در ساعت و برای افراد تمرین کرده بین ۴ تا ۴/۸ کیلومتر در ساعت قرار داده شد. این سرعت در طول آزمون ثابت بود، ولی شیب نوارگردان بعد از ۲ دقیقه به ۴ درصد و در ۲ دقیقه دوم به ۶ درصد و پس از آن، هر یک دقیقه ۲ درصد به شیب اضافه می شد تا زمانی که فرد به ۷۵ درصد حداکثر ضربان قلب خود می رسید. سپس داده های مورد نظر در فرمول ۲ برای بدست آوردن Vo_2 آزمودنی، گذاشته می شد.

[سن $\times 7/0$]-208: فرمول 1]

$2Vo_2 [ml/kg/min] = 0.1[speed] + 1.8[grad] + 3.5 [ml/kg/min]$: فرمول 2

فشارخون: با استفاده از دستگاه فشار خون دیجیتالی دیجیتالی omron مدل MF فشار خون آزمودنی ها اندازه گیری شد.

روش اجرای تحقیق: آزمون ها در آزمایشگاه تخصصی ورزش انجام شد. از آزمودنی ها خواسته شد تا ۲۴ ساعت قبل از آزمون فعالیت شدید نداشته باشند. پس از ورود به آزمایشگاه و پوشیدن لباس های ورزشی، از آنان خواسته شد که به مدت ۱۵ دقیقه در حالت نشسته استراحت کنند. در این مدت، رضایت نامه ای که مراحل انجام کار در آن توضیح داده شده بود، برای امضا به آنان داده شد. سپس پرسشنامه سلامت عمومی توسط آزمودنی ها تکمیل می شد. در پایان ۱۵ دقیقه، فشار خون و ضربان قلب استراحتی آنان ثبت شد. بعد

از اندازه گیری مربوط به قد، وزن^۱ BMI، آزمودنی ها به مدت ۵ دقیقه روی دوچرخه کارسنج گرم کردند و با راهنمایی آزمونگر حرکات کششی را انجام دادند. سپس آزمون اصلاح شده بالک روی نوار گردان برای ارزیابی آمادگی قلبی- تنفسی انجام شد.

برای تعیین طبیعی بودن داده ها از آزمون کلموگروف- اسمیرونف و برای بیان مشخصات آزمودنی ها آمار توصیفی مورد استفاده قرار گرفت. پس از اطمینان از طبیعی بودن توزیع داده ها، برای مقایسه میانگین گروه ها در متغیرهای مختلف از روش تحلیل واریانس یک طرفه استفاده و در صورت معنی داری تفاوت بین گروه ها از آزمون تعقیبی بونفرونی برای تعیین محل تفاوت ها استفاده شد. همچنین داده های سلامت عمومی با استفاده از واریانس چند متغیره (Manova) (و آزمون تعقیبی بونفرونی تحلیل شد).

یافته های پژوهش

آزمون برابری واریانس لوین نشان داد، پیش فرض برابری واریانس برای قد [$P = ۰/۲۱$]، وزن [$P = ۰/۱۱$]، و سن [$P = ۰/۹۰$] رعایت شده است. همچنین نتایج تحلیل واریانس یک سویه نشان داد، بین میانگین قد [$P = ۰/۲۸$]، میانگین وزن [$P = ۰/۷۷$]، [$F=۴۲/۲۴$]، و میانگین سن [$P = ۰/۲۴$]، [$F=۱/۴۷$] در سه گروه کوهپایا، ورزشکار و غیر ورزشکار به لحاظ آماری تفاوت معناداری وجود ندارد.

آمادگی قلبی - تنفسی

بررسی میانگین اکسیژن مصرفی (VO_2) به عنوان شاخص ظرفیت هوازی گروه های مختلف، وجود تفاوت معنی داری را بین آن ها نشان داد. [$P \geq ۰/۰۱$ ، $F=۲۲/۳۱$ ، $F=۴۰/۲۴$]. (نمودار ۱)

جدول ۱: مشخصات آزمودنی ها

وزن [gk] SD ± M	قد [mc] SD ± M	سن [سال] SD ± M	تعداد	
۷۸/۹ ± ۲۸/۵	۱۶۵/۰۲ ± ۱۹/۸	۶۰/۹ ± ۱۰/۱	۱۵	کوه نورد
۷۸/۹ ± ۶/۸	۱۷۲/۵ ± ۵/۷	۵۵/۲ ± ۷/۹	۱۴	فعال
۷۳/۹ ± ۲۲/۳	۱۶۸/۳ ± ۱۲/۵	۵۶/۷ ± ۹/۵	۱۴	غیر فعال

پیگیری نتایج با استفاده از آزمون تعقیبی بونفرونی حاکی از وجود تفاوت معنی دار بین گروه کوهپایا با گروه های ورزشکار و غیر ورزشکار [(به ترتیب $P \geq ۰/۰۵$ ، $P \geq ۰/۰۰۱$)] و همچنین بین گروه ورزشکار با غیر ورزشکار [$P \geq ۰/۰۰۱$] بود. میانگین به دست آمده در گروه کوهپایا نسبت به دو گروه دیگر [به ترتیب ۳۷/۲ درصد و ۱۵/۴ درصد] بالاتر بود. VO_2 به دست آمده در گروه ورزشکار نیز ۲۵/۷ درصد بالاتر از گروه غیر ورزشکار بود. تفاوت معنی داری بین ضربان قلب [H.R.] استراحتی سه گروه مشاهده شد ($P \geq ۰/۰۵$)، با وجود این که میانگین ضربان قلب استراحتی گروه ورزشکار ۴/۰۱ ضربه از گروه کوهپایا و ۷/۳۸ ضربه از ورزشکار پایین تر بود، ولی وجود این اختلافات بین آنها از نظر آماری معنی دار نبوده و فقط بین گروه های ورزشکار و غیر ورزشکار تفاوت معنی دار ($P \geq ۰/۰۵$) مشاهده شد. بررسی اطلاعات

1. Body Mass Index

2. Heart Rate.

مربوط به فشار خون سیستولی [SBP]^۱، دیاستولی [DBP]^۲ و میانگین فشار خون سرخرگی [MAP]^۳ سه گروه در حالت استراحت تفاوت معنی داری را بین آنها نشان نداد. (به ترتیب $P=0/375$ ، $P=0/724$ ، $P=0/558$) سلامتی عمومی و روانی داده های سلامت عمومی و مولفه های آن در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار سلامت عمومی و مولفه های آن و نتایج تحلیل واریانس چند متغیره

گروه ها متغیرها	کوه نورد SD±M	فعال SD±M	غیرفعال SD±M	F سطح معناداری [P]
نشانگان جسمانی	۱ ± ۰/۸۴	۴/۶ ± ۳/۹	۱۳/۴۶ ± ۳/۵	۰/۰۰ ۶۰/۸۲
اضطراب	۲/۸ ± ۱/۸۴	۴ ± ۱/۹۲	۱۰/۹۲ ± ۲/۷	۴۳/۵۴ ۰/۰۰
اختلال در کارکرد اجتماعی افسردگی سلامت عمومی	۶/۴ ± ۲/۰۹ ۰/۸ ± ۱/۰۱ ۱۱/۰۶ ± ۳/۸۸	۵/۵ ± ۲/۲۴ ۱/۵ ± ۱/۹ ۱۵/۶۴ ± ۵/۳۱	۱۳/۴۶ ± ۳/۰۱ ۱۰/۶۱ ± ۲/۳۹ ۴۸/۴۶ ± ۶/۳۸	۴۲/۱ ۰/۰۰ ۱۱۸/۷۵ ۰/۰۰ ۲۰۵/۷۹ ۰/۰۰

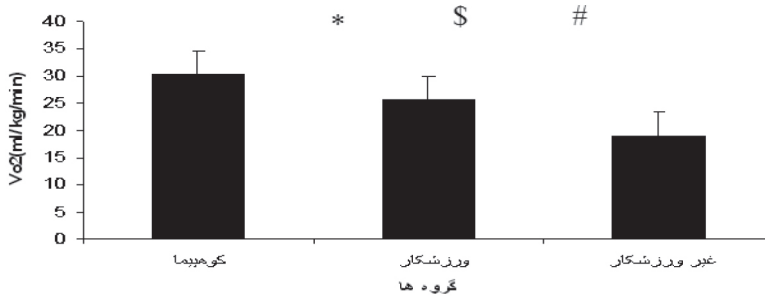
به منظور پی بردن به احتمال وجود تفاوت معنی دار در نمره کلی سلامت عمومی و مولفه های آن در بین سالمندان کوه پیما، ورزشکار و غیر ورزشکار از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد. از بین شاخص های چند متغیره از شاخص لامبدای ویلکز استفاده گردید. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد بین سالمندان کوه پیما، ورزشکار و غیر ورزشکار در متغیر وابسته ترکیبی سلامت عمومی تفاوت معنی دار وجود دارد. ($F[10,70]=28.05$, $P<0/0005$; Wilk's Lambda=0/0).

به عبارت دیگر، با توجه به میانگین نمره سلامت عمومی سالمندان کوه پیما (۱۱/۰۶) نسبت به میانگین سالمندان ورزشکار (۱۵/۶۴) و سالمندان غیر ورزشکار (۴۸/۴)، سالمندان کوه پیما و ورزشکار در مقایسه با سالمندان غیر ورزشکار از سلامت عمومی بالاتری برخوردار بودند. لازم به توضیح است که بالا بودن نمره سلامت عمومی در گروه غیر ورزشکار نسبت به دو گروه کوه پیما و ورزشکار با توجه به نحوه نمره گذاری مقیاس سلامت عمومی، بیانگر سلامت عمومی پایین در این گروه می باشد. همچنین، تحلیل نمرات هر مولفه به تنهایی، با استفاده از آلفای تعدیل شده بونفرونی انجام شد.

نمرات سه گروه از نظر مولفه های نشانگان جسمانی، اضطراب، اختلال در کارکرد اجتماعی و افسردگی و نمره کلی سلامت عمومی با هم تفاوت داشتند (جدول ۳). برای مشخص شدن تفاوت ها، از آزمون تعقیبی بنفرونی استفاده شد. نتایج آزمون تعقیبی نشان داد بین گروه کوه پیما و غیر ورزشکار در نمره کلی سلامت روانی $p > 0/05$ (و خرده مقیاس های آن [نشانگان جسمانی] $P > 0/05$ ، اضطراب $P > 0/05$ ، اختلال

1. Systolic blood pressure
2. Diastolic blood pressure
3. Mean arterial pressure

در کارکرد اجتماعی ($P > 0/05$) و افسردگی ($P > 0/05$) تفاوت معنی داری وجود دارد.



* تفاوت معنی دار بین کوهنورد و ورزشکار.

تفاوت معنی دار بین ورزشکار و غیرورزشکار

تفاوت بین غیرورزشکار و کوهنورد

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل آمادگی جسمانی و سلامت عمومی سالمندان انجام شد. بر اساس یافته های حاصل بین سالمندان کوه پیما، ورزشکار و غیر ورزشکار از لحاظ سلامت عمومی تفاوت معناداری وجود داشت. نتایج نشان داد سالمندانی که به طور منظم به کوه پیمایی می پردازند و یا فعالیت منظم ورزشی دارند، در مقایسه با سالمندانی که فعالیت منظم ورزشی ندارند، از سلامت روانی بهتری برخوردارند که با یافته های اکثر مطالعات پیشین مطابقت دارد. البته در پژوهش های قبلی فقط تاثیر فعالیت های بدنی بر روی سالمندان بررسی شده بود و عملاً پژوهشی بر روی تفاوت تاثیرات ورزش های خاص نظیر کوه پیمایی بر سطح سلامت سالمندان و یا مقایسه آن ها انجام نشده است. با توجه به نتایج این تحقیق، مشاهده شد که میانگین نمرات گروه کوه پیما نسبت به دو گروه دیگر در نمره کلی سلامت عمومی کمتر بوده که این نشان دهنده وضعیت سلامت بهتر این افراد حتی نسبت به سالمندانی است که فعالیت ورزشی منظم (غیر از کوه پیمایی) دارند. با توجه به یافته های این پژوهش، محیط ورزشی در بهبود سلامت روانی نقش موثری داشته است. همچنین، مشخص شد افراد گروه کوهپیما در عامل نشانگان جسمانی نمرات بهتری را در مقایسه با دو گروه دیگر کسب کردند. مطالعات طب ورزشی نشان می دهد دوییدن های منظم و راه پیمایی در کوهستان انتقال اکسیژن را از شش ها به تمام نقاط تحتانی بدن تسهیل می کند و به طور موثری بر روی عملکرد دماغی اثر می گذارد. همچنین از لحاظ فیزیولوژیکی تجربه نشان داده است که پزشکان برخی ناراحتی های قلبی را با راه پیمایی و کوه پیمایی آرام و سبک و دوییدن های آرام و طولانی مداوا کردند، زیرا چنین برنامه های ورزشی که به طور مداوم و منظم انجام می گیرد، کار سیستم قلبی و عروقی را بهبود می بخشد و باعث قوی شدن عضلات و عروق قلب از نظر فیزیولوژیکی شده و جریان خون را به وسیله انقباضات بسیار نیرومند افزایش می دهد. با انجام ورزش کوهپیمایی، تعداد ضربان قلب کاهش می یابد و به حد طبیعی مورد نیاز یک بدن سالم - بین ۶۴ تا ۶۸ ضربه در دقیقه خواهد رسید. ورزش کوهپیمایی در کاهش غلظت خون نیز موثر است.

همچنین از آنجا که حداکثر ضربان قلب افراد در هر سه گروه احتمالاً به دلیل کاهش حساسیت عضله قلبی به کاتکولامین‌ها در نتیجه افزایش سن، به یک میزان کاهش یافته بود، مهم‌ترین علت این عملکرد بهتر علاوه بر کاهش مقاومت عروق محیطی ممکن است مربوط به افزایش میزان برداشت اکسیژن در بافت‌ها به ویژه بافت عضلانی در نتیجه تأثیرات مثبت کوه پیمایی باشد. به طور کلی، فعالیت ورزشی استقامتی در افراد مسن موجب افزایش مویرگ‌های عضلانی و فعالیت آنزیم‌های اکسیداتیو و بهبود قابل توجه vo_{2max} می‌شود که ارتباط مستقیم با سلامت عمومی، جسمانی و احساس خوب بودن خواهد داشت.

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که افراد گروه کوهپیمای نمرات کمتری را در عواملی اضطراب و افسردگی - از عوامل سلامت روانی - کسب کردند. نظریه "سم زدایی" آلن^۱ (۱۹۸۳) توضیح قابل قبولی است که طبق آن، ورزش هورمون‌های مرتبط با استرس را سم زدایی می‌کند یا از آن‌ها می‌بخشد. این موضوع می‌تواند نتیجه افزایش سوخت و ساز ناشی از ورزش یا هورمون‌های احتمالی ناشناخته دخیل در این رویداد پیچیده باشد. حسینی و همکاران (۱۳۹۰) نشان دادند که ورزش در حد متوسط با کاهش افسردگی، اضطراب، اختلالات روان‌تنی، وسواس و روان‌پریشی همراه است؛ ولی در مورد این که چرا گروه کوه پیمای از لحاظ اضطراب و افسردگی وضعیت بهتری را داشتند، می‌توان گفت که کوه پیمایی ورزشی مفرح و به دور از هیجانات کاذب است که به نظر می‌رسد برای کوهپیمایان تمرکز و آرامش ذهنی فراوانی را به ارمغان می‌آورد. واینبرگ (۲۰۰۳) به ارتباط معنی‌دار بین تمرینات منظم ورزشی با کاهش افسردگی اشاره کرده است. مطالعات پیشین به این نتیجه رسیدند که فعالیت بدنی اثر بالقوه‌ای در بهبود حالت خلقی، کاهش اضطراب و افزایش اعتماد به نفس دارد. بی‌تردید، برای دست‌یابی به تندرستی و نشاط راهی دلپذیرتر از دویدن و کوه پیمایی آرام و طولانی در پارک‌ها و تپه‌ها و کوه‌های نزدیک منطقه مسکونی وجود ندارد - علاوه بر آن که هزینه‌ی زیادی نیز برای چنین ورزشی لازم نیست. از طرف دیگر، محیط‌های طبیعی و پر از درخت و آب، چه در کوه‌ها و چه در تپه‌ها بر روی تمام ارگان‌های بدن برای کار و فعالیت بیشتر و خستگی کمتر تأثیر دارد. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد افراد گروه کوهپیمای در مقایسه با دو گروه دیگر نمرات کمتری را در عوامل اختلال در کارکرد اجتماعی کسب کردند. طی پژوهشی که با هدف بررسی ارتباط بین کیفیت حمایت اجتماعی و سطح سلامت سالمندان اجرا شد، ثابت گردید افراد سالمندی که از حمایت اجتماعی برخوردارند، دارای سطح عملکردی و سلامت روانی بالاتری می‌باشند. همچنین شواهد تجربی حاکی از آن است که دوستان افراد مسن در قیاس با فرزندان یا دیگر خویشاوندان در فعالیت‌های اجتماعی بیشتر با آنها همراهی دارند. کوهپیمایی ورزشی گروهی است که شادابی، احساس آرامش، ایجاد انگیزه و روحیه بهتر، افزایش اعتماد به نفس و خود پنداره مثبت، دست‌یابی به اخلاق حسنه و شخصیت بهتر و سالم، کمک به رشد مهارت‌های اجتماعی و استحکام روابط خانوادگی، کمک به حافظه و انجام فعالیت‌های فکری و در نهایت افزایش امید به زندگی را در پی دارد.

پژوهش‌های پیشین بیان می‌کردند که روابط صمیمی با دوستان با سلامت روان و روحیه بالای سالمندان ارتباط دارد. کوهپیمایی نیز به دلیل ماهیت گروهی خود، برقراری تعامل و ارتباطات اجتماعی لازم را تسهیل می‌کند و سبب می‌شود این افراد به راحتی بتوانند روابط صمیمی را با دیگران برقرار کنند. به این علت کوهپیمایی می‌تواند سبب بهبود حمایت اجتماعی در سالمندان گردد. البته یکی از ضعف‌های این پژوهش را می‌توان عوامل اجتماعی - اقتصادی دانست که به عنوان یکی از عوامل دخیل در این امر یعنی انتخاب نوع ورزش موثر می‌باشد. فعالیت جسمانی برای تداوم استقلال در افراد سالمند از طریق بسیاری از مطالعات

در طول بیش از ۲۰ سال گذشته مطرح شده است. هر تجربه حرکتی یا تغییر جسمانی، یک تغییر یا تجربه روانی را به دنبال دارد، زیرا شرکت در فعالیت های ورزشی، افراد را از نظر فضایی و مکانی به هم نزدیک می کند، راه ها و فرصت های بسیاری را برای ماهر شدن در اجتماع فراهم می آورد و به طور کلی یک جریان آموزشی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی برای فرد ایجاد می کند. نتایج قابل توجهی که در پژوهش حاضر در رابطه با ظرفیت هوازی (Vo2) به دست آمد، بسیار پر اهمیت است و تاثیر کوه پیمایی را هم بر عوامل سلامت جسمانی و هم بر سلامت روانی نشان می دهد. به طور کلی با توجه به نتایج پژوهش حاضر به سالمندان توصیه می شود که برای افزایش طول عمر و سلامت جسمانی و روانی بهتر به طور منظم در فعالیت های بدنی و ورزش شرکت کنند.

- Asher, S.R., Paquette, J.A. (2003). **“Loneliness and peer relations in childhood”**. Current Directions in Psychological Science. 12: 75-78.
- Blumental, J.A. (1991). **“Long- term effect of exercise of physiological functioning in older men and women”**. Journal of sport medicine. 12: 37-41
- Bois, E. (2009) **“Psychological characteristics and their relation to performance”**. The sport psychologist. 23:252-270
- Boyette, L. (2006). **“Development of an exercise expert system for older adults”**. Journal of Rehabilitation Research and Development 3 (1): 79–91.
- Brach, G.S., Simiosick, C.M., Krichevsky, S. (2002). **The association between physical function and lifestyle activity and quality of life**. J Am Geriatr Scio. 50 [11]:401-16.
- Brassington, G. (2003) **“High school student Athletes: Associations Between Intensity of participation and Health factors”**. Clinical Pediatrics. 42[8]:697-701
- Chapman, I.M. (2008). **“Obesity in Old Age”**. Korbonits M [ed]: Obesity and Metabolism. Front Horm Res Basel Karger. 36: 97–106
- Clapp, L., Richardson, T., Smith, J., Wang, M., Clapp, A., Pieroni, F. (1999). **“Acute Effects of Thirty Minutes of Light-Intensity, Intermittent Exercise on Patients with Chronic Fatigue Syndrome”**. Physical Therapy. 79(8):749-756
- Cowper, W., Grant, S. (2003). **“The effect of 12-weeks group exercise program on physiological variable and function in over weight persons”**. Public Health. 191 [12]:617-23.
- Cutrona, C. E. (1982). **Transition to college: Loneliness and the process of social adjustment: A sourcebook of current theory, research and therapy**. 291-309
- Denning, T., Alisoun, M. (2009). **“Depression and mental health in care homes for older people”**. Quality in Ageing. Brighton.10: 40-55.2
- Dhen, M.M. , Bruce, Robert. (1972). **Longitudinal variation in maximal oxygen intake with age and activity**. JAP. 33 [6]: 805-807.
- Dionigi, R. (2009). **“Resistance Training and Older Adults’Beliefs About Psychological Benefits:The Importance of Self-Efficacy and Social Interaction”**. Journal of sport & exercise psychology. 29[6]:723-46
- Eskurza, I., Antolongo, J., Dante, K.L., Douglas, R.S., Hirofumi, T. (2002). **Changes in maximal aerobic capacity wit age in endurance- trained women: 7- year follow up**. JAP. 92: 2303-2308
- Horstman, D.H., Weiskopf, R. and Jakson, R.E. (1980). **Work capacity during 3-week sojourn at 4300m: effect of relative polycythemia**. JAP. 49: 311-318.
- Ibanez, J., Mikel I., Inaki A., Luuis, F., Jose L.L., Marsiol, G.U., Fernando, I. , Esterban, M.G. (2005). **“Twice-weekly progressive resistance training decreases abdominal fat and improves insulin sensitivity in older men with type 2diabetes”**. Diabetes Care. 28: 662-667.

- Kasch, F.w., John, L.B., Paul, K.S., Russel, H.W., Janet, P.W., Larry, S.V., Harry, G., and Diane, S. (1999) **"Aging of the cardiovascular system during 33 years of aerobic exercise"**. Age and aging. 28: 531- 536.
- King, M.B., Whiple, R.h. ,Groman, C.A. (2003) **"Performance Enhancement Project :Improving Physical performance in older persons"**. Arc.Phs.Med Rehabi. 83[12]:1060-1069.
- Loland, W. N. (2004). **"Exercise, Health and Aging"**. Journal of Aging and Physical Activity. 11: 170-184.
- Lord, S.R., Castal, S. (2004). **"Physical activity program for older persons: effect on balance, strength and quality of life"**. Arc Phy Med Rehabili. 75[93]:648-652.
- Mcconville, B. **"Revealed: nine ways to find your inner happiness"**.
- McInnis, G.J., White J.H. (2001). **"A phenomenological Exploration of Loneliness in the older Adult"**. Archives of psychiatric Nursing. 3: 128-13.
- Maculey, E. (2005). **"Physical activity quality of life in older adults: efficacy-esteem and effective influences"**. Journal of Psychological Science. 10: 213-220.
- Nourshahi, M., Rahmani, H., Arefi rad, T., Zahedi, H., Rajayan, A. (2009).
- **"The Relationship between Mountaineering with cardiovascular and physical health in the elderly"**. Iranian Journal of Ageing. (13):43-56
- Nourshahi, M., Abdoli, B., Rajayan, A. ,Rahmani, H., Zahedi, H. (2011). **"Effects of Mountaineering on Physical Fitness and Quality of Life in Aged People"**. World Journal of Sport Sciences. 5 [3]:149-157
- parker j, scott j. (2008). **"Physical activity measurement in older adult. Relationship whit mental health"**. Journal of gaining and physical activity.16: 369-380.
- Patterson, S.L., Rodgers, M.M., Macko, R.F., Forrester, L.W. (2008). **"Effect of treadmill exercise training on spatial and temporal gait parameters in subjects with chronic stroke: A preliminary report"**. J Rehabil Res Dev. 45[2]:221-8.
- Payne, G. (2008). **"Human motor development: a lifespan approach"**. Mc Grow Hill, 7th.
- Robgers, R.A., Quintana, R., Parker, D., Frankel, C. (1998). **"Multiple variable determine the decrement inVo₂max during acute hypobaric hypoxia"**. Med Sci sport exerc. 30 [6]: 869-879.
- Salvatore, S., Serati, M., Laterza, R.M., Uccella, S., Torella, M., Bolis, P. (2008) **"The impact of urinary stress incontinence in young and middle-age women practicing recreational sport activity: an epidemiological study"**. British journal of sport medicine. ahead of print
- Sechrist, K.R., Walker, S., Pender, N. (1987). **"Development and psychometric evaluation of the exercise benefit/barriers scale"**. Res Nurse Health. 10: 357-65.
- Tanaka, H., Seals D.R. (2003) **Dynamic exercise performance in Masters athletes: insight into the effects of primary human aging on physiological functional capacity.** J Appl Physiol. 95: 21-25.

- Thirlaway, K., Benton, D. (1997). **“Participation physical activity and cardiovascular fitness have different effects on mental health and mood”**. Journal psychosomatic Research. 17:46-51
- Wood, L., Peat, G., Thomas, E., Hay, E.M., Sim, J. (2008). **“Associations between physical examination and self-reported physical function in older community-dwelling adults with knee pain”**. Phys. 88 [1]:33-42.
- Wolfel, E.E., Groves, B.M., Brooks, G.A., Butterfield, G.E., Mazzeo, R.S., Moore, L.G., Sutton, J.R., Bender, P.R., Dahms, T.E., McCullough, R.E., McCullough, R.G., Huang, S., Sun, S., Grover, R.F., Holmgren, H.N., Reeves, J.T. (1991) **“Oxygen transport during steady-state sub-maximal exercise in chronic hypoxia”**. J Appl Physiol. 70: 1129–1136.
- Weinberg RS. (2003). **Foundations of sport and exercise psychology**. 3rd ed. Human Kinetics Company
- Wiswell, R.A., Hawkins, S., Jaque, V., Hyslop, D., Constantino, N., Tarpenning, k., Taylorm, M., Schroederm, E. (2001). **“Relationship between Physiological Loss, Performance Decrement, and Age in Master Athletes”**. The Journals of Gerontology Series A: Biological Sciences and Medical Sciences. 56: M 618-M626.

تبیین وضعیت نیازهای شهروندان ارومیه ای به ورزش همگانی با توجه به فضاهای ورزشی

فاطمه عبدوی^۱
اکرم مهدی زاده^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۴/۱۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۹/۳

هدف این تحقیق، تبیین وضعیت نیازهای شهروندان ارومیه ای به ورزش همگانی با توجه به فضاهای ورزشی بود. این پژوهش به صورت توصیفی - پیمایشی و میدانی انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق را کلیه شهروندان بالای ۲۰ سال شهر ارومیه که حداقل دارای مدرک دیپلم بودند، تشکیل می دادند ($N=96141$) و نمونه آماری بر اساس جدول مورگان ۳۶۸ نفر انتخاب گردید. به منظور جمع آوری داده ها، از پرسشنامه نیازسنجی شهروندان در زمینه ورزش های همگانی مجید حیدری چروده (۱۳۹۰) با پایایی $a=0.79$ استفاده شد. روش های آمار توصیفی و استنباطی (آزمون t مستقل و آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه و آزمون فریدمن) در این تحقیق مورد بهره گیری قرار گرفت و نتایج نشان داد که با توجه به مقدار F ، تفاوت معنی داری در سطح $(P>0.05)$ بین میانگین مولفه های تحقیق در میان شهروندان بر حسب درآمد ($F=23/40$)، منطقه ($F=82/6$) و تحصیلات ($F=23/04$) وجود دارد. همچنین، با توجه به مقدار t ، تفاوت معنی داری در سطح $(P>0.05)$ بین میانگین مولفه های تحقیق در میان کارکنان بر حسب وضعیت تاهل ($t=-1/76$) وجود ندارد، ولی در مورد ویژگی جمعیت شناختی جنسیت ($t=4/78$) تفاوت معنی دار می باشد. نتایج آزمون فریدمن حاکی از آن بود که ناهموازی سطوح پیاده رو ها و دویدن در اولویت اول و نبود فضای مخصوص خانواده ها و کمبود فضای کافی برای سالمندان به ترتیب در اولویت های دوم و سوم نیازهای شهروندان بود. بنابراین می توان نتیجه گرفت که مسئولان باید اهتمام کافی و وافی را در زمینه ترجیحات منتج از تحقیق حاضر در زمینه ورزش همگانی برای ارتقا و رشد کمی و کیفی سلامت شهروندان مبدول نمایند.

واژگان کلیدی: نیازها، شهروندان، ورزش همگانی و فضاهای ورزشی

۱. استادیار، مدیریت ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول) E-mail: fatemehabdavi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه تبریز و رئیس گروه توسعه ورزش همگانی استان آذربایجان غربی، تبریز، ایران

مقدمه

ارائه تعریف دقیق و صریحی از نیاز، آسان نیست و به همین دلیل از مفهوم نیاز ممکن است تعبیر و تفاسیر مختلف و متفاوتی ارائه شود. نیاز به معنی خواسته ها و نظرات افراد و نیازسنجی به مفهوم تعیین و مشخص کردن برداشت ها، نظرات و ترجیحات افراد می باشد. در حقیقت نیاز، عبارت است از فاصله بین وضع موجود و آنچه که باید باشد. نیاز ممکن است به صورت «نیاز احساس شده» باشد؛ یعنی نیازی که به وسیله فرد یا یک جامعه تشخیص داده می شود و یا «نیاز واقعی» باشد، یعنی نیازی که توسط مطالعه کارشناسانه مشخص می گردد (عباس زادگان، ترک زاده، ۱۳۷۹: ۵۶-۶۷). به هر حال، نیازهای احساس شده باید طوری هدایت شوند تا در مسیر نیازهای واقعی قرار گیرند. نیازسنجی، فرایندی نظام دار برای تعیین اهداف، شناسایی فاصله بین وضع موجود و هدف ها و درنهایت، تعیین اولویت ها برای عمل است (فتیحی واجارگاه، ۱۳۸۷). نظر به اینکه به این که نیازها در حال تغییر و دگرگونی است و پاسخگویی به همه نیازهای در حال تغییر و متنوع، با توجه به منابع محدود میسر نیست، شناسایی نیازها ضرورت می یابد. (باری^۱ و همکاران، ۲۰۰۰: ۲۹۴؛ کونل^۲، ۲۰۰۴) از آنجایی که برگزاری هر برنامه ای بخصوص برنامه های ورزشی که با سلامت جامعه در ارتباط است، نیازمند شناخت دقیق شرایط و نیازهای موجود آن جامعه است، بی توجهی به انتظارات استفاده کنندگان از خدمات موجب اتلاف هزینه، زمان و نیروی انسانی می شود (نامرتو^۳، ۲۰۰۹: ۱۵). نتایج تحقیقاتی که در زمینه ورزش های همگانی انجام شده است، حاکی از ضعف رویکرد مردم به ورزش های همگانی می باشد و بدیهی است که یکی از ریشه های اصلی این ضعف، عدم شناخت نیازهای شهروندان در زمینه ورزش های همگانی و عدم تناسب امکانات و خدمات موجود با نیازهای آنان است (مظفری و قره، ۱۳۸۴). بنابراین، نیازسنجی یکی از ابزارهای مهم در تصمیم گیری است (خسروی و همکاران، ۲۰۰۹). با توجه به اهمیت بحث نیازسنجی، یکی از بخش هایی که باید نیازسنجی شود، بحث ورزش و به خصوص ورزش همگانی در بعد سخت افزاری (فضاهای ورزشی) است. امروزه با رشد سریع و سرسام آور جمعیت شهرهای بزرگ، تقاضا برای استفاده از رایانه و سایر ابزارهای فناوری نوین افزایش یافته است. لذا اغلب افراد بیشتر وقت و انرژی خود را صرف کار با این وسایل جدید می کنند که این مسأله علت اصلی کم تحرکی شهروندان می باشد. برای پیشگیری از چنین عارضه ای، گسترش ورزش همگانی و به تبع آن افزایش فضاهای ورزشی در بین اقشار مختلف جامعه لازم است. (تیموری، ۱۳۸۵: ۸؛ شیهو^۴، ۲۰۰۴: ۲۲؛ آلبرینی^۵، ۲۰۰۶: ۳۷۵). در عصر حاضر، ورزش به عنوان یک ابزار چند بعدی با تأثیرات گسترده، جایگاه و نقش ارزشمند خود را در کاربردهای عدیده ای از جمله اقتصاد، سلامتی افراد، گذران اوقات فراغت سالم و با نشاط و لذت بخش، آموزش و پرورش مردم به ویژه نسل نوجوان و جوان، ایجاد روابط اجتماعی بین مردم، پیشگیری از ابتلا به بیماری ها، پیشگیری از مفاسد اجتماعی و انحرافات اخلاقی (رو به گسترش در جامعه) متجلی ساخته است.

در کشورهای در حال توسعه، شلوغی، فقر، جنایت، ترافیک، آلودگی هوا، فقدان و کمبود پارک و فضاهای ورزشی، فعالیت بدنی را به انتخابی دشوار تبدیل می کند. همچنین در این کشورها، گسترش مراکز ورزش با موانع زیادی روبروست که شاید مهمترین آنها، شرایط دشوار زندگی و پایین بودن سطح زندگی بیشتر مردم باشد. (انورالخولی، ۱۳۸۱: ۲۰) افزون بر این، نیاز به زنده ماندن، فرصت کاملاً محدودی برای پرداختن

1. Barry
2. Connell
3. Numerato
4. Shehu
5. Albirini

به ورزش را باقی می‌گذارد. در این میان، آنچه کمتر مورد توجه مسئولان و مدیران شهری قرار گرفته است، برنامه ریزی برای گذران اوقات فراغت از طریق توسعه فضاهای ورزشی جهت دستیابی به سلامت و سرزندگی افراد می‌باشد. در حقیقت، ورزش همگانی زمینه تجدید قوا را برای استمرار فعالیت انسان فراهم می‌سازد. بر اساس این تفکر، امروزه گسترش مراکز ورزشی برای گذران اوقات فراغت شهروندان مانند گذشته نه به عنوان یک تفریح، بلکه در کنار مشکلات زندگی در عصر اطلاعات به مثابه یک نیاز مهم برای سالم و بانشاط زیستن افراد لازم و ضروری می‌باشد (رهنما و آقای، ۱۳۸۸: ۲۷). تحقیقات انجام شده درمورد تاثیر فعالیت های ورزشی بر سلامتی جسمی و روانی، طول عمر، شادابی، گسترش روابط اجتماعی و غنی سازی اوقات فراغت باعث شده تا مشارکت مردم در ورزش ها به ویژه شرکت آنها در انواع ورزش های همگانی در جهان افزایش یابد و به همین دلیل است که امروزه بیشتر کشورهای پیشرفته جهان در برنامه ریزی و ساماندهی ورزش همگانی کشور خود با کشور های دیگر رقابت می کنند و به طور مرتب در حال ارائه برنامه های خلاق برای رشد این ورزش هستند. (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵) بدیهی است هر کشوری از این موج فزاینده عقب بیفتد، به هیچ وجه نمی تواند خلا ایجاد شده را پر نماید و در نهایت، تفاوت ها در بهره وری از تاثیر ورزش و فعالیت های حرکتی روشن و واضح خواهند بود. (غفرانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۹؛ مک کری^۱، ۲۰۰۹: ۴۶۳؛ نومراتو، ۲۰۰۹: ۱۵). در عصر جدید نقش ورزش و به دنبال آن، اماکن و فضاهای ورزشی به عنوان ابزاری حساس برای جذب توریسم و همچنین گذران اوقات فراغت و ورزش همگانی شهروندان برجسته شده است (جونز، ۲۰۰۲: ۱۶۰). در این میان، فضاهای ورزشی، یکی از اساسی ترین بخش های سخت افزاری ورزش و جزئی از تاسیسات سازمان های ورزشی به شمار می آیند (کارگر و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۲۸) که بخش وسیعی از آثار مرتبط با ورزش در جامعه و محیط، متأثر از آنهاست. مساحت سرانه تاسیسات ورزشی در کشورهای مختلف از بلوک شرق تا کشورهای اروپایی و آمریکایی متفاوت است. کشور فرانسه مساحت ۳۵ متر مربع را به ازای هر واحد مسکونی، انگلستان ۱۰ متر مربع را به ازای هر نفر و آمریکا ۱۵ متر مربع را به ازای هر نفر پیشنهاد می کند. به طور میانگین عرف بین المللی حدود ۲۵ متر مربع فضای ورزشی و سبز به ازای هر نفر است که از این رقم حدود ۱۸ متر مربع اختصاص به فضاهای سبز و بقیه به فضاهای ورزشی تعلق دارد. استاندارد مطلوب سرانه ورزشی در ایران حداقل ۲ و حداکثر ۴ متر مربع تعیین شده است، ولی براساس آمار منتشر شده در سال ۲۰۰۴، این سرانه در کشور به ازای هر نفر ۰/۴۸ متر مربع است که با میزان مطلوب بسیار فاصله دارد. بر اساس بررسی های به عمل آمده در سال ۱۳۸۰ فضای ورزشی در کشورمان به ازای هر دانش آموز و دانشجو ۰/۸ متر مربع بوده است. طبق این آمار ۴۶/۶۶ درصد فضاهای ورزشی کشور متعلق به وزارت ورزش و جوانان، ۲۹/۳۹ درصد متعلق به بخش خصوصی و بقیه متعلق به دستگاه های دولتی دیگر، نیروهای مسلح و مراکز آموزش عالی می باشد که از این مقدار ۴۷/۸ درصد روباز و ۵۲/۲ درصد آن سرپوشیده است (کاشف و مهریزی، ۱۳۸۹). یکی از راه های سوق دادن مردم به ورزش، افزایش سرانه فضاهای ورزشی در شهرهاست. در کشور ما از نیم قرن گذشته تاکنون، ورزش که در حیطه فعالیت بخش خصوصی و مردمی بود، بر عهده دولت در سطوح مختلف قرار گرفت. افزون بر گسترش دامنه اقتدار دولت در تربیت بدنی و پذیرفتن مسئولیت ها، عوامل زیر نیز سیمای تربیت بدنی کشور را در نیم قرن گذشته، تغییر داده است:

۱. تعداد ورزش های مختلف رو به فزونی گذاشته که همه آنها نیاز به فضاها و خدمات ویژه دارند؛
۲. تمام اقشار جامعه از پیر و جوان به ورزش روی آورده اند و امروزه دیگر سن خاصی برای ورزش

کردن وجود ندارد. از این رو، مردم در همه گروه های سنی، خود را نیازمند به ورزش و استفاده از امکانات ورزشی می دانند؛

۳. در طول پنجاه سال گذشته، جمعیت کشور حدود چهار برابر شده است که بطور طبیعی نیاز به امکانات و خدمات ورزشی را افزایش می دهد.

دولت به عنوان مهمترین متصدی ورزش در کشور، نه تنها متحمل بار عظیم مالی است، بلکه مسئولیت مدیریت و راهبری این برنامه ها را نیز بر عهده دارد. (سلطان حسینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۷) برای دستیابی به محیط مناسب شهری، عمل در سه حوزه برنامه ریزی، طراحی و تجهیز ضروری است. بنابراین، مسئولیت دولت به عنوان مهمترین متصدی ورزش در کشور، علاوه بر عهده دار بودن مسائل مربوط به پشتیبانی مالی، مدیریت و راهبری صحیح و علمی این گونه برنامه ها نیز است. (معاونت امور فنی، دفتر تحقیقات و معیارهای فنی، ۱۳۷۴). ملکی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود نشان دادند که عامل "انگیزه نشاط و لذت" مؤثرترین و عامل "دسترسی به اماکن" کم اثرترین عامل گرایش به ورزش همگانی می باشد. عامل "وضعیت آب و هوایی" مؤثرترین و عامل "مشکلات فرهنگ خانوادگی" کم اثرترین عامل عدم گرایش شهروندان اهوازی به ورزش همگانی می باشد. سید عامری و قربان بردی (۱۳۹۱) در تحقیقی نشان دادند که راهبردهای تعیین شده در رسانه های گروهی، اماکن و تأسیسات ورزشی، مسؤلان و برنامه ریزان ورزشی و آموزش ورزش همگانی در جذب و افزایش مشارکت شهروندان در برنامه های ورزش همگانی و تفریحی نقش دارند. لذا اختصاص زمان بیشتری به برنامه های ورزشی در شبکه استانی، طرح ریزی پارک و فضای تفریحی جهت انجام فعالیت های غیرساختمند مانند پیاده روی و دوچرخه سواری، عدم دریافت شهریه از کسانی که برنامه های ورزشی را مورد توجه قرار می دهند و نیز استفاده از مربیان متخصص از راهکارهایی است که می تواند مشارکت عمومی شهروندان را در برنامه های ورزش همگانی و تفریحی بهبود بخشد. معین الدینی و صنعت خواه (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان "عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش شهروندان به ورزش همگانی" نشان دادند که متغیرهای تصور شخص از بدن، مصرف رسانه ای و سرمایه فرهنگی ورزش محور، تاثیر مستقیم و به ترتیب در حدود ۰/۱۳، ۰/۲۰، ۰/۱۶ را برای شهروندان به ورزش همگانی داشته اند و متغیرهای سرمایه اقتصادی ورزش محور و سرمایه اجتماعی ورزش محور تاثیر غیر مستقیم بر گرایش شهروندان به ورزش همگانی داشته اند. سواری (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان "توصیف وضعیت ورزش همگانی استان خوزستان و تدوین راهبردهای توسعه آن" نشان داد که در استان خوزستان با ۴۳۰۰۰۰۰ نفر جمعیت تنها ۱۲۵۰۰۰ هزار نفر ورزشکار در ورزش همگانی شرکت می کنند و به ازای هر ۴۶ ورزشکار، یک مربی در زمینه ورزش همگانی فعالیت دارد. همچنین، بیان داشت که مهم ترین راهبردهای لازم برای توسعه و پیشرفت ورزش همگانی خوزستان عبارت اند از: تدوین برنامه راهبردی برای توسعه ورزش همگانی، توسعه و ترویج فرهنگ ورزش از طریق رسانه ها و تغییر ساختار ورزش همگانی. نوروزی سید حسینی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق خود که پیرامون تحلیل مکانی فضاهای ورزشی با استفاده از (GIS) و ارائه مدل مطلوب منطقه یک تهران بود، بیان داشتند که فضاهای ورزشی با استانداردهای تعریف شده تطابق ندارد و سرانه ورزشی منطقه نیز کمتر از سرانه استاندارد است. رضوی و عظیمی دلارستانی (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان "بررسی معیارهای محوطه سازی بیرونی در طراحی و ساخت اماکن ورزشی شهری" نشان دادند که از دیدگاه استادان شهرسازی سراسر کشور، تمامی شاخص های ابعاد کالبدی، اجتماعی، فعالیتی و معنایی در محوطه سازی بیرونی اماکن و فضاهای ورزشی مهم و تاثیر گذار است. مرادی و همکاران (۱۳۸۹) طی تحقیقی با عنوان "نیاز سنجی توسعه فضاهای فرهنگی شهر نجف آباد" به این نتیجه دست یافتند که تعداد فضاهای فرهنگی موجود کمتر از سطح متوسط پاسخگوی نیازهای شهروندان است و از نظر آمایش، بیش از نیمی از این فضاها در بخش مرکزی قرار

دارند که دسترسی به این فضاها برای بسیاری از شهروندان مشکل و دشوار است. مهمترین مکان برای کودکان، شهر بازی است. بطور کلی، از نظر شهروندان نیاز آموزشی- فرهنگی و تفریحی و فضاهای همچون پارک و زمین ورزش از اهمیت بسیاری برخوردار است. محمدی و عطارزاده حسینی (۱۳۹۱) در تحقیقی به این نتیجه دست یافتند که کسب نشاط و شادی و تقویت جسم و روان، از مهم ترین انگیزه های شرکت در فعالیت های حرکتی و ورزشی است. همچنین نگرش به فعالیت های حرکتی و ورزشی بر حسب متغیرهایی مانند جنسیت، وضعیت تأهل، تعداد اعضای خانواده، مدرک تحصیلی، نوع شغل، درآمد ماهانه، هزینه ماهانه ورزش، گرایش و عدم گرایش به فعالیت های حرکتی و ورزشی، تعداد جلسات تمرین در هفته، مدت زمان تمرین، رفاه و ایمنی محل تفاوت معناداری دارد، ولی این تفاوت با ویژگی های دیگری همچون: سن، هزینه خانوار، مداومت در ورزش و سابقه ورزشی معنی دار نیست. گرایش به فعالیت های حرکتی و ورزشی با ویژگی هایی همچون: جنسیت، سن، وضعیت تأهل، هزینه ماهانه کل خانوار و میزان هزینه ماهانه ورزش رابطه معنی دار دارد، ولی با ویژگی های دیگری مانند تعداد اعضای خانواده، سطح تحصیلات، نوع شغل و میزان درآمد ماهانه رابطه معنی داری ندارد. محمدی و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان "تبیین مهمترین عوامل برانگیزاننده فعالیت های ورزش در مسیرهای تندرستی (با تاکید بر دستگاه های بدنسازی پارک ها)" نشان می دهند که تمام مؤلفه های تأثیرگذار شامل کیفیت تسهیلات، عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی، عوامل زیرساختاری و در نهایت، عوامل محیطی بر توسعه ورزش در مسیرهای تندرستی نقش دارند. عطارزاده حسینی و سهرابی (۱۳۸۶) در یک مطالعه به این نتیجه دست یافتند که کسب نشاط و شادابی، از مهم ترین علل و انگیزه های شرکت کردن و عقب ماندن از کارهای روزانه از مهم ترین علل شرکت نکردن در فعالیت های حرکتی و ورزشی بود. بیشترین افراد به ترتیب اولویت به فعالیت های آمادگی جسمانی، پیاده روی و فوتبال می پرداختند. بین نگرش به فعالیت های حرکتی و ورزشی در افراد با ویژگی های مختلف از لحاظ سن، تأهل و مجرد، تعداد اعضای خانواده، نوع شغل، گرایش و عدم گرایش به فعالیت های حرکتی و ورزشی تفاوت معناداری وجود داشت؛ در صورتی که بین نگرش به فعالیت های حرکتی و ورزشی در افراد با ویژگی های مختلف جنسیت، سطح تحصیلات، درآمد ماهانه، هزینه خانوار، هزینه ماهانه ورزشی، تعداد جلسات تمرین در هفته، مدت زمان تمرین در هر بین گرایش به جلسه، رفاه و ایمنی مکان ورزشی و سابقه ورزشی تفاوت معناداری وجود نداشت. بین گرایش به فعالیت های حرکتی و ورزشی در افراد با ویژگی های مختلف جنسیت، سن، وضعیت تأهل، تعداد اعضای خانواده و گرایش به انجام و میزان هزینه ماهانه ورزش رابطه معناداری وجود داشت. اتقیا (۱۳۸۷) در تحقیقی بیان کرد که انتظارات اظهار شده از سوی بانوان مورد بررسی عبارت اند از: احساس سلامت و نشاط، حضور مربیان با تجربه و کارآموده، دستیابی به اطلاعات سودمند و کاربردی در زمینه ورزش و اثرات آن و بالاخره دستیابی به تناسب اندام. در مورد استفاده از موزیک در حین اجرای فعالیت های ورزشی، ۸۸ درصد از کل پاسخگویان ابراز علاقه نمودند. همچنین در پاسخ به پرسش مربوط به لزوم وجود مشاوره تغذیه همزمان با شرکت در فعالیت های ورزشی، ۹۷ درصد خواستار وجود چنین مشاوره ای در سطح دانشگاه شدند. در مورد زمان مناسب برای انجام فعالیت های ورزشی، بیشترین تقاضاها نسبت به ورزش های صبحگاهی اظهار شده است. در مورد مکان های مناسب برای انجام فعالیت های ورزشی، بیشترین فراوانی های اظهار شده به سالن سرپوشیده دانشگاه، سپس استخر سرپوشیده دانشگاه و پس از آن به سالن ورزشی ایران که در محوطه باغ نوی دانشگاه واقع است، اختصاص دارد. در بخش بعدی که از میزان و نوع فعالیت های ورزش خارج از دانشگاه بانوان مورد بررسی سوال شده بود، تنها ۲۶/۲ درصد از پاسخگویان اظهار داشتند که خارج از دانشگاه به فعالیت ورزشی (بیشتر شنا، بدنسازی و راهپیمایی) می پردازند، در حالی که ۷۳/۸ درصد اظهار داشتند که هیچگونه فعالیت ورزشی در خارج از دانشگاه ندارند. به عنوان آخرین متغیر، از بانوان مورد

بررسی خواسته شده بود که نیازهای ورزشی خود را اعلام کنند تا برنامه ریزی ها بر مبنای درخواست آنها انجام گیرد. اولویت های اعلام شده بدین قرار بود: بدنسازی عمومی، ورزش های ویژه دردهای ناشی از آرتروز و پوکی استخوان، ورزش در آب (آب درمانی) ورزش های ویژه از بین بردن دردهای عضلانی، آموزش رشته های مختلف ورزشی و بالاخره پیاده روی. نتایج تحقیق دیگر اتقیا (۱۳۸۶) که در سطح بانوان کشور انجام شد، حاکی از نارضایتی بانوان مورد بررسی از وضعیت موجود ورزش همگانی است؛ به گونه ای که نیاز های اصلی آنها معطوف به کمبود امکانات ورزشی ویژه بانوان، گران بودن فضاهای ورزشی برای استفاده، کمبود مربیان زن آگاه و باتجربه، کمبود تبلیغات برای گسترش ورزش همگانی و عدم فرهنگ سازی در میان بانوان کشور نسبت به اهمیت فعالیت های ورزشی است. در تحقیقی که توسط سیفلت^۱ (۲۰۰۲) در آمریکا انجام شد عواملی مانند مشکلات مالی، امکانات و تسهیلات، نیروی انسانی متخصص و محدودیت های مربوط به عضو شدن در تیم ها از جمله موانع مشارکت در ورزش بوده است. بل^۲ و همکاران (۲۰۰۶) در مقاله ای با عنوان "فضاهای عمومی و سبز: نقشه ها و اولویت ها"، فضاهایی همچون پارک ها و باغ ها، فضاهای طبیعی و نیمه طبیعی، محوطه سازی های بیرونی اماکن و فضاهای ورزشی و فضاهای باز برای بازی کودکان و نوجوانان را به عنوان نوعی فضای عمومی و سبز برای انجام فعالیت های مختلف تفریحی و ورزشی معرفی کرده اند. امکانات مربوط به اینگونه فضاها به ویژه محوطه های بیرونی اماکن و فضاهای ورزشی می تواند شامل زمین مشترک برای تفریح و ورزش، فضاهای سبز و پارک ها، زمین های ورزشی در محوطه باز و عمومی، مناطق بازی مخصوص کودکان و بسیاری امکانات تفریحی و ورزشی دیگر باشد. این مناطق و فضاها نقش بسیار مهمی در ساخت یک شهر سالم و جذاب همراه با محیطی مطلوب برای زندگی ایفا می کنند. کاروالیو ویرا^۳ و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی در ريو دو ژانیرو برزیل با عنوان "تجزیه و تحلیل فضاهای عمومی مناسب جهت تشویق افراد" به این نتیجه دست یافتند که وجود فضاهای عمومی مناسب و در دسترس، سبب تشویق افراد به انجام فعالیت های بدنی خواهد شد به ویژه آنکه این فضاها فرصت مناسبی برای اقشار کم درآمد جامعه که توانایی پرداخت هزینه های ورزش و تفریح را ندارند فراهم می کند و ضرورت وجود چنین فضاهایی به خصوص در مناطق آسیب پذیر اجتماعی بیشتر احساس می شود. وانگ^۴ (۲۰۱۳) به مطالعه "مقیاس سرمایه گذاری و تجزیه و تحلیل سود ورزش همگانی بر اساس تجزیه و تحلیل کمی در چین" پرداخت. او در این تحقیق اشاره می کند که همراه با توسعه اقتصادی و بهبود استاندارد های زندگی مادی و فرهنگی توده های مردم، تقاضاهای ورزشی در حال افزایش است. به منظور پاسخگویی به افزایش تقاضای ورزشی جامعه باید سرمایه گذاری در ورزش های همگانی افزایش یابد. در مرحله توسعه، کمبود منابع مالی نیز یک واقعیت غیر قابل انکار است. در شرایط موجود، عملی ترین و موثر ترین راه برای استفاده کامل از منابع محدود ورزش همگانی است. سرمایه گذاری در ورزش های همگانی در چین باعث ترویج و توسعه ورزش های همگانی در چین می شود.

مطالعات نشان می دهد که حتی در بسیاری از کشورها از جمله ایران توجه به ورزش های همگانی و اولویت دادن به آنها به صورت قانون و مصوبه درآمده است، اما اینکه چرا در کشور ما در مقایسه با دیگر کشورها هنوز درصد مهمی از مردم در این نوع ورزش ها شرکت نمی کنند، مشخص نیست و تاکنون هم وضعیت سنجی ملی از ورزش های همگانی انجام نشده است تا مشخص گردد که علت عدم گرایش مردم چه

1. Seefeldt

2. Bell

3. Carvalho

4. Wang

بوده است. در حالی که از یک سو، به لحاظ ساختاری و سلسله مراتب سازمانی، ورزش همگانی در کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از سطح یک اداره ساده به اداره کل و سپس به فدراسیون ورزش های همگانی و بتازگی هم در نظام جامع تربیت بدنی کشور به سازمان ورزش همگانی ارتقا پیدا کرده است و از سوی دیگر، شهر سالم و با نشاط، دو ویژگی اصلی در تعریف شهر نوین محسوب می شود، انجام پژوهش حاضر از این حیث که می تواند اطلاعاتی بنیادی را برای خدمت رسانی بهتر و مناسب تر در زمینه ورزش های همگانی و در نتیجه ارتقای سلامت جسمی و روحی شهروندان فراهم سازد، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. خلاء اطلاعات در باره نیازهای شهروندان در زمینه ورزش های همگانی می تواند موجب تضعیف اثربخشی خدمات شهرداری ها و اداره کل ورزش و جوانان در زمینه تحقق شهر سالم و با نشاط شود و در دراز مدت جامعه را با هزینه های هنگفتی رو به رو سازد. لذا انجام پژوهش حاضر از این زاویه ضرورت دارد.

پژوهش حاضر بر آن است که به سنجش نیازهای شهروندان ارومیه ای در زمینه ورزش های همگانی با توجه به فضاهای ورزشی پردازد. به عبارتی دقیق تر، در این پژوهش انواع فقدان یا کمبودهایی که شهروندان در زمینه ورزش های همگانی در بعد فضای ورزشی به عنوان نیاز احساس می کنند، شناسایی می شود.

سوالات پژوهش

۱. سلسله مراتب نیازهای شهروندان ارومیه ای در زمینه ورزش همگانی با توجه به فضاهای ورزشی به تفکیک جنسیت کدام اند؟
۲. سلسله مراتب نیازهای شهروندان ارومیه ای در زمینه ورزش همگانی با توجه به فضاهای ورزشی به تفکیک تاهل کدام اند؟
۳. سلسله مراتب نیازهای شهروندان ارومیه ای در زمینه ورزش همگانی با توجه به فضاهای ورزشی به تفکیک منطقه کدام اند؟
۴. سلسله مراتب نیازهای شهروندان ارومیه ای در زمینه ورزش همگانی با توجه به فضاهای ورزشی به تفکیک سطح تحصیلات کدام اند؟
۵. سلسله مراتب نیازهای شهروندان ارومیه ای در زمینه ورزش همگانی با توجه به فضاهای ورزشی به تفکیک وضعیت درآمد خانوار کدام اند؟
۶. چه رابطه ای بین نیازهای شهروندان ارومیه در خصوص ورزش همگانی با توجه به فضاهای ورزشی بر حسب جنسیت، تاهل، منطقه، سطح تحصیلات و وضعیت درآمد خانوار وجود دارد؟

تعریف مفاهیم ورزش همگانی

هر فعالیت ورزشی که پرداختن به آن بدون در نظر گرفتن سن، جنس، توانایی و وابستگی اجتماعی امکان پذیر باشد. پرداختن به آن اغلب نیازمند آموزش های ویژه یا طولانی مدت نیست و معمولاً با کمترین امکانات و در فضای های عمومی قابل انجام است. (سید عامری و قربان بردی، ۱۳۹۱)

نیاز

به کمبود یا فقدان اطلاعاتی می شود که توسط پاسخگو در ارتباط با ورزش همگانی ابراز می شود.

نیاز واقعی

به کمبود یا فقدان اطلاعاتی می شود که ارضای آن طبق نظر متخصصان تربیت بدنی متناسب با سن، جنسیت یا به طور کلی سلامتی پاسخگو باشد. (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۰)

روش شناسی پژوهش

روش انجام این پژوهش، توصیفی-پیمایشی و به لحاظ هدف، کاربردی بود که به صورت میدانی با استفاده از پرسشنامه صورت گرفت. جامعه آماری این تحقیق، کلیه شهروندان بالای ۲۰ سال شهر ارومیه با حداقل مدرک دیپلم که بر اساس سرشماری نفوس و مسکن شهرستان ارومیه برابر ۹۶۱۴۱ نفر می باشد، بود. در این تحقیق برای انتخاب نمونه ها از روش نمونه گیری مرحله ای استفاده شده است؛ به این صورت که ابتدا با شهرداری ۴ منطقه شهر ارومیه هماهنگی صورت گرفت و حوزه فعالیت آن ها مشخص گردید. سپس نواحی هر ۴ منطقه تعیین و از سه منطقه ۲، ۳، ۴ تعداد ۸ ناحیه انتخاب و از منطقه ۱ به دلیل وسعت جغرافیایی بیشتر، ۱۲ ناحیه به صورت تصادفی انتخاب شد. بعد از این مرحله، محله های نواحی انتخاب شده مشخص گردید و به شیوه تصادفی از مناطق ۴، ۳، ۲، تعداد ۴ محله و از منطقه ۱ تعداد ۶ محله انتخاب شد و پرسشنامه در اختیار شهروندان قرار گرفت. برای تعیین حجم نمونه از جدول مورگان استفاده شد. بر اساس این جدول، به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جامعه آماری تعداد ۳۸۴ نفر نمونه خواهد بود. لذا در پژوهش حاضر به ۴۰۰ نفر از شهروندان پرسشنامه داده شد که از کل این تعداد ۳۸۴ پرسشنامه به صورت کامل برگشت داده شد. ابزار اندازه گیری، پرسشنامه نیازسنجی شهروندان در زمینه ورزش های همگانی مجید حیدری چروده (۱۳۹۰) بود. برای سنجش میزان پایایی از ضریب آلفای کرونباخ در یک مطالعه مقدماتی روی یک نمونه ۴۰ نفری، پرسشنامه نیازسنجی شهروندان در زمینه ورزش های همگانی $\alpha/72 = 0.95$ به دست آمد. به منظور تعیین کفایت نمونه گیری ضریب KMO برابر 0.728 محاسبه شد که نشان می دهد حجم نمونه مناسب می باشد. برای گزارش یافته ها از روش های آمار توصیفی، از آزمون t مستقل، آزمون فریدمن و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. تمامی محاسبات آماری این تحقیق با استفاده از نرم افزار آماری SPSS۱۸ انجام شده است.

یافته های پژوهش

بر اساس مصاحبه های انجام یافته از شهروندان ارومیه ای جهت شناسایی نیازهای آنها در زمینه ورزش همگانی با توجه به فضای های ورزشی نیازهای زیر به دست آمد و مورد تحلیل قرار گرفت.

جدول ۱: ترجیحات شهروندان در زمینه مکان ورزشی به صورت روزانه

مکان	فراوانی	درصد
معاپر	۶۹	۱۷/۹
پارک ها	۷	۱۸/۹
بوستان	۰	۰
استخر	۴۹	۱۲/۷
سالن	۱۲۲	۳۱/۶
باشگاه	۳۰	۷/۸
چمن	۰	۰
منزل	۴۱	۱۰/۶
جمع	۳۸۴	۱۰۰

نتایج جدول ۱ نشان داد که بیشترین شهروندان ارومیه ای ترجیح می دهند (۳۱/۶) در سالن های ورزشی ورزش کنند و تنها (۷/۸) درصد ترجیح می دهند در باشگاه ها به ورزش بپردازند.

جدول ۲: اولویت نیازهای شهروندان در زمینه فضاهای ورزشی به تفکیک جنسیت

نیازها	جنس	میانگین	فراوانی	نیازها	جنس	میانگین	فراوانی
تنوع و زیبایی فضای ورزشی	زن	۴/۴۳	۱۳۶	محیط ورزشی مخصوص بانوان	زن	۲/۹۰	۱۳۶
	مرد	۳/۷۷	۲۴۷		مرد	۲/۸۴	۲۴۷
مناسب بودن زمین فوتبال و والیبال	زن	۳/۵۶	۱۳۶	ازدحام کم جمعیت در پارک ها	زن	۳/۳۶	۱۳۶
	مرد	۳/۹۱	۲۴۷		مرد	۳/۹۳	۲۴۷
سطوح هموار دویدن و پیاده روی و پیست مخصوص	زن	۳/۸۸	۱۳۶	فضای ویژه دوچرخه سواری	زن	۳/۹۱	۱۳۶
	مرد	۳/۸۶	۲۴۷		مرد	۳/۴۵	۲۴۷
عدم تداخل محوطه های ورزشی مختلف	زن	۳	۱۳۶	تناسب محوطه ورزش با نوع ورزش	زن	۳/۹۶	۱۳۶
	مرد	۲/۳۷	۲۴۷		مرد	۳/۲۷	۲۴۷
فضای مناسب برای سالمندان	زن	۲/۵۲	۱۳۶	فضای مخصوص خانواده ها	زن	۳/۴۳	۱۳۶
	مرد	۲/۴۲	۲۴۷		مرد	۳/۷۷	۲۴۷
فضای کافی برای ورزش هایی جز پیاده روی و دوچرخه سواری	زن	۳/۱۹	۱۳۶	N=384 ۲۴۷ ۳/۹۴			مرد

نتایج جدول ۲ نشان داد که نیاز به تنوع و زیبایی فضای ورزشی (۴/۴۳)، نیاز به فضای ورزشی مخصوص خانواده ها (۴/۴۳)، نیاز به تناسب محوطه های ورزشی با نوع ورزش (۳/۹۶) و نیاز به فضای مخصوص دوچرخه سواری (۳/۹۱) در اولویت نیاز بانوان بود. برای آقایان نیاز به فضای کافی برای ورزش (۳/۹۴)، نیاز به زمین مناسب فوتبال و والیبال (۳/۹۱) و نیاز به سطوح هموار دویدن و پیاده روی (۳/۸۶) در اولویت بود.

جدول ۳: اولویت نیازهای شهروندان در زمینه فضاهای ورزشی به تفکیک تاهل

نیازها	تاهل	میانگین	فراوانی	نیازها	تاهل	میانگین	فراوانی
تنوع و زیبایی فضای ورزشی	مجرد	۳/۹۶	۲۸۴	محیط ورزشی مخصوص بانوان	مجرد	۲/۷۹	۲۸۴
	متاهل	۴/۱۳	۸۹		متاهل	۲/۹۱	۸۹
مناسب بودن زمین فوتبال و والیبال	مجرد	۳/۸۳	۲۸۴	ازدحام کم جمعیت در پارکها	مجرد	۳/۸۴	۲۸۴
	متاهل	۳/۵۵	۸۹		متاهل	۳/۳۹	۸۹

۲۸۴	۳/۶۴	مجرد	فضای ویژه دوچرخه سواری	۲۸۴	۳/۹۸	مجرد	سطوح هموار دویدن و پیاده روی و پیست مخصوص
۸۹	۳/۵۶	متاهل		۸۹	۳/۵۷	متاهل	
۲۸۴	۳/۰۵	مجرد	تناسب محوطه ورزش با نوع ورزش	۲۸۴	۲/۵۰	مجرد	عدم تداخل محوطه های ورزشی مختلف
۸۹	۳/۸۵	متاهل		۸۹	۲/۷۴	متاهل	
۲۸۴	۳/۳۴	مجرد	فضای مخصوص خانواده ها	۲۸۴	۲/۴۶	مجرد	فضای مناسب برای سالمندان
۸۹	۳/۹۷	متاهل		۸۹	۲/۴۲	متاهل	
N= ۳۸۴ ۸۹ ۲/۱۹ متاهل				۲۸۴	۲/۹۵	مجرد	فضای کافی برای ورزش هایی جز پیاده روی ودوچرخه سواری

نتایج جدول ۳ نشان داد که برای افراد مجرد سطوح دویدن (۳/۹۸)، تنوع و زیبایی فضای ورزشی (۳/۹۸) و ازدحام کم جمعیت در پارک ها (۳/۸۴) در اولویت نیازها بود؛ درحالی که برای افراد متاهل تنوع و زیبایی فضای ورزشی (۴/۱۳)، تناسب محوطه های ورزشی با نوع ورزش (۳/۸۵) و فضای مخصوص خانواده ها (۳/۹۷) در اولویت بود.

جدول ۴: اولویت نیازهای شهروندان در زمینه فضاهای ورزشی به تفکیک منطقه

فرآوانی	میانگین	نیازها	منطقه	فرآوانی	میانگین	نیازها	منطقه
۱۳۷	۳/۸۳	سطوح ناهموار دویدن و پیاده روی و پیست مخصوص	منطقه ۱	۱۳۷	۲/۸۶	فضای کافی برای ورزش به جز پیاده روی و دوچرخه سواری	منطقه ۱
۷۳	۳/۸۲		منطقه ۲	۷۳	۳/۲۸		منطقه ۲
۱۰۴	۴/۲۴		منطقه ۳	۱۰۴	۳/۱۵		منطقه ۳
۷۰	۳/۴۷		منطقه ۴	۷۰	۲/۸۷		منطقه ۴
۱۳۷	۳/۷۶	فضای ویژه دوچرخه سواری	منطقه ۱	۱۳۷	۲/۵۵	فضای ورزشی مخصوص بانوان	منطقه ۱
۷۳	۴/۰۱		منطقه ۲	۷۳	۲/۹۰		منطقه ۲
۱۰۴	۳/۳۵		منطقه ۳	۱۰۴	۲/۷۴		منطقه ۳
۷۰	۳/۹۵		منطقه ۴	۷۰	۳/۵۸		منطقه ۴
۱۳۷	۳/۶۵	محیط ورزشی مخصوص بانوان	منطقه ۱	۱۳۷	۲/۴۲	تداخل محوطه های ورزشی	منطقه ۱
۷۳	۳/۳۰		منطقه ۲	۷۳	۳/۱۳		منطقه ۲
۱۰۴	۳/۷۷		منطقه ۳	۱۰۴	۲/۴۳		منطقه ۳
۷۰	۴/۲۷		منطقه ۴	۷۰	۲/۵۸		منطقه ۴

۱۳۷	۳/۷۳	ازدحام کم جمعیت در پارک ها	منطقه ۱	۱۳۷	۲/۳۲	فضای ورزشی مناسب سالمندان	منطقه ۱
۷۳	۳/۳۳		منطقه ۲	۷۳	۲/۶۳		منطقه ۲
۱۰۴	۳/۶۸		منطقه ۳	۱۰۴	۲/۷۶		منطقه ۳
۷۰	۳/۸۳		منطقه ۴	۷۰	۲/۰۸		منطقه ۴
۱۳۷	۳/۷۷	فضای مخصوص خانواده ها	منطقه ۱	۱۳۷	۳/۸۶	محوطه مناسب فوتبال و والیبال	منطقه ۱
۷۳	۳/۶۱		منطقه ۲	۷۳	۳/۸۷		منطقه ۲
۱۰۴	۳/۲۹		منطقه ۳	۱۰۴	۳/۸۸		منطقه ۳
۷۰	۴		منطقه ۴	۷۰	۳/۴۴		منطقه ۴
N=۳۸۴				۱۳۷	۳/۷۶	تنوع و زیبایی فضای ورزشی	منطقه ۱
۷۳				منطقه ۲			
۴/۰۱				منطقه ۳			
۱۰۴				منطقه ۴			
۴/۳۵							
۷۰							
۴							

نتایج جدول ۴ نشان داد که برای شهروندان منطقه ۲، تنوع و زیبایی فضای ورزشی (۴/۰۱)، فضای کافی برای ورزش (۳/۲۸) و تداخل کم محوطه های ورزشی (۳/۱۳) در اولویت نیازها بود. تنوع و زیبایی فضای ورزشی (۴)، فضای مخصوص خانواده ها (۴)، ازدحام کم جمعیت در پارک ها (۳/۸۳) و فضای مخصوص بانوان (۳/۵۸) در اولویت نیازهای منطقه ۴ بود. برای شهروندان منطقه ۳، عدم تنوع و زیبایی فضای ورزشی (۴/۳۵)، نامناسب بودن محوطه فوتبال و والیبال (۳/۸۸)، سطوح دویدن و پیاده روی ناهموار و نبود پیست مخصوص (۴/۲۴)، فقدان محیط ورزشی مخصوص بانوان (۳/۷۷) و ازدحام جمعیت در پارک ها (۳/۶۸) در اولویت نیازهایشان قرار داشت. برای شهروندان منطقه یک، نامناسب بودن محوطه فوتبال و والیبال (۳/۸۷)، سطوح دویدن و پیاده روی ناهموار و نبود پیست مخصوص (۳/۸۳) و نبود فضای مخصوص خانواده ها (۳/۷۷) در اولویت بود.

جدول ۵: اولویت نیازهای شهروندان در زمینه فضاهای ورزشی به تفکیک سطح تحصیلات

تحصیلات	ابعاد فضای ورزشی	میانگین	فراوانی	تحصیلات	نیازها	میانگین	فراوانی
دیپلم	فضای کافی	۴/۵۳	۴۵	دیپلم	سطوح مناسب دویدن و پیاده روی و پیست مخصوص	۴/۷۳	۴۵
فوق دیپلم	برای ورزش جز پیاده روی	۳/۱۵	۱۶۶	فوق دیپلم		۳/۸۷	۱۶۶
کارشناسی	ودوچرخه سواری	۲/۵۴	۱۵۵	کارشناسی		۳/۹۴	۱۵۵
بالا تر		۲/۲۷	۲۰	بالا تر		۴	۲۰
دیپلم	تناسب فضاهای	۳/۷۳	۴۵	دیپلم	فضای ویژه دوچرخه سواری	۴/۲۲	۴۵
فوق دیپلم	ورزشی با نوع ورزش	۲/۶۱	۱۶۶	فوق دیپلم		۳/۶۰	۱۶۶
کارشناسی		۲/۹۵	۱۵۵	کارشناسی		۳/۸۳	۱۵۵
بالا تر		۳/۸۵	۲۰	بالا تر		۳	۲۰

۱۳۷	۳/۸۸	محیط ورزشی مخصوص بانوان	دیپلم	۴۵	۲/۰۲	تداخل کم محوطه های ورزشی	دیپلم	
۷۳	۳/۴۹		فوق دیپلم	۱۶۶	۲/۵۷		فوق دیپلم	
۱۰۴	۳/۷۶		کارشناسی	۱۵۵	۳		کارشناسی	
۷۰	۳		بالا تر	۲۰	۲/۵۹		بالا تر	
۴۵	۳/۱۵	ازدحام کم جمعیت در پارکها	دیپلم	۴۵	۳/۷۳	فضای مناسب ورزشی برای سالمندان	دیپلم	
۶۶	۳/۸۵		فوق دیپلم	۱۶۶	۲/۴۰		فوق دیپلم	
۱۵۵	۲/۸۲		کارشناسی	۱۵۵	۲/۴۵		کارشناسی	
۲۰	۲		بالا تر	۲۰	۱		بالا تر	
۴۵	۳/۷۷	فضای مخصوص خانواده ها	دیپلم	۴۵	۴/۷۷	مناسب بودن زمین فوتبال و والیبال	دیپلم	
۱۶۶	۳/۷۱		فوق دیپلم	۱۶۶	۳/۸۷		فوق دیپلم	
۱۵۵	۳/۳۰		کارشناسی	۱۵۵	۳/۵۸		کارشناسی	
۲۰	۳		بالا تر	۲۰	۴		بالا تر	
		N=۳۸۴ ۱۶۶ ۱۵۵ ۲۰		۴۵	۴/۷۳	تنوع و زیبایی فضای ورزشی فوق دیپلم کارشناسی بالا تر	دیپلم	
				۳/۸۷				
				۳/۹۴				
				۴				

نتایج جدول ۵ نشان داد که فضای کافی برای ورزش (۴/۵۳)، مناسب بودن زمین های فوتبال و والیبال (۴/۷۷)، مناسب بودن سطوح برای پیاده روی (۴/۷۳) و فضای ویژه دوچرخه سواری (۴/۲۲) در اولویت نیاز برای افراد با مدرک دیپلم قرار داشت. برای افراد با مدرک فوق دیپلم، تنوع و زیبایی فضای ورزشی (۳/۸۷)، سطوح مناسب دویدن و پیاده روی و پیست مخصوص (۳/۸۷)، ازدحام کم جمعیت در پارک ها (۳/۸۵) در اولویت نیازها قرار داشت. برای افراد با مدرک تحصیلی کارشناسی، تنوع و زیبایی فضای ورزشی (۳/۹۴)، سطوح مناسب دویدن و پیاده روی و پیست مخصوص (۳/۹۴) و فضای ویژه دوچرخه سواری (۳/۸۳) در اولویت نیازها قرار گرفت. برای افراد با مدرک تحصیلی بالاتر از کارشناسی نیز تنوع و زیبایی فضای ورزشی (۴)، مناسب بودن محوطه فوتبال و والیبال (۴) و سطوح مناسب دویدن و پیاده روی و پیست مخصوص (۴) در اولویت نیازها قرار داشت.

جدول ۶: اولویت نیازهای شهروندان در زمینه فضاهای ورزشی به تفکیک وضعیت درآمد خانوار

درآمد	نیازها	میانگین	فراوانی	درآمد	نیازها	میانگین	فراوانی
کمتر از ۳۰۰ هزار	فضای کافی برای ورزش جز پیاده روی و دوچرخه سواری	۵	۸	کمتر از ۳۰۰ هزار	سطوح مناسب دویدن و پیاده روی و پیست مخصوص	۲/۳۷	۸
۳۰۰-۵۰۰		۳/۰۹	۳۳	۵۰۰-۷۰۰		۳/۷۸	۳۳
۷۰۰-۹۰۰		۲/۲۲	۶۸	۹۰۰-۷۰۰		۳/۸۲	۶۸
۹۰۰ به بالا		۳/۳۹	۸۶	۷۰۰-۹۰۰		۴/۰۴	۸۶
		۳/۰۵	۱۸۹	۹۰۰ به بالا		۳/۷۳	۱۸۹

۸	۴	فضای ویژه دوچرخه سواری	کمتر از ۳۰۰ هزار	۸	۰/۷۵	تناسب فضاهای ورزشی با نوع ورزش	کمتر از ۳۰۰ هزار	
۳۳	۳/۵۱		۵۰۰-۳۰۰	۳۳	۳/۴۸		۵۰۰-۳۰۰	
۶۸	۳/۳۹		۷۰۰-۵۰۰	۶۸	۱/۹۷		۷۰۰-۵۰۰	
۸۶	۴/۵۳		۹۰۰-۷۰۰	۸۶	۳/۰۲		۹۰۰-۷۰۰	
۱۸۹	۴/۸۰		۹۰۰ به بالا	۱۸۹	۳/۰۸		۹۰۰ به بالا	
۸	۳/۷۵	محیط ورزشی مخصوص بانوان	کمتر از ۳۰۰ هزار	۸	۴/۳۷	تداخل کم محوطه های ورزشی	کمتر از ۳۰۰ هزار	
۳۳	۴/۱۵		۵۰۰-۳۰۰	۳۳	۲/۱۸		۵۰۰-۳۰۰	
۶۸	۲/۳۶		۷۰۰-۵۰۰	۶۸	۲/۸۲		۷۰۰-۵۰۰	
۸۶	۴/۶۲		۹۰۰-۷۰۰	۸۶	۲/۳۰		۹۰۰-۷۰۰	
۱۸۹	۳/۷۴		۹۰۰ به بالا	۱۸۹	۲/۵۹		۹۰۰ به بالا	
۸	۳/۱۲	ازدحام کم جمعیت در پارکها	کمتر از ۳۰۰ هزار	۸	۱/۷۵	فضای ورزشی مخصوص سالمندان	کمتر از ۳۰۰ هزار	
۳۳	۳/۳۳		۵۰۰-۳۰۰	۳۳	۲		۵۰۰-۳۰۰	
۶۸	۳/۲۵		۷۰۰-۵۰۰	۶۸	۲/۲۲		۷۰۰-۵۰۰	
۸۶	۴/۲۵		۹۰۰-۷۰۰	۸۶	۲/۸۸		۹۰۰-۷۰۰	
۱۸۹	۳/۷۸		۹۰۰ به بالا	۱۸۹	۲/۸۹		۹۰۰ به بالا	
۸	۳/۱۲	فضای مخصوص خانواده ها	کمتر از ۳۰۰ هزار	۸	۳/۸۶	مناسب بودن محوطه فوتبال و والیبال	کمتر از ۳۰۰ هزار	
۳۳	۳/۳۹		۵۰۰-۳۰۰	۳۳	۳/۸۷		۵۰۰-۳۰۰	
۶۸	۳/۵۷		۷۰۰-۵۰۰	۶۸	۳/۸۸		۷۰۰-۵۰۰	
۸۶	۴/۱۱		۹۰۰-۷۰۰	۸۶	۲/۴۶		۹۰۰-۷۰۰	
۱۸۹	۳/۲۶		۹۰۰ به بالا	۱۸۹	۲/۴۶		۹۰۰ به بالا	
N= ۳۸۴ ۳۳ ۴/۱۸ ۶۸ ۳/۱۰ ۸۶ ۴/۵۸ ۱۸۹ ۴/۰۵				۸	۳/۷۵	تنوع و زیبایی فضای ورزشی	کمتر از ۳۰۰ هزار	
				۵۰۰-۳۰۰				
				۷۰۰-۵۰۰				
				۹۰۰-۷۰۰				
				۹۰۰ به بالا				

نتایج جدول ۶ نشان داد که برای افراد با درآمد کمتر از ۳۰۰ هزار تومان، فضای کافی برای ورزش کردن (۵)، تداخل کم محوطه های ورزشی (۴/۳۷) و فضای ویژه دوچرخه سواری (۴) در اولویت های اساسی نیازهای آنها قرار داشت. برای افراد با درآمد ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان، محیط های ورزشی مخصوص بانوان (۴/۱۵)، تنوع و زیبایی فضای ورزشی (۴/۱۸) و مناسب بودن محوطه فوتبال و والیبال (۳/۸۸) در اولویت نیاز قرار داشت. برای افراد با درآمد ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان، نیازهای سطوح مناسب دویدن و پیاده روی و پیست مخصوص (۳/۸۲) و فضای مخصوص خانواده ها (۳/۵۷) در اولویت قرار داشت. برای افراد با درآمد بین

۷۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان، محیط های ورزشی مخصوص بانوان (۴/۶۲)، فضای ویژه دوچرخه سواری (۴/۵۳)، مناسب بودن سطوح برای پیاده روی (۴/۰۴)، ازدحام کم جمعیت در پارک ها (۴/۲۵) و فضای مناسب برای خانواده ها (۴/۱۱) در اولویت نیاز آنها قرار داشت. برای افراد با درآمد ۹۰۰ هزار به بالا، فضای کافی برای ورزش کردن (۴/۸۰) و تنوع و زیبایی فضای ورزشی (۴/۰۵) در اولویت قرار داشت.

جدول ۷: نتایج آزمون تحلیل واریانس و t مستقل مقایسه نظرات نمونه آماری بر حسب درآمد، منطقه، تحصیلات، جنسیت و تاهل

آماره	متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P
درآمد	بین گروهی	۳۱/۳۵	۴	۷/۸۳	۲۳/۴۰	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۱۲۶/۹۲	۳۷۹	۰/۳۳		
منطقه	بین گروهی	۸/۰۹	۳	۲/۶۹	۶/۸۲	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۱۵۰/۱۸	۳۸۰	۰/۳۹		
تحصیلات	بین گروهی	۲۴/۳۶	۳	۸/۱۲	۲۳/۰۴	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۱۳۳/۹۱	۳۸۰	۰/۳۵		
آماره	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	t آماره	P	
مرد	۳/۵۰	۰/۵۱	۳۸۱	۴/۷۸	۰/۰۰۱	
زن	۳/۱۹	۰/۶۷				
متاهل	۳/۲۵	۰/۵۱	۳۷۱	-۱/۷۶	۰/۰۰۷	
مجرد	۳/۳۹	۰/۶۷				

نتایج جدول ۷ نشان می دهد با توجه به مقدار F مشاهده شده در سطح ($P > ۰/۰۵$) میانگین مولفه های تحقیق در میان شهروندان بر حسب درآمد، منطقه و تحصیلات دارای تفاوت معنی داری است. همچنین t مشاهده شده در سطح ($P > ۰/۰۵$) بین میانگین مولفه های تحقیق در میان کارکنان بر حسب وضعیت تاهل تفاوت معنی داری وجود ندارد، ولی در مورد ویژگی جمعیت شناختی جنسیت تفاوت معنی داری وجود دارد.

جدول ۸: رتبه بندی انواع نیازهای شهروندان به فضاهای ورزشی

رتبه	میانگین	نیازها
۸	۵,۳۲	تنوع و زیبایی فضای ورزشی
۹	۴,۵۶	مناسب بودن زمین فوتبال و والیبال
۱	۷,۵۲	سطوح هموار دویدن و پیاده روی
۴	۶,۸۴	تداخل کم محوطه های ورزشی مختلف
۳	۷,۲۲	فضای مناسب برای سالمندان
۱۰	۴,۳۵	فضای کافی برای ورزش

۱۱	۳,۸۰	محیط ورزشی مخصوص بانوان
۷	۵,۹۳	ازدحام کم جمعیت در پارک ها
۶	۶,۱۴	فضای ویژه دوچرخه سواری
۵	۶,۷۷	تناسب محوطه ورزش با نوع ورزش

با توجه به نتایج رتبه بندی آزمون فریدمن در جدول ۸، مولفه سطوح هموار دویدن و پیاده روی (۷/۵۲) در اولویت اول بود، فضای مخصوص خانواده ها (۷/۵۲) در اولویت دوم قرار داشت و مولفه فضای مناسب برای سالمندان (۷/۲۲) در اولویت سوم قرار داشت.

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش، تبیین وضعیت نیازهای شهروندان ارومیه ای در ورزش همگانی با توجه به فضاهای ورزشی بود. با در نظر گرفتن نتایج حاصل از تحقیق، از یک سو و بررسی اصول و مبانی نظری در زمینه نیازسنجی از سوی دیگر، محقق به دنبال آن است تا راهکارهایی را مبنی بر واقعیت ها و فضاهای موجود در شهر ارومیه، همچنین نیازها و انتظارات جامعه مورد بررسی ارایه نماید. نتایج تحقیق، تفاوت معناداری را بین میانگین مولفه های تحقیق در میان شهروندان بر حسب درآمد، منطقه، تحصیلات، نشان می دهد که با تحقیقات محمدی و عطارزاده حسینی (۱۳۹۱) همخوانی دارد. همچنین بین میانگین مولفه های تحقیق در میان کارکنان برحسب وضعیت تاهل تفاوت معنی داری وجود ندارد، ولی در مورد ویژگی جمعیت شناختی جنسیت تفاوت معنی داری وجود دارد که محمدی و عطارزاده حسینی (۱۳۹۱) نیز در نتایج تحقیق خود به آن رسیده اند. بنابراین مسئولان ورزش استان بخصوص اداره کل ورزش جوانان استان و شهرداری ارومیه باید در هنگام برنامه ریزی برای ساختن فضاهای شهری اعم از بوستان ها و پارک ها و ایستگاه های سلامت برای شهروندان به این نیازها توجه ویژه داشته باشند؛ به این معنی که زمانی که تصمیم به ساخت مجموعه ورزشی یا پارکی در سطح شهر گرفته می شود باید به نیاز مردم مناطق مختلف، جوانان و بزرگسالان و سالمندان، زنان و مردان توجه داشته باشند. حتی به ویژگی های سطح تحصیلات آنها نیز توجه شود، چرا که زمانی که به این نیاز و کمبودهای شهروندان توجه نشود، در برنامه ریزی برای ساخت یا گسترش فضاها و امکانات با مشکل برخورد می کنند و گاهی موجب به هدر رفتن سرمایه ملی و بلااستفاده ماندن این فضاها می شوند. پس اولین اقدام در برنامه ریزی، توجه به سطح نیازهای شهروندان از بعد امکان سنجی و در ادامه، ساخت و گسترش فضاهای ورزشی باشد. بدیهی است که این امر در سایه تشکیل کارگروهی در شهرداری و اداره کل ورزش و جوانان به منظور شناسایی نیازها و کمبودهایی که شهروندان احساس می کنند، محقق خواهد شد. بخش دیگری از نتایج تحقیق نشان داد که مولفه ناهموار بودن سطوح دویدن و پیاده روی در اولویت نیاز شهروندان به فضاهای ورزشی بود. بنابراین پیشنهاد می شود اداره کل ورزش و جوانان با همکاری شهرداری ارومیه، اقدامات لازم را جهت بازنگری در زیرساخت های مربوط به ورزش همگانی به ویژه کف پوش، سنگ فرش پارک ها، پیست های پیاده روی و دو چرخه سواری انجام دهند. همچنین توجه ویژه به اختصاص قسمت یا بخش مشخصی از زیر ساخت های مربوط به ورزشهای همگانی از جمله پارک ها و مسیرهای تندرستی و پیست های متنوع مربوط به ورزش و تفریح برای خانواده ها از ضروریات نیاز های شهروندان تحقیق مورد نظر می باشد. بی تردید، وجود محیط امن و مفرح ورزش همگانی باعث جذب شهروندان به این فضاها می شود، دلگرمی بیشتری را در آنها به وجود می آورد و زمانی که خانواده ها ساعتی از شبانه روز را در این

فضاها به صورت جمعی توأم با لذت و آرامش و سرگرمی سپری می کنند، سلسله مراتبی از نیازهای آنها تأمین می شود، فرهنگ ورزش در آنها به صورت مثبت نهادینه می گردد و در ارتباطات آنها با اجتماع به دیگر افراد جامعه نیز انتقال می یابد و حتی می تواند در تحکیم وحدت خانواده ها و پربار شدن زندگیشان تأثیر داشته باشد. از سوی دیگر، در بیشتر فضاهای مربوط به ورزش همگانی کشور از جمله در شهر ارومیه مسئله ای که بطور چشمگیری نادیده گرفته می شود، فضای ورزشی کافی برای سالمندان است. اگر بخواهیم ضرورت ورزش همگانی را برای قشر خاصی از جامعه اولویت بندی کنیم، تقریباً می توان اذعان داشت که سالمندان به علت تحلیل وضعیت جسمانی و روانی مرتبط با این سن در اولویت های نخست قرار دارند و باید برنامه ریزی مدون و مستمری در این زمینه صورت پذیرد.

مساله مشهود دیگر در این فضاها، عدم تعادل و فقدان استانداردهای چیدمان مبلمان شهری مربوط به ورزش همگانی است؛ به این معنی که این فضاها باید به صورت کاملاً تفکیک شده باشند و در هر قسمت نقطه شروع و پایان مشخص بدون موازی کاری رعایت گردیده باشد. به عنوان مثال، خط سیر مربوط به پیست های دوچرخه سواری نباید برای کاربران پیست های پیاده روی مزاحمتی ایجاد کند. از طرف دیگر، این فضاها باید فاصله مکانی مشخصی با دستگاه های تندرستی داشته باشند. نبود این استانداردها در بعد دیگر در این فضاها خود را در قالب سنخیت نداشتن محوطه ورزش با نوع ورزش نشان می دهد. بدیهی است هر کدام از شاخه های ورزش همگانی، اماکن و تجهیزات مربوط به خود را می طلبد؛ در غیر این صورت نه تنها فرد از ورزش لذت نمی برد، بلکه ممکن است سرخورده و دلزده شود، چرا که عدم سنخیت مکان ورزشی با نوع ورزش، تبعات ناگوار مربوط به آسیب های ورزشی را در پی دارد و این امکان وجود دارد که فرد به طور کامل از ورزش دور شود. واضح است که در نخستین گام باید فضاهای ورزشی با وضعیت موجود بافت جمعیتی و رشد جمعیت مناطق مختلف شهر تناسب یابد تا همگان بتوانند با کیفیت مطلوب و دسترسی آسان از این فضاها استفاده نمایند و حقوق شهروندی همگان رعایت گردد. در این تحقیق نیز شهروندان ارومیه ای از وضعیت موجود راضی نبودند و خواستار مدیریت و بررسی بیشتر در این زمینه می باشند.

شاخص دیگری که باعث جذب بیشتر شهروندان به ورزش همگانی می شود، جنبه ظاهری مطلوب این فضاهاست. با توجه به اینکه حس زیبا شناختی و زیبایی دوستی یکی از نیازهای فطری انسان می باشد، لازم است در ساخت اماکن و فضاهای ورزشی به این مهم توجه شود.

نامناسب بودن زمین فوتبال و والیبال نیز از اولویت های نیاز شهروندان است، چرا که شهر ارومیه از دیرباز به عنوان یکی از قطب های والیبال کشور مطرح بوده و فوتبال نیز به دلیل جذابیت خاص آن و مدارس فوتبالی که بتازگی در این شهر تاسیس شده اند، خواهان زیادی پیدا کرده اند و تدارک فضاهای اختصاصی بیشتری را می طلبند.

منابع

- اتقیاء، ناهید. (۱۳۸۶). "نیاز سنجی از اقصاء مختلف زنان ایرانی در زمینه ورزش همگانی". پژوهش در علوم ورزشی. شماره ۱۷، صص ۱۵-۳۱.
- اتقیاء، ناهید. (۱۳۸۷). "نیاز سنجی ورزشی بانوان شاغل در دانشگاه الزهرا و ارائه راهکارهای کاربردی". مجله علوم حرکتی و ورزش. سال ششم، جلد اول، شماره ۱۱، صص ۹۶-۷۹.
- پورجعفر، محمدرضا؛ تقوایی، علی اکبر؛ بمانیان، محمدرضا؛ صادقی، علیرضا و فریال، احمدی. (۱۳۸۹). «ارائه انگاره های محیطی مؤثر بر شکل گیری فضاهای عمومی مشوق سالمندی موفق با تأکید بر ترجیحات سالمندان شهر شیراز». نشریه سالمندی ایران. شماره ۱۵، صص ۲۲-۳۴.
- تیموری، آتوسا. (۱۳۸۵). «بررسی و مقایسه عملکرد مرکز توسعه ورزش همگانی و تفریحی و مرکز توسعه ورزش قهرمانی ایران براساس مدل وایزبرد». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- رضوی، سید محمد و عادل، عظیمی دلارستانی. (۱۳۹۴). «بررسی معیارهای محوطه سازی بیرونی در طراحی و ساخت امکان ورزشی شهری». دوفصلنامه مدیریت و توسعه ورزش. ش (پیاپی ۴)، صص ۱۵-۲۴.
- رهنما و آقایی. (۱۳۸۸). «نقش شهرداری ها در توسعه فضاهای ورزشی برای گذراندن اوقات فراغت شهروندان (مطالعه موردی منطقه ۶ تهران)». جغرافیا. دوره جدید، سال ۷(۲۲). صص ۲۵-۴۶.
- سعیدی، علی اصغر؛ حیدری چروده، مجید و قدیمی، بهرام. (۱۳۹۰). ورزش همگانی و شهروندان تهرانی. تهران: انتشارات جامعه فرهنگ
- سلطان حسینی، محمد؛ سلیمی، مهدی؛ سلیمی، منصوره و لطفی، مجتبی. (۱۳۹۲). «اولویت بندی اثرات اجتماعی و اقتصادی اماکن ورزشی بر محیط شهری (مطالعه موردی شهر یزد)». مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای. سال چهارم، شماره شانزدهم ۶۵-۸۹.
- سواری، سعید؛ مهدی پور، عبدالرحمن و رنجبر، روح الله. (۱۳۹۴). «توصیف وضعیت ورزش همگانی استان خوزستان و تدوین راهبردهای توسعه آن». پژوهش نامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. (۱۱) ۲۱ صص ۸۳-۹۲.
- سیدعامری، میرحسن و قربان بردی، محمد آلق. (۱۳۹۱). «تبیین راهکارهای جذب و افزایش مشارکت شهروندان در برنامه های ورزش همگانی و تفریحی». پژوهش های مدیریت ورزشی و علوم حرکتی. سال دوم، شماره ۴، صص ۳۴-۲۳.
- شعبانی، عباس، غفوری، فرزاد و هنری، حبیب. (۱۳۹۰). «بررسی چالش های ورزش همگانی در ایران». پژوهش در علوم ورزش. شماره ۱۰، صص ۲۶-۱۳.
- سعیدی رضوانی، نوید. (۱۳۷۸). شهرداری ها و اوقات فراغت شهروندان. چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور.
- عباس زادگان، محمد و ترک زاده، جعفر. (۱۳۷۹). نیازسنجی آموزشی در سازمان ها. چاپ اول، تهران: نشر انتشار
- عطارزاده حسینی، سید رضا و سهرابی، مهدی. (۱۳۸۶). «توصیف نگرش و گرایش مردم شهر مشهد به فعالیت های حرکتی و ورزشی». فصلنامه المپیک. سال ۱۵ شماره ۱ (پیاپی ۳۷) صص ۳۷-۴۷.
- غفرانی، محسن؛ گودرزی محمود؛ سجادی، سیدنصرالله؛ جلالی فراهانی، مجید و مقرنسی، مهدی. (۱۳۸۸). «طراحی و تدوین راهبرد توسعه ورزش همگانی استان سیستان و بلوچستان». مدیریت ورزشی

(حرکت). ۳۹ صص ۱۰۷-۱۳۱.

- کارگر، غلامعلی؛ گودرزی، محمود؛ اسدی، حسن و هنری، حبیب. (۱۳۸۴). "تحلیل وضعیت اماکن ورزشی کشور و تعیین عوامل موثر بر بهره وری از دیدگاه خبرگان و ارائه مدل بهره وری". نشریه حرکت. شماره ۲۸، صص ۱۲۷-۱۴۹.
- کاشف، میر محمد و مهریزی، مصطفی. (۱۳۸۹). مدیریت اماکن و فضاهای ورزشی. چاپ دوم، تهران: انتشارات بامداد کتاب
- محمدی، میترا؛ محرم زاده، مهرداد و حسینی، فاطمه سادات. (۱۳۹۰). "تحلیل عوامل موثر بر کاربری مسیرهای تندرستی نقاط مختلف شهر ارومیه". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه.
- محمدی، سردار و عطارزاده حسینی، سید رضا. (۱۳۹۱). «تبیین نگرش و گرایش مردم استان کردستان به فعالیت های ورزشی و حرکتی». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۱۶، صص ۹۲-۱۱۲.
- مرادی، علیرضا؛ گلستانی، سید هاشم و اسماعیلی، رضا. (۱۳۸۹). "نیازسنجی توسعه فضاهای فرهنگی شهر نجف آباد". دانش و پژوهش در علوم تربیتی. شماره ۲۷- صص ۵۳-۷۸
- مظفری، سید امیر احمد و قره، محمدعلی. (۱۳۸۴). "وضعیت ورزش همگانی ایران و مقایسه آن با چند کشور منتخب جهان". علوم حرکتی و ورزش. جلد اول، شماره ۶ صص ۱۷۱-۱۵۱
- معاونت امور فنی، دفتر تحقیقات و معیارهای فنی سازمان تربیت بدنی. (۱۳۷۴). موازین فنی ورزشگاه های کشور (مطالعه وضع موجود مراکز ورزشی). جلد اول، چاپ اول، تهران: سازمان برنامه و بودجه
- معین الدینی، جواد و صنعت خواه، علیرضا. (۱۳۹۱). «عوامل اجتماعی - فرهنگی موثر بر گرایش شهروندان به ورزش همگانی (مطالعه موردی شهر کرمان)». نشریه مطالعات شهری. سال دوم، ش سوم، ۱۴۹-۱۷۸.
- ملکی، فرزاد؛ حیدری نژاد، صدیقه و ویسیا، اسمعیل. (۱۳۹۰). «شناسایی عوامل موثر بر گرایش یا عدم گرایش شهروندان اهوازی به ورزش همگانی». همایش ملی تفریحات ورزشی ارائه به صورت پوستر شماره صفحه چاپ مقاله در مجموعه مقالات ۲۰۲-۲۰۵.
- نوروزی سید حسینی، رسول؛ دهقانی زاده، رضا؛ هنری، حبیب؛ یوسفی، بهرام و نوروزی سیدحسینی، ابراهیم. (۱۳۹۲). "تحلیل مکانی فضاهای ورزشی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) ارائه مدل مطلوب (مطالعه موردی منطقه یک تهران)". مدیریت ورزشی. (۵) ۴ - صص ۵-۲۸.
- Albirini, A. (2006). **Teacher's attitudes toward information and communication technologies: the case of Syrian EFL teachers**. Computers & Education. 47: 373-398.
- Barry MM, Doherty A, Hope A, Six smith J, Kelleher CC. (2000). **A community needs assessment for rural mental health promotion**. Health Educ Res; 15:293-304.
- Bell, S., Montarzino, A., & Travlou, P. (2006). **Green and Public Space Research: Mapping and Priorities**. Open Space Research Centre, Edinburgh College of Art/ Heriot Watt University: Department for Communities and Local Government, 1-29.
- Carvalho Vieira, M., Sperandei, S., Reis, A., da Silva, C., & Gonçalves, T. (2013). **An analysis of the suitability of public spaces to physical activity practice in Rio de Janeiro**. Brazil: Preventive Medicine, 57: 198-200
- Connell, H. (2004). **University research management: Meeting the instiutional challenge**. OECD, and Paris.

- Elliot, Kim. (2001). **The Leisure Incident, The Vision of New-zeland on Sport, Fitness and Leisure.**
- Jones. C. (2002). **“Public cost for Private gain? Recent and proposed national stadiumdevelopments in the UK, and commonalities with North America».** Royal Geographical Society (with the Institute of British Geographers), Vol. 34, No. 2, pp.160-170.
- Khosravi, A. Fathi Vajargah, K and Ashtyani, M. (2009). **“Life Skills Needs Assessment for inclusion in School Curricula”.** Quarterly Journal of Educational Studies. Chamran University 12(3)
- McCree, R. (2009). **“Sport Policy and the New Public Management in the Caribbean».** Public Management Review, 11(4): 461–476.
- Numerato, D. (2009). **“The institutionalization of regional public sport policy in the Czech Republic».** International Journal of Sport Policy, 1(1): 13–30.
- Seefeldt, Vern D. Ewing, Martha E. (2002). **Youth sports in America: An overview.** Commissioned by Sport for Development and Peace International Working Group (SDPIWG) Secretariat, Toronto, Canada; p: 35.
- Shehu, J. (2004). **“Sport for all in post colony: Is there a place for indigenous games in physical education curriculum and research in Africa”.** Africa Education Review, 1(1): 21 – 33.
- Wang, Xinbao. (2013). **“The Investment Scale and Benefit Analysis of Public Sports Based on Quantitative Analysis».** Vol. (6)1 PP: 82-88: Maxwell Science Publication.

فرم ارسال مقاله برای فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

از تمامی محققان، پژوهشگران، استادان و فعالان دو حوزه ورزش و جوانان دعوت می شود که مقاله های علمی - پژوهشی خود را به همراه فرم تکمیل شده زیر، به نشانی دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان ارسال نمایند:

مشخصات مقاله

عنوان مقاله: نوع مقاله:

مشخصات نویسنده مسئول

نام و نام خانوادگی: جنسیت: زن " مرد "

میزان تحصیلات: رشته تحصیلی:

شغل:

خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی:

تلفن تماس همراه: تلفن تماس ثابت (با ذکر کدشهر):

نشانی کامل پستی:

مشخصات سایر نویسندگان

نام و نام خانوادگی: نام و نام خانوادگی:

میزان تحصیلات: میزان تحصیلات:

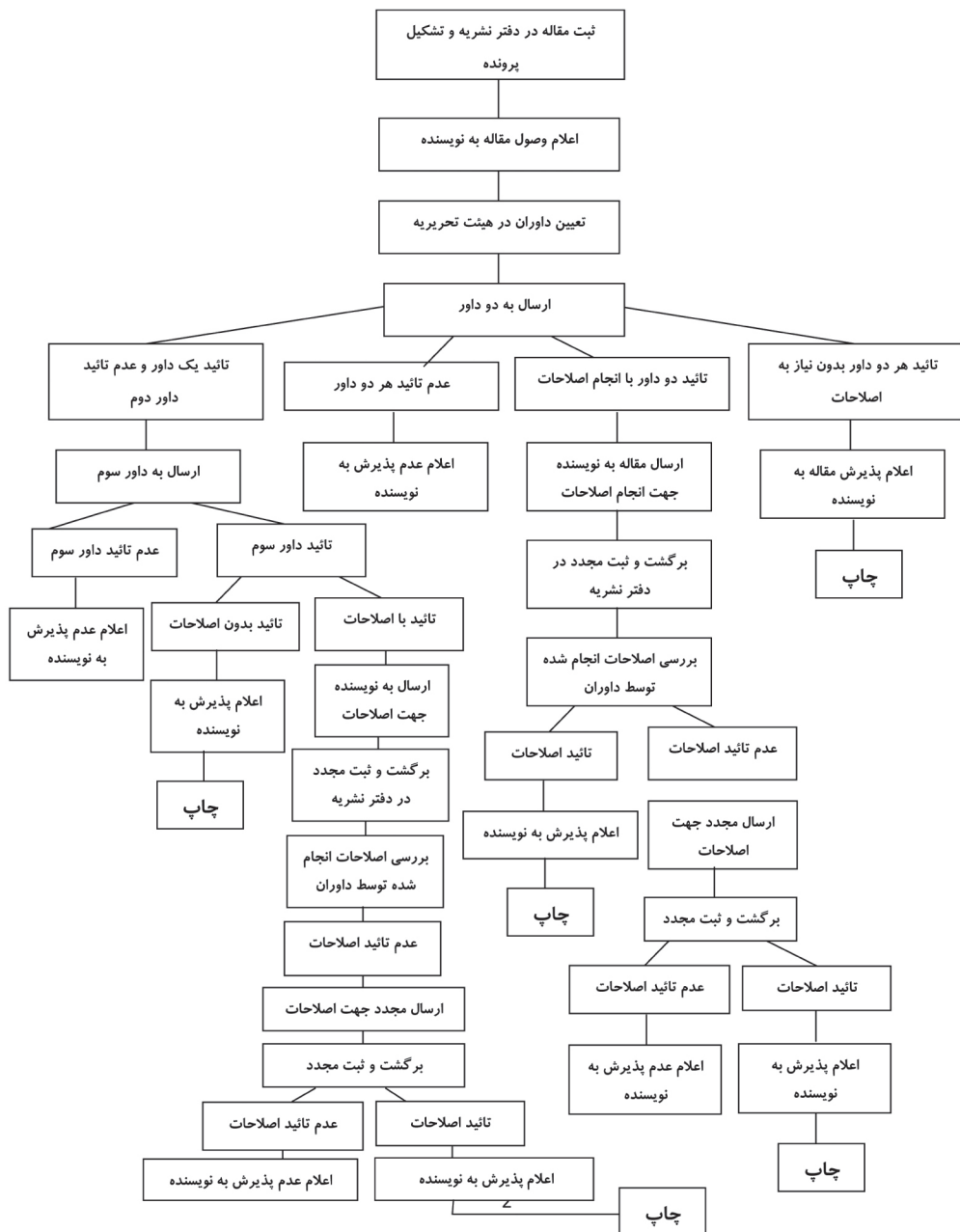
شغل: شغل:

خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی: خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی:

تلفن تماس همراه: تلفن تماس همراه:

پست الکترونیک: پست الکترونیک:

تاریخ ارسال مقاله: امضای نویسنده مسئول:



راهنمای اشتراک فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

از متقاضیان حقیقی و حقوقی دریافت مجله درخواست می شود که فرم اشتراک زیر را پس از تکمیل، به نشانی دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان ارسال نمایند:
تهران- بزرگراه آفریقا، خیابان سایه، پلاک ۴، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان
مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی
دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

فرم اشتراک فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

مشخصات متقاضی حقیقی

نام و نام خانوادگی: جنسیت: زن مرد

میزان تحصیلات: رشته تحصیلی:

شغل: تلفن تماس ثابت (با ذکر کدشهر):

تلفن همراه: تلفن تماس ثابت (با ذکر کدشهر):

نشانی:

کد پستی ده رقمی / صندوق پستی:

امضای متقاضی:

مشخصات متقاضی حقوقی:

نام موسسه / اداره / سازمان / کتابخانه:

واحد درخواست کننده: کد پستی ده رقمی / صندوق پستی:

تلفن ثابت (با ذکر کد شهر): نمابر (با ذکر کد شهر):

امضای مسئول و مهر مؤسسه:

Determination of Urmia Citizens' Public Sport Needs, Regarding Sport Areas

Fateme Abdavi

Ph.D., Assistant Professor, Sport Management, Tabriz Hniversity, Tabriz, Iran

Akram Mehdizadeh

Ph.D. Student in Sport Management, Tabriz Hniversity, Tabriz, Iran

Received: 7 Jul. 2015

Accepted: 24 Nov. 2015

The study is to clarify the status of sport and the needs of Urmia citizens to sports spaces. The research was conducted as a descriptive survey and field. The population of the investigation was all over 20 yearold Urmia citizens who had at least a high school degree and 368 samples were chosen based on a Morgan. To collect the data, a questionnaire assessment of citizens in public sports- by Majid Heydari Chrudeh (1390)- with reliability $\alpha=0.72$ was used. This research is descriptive and inferential statistics (t-test and test, regression analysis multiple, Friedman test) was used. The results showed that, given the amount of F, there are significant differences ($P < 0.05$) between the components of research among the citizens in terms of revenue ($F = 23.40$), regional ($F = 6.82$) and education ($F = 23.04$). Also according to the t, there is not any significant differences ($P < 0.05$) between the components of research among employees in terms of marital status ($t = -1/76$). Yet on the demographic characteristics gender ($t = 4.78$) difference is significant. Friedman test results showed that the unevenness of the sidewalks and running the first priority, and the lack of space for families and not enough space for seniors to second and third, respectively the needs of the citizens. Therefore, it can be concluded that the authorities should adequately note about the result of the research in the field of sport for the development of quantitative and qualitative health of citizens apply.

Key words: Needs, Citizenry, Sport for All and Sports Facilities

recommended to in regular physical activities for increasing length of life.

Key word: Physical Fitness, Mental Health, Elder and Mountaineer

The Comparison of Aerobic Power and Mental Health Factors among Active, Sedentary and Mountaineer Elder People

Asal Rajayan

Master degree, Department of Exercise Physiology, Faculty of Physical Education and Sport Science, Payem-e-Noor University, Tehran, Iran

Hadi Zahedi

Ph.D. student, Department of Exercise Physiology, Faculty of Physical Education and Sport Science, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mahsa Mortezaeean

Master degree, Department of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sport Science, Alzahra University, Tehran, Iran

Shahab Parvinpoor

Ph.D., Assistant Professor, Department of Motor Behavior, Faculty of Physical Education and Sport Science, Kharazmi University, Tehran, Iran

Received: 6 Dec. 2014

Accepted: 4 Apr. 2015

The purpose of this study was to compare physical fitness and mental health factors among active, non active and mountaineer aged people. For this reason elderly were selected randomly through questionnaires in north of Tehran. According to their activeness and type of activity, subjects divided into three groups of Mountaineer (n: 15), active(n: 14) and Sedentary (n:14). Then General Health Questionnaire Goldberg (GHQ) were administered and their cardiovascular and physical and motor fitness factors consist of: Body Fat percent, Blood pressure, Heart Rate, BMI, Reaction time, modified balk test were measured. Physiological data were analyzed using one way ANOVA, and General Health Questionnaire Goldberg data were analyzed using multivariate analysis of variance (MANOVA). The results showed that there was significant difference between average of aerobic capacity in three groups ($P \leq 0.01$) and the mountaineer group had better aerobic capacity. Also there was significant difference among groups in scores of somatic symptom, anxiety, social performance, severe depression domains and the average in General Health. In other word the average of General Health in mountaineer group were better than the other groups ($p \leq 0.05$). Conclusion according to these results, Adults

Formation of National Sports Tribunal in the Light of Sport's Dispute Resolution

Amir Saed Vakil

Ph.D. in International Law, Allameh Tabatabaie University, Attorney at Law, Tehran, Iran

Amir Arsalan Eskandari

Master degree Student in International Law, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 8 Feb. 2016

Accepted: 18 Mar. 2016

19

The involving economic, cultural, and even political aspects of the sports industry are undoubted; On the other hand, increasing incentives to invest in the sector leads policy makers to be concerned on actors' confidence in the sport society including governments, players, and businessmen. Such a situation brings the idea of establishing national sports tribunal, as an institution where assists resolution of sports disputes based on its traits and needs, at the core of attention. In the present paper, after reviewing the status and characteristics of the Court of Arbitration for Sport, which could be known as International Supreme Court of Sports, we will point out the role of national courts to develop sports law. Subsequently, besides studying state practices for establishment of sports national tribunals as well as underlying advantages, important relevant legal considerations under Iranian legal system will be considered. Thus, firstly, we will elaborate the scope of judicial and semi-judicial organs' powers in the realm of domestic as well as international sports disputes; and secondly, to answer the question that whether the establishment of national sports tribunal would be possible in Iran, the related obstacles and necessary measures for avoiding the problems will be touched concisely.

Key Words: Sports Disputes, Court of Arbitration for Sport and National Sports Tribunal

Identification of IRIB's Dysfunctions in Sports Area Using the Delphi Technique

Shahrzad Nayyeri

Ph.D., Assistant Professor, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Marjan Saffari

Ph.D., Assistant Professor, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Received: 14 Jun. 2015

Accepted: 1 Nov. 2015

18

Using qualitative research strategy and the Delphi technique, this study aimed to identify the Islamic Republic of Iran Broadcasting's (IRIB) dysfunctions in sports area. The data were collected through two steps. In the first step, a list of propositions pertaining to the media dysfunctions was prepared through searching bibliographic resources and theories on the communication area. Then in the second step, the elicited propositions were used as a baseline for preparing a semi-structured questionnaire, and the Delphi Technique was used to collect experts' opinions about these propositions. The first and second steps included 20 and 17 experts, respectively. Members of the Group of experts included academic experts in the fields of sport management, media management, public administration and communication and executive experts who have more than fifteen years of experience in the field of media and sports that were selected by purposive sampling. Totally, 18 propositions were confirmed by at least 60% of experts, and six propositions failed to reach the minimum consensus. Eight propositions are consistent with the assumptions of agenda setting theory, three propositions are consistent with the assumptions of use & gratification theory and other propositions are consistent with the assumptions of framing theory, dependency theory, social identity theory, hegemonic theory and disposition based theory. The findings demonstrated that TV, as a media, was not solely an effective phenomenon in sports; however, despite its many positive functions, it had several undesirable functions which have not been dealt with enough so far. Ignoring such functional deviations can diminish even the ideal functions of this media in comparison with its various dysfunctions in sports area.

Keywords: Media, TV, Sport, Dysfunction, Functionalism and Delphi Technique

wandering and huge financial capitals in sport, had priority.

Key Words: Professional Ethics, Organizational and Management Barriers, Cultural and Social Barriers, Manpower Barriers, Economic Barriers and Iran Soccer Premier League

Evaluating the Barriers of Professional Ethics Growth of Players and Coaches of Iran Soccer Premier League

Zohreh Moosavi

Ph.D., Assistant Professor in Industrial Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Mehdi Salimi

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Received: 25 Jul. 2015

Accepted: 15 Jan. 2016

The purpose of present study was to evaluate the barriers of professional ethics growth of players of Iran soccer premier league. Statistical community of study includes all of managers, coaches and players of soccer premier league and senior managers of Islamic republic of Iran federation. Base on this, statistical sample of study considered 32 managers (19 managing directors and assistants at mentioned clubs and 13 premier managers of soccer federation), 18 coaches (coach and head coach) and 100 players which 132 questionnaires of total distributed questionnaires have been referred and accepted. Questionnaire of study designed by library studies and interviewing with prominent masters of sport management that had 32 questions include barriers of professional ethics growth of players of Iran soccer premier league. For data analysis, Bartlett, Exploratory factorial analysis, One Sample Kolmogorov-Smirnov, One Sample t, Kruskal-Wallis and Friedman tests have been used. The results of study showed that barriers of professional ethics growth of players of Iran soccer premier league divided to 4 groups organizational and management, cultural and social barriers, and barriers related to manpower, and economic barriers. Through organizational and management barriers lack of comprehensive system and ethics supervision at performance of players, and lack of presence of professional behavior in total body of championship competitions; through social and cultural barriers, placement of sport second goals instead of first (primitive) goals, and physical and mental barriers of competition environment; through barriers related to man power lack of strategic viewpoint of managers to professional ethics, and lack of motivation of players for observance of professional ethics principals; and through economic barriers presence of

Application of Path Analysis Model in Explaining Indicators Influence Sports Teams Success in International Events

Gholam Reza Shabani Bahar

Ph.D., Associate Professor, Bu Ali Sina University, Hamedan, Iran

Nasrollah Erfani

Ph.D., Assistant Professor, Payam-e-noor University, Hamedan, Iran

Mahmoud Goodarzi

Ph.D., Full Professor, Tehran University, Tehran, Iran

Ali Monsef

Ph.D. Student in Sport Management, Bu Ali Sina University, Hamedan, Iran

Received: 3 Mar. 2015

Accepted: 15 Apr. 2015

The purpose of this research was to explain the indicators that influence success Sports Teams Success in International Events. Statically society including coaches, athletes and performance directors of Four Federations and National Olympic Committee and the Ministry of Sports and youth leaders that are non-randomly targeted and 153 subjects were selected based on Morgan table. Data gathering tool was the standardized questionnaire of elite sports climate (De Bosscher, 2011) which consists of 95 questions. Content validity was evaluated by experts in the field of sports management and the reliability of the questionnaire through a pilot study with 30 participants and Cronbach's Alpha (0/93) respectively. Using path analysis, the factors affecting the success of the sports teams were surveyed. The results showed that both external financial support and Elite sport environment to the ensemble of respectively (0/189 , $P < 0/01$), (0/199 , $P < 0/05$) have significant effect on the sporting success. Also talent identification variable had a standardized coefficient about 0/348. The maximum effect was of sports participation with standardized coefficients the 0/035 and post-Career support with standardized coefficients the 0/134- the minimum direct effect in sporting success. Finally, sporting administrators and policy makers should notice these success factors and focus on them.

Key Words: Sporting Success, Elite Sport, Elite Sport Climate, Path Analysis and Coaches

A Study on Attitudes to Suicide, Euthanasia and Fear of Death (Case Study: 19-27 Year-old Kharazmi University Students)

Masoud Zamani Moghaddam

Ph.D. Student in Iraian Social Problems Sociology, Yazd University, Yazd, Iran

Moosa Afzalian Salami

Ph.D. Student in Development Sociology, Academic Member in Payam-e-Noor University, Khaf, Khorasanrazavi, Iran

Seyyed Hossein Serajzade

Ph.D., Associate Professor in Sociology, Kharazmi University, Tehran, Iran

Received: 26 Dec. 2015

Accepted: 21 Apr. 2016

Nowadays, young people particularly Iranian students are impressed by the features and elements of the modern world. Therefore, attitudes towards suicide, euthanasia and the fear of death have changed. This article studies their attitudes towards these phenomena according to their religiosity. This paper has been done by Interpretivism and interrogative strategy paradigm and qualitative methods. The data were collected from a sample of 19-27 year-old Students that were chosen both purposive and theoretically, through open-ended questions and in-depth interviews. They were analyzed by the application of grounded theory method. Outcomes and results show the centrality of religiosity of the students in their attitude toward suicide, euthanasia and the fear of death. Thus, the central issue is "religious-secular attitude toward suicide, euthanasia and the fear of death". The results show these factors affect the young students attitudes toward death: Religious status, family and attitude in the hereafter. Moreover, the consequences of these conditions create their attitudes to suicide, euthanasia and the fear of death.

Key words: Religiosity, Suicide, Euthanasia, Fear of Death and Grounded Theory

Sociological Explanation of Effective Factors on the Youth Attitude to Crime

(in Karaj Center of the Correcting and Training)

Zabihallah Sadafi

Ph.D., Assistant Professor, Departement of Social Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

Mohammad Valizadeh Kolivand

Master degree in Law Discipline, Tendency of the Criminal & Criminology, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

Received: 15 Feb. 2016

Accepted: 24 Apr. 2016

This paper is to explaine Effective Factors on the Youth Attitude to Crime Sociologically and based on the theory of I. Ajzen & M. Fishbein (1980). Based on survey research methods and according to written interview techniques (based on Rensis Likert questionnaire), we tried to refere to Alborz Center of the Correcting and Training (Sampling method appropriate to the environment and estimate the sample size by the Morgan). Among 83 young people (boys) imprisoned, about 73 people were interviewed based on Multiple regression analysis and regression Square equation. As the result, it can be explained 55% change at attitudes to crime, with the impact of continued preferential interactions, Place of crime, and migration motives. Therefore, 30% of this amount is regarding the Share (positive /rising) of preferential interactions, 17% regarding the Share (positive /rising) of incidence of crime, and 7% regarding the Share (positive /Collective) of migration motives. So, with emphasis on mechanisms of socialization (Family, school, friends, organizations and the media) and with Creation of the Sports capital, Entertainment venues, libraries, Cultural centers, Religious communities and appropriate training Advertising through Billboards, shopping center, Malls, and so on, we can prevent the process of crime.

Keywords: Attitudes to Crime, Preferential Interactions, Social Rupture, Place of Crime and Migration Natives

A Study on Social Factors Affecting Youth Hope to Future (Case Study: University Students in Yazd)

Hossein Afrasiabi

Ph.D., Assistant Professor in Sociology, Yazd University, Yazd, Iran

Fahimeh Khoobyari

Master degree in Sociology, Yazd University, Yazd, Iran

Shafie Ghodrati

Ph.D., Assistant Professor, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Khorasanrazaei, Iran

Saeid Dashtizad

Master degree in Sociology, Yazd University, Yazd, Iran

Received: 24 Feb. 2016

Accepted: 24 May 2016

Hope to future is a vital factor for social welfare, individual happiness and a source of social dynamism and progress. The study is to investigate the social factors affecting youth (university students in Yazd) hope to future. The research conducted in quantitative approach and research method was survey. Data gathered through a questionnaire answered by 450 students of Yazd city universities who were selected by random cluster sampling method. Descriptive results showed that youth's hope was upper than average scale and hope changed based on grade and field. Also, men reported more hope to future than woman. Semester, family income, professional identity, age and gender are the most important explanatory variables in hope to future for the sample. Proper planning can help students to recognize and strength the capabilities of belonging to the social role and hope to future and improve their success in life, education and employment.

Keywords: Hope, Social Capital, Culture Capital, Career Prospects and Professional Identity

Moral Typology in Young Girl's Tendency to Modeling

Soheila Sadeghi Fasai

Ph.D., Associate Professor, Faculty of Social Science, Tehran University

Somayeh Bolboli Qadikolai

Ph.D. Student in Sociology, Faculty of Social Science, Tehran University

Received: 31 May. 2016

Accepted: 3 Jul. 2016

This Paper is to study the relation between morality and deviation known as “modeling” among young girls in order to present moral typology. The paper applied qualitative methodology. Data gathering process was through deep and semi-structured interviews with 32 models at mazandaran center of fighting with organized cyber crimes. Data analyses were accomplished through thematic analysis method under qualitative methodological movement. Three moral types were found out of research: Preference Hedonists, Instrumentalists, and self-alien habitual. The first moral types become apparent with three different views: Expressive, motive-centered consequentialism and pure art. Some of them find hedonism in being famous, some of them in being specific, some of them in being visible, some of them in advising other women, some group in making opportunity for women, some of them in lack of body management, and some in cat-walking as a pure art. But agents with instrumental morality observe modeling merely as an instrument to attach some specific goals such as escape from garrison-like family, or revenge from solid religious structure of family and patriarchy. The young girls who classified as self-alien habitual are not in search of any specific goal and hedonism. Formation of alienation in such a group, makes modeling as a habitual action for them.

Keywords: Morality, Modeling, Preference Hedonists, Instrumentalists and self-alien Habitual

Youth Health: Investigating the Situation and its Challenges

Seyyed Mohsen Banijamali

Youth Studies Adviser, Strategic Studies and Research Center, Ministry of Sports and Youth, Tehran, Iran

Received: 1 Feb. 2016

Accepted: 21 Apr. 2016

This paper, applying meta-synthesis method, is designed to discuss main youth health issues in Iran.

The article, considering conceptual problems in defining "youth health", describes why young people's health situation has been deteriorated. It also investigates why young people, in spite of advances in welfare conditions, are not at the stage of health policies. It concludes young people's health behaviors are not at the priority of health policies.

In addition to conceptual problems in prioritizing "youth health", the article explores a disagreement between adults and young people on what really youth health is about. Since adults have the power to define and make policies, the article concludes that under these circumstances young people has been excluded from health welfare regimes.

After mentioning conceptual problems, the article, in a comparative sense, describes health related behaviors among young people. Both risk behaviors and health behaviors are expressed in details. The argument includes health knowledge, moral health, body image, physical activity, diet, eating disorders and dental health. It also consists of tobacco, cigarettes, alcohol and substance use. Citing these issues, the article reviews youth health behaviors in Iran.

Furthermore, the article discusses of determinants of health behaviors, pursuing to know which one, structural factors or human agency, better describes health situation among young people. Based on the facts, mentioned in the article, it has been approved that structural factors are yet the most important determinants of both states and statues of youth health. However it has been verified that effects of structural factors are changing due to the age of adolescents. It has been confirmed that while young people are growing up their lifestyle become more relevant in predicting their health situation.

Keywords: Youth, Youth Health, Health Concept, Health Challenges and Health Policies

A Study on Affecting Factors on Types of Risk of youth Social Life

Afsane Kamali

Asistat Professor in Sociology, Alzahra University, Tehran, Iran

Marzie Moosavi Khameneh

Asistat Professor in Sociology, Alzahra University, Tehran, Iran

Zeinab Abbasi

Master degree in Sociology, Alzahra University, Tehran, Iran

Received: 25 Jan. 2016

Accepted: 23 Apr. 2016

9

This research is to study the types of risks of young peoples, life in the present era. Risk is decisions that are taken at decisive moments. Risks were examined from different aspects. Then, social risks were chosen as the main theory. According to Ulrich Beck and Anthony Giddens, perspectives, social risk is the unintended consequence of decisions that takes place in conditions of awareness or non-awareness. Types of risks are high-risk behaviors, criminal behavior and illegal, social and economic risks and the risks of positive. Some of these risks have adverse effect on their lives and against, some of these risks can change their lives. Thus, if individuals are aware of the types of risks, they can show an appropriate response.

Sample population was 330 young people (30-18 years old) in the city of Tehran, and data were collected using survey method through the technique of questionnaire. The data were analyzed by SPSS software. The results showed that the variables of personal identity reflexivity, globalization and individualisation are the affecting factors on types of social risks. Some factors likely influence people's decisions and lead to undesirable consequences. The significant relationship between the variable of global crises and the social risks were not observed. In contrast, negative risks are of desirable consequences on individuals and can be considered as the engine of progress and development for any society or country. The results indicated that the positive risks had significant relationship with variable of globalization. Also there were Inverse relationship between positive risks and variables of personal identity reflexivity.

Keywords: Social risk, Globalization, Individualization, Global Crises and Personal Identity Reflexivity

Mahsa Mortezaeean / Master degree, Department of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sport Science, Alzahra University, Tehran, Iran

Shahab Parvinpoor / Ph.D., Assistant Professor, Department of Motor Behavior, Faculty of Physical Education and Sport Science, Kharazmi University, Tehran, Iran

..... 20

Determination of Urmia Citizens` Public Sport Needs, Regarding Sport Areas

Fateme Abdavi / Ph.D., Assistant Professor, Sport Mannagement, Tabriz Hniversity, Tabriz, Iran

Akram Mehdizadeh / Ph.D. Student in Sport Mannagement, Tabriz Hniversity, Tabriz, Iran

..... 22

Payam-e-Noor University, Khaf, Khorasanrazavi, Iran

Seyyed Hossein Serajzade / Ph.D., Associate Professor in Sociology, Kharazmi University, Tehran, Iran

..... 14

Application of Path Analysis Model in Explaining Indicators Influence Sports Teams Success in International Events

Gholam Reza Shabani Bahar / Ph.D., Associate Professor, Bu Ali Sina University, Hamedan, Iran

Nasrollah Erfani / Ph.D., Assistant Professor, Payam-e-noor University, Hamedan, Iran

Mahmoud Goodarzi / Ph.D., Full Professor, Tehran University, Tehran, Iran

Ali Monsef / Ph.D. Student in Sport Management, Bu Ali Sina University, Hamedan, Iran

..... 15

Evaluating the Barriers of Professional Ethics Growth of Players and Coaches of Iran Soccer Premier League

Zohreh Moosavi / Ph.D., Assistant Professor in Industrial Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Mehdi Salimi / Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran

..... 16

Identification of IRIB's Dysfunctions in Sports Area Using the Delphi Technique

Shahrzad Nayyeri / Ph.D., Assistant Professor, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Marjan Saffari / Ph.D., Assistant Professor, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

..... 18

Formation of National Sports Tribunal in the Light of Sport's Dispute Resolution

Amir Saed Vakil / Ph.D. in International Law, Allameh Tabatabaie University, Attorney at Law, Tehran, Iran

Amir Arsalan Eskandari / Master degree Student in International Law, University of Tehran, Tehran, Iran

..... 19

The Comparison of Aerobic Power and Mental Health Factors among Active, Sedentary and Mountaineer Elder People

Asal Rajayan / Master degree, Department of Exercise Physiology, Faculty of Physical Education and Sport Science, Payam-e-Noor University, Tehran, Iran

Hadi Zahedi / Ph.D. student, Department of Exercise Physiology, Faculty of Physical Education and Sport Science, Islamic Azad University, Tehran, Iran

CONTENTS

A Study on Affecting Factors on Types of Risk of youth Social Life

Afsane Kamali / Asistat Professor in Sociology, Alzahra University, Tehran, Iran

Marzie Moosavi Khameneh / Asistat Professor in Sociology, Alzahra University, Tehran, Iran

Zeinab Abbasi / Master degree in Sociology, Alzahra University, Tehran, Iran

9

Youth Health: Investigating the Situation and its Challenges

Seyyed Mohsen Banijamali / Youth Studies Adviser, Strategic Studies and Research Center, Ministry of Sports and Youth, Tehran, Iran

10

Moral Typology in Young Girl's Tendency to Modeling

Soheila Sadeghi Fasai / Ph.D., Associate Professor, Faculty of Social Science, Tehran University

Somayeh Bolboli Qadikolai / Ph.D. Student in Sociology, Faculty of Social Science, Tehran University

11

A Study on Social Factors Affecting Youth Hope to Future (Case Study: University Students in Yazd)

Hossein Afrasiabi / Ph.D., Assistant Professor in Sociology, Yazd University, Yazd, Iran

Fahimeh Khoobyari / Master degree in Sociology, Yazd University, Yazd, Iran

Shafie Ghodrati / Ph.D., Assistant Professor, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Khorasanraza, Iran

Saeid Dashtizad / Master degree in Sociology, Yazd University, Yazd, Iran

12

Sociological Explanation of Effective Factors on the Youth Attitude to Crime (in Karaj Center of the Correcting and Training)

Zabihallah Sadafi / Ph.D., Assistant Professor, Departement of Social Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

Mohammad Valizadeh Kolivand / Master degree in Law Discipline, Tendency of the Criminal & Criminology, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

13

A Study on Attitudes to Suicide, Euthanasia and Fear of Death (Case Study: 19-27 Year-old Kharazmi University Students)

Masoud Zamani Moghaddam / Ph.D. Student in Iraian Social Problems Sociology, Yazd University, Yazd, Iran

Moosa Afzalian Salami / Ph.D. Student in Development Sociology, Academic Member in

Editorial Board:

Kiumarth Ashtarian

Associate Professor of Political Science Department, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran

Mohammad Javadi pour

Assistant Professor of Educational Management and Planning Department, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran

Seyyed Nasrollah Sadjadi

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran

Mahdi Taleb pour

Associate Professor of Movement Behavior Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Ferdowsi

Mohammad Hossain Abdollahi

Associate Professor of Psychology Department, Faculty of Psychology and Education, University of Kharazmi

Farzad Ghafouri

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Allameh

Mohammad Kashti dar

Associate Professor of Physical Education and Sport Sciences Department, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Birjand

Mahmood Golzari

Associate Professor of Clinical Psychology Department, Faculty of Psychology and Education, University of Allameh

Amir Maleki

Associate Professor of Social Sciences Department, Payam-e- Noor University

Habib Honari

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Allameh

Quarterly of
**STRATEGIC STUDIES ON
YOUTH AND SPORTS**

No.31.Spring 2016

Concessionaire:

Ministry Of Sports and Youth

Director:

Mohammad Reza Fazli

Editor-in-Chief:

Seyyed Nasrollah Sadjadi

Office Manager:

Zahra Kamalian

Typist:

Pardis vahebzadeh

Publication:

Tehran University of Art Press

**Ministry Of Sports And Youth
Strategic Studies And Research Center**

Add: No.4. Sayeh St. Afriqa Blvd. Tehran, Iran

Tel:+98(21)22662369

Fax: +98(21)22662260

E- mail: strategic.studies@msy.gov.ir

*In The Name Of Allah
The Beneficent and the
Merciful*